

رجال عصر پهلوی ۱۴

هژبر یزدانی

به روایت اسناد ساواک



مرکز بررسی اسناد تاریخی



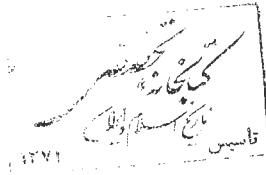
مرکز بررسی اسناد تاریخی
www.historydocuments.org

شابک ۸-۳۱-۸۱۲۵-۹۶۴
ISBN 964-8145-31-8

قیمت : ۲۵۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رجال عصر پهلوی
به روایت اسناد ساواک
هژبر یزدانی



مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

زمستان ۱۳۸۴

هژبر یزدانی [ندوین گروه نویسندگان مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات]. -- تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴.
۵۰۰ ص. -- (رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک؛ [ج ۱۴])
ISBN ۹۶۴ - ۸۱۴۵ - ۳۱ - ۸ - ۲۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- اسناد و مدارک. ۲. یزدانی، هژبر، ۱۳۱۳ - ۳. سازمان اطلاعات و امنیت کشور - اسناد و مدارک. الف، ایران. وزارت اطلاعات. مرکز بررسی اسناد تاریخی، ب، فروست.
۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲ DSR ۱۴۸۵ / ر ۳
ج. ۱۴
کتابخانه ملی ایران
۸۴ - ۵۷۲۰ م

شناسنامه :

رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک

هژبر یزدانی

ناشر : مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول : زمستان ۸۴

شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

شابک : ۸ - ۳۱ - ۸۱۴۵ - ۹۶۴

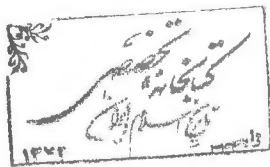
ISBN : 964 - 8145 - 31 - 8

<http://WWW.historydocuments.Org>

E - mail: Cihd@.historydocuments

قیمت : ۲۵۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
پنج	پیشگفتار
یازده	مقدمه
۱	اسناد
۳۳۱	فهرست اعلام
۴۴۹	ضمائم
۴۵۹	عکس ها

پیشگفتار

شناخت رویدادها و اتفاقات تاریخی ممکن نیست، مگر با کسب آگاهی از نحوه زندگی و چگونگی ظهور و سقوط رجال و عناصر مهم و کلیدی و تأثیرگذار در هر دوره و مقطع تاریخی مشخص، بی‌گمان نقش رجال در بروز و پیدایش حوادث و جریانات تاریخی انکارناپذیر و غیرقابل تردید است و تاریخ‌نگاری موضوعات تاریخی بدون در نظر گرفتن نقش مهره‌های اساسی و بنیادی، کاری بس عبس، ناقص و ابتر خواهد بود. از آن جا که این مرکز در راستای ایفای نقش حساس و مبنایی خود در انتشار اسناد تاریخی مربوط به تاریخ معاصر کشور و به ویژه رژیم منحوس پهلوی، بدین مطلب امعان نظر داشته و در گذشته نیز به نشر سندهای تنی چند از رجال و عناصر کلیدی این رژیم دست یازیده و تحت عنوان (رجال عصر پهلوی) حدود ۱۰ مجلد را به زیور چاپ آراسته است، در این رهگذر بر آن شد که به معرفی سیمای فردی از وابستگان و عناصر مهم و تأثیرگذار در صحنه اقتصادی رژیم گذشته بپردازد. کسی که با حمایت دربار پهلوی و مهره‌های نفوذی وابسته به فرقه ضاله بهائیت در دربار شاهنشاهی، همچون، امیرعباس هویدا و سرلشکر ایادی از سویی و شاهپورهای پهلوی مانند، عبدالرضا و محمودرضا از طرف دیگر، از یک حشم دار و چویدار ساده به غول افسانه‌ای اقتصادی در این رژیم بدل شود. کسی که می‌توانست تمام پولدارهای رژیم شاهی را یکجا بخرد و یا با مراجعه و کشیدن چک، یک بانک مهم و پر سرمایه، مانند بانک ایرانیان را یکجا ببلعد و بدون داشتن هیچ سمت و پست دولتی همواره با دو محافظ مسلسل بدست در سطح شهر و در ادارات و سازمان‌های دولتی و خصوصی آزادانه تردد نماید و هر که را بخواهد بخرد و یا با روش‌های عدوانی و ترور از سر راه خود بردارد، بلی، این فرد کسی نیست جز هژبر یزدانی، گوسفندچران کم سواد که از زاغه‌های پراکنده در سنگسر از توابع سمنان به میلیارد و تاجری به نام و پرآوازه در پایتخت مبدل گشت و لیست کارخانه‌ها، شرکت‌های زراعی و دامپروری، واحدهای

صنعتی و تولیدی و زمین‌های کشاورزی و دام‌های وی به طوماری بلند بالا می‌ماند که حفظ نمودن آن کاری بس دشوار و ناممکن می‌نمود. در این ره‌آورد، سعی گردیده تا با ارائه اسناد ساواک درخصوص اقتصاد رژیم پهلوی و چگونگی رشد و توسعه و نفوذ بهائیان در این دربار که وابستگی‌اش به این مذهب ساختگی غیرقابل انکار است، به طور مستند و دقیق پرداخته شود. البته ذکر این نکته ضروری است که آن چه که روایت شده، تنها بخش کوچکی از واقعیت و حقایق تلخ رخ داده در صحنه اقتصاد است که دلیل آن فقد سند کافی است. به دیگر سخن، آن چه که برجای مانده ارائه شده و حتی‌المقدور کوشش شده از ارائه تحلیل و نظریه و قضاوت غیر مستند خودداری و تنها آن چه که مبتنی بر اسناد است، آورده شود. البته برای آشنایی و آگاهی بخشی به مخاطبین عزیز ذکر چند نکته ضروری است که در ذیل بدان اشاره شده است.

۱- از مجموع سندهای ساواک که به هر نحوی مربوط به هژیر یزدانی می‌شده بهره‌برداری شده است و تدوین‌گران، بنای حذف سندی نداشته‌اند مگر در این موارد:

الف - سندهای تکراری

ب - بین اسناد دست‌نویس و تایپ شده که مشابه هم بوده‌اند، سندهای تایپ شده انتخاب شده است. در مواردی که نسخه تایپ شده یافت نشده، از سند دست‌نویس استفاده شده است.

ج - در میان سندهایی که محتوای تکراری داشته‌اند، اولویت به سندی داده شده است که حجم بیشتری از جزئیات حادثه را در خود داشته است.

۲- در چینش سندها اولویت با تاریخ گزارش بوده است. بنابراین قبل از این که تاریخ وقوع، تاریخ رسیدن خبر به منبع و... مدنظر باشد، تاریخ تنظیم گزارش توسط بخش گزارش‌کننده، مدنظر بوده است.

۳- حروف چینی سندها مطابق نگارش اصل بوده و هیچ تغییری در جمله‌نویسی آن‌ها داده نشده است. فقط در مواردی که کلمه، تعبیر، تاریخ و یا مضمون سندی اشتباه بوده، در پاورقی (توضیح) یا در متن سندها (بین دو قلاب) تذکر داده شده است.

۴- در مورد اعلام، وقایع و یا محتوای هر سند در صورتی که اطلاعات و توضیحاتی موجود بوده، به صورت پانویس درج گردیده است. معمولاً منابع و مأخذ پانویس‌ها ذکر شده و نظرات و تحلیل‌های متضاد از آن‌ها نیز به صورت رمز و مستعار می‌باشند. کلمات رمز به کار رفته در ابتدای نظریه‌ها که در همه اسناد به صورت ثابت تکرار شده‌اند، معمولاً اسامی روزهای هفته است و منظور از آن‌ها به شرح ذیل است:

نظریه شنبه: نظریه منبع نفوذی ساواک (گزارشگر) است که از طریق مشاهده مستقیم یا از راه‌های

دیگر کسب خبر نموده و ارائه شده است.

نظریه یکشنبه: نظریه رهبر عملیات است که پس از گزارش منبع نفوذی آن را تأیید و یا تحلیل می‌کند. رهبر عملیات مسئولیت مستقیم کنترل منبع و هدایت وی را بر عهده دارد.

نظریه دوشنبه: نظر رئیس دایره عملیات است.

نظریه سه‌شنبه: نظریه امنیت داخلی است. و در اداره کل، رئیس بخش است.

نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه و در اداره کل، رئیس اداره است.

۵- از حروفچینی سربرگ‌سندها خودداری شده و صرفاً به ذکر مقصد، مبدأ، تاریخ، شماره و موضوع آن اکتفا شده است. هم‌چنین نوع طبقه‌بندی سندها (محرمانه، خیلی محرمانه و سری) نیز نیامده است. علت این امر آمدن اصل اسناد در صفحات مورد نظر بوده است. به طوری که با مراجعه به خود سربرگ سندها اطلاعات مورد نیاز در این زمینه قابل دسترسی است.

۶- در سربرگ سندها برخی علائم با رمز آمده است. از جمله آن‌ها مبدأ و مقصد نامه‌ها و یا گزارشات است که منظور از رمزها به این شرح است:

۱ هـ (ساواک گیلان)، ۲ هـ (ساواک مازندران)، ۳ هـ (ساواک آذربایجان شرقی)، ۴ هـ (ساواک آذربایجان غربی)، ۵ هـ (ساواک کرمانشاه)، ۶ هـ (ساواک خوزستان)، ۷ هـ (ساواک فارس)، ۸ هـ (ساواک کرمان)، ۹ هـ (ساواک خراسان)، ۱۰ هـ (ساواک اصفهان)، ۱۱ هـ (ساواک سیستان و بلوچستان)، ۱۲ هـ (ساواک کردستان)، ۱۳ هـ (ساواک همدان)، ۱۴ هـ (ساواک سمنان)، ۱۵ هـ (ساواک لرستان)، ۱۶ هـ (ساواک بوشهر)، ۱۷ هـ (ساواک هرمزگان)، ۱۸ هـ (ساواک کهگیلویه و بویراحمر)، ۱۹ هـ (ساواک چهارمحال بختیاری)، ۲۰ هـ (ساواک تهران)، ۲۱ هـ (ساواک قم)، ۲۲ هـ (ساواک اراک)، ۲۳ هـ (ساواک قزوین)، ۲۴ هـ (ساواک ایلام)، ۲۵ هـ (ساواک زنجان)، ۲۶ هـ (ساواک یزد) بوده‌اند.

۷- هم‌چنین مبدأ یا مقصد نامه‌ها و گزارشات مربوط به اداره کل سوم (امنیت داخلی) به اعداد رمز عنوان شده است. اداره کل سوم از ۷ بخش تشکیل می‌شده که عبارت بودند از: «(۱) مدیریت اداره کل سوم (۲) اداره یکم عملیات و بررسی (۳) اداره دوم عملیات و بررسی (۴) اداره سوم کل سوم (۵) اداره چهارم کل سوم (۶) اداره پنجم کل سوم (۷) اداره ششم کل سوم».

اجزاء اداره یکم عملیات و بررسی شامل:

۳۱۰ (دفتر اداره یکم عملیات و بررسی)، ۳۱۱ (بخش احزاب و دستجات کمونیستی)، ۳۱۲ (بخش احزاب و دستجات سیاسی و مذهبی افراطی)، ۳۱۳ (بخش هدف‌های تازه و فعالیت‌های مربوط به عرب زبانان ناراحت و بلوچ‌های حاد ایرانی)،

اجزاء اداره دوم عملیات و بررسی شامل :

۳۲۰ (دفتر اداره دوم عملیات و بررسی)، ۳۲۱ (بخش دانشگاه تهران)، ۳۲۲ (بخش دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تهران)، ۳۲۳ (بخش دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی استان‌ها و شهرستان‌ها) و ۳۲۴ (بخش آموزش و پرورش و مدارس در تهران، استان‌ها و شهرستان‌ها) بوده است.

اجزاء اداره سوم کل سوم شامل :

۳۳۰ (دفتر اداره سوم کل سوم)، ۳۳۱ (بخش ممالک اسکاندیناوی و اروپای شرقی)، ۳۳۲ (بخش کشورهای اروپای غربی)، ۳۳۳ (بخش آمریکا، کانادا، آمریکا جنوبی و مرکزی) و ۳۳۴ (بخش خاورمیانه و کشورهای غربی و ممالک قاره آسیا و آفریقا) بوده است.

اجزاء اداره چهارم کل سوم شامل :

۳۴۰ (دفتر اداره چهارم کل سوم)، ۳۴۱ (بخش احزاب و دستجات راست، انجمن‌ها و اتحادیه‌های دولتی و خصوصی)، ۳۴۲ (بخش وزارتخانه و ادارات و سازمان‌های دولتی)، ۳۴۳ (بخش کارگری)، ۳۴۴ (بخش اصناف و بازرگانان)، ۳۴۵ (بخش کشاورزی و امور زراعی)، ۳۴۶ (بخش عشایر و قاچاق اسلحه و مهمات و کالا)، ۳۴۷ (بخش جراید، سینما و تلویزیون)، ۳۴۸ (بخش نارضایتی‌های عمومی) و ۳۴۹ (بخش روابط عمومی) بوده است.

اجزاء اداره پنجم کل سوم شامل :

۳۵۰ (دفتر کل اداره پنجم کل سوم)، ۳۵۱ (بخش دکترین و آموزش و سازمان وظایف رهبران عملیات امنیت داخلی)، ۳۵۲ (بخش سانسور و کنترل مکاتبات) و ۳۵۳ (بخش منابع و مأموران و گروه‌های تعقیب و مراقبت) بوده است.

اجزاء اداره ششم کل سوم شامل :

۳۶۰ (دفتر اداره ششم کل سوم)، ۳۶۱ (بخش فیش)، ۳۶۲ (بخش بایگانی) و ۳۶۳ (بخش بررسی و تجزیه) بوده است.

در پایان صفحات اسناد، چند بخش شامل: بخش ضمیمه که حاوی سندهایی است که در حاشیه سندهای متن قرار داشته و بدین لحاظ جهت تکمیل مستندسازی حوادث و اتفاقات طرح شده در موضوع کتاب به طور منظم در این جا آورده شده است. بخش تصاویر که شامل عکس‌های مربوط به فرد و یا موضوعات مرتبط با متن اسناد کتاب است، بخش فهرست اعلام شامل: اشخاص، اماکن، کتب و مطبوعات، احزاب و گروه‌ها، فرق و ادیان و مکاتب می‌باشد. این فهرست در بردارنده اعلام متن سندها و پانوشته‌های مندرج در ذیل آن‌ها می‌باشد.

امید است که انتشار این مجموعه از اسناد بتواند در روشنگری و آگاهی بخشی به جامعه و بویژه به نسل جوان و انقلابی مفید فایده افتد، از مخاطبین محترم درخواست دارد از نظرات و انتقادات سازنده خود این مرکز را بهره‌مند سازند تا با بهره‌گیری از نکته‌ها و تذکرات ارائه شده توسط شما بزرگواران در هر چه بهتر ارائه نمودن آثار بعدی نهایت بهره را برده باشیم.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

مقدمه

هژیراله یزدانی فرزند رضاقلی، مادرش با نام شهربانو، متولد ۱۳۱۳ش در سنگسر^۱ از توابع سمنان، از جمله عناصر مهم و کلیدی در صحنه اقتصادی رژیم پهلوی است که با حمایت بهائیان و دربار پهلوی به ثروتی مثال‌زدنی و بی‌مانند رسید. از دوران کودکی و نوجوانی وی اطلاع زیادی در دسترس نمی‌باشد. مادر فرح پهلوی وی را چنین توصیف نموده است:

«هژیر یزدانی در حلقه‌ی دوستان و نزدیکان شمس پهلوی قرار داشت. من بارها، هژیر را با آن صورت گوشت آلود و هیکل خپله و قد کوتاه در میهمانی‌های کاخ مهرشهر دیده بودم. از نظر من، به یک کدو حلوائی شبیه بود که از طرفین آن دوزاویه به نام دست بیرون آمده باشد! به انگشتان دستش انگشتی‌های گرانبها داشت که یک فقره‌ی آن انگشتی الماس به ارزش پنج میلیون دلار بود! (الماس روی این حلقه انگشتی که از الماس‌های استثنایی و جزو ۲۰ الماس بزرگ دنیا بود، در یکی از معادن الماس آفریقای جنوبی کشف شده و هژیر آن را از یک حراجی در لندن خریده بود).»^۲

تحصیلات ابتدایی خود را از کلاس اول تا پنجم در تهران در دبستان زند و کلاس ششم ابتدایی را در دبستان جمشید جم و دوره متوسطه را تا کلاس پنجم در دبیرستان فیروز بهرام و دیپلم متوسطه را با یک سال تجدید تحصیلی از دبیرستان مدرس اخذ کرد.^۳

پدرش گله‌داری ساده بود و مدتی هم به عنوان چریک دولتی در دوره رضاخان در خدمت ارتش بوده

است.^۴

۱- نام کنونی این شهر، مهدیشهر می‌باشد.

۲- خاطراتی از خاندان پهلوی، ص ۳۲۳.

۳- اسناد همین کتاب، ص ۱۳.

۴- همان، ص ۱۴.

هژبر دوبار ازدواج کرد، یکی در سال ۱۳۳۱ با زنی به نام بهمنه درخشانی، که بهایی بود و ازدواج هم به رسم بهائیان انجام شد و دومی در فروردین ۱۳۴۵ با خانمی به اسم فاطمه جلالی عراقی که یک زن مسلمان بود ولی باز هم سند ازدواج توسط لجنه بهایی صادر شده است.^۵

یزدانی صاحب سه پسر به اسمی: کیومرث، نادر و کاوه و سه دختر به نام‌های: لیلی، نسرين و کتایون بود و بخش عمده‌ای از سهام کارخانجات و شرکت‌های زراعی، دامداری و صنعتی خود را در مناطق سنگسر، گرگان، زرنده ساوه و تهران را به نام فرزنداناش کرده بود تا از پرداخت مالیات فرار کند.^۶

هژبر، از گله‌داری تا غول اقتصادی

هژبر، مانند پدرش، کار خود را با گله‌داری در سنگسر آغاز نمود و کم‌کم با خرید دام و از یاد آن و کار در کشتارگاه تهران و بدست آوردن نفوذ در این محل و بهره‌گیری از حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ جامعه بهائیان از سویی و طرفداری و حمایت دربار پهلوی (عبدالرضا، محمودرضا و شمس پهلوی) و جانبداری همه جانبه عبدالکریم ایادی (پزشک مخصوص شاه) و عنصر مشهور و کلیدی بهائیان در دوره پهلوی از طرف دیگر، با خرید سهام کارخانجات و شرکت‌های مختلف به ثروتی افسانه‌ای و بی‌مانند دست یافت. البته افراد زیادی در صنف و رده هژبر در دوره زمانی رشد اقتصادی وی حضور داشتند، لیکن وی بیشتر به این لحاظ که سیاست جامعه بهائیان این بود که نبض سیستم اقتصادی کشور را در زمینه‌های بنیادی و به ویژه، نان، گوشت، قند و شکر، امور زراعی و دامپروری و صنعت در اختیار داشته باشند، از طرفی هم ورود آنان به طور رسمی و تحت عنوان یک فرقه ضاله و ضد مذهب رسمی کشور چندانی محلی از اعراب نداشت، لذا بر آن شدند که این کار را به دست مردی از هواداران خود انجام دهند و با در اختیار قرار دادن سرمایه مؤسسه مالی بهائیان به هژبر یزدانی یک باره او را از گله‌داری جزو به تاجری بزرگ مبدل کردند.

در این خصوص، زهرا محمد حسین زاده عراقی همسر جهانبخش انهاری، دوست و همکار هژبر، چنین بیان می‌دارد:

«هژبر یزدانی کسی نبود، چیزی نداشت، گله‌داری در سنگسر بیش نبود. او با حمایت بهائیان و عبدالکریم

ایادی صاحب این همه ثروت شد.»^۷

حسین فردوست هم حمایت ایادی از هژبر را از عوامل مهم و مؤثر در رسیدن به قدرت اقتصادی بر

۵- همان، ص ۹۶.

۶- همان، ص ۵۴.

۷- فصلنامه مؤسسه تاریخ معاصر ایران، ش ۱۷، ۱۳۸۰، ص ۹۰.

می‌شمارد و در خاطرات خود می‌نویسد:

«هژیر یزدانی با حمایت ایادی به قدرتی تبدیل شد و اراضی وسیعی را در باختران و مازندران و اصفهان و غیره در اختیار گرفت و برای من معلوم شد که تمام این وجوه متعلق به بهائیت است و این معاملات را یزدانی برای آنها ولی به نام خود انجام می‌دهد.»

فردوست همچنین در مورد چگونگی و میزان قدرت وی در معاملات می‌نویسد:

«چند مورد از معاملات یزدانی را شخصاً شنیدم، یک روز ابتهاج، مدیرعامل بانک ایرانیان، به من تلفن کرد که از این پس در بانک ایرانیان سمتی ندارد و تمام سهام بانک و ساختمان و وسایل آن به هژیر یزدانی فروخته شده است. یک روز هم سمیعی رئیس بانک توسعه کشاورزی، به من شکایت کرد که فرد بی‌تریتی با دوگارد مسلح به مسلسل بدون اجازه وارد دفتر کارم شده و گفته که نامش یزدانی است و می‌خواهد سهام بانک با ساختمان و وسایل به او واگذار شود! سمیعی پاسخ داده که این امر منوط به اجازه وزارت کشاورزی و تصویب دولت است. یزدانی با خشونت جواب داده که ترتیب آن را می‌دهم.»^۸

در جای دیگر فردوست در مورد حمایت بی‌دریغ دربار پهلوی از هژیر چنین می‌نویسد:

«در حوالی سال ۱۳۵۴ شکایتی از معینیان رئیس دفتر مخصوص شاه به دستم رسید، مبنی بر این که هژیر یزدانی در سنگسر به مراتع چوپان‌ها تجاوز کرده و برای آنان مزاحمت ایجاد می‌کند. محمدرضا دستور داده بود که تحقیق و گزارش شود. دو افسر خود را به همراه عکاس ساواک به منطقه اعزام کردم. در مراجعت، گزارش آنان حاکی از این بود که اهالی ده مرزن‌آباد در ارتفاعات سنگسر همه بهائی هستند و رئیس آنها هژیر یزدانی است و آنها همه مراتع ده مجاور را، که مسلمان‌نشین است، به زور تصرف کرده‌اند. مدارک مستند جمع‌آوری شد و آلبومی نیز تهیه و ضمیمه گزارش شد و مستقیماً به اطلاع محمدرضا رسید. فردای آن روز سپهبد ایادی تلفن کرد و گفت شاه گزارش را به من نشان داده، گزارش سراپا مغرضانه است و به شاه گفتم و ایشان دستور داد که مجدداً هیئت بی‌غرضی را اعزام دارید! پاسخ دادم که گزارش هیئت مستند است و اعزام مجدد مفهومی ندارد و افزودم که شاه می‌خواهد یزدانی به مناطق چرای دیگران تجاوز کند من که مدعی نیستم. به هر حال یزدانی به کار خود ادامه داد.»^۹

هژیر سعی داشت تا با جلب توجه شاه، فرح پهلوی و خاندان پهلوی به طور اعم، نفوذ خود را بیش از پیش افزایش دهد. از این رو به مناسبت‌های مختلف جشن و سرور و اعیاد متفاوت با ارسال هدایای گرانبها برای آنان موجبات رسیدن به هدفش را دنبال می‌کرد،

۸- همان، ص ۳۷۶.

۹- همان، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.

موارد عدیده‌ای وجود دارد که در این جا به ذکر چند خاطره از درباریان رژیم گذشته بسنده شده است. مادر فرح پهلوی در این خصوص می‌گوید: «هژیر از بهائیان سرشناس ایران بود، بهائیان ثروت و سرمایه خود را به او سپرده بودند و هژیر با این سرمایه کار می‌کرد. تخطی و خلاف کاری و قانون شکنی او به اندازه‌ای بود که وقتی تصمیم به احداث یک مجتمع دامداری در سنگسر گرفت، همه روستائیان و زمین داران مسلمان را بازور از آن منطقه اخراج و زمین هایشان را تصاحب کرد. هژیر علاوه بر دامداری، بانکداری و سرپرستی صنایع و کشاورزی، قاچاق جواهر و طلای ایران را عهده دار بود. بر هیچ کس پوشیده نبود که هژیر نمی‌تواند بدون داشتن پشتوانه‌ای قوی به راحتی محموله‌های گرانمای خود را از مبادی ورود و خروج کشور عبور دهد. محمدرضا برای آن که متهم به حمایت از بهائیان نشود، هرگز هژیر را به میهمانی‌ها و محافل و مجالس خود راه نمی‌داد. فرح هم از او انزجار داشت. زمانی هم که به مناسبت سالروز تولد فرح، یک رشته جواهر عتیقه متعلق به کاترین دوم (امپراتریس روسیه) را به عنوان هدیه فرستاد، فرح از قبول آن امتناع کرد. چند هفته بعد، این رشته جواهر را برگردن و لباس شمس دیدیم و متوجه شدیم، هژیر برای آن که به دخترم دهن کجی کرده باشد، جواهرات را به شمس بخشیده است.»^{۱۰}

یا در نامه‌ای که از دفتر مخصوص فرح برای هژیر ارسال گردیده، در این خصوص آمده است:

«جعبه سیگار طلا با تاج برلیان زمرد تقدیمی جناب عالی از پیشگاه مبارک علیاحضرت شهبانوی ایران گذشت. حسب الامر، مراتب خوشوقتی معظم له ابلاغ می‌گردد. ضمناً در اجرای اوامر صادره، چون قوطی سیگار قدیمی مربوط به دوره پهلوی است عیناً به وزارت فرهنگ و هنر فرستاده شد که با ذکر نام اهداءکننده در موزه پهلوی واقع در کاخ مرمر حفظ و نگهداری کنند.»^{۱۱}

و یا در نامه دیگری که از جانب ارتشبد غلامرضا ازهاری، رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران به هژیر یزدانی نوشته شده، آمده است:

«آقای هژیر یزدانی، مجلس ضیافت مجلل و باشکوهی که به مناسبت زاد روز خجسته والاحضرت همایون ولایتعهد ایران در هتل هیلتون ترتیب داده بودید و در آن چند صد نفر مورد پذیرایی گرم و شایان توجهی قرار گرفته عشق شدید جنابعالی را نسبت به سلسله جلیله پهلوی که همگی هر چه داریم از آنهاست می‌رساند و این احساسات در خور هرگونه تقدیر و تقدیس می‌باشد. لذا وظیفه نظامی خود دانستم که مراتب را به شرف عرض مبارک شاهانه برسانم و اجازه بگیرم که از این احساسات گرم و بی شائبه جناب عالی کتباً قدردانی نمایم که این اجازه را مرحمت فرمودند و خوشوقتم که بدین وسیله مراتب سپاس و تشکر خود را به

۱۰- خاطراتی از خاندان پهلوی، ص ۳۲۳ و ۳۲۴

۱۱- فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸، ص ۱۶.

جناب‌عالی اعلام و...^{۱۲}

هژبر با پهن کردن دام احسان و ریخت و پاش برای درباریان و افراد ذی نفوذ در صحنه‌های سیاسی، نظامی و اقتصاد رژیم پهلوی سعی در گسترش هر چه بیشتر نفوذ خود و در واقع قوت گرفتن روزافزون بهائیت در این زمینه بود. او که با حمایت مستقیم و علنی و بی‌چون چرای سپهبد ایادی کار خرید و توسعه شرکت‌های زراعی، دامپروری و صنعتی را پیش می‌برد، کم‌کم وارد صحنه بانکداری کشور نیز گردید و با در اختیار داشتن سرمایه عظیم و بی‌مانند به خرید و اضافه نمودن این کارخانجات و واحدهای صنعتی می‌نمود. چه سیاست اقتصادی رژیم پهلوی با نفوذ هر چه بیشتر بهائیان در این زمینه موافق و هماهنگ بود و هیچ سد و مانعی در مقابل هژبر قرار نداشت که او با اشاره انگشتی به حامیان خود در دربار پهلوی آن را از میان بر ندارد. لذا به سهولت به چنین هدفی دست یافت. در این مورد، اکثریت افراد مؤثر و مهره‌های کلیدی راهبرنده نظام شاهنشاهی با نفوذ بهائیان در ایران و به ویژه در صحنه اقتصادی موافق بودند، حتی خود محمدرضا پهلوی نسبت به نفوذ بهائیان حساسیت نداشت، بلکه خود او صراحتاً گفته بود:

«افراد بهائی در مشاغل مهم و حساس مفیدند چون علیه من توطئه نمی‌کنند.»^{۱۳}

عبدالکریم ایادی که جز محارم خاص شاه بود و محمدرضا تمامی مسائل را با وی در میان می‌گذاشت و از او مشورت می‌گرفت در قدرت‌یابی هر چه وسیع‌تر و سریع‌تر بهائیان نقش اساسی داشت. او وسایل تحصیل جوانان بهائی را فراهم می‌کرد و بخش‌های مهمی از فعالیت‌های اقتصادی در بخش خصوصی در اختیار آنان قرار می‌گرفت. لذا در چنین موقعیتی، هژبر توانست صاحب کارخانه‌ها و مراکز تولیدی فراوانی شود. به هر حال تبدیل شدن هژبر از یک گله‌دار ساده در سنگسر به یک قطب اقتصادی، ریشه در اوضاع نابسامان اقتصادی و نظام بانکداری بیمار ایران طی سال‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۵۰ داشت. هژبر در خرید کارخانجات و شرکت‌های مختلف از اعتبارات کلانی که از شعب مختلف بانک ملی ایران و سایر بانک‌ها دریافت می‌نمود، بهره می‌جست، با وجود این‌گونه بهره‌برداری از اعتبار، غیرقانونی و غیرمجاز بود، با این عمل شرکت‌های وابسته به هژبر به بانک‌ها مبالغ هنگفتی بدهکار می‌شدند، لیکن در هیچ یک از موارد، بانک‌ها پیگیری جدی برای وصول مطالبات نمی‌کردند و این بدهی‌ها طی مدت طولانی باقی می‌ماند و هیچ مرجع قانونی هم مسئله را دنبال نمی‌کرد و لذا یکی از عوامل مؤثر و مهم دیگر در مبدل‌سازی هژبر گله‌دار به هژبر میلیونر، همین مسئله استفاده از رانت‌های اقتصادی و سوءاستفاده از تسهیلات بانکی بود. آن چه که از بررسی اسناد ساواک و سایر اسناد دربار شاهنشاهی منتج می‌شود، این

۱۲- همان، ص ۱۵.

۱۳- همان، ص ۱۵.

است که هژبر با خرید هر کارخانه یا شرکت، بلافاصله در نحوه اداره آن با گذشته تغییراتی ایجاد می نمود و با این کار، در اخذ تسهیلات بانکی نسبت به گذشته، پیشرفت قابل ملاحظه ای بوجود می آمد. و در تمامی موارد اخذ تسهیلات، در جانبداری و تعلل در وصول مکاتبات و بی توجهی حتی به گزارش مأموران اطلاعات بانک صورت می گرفته است و این امر مؤید این واقعیت است که شعب بانک ملی و اداره اعتبارات بانک در خصوص اعطای اعتبار به هژبر نظر خاصی داشتند و وضع معاملاتی و بدهی های او را نادیده می گرفتند.^{۱۴}

هژبر بابت معاملات مختلف، وام هایی با بهره های متفاوت از ۵٪ تا ۱۲٪ اعتبار در حساب جاری دریافت می کرد و بانک ملی و ادارات امور اقتصادی و دارایی بر آن کنترلی نداشتند تا مصرف واقعی این اعتبارات و وام ها را مورد رسیدگی و بررسی قرار دهند، زیرا در همه جا، وی از ارائه دفاتر و اسناد مالی خودداری می کرد. علاوه بر آن با ایجاد تغییراتی در اساسنامه شرکت ها زمینه را طوری فراهم می ساخت که راه هرگونه معامله ای باز باشد و هرگونه وجهی که به عنوان وام و یا اعتبار از بانک دریافت می کرد به نحو دلخواه به مصرف می رساند. مهمتر این که نحوه معاملات و خرید سهام شرکت ها از طرف او صورت خاصی داشت، بدین ترتیب که سهام اشخاص را با پرداخت وجوهی که از اعتبارات خود استفاده می کرد به نام خود و فرزندانش می خرید و با تشکیل شرکت خانوادگی تعداد سهام را افزایش می داد و با میزان افزایش سهام و سرمایه از بانک ها اعتبار دریافت می کرد.

این روش غیرقانونی در شرکت کفش اطمینان که سرمایه آن از ده میلیون ریال به یک صد میلیون ریال به طور صوری ترقی داده شد و به همان میزان هم اعتبار دریافت کرد، نمونه ای بارز از شگردهای هژبر بود و در سایر شرکت های او نظیر: شرکت کشاورزی مکانیزه و دامداری کیخسرو، شرکت سهامی قند قزوین، شرکت پوست آریا زمین، شرکت سهامی قند شاهزند و شرکت سهامی قند شیروان عمل می شد.

نکته دیگر این که در اعطای اعتبارات و تمدید آن، می بایست در پایان مدت اعطای تسهیلات، بدهکار اعتبار دریافتی را واریز کند، لیکن قوانین بانکی مراعات نمی شد و حتی وقتی که صراحتاً تذکر داده می شد که اعطای اعتبار برای یک سال است، بدون این که به تذکر مزبور توجه بشود، اقدام به تمدید و تجدید اعتبار می گردید و تخلفات وی در بسیاری از موارد نادیده گرفته می شد، به ویژه این که اکثر اعتباراتی را که او به منظور خاص دریافت می کرد بعداً به صورت دیگری مورد استفاده قرار می داد. مثلاً در مورد دریافت مبلغ پانصد میلیون ریال اعتبار در حساب جاری در بانک ملی شعبه فردوسی، خود را بازرگان و دارای املاک و تاجر آهن آلات معرفی نموده و بانک بدون توجه به کارت بازرگانی و مدارک معتبر دیگر شروع به

اعطای اعتبار می‌کند و با آن که تخلفات در پرداخت بدهی وی مشهود بود و سفته‌هایش واخواست شده بود، مع‌ذالک، بدون دریافت هیچ‌گونه تضمینی با قبول سفته اشخاص، تسهیلات در اختیار او قرار می‌گیرد. نکته جالب و عجیب دیگر، این است که با وجود روشن بودن وضعیت بدهکاری‌های وی، شعب بانک ملی همیشه در پیشنهادهای خود به اداره اعتبارات وی را بازرگانی معروف و خوشنام و خوش حساب قلمداد می‌کردند.^{۱۵}

سرانجام، هژبر موفق به انجام ادای تعهداتش در قبال وام‌ها و اعتبارات بی‌حد و حساب از بانک ملی شعبه فردوسی نمی‌شود، لذا بخشی از اعتبارات بانکی او در اسفند ۱۳۵۳ و فروردین ۱۳۵۴ قطع شد. همچنین دو فقره تقاضای کتبی او که در تاریخ‌های ۳ و ۲۰ آذر ۱۳۵۴ به بانک ملی شعبات بازار و مرکزی به مبلغ ۳۵۰ میلیون تومان تسلیم شده بود و طی آن تقاضای اعتبار مجدد نمود، در کمیته اعتبارات بانک به طور شفاهی مطرح شد و با عنایت به اعتباراتی که قبلاً به مبلغ ۱۹۷ میلیون تومان در اختیار وی و شرکت‌هایش گذاشته شده بود مورد تصویب قرار نگرفت و این امر، سرآغاز بروز اختلافاتی میان هژبر و محمد یگانه، رئیس وقت بانک مرکزی و یوسف خوش‌کیش، رئیس بانک ملی ایران شد.^{۱۶}

هژبر، اختلاف‌ها، موانع و دستگیری

در مسدود شدن اعتبارات و عدم رسیدگی به تقاضای مجدد هژبر برای افتتاح اعتبار و تجدید آن، وی با مقامات مملکتی مکاتبه نمود، در یک مورد، تلگرافی به نخست‌وزیر وقت (امیرعباس هویدا) می‌زند، که از طرف مسئول دفتر نخست‌وزیری به شکل زیر منعکس شده است:

«جناب آقای نخست‌وزیر. تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱، آقای هژبر یزدانی (بازرگان) تلگرافی به حضور عالی تقدیم داشته و در آن تلگراف به عرض رسانده است که «جناب آقای یگانه رئیس بانک مرکزی به علت خرید سهام بانک اصناف ایران از طرف اینجانب برخلاف مقررات بانکی و پول‌کشور تحریراتی علیه اینجانب و اعتبارات بانکی اینجانب معمول داشته‌اند.» که تلگراف مزبور برای رسیدگی به این دفتر ارجاع شد. چون از متن تلگراف چنین مستفاد می‌شد که موضوع قابل اهمیت است به معاون دفتر نظارت و همکاری‌های اجتماعی مأ‌موریت دارم که شخصاً به این موضوع رسیدگی نمایند. نامبرده به مراجعه به مسئولین بانک ملی ایران و پرسش از متصدیان امر، سپس با آقای یزدانی مذاکره نموده ایشان ضمن تکرار مطالب تلگراف اضافه نموده‌اند، چون اینجانب خانه آقای شرافت و ۳۷٪ سهام بانک اصناف را خریداری کرده‌ام و جناب آقای

۱۵- همان، ص ۹۴ و ۹۵.

۱۶- همان، ص ۹۵ و ۹۶.

یگانه مخالف این امر بوده‌اند در صدد برآمده‌اند که اعتبارات بانکی اینجانب را قطع نمایند. که بالنتیجه به

حیثیت تجاری اینجانب لطمه وارد آمد و تقاضای اعاده حیثیت تجاری خود را دارم...»^{۱۷}

متعاقب مکاتبات هژبر و دستور رسیدگی از سوی نخست‌وزیری، افراد مربوط به پرونده از سوی گروه تحقیق ویژه به سرپرستی سرلشکر هوشنگ ارم، احضار و از آنان بازجویی به عمل آمد. چنانچه در بازجویی مورخه ۱۳۵۴/۱۱/۷، از آقای محمود پورنیک در خصوص رابطه بین آقایان هژبر یزدانی، سرافراز و جهانبخش انهری چنین آمده است:

«... س - آقای پورنیک خواهشمند است کلیه اطلاعات خود را در مورد آقایان هژبر یزدانی، غلامعباس سرافراز و جهانبخش انهری و روابط آنان با یکدیگر و همچنین موضوع تقاضای گشایش اعتبار توسط آقای یزدانی در بانک ملی و نقش آقای سرافراز در این جریان و موضوع اختلافات آقایان خوشکیش و هژبر یزدانی و موضوع مبادله دو فقره چک به مبلغ ۲ و ۳ میلیون تومان به آقایان، به سرافراز و به طور کلی با ذکر نحوه پرداخت - در کجا و در حضور چه کسانی و به چه ترتیب و به چه منظور و هر نوع اطلاع دیگر را در این مورد دارید ذیلاً مرقوم بفرمایید. ج - من اطلاع پیدا کردم که آقای یزدانی توسط آقای سرافراز تقاضای دویست میلیون تومان اعتبار کرده است و ۲ فقره چک به مبلغ پنجاه میلیون تومان و چون جلوگیری شده وصول نگردیده اعتبار فوق داده نشده است و طبق اطلاع من یکی در دفتر آقای سرافراز به اتفاق انهری بود که آنها به هم موکول می‌کردند و یکی هم یک شب منزل آقای سرافراز بودیم که جهت اعتبار مذاکره بود و آقای سرافراز به انهری گفت کار شما درست شده و باید چک ۲ فقره آقای یزدانی وصول شود و تقاضای یکصد و پنجاه میلیون تومان اعتبار در بانک ملی بازار را به امضای آقای یزدانی از انهری گرفت و قرار شد صبح برود و مسئله را تمام کند. موضوع آشتی کردن آقای یزدانی و خوشکیش و آقای سرافراز، آنها را در رستورانی یک روز ظهر مهمان می‌کند و آنها را با هم آشتی می‌دهد، موضوع دویست هزار تومان دریافتی از آقای یزدانی موضوع این بود که آقای سرافراز گفته بود جهت سهامی پانصد هزار ریال و جهت قائمیان یک میلیون و پانصد هزار ریال باید پرداخت شود... چنانچه اطلاع دارم اختلاف آقای یزدانی و خوشکیش بر سر اعتبار بوده است...»^{۱۸}

همان‌طور که در این سند آمده هژبر مدعی شده بود که خوشکیش جهت حل و فصل مسئله اعتبار وی توقعاتی دارد و او هم در دو مرحله دو فقره چک به مبلغ پنجاه میلیون ریال و یکصد و پنجاه میلیون ریال در وجه حامل به سرافراز داده و متعاقب آن در ۲۸ آبان ۱۳۵۴ در شعبه مرکزی بانک ملی مبلغ ۳۰۰ میلیون

ریال به او پرداخت شده است و فردای آن روز سرافراز از طریق شعبه مرکزی چک‌ها را به بانک ملی فردوسی فرستاده که نقد کنند. یزدانی می‌افزاید:

«بنده به ایشان گفتم باید تمام اعتبار بنده که حدود ۳۵۰ میلیون تومان است باز شود و تا بنده هم چک را بپردازم. ایشان اظهار نمودند خوش‌کیش به شما جمله‌ای مبنی بر ۳ یا ۵ یا ۱۰ میلیون تومان گفته‌اند؟ اظهار داشتم درست است. گفتند ایشان برای باز شدن اعتبارات شما کمتر از ده میلیون تومان نمی‌خواهند. اجباراً اظهار نمودم بنده از اعتبار گذشتم و چک‌ها را پس گرفتم. روز سی‌ام آبان ماه رئیس شعبه مرکزی بانک ملی به من تلفن کردند که سی میلیون تومانی که گرفته‌اید باید دوباره پس بدهید، بنده فوراً پرداختم ضمناً به سرافراز و خوش‌کیش گفتم چرا داده‌اید و سه روزه پس بدهم؟ خوش‌کیش گفتند علتش را خود شما بهتر می‌دانید.»^{۱۹}

هژبر در این بازجویی سعی داشت که خوش‌کیش را متهم به اخذ رشوه به مبلغ ده میلیون تومان نماید و مسئله سوءاستفاده‌های مکرر خود از اعتبارات غیرقانونی بانک ملی را در حاشیه ببرد. به هر حال متعاقب این درگیری و احضار و مواجهه آقایان با یکدیگر و دستور رسیدگی نخست‌وزیری و انجام تحقیقات همه‌جانبه توسط سرپرست گروه تحقیق (سرلشکر هوشنگ ارم)، در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۵۴ گزارشی تهیه شد، در این گزارش آمده بود:

«به منظور تعیین صحت و سقم اظهارات هژبر یزدانی، غلامعباس سرافراز... واسطه دریافت چک و همچنین جهانبخش کنارسری انهاری، و دوست و همکار هژبر یزدانی، احضار شدند و به عنوان شهود مورد بازجویی قرار گرفتند.»

در نتیجه مشخص گردید که ادعای هژبر یزدانی صحت نداشته و اختلاف وی با دکتر یگانه بر سر اعتبارات بوده و توقف استفاده از این اعتبارات باعث بروز این اختلاف شده است و معلوم نیست که چه کسی مقصر است، بنابراین، با ارسال این گزارش که حمایت ضمنی از یزدانی را در برداشت ولی طرف مقابل هم محکوم نشده بودند، هژبر یزدانی را بر آن داشت که دوباره با خوش‌کیش ارتباط برقرار کند و با برکناری دکتر یگانه، دوباره مانند سابق از اعتبارات بانکی آن چنانی بهره‌مند شود.

سند مشخصی در خصوص چگونگی رفع کدورت و همکاری مجدد خوش‌کیش و یزدانی در دسترس نیست، تنها نامه‌ای در فروردین ۱۳۵۵، هژبر خطاب به هویدا نوشت و در آن آمده است:

«...محترماً به عرض عالی می‌رساند، پیرو عریضه به اطلاع آن جناب می‌رساند که اشتباهاتی برایم پیش آمد که موجب سوء تفاهماتی بین اینجانب و جناب آقای خوش‌کیش گردید، بدین وسیله مراتب را به عرض عالی می‌رساند که

موضوع را خاتمه یافته تلقی فرمایند...»^{۲۰}

هژبر در ادامه موضوع فوق، با تنها کسی که برخورد جدی می‌کند، دوست قدیمی‌اش، یعنی، جهانبخش انهاری است، وی دستور می‌دهد تا ایادی‌اش در ۲۱ اسفند ۱۳۵۴ وی را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند.

پس از ضرب و شتم، انهاری به لحاظ مشکل شکستگی کاسه زانوی پا در بیمارستان آمریکایی تهران بستری می‌شود و در حین عمل جراحی با قطع اکسیژن اطاق عمل، دچار سکت قلبی و مغزی می‌شود و از آن پس تا سه سال بعد که فوت می‌نماید در حالت بیهوشی بسر می‌برد. انهاری در مهر ماه ۱۳۵۵ توسط همسرش به اسرائیل برای معالجه برده می‌شود، لیکن معالجه وی مطلوب نبوده و مجدداً به کشور مراجعت می‌نماید.^{۲۱}

در ادامه همسر انهاری، پیگیری شکایت از هژبر را دنبال می‌کند، لیکن با اعمال نفوذ عوامل حمایت‌کننده هژبر یزدانی، در واقع کار به جایی نمی‌رسد و با آن که وجود قصور و عمد در هنگام قطع اکسیژن در هنگام عمل جراحی پای انهاری در بیمارستان تهران که دکتر بیهوشی و متصدی اکسیژن از بهائیان شناخته شده بودند و در زمان جراحی نامبرده در بیمارستان هیچ عمل جراحی دیگر در جریان نبوده، همه و همه مسئله امکان نبود اتفاق و حادثه را بر ملا می‌سازد، لیکن اقدام حقوقی جدی در این خصوص صورت نمی‌گیرد. اما با پیگیری مداوم و مکرر همسر انهاری در نهایت موجب می‌شود که شکایتی مبنی بر دستکاری هژبر یزدانی در قتل انهاری تنظیم و به شعبه ۳ دادسرای تهران تسلیم گردد. و یزدانی تنی چند از رجال فاسد رژیم پهلوی، از سوی دادسرای نظامی تهران دستگیر و زندانی می‌شود.

احسان نراقی طی مقاله‌ای پاره‌ای از این واقعیات را مطرح می‌کند. او در جایی می‌گوید:

«مسئله هژبر یزدانی که ایادی معرف وی بوده و نصیری شریکش. ایادی وی را جهت اخذ وام ۳۰۰ میلیون تومانی به خوش‌کیش معرفی می‌کند و زمانی که خوش‌کیش به علت این که قبلاً وام گرفته، موافقت نمی‌کند، نصیری طی گزارشی مراتب را به عرض شاه می‌رساند و چنین وانمود می‌کند که خوش‌کیش رشوه می‌خواهد و دو نفر را به عنوان شاهد اسم برده‌اند که شاه این پرونده را می‌دهد به هویدا برای رسیدگی، هویدا زرنگی می‌کند و می‌دهد به دستگاهی که خارج از دسترس و کنترل نصیری بوده و دو نفر را می‌خواهند و بازجویی جدی می‌کنند، اعتراف می‌کنند که گزارش خلاف واقعیت است و گفته‌اند که ما رفته بودیم و رشوه برده بودیم برای خوش‌کیش، نه این که خوش‌کیش از ما رشوه بخواهد، آن وقت آن دو نفر آزاد می‌شوند و دو روز بعد

می‌دهد به چاقوکش‌های خودش که این بابا را که کارمند خودش هم بوده است بزنند و بکشند که آنان نیز به قصد کشتن می‌زنند و داخل جوی آب می‌اندازند لکن بعد زنده می‌شود و می‌برند بیمارستان و هویدا از جریان مطلع می‌شود و دستور می‌دهد می‌برند اسرائیل برای معالجه و برمی‌گردد ایران و هنوز خوب نشده است عجیب اینجاست که چطور ممکن است نخست‌وزیرش در جریان باشد و نتواند تعقیب کند و بعد هم در روزنامه نوشته شد و خبرنگار رستاخیز نیز در همین زمینه از شاه سؤال می‌کند... برای اطلاع بگویم که در چند شرکت عمده یزدانی یکی از صاحبان عمده پسر ارتشبد نصیری است که شش سال بیشتر ندارد و به همین علت من تصمیم دارم که بگویم هرکس که در جریان پرونده هژبر دست دارد باید روشود چون در غیر این صورت افتضاح خواهد شد.»^{۲۲}

نراقی در تماسی با دکتر امینی در مورخه ۱۳۵۷/۶/۴ در خصوص ارتباط نصیری و هژبر چنین اظهار نموده است:

«... نراقی یادآور شد همه می‌دانند که کی هژبر را بزرگ کرده نصیری بوده دیگه (منظور ارتشبد نصیری) و دیگران و از کلمات قصار هژبر است که گفته، من یک پدر دارم تیمسار ایادی و یک برادر دارم تیمسار نصیری و یک نوکر منصور روحانی...»^{۲۳}

در نتیجه آن چه که از بررسی اسناد مربوط به مسائل مالی هژبر بر می‌آید، نامبرده در سوءاستفاده و برخورداری از وام‌های غیرقانونی و اعتبارهای نابجا و غیراصولی ید طولایی داشته و این امر امکان‌پذیر نبوده مگر با حمایت و اعمال نفوذ افرادی مانند سرلشکر ایادی و ارتشبد نصیری و دیگران، لیکن با بروز مخالفت رئیس کل بانک مرکزی و بعد رئیس بانک ملی و شهادت یک نفر از کارمندان بانک به نام سرافراز و یکی از کارکنان خودش به نام انهاری با مشکل جدی روبرو می‌شود و سعی می‌کند تا با حمایت رجال ذی نفوذ دربار پهلوی، مسئله را به نفع خود تمام کند و سرپوش بر روی اعمال زشت و پلید خود بگذارد، اما شهادت انهاری و متعاقب آن ضرب و شتم وی از سوی ایادی هژبر و پیگیری مداوم خانواده وی موجب بروز موج مخالفی در برابر هژبر می‌شود و مسئله در محافل مطبوعاتی سرایت می‌کند و در همین اثناء مبارزات مردمی در این اوان عرصه را به رژیم منفور پهلوی تنگ نموده و رژیم که در مقابل صفوف توده‌ای عظیم مردم انقلابی، با ایمان و مصمم، عاجز و درمانده شده بود، طی یک اقدام فرمایشی و به جهت عوام فریبی به لحاظ مرحم گذاشتن بر روی زخم مردم، هژبر یزدانی را به همراه تنی چند از چهره‌های منفور و بدنام دستگیر و زندانی نمود. رژیم که خود با حمایت‌های همه‌جانبه او را از هیچ و پوچ به قدرتی عظیم در

۲۲- داریوش همایون به روایت اسناد ساواک، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۲۵۸ و (۲۵۹).

۲۳- اسناد همین کتاب، ص ۳۲۵

صحنه اقتصادی مبدل ساخته بود، سعی نمود تا قدری از خشم و نفرت مردم را نسبت به خود بکاهد، لیکن، مردم آگاه و انقلابی گول این نمایش را نخوردند و مبارزات مردمی در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید، با پیروزی انقلاب اسلامی در زندانها باز شد و زندانیان آزاد شدند، در این حرکت برخی از رجال وابسته به رژیم پهلوی، از جمله : هژبر یزدانی نیز از فرصت پیش آمده بهره برده و پس از آزادی از زندان با کمک ایادی اش به خارج از کشور گریخت.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

اسناد

خواهشمند است استعلامیه زیر را تکمیل فرمائید و اطمینان داشته باشید که

مطالب مندرجه در این برگ همیشه محرمانه خواهد بود

۱- نام هژبراله در صورتی که نام دیگری دارید ذکر نمائید.

۲- شهرت یزدانی لقب چنانچه قبلاً شهرت دیگری داشته‌اید ذکر شود.

۳- نام و شهرت پدر رضاقلی یزدانی

۴- نام مادر شهربانو

۵- تاریخ تولد یا سن با ذکر محل تولد ۱۳۱۳ سنگسر

۶- شماره شناسنامه و محل

صدور ۱۱۳ سنگسر

۷- علائم مشخصه در نیمرخ

چپ دو خال و در نیمرخ راست

یک خال

۸- شغل و رتبه حشم‌داری -

کشاورزی

۹- محل سکونت با ذکر

شماره تلفن خیابان خواجه

نظام‌الملک سه راه زندان کوچه

اطهری باغ یزدانی تلفن ۷۱۱۵۰

۱۰- خانه مسکونی شخصی

است یا اجاره‌ای (در صورت

دوم میزان اجاره) خانه

مسکونی به طوری که در شماره ۹

نوشته شد شخصی است

۱۱- مذهب بهائی تابعیت ایران

۱۲- میزان تحصیلات دیلم

۱۳- خدمت نظام وظیفه را در چه تاریخ معاف بوده با چه درجه در کدام

قسمت در کجا انجام داده‌اید.

۱۴- متأهل هستید یا خیر بلی

۱۵- خانم شما از کدام خانواده است (چنانچه خارجی است تابعیت و مشخصات

کامل او) دختر آقای احمد جدلی وکیل دادگستری ایرانی است

جمهوری اسلامی ایران - وزارت اطلاعات - اداره اطلاعات

نام: هژبراله - نام خانوادگی: یزدانی - محل تولد: سنگسر - ۱۳۱۳

شماره شناسنامه: ۱۱۳ - محل صدور: سنگسر

محل سکونت: خیابان خواجه نظام‌الملک - سه راه زندان - کوچه اطهری - باغ

تلفن: ۷۱۱۵۰

مذهب: بهائی - تابعیت: ایران

خدمت نظام وظیفه: معاف شده - درجه: - در کجا:

متأهل: خیر

خانم: خانم احمد جدلی - وکیل دادگستری ایرانی است

۱۶- تعداد اولاد (اناث- ذکور) با ذکر اسامی دارای سه پسر کیومرث- نادر- کاوه- و سه

دختر لیلی- نسرين- کتابون

۱۷- شغل هر يك از اولاد طفل اند و به دبستان می روند

۱۸- اقوام درجه ۱ نسبی و سببی با خانواده جدلی از لحاظ نسبت خانم و با سنگسریها نیز فامیل است.

۱۹- با کدام يك از خانواده های مشهور قرابت دارید. با تیمسار سرلشکر محمود خسرو

پناه دوست بوده

۲۰- دوستان و معاشین

نزدیک شما تیمسار سرلشکر

خسرو پناه- تیمسار سرتیپ

منصور پور- آقای دکتر آذریان

وکیل دادگستری- آقای مهندس

ناصر بهودی^۱

۲۱- وضع مزاجی شما سالم

است

۲۲- میزان تمول و ثروت

منقول و غیر منقول دارای

املاک و حشم و ثروت قابل

توجهی دارد

۲۳- در کدام يك از نقاط

کشور ملک دارید. ۱- سنگسر-

رامیان گرگان- زرنند ساوه- در

طهران زمین

۲۴- به چه زبانهای آشنایی دارید. فارسی

۲۵- تألیفات، مقالات و نشریات خود را نام ببرید. ندارد

۲۶- آثار علمی و هنری شما چیست. ندارد

۲۷- به چه نوع کتب و مجلات و روزنامه ها بیشتر علاقمند هستید. اهل مطالعه نبوده

۲۸- اوقات بیکاری خود را چگونه می گذرانید. تقریباً اوقات بیکاری را صرف امورات

خود می نماید

۲۹- به چه چیزهایی بیشتر علاقمند هستید. به دامپروری- ورزش اسب سواری و شکار (چهره های آشنا، ص ۱۱۱).

۱- ناصر بهودی فرزند سلیمان در سال ۱۳۰۱ ش در تهران متولد شد. پدرش سلیمان بهودی از درباریان رضا شاه بود. تحصیلاتش را در دانشکده فنی بروکسل و دانشکده فنی تهران در رشته مکانیک به پایان رساند و در رشته تخصصی هواپیمایی و مکانیک از بروکسل دکترا گرفت. کار دولتی را از کارمندی راه آهن در ۱۳۲۶ شروع کرد سپس مهندس اداره کل هواپیمایی کشوری شد. آنگاه بازرگ و وزارت راه گردید. مدیرکل اداری راه آهن عضو هیئت مدیره و هیئت نظارت و شورای عالی راه آهن هم بود. او از فراماسونهای لژ روشنائی بود و در دوره های ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ نمایندگی مردم ساوه و زرنند در مجلس شورای ملی را بیدک می کشید.

۱- با کدام يك از خانواده های مشهور قرابت دارید. با تیمسار سرلشکر محمود خسرو پناه دوست بوده

۲- دوستان و معاشین نزدیک شما تیمسار سرلشکر خسرو پناه- تیمسار سرتیپ منصور پور- آقای دکتر آذریان وکیل دادگستری- آقای مهندس ناصر بهودی^۱

۳- وضع مزاجی شما سالم است

۴- میزان تمول و ثروت ۲۲- میزان تمول و ثروت منقول و غیر منقول دارای ۲۳- در کدام يك از نقاط کشور ملک دارید. ۱- سنگسر- ۲- رامیان گرگان- ۳- زرنند ساوه- ۴- در تهران زمین

۵- آثار علمی و هنری شما چیست. ندارد

۶- تألیفات، مقالات و نشریات خود را نام ببرید. ندارد

۷- آثار علمی و هنری شما چیست. ندارد

۸- به چه نوع کتب و مجلات و روزنامه ها بیشتر علاقمند هستید. اهل مطالعه نبوده

۹- اوقات بیکاری خود را چگونه می گذرانید. تقریباً اوقات بیکاری را صرف امورات خود می نماید

۱۰- به چه چیزهایی بیشتر علاقمند هستید. به دامپروری- ورزش اسب سواری و شکار (چهره های آشنا، ص ۱۱۱).

۳۰- میزان نفوذ شما در اشخاص و فامیل و جمعیتها. خوب است
 ۳۱- خلاصه‌ای از سوابق خدمتی و مشاغل قبلی خود را شرح دهید. سابقه خدمات دولتی ندارد.

۳۲- امتیازات -

۳۳- آیا تا حال از طرف مأمورین انتظامی بازداشت شده‌اید در صورت بازداشت شدن تاریخ و محل بازداشت ۲۴ ساعت علت زدوخورد در کشتارگاه بازداشت در بازپرسی قرار منع پیگرد آیا سرانجام به محکومیت منجر گردیده است صادر شده است

در صورت محکومیت مدت آن ذکر شود.....

۳۴- مسافرتها یی که به خارج از کشور نموده‌اید با ذکر تاریخ. مدت. علت. محل. توقف. همراهان. ندارد

۳۵- هرگونه سابقه فعالیت سیاسی از قبیل شرکت در تظاهرات. جمعیتها. کانونها. اتحادیه‌ها. سندیکاها. باشگاهها. انجمن‌ها با ذکر تاریخ و محل فعالیت توضیح داده شود.

۳۶- در حال حاضر در کدام یک از احزاب و جمعیتها. کانونها اتحادیه‌ها. سندیکاها. باشگاهها. انجمن‌ها عضویت دارید. در ردیف ۳۵ نوشته شده

۳۷- سایر اطلاعاتی که ممکن است بهتر معرف شما باشد. -

-۲-

۳۲- امتیازات -

۳۳- آیا تا حال از طرف مأمورین انتظامی بازداشت شده‌اید در صورت بازداشت شدن تاریخ و محل بازداشت ۲۴ ساعت علت زدوخورد در کشتارگاه بازداشت در بازپرسی قرار منع پیگرد آیا سرانجام به محکومیت منجر گردیده است صادر شده است در صورت محکومیت مدت آن ذکر شود

۳۴- مسافرتها یی که به خارج از کشور نموده‌اید با ذکر تاریخ. مدت. علت. محل. توقف. همراهان. ندارد

۳۵- هرگونه سابقه فعالیت سیاسی از قبیل شرکت در تظاهرات. جمعیتها. کانونها. اتحادیه‌ها. سندیکاها. باشگاهها. انجمن‌ها با ذکر تاریخ و محل فعالیت توضیح داده شود.

عضویت در هر سندیکا ندارد از انجمن‌ها، کانونها، سندیکاها، باشگاهها، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها عضویت دارید.

در ردیف ۳۵ نوشته شده

۳۷- سایر اطلاعاتی که ممکن است بهتر معرف شما باشد.

متولد ۱۳۰۶ شمسی بنت آقای احمد و احترام خانم بمهر مبلغ سه واحد بیانی طلای خالص که قیمت آن معادل با نوزده هزار و پانصد ریال است که از زوج اخذ و به زوج تسلیم گردید و رضای والدین حاصل شد و خطبه مبارکه نکاح تلاوت و آیتین مبارکتین انا کل لله راضنون و انا کل لله راضیات به زبان زوج و زوج جاری گشت.

اللهم بارک هذا الزواج والفرح بين الزوجين اُنقِه تامة دائمة وايدهما على خدمته امرک العظیم و ارزقهما نسلأ صالحاً مؤمناً موقناً

یروج تعالیمک للمقدسته بین العالمین انک انت الواهب المقتدر الکریم.

محل امضا زوج

محل امضا زوجہ

محل امضا والدین زوج رضا قلی

محل امضا والدین زوجہ ضمیمه است

محل امضاء رئیس و منشی محفل مقدس روحانی

محل امضا شهود ۱... ۲... ۳... یزدانی ۴... احمد....

«لجنة احصائية» «ورقه تسجيلية» «قسمت...»

نمره ورقه ۰۶۶۷۹۴/۴۹۴ عکس صاحب ورقه

نمره خانوادگی

سال تولد ۸۹ شمسی ۱۳۱۱ از سن ۱۵ به بعد باید الصاق گردد

تاریخ ثبت ورقه ۹ شهر القدرت... سنه ۱۰۵ بدیع مطابق با ۲۱ ماه آبان سنه ۱۳۲۷

شمسی... تاریخ تولد ۸ شهر القدره سنه ۸۹ بدیع مطابق با ۲۱ ماه آبان سنه ۱۳۱۱ شمسی

محل تولد شهر سنگسر قریه...

شخصات صاحب ورقه	
اسم: بهمنه خانم نام خانواده:	درخشانی پدر: عزت درخشانی
مادر: شهربانو خانم شناسنامه:	۲۱۴ محل صدور: سنگسر
محل تصدیق: سنگسر معرف	برای کمتر از ۲۲
سواد و معلومات و تخصص	
و سوابق امری صاحب ورقه	
سال تصدیق به امر مبارک:	
بهائی زاده	
سواد معلومات از سال ۱۵ به	
بعد: محصل کلاس ۴ ابتدائی	
تخصص در فنون از سال ۲۲	
به بعد:	

مشخصات صاحب ورقه

اسم: بهمنه خانم نام خانواده:

درخشانی پدر: عزت درخشانی

مادر: شهربانو خانم شناسنامه:

۲۱۴ محل صدور: سنگسر

محل تصدیق: سنگسر معرف

برای کمتر از ۲۲

سواد و معلومات و تخصص

و سوابق امری صاحب ورقه

سال تصدیق به امر مبارک:

بهائی زاده

سواد معلومات از سال ۱۵ به

بعد: محصل کلاس ۴ ابتدائی

تخصص در فنون از سال ۲۲

به بعد:

خلاصه ثبت ازدواج

آقای..... در تاریخ..... با خانم..... بشرح عقدنامه نمره..... در شهر.....

۵

به عقد بهائی با..... ازدواج نمود.

خلاصه طلاق

در تاریخ..... شهر..... سنه..... بدیع مطابق.... ماه..... سنه..... در شهر..... به موجب

امریه نمره..... محفل مقدس روحانی واقع گردید

۱۵۶۵۵۵ - اسناد ۱۳

تاریخ: ۳۱/۳/۸

امضاءکننده پائین گواهی می دهد که آقای هژبر یزدانی معاینه گردیدند و
علائم کلینیکی و لابراتواری بیماریهای واگیر فعلاً در ایشان مشاهده نمی شود.
هشتم خرداد ۱۳۳۱.....

دکتر ایادی
دبلمه از فاکولته طب پاریس
شیادان مقصور (چهار راه آقا شیخ هادی)
تهران تاریخ: ۱۳۳۰ سن ۳۹۶۳۰

۳۱/۳/۸

امضاءکننده پائین گواهی می دهد که آقای هژبر یزدانی
معاینه گردیدند و علائم کلینیکی و لابراتواری بیماریهای
واگیر فعلاً در ایشان مشاهده نمی شود.
هشتم خرداد ۱۳۳۱
دکتر ایادی

متن این نسخه را همراه بیاورید

تاریخ: ۳۱/۳/۸

امضاءکننده پائین گواهی می دهد که دوشیزه بهمنه درخشانی معاینه گردیدند
و علائم کلینیکی و لابراتواری بیماریهای واگیر فعلاً در ایشان مشاهده نمی شود.
هشتم خرداد ۱۳۳۱.....

دکتر ایادی

دبلمه از فاکولته طب پاریس
شعبان معصوم (چهار راه آقا شیخ هادی)

تهران - تاریخ ماه ۱۳۳۱ - تلفن ۳۱۶۳۵

۳۱/۳/۸

دختر
اسماء و کتبه پائین گواهی می دهد که دکتر بهمنه
معاینه گردیدند و علائم کلینیکی و لابراتواری بیماریهای
فد در ایشان مشاهده نشد.

هشتم خرداد ۱۳۳۱

دکتر ایادی

متمن است نسخه را همراه پیادویده

تاریخ: ۱۰ شهر العظمة ۱۰۹

مطابق ۵ خرداد ماه ۱۳۳۱

مقام منبع محفل مقدس روحانی طهران شیدالله ارکانه

احتراماً جناب آقای عزت درخشانی عضو این محفل به معیت صبیبه اش
مسماة به امة الله بهمنه خانم درخشانی عازم آن مدینه منوره می باشند به حضور
آن امنای مقدس الهی معرفی می شوند.

تاریخ: ۱۰ شهر العظمة ۱۰۹
مطابق ۵ خرداد ماه ۱۳۳۱

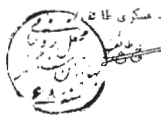
شماره ۳۲
مب

مقام منبع محفل مقدس روحانی طهران شید الله ارکانه

احتراماً جناب آقای هژبر درخشانی عضو این محفل به
معیت صبیبه اش مسماة به امة الله بهمنه خانم درخشانی -
عازم آن مدینه منوره میباشند بحضور آن امنای مقدس
الهی معرفی میشوند.

با رجای تأیید و توفیق

منشی محفل / محمد عسکری طائف



با رجای تأیید و توفیق
منشی محفل / محمد
عسکری طائف / محمد طائف
محفل روحانی بهائیان سنگسر
سنه ۶۸

لجنة ازدواج بهائیان طهران

تاریخ: ۱۱ مهر العظمه / ۱۰۹

نمره ۲۹۸

مطابق ۶ خرداد ماه / ۱۳۳۱

لجنة مجلله احصائيه

متمنی است تعیین فرماید نام هژیراله یزدانی

۱- آقای هژیراله یزدانی فرزند رضاقلی شناسنامه نمره ۱۱۳ صادره سنسگر متولد سال

۱۳۱۳ شمسی

۲- دوشیزه بهمینہ خانم

درخشانی بنت عزت درخشانی

شناسنامه نمره ۳۱۴ صادره

سمنان متولد سال ۱۳۱۱ شمسی

در دفتر سجلات امری طهران

و سنسگر به ثبت رسیده است

یا خیر.

زادکم الله تأیید او توفیقا به

جای منشی لجنة

۱- نام آقای هژیراله یزدانی در دفتر

سجلات طهران ثبت است.

۲- نام بهمینہ خانم درخشانی در

دفاتر طهران و سنسگر دیده نشد.

از طرف منشی لجنة ۳۱/۳/۱۵

لجنة مجلله احصائيه

متمنی است تعیین فرماید نام هژیراله یزدانی

۱- آقای هژیراله یزدانی فرزند رضاقلی شناسنامه نمره ۱۱۳ صادره سنسگر متولد سال ۱۳۱۳ شمسی

۲- دوشیزه بهمینہ خانم بنت عزت درخشانی شناسنامه نمره ۳۱۴ صادره سمنان متولد سال ۱۳۱۱ شمسی

در دفتر سجلات امری طهران ثبت رسیده است یا خیر

زادکم الله تأیید او توفیقا به

جای منشی لجنة

۱- نام آقای هژیراله یزدانی در دفتر سجلات طهران ثبت است.

۲- نام بهمینہ خانم درخشانی در دفاتر طهران و سنسگر دیده نشد.

از طرف منشی لجنة ۳۱/۳/۱۵

گیرنده: ریاست ساواک تهران

تاریخ: ۴۰/۱۲/۱۵

شماره: ۵۲۰۹۷

موضوع: آقای هژبر یزدانی

۱- حزب توده در مهرماه ۱۳۲۰ یک ماه پس از ورود ارتش‌های بیگانه به خاک ایران موجودیت خود را اعلام کرد. مؤسسان حزب توده از بقایای کمونیستهای سابق بودند که سالیان پیش از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش مأمور اشاعه افکار کمونیستی بودند و در سال ۱۳۱۰ محکوم شده بودند و تا شهریور ۱۳۲۰ تعدادی از آنها در زندان و یا در تبعید بودند.

طی فرمان عفو عمومی، ۲۸ شهریور ۱۳۲۰ آزاد شدند و پس از آن درصدد برآمدند که حزبی به نام حزب توده با مرام کمونیستی بنیان گذارند.

افرادی چون سلیمان محسن اسکندری، دکتر محمد بهرامی، مرتضی یزدی، جعفر پیشه‌وری، تقی مکی‌نژاد و احسان طبری جزو مؤسسان حزب و آزادشدگان از زندان بودند که به اشاره دولت شوروی دست به تشکیل حزب توده زدند.

اولین جلسه هیأت مؤسسان حزب توده در مهرماه ۱۳۲۰ در منزل محسن اسکندری با حضور ۳۷ نفر از دسته ۵۳ نفر و کمونیستهای دیگر و «علی‌اف» که ایرانی‌الاصل و کاردار سفارت شوروی بوده و به صورت ناشناس در جلسه حضور داشت، تشکیل گردید. در

این جلسه اعضای کمیته مرکزی انتخاب شدند و مرامنامه حزب به تصویب رسید. حزب توده از تأسیس تا آغاز پیدایش فرقه دمکرات به صورت یک سازمان علنی و ملی می‌خواست باشد، ولی در همان آغاز راه منحرف شد و با طرح مسأله اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی نشان داد که نیروی

گزارش واصله از ساواک سمنان حاکیست نامبرده بالا که به سنگسر رفت و آمد دارد بین دوستان و همراهان خود به تبلیغات مضره بر علیه دستگاه دولت مبادرت می‌نماید و اضافه شده است نامبرده ساکن تهران و در دوران

تحصیل جزو عناصر فعال حزب منحل توده^۱ بوده و در شه میرزاد و سوسنگرد مراتب مورد تأیید واقع شده است علیهذا دستور فرمایید در اطراف سوابق نامبرده بالا که در قصابخانه تهران به کار مشغول و جزء دستجات بهائی است که مرتباً به منازعه مشغول است بررسی لازم به عمل آورده و نتیجه را ضمن ارسال بیوگرافی ملصق به عکس وی اعلام دارند.

از طرف مدیرکل اداره سوم -
ب ۴۰/۱۲/۱۳ امجدی^۲

رونوشت به بخش ۴ ارسال نتیجه را اعلام دارید. ۴۰/۱۲/۱۶

فرستاده ریاست ساواک تهران
فرستاده
شماره پرونده: ۵۲۰۹۷
شماره پرونده فرستاده: ۵۲۰۹۷
موضوع: آقای هژبر یزدانی

گزارش واصله از ساواک سمنان حاکیست نامبرده بالا که به سنگسر رفت و آمد دارد بین دوستان و همراهان خود به تبلیغات مضره بر علیه دستگاه دولت مبادرت می‌نماید و اضافه شده است نامبرده ساکن تهران و در دوران تحصیل جزو عناصر فعال حزب منحل توده بوده و در شه میرزاد و سوسنگرد مراتب مورد تأیید واقع شده است علیهذا دستور فرمایید در اطراف سوابق نامبرده بالا که در قصابخانه تهران به کار مشغول و جزء دستجات بهائی است که مرتباً به منازعه مشغول است بررسی لازم به عمل آورده و نتیجه را ضمن ارسال بیوگرافی ملصق به عکس وی اعلام دارند.

از طرف مدیرکل اداره سوم -
ب ۴۰/۱۲/۱۳ امجدی^۲

وابسته به امپریالیسم شرق است. بعد از پیدایش فرقه دمکرات قدرت حزب توده به اوج خود می‌رسد و سه وزیر، به کابینه ائتلافی قوام وارد می‌کند و حزب توده از نظر کمی و کیفی گسترش می‌یابد که این دوران را دوران طلایی خود می‌دانند. پس از تیراندازی به شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، حزب توده غیرقانونی اعلام می‌گردد و اعضای آن دستگیر و یا متواری و سپس در خارج جمع می‌شوند و حزب را سامان می‌دهند. در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق با استفاده از شرایط مساعد و آزادیهای به وجود آمده، یک سری سازمانهای علنی ایجاد و با شعار ملی شدن نفت مخالفت می‌کند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، سازمان نظامی حزب کشف می‌شود و دوران ورشکستگی حزب فرا می‌رسد و مجدداً در خارج از کشور کار خود را ادامه می‌دهند و در تمام این دوره که به سال ۱۳۵۷ ختم می‌شود، کار حزب توده در داخل کشور اقدام به سازماندهی حزب و در خارج ستیز ایدئولوژیکی با گروههای ملی‌گرا بود. دوران نهایی حزب توده از سال ۱۳۵۷ می‌باشد. که بعضی از آنها معتقد بودند که با استقرار عناصر لیبرال می‌توانند در بازپهای دیپلماسی شرکت

کنند و می‌گفتند که نهضت روحانیت و حکومت اسلامی دوامی ندارند و گروه دیگر در دل، شکننده بودن نظام را حتمی می‌دانستند و با کارهای مخفی به سازماندهی مشغول بودند. اما در ظاهر حامی نظام بودند و از نظام حمایت می‌کردند ولی در خفا با خائنانی مانند: ناخدا افضلی و سرهنگ عطاران، سرهنگ کبیری و آذرفر، فعالیت پرجوش و خروش جاسوسی به سود شوروی را رهبری می‌کردند. اما در سال ۱۳۶۱ به جرم جاسوسی و توطئه حزب توده متحیل و رهبران آن دستگیر شدند و اعضای کمیته مرکزی فعالیتهای جاسوسی خود را اعتراف کردند و پایان زندگی این حزب فرا رسید. سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، خاطرات ایرج اسکندری / تهران / مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی - خاطرات نورالدین کیانوری / تهران / دیدگاه / ۱۳۷۴.

۲- سرتیپ مصطفی امجدی مدیرکل اداره کل سوم ساواک [مسئول امنیت کشور]، از منسوبین بختیار بود که ارتباط بسیار نزدیکی با وی داشت و در تخلفات و جنایات دوران بختیار سهیم بود. به گفته فردوست:

«ساواک در واقع بختیار بود. علوی کیا و دو برادر امجدی (سرلشگر امجدی و سرتیپ مصطفی امجدی) کل این تشکیلات بازیچه امجدی‌ها بود که به نفع بختیار کار می‌کردند.» پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به دلیل اینکه ساواک و علی‌الخصوص اداره کل سوم نتوانسته بود اطلاعات دقیق و پیش‌بینی از وقوع حادثه داشته باشد، محمدرضا دستور برکناری امجدی را صادر کرد و مقدم جایگزین وی گردید. فردوست در این زمینه می‌گوید «حدود ساعت ۸ شب ۱۵ خرداد ۴۲ در ملاقاتی که من و اویسی با محمدرضا داشتیم، دستور برکناری امجدی را داد و من فردای آن روز وی را برکنار کرده و مقدم را جایگزین او نمودم، ولی به امجدی قول دادم که پس از گذشت چند ماه در محل دیگری شغل مناسبی برایش پیدا خواهم کرد. او تشکر کرد و من نیز به وعده خود وفا کردم و مدتی بعد ترتیبی دادم که رئیس یکی از مناطق سه‌گانه شیلات شمال شود، از شغل جدید خود بسیار راضی بود و سال‌ها تا زمانی که خواست، در این شغل ماند و بسیار ثروتمند هم شد.» ر. ک: شرح احوال رجال، ج ۲، ص ۸۶.

گیرنده: ریاست ساواک تهران
فرستنده: بخش ۴
شماره: ۳۳۴/س ت ۴
شماره عطف: ۴۲۱۴/س ت - ۴۰/۱۲/۲۳
موضوع: هژبراله یزدانی

با تقدیم دو نسخه بیوگرافی ملصق به عکس نامبرده بعرض می‌رساند:
طبق تحقیقات معموله نامبرده از کلاس اول ابتدائی تحصیلات خود را در

تاریخ: ۴۱/۳/۲۰	شماره: ۳۳۴/س ت ۴	شماره پرونده: ۴۰/۱۲/۲۳	شماره پرونده: ۴۰/۱۲/۲۳
ریاست ساواک تهران		بخش ۴	
فرستنده		گیرنده	
تاریخ: ۴۱/۳/۲۰		شماره: ۳۳۴/س ت ۴	
شماره پرونده: ۴۰/۱۲/۲۳		شماره پرونده: ۴۰/۱۲/۲۳	
موضوع: هژبراله یزدانی		موضوع: هژبراله یزدانی	
با تقدیم دو نسخه بیوگرافی ملصق به عکس نامبرده بعرض می‌رساند: طبق تحقیقات معموله نامبرده از کلاس اول ابتدائی تحصیلات خود را در			

تهران تا کلاس پنجم در دبستان زند واقع در خیابان خیام باغ ایلچی و کلاس ششم ابتدائی را در دبستان جمشید جم خیابان نادری کوچه مسعود گذرانده و سیکل اول و دوم متوسطه را نیز تا کلاس پنجم در دبیرستان فیروز بهرام بوده و دیپلم کلاس پنجم متوسطه را پس از تجدید یک سال تحصیلی از دبیرستان مدرس اخذ کرده است سوابقش در مدارس فوق موجود است آنچه مسلم است پدرش از افراد چریک

دولتی بوده خدماتی انجام داده و نامبرده در تهران تحصیل می‌کرده در شهیرزاد و سنگسر نبوده که فعالیت او مورد تأیید واقع شود. از طرفی دوره ابتدایی را در سن ۱۴ سالگی دوره متوسطه را در سن ۱۹ سالگی به پایان رسانده که در آن سنین نمی‌توانسته از عناصر فعال حزب توده باشد مدت دو سال نیز می‌باشد که اصولاً به سنگسر رفت و آمد نکرده در حال حاضر نیز در کشتارگاه غیر از فعالیت صنفی و کسبی عمل دیگری انجام نمی‌دهد چون اختلافاتی بین چویداران بهائی و مسلمان در کشتارگاه موجود بود که سوابق امر و نزاع آنها در گزارشات

قبلی معروض و در پرونده مربوطه منعکس است و این شخص نیز یکی از افراد اتحادیه صنف چوبدار می باشد در نزاع اخیر بین دو دسته که قصد داشته اند این شخص را بکشند عده مضروب شدند که پرونده مربوطه در دادسرا می باشد علیهذا فعالیت و تبلیغات مضره او بر علیه دستگاه و دولت مورد تأیید نبوده و سوابقش در مدرسی که تحصیل کرده کاملاً روشن می باشد.

رئیس ساواک بخش ۴. محبوبیان

صورت مجلس

در اجرای اوامر صادره - در ساعت ۲۳، ۴۸/۲/۱۴ آقای هژیر یزدانی دارنده شناسنامه ۱۱۳ صادره از سنگسر دستگیر و به ساواک تهران اعزام و در حضور امضاء کنندگان زیر از مشارالیه بازرسی بدنی به عمل آمد و از جیب‌های وی مبلغ ۱۰۴۲۱۹۰ یک میلیون چهارصد و بیست و یک هزار و نود ریال وجه نقد (اسکناس و چک تضمین شده) و نیز تعداد ۳۳ فقره چک مربوط به بانک‌های

مختلف به مبلغ یک میلیون و پانصد و سیزده هزار و ششصد و هفتاد ریال به انضمام مقداری اوراق کشف که تحویل افسر نگهبان ساواک تهران گردید.

۱- آقای هژیر یزدانی

۲- علی اصغر زمانی

۳- آقای محسنی

۴- امیر سنبللی

۵- اکبر اکبرزاده

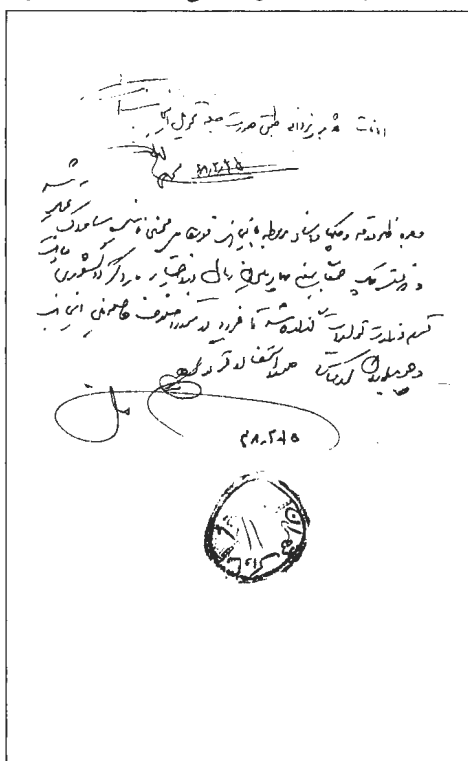
صورت مجلس
 در روز ۱۴/۲/۴۸ ساعت ۲۳ در محل بازداشت آقای هژیر یزدانی
 به شماره شناسنامه ۱۱۳ صادره از سنگسر
 دستگیر و بازرسی بدنی گردید و از جیب‌های وی مبلغ ۱۰۴۲۱۹۰
 یک میلیون چهارصد و بیست و یک هزار و نود ریال وجه نقد
 (اسکناس و چک تضمین شده) و نیز تعداد ۳۳ فقره چک
 مربوط به بانک‌های مختلف به مبلغ یک میلیون و پانصد و
 سیزده هزار و ششصد و هفتاد ریال به انضمام مقداری
 اوراق کشف که تحویل افسر نگهبان ساواک تهران گردید.
 امضاء کنندگان:
 ۱- آقای هژیر یزدانی
 ۲- علی اصغر زمانی
 ۳- آقای محسنی
 ۴- امیر سنبللی
 ۵- اکبر اکبرزاده

تاریخ: ۴۸/۲/۱۵

امانات هژبر یزدانی طبق صورت جلسه تحویل اینجانب است

وجوه ظهر ورقه و چکها و اسناد مربوطه باقیمانده فوق به آقای محسنی
نماینده ساواک تحویل شد و دو فقره چک جمعاً به مبلغ چهار میلیون ریال در
اختیار آقای دکتر دانشوری معاونت محترم وزارت تولیدات گذارده شد تا فردا
در مورد اختلاف فاصله بین اینجانب و چویداران کردستانی مورد استفاده قرار
دارد.

۳۸/۲۰/۱۵



در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۸ آقای هژبر یزدانی برای مذاکره درباره اختلافی که با عده‌ای از چوبداران گرد داشت حاضر شد و متعهد شد که فردا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۸ ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه در وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی حاضر شود و راجع به اختلافات خود با نمایندگان چوبداران مزبور مذاکره نماید. مقدماً به منظور فراهم آوردن زمینه توافق با مدعیان خویش دو طغری چک به شماره و مبلغ زیر سپردند:

۱- چک شماره ۹۱۶۵۳۸ ظ / ۳ بانک سپه شعبه خیابان گرگان نرسیده به میدان

ثریا بدون تاریخ و به مبلغ سه میلیون ریال معادل سیصد هزار تومان که از حساب شماره ۳۰۰ صادر شده است.

۲- چک شماره ۹۱۶۵۳۹ ظ / ۳ بانک سپه شعبه خیابان گرگان نرسیده به میدان ثریا بدون تاریخ به مبلغ یک میلیون ریال معادل یکصد هزار تومان که از حساب شماره ۳۰۰ صادر شده است.

امضاء نماینده ساواک

در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۸ آقای هژبر یزدانی برای مذاکره درباره اختلافی که با عده‌ای از چوبداران گرد داشت حاضر شد و متعهد شد که فردا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۸ ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه در وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی حاضر شود و راجع به اختلافات خود با نمایندگان چوبداران مزبور مذاکره نماید. مقدماً به منظور فراهم آوردن زمینه توافق با مدعیان خویش و ثریا چک به شماره و مبلغ زیر سپردند:

۱- چک شماره ۹۱۶۵۳۸ ظ / ۳ بانک سپه شعبه خیابان گرگان نرسیده به میدان ثریا بدون تاریخ به مبلغ سه میلیون ریال معادل سیصد هزار تومان که از حساب شماره ۳۰۰ صادر شده است.

۲- چک شماره ۹۱۶۵۳۹ ظ / ۳ بانک سپه شعبه خیابان گرگان نرسیده به میدان ثریا بدون تاریخ به مبلغ یک میلیون ریال معادل یکصد هزار تومان که از حساب شماره ۳۰۰ صادر شده است.

به : ۶۵/۲۰

تاریخ : ۴۸/۲/۱۶

از : ۳۲۳

شماره : ۳۲۳/۴۲۰

طبق اطلاع واصله، ساعت ۰۸۳۰ روز ۴۸/۲/۱۰ قریب ۴۰ نفر از چوبداران سقز و مریوان کردستان به نمایندگی ۷۰۰ نفر از چوبداران محل، در مقابل بازرسی نخست‌وزیری اجتماع و ضمن تسلیم شکوائیه‌ای به دفتر علیاحضرت شهبانوی ایران اظهار داشته‌اند :

اکبر یزدانی رئیس سندیکای چوبداران کشتارگاه تهران مبلغ نهصد هزار تومان قیمت گوسفندهای آنان را پرداخت نمی‌نماید.

ملاحظات :

نتیجه تحقیقات معموله پیرامون صحت و سقم مفاد خبر فوق و چگونگی جریان امر و آخرین وضعیت چوبداران مزبور مورد نیاز است.

۳۱۸۰

خیلی محرمانه	
موضوع : طبق اطلاع واصله، ساعت ۰۸۳۰ روز ۴۸/۲/۱۰ قریب ۴۰ نفر از چوبداران سقز و مریوان کردستان بنده‌اندگی ۷۰۰ نفر از چوبداران محل، در مقابل اجتماع و ضمن تسلیم شکوائیه‌ای به دفتر علیاحضرت شهبانوی ایران اظهار داشته‌اند : <td>ملاحظات : </td>	ملاحظات :
نتیجه تحقیقات معموله پیرامون صحت و سقم مفاد خبر فوق و چگونگی جریان امر و آخرین وضعیت چوبداران مزبور مورد نیاز است.	

برای تصفیه حساب آقایان کشاورزان کُرد و پرداخت مطالبات ایشان به مبلغ ۷۷۶۳۵۰۰ ریال جلسه‌ای در تاریخ شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ در دفتر جناب آقای دکتر دانشوری معاون محترم وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی تشکیل و پس از مذاکرات مفصل بین طرفین چنین توافق شد:

۱- آقای هژیر یزدانی از لحاظ کمک و مساعدت به چویداران کُرد که حقشان وسیله آقای یونس چراغی پایمال گردیده با اینکه در این مورد هیچگونه تعهد نداشتند قبول نمودند تقدماً مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان به آقایان کُردها

بپردازند و بقیه آن را تا ۶۵۰۰۰۰۰ ریال چکهای بین یک تا سه ماه در اختیار آقایان قرار دهند.

۲- آقایان چویداران کُرد در قبال مبلغ دریافتی اعم از وجه نقد و چک کلیه چکهای آقای یونس چراغی را در اختیار آقای یزدانی قرار دادند تا ایشان به هر ترتیب که مصلحت بدانند موضوع را از طرق مختلف برای وصول وجوه آن مورد تعقیب قرار دهند.

۳- نمایندگان ۵۳ نفر چویداران کُرد که ذیل این

برای تصفیه حساب آقایان کشاورزان کُرد و پرداخت مطالبات ایشان به مبلغ ۷۷۶۳۵۰۰ ریال جلسه‌ای در تاریخ شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ در دفتر جناب آقای دکتر دانشوری معاون محترم وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی تشکیل و پس از مذاکرات مفصل بین طرفین چنین توافق شد:

۱- آقای هژیر یزدانی از لحاظ کمک و مساعدت به چویداران کُرد که حقشان وسیله آقای یونس چراغی پایمال گردیده با اینکه در این مورد هیچگونه تعهد نداشتند قبول نمودند تقدماً مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان به آقایان کُردها به پرداخت و بقیه آن را تا ۶۵۰۰۰۰۰ ریال چکهای بین یک تا سه ماه در اختیار آقایان قرار دهند.

۲- آقایان چویداران کُرد در قبال مبلغ دریافتی اعم از وجه نقد و چک کلیه چکهای آقای یونس چراغی را در اختیار آقای یزدانی قرار دادند تا ایشان به هر ترتیب که مصلحت بدانند موضوع را از طرق مختلف برای وصول وجوه آن مورد تعقیب قرار دهند.

۳- نمایندگان ۵۳ نفر چویداران کُرد که ذیل این ورقه را امضاء می‌نمایند تعهد کردند که از این پس کلیه گوسفندهایی را که برای فروش به تهران می‌آورند وسیله آقای یزدانی به فروش برسانند.

۴- آقای یزدانی قبول کرد که جزء مبلغ ده ریال در قبال هر رأس وجوه دیگر بابت حق سکونت و سایر وجوه مرسوم کاروانسرا داری دریافت نکند و فقط پول علوفه گوسفندان کُرد را دریافت نمایند.

سعید کریمی جلالی رضوی سعید حبیبی
محمد ناصح نقشبندی احمد اردلان شاهنده

ورقه را امضاء می‌نمایند تعهد کردند که از این پس کلیه گوسفندهایی را که برای فروش به تهران می‌آورند وسیله آقای یزدانی به فروش برسانند.

۴- آقای یزدانی قبول کرد که جزء مبلغ ده ریال در قبال هر رأس وجوه دیگر بابت حق سکونت و سایر وجوه مرسوم کاروانسرا داری دریافت نکند و فقط پول علوفه گوسفندان کُرد را دریافت نمایند.

سعید کریمی جلالی رضوی سعید حبیبی

محمد ناصح نقشبندی احمد اردلان شاهنده

موضوع اعتراض چویداران کردستان در مورد طلب خود از شخصی به نام یونس جراح، که خود را نماینده هژریز دانی، رئیس سندیکا ی چویداران و

[illegible]

از طرف رئیس ساواک تهران - نواب

31A.

به: ۳۱۲

تاریخ: ۵۲/۵/۳۱

از: ۱۲۵۲۰

شماره: ۱۲۵۲۰/۴۴۶۸

موضوع: اظهارات سید ضیاء اشکوری

نامبرده بالا اظهار داشت هژبر یزدانی یکی از سران بهائی در مجلسی بیان داشته چون ادارات ایران مخصوصاً ژاندارمری و ارتش پول پرست هستند همه کاری می شود کرد مثلاً با اینکه شاهنشاه آریامهر حساسیت زیادی در مورد

اصلاحات ارضی دارند مالک یک ده نزدیک حضرت عبدالعظیم بازار با من اختلاف داشت من با سی هزار تومان آن ده را از مالک خریدم سپس با ژاندارمری تسبانی کردم و با کمک ژاندارمری تمام زارعین را از ده بیرون نمودم و افرادی از خودم به جای آنان گماردم و رفتم از اصلاحات ارضی بازرس آوردم از هر کس سؤال شد گفت در اینجا کارگر هستم و به این صورت ده را تصرف نمودم و زارعین قبلی هم هر کجا شکایت

تاریخ: ۵۲/۵/۳۱
شماره: ۱۲۵۲۰/۴۴۶۸
موضوع: اظهارات سید ضیاء اشکوری

نامبرده بالا اظهار داشت هژبر یزدانی یکی از سران بهائی در مجلسی بیان داشته چون ادارات ایران مخصوصاً ژاندارمری و ارتش پول پرست هستند همه کاری می شود کرد مثلاً با اینکه شاهنشاه آریامهر حساسیت زیادی در مورد اصلاحات ارضی دارند مالک یک ده نزدیک حضرت عبدالعظیم بازار با من اختلاف داشت من با سی هزار تومان آن ده را از مالک خریدم سپس با ژاندارمری تسبانی کردم و با کمک ژاندارمری تمام زارعین را از ده بیرون نمودم و افرادی از خودم به جای آنان گماردم و رفتم از اصلاحات ارضی بازرس آوردم از هر کس سؤال شد گفت در اینجا کارگر هستم و به این صورت ده را تصرف نمودم و زارعین قبلی هم هر کجا شکایت

تاریخ: ۵۲/۵/۳۱
شماره: ۱۲۵۲۰/۴۴۶۸
موضوع: اظهارات سید ضیاء اشکوری

نامبرده بالا اظهار داشت هژبر یزدانی یکی از سران بهائی در مجلسی بیان داشته چون ادارات ایران مخصوصاً ژاندارمری و ارتش پول پرست هستند همه کاری می شود کرد مثلاً با اینکه شاهنشاه آریامهر حساسیت زیادی در مورد اصلاحات ارضی دارند مالک یک ده نزدیک حضرت عبدالعظیم بازار با من اختلاف داشت من با سی هزار تومان آن ده را از مالک خریدم سپس با ژاندارمری تسبانی کردم و با کمک ژاندارمری تمام زارعین را از ده بیرون نمودم و افرادی از خودم به جای آنان گماردم و رفتم از اصلاحات ارضی بازرس آوردم از هر کس سؤال شد گفت در اینجا کارگر هستم و به این صورت ده را تصرف نمودم و زارعین قبلی هم هر کجا شکایت

نمودند ترتیب اثری داده نشد. اشکوری اضافه نمود یزدانی با تیمسار هاشمی نژاد دوست شده و برایش خیلی هم خرج می کند و از دوستی با تیمسار سوء استفاده می نماید.

نظریه شنبه: نظری ندارد.

نظریه یکشنبه: مطالب فوق از ناحیه اشکوری عنوان گردیده است.

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه تأیید می شود.

رهبر عملیات: سیدی

رئیس بخش: میرمصادق ۵۲/۵/۲۹

رئیس اداره یکم

۱- بعرض برسانید

۲- اداره کل سوم

۳- هژیر یزدانی سابقه دارد از حشم‌داران اطراف سمنان است.

۵۲/۲/۳۰

۳۱۸۰

شماره تلفن نامبرده در پرونده اخذ شد.

به: ۳۴۳

از: ۱۰ هـ

تاریخ: ۵۳/۲/۲۹

شماره: ۶۱۳۵

موضوع: کارخانه قند اصفهان

۱- حسین همدانیان فرزند محمدرضا در سال ۱۲۸۹ ش در اصفهان بدنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند و وارد حرفه تجارت شد و اقدام به تأسیس شرکت‌های متعدد در امور تجاری و صنعتی در اصفهان و تهران نمود و در صنایع ریسندگی و بافندگی نخ و پشم، سیمان و قند سرمایه‌گذاری کرد. نامبرده بعدها مدیریت کارخانه‌های: ریسندگی و بافندگی شهناز اصفهان، کارخانه صنایع پشم اصفهان، کارخانه سیمان اصفهان و کارخانه قند اصفهان را عهده‌دار گردید. وی همچنین مؤسسه خیریه‌ای به نام «مؤسسه خیریه علی و حسین همدانیان» را در اصفهان تأسیس نمود. همدانیان در سال ۱۳۵۲ به اتهام سوء استفاده مالی در کارخانه قند اصفهان بازداشت گردید، لیکن دلیل اصلی بازداشت و چگونگی رسیدگی به پرونده اتهامی روشن نیست و در گزارشات ساواک تنها به فرار از پرداخت مالیات به دولت بعد از مرحوم شدن برادرش ذکر گردیده است. مسئله دیگری که موجب پیگیری ساواک و مراقبت آن بود وصیت نامبرده و بخشیدن تمام ثروتش به حوزه علمیه اصفهان بوده و به واسطه ارتباط برخی طلاب این حوزه با حضرت امام خمینی (ره) و تلگراف همدانیان و اظهار تأسف از حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به نجف اشرف و بیت حضرت امام خمینی (ره) حساسیت ساواک را بیشتر نموده بود. اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

اخیراً شخصی به نام هژبر یزدانی سهام کارخانه قند اصفهان مربوط به آقای همدانیان^۱ و بختیار را خریداری نموده و مشغول تحویل و تحول می‌باشند. نظریه شنبه: نامبرده بالا اهل سنگسر بوده و از مشاغل قبلی وی اطلاعی در دست نیست.

نظریه یکشنبه: صحت خبر و نظریه شنبه مورد تایید است....

آقای ناصری فیش مربوط را اصلاح ضمناً بنظم نامبرده بهائی مسلک می‌باشد.

طبق دستور اجرا گردید

بایگانی شود. ناصری

۵۲/۳/۴ ...

۴۳۲۲۶۰

درجۀ فوریت

خبرنامه کارخانه قند اصفهان

تلفن شماره یک از ۳۳۳۳۳۳

۱- به ۵۴۳۰

۲- از ۵۴۳۰

۳- شماره گزارش ۴۱۴۵

۴- تاریخ گزارش ۵۴۳۰/۲/۲۹

۵- پروست

۶- گیرندگان خبر

۷- منبع ۹۴۵۹

۸- منشا

۹- تاریخ دفعه آخر

۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع آخر

۱۱- تاریخ رسیدن خبر بر حسب مصادرات

۱۲- ملاحظات حفاظتی

موضوع: کارخانه قند اصفهان

مطلب: خبر

اخیراً شخصی بنام هژبر یزدانی سهام کارخانه قند اصفهان مربوط به آقای همدانیان و بختیار را خریداری نموده و مشغول تحویل و تحول می‌باشند

نظریه شنبه: نامبرده بالا اهل سنگسر بوده و از مشاغل قبلی وی اطلاعی در دست نیست

نظریه یکشنبه: صحت خبر و نظریه شنبه مورد تایید است. بزرگرس

۵۳/۲/۲۹

طین سرور اهرانی

۵۲/۲/۲۹

۴۳۲۲۶۰

۶۶-۱۳۱

تاریخ: ۵۳/۴/۸

شماره: ۷۲۴۱

اخیراً که آقای یزدانی کارخانه قند اصفهان را خریداری کرد حدود ۳۰ نفر را که فنی نمی‌باشند در کارخانه استخدام نمود، بر سر تعیین حقوق این افراد بین آقای مهندس خاکسار مدیر کارخانه و ایلقانی نماینده آقای یزدانی، اختلاف

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 ۶- ...
 ۷- ...
 ۸- ...
 ۹- ...
 ۱۰- ...
 ۱۱- ...
 ۱۲- ...
 ۱۳- ...
 ۱۴- ...
 ۱۵- ...
 ۱۶- ...
 ۱۷- ...
 ۱۸- ...
 ۱۹- ...
 ۲۰- ...
 ۲۱- ...
 ۲۲- ...
 ۲۳- ...
 ۲۴- ...
 ۲۵- ...
 ۲۶- ...
 ۲۷- ...
 ۲۸- ...
 ۲۹- ...
 ۳۰- ...
 ۳۱- ...
 ۳۲- ...
 ۳۳- ...
 ۳۴- ...
 ۳۵- ...
 ۳۶- ...
 ۳۷- ...
 ۳۸- ...
 ۳۹- ...
 ۴۰- ...
 ۴۱- ...
 ۴۲- ...
 ۴۳- ...
 ۴۴- ...
 ۴۵- ...
 ۴۶- ...
 ۴۷- ...
 ۴۸- ...
 ۴۹- ...
 ۵۰- ...
 ۵۱- ...
 ۵۲- ...
 ۵۳- ...
 ۵۴- ...
 ۵۵- ...
 ۵۶- ...
 ۵۷- ...
 ۵۸- ...
 ۵۹- ...
 ۶۰- ...
 ۶۱- ...
 ۶۲- ...
 ۶۳- ...
 ۶۴- ...
 ۶۵- ...
 ۶۶- ...
 ۶۷- ...
 ۶۸- ...
 ۶۹- ...
 ۷۰- ...
 ۷۱- ...
 ۷۲- ...
 ۷۳- ...
 ۷۴- ...
 ۷۵- ...
 ۷۶- ...
 ۷۷- ...
 ۷۸- ...
 ۷۹- ...
 ۸۰- ...
 ۸۱- ...
 ۸۲- ...
 ۸۳- ...
 ۸۴- ...
 ۸۵- ...
 ۸۶- ...
 ۸۷- ...
 ۸۸- ...
 ۸۹- ...
 ۹۰- ...
 ۹۱- ...
 ۹۲- ...
 ۹۳- ...
 ۹۴- ...
 ۹۵- ...
 ۹۶- ...
 ۹۷- ...
 ۹۸- ...
 ۹۹- ...
 ۱۰۰- ...

نظریه یکشنبه: صحت خبر و نظریه شنبه مورد تأیید می باشد کما اینکه به محض ابلاغ حداقل جدید مزد آقای خاکسار دستور پرداخت آن و مابه التفاوت سه ماه گذشته را به دفتر کارخانه داده و بعد از چندین سال این اولین بار است که اضافه

حقوق کارگران کارخانه قند اصفهان بدون برخورد و ناراحتی پرداخت می گردد. ذکاوت
نظریه جمعه : نظریه یکشنبه مورد تایید است.

آقای ناصری ۵۳/۴/۱۷

فیش واصل شده و در آن عمل گردیده

بایگانی شود. ۵۳/۴/۱۷

چنانچه فیش قبلاً واصل نگردیده خواسته شود. ۵۳/۴/۱۶

از: ۳۴۲

تاریخ: ۵۳/۴/۱۲

بقرار اطلاع آقای حسین همدانیان کارخانه دار و میلیاردر معروف مقیم اصفهان ممنوع الخروج از کشور اعلام و اعتبارات نامبرده را در بانکها مسدود نموده اند.

علت اقدام مقامات مسئول درباره نامبرده به سبب نادیده گرفتن مقررات قانونی دولت در مورد توزیع قند و شکر بوده است.

خبرنامه	
ردیف	شرح
۱	تعداد نفرات ...
۲	تعداد ...
۳	تعداد ...
۴	تعداد ...
۵	تعداد ...
۶	تعداد ...
۷	تعداد ...
۸	تعداد ...
۹	تعداد ...
۱۰	تعداد ...
۱۱	تعداد ...
۱۲	تعداد ...

موضوع: بقرار اطلاع آقای حسین همدانیان کارخانه دار و میلیاردر معروف مقیم اصفهان ممنوع الخروج از کشور اعلام و اعتبارات نامبرده را در بانکها مسدود نموده اند.

علت اقدام مقامات مسئول درباره نامبرده به سبب نادیده گرفتن مقررات قانونی دولت در مورد توزیع قند و شکر بوده است.

آقای حسین همدانیان سواستوار عمدتاً کارکنان بانکها و مراکز دولتی و ...

مقامات مسئول اعلام می دارند که ...

تاریخ: ۵۳/۴/۱۲

محل: ...

آقای حسین همدانیان سهامدار عمده کارخانه قند اصفهان سهم خود را به مبلغ ۶۰ میلیون تومان به آقای هژیر یزدانی که نامبرده از پولدارهای سرشناس مملکت می باشد می فروشد. آقای یزدانی پس از رسیدگی به وضع کارخانه و بیلان سود و زیان متوجه می گردد که در بیلان تنظیمی بعوض سود ضرر نشان داده شده و متوجه فعل و انفعالاتی در مورد عدم تحویل محصول قند و شکر کارخانه به اداره کل قند و

شکر گردیده و مراتب را به مقامات مسئول اعلام می دارد.

۴۳۲۲۶۰

پی نوشت مدیریت کل اداره سوم ملاحظه شد. ۵۳/۴/۱۶

آقای ناصری ۴/۱۸

بایگانی شود ۴/۱۹

به دربار راه یافته و رئیس دفتر مخصوص شاه گردید که این شغل را تا اوایل انقلاب در اختیار داشت.

معینان به نخوت و تکبر و برخورد های زننده با اشخاص مشهور بود.

ر. ک: کتاب شرح احوال رجال.

ج ۲، ص ۷۰۰.

۲- سلطانمراد بختیار از فراماسون های وابسته به انگلیس و گراند لژ اسکا تلند و لژ اصفهان بوده و مدتی مدیر کارخانه قند اصفهان نیز بوده است. مشارالیه همچنین مشاغل دیگری از جمله، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان، نماینده مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه چهار محال بختیاری را عهده دار بوده و به پاس خدمت به رژیم پهلوی نشان تاجگذاری نیز دریافت داشته است.

- اسناد ساواک، پرونده های انفرادی

۱- محمود هاشمی پور فرزند علی در سال ۱۳۰۲ ش در اصفهان بدینا آمد. ابتدا به شغل پیله وری مشغول بود ولی به سبب آشنایی با سلطانمراد بختیار و تیمور بختیار به سمت مدیر داخلی کارخانه قند اصفهان برگزیده شد و به لحاظ ارتباط با تیمور بختیار و خرید

دو قطعه زمین برای وی و فروش آنها به دستور همسر مشارالیه از سوی ساواک تحت نظر بوده و در سال ۱۳۲۷ احضار و پس از بازجویی، اسناد زمین های فوق الذکر از وی اخذ شده است. مشارالیه همچنین در سال ۱۳۵۰ به اتهام پرداخت ششصد هزار ریال به یکی از اعضای انجمن شهر ۷۸

است. در بهمن ۵۱ آقای سلطان مراد بختیار که جزو سهامداران عمده شرکت مزبور بوده سهام خود را به آقای حسین همدانیان فروخته که شخص اخیر الذکر با خرید سهام از اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر، مالک بیش از نیمی از سهام شرکت شده و سپس به سمت رئیس هیئت مدیره شرکت انتخاب و مشارالیه آقای محمود هاشمی پور^۱ را نیز به سمت مدیر عامل کارخانه قند اصفهان تعیین نموده است.

در اردیبهشت ۵۳ آقای حسین همدانیان کلیه سهام خود را به آقای هژیر یزدانی منتقل و با این ترتیب امور اداری شرکت از عهده مسئولین سابق خارج می گردد.

۲- تحقیقات انجام شده :

آقای محمود هاشمی پور رئیس کارخانه که در سالهای ۵۰ و ۵۱ اختیارات کامل داشته و در سال ۵۲ نیز مدیر عامل کارخانه موصوف بوده با معاضدت و تسانی مدیر فنی، مسئول انبار، حسابدار انبار، مسئول قپان، سرپرست دربانهای کارخانه و همچنین با همکاری مأمورین اداره

سهامداران عده شرکت مزبور بوده سهام خود را به آقای حسین همدانیان فروخته که شخص اخیر الذکر با خرید سهام از اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر، مالک بیش از نیمی از سهام شرکت شده و سپس به سمت رئیس هیئت مدیره شرکت انتخاب و مشارالیه آقای محمود هاشمی پور را نیز به سمت مدیر عامل کارخانه قند اصفهان تعیین نموده است.

در اردیبهشت ۵۳ آقای حسین همدانیان کلیه سهام خود را به آقای هژیر یزدانی منتقل و با این ترتیب امور اداری شرکت از عهده مسئولین سابق خارج میگردد.

۱- تحقیقات انجام شده :

آقای محمود هاشمی پور رئیس کارخانه که در سالهای ۵۰ و ۵۱ اختیارات کامل داشته و در سال ۵۲ نیز مدیر عامل کارخانه موصوف بوده با معاضدت و تسانی مدیر فنی، مسئول انبار، حسابدار انبار، مسئول قپان، سرپرست دربانهای کارخانه و همچنین با همکاری مأمورین اداره قند و شکر اصفهان در سال ۵۰ حدود ۱۵۰ تن، در سال ۵۱ حدود ۳۵۰ تن قند و شکر و در سال ۵۲ مقدار ۶ تن قند طبق اقرار و اعتراف مشارالیه با دستکاری در مکانیزم باسکولهای توزین خلال چغندر مصرفی کارخانه و از کار انداختن کنتور شمارش کیسه های شکر در بعضی اوقات از دستگاههای استحصال کارخانه بطور قاچاق به انبار قند و شکر منتقل نموده اند، لکن طبق محاسباتی که کارشناسان فنی از روی تعداد پخت شربت و عوامل آزمایشگاهی ثبت شده در دفاتر کارخانه بعمل آورده اند، محصول کارخانه در سال ۵۰ حدود

قند و شکر اصفهان، در سال ۵۰ حدود ۱۵۰ تن، در سال ۵۱ حدود ۳۵۰ تن قند و شکر و در سال ۵۲ مقدار ۶ تن قند طبق اقرار و اعتراف مشارالیه با دستکاری در مکانیزم باسکولهای توزین خلال چغندر مصرفی کارخانه و از کار انداختن کنتور شمارش کیسه های شکر در بعضی اوقات از دستگاههای استحصال کارخانه بطور قاچاق به انبار قند و شکر منتقل نموده اند، لکن طبق محاسباتی که کارشناسان فنی از روی تعداد پخت شربت و عوامل آزمایشگاهی ثبت شده در دفاتر کارخانه بعمل آورده اند، محصول کارخانه در سال ۵۰ حدود

۲/۲۶۲ تن، در سال ۵۱ حدود ۵۲۳ تن و در سال ۵۲ حدود ۴/۵۴۷ تن بیش از مقادیر اعلام شده در سالهای مذکور بوده است.

مسئولین کارخانه محصولات قند و شکر قاچاق را با صدور پروانه‌های خروجی تکراری که متخلفین مربوطه از چگونگی آن آگاهی داشتند از کارخانه خارج و به فروش رسانده که اینگونه پروانه‌ها در آخر هر روز بوسیله آقای محمود هاشمی پور جمع‌آوری و معدوم گردیده که بالتجربه با اتخاذ چنین روشی مبالغی عوارض شهرداری و حق انحصار دولتی را نپرداخته‌اند.

در سال ۵۲ نیز به دستور آقای حسین همدانیان رئیس هیئت مدیره وقت و مباشرت آقای محمود هاشمی پور مدیرعامل کارخانه با همکاری رئیس حسابداری و حسابدار انبار کارخانه و با اطلاع مدیر و معاون اداره قند و شکر اصفهان، اقدام به فروش ۸/۱۴۳/۶۲۸ کیلو قند و شکر اضافه بر نرخ مقرر دولتی نموده، که از این طریق مبلغ ۵/۵۶۹/۷۱۸ ریال تفاوت حاصله از گرانفروشی را بصورت نقدی



شماره
تاریخ

خوبی محرماته

دقرویه اطلاعات

جایم می‌باشد: در این خصوص به این جهت که در وقت و ساعت آنی حدود ۵۲ تن ۵۲۳ تن حدود ۵۲۳ تن و در سال ۵۲ حدود ۴/۵۴۷ تن بیش از مقادیر اعلام شده در سالهای مذکور بوده است.

مسئولین کارخانه محصولات قند و شکر قاچاق را با صدور پروانه‌های خروجی تکراری که متخلفین مربوطه از چگونگی آن آگاهی داشتند از کارخانه خارج و به فروش رسانده که اینگونه پروانه‌ها در آخر هر روز بوسیله آقای محمود هاشمی پور جمع‌آوری و معدوم گردیده که بالتجربه با اتخاذ چنین روشی مبالغی عوارض شهرداری و حق انحصار دولتی را نپرداخته‌اند.

در سال ۵۲ نیز به دستور آقای حسین همدانیان رئیس هیئت مدیره وقت و مباشرت آقای محمود هاشمی پور مدیرعامل کارخانه با همکاری رئیس حسابداری و حسابدار انبار کارخانه و با اطلاع مدیر و معاون اداره قند و شکر اصفهان، اقدام به فروش ۸/۱۴۳/۶۲۸ کیلو قند و شکر اضافه بر نرخ مقرر دولتی نموده، که از این طریق مبلغ ۵/۵۶۹/۷۱۸ ریال تفاوت حاصله از گرانفروشی را بصورت نقدی

از مردم دریافت که نزد حسابدار کارخانه نگهداری می‌شده و مقدار ۱۲/۲۴۶/۰۶۸ کیلو قند و شکر نیز زائد از نرخ دولتی بوسیله آقای حاج قاسم معمارزاده نماینده شرکت فروش محصولات شکر کارخانجات در اصفهان، که بنا به توصیه آقای حسین همدانیان به این سمت انتخاب گردیده به فروش رسیده که تفاوت حاصله به مبلغ ۶/۰۰۶/۶۸۳ ریال به حساب شرکت مورد بحث و اریز شده و همچنین حدود ۲/۰۰۰ تن تفاله خشک را با دادن رشوه به آقای عزیز معمارباشی^۱ مدیرکل کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان و جلب موافقت وی با

اصفهان تحت تعقیب بوده و در سال ۱۳۵۲ طی عریضه‌ای به شاه مخلوع درخواست عفو داشته که با دستور محمدرضا شاه مورد عفو قرار گرفته است. - اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

۱- عزیز معمارباشی فرزند ماشاءالله در سال ۱۳۱۰ ش در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا فوق لیسانس در علوم خاکشناسی ادامه داد و مشاغل از جمله: رئیس قسمت مهندسی آبیاری آموزشی فنی در اداره کل زراعی، رئیس اداره آب و خاک، رئیس اداره بررسی‌های آب و خاک، معاون اداره کل بررسی‌های مهندسی زراعی، معاون دفتر طرح و برنامه وزارت کشاورزی، مدیر کل کشاورزی استان مازندران، مدیر کل کشاورزی استان اصفهان و... را عهده‌دار بود. وی همچنین از اعضای جمعیت فراماسونری نیز بوده است. - اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

تهیه لیست مجعول بنام زارعین بطور غیر مجاز گرانتر از نرخ تعیین شده به فروش رسانده که از این بابت نیز مبلغ ۱/۰۰۲/۴۸۱ ریال بطور نقدی نزد حسابدار کارخانه بوده است. اکثر وجوه نقدی اشاره شده فوق به مصرف رشوه به کارمندان دولتی که شرح آن در زیر خواهد گذشت رسیده و بقیه آنها حیف و میل گردیده است.

تحقیقات انجام شده حاکیست که سوء مدیریت و فساد مالی در کارخانه قند اصفهان وجود داشته و اشخاصی که در کارخانه مورد بحث مرتکب فساد و

سوء استفاده گردیده‌اند حدود ۱۲ نفر می‌باشند که در حین تحقیقات وجوه سه نفر از مقصرین اصلی به اسامی آقایان حسین همدانیان رئیس هیئت مدیره شرکت، محمود هاشمی‌پور مدیر عامل وقت کارخانه و حاج قاسم معمارزاده نماینده شرکت فروش محصولات شکر کارخانجات در اصفهان، در آنان نیز به خارج از کشور ممانعت بعمل آمد. کارمندان دولتی که هر یک

هیئت مدیره حرکت - محمود هاشمی‌پور بدین وقت کارخانه حاج قاسم معمارزاده نمایند
شرکت مرصی محصولات شکر کارخانجات در اصفهان - در بانکها بلوکه شد و از خروج آنان نیز مخارج از
کنترل ممانعت بعمل آمد.
کارمندان دولتی که هر یک بخوبی مرتکب خلاف و اخذ رشوه گردیده اند حدود ۱۲ نفر می‌باشند
از جمله آقایان مرتضی بینا فرماندار وقت شهرستان اصفهان - عزیز معمارباشی مدیر کل
کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان - حسن ظهیرالدینی منوچهر زندی مدیر
اصفهان - اسماعیل اشرفی خسر و دادگستر معاون - اداره کل گسترش
اصفهان - بشنوارچیان تسهیلات در امر ترخیص ماشین آلات قندگیری از تاسیس کارخانه اخیر از افران
کشور خریداری نموده - ۳ نفر افسران پلیس راه ژاندارمری جهت رفع مزاحمت در اسرار و سرپرست
تاسیسهای حامل چغندر رونده در باری از کارمندان جزء ادارات مشیوه بالا یک نفر از پرسنل آزاد ارم
کن نماون و امور روستاها - که در مورد هر یک از متخلفین امر از کارمندان دولتی و غیر دولتی مساعد ارم
مشتبه جمع آوری نموده - اسامی آنان فساد و رشوه در زمینه تاجانی قند و شکر مخفیانه در امانت نسبت
به محمولات کارخانه - گزارش قند و شکر نظامه خشک و در نتیجه تخلف از مقررات نظم و انضباط و همچنین
راضی مرتضی بخشی گردیده - که طبق نظریات بازرسی - وصول موارد و اشیای ازین رسته
و متعقب کفتری متخلفین به تاجانی قند و شکر امروزیات قانونی محتاج به درخواست ادارات با سرور
چوبی (اداره قند و شکر اصفهان) بشهر آری حین (ارتباطات قضائی) مصلح بوده و به رطاب رسیده
پرونده تاجانی شرح در داد شورای بدین کیفیت است:
پانزده به مراتب بالاتر از تسلیم پرونده مشکله بد اد گشتری - غرض به اراده شده سرکاره جفا شده
استند عا در اد و امورهای بی و از این بابت فریادند

رئیس دفتر و کارکنان - جهوت حنین فرد وست

در این مورد به سرکاره
تاریخ ۱۳۰۵/۰۵/۰۵

به نحوی مرتکب خلاف و اخذ رشوه گردیده‌اند حدود ۱۲ نفر می‌باشند از جمله آقایان مرتضی بینا فرماندار وقت شهرستان اصفهان، عزیز معمارباشی مدیر کل اداره کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان، حسن ظهیرالدینی و منوچهر زندی مدیر و معاون اداره قند و شکر اصفهان، اسماعیل اشرفی و خسر و دادگستر معاون و سرپرست قسمت ارزیابی اداره کل گمرک اصفهان به منظور ایجاد تسهیلات در امر ترخیص ماشین آلات قندگیری از ملاس که کارخانه اخیراً از خارج کشور خریداری نموده، ۳ نفر افسران پلیس راه ژاندارمری جهت رفع مزاحمت در امر

عبور و مرور کامیونهای حامل چغندر و تعدادی دیگری از کارمندان جزء ادارات مشروطه بالا و یک نفر کارمند از اداره کل تعاون و امور روستاها، که در مورد هر یک از متخلفین اعم از کارمندان دولتی و غیردولتی مدارک مثبت جمع آوری و پرونده امر به عنوان فساد و دزدی در زمینه قاچاق قند و شکر و خیانت در امانت نسبت به محصول کارخانه، گرانفروشی قند و شکر و تفاله خشک و در نتیجه تخلف از مقررات نظام صنفی و همچنین راشی و مرتشی تشکیل گردیده، که طبق نظر هیئت بازرسی، وصول عوارض دولتی از بین رفته و تعقیب کیفری متخلفین به قاچاق قند و شکر برابر مقررات قانونی محتاج به درخواست ادارات مأمور وصول (اداره قند و شکر اصفهان و شهرداری محل) از مقامات قضائی ذیصلاح بوده و در سایر موارد پرونده قابل طرح در دادسرای دیوان کیفر می باشد.

با توجه به مراتب بالا تسلیم پرونده متشکله به دادگستری، منوط به اراده سینه ملوکانه می باشد، استدعا دارد اوامر همایونی را امر ابلاغ فرمایند.

رئیس دفتر ویژه اطلاعات - سپهبد حسین فردوست^۱

اداره کل ساواک شهر [ناخوانا] ابلاغ شده است. بایگانی شود ۲/۳۰

۱- حسین فردوست در سال ۱۲۹۶ در یک خانواده فقیر متولد شد. وی از دوران کودکی به عنوان دانش آموز دبستان نظام وارد کلاس مخصوصی شد که رضاخان برای ولیعهد خود محمدرضا پهلوی ترتیب داده بود، لذا فردوست، دوست صمیمی و نزدیکترین محرم اسرار وی گردید. با عزیمت محمدرضا به سوئیس فردوست نیز همراهش حرکت کرد. با صعود محمدرضا به سلطنت از ابتدای دهه بیست، فردوست از مشاوران شاه گردید، بدان حد که گوش و چشم شاه قلمداد می شد و در رأس مهمترین سازمان اطلاعاتی رژیم - دفتر ویژه اطلاعات - قرار گرفت. او بر ساواک نظارت داشت و رابط شخصی شاه با سیستم اطلاعاتی کشور بود. برخی وی را «مغز» و «حافظه» شاه دانسته و تصمیمات محمدرضا را عصاره مشورت یا فردوست دانسته اند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فردوست دستگیر شد و پس از یک بازجویی مفصل، بیش از ۱۵۰۰ صفحه خاطرات نگاشت و پرده از برخی اسرار رژیم برداشت. این خاطرات در بین سالهای ۱۳۶۳ لغایت ۱۳۶۶ به صورت کتبی و شفاهی پخش گردید که بخش زیادی از آن تحت عنوان «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» در دو جلد منتشر شد و امروز جزء منابع تارخ عصر پهلوی است. فردوست در سال ۱۳۶۶ در اثر سکته درگذشت.

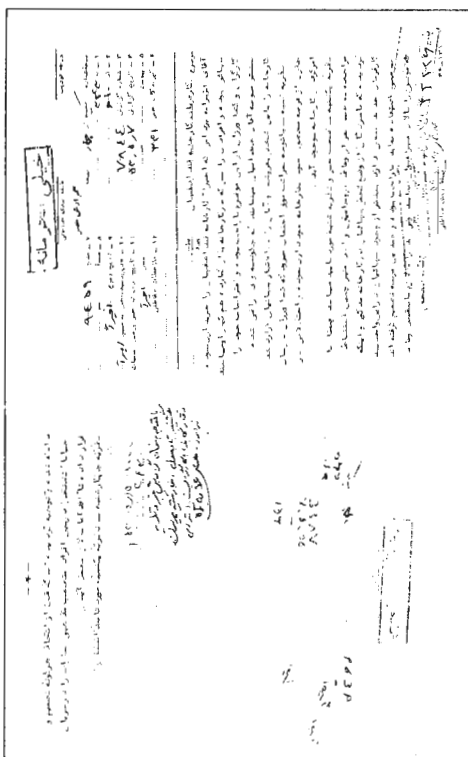
ر. ک: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱

تاریخ: ۵۳/۵/۷

به: ۳۴۳

از: ۱۰ هـ موضوع: کارفرمای کارخانه قند اصفهان شماره: ۷۸۴۴

آقای هژبراله یزدانی که اخیراً کارخانه قند اصفهان را خریداری نموده بهائی بوده و افرادی را نیز که در کارخانه بکار گمارده هم کیش او می باشند کارگران و کشاورزان از این موضوع ناراحت بوده و اعتراضات خود را بیشتر متوجه آقای همدانیان می نمایند که چگونه وی راضی شده کارخانه را به این شخص بفروشد و آنان را در اختیار بهائیان قرار دهد.



نظریه شنبه: با توجه به مراتب فوق احتمال می رود که کشاورزان در سال جاری از عرضه محصول خود به کارخانه خودداری نموده و اختلالاتی در امر گردش کارخانه بوجود آید.

نظریه یکشنبه: صحت خبر و نظریه شنبه مورد تایید می باشد و ضمناً با مراجعه به چند نفر از وعاظ، روحانیون و اهل منبر چنین استنباط گردیده که نامبردگان از وضع تجمع بهائیان در کارخانه مذکور و اینکه کارفرمای جدید سعی دارد بیشتر از

وجود بهائیان در این واحد صنعتی استفاده نماید ناراحت بوده و چندین مرتبه تصمیم گرفته اند که موضوع را بالای منبر عنوان نمایند ولی تذکرات لازم به این قبیل وعاظ داده شده و توجیه گردیده اند که قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم و احیاناً تشنجی در بین افراد متعصب مذهبی ساواک را در جریان قرار داده تا اقدامات لازم به عمل آید.

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است.

با توجه به مفاد گزارش خبر و نظریه یکشنبه تا وصول اخبار مکتسبه رفتار کارفرما با کارگران

اقدامی ندارد. طلوعی ۵۳/۵/۱۶

تاریخ: ۵۴/۲/۱

جناب آقای نخست‌وزیر

آقای هژبر یزدانی (بازرگان) تلگرافی به حضور عالی تقدیم داشته و در آن تلگراف به عرض رسانده است که «جناب آقای یگانه^۱ رئیس بانک مرکزی به علت خرید سهام بانک اصفاف ایران از طرف اینجانب برخلاف مقررات بانکی و پولی کشور تحریکاتی علیه اینجانب و اعتبارات بانکی اینجانب معمول

داشته‌اند» که تلگراف مزبور برای رسیدگی به این دفتر ارجاع شد. چون از متن تلگراف چنین مستفاد می‌شد که موضوع قابل اهمیت است به معاون دفتر نظارت و همکاریهای اجتماعی مأموریت دادم که شخصاً به این موضوع رسیدگی نمایند، نامبرده با مراجعه به مسئولین بانک ملی ایران و پرسش از متصدیان امر سپس با آقای یزدانی مذاکره نموده ایشان ضمن تکرار مطالب تلگرافی اضافه نموده‌اند، چون

تاریخ ۱۳۴۰
شماره
پیوست

نخست‌وزیر

جناب آقای نخست‌وزیر

آقای هژبر یزدانی (بازرگان) تلگرافی به حضور عالی تقدیم داشته و در آن تلگرافی به عرض رسانده است که «جناب آقای یگانه رئیس بانک مرکزی به علت خرید سهام بانک اصفاف ایران از طرف اینجانب برخلاف مقررات بانکی و اعتبارات بانکی اینجانب معمول داشته‌اند» که تلگراف مزبور برای رسیدگی به این دفتر ارجاع شد. چون از متن تلگراف چنین مستفاد می‌شد که موضوع قابل اهمیت است به معاون دفتر نظارت و همکاریهای اجتماعی مأموریت دادم که شخصاً به این موضوع رسیدگی نمایند، نامبرده با مراجعه به مسئولین بانک ملی ایران و پرسش از متصدیان امر سپس با آقای یزدانی مذاکره نموده ایشان ضمن تکرار مطالب تلگرافی اضافه نموده‌اند، چون اینجانب خانه آقای شرافت و ۳۷٪ سهام بانک اصفاف ایران را خریداری کرده‌ام و جناب آقای یگانه مخالف این امر بوده‌اند در صدد برآمدند که اعتبارات بانکی را در صدد برآمدند که اعتبارات بانکی اینجانب را قطع نمایند که

(۴۱۱-۲-۲۴۰)

۱- محمد یگانه فرزند اسماعیل در سال ۱۳۰۲ ش در زنجان دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران شد و لیسانس در رشته حقوق و علوم سیاسی گرفت و سپس جهت ادامه تحصیل راهی آمریکا شد و دکترای اقتصاد از دانشگاه کلمبیا اخذ نمود. وی خدمت دولتی را از سال ۱۳۲۸ در دبیرخانه سازمان ملل متحد آغاز و هشت سال در این منصب قرار داشت. در سال ۱۳۴۲ به عنوان معاونت اقتصادی وزارت دارایی منصوب و در سال ۱۳۴۸ به عنوان وزیر آبادانی و مسکن برگزیده شد مشارالیه همچنین، رئیس کل بانک مرکزی ایران، وزیر مشاور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر امور اقتصادی و دارایی را نیز عهده‌دار بود. یگانه از اعضای جمعیت فراماسونری لژ عطار نیشابوری، اندیشه، سقراط و طوس نیز بوده است. - اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

اینجانب خانه آقای شرافت و ۳۷٪ سهام بانک اصفاف ایران را خریداری کرده‌ام و جناب آقای یگانه مخالف این امر بوده‌اند در صدد برآمدند که اعتبارات بانکی اینجانب را قطع نمایند. که بالتجربه به حیثیت تجاری اینجانب لطمه وارد آمد و تقاضای اعاده حیثیت تجاری خود را دارم.

چون به قرار اطلاع آقای یزدانی در رشته‌های بازرگانی، کشاورزی و دامداری از نظر اقتصادی فعالیت مؤثر دارد و محدود بودن اعتبارات نامبرده ممکن است عده زیادی از افرادی که در قطب‌های فوق با نامبرده همکاری و اشتراک مساعی

دارند دچار بحران نماید، ضمن تقدیم عین تلگراف مراتب به استحضار عالی می‌رسد تا دستور عالی را در این مورد امر به ابلاغ فرمایند.
با تقدیم احتراماً محمدحسین احمدی

۵۳/۱۲/۱۴

م/۲۳۹-۲-۴۱۱

بانک ملی ایران	شماره	(۲)
۵		

بالنتیجه به حیثیت تجاری اینجانب لطمه وارد آمد و نقضاتی
اعاده حیثیت تجاری خود را دارم .

چون بقرار اطلاع آتای پردانی در رشته‌های بازرگانی، کشاورزی
و دامداری از نظر اقتصادی فعالیت موثر دارد و محدود بودن
اعتبارات نامبرده ممکن است عده زیادی از افرادیکه در قطبهای
فوق با نامبرده همکاری و اشتراک مساعی دارند دچار بحران
نمایند، ضمن تقدیم عین تلگراف مراتب با استحضار عالی می‌رسد
تا دستور عالی را در اینمورد امر با ابلاغ فرمایند .

با تقدیم احتراماً محمدحسین احمدی

۵۳/۱۲/۱۴

به: ۳۴۳

تاریخ: ۵۴/۷/۲

از: ۱۰ هـ

شماره: ۵۳/۸/۱۹-۹۸۰۴

موضوع: تبعیض در کارخانه قند اصفهان

پیرو: ۵۳/۸/۱۹-۹۸۰۴

اخیراً آقای ایقانی قائم مقام مدیر عامل کارخانه فوق الذکر افرادی را از سنگسر استخدام و به کارخانه آورده و با آنکه این افراد هیچگونه تخصصی ندارند ۵۵ الی ۷۰ تومان حقوق روزانه و خانه مسکونی به آنها داده شده است در حالی که افراد

دیگری که فنی هستند و دارای ۱۵ سال سابقه کار می باشند روزانه ۲۵۰ تا ۳۵۰ ریال دریافت می نمایند و این افراد که از سنگسر به کارخانه آورده شده اند یا با آقای یزدانی آشنایی دارند و یا با آقای ایقانی.

نظریه شنبه: برای آنکه تبعیض علنی فوق باعث عقده کارگران نشود بهتر است که آقای یزدانی با ایقانی اگر قصد دارند به کسی پول بیشتری بدهند آن را بطور غیر مستقیم پرداخت نمایند.

نظریه یکشنبه: در زمینه رفع

تبعیض مذکور در فوق قرار شد سندیکای کارگران کارخانه قند اصفهان لیستی از افراد غیر متخصص با حقوق زیاد و سابقه خدمت کم تهیه و ضمن مقایسه آن با افراد متخصص و دارای سابقه خدمت زیاد و حقوق کم به این سازمان ارائه دهند تا اقدام لازم به عمل آید. نتیجه متعاقباً اعلام خواهد گردید. راستگو

نظریه جمعه: نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه ۱۰ هـ: پس از ارائه صورت نتیجه اقدامات به استحضار خواهد رسید.

آقای شرافت ۵۴/۷/۹

شماره سند: ۵۳/۸/۱۹-۹۸۰۴

تاریخ: ۵۴/۷/۲

موضوع: تبعیض در کارخانه قند اصفهان

پیرو: ۵۳/۸/۱۹-۹۸۰۴

نظریه شنبه: برای آنکه تبعیض علنی فوق باعث عقده کارگران نشود بهتر است که آقای یزدانی با ایقانی اگر قصد دارند به کسی پول بیشتری بدهند آن را بطور غیر مستقیم پرداخت نمایند.

نظریه یکشنبه: در زمینه رفع تبعیض مذکور در فوق قرار شد سندیکای کارگران کارخانه قند اصفهان لیستی از افراد غیر متخصص با حقوق زیاد و سابقه خدمت کم تهیه و ضمن مقایسه آن با افراد متخصص و دارای سابقه خدمت زیاد و حقوق کم به این سازمان ارائه دهند تا اقدام لازم به عمل آید. نتیجه متعاقباً اعلام خواهد گردید. راستگو

نظریه جمعه: نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه ۱۰ هـ: پس از ارائه صورت نتیجه اقدامات به استحضار خواهد رسید.

آقای شرافت ۵۴/۷/۹

هژبر یزدانی

بانک ملی ایران

تاریخ: ۱۳۵۴/۹/۳

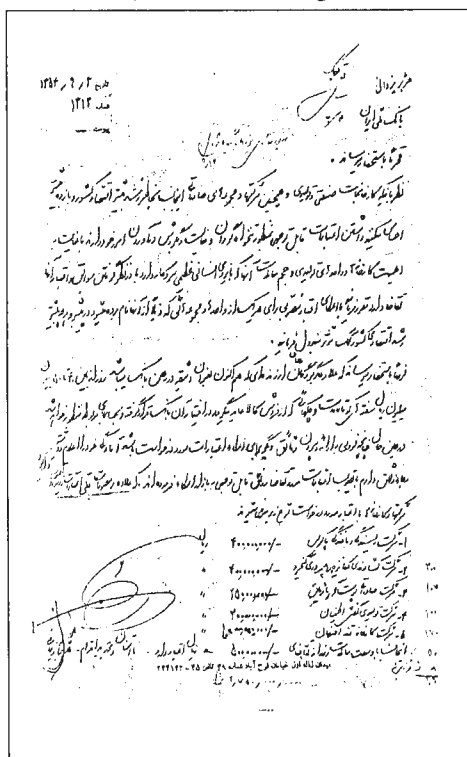
شماره: ۱۳۱۳

محترماً به استحضار می‌رساند:

نظر به اینکه کارخانجات صنعتی و تولیدی و همچنین شرکتها و مجموعه‌های صادراتی اینجانب به خاطر رشد بیشتر اقتصاد کشور و بازده بیشتر احساس می‌کنند داشتن اعتبارات قابل توجهی به منظور تنخواه گردان و فعالیت

و به گردش در آوردن امور خود دارند با عنایت به اهمیت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و حجم معاملات آنها که با نیروی انسانی عظیمی سروکار دارد با در نظر گرفتن سوابق و اعتبار آنها تقاضا دارد مقرر فرمایند با اعطای اعتبار مصوبی برای هر یک از واحدها و مجموعه‌هایی که ذیل از آنها نام برده می‌شود در پیشبرد هر چه بیشتر رشد اقتصادی کشور کمک مؤثر مبذول فرمایند.

لزوماً به استحضار می‌رساند



که علاوه بر گروگان‌های ارزنده‌ای هم‌اکنون به عنوان وثیقه در رهن بانک می‌باشد روزانه بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون ریال سفته‌های کوتاه مدت و چک‌هایی که از فروش کالا عاید می‌گردد در اختیار آن بانک قرار گرفته و به حسابهای مربوطه منظور خواهد شد در عین حال چنانچه لزومی به ارائه و سپردن وثائق دیگری برای اعطاء اعتبارات مورد درخواست باشد آمادگی خود را اعلام داشته و با رجاء واثق دارم با تصویب اعتبارات مورد تقاضا رونق قابل توجهی به بازار اعطاء فرموده‌اند. که علاوه بر مصوبات ملی اعتبارات زیر مورد تصویب قرار

گیرد.

شرکتها و کارخانه‌ها با اعتبار مورد درخواست بشرح زیر معرفی می‌شوند:

- ۱- شرکت ریسندگی و بافندگی پاکرس - /۰۰۰/۰۰۰/۴۰۰ ریال
 - ۲- شرکت کشاورزی مکانیزه و دامپروری کیخسرو - /۰۰۰/۰۰۰/۴۰۰ ریال
 - ۳- شرکت صادراتی پوست گهرنازنین - /۰۰۰/۰۰/۲۵۰ ریال
 - ۴- شرکت تولیدی کفش اطمینان - /۰۰۰/۰۰۰/۲۰۰ ریال
 - ۵- شرکت کارخانه قند اصفهان - /۰۰۰/۰۰۰/۱۰۰۰ ریال اعتبار دارد
- با امتنان و تجدید احترام - هژبراله یزدانی
- در پرونده آقای یزدانی بایگانی شود ۹/۱۷

اختلاف آقای یزدانی و یگانه

سهام بانک اصناف که بعداً به ایرانشهر تبدیل شد می خواست خریداری کند یگانه میل داشت که این بانک که ضعیف بود با کمک خارجی ها پاکستان - امریکا که تباری می کردند با این بانک شریک شدند - یگانه مطالعاتی در این مورد نموده بود و در صدد بود که بانک را نجات دهد عمده سهام دست یزدانی بود گفته بود که سهام را به بانک مرکزی بفروشد که قبول نکرده بوده ولی بعداً آمد فروخت و

پولش را گرفت - بنیاد پهلوی توسعه صنعتی و بانک بنام ایرانشهر تبدیل شد.

اعتبارنامه یزدانی از ۵۰ میلیون

اعتبار یزدانی تدریجاً پایین آمد و به ۵۰ میلیون تومان رسید حدود یک سال قبل بانک ملی به یزدانی گفت که باید کار اصولی بکند و با این ترتیب کار کردن آن صحیح نیست و به این بانک هم تذکر داده شد شعبه فردوسی

۱- شرکت مکانیزه کیخسرو ۳۰۰ میلیون

۲- شرکت پوست آذرین ۱۰۰ میلیون ریال

۳- شرکت تولیدی کفش اطمینان ۱۰۰ میلیون ریال
جمعاً ۵۰۰ میلیون ریال

شعبه بازار هم ۵۰۰ میلیون ریال

شعبه فردوسی هم ۵۰۰ میلیون ریال داشته

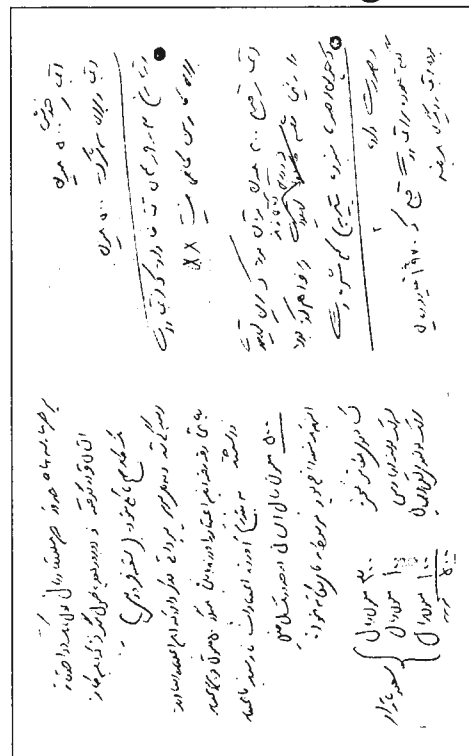
اعتبار خودش ۵۰۰ میلیون

اعتبار بررسی سه شرکت ۵۰۰ میلیون

افزون بر این در زمان
آذرین؟
سهام بانک اصناف که بعداً به ایرانشهر تبدیل شد
یگانه میل داشت که این بانک که ضعیف بود با کمک خارجی ها پاکستان - امریکا که تباری می کردند با این بانک شریک شدند - یگانه مطالعاتی در این مورد نموده بود و در صدد بود که بانک را نجات دهد عمده سهام دست یزدانی بود گفته بود که سهام را به بانک مرکزی بفروشد که قبول نکرده بوده ولی بعداً آمد فروخت و پولش را گرفت - بنیاد پهلوی توسعه صنعتی و بانک بنام ایرانشهر تبدیل شد.
اعتبارنامه یزدانی از ۵۰ میلیون
اعتبار یزدانی تدریجاً پایین آمد و به ۵۰ میلیون تومان رسید حدود یک سال قبل بانک ملی به یزدانی گفت که باید کار اصولی بکند و با این ترتیب کار کردن آن صحیح نیست و به این بانک هم تذکر داده شد شعبه فردوسی
۱- شرکت مکانیزه کیخسرو ۳۰۰ میلیون
۲- شرکت پوست آذرین ۱۰۰ میلیون ریال
۳- شرکت تولیدی کفش اطمینان ۱۰۰ میلیون ریال
جمعاً ۵۰۰ میلیون ریال
شعبه بازار هم ۵۰۰ میلیون ریال
شعبه فردوسی هم ۵۰۰ میلیون ریال داشته
اعتبار خودش ۵۰۰ میلیون
اعتبار بررسی سه شرکت ۵۰۰ میلیون

در تاریخ ۵۴/۹/۳ تقاضا داد که از اعتبارات برای کار من کافی نیست. اعتبار قبلی ۲۰۰ میلیون تومان بود که این تسهیلات را رئیس شعبه فردوسی آقای زند تسهیلات را فراهم کرده بود که چون اصولی نبود، بتدریج کم شده است. و صورت داد، گفته علاوه بر اعتبارات قبلی که ۱۹۷۰ میلیارد ریال بوده اعتبار دیگری بدهند.

سر دو ماه سه ماه حدود دو میلیون ریال پول بانک در اختیار آنان قرار گرفته و دو روز بعد وصول می‌گردد که این کار صحیح بانکی نبود. (شعبه فردوسی)



رسیدگی شد و به آقای هژبر یزدانی تذکر داده که این اعتبار را می‌آورد پائین رفته رفته این اعتبار را آوردند پائین در حدود ۵۰ میلیون تومان اعتبار داشتند به تدریج آوردند اعتبارات تا رسید ۵۰۰ میلیون ریال ایشان در حدود یکسال قبل این هم یک مسئله داخلی بود مربوط به آقای یگانه نبود.

کشاورزی مکانیزه کیخسرو ۳۰۰ میلیون ریال شرکت پوست آذرین ۱۰۰ میلیون ریال شعبه بازار

شرکت سهامی کفش اطمینان ۱۰۰ میلیون ریال

۵۰۰

و در شعبه فردوسی هم به نام خودش هژبر یزدانی ۵۰۰ میلیون ریال واگذار کرد یک میلیارد ریال در اختیار ایشان گذارده شد. اعتبار در حساب جاری به مدت یک سال...

بطور کلی در شهریور ماه واریز شده ۵۴ ۵۰۰ میلیون ریال در تاریخ ۵۴/۹/۳ گزارش می‌دهند که این اعتبارات فعلی دارید کافی نیست. که

جمع اعتباراتی که قبل داشته ۱/۹۷۰ میلیارد اعتباراتی که برای خودش و شرکتها شده بود که ایشان داشته است. و تقاضا داشته که ۲/۷۵ میلیون ریال دیگر اضافه شود و بررسی شد تصمیم واگذاری چنین اعتباری مقدور است (بانک ملی)

[illegible]

در نتیجه در تاریخ ۵۴/۸/۲۸ بدون اینکه که بانک ملی با بانک مرکزی پولی در

در ۵۴/۲/۲۵ شرکت تولیدی ... - ۱۰۰ میلیون ریال اعتبار در مقابل سفته‌ها و چک‌های حاصل از فروش کالا [ناخوانا] پایدار می‌شود. در ۸۴/۲/۲۵ شرکت

[illegible]

شفاهاً بررسی شده معمول به قول نبود. و چون از اول قابل اجراء نبود به کمیته هم رفته است. خبر همین طور شفاهاً تصویب و عدم را اعلام می دارد. تقاضای ۵۴/۴/۹ مربوط به تقاضای کمک پانصد میلیون ریال برای چند فروش است که چون ۸۰۰ میلیون ریال بدهی داشته مورد قبول واقع نشده است.

طرح سؤال

- اختلاف شما با آقای یگانه چه بوده از کی شروع شده است

- اعتبارات شما [ناخوانا] بسته نشده است

- شما در گزارش خود نوشته اید آقای عباس سرافراز وسیله یکی از دوستان با

من آشنا شد و دلال آقای خوش کیش می باشد علت آشنایی - شروع آشنایی -

مدت آشنائی را توضیح دهید.

- شما گفته اید که آقای خوش کیش نامه ها را (تقاضا) خودشان دیکته کرده اند در

صورتی که نامه ها به خط

آقای انهاری و به امضاء شما

می باشد و یکی در تاریخ

۵۴/۹/۳ و دیگری

۵۴/۹/۲۰ تهیه و تقدیم شده

و اصرار و سعی در زمان

مذاکره و اخذ مبلغ ۳۰۰

میلیون ریال ندارد. موضوع

را روشن فرمائید.

- چک ۳ و ۲ میلیون تومان

را به چه دلیل و برای چه

منظور به سرافراز دادید. در

حضور کی و در کجا.

- دلیل این که آقای سرافراز

چکی به مبلغ ۱۵۰ هزار

تومان از ۵۴/۹/۱۶ به شما

می دهد چیست؟

شما متذکر شده اید که در روز ۵۴/۸/۲۸ در شعبه مرکز حساب جداگانه باز شد و

کلاً به مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال به حساب شما ریخته شده است. در صورتی که قبل

از تاریخ ۲۸ شما به حساب جاری ۸۵۱۱۳ داشته اید در حساب جاری خود

مبلغ ۵۶ میلیون تومان موجود داشته اید و چکی خودمان به مبلغ ۳۰۰ میلیون

ریال از حساب جاری می کشید [ناخوانا] و متذکر که بانک ملی شعبه فردوسی و

مسئولیت آقای قائمی و ارائه مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان سفته و چکی که فعلاً ارائه

The document contains several lines of Persian text, some of which are handwritten or stamped. The text is arranged in columns, with some parts enclosed in boxes or underlines. The document appears to be a continuation of the interview transcript on the right.

کرده بودند پرداخت می‌نمایند. و شما در تاریخ ۵۴/۹/۲ مبلغ مزبور را واریز می‌کنند. چگونگی را مفصلاً توضیح فرمائید ضمن اینکه بانک برای شما حسابی باز نکرده و حسابی نبسته است و از این [ناخوانا] در حساب جاری خود موجود داشته‌اید که اینک در ۵۴/۱۰/۷ مبلغ ۱۰۲ میلیون ریال موجودی داشته‌اند. شما گفته‌اید که من تقاضا دارم در صورتی که در ۲۸ آبان تا ۵۴/۹/۲ که ۳۰۰ میلیون ریال واریز می‌شود اصولاً گزارش داده نشده.

یک گزارش در تاریخ ۵۴/۹/۳ داده‌اید که به علت واگذاری اعتباری به مبلغ

شماره پرونده: ۵۴/۹/۳ تاریخ: ۵۴/۹/۳ موضوع: واگذاری اعتباری به مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال	شماره پرونده: ۵۴/۹/۳ تاریخ: ۵۴/۹/۳ موضوع: واگذاری اعتباری به مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال
--	--

۱/۹۷۰ ریال آن که حاضرند استعمال بدهند و حتی به کمیته نرفته است و گزارش دیگر در ۵۴/۹/۲۰ است که در شعبه بازار ماند. و چون مبلغ ۲۵۰۰ میلیون ریال دوره رسیدگی شده و در بانک بازار بایگانی شده است موضوع را بطور وضوح شرح دهید. موضوع پرداخت ۵۰ هزار تومان به آقای مرزبانی چیست که ایشان ناگزیر چک را به حساب شما گذارده‌اند.

موضوع اعتبار که یک کاسه

شده از شهریور ۵۴ مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال بدهی جریان موضوع مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال مربوط به شرکت از ۵۴/۲/۲۵ [ناخوانا] شده یعنی یک میلیارد ریال اعتبار موجود دارند که در جریان امر بانک مسدود شده با این مشخصات بیشتر نمی‌توانم بدهم.

تاریخ: ۱۳۵۴/۹/۲۰

بانک ملی ایران شعبه بازار

احتراماً توجه مسئولین محترم را به نکات زیر معطوف داشته. زحمت می‌دهد، چون بر اثر اندیشمندانه رهبر خردمند کشور ثبات اقتصادی بر واحدهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی مملکت سایه افکنده که در نتیجه با سرمایه‌گذاریهای بیشتر تولیدات رو به افزایش خواهد بود. با توجه به علاقه‌ای

که اینجانب در گسترش کارخانه‌های تولیدی و صنعتی و کشت و صنعت در اقصى نقاط کشور دارم برای گردش امور کارخانه‌ها و شرکت‌هایی که حسابهای خود را در آن شعبه تمرکز داده‌اند و ذیلاً از آنها نام برده می‌شود احتیاج به اعتباراتی به منظور گردش بهتر امور و پیش پرداخت مواد اولیه دارد علاوه بر وثائق ارزنده‌ای که نزد آن بانک نوبت گذاشته شده سفته به امضای شرکتها در وجه بانک با ظهرنویسی اینجانب ارائه خواهد شد.

مهر و امضاء
کتاب ملی ایران شعبه بازار
۱۳۵۴/۹/۲۰
احتراماً توجه مسئولین محترم را به نکات زیر معطوف داشته. زحمت می‌دهد، چون بر اثر اندیشمندانه رهبر خردمند کشور ثبات اقتصادی بر واحدهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی مملکت سایه افکنده که در نتیجه با سرمایه‌گذاریهای بیشتر تولیدات رو به افزایش خواهد بود. با توجه به علاقه‌ای که اینجانب در گسترش کارخانه‌های تولیدی و صنعتی و کشت و صنعت در اقصى نقاط کشور دارم برای گردش امور کارخانه‌ها و شرکت‌هایی که حسابهای خود را در آن شعبه تمرکز داده‌اند و ذیلاً از آنها نام برده می‌شود احتیاج به اعتباراتی به منظور گردش بهتر امور و پیش پرداخت مواد اولیه دارد علاوه بر وثائق ارزنده‌ای که نزد آن بانک نوبت گذاشته شده سفته به امضای شرکتها در وجه بانک با ظهرنویسی اینجانب ارائه خواهد شد.

شرکت کارخانه قند اصفهان - پانصد میلیون ریال - شش‌دانگ کارخانه در رهن بانک بوده و اکنون متجاوز از پنج هزار میلیون ریال ارزش دارد.
۲- شرکت کارخانه قند قزوین - سیصد میلیون ریال - شش‌دانگ کارخانه در رهن بانک بوده و اکنون متجاوز از دو هزار میلیون ریال ارزش دارد.

شرکتها و واحدهایی که علاوه بر اعتبار قبلی تقاضای اعتبارات مشروحه زیر را دارند.

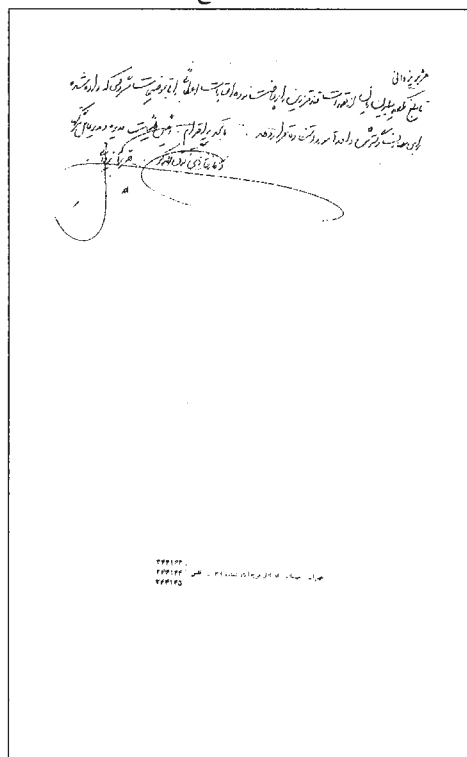
- ۱- شرکت کارخانه قند اصفهان - پانصد میلیون ریال - شش‌دانگ کارخانه در رهن بانک بوده و اکنون متجاوز از پنج هزار میلیون ریال ارزش دارد.
- ۲- شرکت کارخانه قند قزوین - سیصد میلیون ریال - شش‌دانگ کارخانه در رهن بانک بوده و اکنون متجاوز از دو هزار میلیون ریال ارزش دارد.

۳- شرکت کشاورزی مکانیزه و دامپروری کیخسرو - سیصد میلیون ریال -
ششدانگ ملک ارزنده‌ای واقع در میدان ولیعهد* تهران که یک هزار میلیون ریال با
طرحی که هم‌اکنون در حال پیاده شدن است ارزش دارد.

۴- شرکت صادراتی پوست گهرنازنین - دویست میلیون ریال

۵- شرکت تولیدی کفش اطمینان - دویست میلیون ریال

با عنایت به مراتب معروضه اینجانب موافقت دارد به منظور یک کاسه نمودن
اعتبارات تعهد فعلی کارخانه قند اصفهان و همچنین تا مبلغ یکصد میلیون ریال



از تعهدات قند قزوین را
پرداخت نموده اعتبارات
اعطائی را با توضیحات
مشروحه که داده شده برای
مصارف و گسترش واحدها
مورد استفاده قرار دهد.

با تجدید احترام، رئیس
هیئت مدیره و مدیرعامل
شرکتها و کارخانه‌های
فوق‌الذکر. هژبراله یزدانی

۱- نام کنونی این محل، میدان
ولی عصر (عج) می‌باشد.

به : عرض می‌رسد

از : ۳۴۱

تاریخ : ۵۴/۱۰/۱۳

شایعات

۱- یوسف خوش‌کیش فرزند احمد در سال ۱۲۸۵ ش در تهران بدنیا آمد. پس از طی تحصیلات متوسطه راهی فرانسه شد و لیسانس در رشته بانکداری از دانشگاه پاریس دریافت و پس از مراجعت به کشور از سال ۱۳۱۵ وارد خدمت دولتی شد و مشاغل از جمله : عضو شورای عالی سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران، معاونت بانک سپه، مدیر کل بانک ملی ایران، رئیس بانک مرکزی، رئیس شورای عالی بورس، عضو هیأت مدیره سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و... را عهده‌دار بود. وی همچنین عضو جمعیت فراماسونری ژو سدی و این سینا بوده است.

نامبرده به پاس خدمت به رژیم پهلوی نشان درجه یک آبادانی نیز دریافت نموده است. گزارشات متعددی از سوء استفاده‌های مالی، تخصیص وام برای آشنایان، سوء استفاده از مقام و موقعیت شغلی در زمان تصدی مدیر کلی بانک ملی ایران در پرونده وجود دارد. - اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

۲- عباس سرافراز فرزند مهدی در سال ۱۳۰۸ ش در یزد بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا دیپلم متوسطه ادامه داد و خدمت دولتی را در بانک آغاز نمود. وی همچنین از اعضای جمعیت فراماسونری ژو کوروش و خورشید نیز بوده است. - اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

خوش‌کیش^۱ رئیس کل بانک ملی در نظر دارد از طریق تخصیص اعتباری حدود ۲۰۰ میلیون تومان در چند شعبه بانکی از جمله شعبه بازار این مبلغ را در اختیار هژبر یزدانی چوبدار معروف قرار دهد گفته می‌شود که واسطه این کار

شخصی به نام عباس سرافراز^۲ مدیر شرکت ساختمانی اکرویل می‌باشد. سرافراز شخصاً این مطالب را عنوان و گفته است که در این کار مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال رشوه داده شده (۲۰ میلیون ریال به خود سرافراز، ۲۰ میلیون ریال برای رؤسای بانک‌ها و ۶۰ میلیون ریال دیگر برای خوش‌کیش)

ملاحظات : تعیین صحت یا سقم و چگونگی موضوع احتیاج به تحقیق بیشتری دارد.

پی نوشت مقام مدیریت کل از طریق اداره کل نهم تحقیق شود.

شایعات	
۱- تاریخ وقوع	۲- تاریخ وقوع
۳- تاریخ وقوع	۴- تاریخ وقوع
۵- تاریخ وقوع	۶- تاریخ وقوع
۷- تاریخ وقوع	۸- تاریخ وقوع
۹- تاریخ وقوع	۱۰- تاریخ وقوع
۱۱- تاریخ وقوع	۱۲- تاریخ وقوع
۱۳- تاریخ وقوع	۱۴- تاریخ وقوع
۱۵- تاریخ وقوع	۱۶- تاریخ وقوع
۱۷- تاریخ وقوع	۱۸- تاریخ وقوع
۱۹- تاریخ وقوع	۲۰- تاریخ وقوع
۲۱- تاریخ وقوع	۲۲- تاریخ وقوع
۲۳- تاریخ وقوع	۲۴- تاریخ وقوع
۲۵- تاریخ وقوع	۲۶- تاریخ وقوع
۲۷- تاریخ وقوع	۲۸- تاریخ وقوع
۲۹- تاریخ وقوع	۳۰- تاریخ وقوع
۳۱- تاریخ وقوع	۳۲- تاریخ وقوع
۳۳- تاریخ وقوع	۳۴- تاریخ وقوع
۳۵- تاریخ وقوع	۳۶- تاریخ وقوع
۳۷- تاریخ وقوع	۳۸- تاریخ وقوع
۳۹- تاریخ وقوع	۴۰- تاریخ وقوع
۴۱- تاریخ وقوع	۴۲- تاریخ وقوع
۴۳- تاریخ وقوع	۴۴- تاریخ وقوع
۴۵- تاریخ وقوع	۴۶- تاریخ وقوع
۴۷- تاریخ وقوع	۴۸- تاریخ وقوع
۴۹- تاریخ وقوع	۵۰- تاریخ وقوع
۵۱- تاریخ وقوع	۵۲- تاریخ وقوع
۵۳- تاریخ وقوع	۵۴- تاریخ وقوع
۵۵- تاریخ وقوع	۵۶- تاریخ وقوع
۵۷- تاریخ وقوع	۵۸- تاریخ وقوع
۵۹- تاریخ وقوع	۶۰- تاریخ وقوع
۶۱- تاریخ وقوع	۶۲- تاریخ وقوع
۶۳- تاریخ وقوع	۶۴- تاریخ وقوع
۶۵- تاریخ وقوع	۶۶- تاریخ وقوع
۶۷- تاریخ وقوع	۶۸- تاریخ وقوع
۶۹- تاریخ وقوع	۷۰- تاریخ وقوع
۷۱- تاریخ وقوع	۷۲- تاریخ وقوع
۷۳- تاریخ وقوع	۷۴- تاریخ وقوع
۷۵- تاریخ وقوع	۷۶- تاریخ وقوع
۷۷- تاریخ وقوع	۷۸- تاریخ وقوع
۷۹- تاریخ وقوع	۸۰- تاریخ وقوع
۸۱- تاریخ وقوع	۸۲- تاریخ وقوع
۸۳- تاریخ وقوع	۸۴- تاریخ وقوع
۸۵- تاریخ وقوع	۸۶- تاریخ وقوع
۸۷- تاریخ وقوع	۸۸- تاریخ وقوع
۸۹- تاریخ وقوع	۹۰- تاریخ وقوع
۹۱- تاریخ وقوع	۹۲- تاریخ وقوع
۹۳- تاریخ وقوع	۹۴- تاریخ وقوع
۹۵- تاریخ وقوع	۹۶- تاریخ وقوع
۹۷- تاریخ وقوع	۹۸- تاریخ وقوع
۹۹- تاریخ وقوع	۱۰۰- تاریخ وقوع

ملاحظات : تعیین صحت یا سقم و چگونگی موضوع احتیاج به تحقیق بیشتری دارد.

پی نوشت مقام مدیریت کل از طریق اداره کل نهم تحقیق شود.

اظهارات آقای افراسیاب زند رئیس شعبه فردوسی بانک ملی ایران

در تاریخ ۵۴/۸/۲۷ چکی به مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال به عهده به حساب ۸۰۰۱۰۰ آقای هژبر یزدانی از بانک صادرات بوسیله اداره پایاپای به شعبه فردوسی بانک ملی ایران ارائه گردید چون در آن تاریخ محلی برای پرداخت وجه چک نبود مراتب تلفنی به آقای یزدانی اطلاع داده شد (توضیح اینکه آقای هژبر یزدانی در این شعبه ۵۰۰ میلیون ریال اعتبار دارد که در آن تاریخ تماماً

استفاده شده بود و محلی برای پرداخت چک نبود) و ایشان اظهار نمودند که چک را نگهدارید وجه می‌رسانم. در ساعت ۱۲۰۰ همان روز چکی به مبلغ سیصد میلیون ریال عهده حساب جاری خودشان در شعبه مرکزی بانک ملی به این شعبه تسلیم نمودند که با مسدود نمودن چک از آن حساب وجه چک بانک صادرات در همان روز ۵۴/۸/۲۷ پرداخت گردید (برای مسدود نمودن این حساب با آقای نیکوخواه

۷۵

حسابی
در روز ۵۴/۸/۲۷

موضوع: پرداخت چک به آقای هژبر یزدانی به مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال

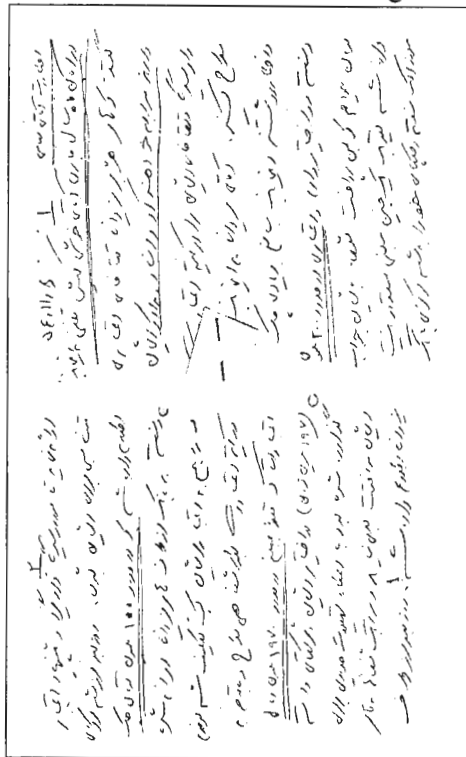
توضیح: این چک در تاریخ ۵۴/۸/۲۷ به شعبه فردوسی بانک ملی ایران ارائه گردید و در آن تاریخ محلی برای پرداخت وجه چک نبود. مراتب تلفنی به آقای یزدانی اطلاع داده شد. در این شعبه ۵۰۰ میلیون ریال اعتبار دارد که در آن تاریخ تماماً استفاده شده بود و محلی برای پرداخت چک نبود. ایشان اظهار نمودند که چک را نگهدارید وجه می‌رسانم. در ساعت ۱۲۰۰ همان روز چکی به مبلغ سیصد میلیون ریال عهده حساب جاری خودشان در شعبه مرکزی بانک ملی به این شعبه تسلیم نمودند که با مسدود نمودن چک از آن حساب وجه چک بانک صادرات در همان روز ۵۴/۸/۲۷ پرداخت گردید. (برای مسدود نمودن این حساب با آقای نیکوخواه

رئیس صندوق شعبه مرکزی تماس حاصل گردید که مشارالیه قبلاً چک را اعلام نمودند و برای اطمینان کامل با آقای قائمیان رئیس شعبه مرکزی نیز تلفنی تماس ایشان نیز مراتب را تایید نمودند)

[تاریخ: ۵۴/۱۱/۶]

اظهارات آقای سهامی

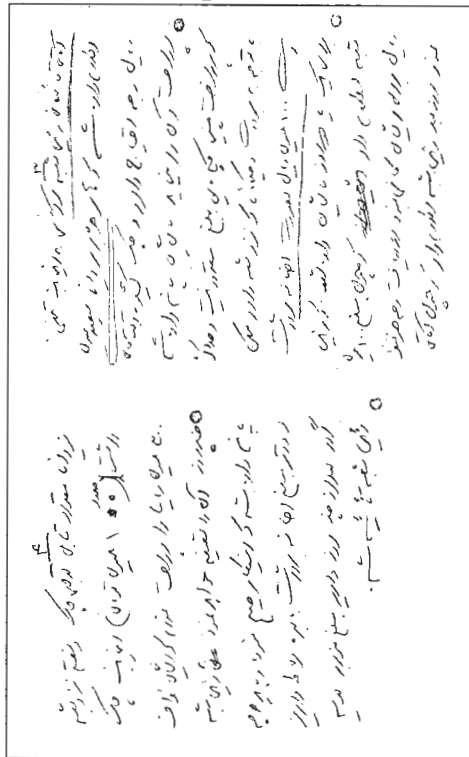
در آبان ماه سال جاری آقای خوش‌کیش تلفنی به اینجانب گفتند که آقای هژیر یزدانی تقاضای اعتباری دارند مراجعه خواهند کرد و اسناد و مدارک ایشان را رسیدگی و تقاضای ایشان را در کمیته اعتباری مطرح کنید. آقای یزدانی به اینجانب و اظهار داشتند اینجانب مبالغ زیادی چک و سفته در اختیار دارم و



اعتباری در حدود ۲۰۰ میلیون تومان می‌خواهم که به من پرداخت شود. به ایشان جواب داده شد تهیه یک چنین مبلغی مقدور نیست معذالک سفته و چکهای خود را به شعبه مرکزی بانک ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد پیشنهاد اعتبار متناسبی برای ایشان شد. روز بعد از شعبه مرکزی اطلاع داده شد که در حدود ۱۰۰ میلیون تومان چک و سفته به بانک از طرف آقای یزدانی ارائه شده و راجع به اعتبار ایشان

کسب تکلیف شد موضوع در کمیته اعتبارات بطور شفاهی مطرح و با توجه به اعتباراتی که قبلاً به مبلغ در حدود ۱۹۷۰ میلیون ریال (۱۹۷ میلیون تومان) در اختیار ایشان و شرکتهای وابسته گذارده شده بود با اعطاء تسهیلات جدیدی برای ایشان موافقت به عمل نیامد و مراتب شفاهاً به آقای یزدانی اطلاع داده شد. روز بعد از طرف آقای قائمیان رئیس شعبه مرکزی به اینجانب تلفنی اطلاع داده شد که آقای هژیر یزدانی سیصد میلیون ریال وجه احتیاج دارد و چک کشیده و تقاضای پرداخت آن را می‌نماید به ایشان اطلاع داده شد که پرداخت چنین چکی

به این مبلغ مقدور نیست و حداکثر با توجه به بروات و چکهایی که نزد شعبه دارد ممکن است ۱۰۰ میلیون ریال به صورت اضافه برداشت. برای یک یا دو روز به ایشان داده شود. که این شعبه اطلاع داد که چون مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال برای ایشان کافی نبود از دریافت وجه صرفنظر نمود روز بعد رئیس شعبه اطلاع داد که چون آقای یزدانی مقدار قابل توجهی چک و سفته نزد شعبه داشت (حدود ۱۰۰ میلیون تومان) اینجانب چک ۳۰۰ میلیون ریال را پرداخت نمودم که ایشان ظرف چند روز آن را تصفیه خواهد نمود رئیس شعبه پاسخ داده شد که این کار



صحیح نبوده و باید هر چه زودتر مبلغ اضافه برداشت با بهره مربوطه واریز گردد بعد از چند روز واریز مبلغ مزبور برسد رئیس شعبه تایید شد. در جریان تقاضای آقای هژبر یزدانی یک روز آقای خوشکیش مدیرکل بانک به اینجانب فرمودند که هژبر یزدانی آدم عجیبی است می دانی که ایشان چکی به مبلغ ۵ میلیون تومان برای من فرستاده بود که به هر مصرفی که لازم میدانم برسانم. و گفته بود که ۵ میلیون تومان دیگر هم

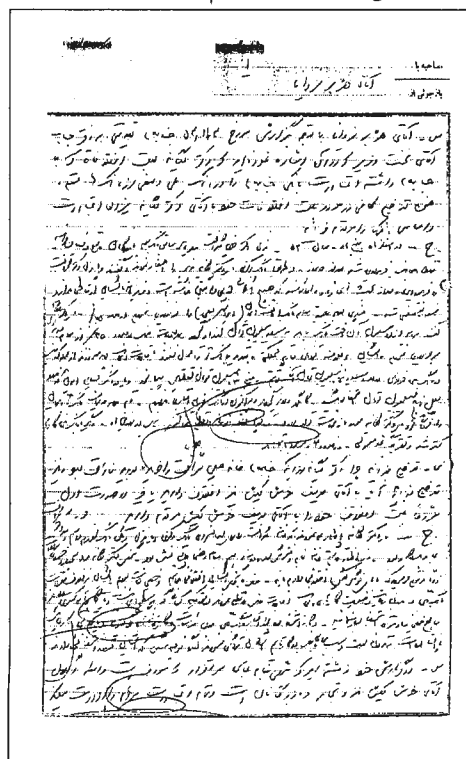
می فرستم بوسیله سرافراز که باعث فوق العاده تعجب اینجانب شد و فوراً چک را بوسیله آقای سرافراز برای ایشان فرستادم بلافاصله تلفنی هم به هژبر یزدانی اطلاع دادم که این حرکات به هیچ وجه مورد قبول نبوده و شایسته من نبوده و ایشان هم عذرخواهی کرد که روز بعد آقای قائمیان رئیس شعبه مرکزی به آقای خوشکیش گزارش می دهد که آقای هژبر یزدانی به وسیله آقای سرافراز چکی به مبلغ ۱۵۰ هزار تومان جهت به اینجانب فرستاده است که بلافاصله به مشارالیه مسترد و اظهار شد که چنین مسئله ای برای اینجانب بدون سابقه است.

روز بعد آقای مرزبان معاون شعبه مرکزی گزارش داد که آقای هژبر یزدانی بوسیله آقای سرافراز مبلغ ۵۰ هزار تومان پول نقد به عنوان پاداش روی میز اینجانب گذاشت من از قبول آن خودداری و به آقای هژبر اطلاع دادم که وجه خود را پس بگیرد و دو روز هم نگه داشتم و چون دیدم نیامد سه روز بعد در تاریخ ۵۴/۹/۹ به حساب شماره ۸۰۱۰۰ ایشان واریز نمودم.

۱- برودن تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۳- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۴- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۵- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۶- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا
۷- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۸- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۹- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۱۰- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۱۱- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۱۲- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا
۱۳- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۱۴- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۱۵- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۱۶- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۱۷- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۱۸- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا
۱۹- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲۰- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲۱- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲۲- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲۳- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲۴- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا
۲۵- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲۶- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲۷- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲۸- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۲۹- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا	۳۰- بازگشت تانک به تهران و قرار گرفتن در آنجا

بازجویی از آقای هژبر یزدانی

س - آقای هژبر یزدانی باتوجه به گزارش مورخ ۵۴/۱۱/۴ جنابعالی تقدیمی به دفتر جناب آقای نخست وزیر که در آن اشاره نموده‌اید که دکتر یگانه به علت اختلافاتی که با جنابعالی داشته اعتبارات بانکی جنابعالی را در بانک ملی و برخی از بانکها بسته، ضمن توضیح کافی در مورد علت اختلافات خود با آقای دکتر یگانه میزان اعتبارات و اسامی بانکها را مرقوم فرمائید.



ج - در اسفند ماه یا بهمن ماه سال ۵۲ - منزل دکتر حسین شرافت مدیر عامل سابق بانک بیمه بازرگانان واقع در خیابان فرانسه توسط اینجانب خریداری شد و بعد از دو روز از طریق بانک مرکزی، آقای دکتر یگانه بنده را احضار نمودند و گفتند چرا منزل دکتر شرافت را خریداری و بعد از بحث‌های زیاد و ارائه شده که هیچ اشکالی از لحاظ امنیتی نداشتنه است و خریداری به ایشان ارتباطی ندارد مسئله منتفی شد.

چندی بعد بنابر اعلام بانک اصناف ایران (ایران شهر فعلی) را خریداری نمودم و حدود ۷۵٪ - آقای دکتر یگانه گفتند سرمایه از دو میلیون آن وقت بانک باید به سیصد میلیون تومان از زیاده گردد.

به هر صورت بنده در حدود ۳۵٪ از سهام جدید آن را خریداری نمودم. ایشان بر خلاف قوانین جاری مملکتی با تهدید به بانکها و اعمال نفوذ به اعتبارات اینجانب صدمه زدند از جمله حسابی که در بانک ملی فردوسی در حدود سیصد و پنجاه میلیون تومان آن جا داشتم به مبلغ پنجاه میلیون تومان تقلیل پیدا نمود و

یا در بانک صنایع اموال که حدود چهل و پنج میلیون تومان استفاده می شد. کاملاً و راین گردید و هم اکنون در بانک صنایع اعتباری ندارم - تمام مدیران بانک های ایران و فردوسی را خود آقای یگانه مورد بازخواست قرار می دادند که چرا اعتبار یزدانی را قبول می کنید - بنده در فروردین ماه دیگر با بانک ملی کارم کمتر شد و تقریباً به حد معمولی - در حدود اعتبار موجود باقی ماند.

س - توضیح بفرمائید چرا دکتر یگانه از این که جناب عالی خانه حسین شرافت را خریده بودید ناراحتی می ورزید.

توضیح بفرمائید آیا با آقای یوسف خوش کیش نیز اختلاف دارید یا خیر؟ در صورت اول مشروحاً علت اختلاف خود را با آقای خوش کیش مرقوم دارید.

ج - آقای دکتر یگانه اظهار نمودند که خانه شرافت روبروی مهمانسرای بانک مرکزی است و منزل را برای بانک لازم داشتم و پسر دکتر شرافت به ما بدهکار بود - بنده اظهار داشتم خانه به نام دخترش بود و در سند این معامله رهنی واقع نشده بود. شخص دکتر یگانه مرد



لجباز و خود سری است. دوماً مرقوم فرمودید که با آقای خوش کیش اختلافی دارم یا نه - بنده با شخص ایشان اختلافی نداشتم و خیلی دوست بودم ایشان نیز خلاف مقررات بانک ملی و بدون رعایت ضوابط کارهای اینجانب و اعتبارات بنده را قطع نمودند در صورتی که کسانی که در سطح اینجانب و یا کارهای کمتری دارند مبالغ خیلی زیادتری استفاده می نمایند - و کار استفاده از اعتبارات بانک ملی [ناخوانا] مؤسسات و کارخانه ها و یا شرکت هایم کارشان از پا افتاده است و بدون علت و سبب [ناخوانا] با بنده و کارهایم اشکال تراشی می نمودند

بعداً متوجه شدم که ایشان [ناخوانا] دارند.

س- در گزارش خود نوشته‌اید که شخصی به نام عباس سرافراز که معروف است واسطه و دلال آقای خوش‌کیش نزد تجار و بازرگانان است تمام اعتبارات مردم را درست می‌کند. لطفاً دلایل و مدارک خود را در این زمینه ارائه نموده و بازگو فرمائید و اسامی تعدادی از افراد را که آقای سرافراز بوسیله آقای خوش‌کیش برای آنها اعتبار داده است موضوع را مرقوم دارید.

ج- در مورد آقای سرافراز سؤال فرمودید تمام تجار تهران و اکثر کارمندان



عالیرتبه بانک از روابط آقای خوش‌کیش و ایشان اطلاع دارند و چنانچه محرمانه به صورتی که متوجه نشوند از دستگاه‌های دولتی سؤال شود همه اظهار خواهند داشت که نامبرده هر گرفتاری که آقای خوش‌کیش داشته مرتفع می‌نماید.

در مورد اسامی افراد مرقوم فرمودید که چند نفر به یادم است - چون در کار تجارت اعتبارات افراد به منزله رشته و سیاست اقتصادی مردم

است بنده اسم کسی نمی‌برم ولی شما می‌توانید به طور غیر مستقیم از هر کس که فکر می‌کنید اعتبار و مدرکی در بانک ملی داشته باشد سؤال بفرمائید.

در مورد مدارک رسیده آقای سرافراز نظر به اینکه بنده در عرایض نوشته‌ام - چک‌های موجود سند روشن می‌باشد.

س- جناب آقای یزدانی جنابعالی در عریضه تسلیمی خود به دفتر جناب آقای نخست‌وزیر در مورد غلام عباس سرافراز نوشته‌اید که این شخص دلال آقای یوسف خوش‌کیش است و کار اعتبار تجار را درست می‌کند در حالی که از بردن

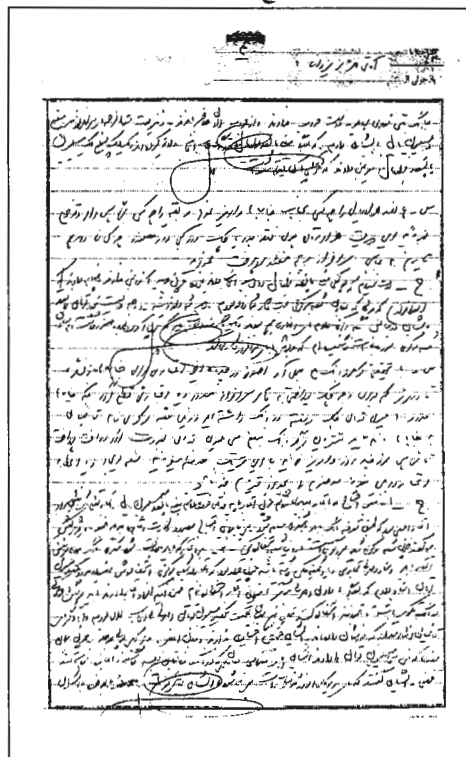
نام این تاجر که کار اعتباری آنهايي که بدست سرافراز و خوش کیش شده خودداری می‌نمائید با توجه به اینکه موضوع تحت رسیدگی است لطفاً آسامی چند نفر از این افراد را مرقوم فرمائید.

ج- [ناخوانا] اختلاف آقای میراشراقی با آقای خوش کیش - [ناخوانا] اعتباری یکی خوش کیش تصویب نمودند واسطه اکثر آنها سرافراز بوده است بدین وسیله آقای غلامعلی خمسوری که تا بهار چک شعبه مرکزی را به [ناخوانا] و استانها برده‌اند حضورتان معرفی می‌شود تا اطلاعات جامع و کاملی در زمینه سوء

استفاده‌های خوش کیش به شما ارائه دهد.

س- شما در درخواست خود عنوان کرده‌اید که تقاضای اعطای اعتبار را خود آقای خوش کیش دیکته نمود و شما نوشتید توضیح دهید که در کجا در حضور چه کسانی و در چه تاریخ این عمل انجام شد و چه دلایلی در این مورد دارید.

ج- در حضور ایشان در دفترشان اظهار نمودند که اعتبار ترا در شعبه مرکزی خواهم داد و گفتند به چه

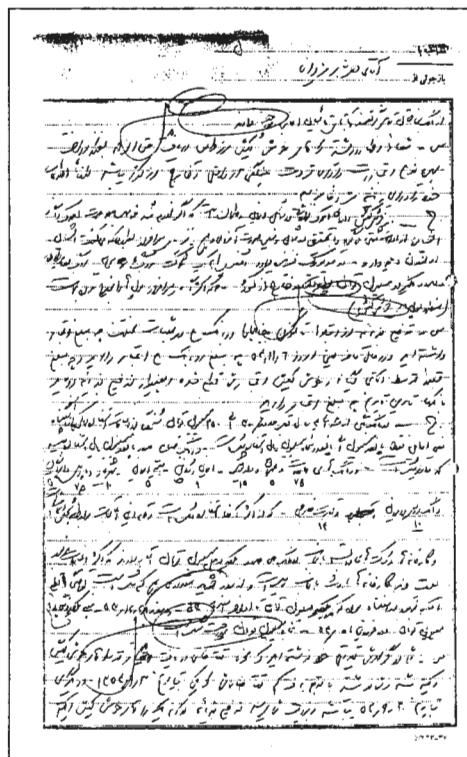


حوزه‌هایی بنویسم برای تقاضای اعتبار برای شرکت‌های دیگر. آقای عباس سرافراز نامه را که ایشان می‌گفتند نوشته و سپس به آقای انهاری دادند پاکنویس شود ولی به خاطر ندارم در کجا بوده که پاکنویس‌اش را آقای انهاری به آقای سرافراز داده‌اند که به آقای خوش کیش بدهد.

س- شما در گزارش خود نوشته‌اید که در اثر اختلافاتی که با آقای یگانه داشته‌اید اعتبارات شما را یک مرتبه قطع نموده‌اند در صورتی که طبق تحقیق اعتبار شما در شعبه فردوسی به تدریج قطع شده است اگر در سایر شعبات و

بانک‌ها در یک مرحله تمام اعتبارات شما قطع شد روشن بفرمائید در کدام شعبات و در چه تاریخ.

ج- در بانک ملی فردوسی بنده تمام اعتبارات خود را از پانزدهم اسفند تا آخر اسفند معاف بودم فقط در روز ۵۳/۱۲/۲۸ این مبلغ یک صد و پنجاه میلیون تومان معاف نمودم علت آن این بود که چک‌های تضمینی اینجانب موجود در بانک را تاریخ گذاشتند و به دستور خوش‌کیش در آخرین [ناخوانا] چک‌ها بانک‌ها را وصول نمودند.



س- مشروحاً توضیح بفرمائید چک‌های شماره ۳۳۳۳۳۱ به تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۵ به مبلغ سی میلیون ریال در وجه حامل و چک ۳۳۳۳۳۲ به تاریخ ۵۴/۸/۲۶ در وجه حامل به مبلغ بیست میلیون متعلق به جنابعالی است یا خیر این چک‌ها را به چه منظور کشیده‌اید و در اختیار چه کسی و به چه منظور قرار داده‌اید و از طرف چه کسی پشت نویسی شده و چه طور شده مجدداً به دست شما رسیده است.

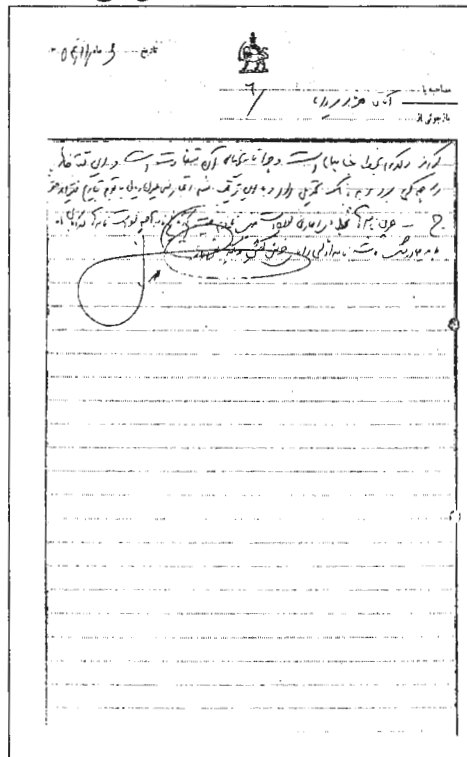
ج- بعد از ملاقات در دفتر آقای خوش‌کیش - آقای سرافراز به من مراجعه نمودند و گفتند که آقای خوش‌کیش توقعاتی از شما دارند بنده مبلغ سی میلیون ریال چک دادم فرداش باز اظهار نمودند مبلغ مزبور کم است در نتیجه بنده مبلغ بیست میلیون ریال دیگر دادم چک‌ها هر دو فقره در وجه حامل بود.

آقای خوش‌کیش تلفنی با من تماس گرفت و من رفتم دفترشان به بنده اظهار نمودند که چک‌هایی به مبلغ ۳ یا ۵ ده میلیون تومان به سرافراز داده‌اید بنده گفتم درست است ایشان تعارف نمودند که بنده نظری ندارم و از محبت شما

ممنونم من به ایشان گفتم چک‌ها نزد سرافراز است و هر وقت شما لازم داشتید پس می‌گیرم - و مطلب با تعارف تمام شد.

فردای آن روز در شعبه مرکزی مبلغ سیصد میلیون ریال به من دادند و روز بعد دو فقره چک را برای وصول شعبه میدان فردوسی فرستادند بنده با تماس با ایشان اظهار نمودم که باید تمام اعتبار قطع شده به من پرداخت گردد تا شما چک‌ها را وصول نمایید.

آقای سرافراز در ملاقات با من گفتند که آقای خوش‌کیش با مبلغ پنج میلیون



تومان موافق نیستند باید ده میلیون تومان بدهی دلایل را پرسیدم گفتند که شما در ملاقات با آقای خوش‌کیش، ایشان مجدداً به شما گفتند که ۳ یا ۵ یا ۱۰ میلیون تومان چک به سرافراز داده‌اید گفتم بلی درست است چنانچه جمله‌ای گفتند که مد نظرشان روی ده میلیون تومان است - بنده هم ناچاراً از ایشان خواستم چک‌های مرا پس بدهد و من اعتبار نمی‌خواهم. روز ۲۹/۸/۵۴ آقای قائمیان به تلفن کردند

و اظهار نمودند شما باید سی میلیون تومان را پس بدهی و تا این تاریخ تعدادی از چک‌های متفرقه و غیره شما به حساب رفته است بقیه را باید زودتر واریز کنید من به آقای خوش‌کیش تلفن نمودم که آقا این چه اعتباری که دادید و باید سه روزه پس بدهم - گفتند علتش را خودت بهتر می‌دانی و تلفن را قطع نمودند.

بنده در تاریخ ۳۰/۸/۵۴ بابت سی میلیون تومان باقیمانده وجه نقد به مبلغ ۱۹۰ یا ۱۹۵ میلیون ریال چک بانک صادرات دادم که تاریخ اول یا دوم آذر ماه و به حساب جاری ۸۵۱۱۳ بانک ملی مرکزی واریز شد.

چک‌ها نزد آقای عباس سرافراز پشت نویسی شد و به وسیله آقای انهاری از ایشان گرفته شد. در یکی از شب‌ها از یکی از افراد مؤثر مملکت از ایشان (عباس سرافراز) سؤال نمودند که چک‌ها را به چه منظور گرفتی - گفت می‌خواستم در بانک ملی خرج کنم.

آن فرد از ایشان سؤال نمود آقای خوش‌کیش اگر نظری نداشتند از کجا فهمیدند که شما چک از یزدانی گرفته‌اید گفتند که من به ایشان گفتم دوباره سؤال شد چه جواب دادند.

آقای سرافراز گفت آقای خوش‌کیش اظهار نمودند چک‌ها را پس بده - سؤال شد پس چرا چک‌ها را به منزل یا به بانک ملی فردوسی بردید - درست جواب ندادند و از جواب دادن عاجز ماندند - و نیز بابت حق‌الزحمه آقای سرافراز چک به مبلغ دو میلیون ریال به ایشان دادم که بعداً مبلغ پانصد هزار ریال تقدماً به حساب اینجانب واریز کرده‌اند و یک چک به مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال نیز به من دادند که فتوکپی آن تقدیم شده است.

س - پانصد هزار ریال را چه کسی به حساب جنابعالی واریز نمود و بقیه را چه کسی توضیح بفرمائید این دو صد هزار تومان پول نقد بود یا چک در کجا در حضور چه کسانی و در چه تاریخ به عباس سرافراز و به چه منظور پرداخت نمودید.

ج - درست نمی‌دانم که چه کسی مبلغ پانصد هزار ریال را به حساب اینجانب واریز نموده چون رسید آن را به من دادند و چنانچه سرافراز گفت که پولی که به معاون شعبه مرکزی به علت کار به شما داده بودم به حساب شما واریز شد و وجه دو صد هزار تومان را تقدماً به ایشان در سالن شعبه مرکزی دادم، آقای انهاری هم بودند و یک کارورز آنجا که پول آورده بود حضور داشت نام معاون شعبه مرکزی مرزبانی است و شنیده‌ام که برادرش با آقای سرافراز کار می‌کند.

س - با تحقیقی که از بانک ملی به عمل آمد اصولاً در چند ماه اخیر اعتباری برای جنابعالی باز نشده تا در اثر کم بودن وجه چک پرداختی به آقای سرافراز مسدود و یا اعتبار آن قطع گردد بلکه جنابعالی حدود ۱۰۰ میلیون تومان چک و سفته در بانک داشته‌اید و رئیس شعبه مرکزی به نام قائمیان به جنابعالی مانند سایر مشتریان دیگر بانک ملی سی میلیون تومان به صورت «اوردرافت» پرداخت تا شما پس از چند روز واریز نمائید با این ترتیب ملاحظه می‌فرمائید مسئله ایجاد و یا اعطای اعتبار در بین نبوده موضوع را مجدداً بیان بفرمائید.

ج - ۱- بنده احتیاج به اعتبار جدیدی نداشتم چون اعتبار پایه بانک ملی فردوسی داشتم مبلغ پانصد میلیون ریال اعتبار طی یک فیش که در اعتبار اصلی بود که طبق تعرفه بانک باید با مشتری معامله شود - پس بنابراین احتیاج به صدور کارت اعتباری جدید نبود و آقای خوش‌کیش می‌گفتند چون شعبه مرکزی است در این شعبه استفاده نکن. ۲- هر اعتبار که باید پرداخت شود و کمتر می‌شود بانک برای پوشش اعتبار باید اسناد دولتی تجارتی و یا وثیقه ملکی داشته باشد چون قرار بود که اعتبار در شعبه مرکزی استفاده شود و بنده در حدود یک صد میلیون تومان اسناد دادم که بعداً با دادن وصولی بیشتر تا از این

اعتبار استفاده نمایم ضمن این که افراد اعتبار دارند باید پوشش دولتی در بانک تکمیل باشد تا بتوانند استفاده کنند بنده نیز به همان علت یک صد میلیون تومان وصولی [ناخوانا] داده بودم اما آقای قائمیان اظهار می‌دارد که خودشان داده‌اند - ایشان چنین اختیاری ندارند و بدون اجازه مدیرکل پول بدهد. چون همان روزی که به من سی میلیون تومان را دادند ایشان گفت با معاون که در بانک ساختمان جلسه داشتند اجازه خواستند تلفنی ایشان گفتند که آقای مدیرکل امروز شرفیاب است پس نمی‌شود با ایشان تماس گرفت. و بعد با ایشان از بانک ساختمان تماس گرفت و آقای قائمیان اجازه پرداخت دادند.

س - شفاهاً اظهار داشتید که آقای خوش‌کیش از طریق دریافت حق الزحمه به منظور پرداخت این نوع اعتبارات دارای ثروت هنگفتی در داخل و خارج از کشور می‌باشد لطفاً اطلاعات خود را در این زمینه مشروحاً بفرمائید.

ج - خوش‌کیش دارای املاک فراوانی در شمال ایران و تهران است که اگر لازم باشد خود بنده صورت املاک و اسناد ایشان را از ادارات ثبتی می‌گیرم و با تحقیق در شمال بنده صورت آن را می‌دهم.

ضمناً آقای سرافراز به‌طوری که می‌گفت ایشان در لندن ویلا دارد. در نیویورک جزیره دارد. [ناخوانا] یک شرکت بزرگ با سهامی بزرگ در امریکا دارد و حدود یک هزار میلیون تومان پول دارد در خارج از کشور که اکثراً آقای سرافراز پول‌ها را به خارج برده است (منظور پول آقای خوش‌کیش).

س - توضیح بفرمائید از ابتدا تاکنون جنابعالی در بانک ملی در شعبات مختلف چه مبلغ اعتبار داشته‌اید در حال حاضر یعنی امروز ۵۴/۱۱/۶ چه مبلغ در بانک ملی چقدر اعتبار دارید و چه مبلغ قبلاً توسط آقای یگانه و خوش‌کیش اعتبار شما قطع شده و همین‌طور توضیح بفرمایید در سایر بانکها تا این تاریخ چه مبلغ اعتبار دارید.

ج - در بانک ملی از سه الی ۴ سال قبل حدود ۳۰۰ الی ۳۵۰ میلیون تومان شخصاً از اعتبارات استفاده می‌کردم ولی از اواخر اسفند ماه یعنی اوایل فقط پانصد میلیون الی پانصد و پنجاه میلیون استفاده شده است.

در بانک صنایع حدود پانصد میلیون ریال استفاده می‌شد که واریز شده است در بانک‌های صادرات و تهران و داریوش - ایران و ژاپن - بیمه ایران - شهریار و پارس و ایرانیان و بانک روس و ایران و تجارت خارجی که از اکثر آنها استفاده شده است و تمام این اعتبارات مربوط به شخص اینجانب است و کارخانه‌ها و شرکت‌های وابسته اینجانب در بانک ملی حدود یکصد و پنجاه میلیون تومان اعتبار دارند که اکثر اعتبارات مزبور به صورت چند کارخانه‌ها به ارث به اینجانب رسیده است و از روز خرید تعدادی هم کم شده است توضیحاً قطع اعتبار مزبور در اسفند ماه بود که یک صد میلیون تومان تا اواخر اسفند ماه ۵۳ - در روز ۵۳/۱۲/۲۸ - مبلغ یک صد و سی و پنج میلیون تومان و در فروردین ماه ۵۴ - پنجاه میلیون تومان پرداخت شده است.

س - شما در گزارش تقدیمی خود نوشته‌اید که نحوه تقاضای دریافت اعتبار توسط آقای خوش‌کیش

دیکته شده و شما نوشتید با توجه به فتوکپی تقاضاهایی که یکی به تاریخ ۱۳۵۴/۹/۳ و دیگری به تاریخ ۵۳/۹/۲۰ می باشد و به رؤیت شما می رسد توضیح بفرمائید کدام یک را آقای خوش کیش دیکته کردند و کدام به خط جناب عالی است و چرا تاریخ های آن متفاوت است و این تقاضاها را چه کسی برد و به بانک تحویل داد و: به این ترتیب مسئله اعتبار سی میلیون ریال با توجه به تاریخ نمی تواند صحیح باشد. ج- چون نامه ها به خط آقای انهاری بوده است من یادم نیست که تاریخ نامه چه بوده است. نامه ها در آبان ماه باید صادر شده باشد نامه اولی را آقای خوش کیش دیکته نمودند.

شماره: ۵۲۰

گواهینامه عدم پرداخت چک

چک شماره ۳۳۳۳۳ مورخ ۵۴/۱/۲۶ به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بیست میلیون ریال) عهده حساب جاری شماره ۱۰۱۰۰ به نام آقای هژیر یزدانی دارنده شناسنامه شماره ۱۱۳ صادره از سنگسر به نشانی میدان ژاله کفش ایران صادره به امضای خودشان وکیل / نماینده / مدیر یا مدیران به نشانی بالا

به علت کسر موجودی حساب اعشاری است که فعلاً محل ندارد امضای صادرکننده چک با نمونه امضای موجود در بانک در حدود عرف بانکداری تطبیق می‌نماید. در تاریخ صدور تا میزان وجه چک - محل داشته. مبلغ - کسری داشته. در تاریخ ارائه مبلغ - ریال کسری داشته.

به تاریخ ۵۴/۹/۱

مهر و امضاء مجاز بانک

نمونه ۵۴۱

(۳۶۷)

بانک ملی ایران

شعبه فردوسی

بنک ملی ایران
شعبه فردوسی

گواهینامه عدم پرداخت چک

چک شماره ۳۳۳۳۳ مورخ ۵۴/۱/۲۶ به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بیست میلیون ریال) عهده حساب جاری شماره ۱۰۱۰۰ به نام آقای هژیر یزدانی دارنده شناسنامه شماره ۱۱۳ صادره از سنگسر به نشانی میدان ژاله کفش ایران صادره به امضای خودشان وکیل / نماینده / مدیر یا مدیران به نشانی بالا

به علت کسر موجودی حساب اعشاری است که فعلاً محل ندارد امضای صادرکننده چک با نمونه امضای موجود در بانک در حدود عرف بانکداری تطبیق می‌نماید. در تاریخ صدور تا میزان وجه چک - محل داشته. مبلغ - کسری داشته. در تاریخ ارائه مبلغ - ریال کسری داشته.

به تاریخ ۵۴/۹/۱

مهر و امضاء مجاز بانک

نمونه ۵۴۱

(۳۶۷)

بانک ملی ایران

شعبه فردوسی

تاریخ: ۵۴/۱۱/۷

آقای محمود پورنیک فرزند عبدالرسول شناسنامه ۱۱۱۰۰ صادره از یزد
متولد ۱۳۰۵ شغل مدیرعامل شرکت سرکشت واقع در خیابان سعدی تلفن
۳۱۹۳۴۰ و ساکن تهران خیابان پهلوی خیابان اسفندیار کاشی ۲۰ تلفن
۲۲۱۳۴۸ منزل شخصی

س- آقای پورنیک خواهشمند است کلیه اطلاعات خود را در مورد آقایان هژبر

۱
۵۴/۱۱/۷
آقای محمود پورنیک فرزند عبدالرسول شناسنامه ۱۱۱۰۰ صادره از یزد متولد ۱۳۰۵
شغل مدیرعامل شرکت سرکشت واقع در خیابان سعدی تلفن ۳۱۹۳۴۰ و ساکن تهران
خیابان پهلوی خیابان اسفندیار کاشی ۲۰ تلفن ۲۲۱۳۴۸ منزل شخصی
س- آقای پورنیک خواهشمند است کلیه اطلاعات خود را در مورد آقایان هژبر
دیندار و سرافراز و روابط آنان با یکدیگر و همچنین موضوع
تقاضای گشایش اعتبار توسط آقای یزدانی در بانک
ملی و نیز نقش آقای سرافراز در این جریان و موضوع اختلاف آقایان
خوش کیش و هژبر یزدانی و موضوع مبادله دو فقره چک
به مبلغ ۲ و ۳ میلیون تومان به آقایان یزدانی و سرافراز
به منظور تحویل به آقای خوش کیش و نیز هر اطلاع دیگری در مورد پرداخت

مبلغ ۲۰۰ هزار تومان از طرف یزدانی به سرافراز و بطور کلی با ذکر نحوه
پرداخت- در کجا و در حضور چه کسانی و به چه ترتیب و به چه منظور و هر نوع
اطلاع دیگری را در این مورد دارید ذیلاً مرقوم بفرمائید.

ج- من اطلاع پیدا کردم که آقای یزدانی توسط آقای سرافراز تقاضای دویست میلیون تومان
اعتبار کرده است و ۲ قطعه چک به مبلغ پنجاه میلیون تومان داده و چون جلوگیری داده شده
وصول نگردیده اعتبار فوق داده نشده است و اطلاع من یکی در دفتر آقای سرافراز به اتفاق
انهایری بود که آنها به هم موکول می کردند و یکی هم یک شب منزل آقای سرافراز بودیم که جهت

اعتبار مذاکره بود و آقای سرافراز به انهاری گفت کار شما درست شده و باید چک ۲ فقره آقای یزدانی وصول شود و تقاضای مبلغ یکصد و پنجاه میلیون تومان اعتبار از بانک ملی بازار را به امضاء آقای یزدانی از انهاری گرفت و قرار شد صبح برود، یک [ناخوانا] را تمام کند.

موضوع آشتی کردن آقای یزدانی و خوش کیش آقای سرافراز آنها را در رستورانی یک روز ظهر نهار مهمان می‌کند و آنها را با هم آشتی می‌دهد موضوع دویست هزار تومان دریافتی از آقای یزدانی موضوع این بود که آقای سرافراز گفته بود جهت [ناخوانا] پانصد هزار ریال و جهت قائمیان یک میلیون پانصد هزار ریال باید پرداخت شود و چون پرداخت شده بود پانصد هزار

ریال را به حساب آقای یزدانی در بانک ملی مرکزی ریخته می‌شود و یک میلیون و پانصد هزار ریال مابقی هم که آقای سرافراز چکی به بانک ملی می‌دهد که بعداً وصول می‌شود تا آنجایی که اطلاع دارم اختلاف آقای خوش کیش و یزدانی بر سر اعتبار بوده است.

س - بنظر جنابعالی سرافراز ۵ میلیون تومان را برای خودش می‌گرفت و یا قصد داشته به آقای خوش کیش بدهد.

ج - بنظر این جانب آقای سرافراز ۵ میلیون تومان را برای خودش نمی‌گرفت و می‌خواست در بانک

در این مورد که آقای سرافراز به انهاری گفت کار شما درست شده و باید چک ۲ فقره آقای یزدانی وصول شود و تقاضای مبلغ یکصد و پنجاه میلیون تومان اعتبار از بانک ملی بازار را به امضاء آقای یزدانی از انهاری گرفت و قرار شد صبح برود، یک [ناخوانا] را تمام کند. موضوع آشتی کردن آقای یزدانی و خوش کیش آقای سرافراز آنها را در رستورانی یک روز ظهر نهار مهمان می‌کند و آنها را با هم آشتی می‌دهد موضوع دویست هزار تومان دریافتی از آقای یزدانی موضوع این بود که آقای سرافراز گفته بود جهت [ناخوانا] پانصد هزار ریال و جهت قائمیان یک میلیون پانصد هزار ریال باید پرداخت شود و چون پرداخت شده بود پانصد هزار ریال را به حساب آقای یزدانی در بانک ملی مرکزی ریخته می‌شود و یک میلیون و پانصد هزار ریال مابقی هم که آقای سرافراز چکی به بانک ملی می‌دهد که بعداً وصول می‌شود تا آنجایی که اطلاع دارم اختلاف آقای خوش کیش و یزدانی بر سر اعتبار بوده است. س - بنظر جنابعالی سرافراز ۵ میلیون تومان را برای خودش می‌گرفت و یا قصد داشته به آقای خوش کیش بدهد. ج - بنظر این جانب آقای سرافراز ۵ میلیون تومان را برای خودش نمی‌گرفت و می‌خواست در بانک

ملی واریز نماید و اعتبار آقای یزدانی را درست نماید.

س - جنابعالی از سرافراز یا انهاری و یا یزدانی شنیدید که این ۵ میلیون را قرار بود به آقای خوش کیش بدهند.

ج - صحبت پنج و ده میلیون تومان بود که پنج میلیون تومان آن چک داده شده بود و باقیمانده بعد از تصویب اعتبار آقای یزدانی و شرکتهای مربوطه پرداخت شود و پول به آقای خوش کیش و سایرین پرداخت شود.

س - آیا تاکنون شنیده‌اید که آقای غلام عباس سرافراز در زمینه اخذ اعتبار برای

ج- چون دوستی آقای سرافراز و آقای خوش‌کیش راهمه مطلع می‌باشند عده‌ای که از دوستی آنها مطلع نمی‌باشند کاری در بانک ملی داشته باشند به آقای سرافراز مراجعه می‌نمایند تا کار آنها درست شود.

چه اطلاعی دارید این
تقاضاها به خط کیست در
کجا و در چه تاریخ و با
حضور چه کسانی نوشته
شده است.

[illegible]

منزل آقای سرافراز نوشته شده و بنده منزل ایشان بودم که آقای انهاری آمد و بعداً حدود ساعت ۱ شب آقای یزدانی هم آنجا تشریف آوردند.

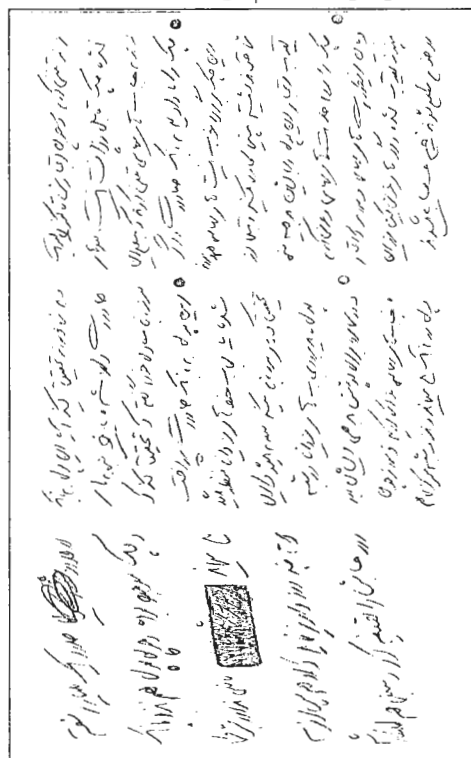
اظهارات آقای قائمیان

یک روز آقای یزدانی با سرافراز به اتفاق می آمدند و برای اولین بار یزدانی را دیدم و گفتند که قرار است یک کارتی به شعبه مرکزی ابلاغ شود که من تحقیق کردم کارتی ابلاغ نشده بود بعد قائمیان به دفتر آقای سهامی تلفن کردند ایشان تشریف نداشتند و در بانک ساختمان تشریف داشتند و بعد دوباره تلفن کردند به جناب آقای سهامی جناب آقای سهامی فرمودند فعلاً در کمیته تصمیم گرفته

نشد شاید فردا در کمیته مطرح گردد تصمیمی گرفته شود ابلاغ می شود آقایان رفتند و فردا ساعت ۹/۵ الی ۱۰ از شعبه فردوسی تلفن کردند که آقای یزدانی در آنجا محلی دارند یا خیر که بنده عرض کردم کارت ابلاغ نشده و اگر ابلاغ شود به اطلاع شما می رسانیم. فردا آقای زند رئیس شعبه فردوسی گفتند مثل اینکه اعتباری در شعبه مرکزی برای من پایدار شده (توضیح اینکه آقای یزدانی چکی از حساب شعبه مرکزی به

شعبه فردوسی دادند که به حسابشان منظور شده مبلغ سیصد میلیون ریال بود بنده گفتم که چک آخریش را بفرستید اگر قبول شد پرداخت می کنم اگر نشد چک را بر می گردانیم فردا این چک را برای شعبه مرکزی فرستادند تا آن ساعت هم کمیته اعتبارات تصمیمی در این مورد نگرفته بود و به آقای زند تلفن کردم و چون اعتباراتی تاکنون تصویب نشده چک قابل پرداخت نیست. بعد آقای زند به جناب آقای سهامی تلفن کردند که مبلغ این چک را ما دادیم به بانک صادرات و اگر این چک برگردد خوب نیست آقای سهامی هم فرمودند شما حق نداشتید

چنین کاری بکنید و قبل از تصویب اعتبار این پول را به ایشان بدهید بنده چک را
بردم خدمت آقای سهامی و عرض کردم و جریان این طور است آقای سهامی
فرمودند که اعتبار هنوز تصویب نشده و اگر آقای خوش کیش از این موضوع
مطلع گردند خیلی عصبانی می شوند و به بنده فرمودند تحقیق کنید آیا این پول به
بانک صادرات داده شده یا خیر بنده به آقای مرزبان معاون خودم گفتم که تحقیق
کند که این پول به بانک صادرات پرداخت شده یا به حساب خود آقای یزدانی
منظور می گردد تحقیق که آقای مرزبانی می کند معلوم می شود این پول باید برود



به حساب آقای یزدانی در
شعبه فردوسی برود برای
پوشش بدهی ایشان بعد با
جناب آقای سهامی مذاکره
کردیم فرمودند چون پول در
بانک ملی می ماند و نزد
شعبه مرکزی هم در حدود
یک میلیارد سفته و چک
موجود بوده و چون پول هم
نزد بانک ملی می ماند مانعی
ندارد به شرطی که تا چند
روز واریز نماید که او هم
پس از سه روز حسابش را
تصفیه کرد و مبلغی هم
طلبکار شد.

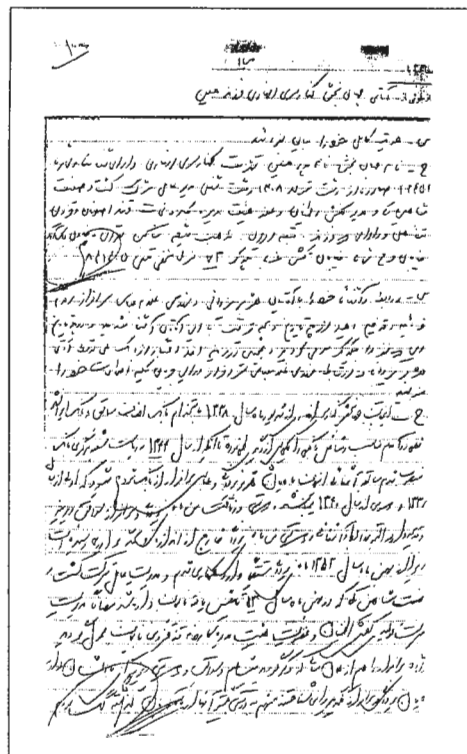
بازجویی از آقای جهان‌بخش کنارسری انهاری فرزند حسین

س - هویت کامل خود را بیان بفرمایید.

ج - نام جهان‌بخش نام پدر حسین شهرت کنارسری انهاری دارای شناسنامه شماره ۲۲۴۵۲ صادره از رشت متولد ۱۳۰۸ رشت شغل مدیرعامل شرکت کشت و صنعت شاهین‌کی و مدیرکفش اطمینان و عضو هیئت مدیره کارخانجات قند اصفهان و قزوین متأهل و دارای دو فرزند تبعه ایران. مذهب شیعه ساکن

تهران - خیابان عباس‌آباد
خیابان فرح شمالی خیابان
تکش غربی پلاک ۷ منزل
شخصی تلفن ۸۴۱۴۰۵

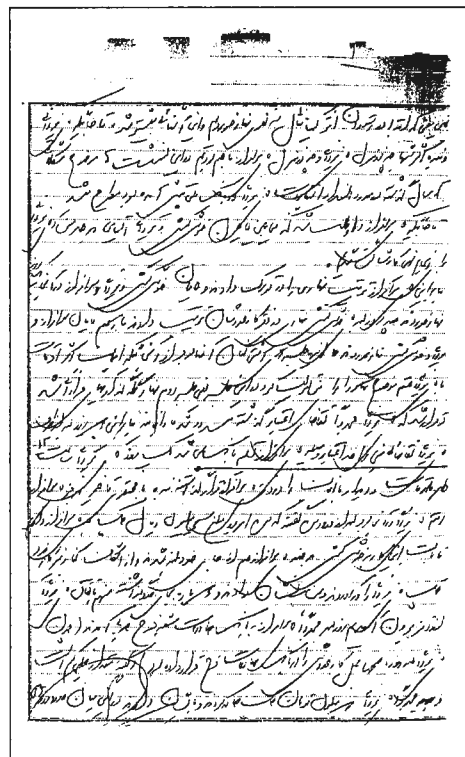
س - روابط و آشنائی خود را
با آقایان هژبر یزدانی و
مهندس غلام‌عباس سرافراز
مرقوم فرمائید و توضیح
دهید از چه تاریخ و به چه
ترتیب با این آقایان آشنا
شدید و در چه تاریخ این دو
نفر را به یکدیگر معرفی
کردید و همچنین در زمینه
اخذ اعتبار از بانک ملی
توسط آقای هژبر یزدانی و
ارتباط مهندس غلام‌عباس



سرافراز در این جریان کلیه اطلاعات خود را بنویسید.

ج - اینجانب جهان‌بخش کنارسری انهاری از شهر یور ماه سال ۱۳۳۸ به استخدام بانک اصناف سابق و بانک ایران‌شهر فعلی در آمدم مناسب و مشاغل بانکی را یکی پس از دیگری طی نموده تا اینکه از سال ۱۳۴۴ به ریاست شعبه مرکزی بانک منصوب شدم سابقه آشنائی اینجانب با آقایان هژبر یزدانی و عباس سرافراز از بانک شروع می‌شود که اولی از سال ۱۳۳۱ و دومی از سال ۱۳۴۰ می‌باشند.

دوستی و رفاقت من با آقای یزدانی و سرافراز سوابق دیرینه و قدیمه دارد البته روابط و آشنائی و دوستی من با آقای یزدانی خارج از اندازه است و بحد برادری رسیده است زیرا از بهمن ماه سال ۱۳۵۳ با آقای یزدانی مستقیماً وارد همکاری شدیم و مدیرعامل شرکت کشت و صنعت شاهین کی که در بهمن ماه سال ۵۳ تأسیس یافته به اینجانب داده شد مضافاً مدیریت شرکت تولیدی کفش اطمینان و عضویت هیئت مدیره کارخانه قند قزوین به اینجانب محول گردید.



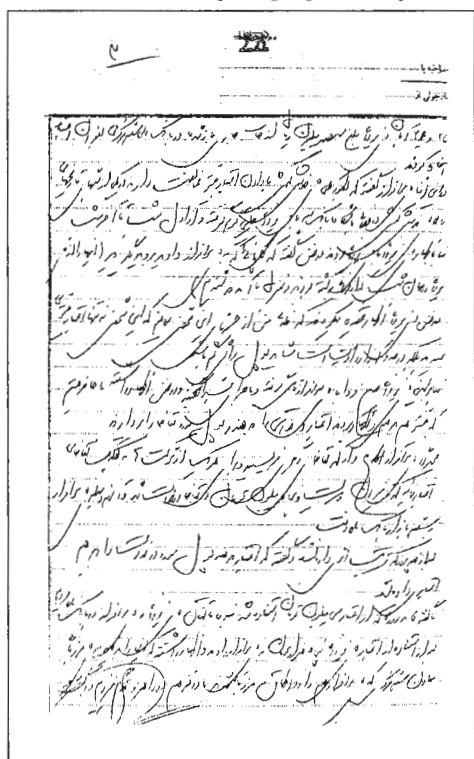
و اما سرافراز را هم از همان سالی که ذکر گردید می شناسم و سوابق و دوستی دیرینه‌ای با ایشان دارم آقایان یزدانی و سرافراز یکدیگر را می شناختند من هم به دوستی بیشتر آنها از ماه آبان گذشته کمک نمودم. بدین معنی که ابتدا در رستوران انترکنتیننتال سه نفری نهار خوردیم و این آشنائی بیشتر شده تا جایی که آقای یزدانی و بنده اکثر شبها چه در منزل آقای یزدانی و چه در منزل آقای سرافراز با هم بودیم در این

نشست‌ها موضوع مشکلاتی که سال گذشته در مورد انسداد اعتبارات آقای یزدانی در بانک ملی پیش آمده بود مطرح شد. تا جایی که سرافراز داوطلب شد که فیما بین آقایان خوش‌کیش و یزدانی التیامی بدهد و من و آقای یزدانی برای انجام این کارشناس بگیریم.

بنابراین آقای سرافراز ترتیب نهاری را در لوترک دادند و آقایان خوش‌کیش و یزدانی و سرافراز در آنجا یک روز نهار خوردند چند روز بعد خوش‌کیش نهاری در دفتر کار خودشان ترتیب دادند باز هم آقایان سرافراز و یزدانی و خوش‌کیش

نهار خوردند آن روز جلسه آشتی کنان آنها بود از آنجایی که اینجانب اکثر اوقات با آقای یزدانی هستم موضوع نهار را برای من تعریف کرد در این جلسه یعنی جلسه دوم نهار گله‌گذاریهای فراوانی شد و قرار شد که آقای یزدانی مجدداً تقاضای اعتبار گذشته مسدود شده بنماید.

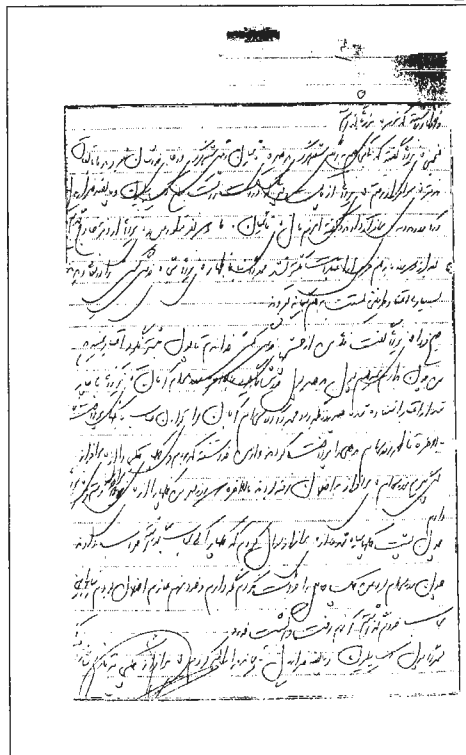
بنابراین دو روز بعد از طرف آقای یزدانی تقاضایی مبنی بر اخذ اعتبار وسیله آقای سرافراز تسلیم بانک ملی شد یک روز آقای یزدانی ساعت ۱۲ ظهر ملاقات و دیدار با اینجانب را در دفتر آقای سرافراز قرار گذاشتند بنده با



مختصری تأخیر به دفتر سرافراز رفتم آقای یزدانی در آنجا بود بعد از ورود من گفتند که من امروز مبلغ سی میلیون ریال چک به آقای سرافراز دادم تا بابت این کار به خوش‌کیش بدهند و سرافراز هم از جای خود بلند شدند و اشکاف کنار میز کار خود چک آقای یزدانی را در آوردند و به من نشان دادند و دوباره بجای خود گذاشتند من هم به اتفاق آقای یزدانی از دفتر بیرون آمدم روز بعد مجدداً آقای سرافراز به بانک صادرات

شعبه فرح جنوبی آمدم (چون آقای یزدانی همه روزه صبحها به محل کار خودش را در بانک صادرات فرح قرار داده بود و گفتند مقدار خیلی کم است و مجدداً آقای یزدانی سه میلیون تومان چک صادر کردند و به ایشان دادند در این میان حدود روزهای ۲۴ و ۲۶ آبان آقای یزدانی مبلغ سیصد میلیون ریال از حساب جاری باز شده در بانک ملی شعبه مرکزی به عنوان اعتبار استفاده کردند. در این اثنا آقای سرافراز گفتند که بطور کلی آقای خوش‌کیش با دادن اعتبار بیشتر مخالفت دارند در یکی از شبهای تاریخیهای بالا آقای خوش‌کیش در

میهمانی باشگاه بانک سپه با آقای یزدانی خیلی گرم گرفتند و از اول شب تا آخر شب بنا به اظهار آقای یزدانی با آقای یزدانی بودند در ضمن گفتند که چکهایی که به آقای سرافراز دادید بروید بگیرید اینها را از آقای خوش کیش در همان شب که از مهمانی برگشته بودند و به منزل ما آمدند شنیدم. در ضمن آقای یزدانی اظهار عقیده می کردند که فلانی من از چشمهای این شخص می بینم که این شخص نه تنها اعتبار بیشتری نمی دهد بلکه در صدد آزار و اذیت است شاید پول برایش کم باشد بنابراین آقای یزدانی صبح فردا با آقای سرافراز تماس گرفته و ماجرای



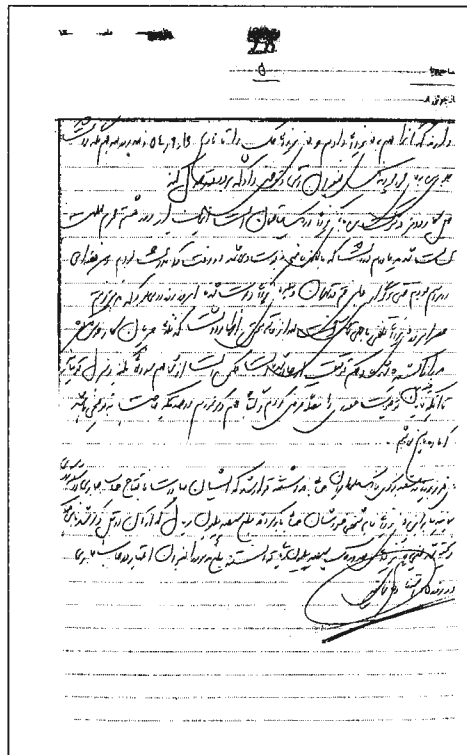
شب را گفتند و در ضمن اظهار داشتند ما حاضر هستیم که بیشتر هم بدهیم و اظهار کردند اعتبار درخواستی را بدهند و پول مورد تقاضا را بردارند.

مجدداً آقای سرافراز اطلاع داد که تقاضای دیگری بنویسد و برای هریک از شرکت ها به تفکیک تقاضای اعتبار نمائید که تا میزان دویست و پنجاه میلیون تومان در آنها درخواست شد و آن هم وسیله آقای سرافراز به شعبه بازار بانک ملی رفت.

بعد از چند روز که ترتیب اثری داده نشد و گفتند که اعتبار بدهند پول مورد درخواست را بدهیم اعتبار داده شد.

ناگفته نماند روزی که از اعتبار سی میلیون تومان استفاده شد بنده به اتفاق آقای یزدانی و آقای سرافراز در بانک ملی بودیم بعد از استفاده از اعتبار آقای یزدانی پنجاه هزار تومان به آقای سرافراز دادند و اظهار داشتند که این را بدهید به آقای مرزبانی معاون شعبه مرکزی که آقای سرافراز هم وارد اطاق مرزبانی شدند ما دو نفر هم در راهرو قدم می زدیم و برگشت و اظهار داشتند که سر میز آقای مرزبانی

گذاشتم. همچنین آقای یزدانی گفتند که مبلغی هم به رئیس شعبه مرکزی بدهید آقای قائمیان رئیس شعبه مرکزی در جای خودشان نبودند ما به اتفاق به دفتر آقای سرافراز رفتیم آقای یزدانی از پاکت پولی که در دست داشت مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال در آورده و به آقای سرافراز دادند و گفتند این هم مال آقای قائمیان. ما دو نفر منظور من و آقای یزدانی از دفتر خارج شدیم بعد از دو روز باز هم خبری از اعتبارات بیشتر نشد مجدداً بنا به اظهار آقای یزدانی شبی آقای خوش‌کیش را در مهمانی دیدند بسیار بی‌اعتنا و طرفین نسبت به هم بیگانه



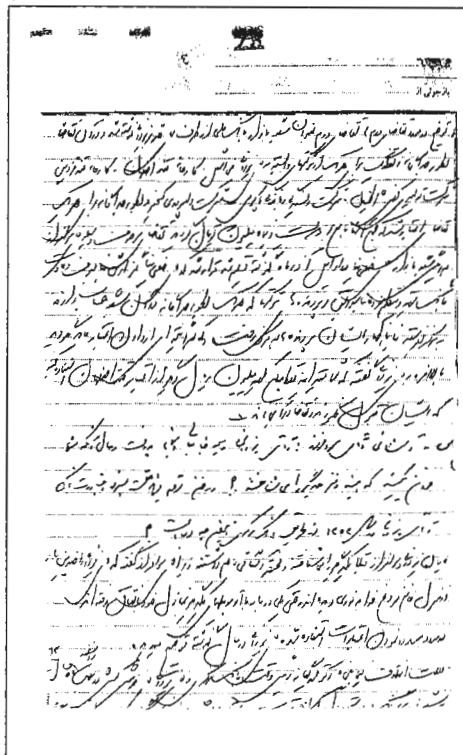
بودند. صبح فردا آقای یزدانی گفت فلانی من از چشمهای خوش‌کیش خواندم تا پول بیشتر نگیرد اعتبار نمی‌دهد من چون ندارم نمی‌دهم پول بدهد پول خودش را بگیرد بالاخره روز سی‌ام آبان آقای یزدانی ناچار شد از اعتبار استفاده شده چند روز بگذرد و مجدداً روز سی‌ام آبان برای توازن حساب بانکها پرداخت نماید بالاخره تا ظهر روز سی‌ام بدهی را پرداخت کردند و از من خواستند که بروم و

چکهای قبلی را از آقای سرافراز پس بگیرم روز سی‌ام آقای سرافراز به اصفهان رفته بودند بالاخره دو روز بعد من چکها را از آقای سرافراز گرفتم و به یزدانی دادم. چون پشت چکها سیاه شده از آقای سرافراز سوال کردم که چکها را کی به حساب گذاشته جواب دادند چون در روز سی‌ام بود من چک حامل را جرأت نکردم نگه دارم و خود من هم عازم اصفهان بودم بنابراین به حساب خودم گذاشتم آن هم رفت و برگشت خورد.

مجدداً پول یک میلیون و پانصد هزار ریال باقیمانده را مطالبه کردم که سرافراز

چکی به تاریخ شانزدهم آذر دادند که آن را هم به آقای یزدانی دادم و آقای یزدانی چک را تا تاریخ ۵۴/۹/۱۶ [ناخوانا] و بعد نگه داشت جلوی من به آقای محمود پورنیک بعنوان دستی و قرض داد که برود و وصول کند.

محل کار و دفتر و شرکت من با آقای یزدانی در یک ساختمان است اینجانب از روز هشتم محرم به علت کسالت شدید مادرم در رشت که بالاخره منجر به فوت وی شد در رفت و آمد بودم دو هفته‌ای در مراسم بودم حتی برگزاری مجلس ختم در تهران وسیله آقای یزدانی دعوت شده امروز روز دومی بود که به دفتر نرفتم



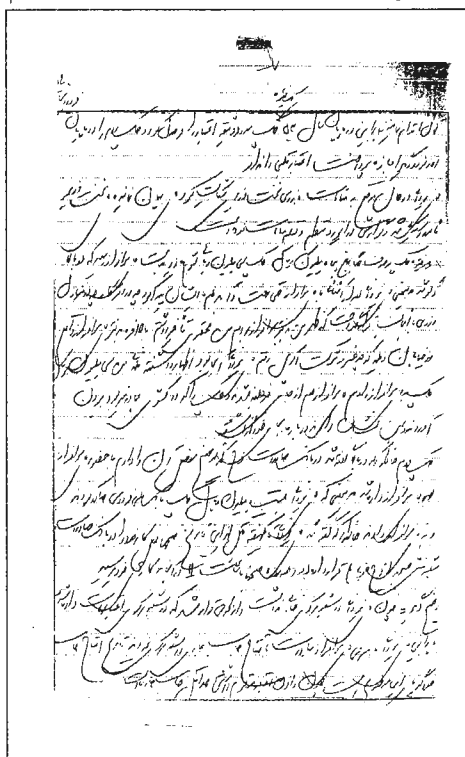
عصر امروز آقای یزدانی تلفنی با وی تماس گرفت بعد از خاتمه سخن اظهار داشت که فلانی جریان کار خوش کیش به درازا کشیده شده و حکم توقیف او صادر شده است ممکن است از شما هم سئوالاتی بکنند و به منزل تو بیایند تا اینکه در حضور آقایان توضیحات حضوری را مفصلاً عرض کردم و کتباً هم ذکر نمودم در صورتی که حاجت به توضیحی باشد آماده پاسخ می‌باشم.

آقای هژبر یزدانی در شعبه

مرکزی بانک ملی ایران حسابی نداشتند قرار شد که ایشان مبادرت به افتتاح حساب جاری در شعبه مرکزی بنمایند بنابراین آقای یزدانی بنام شخصی خودشان حسابی باز کردند مبلغ سیصد میلیون ریال که از آن در قبل ذکر شد به این حساب ریخته شد یعنی آقای یزدانی با صدور چک سیصد میلیون ریالی توانستند مبلغ مذکور را به عنوان اعتبار در حساب جاری در روز [ناخوانا] استفاده نمایند.

(توضیح در مورد تقاضای دوم به عنوان شعبه بازار بانک ملی از طرف آقای هژبر

یزدانی نوشته شد و در آن تقاضا بطور جداگانه و تفکیک برای هر یک از شرکت‌های وابسته به آقای یزدانی فی‌المثل کارخانه قند اصفهان - کارخانه قند قزوین - شرکت تولیدی کفش اطمینان و شرکت ریسندگی و بافندگی پاکرس - شرکت دامپوری کیخسرو و بطور جداگانه برای هر یک تقاضای اعتبار شد که جمع آنها بالغ بر دویست و پنجاه میلیون تومان گردید تقاضای موصوف وسیله آقای سرافراز به رئیس شعبه بازار آقای صفی‌نیا در اوایل آذر ماه گذشته تسلیم شد قرار شد که آقای صفی‌نیا گزارشی بنا به عرف و عادت بانک تهیه و تنظیم



نموده با سوابق و پرونده‌های شرکت‌ها که هر یک بطور جداگانه در آن شعبه حساب دارند به مرکز بفرستند نهایتاً با کار ایشان پرونده‌ها به مرکز رفت ولی بعداً نتیجه‌ای از دادن اعتبار عاید نگردید بالاخره به آقای یزدانی گفتند که شما می‌توانید فقط مبلغ یکصد میلیون ریال دیگر از اعتبار قند اصفهان استفاده کنید که ایشان قبول نکردند تقاضا در آنجا ماند. س - آشنائی آقای سرافراز با آقای یزدانی وسیله جناب‌عالی انجام پذیرفت و

حال آنکه شما خودتان گفتید که این دو نفر همدیگر را می‌شناختند؟ در ضمن توصیه نمائید علت مسدود از اعتبارات بانکی آقای یزدانی در سال ۱۳۵۳ از طریق بانک مرکزی ایران چه بوده است؟

آقایان یزدانی و سرافراز قبلاً یکدیگر را می‌شناختند و مختصر آشنائی با هم داشتند زیرا آقای سرافراز گفتند که آقای یزدانی را چندین بار در منزل خانم فروغ خواجهمنوری دیده‌اند حتی یکی دو بار با اتومبیل‌های یکدیگر به منازل خود با اتفاق رفته‌اند. در مورد مسدود نمودن اعتبارات استفاده شده آقای یزدانی در سال

گذشته توضیح می‌دهد. به علت اختلاف فیما بین دکتر محمد یگانه رئیس وقت بانک مرکزی و آقای یزدانی و آقای خوش‌کیش در بهمن و اسفند ماه سال ۵۳ در شعبه مرکزی بانک [ناخوانا] آن اقدام نمایند بنابراین در پایان سال ۵۳ یک فقره چک مورد وثیقه اعتباری وصول کرد و چک دوم را در پایان فروردین ۵۴ اخذ نمود و دیگر اجازه پرداخت اعتبار قبلی را نداد. آقای یزدانی در همان حال به موقع به مقامات بازرسی نخست‌وزیری شکایت کرد آقای بیان نماینده آقای نخست‌وزیر مأمور رسیدگی شد و گزارش در این مورد تنظیم و تسلیم مقامات نموده است. دو فقره چک موصوف کلاً به مبلغ پنجاه میلیون ریال چک سی میلیون ریال بشرح زیر بدست آقای سرافراز رسید که در بالا ذکر شد که همین آقای یزدانی بعد از آشنائی با آقای سرافراز حتی رفت و آمد هم با ایشان پیدا اگر چه در دفتر کار چه در منزل روزی با اینجانب قرار گذاشت که ظهر من به دفتر سرافراز بروم من مختصری تأخیر داشتم بالاخره به دفتر آقای سرافراز واقع در خیابان ویلا کوچه خسرو شرکت اکریل رفتم آقای یزدانی آنجا بود اظهار داشتند فلانی من سی میلیون ریال چک به آقای سرافراز دادم آقای سرافراز هم از جای خود بلند شدند که چک را که در کشوی مجاور میز بود بیرون آوردند و به من نشان دادند دوباره در جای خود گذاشتند. چک دوم همانطور که در بالا گفته شد در بانک صادرات فرح که توضیح مفصل آن را دادم با حضور آقای سرافراز به آقای سرافراز داده شد [ناخوانا] آقای یزدانی بیست میلیون ریال چک بانک ملی فردوسی صادر کردند و به آقای سرافراز دادند همانطور که گفته شد آقای یزدانی یک هفته قبل از این تاریخ صبحها محل کار خود را در بانک صادرات شعبه نبش مسجد از فرح جنوبی قرار داده بود و همه روزه صبحها تا ساعت ۱۱ در آنجا به کارهای خود می‌رسید.

توضیح دیگر - چون آقای یزدانی در شعبه مرکزی حسابی نداشت و از طرفی قرار شد که در شعبه مرکزی - اعتبارات داده شود بنابراین آقای یزدانی با معرفی آقای سرافراز مبادرت به افتتاح حساب جاری در شعبه مرکزی نمودند تاریخ افتتاح حساب خود گویای این موضوع است چون دادن اعتبار مستلزم داشتن حداقل حساب جاری است.

مبلغ به حروف: دویست و پنجاه میلیون ریال تمام
به عنوان سپرده ثابت به مدت ۳۶۶ روز
و سررسید ۲۵۳۸/۲/۲۸
با نرخ ۱۰ درصد در سال دریافت گردید.

توجه: این سپرده طبق
شرایط مندرج در ظهر این
رسید دریافت گردیده است.
به تاریخ ۲۵۳۷/۲/۲۷
بانک تجارتی ایران و هلند

بانک تجاری ایران
THE MERCHANTS BANK OF IRAN AND HOLLAND
No. 250,000,000+

در سیل سپرده ثابت
DEPOSIT RECEIPT
08135
مبلغ در دسترس NEGOTIABLE
No. 9547

Received from :
the sum of مبلغ

(بهای تهران) در وجهت و پرداختی صاحب این حساب
مبلغ موجود است بابت ریال
on fixed deposit for
repayable on
at percent per annum.

تاریخ : ۱۰ مرداد ۱۳۲۸
۶۰ درصد در سال با احتساب سود مرکب

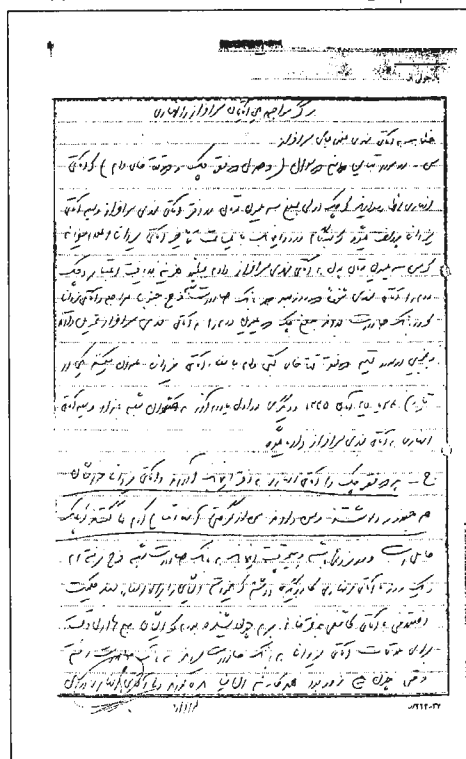
نموده : این موجود علی الحساب بموجب دو چوب این رسید دریافت گردیده است.
N. B. The funds are received subject to the cash rate mentioned overleaf.

مهر بانک تجاری ایران
مهر مدیر عامل
مهر رئیس شعبه

برگ مواجهه بین آقایان سرافراز و انهاری

خطاب به آقای مهندس غلامحسین سرافراز

س- در مورد تباین پاسخ دو سؤال (وصول دو فقره چک و دو تقاضای وام) که آقای انهاری اظهار می‌دارند که چک اولی به مبلغ سه میلیون تومان در دفتر آقای مهندس سرافراز وسیله آقای یزدانی پرداخت می‌شود که به هنگام ورود اینجانب با نیم ساعت تأخیر آقای یزدانی اعلام می‌فرمایند که من سه میلیون تومان پول به

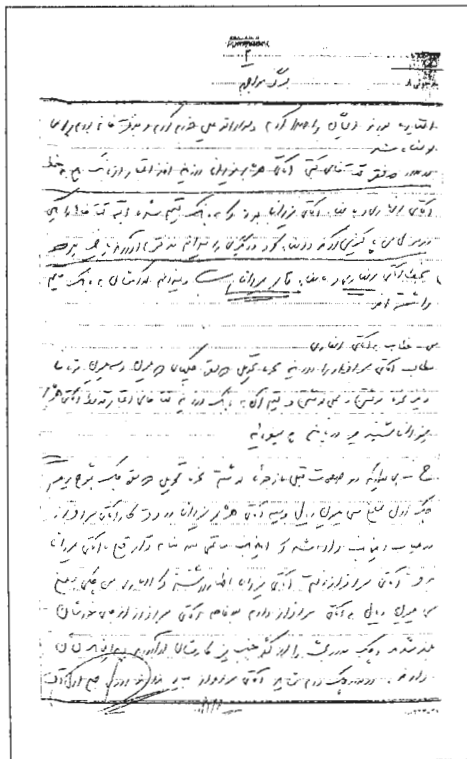


آقای مهندس سرافراز دادم به منظور هزینه دریافت اعتبار و چک دوم را آقای مهندس شخصاً دو روز بعد به بانک صادرات شعبه فرح جنوبی مراجعه و آقای یزدانی که در بانک صادرات بودند مبلغ چک دو میلیون دوم را به آقای مهندس سرافراز تحویل دادند و همچنین در مورد تهیه دو فقره تقاضای کتبی وام به امضاء آقای یزدانی عنوان می‌کنند یکی در تاریخ ۲۴ یا ۲۵ آبان ۱۳۴۵ و دیگری در اول یا دوم آذر به عنوان شعبه

بازار وسیله آقای انهاری به آقای مهندس سرافراز داده می‌شود.

ج- هر دو فقره چک را آقای انهاری به دفتر اینجانب آوردند و آقای یزدانی خودشان هم حضور داشتند و به من دادند من از گرفتن آنها امتناع کردم اما گفتند که چک حامل است و در نزد شما باشد و هیچوقت اینجانب به بانک صادرات شعبه فرح نرفته‌ام و یک روز با آقای انهاری کار دیگری داشتم که می‌خواستم ایشان را برای امضاء سند حکمیت اختلافی با آقای کاشفی به دفترخانه ببرم چون شنیده بودم که ایشان صبح‌ها اول وقت برای ملاقات آقای یزدانی به بانک

صادرات می‌روند به بانک صادرات رفته و حتی چون خیلی زود بود همه کارمندان نیامده بودند و با آقای انهاری در سالن ایستاده بودند ایشان را صدا کردم و سوار اتومبیل خودم کردم و به دفتر خانه بردم برای امضاء سند شد در مورد دو فقره تقاضای کتبی آقای هژبر یزدانی و در زمینه اخذ اعتبار از بانک ملی به خط آقای انهاری به امضاء آقای یزدانی بود که به بانک تسلیم شده البته تقاضاها را یکی در منزل من پاکنویس کردند و امضاء کرد و دیگری را نمی‌دانم به دفترم آوردند یا خیر هر دو به خط آقای انهاری و به امضاء آقای یزدانی است و نمی‌دانم که ایشان به بانک تسلیم داشته‌اند.

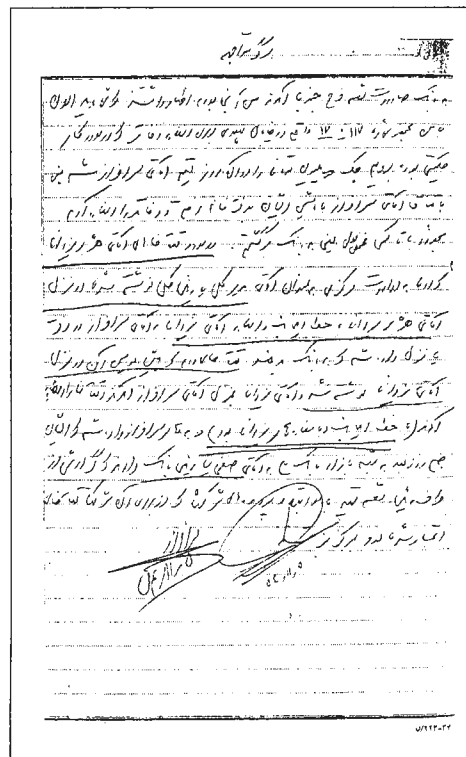


س- خطاب به آقای انهاری مطالب آقای سرافراز را در زمینه نحوه تحویل دو فقره چکهای دو میلیون و سه میلیون تومانی و نیز نحوه نوشتن و محل نوشتن و تسلیم آن به بانک در زمینه تقاضای اعتبار توسط آقای هژبر یزدانی شنیدید در پاسخ چه می‌فرمایید.

ج- همانظوری که در صفحات قبل بازجوئی نوشتم نحوه تحویل دو فقره چک به شرح زیر است چک

اول به مبلغ سی میلیون ریال وسیله آقای هژبر یزدانی در دفتر کار آقای سرافراز در غیاب اینجانب داده شد که اینجانب ساعتی بعد بنا به قرار قبلی با آقای یزدانی به دفتر آقای سرافراز رفتم آقای یزدانی اظهار داشتند که انهاری من چکی به مبلغ سی میلیون ریال به آقای سرافراز دادم بلافاصله آقای سرافراز از جای خودشان بلند شدند و چک مورد بحث را از کتو جنب میز کارشان در آوردند به اینجانب نشان دادند. در مورد چک دوم شاید آقای سرافراز بیاد ندارند روزی صبح اول وقت به بانک صادرات شعبه فرح جنوبی آمدند من آنجا بودم اظهار

داشتند شما باید الان با من به حوزه شماره ۱۱۷ یا ۱۷ واقع در خیابان پهلوی برای امضا به دفاتر که در مورد کار حکمیتی بوده برویم چک دو میلیون تومانی را در آن روز تسلیم آقای سرافراز شد بنده به اتفاق آقای سرافراز با ماشین ایشان به دفتر خانه رفته و دفاتر را امضاء کردم. مجدداً با تا کسی به محل اول یعنی به بانک برگشتم. در مورد تقاضاهای آقای هژبر یزدانی که اولی به ادارات مرکزی به عنوان آقای مدیر کل یا رئیس کل نوشته شده در منزل آقای هژبر یزدانی با خط اینجانب دادند به آقای یزدانی به آقای سرافراز در دفتر یا منزل داده شد که به

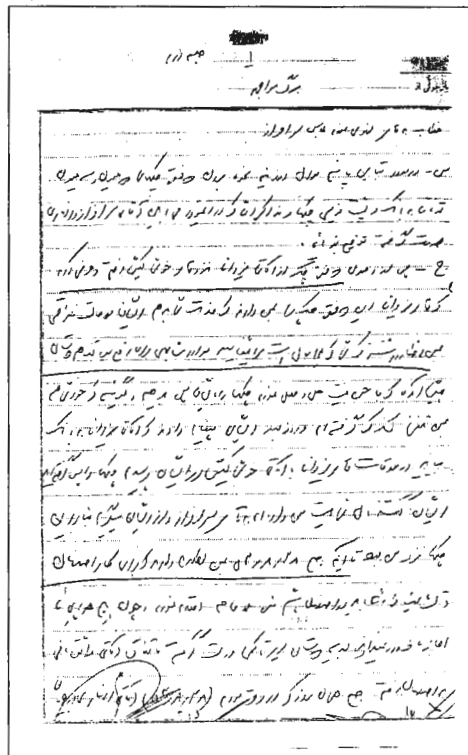


بانک بدهند تقاضای دوم که پیش نویس آن در منزل آقای یزدانی نوشته شد و آقای یزدانی به منزل آقای سرافراز آمدند و تقاضا را امضاء کردند (با خط اینجانب و به امضای آقای یزدانی بود) و به آقای سرافراز داده شد که ایشان صبح روز بعد به شعبه بازار بانک ملی به آقای صفی نیا رئیس بانک دادند که گزارش از طرف رئیس شعبه تهیه با سوابق و پرونده های شرکتها که از برای آن شرکتها تقاضای اعتبار شده بود به مرکز نوشتند.

سرافراز-۵/۱۱/۵۴

برگ مواجهه

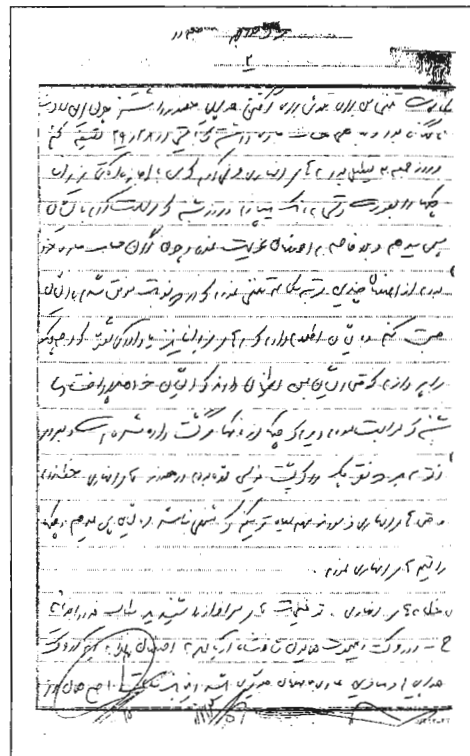
خطاب به آقای مهندس غلامحسین سرافراز
 س- در مورد تباین پاسخ سوال در زمینه نحوه بردن دو فقره چکهای دو میلیون و سه میلیون تومان به بانک و پشت نویسی چکها و مذاکراتی که در این مورد فیما بین آقای سرافراز و انهاری صورت گرفته توضیح بفرمایید.
 ج- پس از وصول دو فقره چک از آقای یزدانی نزد آقای خوشکیش رفتیم و



عرض کردم که آقای یزدانی این دو فقره چک را به من دادند که خدمت شما بدهم ایشان در حالت ناراحتی به من اظهار داشتند که شما که ۱۴ سال است مرا می شناسید موارد مشابهی برای رفع سوء تفاهم برایتان پیش آمده که با حسن نیت حل و فصل نمودم چکها را به ایشان پس بدهید و بگوئید که خودش هم به من تلفن کند که گرفته ام و روز بعد ایشان پیغام دادند که آقای یزدانی به بانک بیایند در ملاقات آقای

یزدانی با آقای خوشکیش از ایشان پرسیدم چکها را پس گرفته اید ایشان گفتند مال شما نیست من داده ام به آقای سرافراز و از ایشان می گیرم بنابراین چکها نزد من بوده تا اینکه صبح ۵۴/۸/۲۸ به من اطلاع دادند که برای کار اصفهان فردا باید در اصفهان باشد بنده بلافاصله اقدام نمودم و چون به هیچ هوایمانی اجازه فرود نمی دادند بوسیله دوستان یک تاکسی در بستم گرفته به اتفاق آقای واثق مافی به اصفهان رفته صبح همان روز که در دفتر بودم (۵۴/۸/۲۸) آقای انهاری در جریان مکالمات تلفنی من برای تلاش برای گرفتن هوایما حضور داشتند

چون این مسافرت ناگهانی بود و بدهی حساب جاری داشتم که بایستی در ۲۹/۲۸ تصفیه کنم و روز جمعه هم تعطیل بود به آقای انهاری عرض کردم که من با اجازه آقای یزدانی چکها را به صورت دستی به بانک می سپارم و روز شنبه که مراجعت کردم به ایشان پس می دهم و بلافاصله به اصفهان عزیمت نمودم و چون نگران حساب جاری خود بودم از اصفهان چندین مرتبه مکالمه تلفنی نمودم که در دو نوبت موفق شدم با ایشان صحبت کنم و به ایشان اطلاع دادم که به آقای یزدانی نیز یادآوری شود که وجه چک را بپردازند که حتی ایشان به من اطمینان



دادند که ایشان خواهند پرداخت شنبه که مراجعت نمودم دیدم که چکها از بانکها برگشت داده شده است و بعد در دفترم دو فقره چک را که پشت نویسی شده بود در حضور آقای انهاری خط زدم و حتی آقای انهاری فرمودند من هم سیاه تر می کنم که مشخص نباشد و به ایشان پس می دهم و چکها را تسلیم آقای انهاری نمودم.

س - خطابه های آقای انهاری توضیحات آقای سرافراز را شنیدید مطالب خود را بفرمایید.

ج - روز حرکت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به اصفهان نظر به اینکه از حرکت هواپیماها و مسافرین عادی به اصفهان جلوگیری می شد اینجانب ساعت ۱۰ صبح همان روز به دفتر آقای سرافراز رفتم و ایشان را در مورد حرکت به اصفهان سراسیمه دیدم و ناظر بودم که به این تاکسی تلفن کردند و قرار شد با این تاکسی به اصفهان بروم به اتفاق دوستش آقای واثق من از دفتر خارج شدم چون ایشان عجله داشتند که خود را به فرودگاه برسانند حرکت این تاکسی ساعت

۱۱/۵ بود در مورد چک مطالبی عنوان نشد روز بعد بعد از ظهر پنجشنبه از دفتر آقای سرافراز به من تلفن کردند و موفق به صحبت با من نشدند چون من منزل نبودم صبح جمعه آقای سرافراز از اصفهان تلفن کردند که معلوم نیست که من شنبه بتوانم به تهران برگردم چون از شهرداری اصفهان طلبکارم دو فقره چک را من به حساب گذاشته گویا چکها برگشته است و به من اطلاع داده‌اند و به آقای یزدانی بگویند که وجه این چکها را بپردازند من بعد از مراجعت به تهران با ایشان تسویه حساب خواهم کرد من هم به آقای یزدانی گفتم گفتند که من اطلاع دارم و

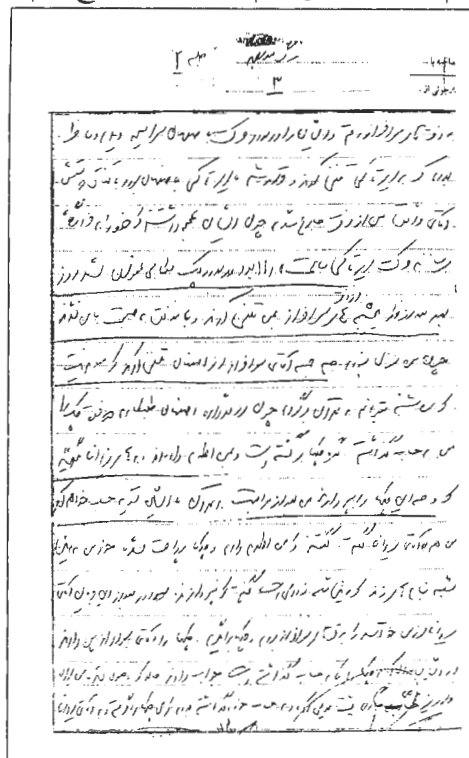
چکها پرداخت نشده خود من به رئیس شعبه به نام آقای زند که رئیس شعبه فردوسی است گفتم که نپردازند. دو روز بعد از این جریان آقای یزدانی از من خواستند که نزد آقای سرافراز بروم و چکها را بگیرم. چکها را آقای سرافراز پس دادند از ایشان سؤال کردند چکها را کی به حساب گذاشته است جواب دادند حالا که وصول نشده من برای واریز بدهی حساب جاری پشت‌نویسی کرده و به حساب خودم گذاشته

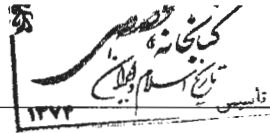
بودم آن چکها را گرفته و به آقای یزدانی دادم.

خطاب به آقای مهندس سرافراز

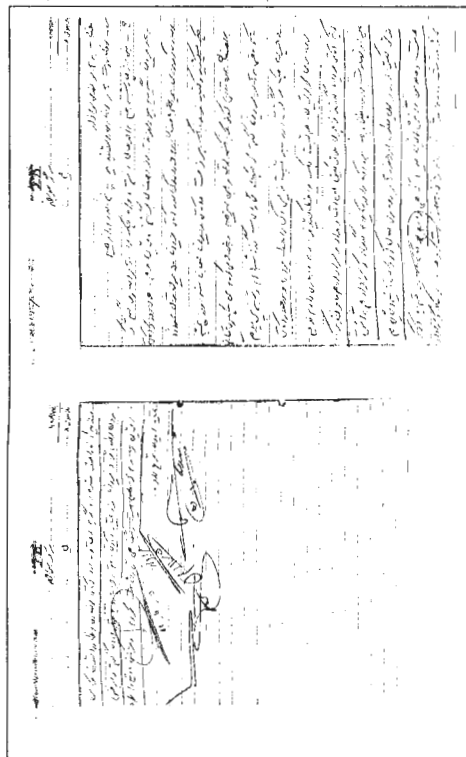
س. - اظهارات آقای انهاری را شنیدید پاسخ لازم را بدهید.

ج. - بنده روز چهارشنبه صبح به اصفهان رفتم ماجرای چک را به آقای انهاری گفتم که به آقای یزدانی بگویند بپردازند تا از اصفهان برگشتم به ایشان بدهم. همان روز که آقای انهاری آمدند و من می‌خواستم به اصفهان بروم فردای آن روز آقای یزدانی ۵۰ میلیون تومان مجدداً چک کشیدند و بانک نپرداخت و





آقای یزدانی عصبانی شد و روز پنجشنبه به اصفهان به بنده تلفن کردند که بانک اعتبار به من نمی‌دهد و بنده عرض کردم من چکار می‌توانم بکنم و حتی به آقای یزدانی گفتم که چکهائی را به حساب گذاشته‌ام و شنبه پس می‌دهم و چون چکها برگشت و روز بعد پشت‌نویسی آن را خط زده و در حضور آقای انهاری که ایشان هم پشت چک را خط کشیدند و به انهاری دادم توضیح اینکه آقای یزدانی گفتند که چون خوش‌کیش به من اعتبار نداد و سرافراز هم حاضر نشد که علیه او شهادت در مورد چکها بدهد پدر آنها را در می‌آورم بگذار که سرافراز هم به



آتش خوش‌کیش بسوزد این مطلب را در حضور آقای انهاری بیان کرد و مورد تایید ایشان هم هست و حالا من به آتش ایشان می‌سوزم و گناهی ندارم. آقای انهاری قسم یاد کرد که کاملاً [ناخوانا] حاضر نشد من و آقای یزدانی شرفمان را از دست بدهیم و در آن حال که سرافراز شدیداً ناراحت شده و به گریه افتاده بود آقای انهاری اظهار داشت که من بدون اطلاع شما و یزدانی نزد تیمسار ایادی^۱ رفتم و جریان را به تیمسار ایادی

گفتم و به عرض ایشان رساندم که مطلبی نیست و بی‌گناهی شما را ثابت کردم [ناخوانا] ماوقع را برای تیمسار ایادی شرح داد.

سرافراز ۵۴/۱۱/۵

۱- عبدالکریم ایادی در فرانسه ابتدا دانشجوی دامپزشکی بود و سپس پزشکی را به طور ناقص خواند. در آن زمان ایادی فرهنگ ارتش بود و پزشک مخصوص شاه و علاوه بر این یکی از نزدیکترین افراد او. پس از مرگ ارنست پرون دکتر عبدالکریم در دربار محمدرضا همان نقشی را برعهده گرفت که قبلاً پرون عهده‌دار آن بود و به حق بیش از پرون به لقب (راسبوتین ایران) شهرت یافت. در زمان ثریا که پای بختیارها به دربار باز شد، ایادی موفق شد نظر مثبت ثریا را جلب کند و خود را به طرز کاملاً موفقیت‌آمیزی در جمع بختیارها جا دهد. پس از آن ایادی همواره در زندگی خصوصی محمدرضا و زنان و اطرافیانش رسوخ داشت و هر اطلاعاتی که ممکن بود کسب می‌کرد و رساندن آن هم به انگلیسی‌ها آسان بود. به این ترتیب می‌بینیم که در زندگی خصوصی محمدرضا، از کودکی ابتدا خانم ارفع و سپس ارنست پرون و بعداً ایادی در تمام جزئیات حضور داشتند و در زندگی خصوصی رضاشاه هم همیشه سلیمان بهبودی حضور داشت. بدین ترتیب ایادی بانفوذترین مرد دربار و به تدریج با نفوذترین مرد کشور شد. او آدم ذی‌نفوذی بود که در کار واردات دارو و زمین‌های متداول، دست داشت. به علت درجه نظامی‌اش در ارتش هم نفوذ داشت و در بعضی امور هم مورد مشورت شاه قرار می‌گرفت. ایادی رئیس «اتکنا» ارتش و نیروهای انتظامی بود و در این پست

کلیه نیازمندیها باید به دستور او تهیه می‌شد. هر چه اراده می‌کرد، ولو در کشور موجود بود، باید برای ارتش از خارج، بویژه انگلیس و آمریکا، وارد می‌شد. سازمان دارویی کشور نیز تماماً تحت امر ایادی بود و همچنین شیلات جنوب در نتیجه سیاست‌های او تا انقلاب، صید ایران با بدوی‌ترین وسایل انجام می‌شد سپهد عبدالکریم ایادی از برجستگان بهائیت در دربار پهلوی بود و نقش مهمی در تحکیم مواضع این فرقه در نهادهای نظامی رژیم پهلوی داشت. با اتکای او صدها افسر بهایی و دشمن امام زمان «عج» توانستند در ارتش ایران درجه بگیرند و مقامات مهمی را اشغال کنند. در دوران هویدا، ایادی تا توانست وزیر بهایی وارد کابینه کرد و این وزرا بدون اجازه او حق هیچ کاری را نداشتند. در زمان حاکمیت ایادی بود که بهایی‌ها در مشاغل مهم قرار گرفتند و در ایران بهایی بی‌کار وجود نداشت. در دوران قدرت

ایادی تعداد بهایی‌های ایران به ۳۰ برابر رسید. ایادی جاسوس بزرگ غرب و مطلع‌ترین منبع اطلاعاتی سرویس‌های آمریکا و انگلیس در دربار و کشور بود. نخست وزیران، بخصوص هویدا، رؤسای ستاد ارتش، کلیه مقامات مهم مملکتی اعم از وزیر و نماینده مجلس و امثالهم دستورات او را که نخست به فرم خواش بود و اگر اجرا نمی‌شد به فرم امر صادر می‌شد، اجرا می‌کردند. ایادی در کلیه مسافرت‌های خارج همراه محمدرضا بود و طبیعی است که مورد علاقه برخی کشورهای ذی نفع در رابطه با ایران بوده است. بنا به گزارش بانک مرکزی ایران و اقرار مقامات دولتی تنها در طول چند ماه، میلیاردها تومان ارز از کشور خارج نموده‌اند (که از جمله این افراد) سپهد دکتر ایادی ۲۷۵ میلیون تومان بوده است. ایادی در سال ۱۳۵۷، کمی بعد از انقلاب، ایران را ترک کرد. او که یکی از بزرگترین عمال فساد و زشتی قرن بود، با

اندوخته‌های حاصل از تقلب و دزدی عازم فرنگ شد و هیچ‌کس هم مانع او نشد!
(ر.ک: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی - نویسنده: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست - ج ۱ - انتشارات اطلاعات، چاپ ۴/ بهار ۱۳۷۱ صفحات به ترتیب: ۲۰۱، ۱۹۹، ۲۰۱؛ جلد دوم همان منبع. صفحات به ترتیب: ۳۹۰، ۳۸۸، ۴۶۸، ۲۰۲ - ۲۰۴؛ اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پایند ۱۳۷۴ ص ۶۲۴ «متن پیام حوزه علمیه قم به نیروهای مسلح ارتش درباره پیوستن به صفوف مبارزان مسلمان - تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۸»؛ دلدن اسکندر، زندگی و خاطرات امیرعباس هویدا، نشر گلفام، چاپ ۱، تهران، خرداد ۱۳۷۲، صفحه: ۳۸۶، ۳۸۷).

تاریخ: ۵۴/۱۱/۸

جناب آقای امیرعباس هویدا^۱ نخست وزیر ایران

۱- امیرعباس هویدا فرزند حبیب‌الله خان قناده ملقب به عین‌الملک در سال ۱۲۹۸ ش متولد شد. تحصیلات متوسطه را

در بیروت به اتمام رسانید و پس از آموختن زبانهای انگلیسی، فرانسه و عربی به بروکسل رفت و پس از سه سال موفق به اخذ لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه بروکسل شد و در سال

۱۳۲۲ به لحاظ سابقه پدرش (سفیر مختار ایران در دولت عربستان سعودی) به استخدام وزارت خارجه درآمد. در اول مرداد ماه ۱۳۲۴ به عنوان وابسته سفارت ایران در پاریس عازم فرانسه شد. و در سال ۱۳۲۵ کارمند اداره حفاظت

منافع ایران در آلمان گردید. ظاهرآ در همین سالهاست که وی با ایرج اسکندری آشنایی یافت و با حزب توده در پاریس سروری داشت. در مدت

اقامتش در پاریس به همراه حسنعلی منصور در جریان قاچاق مواد مخدر توسط پلیس فرانسه دستگیر شد و تنها با

وساطت دربار پهلوی بود که رهایی یافت. این مطلب در مطبوعات داخلی انعکاس داشت و در پرونده امیرعباس هویدا

درج گردید. لیکن در سالهای ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ این اسناد از پرونده وی به سرقت رفته است.

در اسناد ساواک سرقت اسناد از سجایای بارز این نخست‌وزیر نمونه محمدرضا پهلوی بوده است. امیرعباس هویدا

وابستگی و علاقه شدیدی به بهائیت داشت که بخشی از آن مربوط به ارتباطات و علاقه خاص پدر بزرگ او به عباس افندی و بهائیت می‌شود و قسمتی هم به خود او و

محترماً به استحضار عالی می‌رساند. آقای هژبر یزدانی در تاریخ ۱۳۵۴/۱۱/۴ دادخواستی به جناب آقای نخست‌وزیر تقدیم می‌دارد مبنی بر اینکه در اثر اختلافات اینجانب با آقای دکتر یگانه اعتبارات بانکی اینجانب در بانک ملی و بعضی از بانکها بسته شد. و در آبان ماه سال جاری آقای عباس

سرافراز که معروف به واسطه

و دلال آقای خوش‌کیش نزد

تجار و بازرگانان است و

اعتبارات مردم را او درست

می‌کند، ایشان با یکی از

دوستان با من آشنا شد و بعد

از چند روز در (لوتریک -

چاتانوگا) با آقای

خوش‌کیش ناهار صرف

شد. بعد از دو روز ایشان در

دفترشان بنده و آقای

سرافراز را مهمان نموده و

اظهار نمودند که چون آقای

دکتر یگانه عوض شده

اعتبار تو را مجدداً مفتوح

می‌نمایم.

فردای آن روز آقای سرافراز با بنده ملاقات و اظهار نمودند، آقای خوش‌کیش

توقعاتی دارند و بنده در دو مرحله دو فقره چک به مبلغ ۵۰ میلیون ریال در وجه

حامل به ایشان دادم و روز ۱۳۵۴/۸/۲۸ در شعبه مرکزی بانک ملی ۳۰۰

میلیون ریال به بنده پرداخت شد و فردای آن روز آقای سرافراز وسیله شعبه

مرکزی چک‌ها را به بانک ملی فردوسی فرستادند که نقد کنند. بنده بایشان گفتم،

باید تمام اعتبار بنده که حدود ۳۵۰ میلیون تومان است باز شود و بنده هم چک‌ها

را بپردازم. ایشان اظهار نمودند آقای خوش‌کیش به شما جمله‌ای مبنی بر ۳ یا ۵



نخست‌وزیری

تاریخ: ۵۴/۱۱/۸
شماره:
پست:

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر ایران

محترماً به استحضار عالی می‌رساند. آقای هژبر یزدانی در تاریخ ۱۳۵۴/۱۱/۴ دادخواستی به جناب آقای نخست‌وزیر تقدیم می‌دارد مبنی بر اینکه در اثر اختلافات اینجانب با آقای دکتر یگانه اعتبارات بانکی اینجانب در بانک ملی و بعضی از بانکها بسته شد. و در آبان ماه سال جاری آقای عباس سرافراز که معروف به واسطه و دلال آقای خوش‌کیش نزد تجار و بازرگانان است و اعتبارات مردم را او درست می‌کند، ایشان با یکی از دوستان با من آشنا شد و بعد از چند روز در (لوتریک - چاتانوگا) با آقای خوش‌کیش ناهار صرف شد. بعد از دو روز ایشان در دفترشان بنده و آقای سرافراز را مهمان نموده و اظهار نمودند که چون آقای دکتر یگانه عوض شده اعتبار تو را مجدداً مفتوح می‌نمایم.

فردای آن روز آقای سرافراز با بنده ملاقات و اظهار نمودند، آقای خوش‌کیش توقعاتی دارند و بنده در دو مرحله دو فقره چک به مبلغ ۵۰ میلیون ریال در وجه حامل به ایشان دادم و روز ۱۳۵۴/۸/۲۸ در شعبه مرکزی بانک ملی ۳۰۰ میلیون ریال به بنده پرداخت شد و فردای آن روز آقای سرافراز وسیله شعبه مرکزی چک‌ها را به بانک ملی فردوسی فرستادند که نقد کنند. بنده بایشان گفتم، باید تمام اعتبار بنده که حدود ۳۵۰ میلیون تومان است باز شود و بنده هم چک‌ها را بپردازم. ایشان اظهار نمودند آقای خوش‌کیش به شما جمله‌ای مبنی بر ۳ یا ۵

یا ۱۰ میلیون تومان گفته‌اند؟ اظهار داشتیم درست است، گفتند ایشان برای باز شدن اعتبارات شما کمتر از ده میلیون تومان نمی‌خواهند، اجباراً اظهار نمودم بنده از اعتبار گذشتم و چکها را پس گرفتم. روز سی‌ام آبانماه رئیس شعبه مرکزی بانک ملی به من تلفن کردند که سی میلیون تومانی که گرفته‌اید به خوش‌کیش دوباره پس بدهید، بنده فوراً پرداختم. ضمناً به آقای سرافراز و آقای خوش‌گفتم که چرا داده‌اید و سه روزه پس بدهم، آقای خوش‌کیش گفتند علتش را خود شما بهتر می‌دانید و با تقدیم فتوکی چکها تقاضای تحقیق و

اقداماتی که در راستای تقویت و کمکهای مالی به این فرقه نموده است. در سند ساواک مورخ ۱۳۵۰/۵/۱۹ چنین آمده است: جلسهای با شرکت ۱۲ نفر از بهائیان ناحیه ۷ شیراز ... شخص هویدا بهایی زاده است. عده‌ای از مأمورین مخفی که در دربار شاهنشاهی می‌باشند می‌خواهند هویدا را محکوم کنند. ولی او یکی از بهترین خادمین امراشه است و امسال مبلغ ۱۵ هزار تومان به محفل ماکمک کرده است ... هویدا طی سالهای ۱۳۳۷-۱۳۴۲ از همکاران پنهان ساواک بختیار بود. وی در سال ۱۳۴۳ به نخست‌وزیری رسید و تا ۱۳۵۰/۵/۱۵ در این سمت باقی ماند. هویدا به عنوان یک «هم‌جنس‌گرا» نه تنها در میان خواص بلکه در جامعه نیز شهرت کافی داشت و محمدرضا پهلوی از این شهرت به خوبی مطلع بود. ابقاء چنین نخست‌وزیری عمق تباهی اخلاقی شاه و وابستگانش و اوج بی‌اعتنایی آنان را به کرامت انسانی و ارزشهای اخلاقی و فرهنگی جامعه را نشان می‌دهد.

- ظہور و سقوط سلطنت
پہلوی، جلد دوم، ص ۳۶۶ -
:۳۹۷

- اسناد ساواک - پرونده‌های
انفرادی

۲-۱-۱- **جانب آقای نخست وزیر محترم:** «در پیگردن و رسیدگی و گزارش گردد»
 در اجرائی از ارقام حساب، با استناد بر مأموریت استثنائیاتی که همه آنانی از انجام و نتیجه طرح و بودجه است؛
 تحقیقات انجام شد
 به نظر من حسن و باطل اظهارات آقای وزیر بودایی، آقایان مجلس را صلاح است که هر روز از مدیر فاضل شرکت
 صاحبانی که این واسطه برآمده یک وجهی میان سفر کنونی استری میرومان ترتیبی که دست و
 ناخن در دستکش اخصیای و وضعیت مدیران کارها بجات تمام اخصیای و فروش که دوست و همکار آقای وزیر
 بودایی بوده و طرفدارانیه در مقابل خود دارند، انجام و طبقه بنیاید. اصحاب و تحقیقاتی که از آقای مهندس
 صلاحیاس میروان اخصیای را اظهار داشتند: «چندی قبل آقای مهندس میان سفر استری از اخصیای راضی و اظهار
 داشتند که حدود ۲۰۰۰ است که آقایان صورت کنونی بودایی روی مسائل باقی و اعتباری اعتقاد دارند»
 چنانچه شناخته میشود این در مقابل شرکت متناهیه میان صورت است روی این اصل ایجاد آقایان صورت گیتی
 ملاقات و موضوع را با این طرح تا اینکه تاریخ ۱۳۵۲/۸/۱۳ آقایان صورت کنونی وزیر بودایی از اعداد و ارقام
 (تورینگ - چانگوا) که خود بوده و باقی از غریب برآمده است اخصیای و طرح میگویند - متغیای اخصیای
 صورت کنونی از آقای بودایی صورت کنونی که حدود ۱۳۵۲/۸/۱۳ در زمان سفر صورت کنونی از اعداد و ارقام
 را در صورت کنونی از اعداد و ارقام اظهار داشتند: «متغیای اخصیای را در زمان فرستاده فردوسی باقی میگویند»
 ۲۰۰ میلیون تومان اعتبار داشته که استفاده حکیم و قطع شده است» - آقایان صورت کنونی را قیاس دارند -
 «چون از اعتبارات استراتژی و بدون حق اداره اعتبارات یک با یک میبود و قطع و باطل داشت ریس شده انجام
 شرکت قطع کردیم در نتیجه برای نشانای خود مجموعه اعتبارات - تمامه شدون میترنایم برای خود در دست
 است با اعداد و ارقام - را در صورت کنونی نشانای آنده گروه اعتباری استرند اعداد و ارقام - البته با باقی مبلغ
 یک مرکز ترتیبی با اعداد و ارقام خود را گفتی» - بعد از آنکه گفتی - اقبال بر داشت بود برای نشان یک مجسمه
 مواظبت - آقای بودایی را عرض نمودم که اگر این نشان را از یک مجسمه تروان یک بینه و دیده در اعداد و ارقام
 که در مجسمه با باقی میروان و اعداد و ارقام - آقایان صورت کنونی گفتند: «چنانچه دیده اعداد و ارقام باقی میروان
 مرکز بینه در دسترس بودایی را فرمود - آقای بودایی بعداً - باقی میروان را با باقی میروان و اعداد و ارقام

رسیدگی نموده است. جناب
آقای نخست وزیر حضوراً
مقرر فرمودند رسیدگی و
گزارش گردد.

در اجرای اوامر آن جناب، با همکاری مأمورین امنیتی تحقیقات همه جانبه‌ای انجام و نتیجه به شرح زیر می‌باشد:

تحقیقات انجام شده

به منظور تعیین صحت یا
سقم اظهارات آقای هژبر
یزدانی، آقایان مهندس
غلامعباس سرافراز
مدیرعامل شرکت
ساختمان، آکر ویل واسطه

دریافت چک و همچنین جهان بخش کنار سری انهارى مدیرعامل شرکتهای کشت و صنعت شاهین و مدیر کفش اطمینان و عضو هیئت مدیره کارخانجات قند اصفهان و قزوین که دوست و همکار آقای هژبر یزدانى بوده و از طرف مشارالیه در مشاغل مورد اشاره انجام وظیفه می نماید، احضار و در تحقیقاتی که از آقای مهندس غلامعباس سرافراز به عمل آمد اظهار داشت: «چندی قبل آقای جهان بخش انهارى به مشارالیه مراجعه و اظهار داشته که حدود ۹ ماه است که آقایان خوش کیش و یزدانی، روی مسائل بانکی و اعتباری اختلاف دارند،

فردوسی بانک ملی حدود ۳۴۰ میلیون تومان اعتبار داشتیم که استفاده نمی‌کنم و قطع شده است.» آقای خوش‌کیش اظهار داشتند:

«چون این اعتبار شما غیرقانونی و بدون مجوز اداره اعتبارات کل بانک ملی بوده و فقط با موافقت رئیس شعبه انجام می‌گرفت قطع گردید که در نتیجه برای شما ناراحتی بوجود آمد و باعث سوء تفاهم شد و من نمی‌توانم در این حدود برای شما ایجاد اعتبار نمایم، باید صبر کنید تا سال آینده اگر



تاریخ
شماره
جلد

فروشنده که کم نگذاشت. آن کاروانزاده درودنامه را در میان کارهای خودم برای آزادی قلمبندان
رهنم رسانید و من هرگز با کسی که چنین خدمتنامه را به بخشنده بکار خودم رساند، کار نداشت. تسلیس
بوده، آن را به من مکتب رسانید و من همان روز که در تهرانی که آن را به من رسانیده (از ایران خارج) با یاران قلمبندان
بیرون آمدن و رفتن از آن روز به آن روز که در تهرانی که آن را به من رسانیده، کار نداشت. تسلیس
بر آن کار باقی ماند. کارهای حادث که از شخصی با نام کامل آقای یحیی اقبال برآمده اند "از کارهای بودی که روز بعد
روز را ستم و ستم از ستم است و ستم از ستم است" که در تهرانی که آن را به من رسانیده، کار نداشت. تسلیس
که به مردم و مردم از ستم است و ستم از ستم است، کار نداشت. تسلیس
بر آن کار باقی ماند. کارهای حادث که از شخصی با نام کامل آقای یحیی اقبال برآمده اند "از کارهای بودی که روز بعد
روز را ستم و ستم از ستم است و ستم از ستم است" که در تهرانی که آن را به من رسانیده، کار نداشت. تسلیس
که به مردم و مردم از ستم است و ستم از ستم است، کار نداشت. تسلیس

وضع اقتصادی بهتر شد استفاده نمائید. البته نه به این مبلغ بلکه صورت شرکتها و معاملات خود را کتباً بدهید تا رسیدگی شود، اگر قابل پرداخت بود مبلغی به شما کمک مجدد خواهد شد». آقای یزدانی اصرار نمودند که «من اکنون متجاوز از یکصد میلیون تومان چک و سفته وعده دار دارم که می خواهم به بانک ملی بسپارم و اعتباری بگیرم (آقای خوش کیش گفتند) چکها و سفته ها را به بانک ملی شعبه مرکز بفرستید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. آقای یزدانی بعداً چک ها و سفته ها را به بانک تحویل دادند و از من خواستند که کمک کنم تا گزارش این کار

زودتر داده شود و به اتفاق به بانک مراجعه نمودیم ایشان از آقای قائمیان رئیس شعبه مرکزی بانک ملی خواستند که با توجه به پشتوانه یکصد میلیون تومان چک و سفته‌هایی که به بانک تسلیم نموده‌اند چکی به مبلغ سیصد میلیون ریال صادر کنند و رئیس بانک این مبلغ را به صورت (اوردرافت) یا علی الحساب بپردازند و ایشان فردای آن روز مبلغ مذکور را به بانک مسترد نمایند، لذا رئیس شعبه به علت نبودن آقای خوش‌کیش در بانک با آقای سهامی معاونت بانک تلفنی تماس حاصل و آقای سهامی اظهار می‌دارند «اگر آقای یزدانی یک روز

بعد پول را مسترد می‌دارند به مسئولیت خودتان بپردازید» که در نتیجه مبلغ مذکور به آقای یزدانی پرداخت شد و ایشان نیز یک روز بعد وجه مذکور را به بانک مسترد داشتند. ضمناً آقای یزدانی دو فقره درخواست تحصیل اعتبار تهیه که یکی را به بانک ملی شعبه مرکز و دیگری را به بانک ملی شعبه بازار تسلیم نموده بودند و چون تقاضاهای ایشان مورد تصویب قرار نگرفته بود. به اینجانب اظهار داشتند «شاید آقای خوش‌کیش که

-۲-

موجود در حساب آقای یزدانی، هرچند برگشت ندهد، بود (من ترک برگشت چک به پوست سباده) و پس از مراجعت از استان چک را به آقای اسپاری تحویل دادم و پایان هم به آقای یزدانی مسترد نمود.

در مورد ۲۰۰ هزار تومان نیز که ۵۰ هزار تومان آن به آقای مرزبان ملین نیمه مرکزی داده بود، ایشان از قول آن خودداری و وجه مذکور را حساب شماره ۱۰۱۰۰ مورخ ۱۳۵۴/۱/۱۹ آقای بردانی را در بانک قلمیان هم از قول ۱۵۰ هزار تومان خود، دارد که مبلغ جزوینوی چک شماره ۶۰۶۹۱۱ مورخ ۱۳۵۴/۱/۱۶ به آقای یزدانی مسترد گردید. آقای قلمیان سرافراز نامه نموده که آقای خوش‌کیش، هیچ وجه مرزبان سبده محاکماتی نداشته و حتی نامه‌ای که جایز است نیز نداشته است. آقای یزدانی مرزبان را در گروه ۱۲۱ آقای سرافراز فروخته است و سبده نفس حساب آقای یزدانی در بانک طر اخیار داشته. آقای یزدانی در بانک ملی نیمه مرکز سبده جاری افتتاح و چون حدود یکصد میلیون تومان چک و سفته در اختیار بانک قرار داده بودند لذا رئیس نیمه مرکزی بانک اجازه ناشی از ملین بانک و سرنوجه به استناد یکصد میلیون تومان چک و سفته تسلیم. با سرفیلر حسود سبده میلیون ریال به آقای یزدانی پرداخت و آقای یزدانی هم بزرگداشت مبلغ را به بانک مسترد کرده و سبده بشن اعتبار حسن بوده است و نظام‌های آقای بردانی دار بر مرامات مبلغ ۲۵۰۰ میلیون ریال اعتبار حسن تهیه‌ای که ایشان با کمک داشته اند مورد تصویب قرار گرفته است.

آقای چیان بخش انباری در منطقه‌ای حوله اظهار داشت که از استان نه‌می‌آقای وزیر یزدانی بوده و از طرف استان در چند شرکت و کارخانه اجوری بانیان قبول شده و سبده دوستی که آقای سرافراز داشته و سبده اعتباری سن سرافراز یزدانی سبده حسن از چند سبده ملان به لغری مروج است اما اعتبارات بر اساسی در بانک طی طرح و آقای سرافراز داشتند که به اختلاف بی‌پاسی خوش‌کیش و بردانی التماس دهده باصرف دودسته چهارم و ستون بانک رفع کثرت کرد و سرافراز داده بود که آقای یزدانی سبده تحصیل اعتبار جمعی می‌تواند که این اطلاعات بودند ذخیره آقای یزدانی تحویل کرده به بانک به دهد. در ضمن توضیح آقای یزدانی مودت چک مبلغ ۲ و ۲ میلیون تومان بودند و در اختیار آقای سرافراز کرده که آقای یزدانی نیز از حساب جاری بازدهد و در تاریخ ۲۵ تا ۲۵/۱/۱۳۵۴ در بانک ملی نیمه مرکز سبده سیصد میلیون ریال استفاده کرده و در مقابل ۲۰۰ هزار تومان به سرافراز دادند که ۵۰ هزار تومان به بردانی و ۱۵۰ هزار تومان سبده قائمیان رئیس نیمه بانک به دهد که هر دو سرافراز این وجه خودداری نمود. بودند سبده ۲۰۰ میلیون از

اعتبارات مرا تصویب نمی‌کند پول می‌خواهد. لذا دو فقره چک به مبلغ ۲ و ۳ میلیون تومان نوشته و به اینجانب تحویل نمودند تا به آقای خوش‌کیش بدهم و علاوه بر آن مبلغ دویست هزار تومان نیز دادند که ۵۰ هزار تومان به آقای مرزبان معاون شعبه مرکزی و ۱۵۰ هزار تومان به آقای قائمیان رئیس شعبه مرکزی بدهم، لذا اینجانب به بانک مراجعه و با ارائه دو فقره چک به مبلغ ۵ میلیون تومان جریان را با آقای خوش‌کیش در میان گذاردم که در نتیجه آقای خوش‌کیش ناراحت شده و از من خواستند که بلافاصله چکها را به آقای یزدانی برگردانم و

آقای یزدانی هم تلفنی وصول دو فقره چک را به اطلاع آقای خوش‌کیش برسانند. اینجانب چگونگی را به آقای یزدانی اطلاع دادم لیکن چون با تشریف‌فرمائی شاهنشاه آریامهر به اصفهان الزاماً روز ۱۳۵۴/۸/۲۸ عازم اصفهان بودم و این سه روز مقارن با واریز نمودن تعهد بانکی معادل مبلغ این دو فقره چک به حساب خودم و از طرفی تعطیل پنجشنبه و جمعه بانک ملی بود لذا از آقای یزدانی و انهارای خواستم که در صورت موافقت چک را به حساب مذکور منظور و پس از مراجعت از اصفهان مسترد دارم لذا با موافقت آقایان

انهاری و یزدانی چکها را پشت‌نویسی کرده و به بانک تحویل نمودم که در نتیجه به علت نبودن موجودی در حساب آقای یزدانی، هر دو چک برگشت شده بود (عین چک برگشتی به پیوست می‌باشد) و پس از مراجعت از اصفهان چک را به آقای انهارای تحویل دادم و ایشان هم به آقای یزدانی مسترد نمودند.

در مورد ۲۰۰ هزار تومان نیز که ۵۰ هزار تومان آن به آقای مرزبان معاون شعبه مرکزی داده شده بود، ایشان

از قبول آن خودداری و وجه مذکور را به حساب شماره ۸۰۱۰۰ مورخ ۱۳۵۴/۹/۹ آقای یزدانی واریز و آقای قائمیان هم از قبول ۱۵۰ هزار تومان خودداری که مبلغ مزبور نیز طی چک شماره ۶۰۶۹۱۲ مورخ ۱۳۵۴/۹/۱۶ به آقای یزدانی مسترد گردید. آقای غلامعباس سرافراز اضافه نمود که آقای خوش‌کیش به هیچ وجه در این مسئله دخالتی نداشتند و حتی با دیدن چک‌ها ناراحت نیز شدند و اتهامات آقای یزدانی در این مورد را رد کردند. آقای سرافراز در زمینه افتتاح و بسته شدن حساب آقای یزدانی در بانک ملی



نخست‌وزیری

نظام‌المالی بودایی، در پی و تحویل اعتبار مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال در اوقات باران و مرگ و مصوب قرار گرفته بود، لذا اینجانب از طرف بودایی به سرافراز مراجعه و چکهای ۲ و ۳ میلیون تومانی را که از طرف سرافراز به دست نویسی شده بود، برگردانده و به بودایی تحویل نمودم.

حساب بودایی من گفت که: "کار خوش‌کیش، سرافراز، و منکم توقیف خوش‌کیش صادر شده است و منکم است اوتنامم خلالاتی بکنم." آقای انهارای در پی و اطلاع آقایان دکتر سید یگانه و خوش‌کیش و برادری ایشان را که در وقت اختلاف بین دکتر سید یگانه و رئیس وقت بانک مرکزی آقای بودایی، آقای خوش‌کیش در پی و اطلاع داد، سال ۱۳۵۳ به نامه مردوسی بانک ملی دستور داده که از اعتبارات استفاده ندهد. آقای بودایی حالوکری نموده و دست وصول آن اقدام بنام بودایی من توسط علی دهنر، چک در افراسال ۵۵ و یک فقره هم در بایان امروز من ۵۵ اعتبار آقای بودایی را نقد و بکار اجازت برداشت اعتبار ملی را صادر دادند.

در مراجعه ای که بین آقایان سیدس غلامحسین سرافراز و سید حسن تقی‌زاده انهارای داده شد، هر دو نفر به موضوع آتشی و روح که دولت آقایان خوش‌کیش و بودایی و سیدسید سید علی دهنر، چک به آقای سرافراز و دوست هر دو نفر سرافراز به کارسان بانک ملی اشرار روح فانی و شایعه و علاوه بر آن انهارای اظهارات بودایی من بنام یزدانی خوش‌کیش و سرافراز را که گفته بود "طبقه آریامهر غلامحسین بود" بنام بودایی من شکله بعد و گفتگوهایی را که تحت تاثیر موافقت سرافراز و "حاضر نیستیم چکار بودایی فراموش را فراموش کنیم" و اضافه نمودند و اطلاع بودایی من سرافراز را که در پی و اطلاع از این و رسانیده و گفته است که در این بطور سرافراز می‌باشد، اعتبار انهارای در خانه انهارای نبود، دلایل و مدارکی که با من بنام آقای خوش‌کیش را بابت گفته به اورد.

بنظر من اطلاع به ما را سرافراز و بانک و کارکنان آقای بودایی و سرافراز آقایان سیدسید یگانه و خوش‌کیش را که بنام انهارای - رئیس شعبه مرکزی و در این شعبه بودایی به بانک مراجعه، آقای سیدسید یگانه انهارای را که اظهار داشتند، در دفتر نظامی آقای بودایی و دولت تهیهات عالی پیش از حدی که داشته بود و مصوب قرار گرفته و در نتیجه ایشان در شعبه مرکزی حساب جاری افتتاح و در شعبه یکصد میلیون تومان چک و بکنه در اعتبار بانک ملی نموده مرکز

اظهار داشتند، آقای یزدانی در بانک ملی شعبه مرکز حساب جاری افتتاح و چون حدود یکصد میلیون تومان چک و سفته در اختیار بانک قرار داده بودند لذا رئیس شعبه مرکزی با کسب اجازه تلفنی از معاون بانک و نیز توجه به اعتبار یکصد میلیون تومان چک و سفته تسلیمی، با مسئولیت خود سیصد میلیون ریال به آقای یزدانی پرداخت و آقای یزدانی هم روز بعد این مبلغ را به بانک مسترد می‌دارد و مسئله بستن اعتبار در بین نبوده است و تقاضاهای آقای یزدانی دایر بر دریافت مبلغ ۲۵۰۰ میلیون ریال اعتبار هم به علت تعهداتی که ایشان به بانکها

داشته‌اند مورد تصویب قرار نگرفته است.

آقای جهان‌بخش انھاری در تحقیقات معموله اظهار داشتند که از دوستان قدیمی آقای هژیر یزدانی بوده و از طرف ایشان در چند شرکت و کارخانه اموری به ایشان محول شده و به علت دوستی که با آقای سرافراز داشتند واسطه آشنائی بین سرافراز و یزدانی می‌شوند و پس از چند جلسه ملاقات سه نفری موضوع انسداد اعتبارات یزدانی در بانک ملی مطرح و آقای سرافراز داوطلب شد

- ۴ -

فرارده که رئیس شعبه مرکزی بانک نوسان سیدملین ریال بحوث (اوردافت) بابتان بوداغت و روز بدم آتای بزدانی وارنوسوده است - (چهار روز بعد از بدم آتای)

آقای فاضل رئیس شعبه مرکزی بانک ملی سرافراز را به شرح فوق باخبر نمودند.

آقای زهره رئیس شعبه فردوسی بانک ملی سرافراز را در روز ۱۳۵۴/۸/۲۷ چکی مبلغ سیصد میلیون ریال

میده بانک سافرات به بانک ملی نمده فردوسی اصل میگردد و چون آقای بردانی از تمام اعتبار سرافراز

(۵۰۰ میلیون ریال) فلا استفاده نموده بود و سالی برای پرداخت چک بدو کورسود داده شده بود از این جهت

مرکزی نتوان حاصل نموده و مرکز هم ضولی هم را اعلام و بان سرفراز رئیس شعبه فردوسی چک مروری

و پرداخت روز ۱۳۵۴/۸/۲۸ این مبلغ به حساب جاری آقای فردوسی مروره مرکز و ابرمگرده است.

نتیجه و نظریه

بانوجه سرافراز، صرفه و امارات مجلس و درسی اسامی از کج بود و در عین حال با کپارک آقای مؤید بزدانی که اصل بانکره آن موجود نیست و به شرح فوق باخبر نمودند.

۱- قطع اعتبار بانکی ضولی آقای مؤید بزدانی در آذرماه ۱۳۵۴ و پیرویه من ۱۳۵۴ بابت و اگاری اعتبارات

موقوفه که نمده فردوسی اعتبار سرافراز در فرارده نموده توسط سرافراز بانک ملی سرفراز باخبر نمود و سرفراز

اعتباری مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال برای سه کارخانه متعلق سرافراز و ۵۰۰ میلیون ریال دیگر برای شخص خود

آقای بردانی اعتبار سرافراز را در اختیار گذارد و در ۱۳۵۴/۸/۲۸ از سرافراز

۲- در وقت تقاضای گسی آقای مؤید بزدانی که در تاریخ های ۱۳۵۴/۸/۲۰ و ۱۳۵۴/۸/۲۰ به حساب باز و مرکزی

بانک ملی مبلغ ۳۵۰۰ میلیون ریال تسلیم گردیده و در آن تقاضای اعتبار سرافراز شده است و در وقت اعتبارات بانک

موقوفه ضولی طرح و بانوجه به اعتباری که فلا مبلغ مروره ۱۳۵۴/۸/۲۷ بخون ریال در اعتبار آقای بردانی

برگشتی و بسته گذارده شده بود تصویب قرار گرفته و مراتب سرفراز اطلاع آقای بردانی رسیده است.

۳- موضوع افتتاح حساب جاری شماره ۵۵۱۱۲ از طرف آقای بزدانی در بانک ملی شعبه مرکز در تاریخ

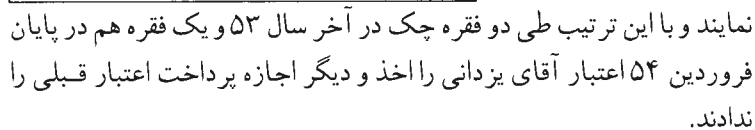
۱۳۵۴/۸/۲۶ و تسلیم حدود ۱۰۰۰ میلیون ریال چک و سفته بدو و در وقت بدو بانک سیدملین ریال

از همین حساب در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۷ بحوث (اوردافت) و نیز از تمام سرفراز به بانک مروره باخبر نمودند

و موضوع تصویب اعتبار سرافراز بان و قطع سرفراز بان به کتف آقای بردانی مروره باخبر نمودند.

که به اختلاف فی مابین خوش‌کیش و یزدانی التیام دهد که با صرف دو جلسه نهار در رستوران و بانک رفع کدورت گردید و قرار شده بود که آقای یزدانی به منظور تحصیل اعتبار جدید دو تقاضا بدهد که این تقاضاها نوشته شد و به آقای سرافراز تحویل گردید تا به بانک بدهد. در همین موقع آقای یزدانی دو فقره چک به مبلغ ۲ و ۳ میلیون تومان نوشته و در اختیار آقای سرافراز گذاردند آقای یزدانی نیز از حساب جاری باز شده در تاریخهای ۲۵ یا ۲۶/۹/۱۳۵۴ در بانک ملی شعبه مرکز به مبلغ سیصد میلیون ریال استفاده کردند و در مقابل ۲۰۰ هزار

خوش‌کیش صادر شده است
و ممکن است از شما هم
سؤالاتی بکنند. آقای
انهارى در مورد اختلافات
آقایان دکتر محمد یگانه و
خوش‌کیش و یزدانى اظهار
مى‌دارد که به علت اختلاف
بین دکتر محمد یگانه رئیس
وقت بانک مرکزی و آقای
یزدانی، آقای خوش‌کیش
در بهمن و اسفند ماه سال
۱۳۵۳ به شعبه فردوسی
بانک ملی دستور داد که از
اعتبارات استفاده شده آقای
یزدانی جلوگیری نموده و
نسبت به وصول آن اقدام



در مواجهه‌ای که بین آقایان مهندس غلامعباس سرافراز و جهان‌بخش کنارسری انهارای داده شد، هر دو نفر موضوع آشتی و رفع کدورت آقایان خوش‌کیش و یزدانی و نیز نحوه تحویل دو فقره چک به آقای سرافراز و دویست هزار تومان به کارمندان بانک ملی را به شرح فوق تایید و علاوه بر آن انهارای اظهارات

یزدانی مبنی بر تهدید خوش‌کیش و سرافراز را که گفته بود علیه آنها اقدام نمود تایید و پس از یک سلسله بحث و گفتگو بالاخره تحت تأثیر عواطف خود افزود حاضر نیستم به خاطر یزدانی شرافتم را از دست بدهم و اضافه نمود بدون اطلاع یزدانی و سرافراز نزدیکی از مقامات رفتم تیمسار سپهبد دکتر ایادی و جریان را به اطلاع ایشان رسانیده و گفته است که در این ماجرا سرافراز بی‌گناه است انهارى در خاتمه اظهار نمود، دلایل و مدارکی که نادرستی آقای خوش‌کیش را ثابت کند ندارد.

به منظور ملاحظه دفاتر و اسناد بانک و کارتهای آقای یزدانی و مصاحبه با آقایان سهامی معاون بانک ملی و قائمیان رئیس شعبه مرکزی و زند رئیس شعبه فردوسی به بانک اظهار داشتند، دو فقره تقاضای آقای یزدانی به علت تعهدات مالی بیش از حدی که داشتند مورد تصویب قرار نگرفته و در نتیجه ایشان در شعبه مرکزی حساب جاری افتتاح و در حدود یکصد میلیون تومان چک و سفته در اختیار بانک ملی شعبه مرکز قرار داده که رئیس شعبه مرکزی بانک نیز مبلغ سیصد میلیون ریال به صورت (اوردرافت) به ایشان پرداخت و روز بعد هم آقای یزدانی واریز نموده است. (چهار روز بعد واریز شده) آقای قائمیان رئیس شعبه مرکزی بانک ملی نیز مراتب را به شرح فوق تایید نمودند.

آقای زند رئیس شعبه فردوسی بانک ملی نیز اظهار داشتند که روز ۱۳۵۴/۸/۲۷ چکی به مبلغ سیصد میلیون ریال عهده بانک صادرات به بانک ملی شعبه فردوسی واصل می‌گردد و چون آقای یزدانی از تمام اعتبار مجاز خود (۵۰۰ میلیون ریال) قبلاً استفاده نموده بود و محلی برای پرداخت چک مذکور وجود نداشته لذا تلفنی با شعبه مرکزی تماس حاصل و شعبه مرکزی هم قبولی چک را اعلام و به این ترتیب رئیس بانک شعبه فردوسی چک مزبور را پرداخت و روز ۱۳۵۴/۸/۲۸ این مبلغ به حساب جاری آقای یزدانی در شعبه مرکزی واریز گردیده است.

نتیجه و نظریه

با توجه به مراتب معروضه و اظهارات مطلعین و بررسی اسناد و مدارک موجود و دفاتر بانکها و کارتهای آقای هژبر یزدانی که اصل یا فتوکپی آن موجود می‌باشد نتیجه را به شرح زیر به استحضار می‌رساند:

۱- قطع اعتبار بانکی قبلی آقای هژبر یزدانی در آخر اسفند ماه ۱۳۵۳ و فروردین ۱۳۵۴ و اگذاری اعتبارات غیر معقول که شعبه فردوسی در اختیار نامبرده قرار داده بوده توسط مسئولین بانک ملی مورد تایید بوده و در عوض اعتباری به مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال برای سه کارخانه متعلق به مشارالیه و نیز ۵۰۰ میلیون ریال دیگر برای شخص خود آقای یزدانی اعتبار مجاز در اختیار گذارده شده که هم‌اکنون ادامه دارد.

۲- دو فقره تقاضای کتبی آقای هژبر یزدانی که در تاریخ‌های ۵۴/۹/۳ و ۱۳۵۴/۹/۲۰ به شعبات بازار و مرکزی بانک ملی به مبلغ ۳۵۰۰ میلیون ریال تسلیم گردیده و در آن تقاضای اعتبار مجدد شده است در کمیته اعتبارات بانک بطور شفاهی مطرح و با توجه به اعتباراتی که قبلاً به مبلغ در حدود ۱۹۷۰ میلیون ریال در اختیار آقای یزدانی و شرکتهای وابسته گذارده شده مورد تصویب قرار نگرفته و مراتب نیز به

اطلاع آقای یزدانی رسیده است.

۳- موضوع افتتاح حساب جاری به شماره ۸۵۱۱۳ از طرف آقای یزدانی در بانک ملی شعبه مرکز در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۶ و تسلیم حدود ۱۰۰۰ میلیون ریال چک و سفته مدت دار به بانک و نیز دریافت مبلغ سیصد میلیون ریال از همین حساب در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۷ به صورت (اوردرافت) و نیز استرداد مجدد آن به بانک مورد تایید است و موضوع تصویب اعتبار جدید ایشان و قطع مجدد آن بنا به گفته آقای یزدانی مورد تایید نمی باشد.

۴- تسلیم دو فقره چک به مبلغ ۲ و ۳ میلیون تومان و نیز ۲۰۰ هزار تومان وجه نقد برای دو نفر کارمندان شعبه مرکزی بانک ملی توسط آقای یزدانی به آقای مهندس غلامعباس سرافراز به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت دریافت اعتبار جدید مورد تایید می باشد که مراتب به اطلاع آقای خوشکیش نیز رسیده لیکن نامبرده با رویت چکها متغیر و از قبول آن خودداری و به آقای سرافراز اظهار نموده چکها را به آقای یزدانی مسترد و حتی تلفنی و حضوری نیز از این عمل آقای یزدانی گله نموده است. و با بررسیهایی که به عمل آمد دلایل یا مدارکی که نشان دهد آقای خوشکیش مدیرکل بانک ملی به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای آقای یزدانی نظر مادی داشته باشد بدست نیامد کما اینکه از مبالغ مذکور دیناری هزینه نشده و عیناً وسیله آقای سرافراز به آقای یزدانی مسترد شده.

۵- روابط نزدیک آقای خوشکیش مدیرکل بانک ملی با آقای مهندس غلامعباس سرافراز که از ۲۰ سال قبل شروع شده مورد تایید بوده و این موضوع مورد قبول خود آقای سرافراز و انهاراری و برخی از کارمندان فعلی و سابق بانک ملی نیز می باشد.

سرلشکر هوشنگ ارم^۱

غلامرضا نشاط ۵۴/۱۱/۸

امیر احمدعلی بیگدلی ۵۴/۱۱/۸

۱- امیر هوشنگ ارم فرزند عباسقلی در سال ۱۲۹۸ ش در تهران بدنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده افسری شد و پس از فارغ التحصیلی و گذراندن دوره در دانشگاه جنگ تا درجه سرلشگری در رژیم گذشته رسیده و به خدمت در واحدهای مختلف نظامی اهواز و تهران پرداخته و طی عریضه ای به شاه مخلوع مراتب وفاداری خود را ابراز نموده و به پاس این وفاداری نشان درجه ۳ و ۴ تاج و درجه ۳ همایون نیز دریافت داشته است. اسناد ساواک، پرونده های انفرادی

تاریخ: ۵۴/۱۱/۱۲

شماره: ۹۲۲/۱۹۱۴۴

بازگشت به شماره ۵۴/۱۰/۲۸-۳۴۲/۵۰۵۸

در سالهای ۵۲ و ۵۳ ضمن اقداماتی که انجام می‌دهد از شعبه مزبور بالغ بر یکصد میلیون تومان استفاده کرده است ولی بعداً به علت خرید سهام بانک اصناف و کارخانه قند اصفهان و اختلافاتی که بین مشارالیه و آقای دکتر محمد یگانه رئیس وقت بانک مرکزی ایجاد می‌گردد بانک مرکزی بازرسانی جهت تقلیل اعتبارات وی به بانک ملی شعبه فردوسی اعزام و سرانجام پس از رسیدگی و وصول کلیه مطالبات دستور

[illegible]

مدیر کل ادارہ نهم. ضرابی

نظریه ۲۲۲ :

- ۱- موضوع کاملاً مورد تایید می باشد و برای رسیدگی به این جریان از طرف جناب آقای نخست وزیر یکی از امرای ارتش به نام سرلشکر ارم مأمور رسیدگی به این موضوع گردیده است.
- ۲- مراتب در مورخه ۵۴/۱۱/۱۴ از عرض تیمسار ریاست معظم ساواک گذشته است.

شماره: ۲۹۹۲/۲۵۳۷

تاریخ: ۵۴/۱۲/۲۲

۱- نعمت‌الله نصیری فرزند

محمد (عمیدالمالک) متولد

سمنان و فارغ‌التحصیل دانشکده

افسری بود او مدتی فرماندهی

گروهان دانشکده افسری،

معاونت دانشکده تکمیلی،

فرماندهی گردان هنگ ۱۸

لشکر کرمان و فرماندهی گردان

مستقل سیرجان را به عهده

داشت سپس به فرماندهی هنگ

یکم از لشکر گارد و فرماندهی

گارد سلطنتی منصوب شد در

۱۳ مهرماه ۱۳۵۰ مقارن با

جشنهای ۲۵۰۰ ساله به درجه

ارتشبدی ارتقاء پیدا کرد و در

شهریور ماه ۱۳۵۷ پس از

برقراری حکومت نظامی در

تهران که موج افشاگری‌ها علیه

دستگاه جهنمی ساواک بالا

گرفت نصیری را که در آن زمان

سفیر پاکستان و ساکن آن کشور

بود به تهران احضار و با

بازداشتی عوام‌فریبانه روانه

زندان کردند ارتشبد نصیری از

عوامل مؤثر کودتای

امریکایی‌ها در ۲۸ مرداد

۱۳۳۲ بود و مدتی پس از

سقوط دولت ملی مصدق به

عنوان معاون نخست‌وزیر و

رئیس سازمان اطلاعات و

امنیت کشور منصوب شد

نصیری به خاطر دخالت مستقیم

و غیرمستقیم در ارباب و تعقیب

و شکنجه و قتل آزادیخواهان

مورد نفرت همه طبقات جامعه

بود آجودان مخصوص شاه

همچنین با سوءاستفاده از قدرت

عظیم و شیطانی خود ثروتی

افسانه‌ای به هم زده بود. با

پیروزی انقلاب شکوهمند

اسلامی در دادگاه انقلاب

محاکمه و به اتهام مفسد

فی‌الارض و محاربه با خدا به

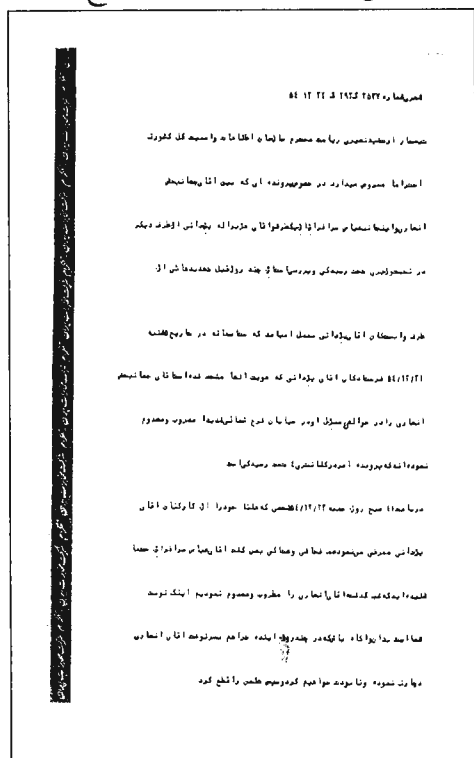
اعدام محکوم گردید. حکم ۹۴

تیمسار ارتشبد نصیری^۱ ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت کل کشور احتراماً معروض می‌دارد در خصوص پرونده‌ای که بین آقای جهانبخش انهاری و اینجناب عباس سرافراز یک طرف آقای هژبراله یزدانی از طرف دیگر در نخست‌وزیری تحت رسیدگی و بررسی است از چند روز قبل تهدیدهایی از طرف وابستگان آقای یزدانی به عمل می‌آمد که متأسفانه در تاریخ ۵ شنبه

۵۴/۱۲/۲۱ فرستادگان آقای یزدانی که هویت آنها مشخص شده است آقای جهانبخش انهاری را در حوالی منزل او در خیابان فرح شمالی شدیداً مضروب و مصدوم نموده‌اند که پرونده امر در کلانتری ۴ تحت رسیدگی است.

در ساعت ۱۱ صبح روز جمعه ۵۴/۱۲/۲۲ شخصی که علناً خود را از کارکنان آقای یزدانی معرفی می‌نمود و ضمن فحاشی و هتاک‌ها به من گفت آقای عباس سرافراز حتماً شنیده‌اند که

شب گذشته آقای انهاری را مضروب و مصدوم نمودیم اینک نوبت شما است بدان و آگاه باش که در چند روز آینده تو را هم به سرنوشت آقای انهاری دچار نموده و نابودت خواهیم کرد و سپس تلفن را قطع کرد.



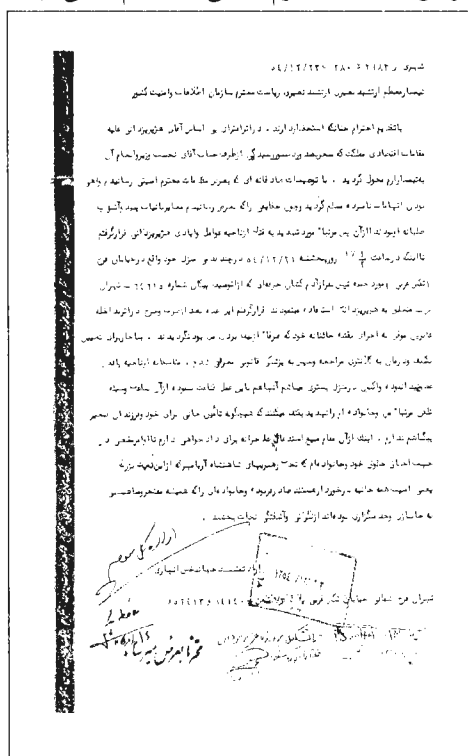
شهری ش ۲۹۸۳ ک ۲۸۰

ت ۵۴/۱۲/۲۳

تیمسار معظم ار تشبید نصیری ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت کشور

با تقدیم احترام چنانکه استحضار دارند، در اثر افترای بی اساس آقای هژبر یزدانی علیه مقامات اقتصادی مملکت که منجر به صدور دستور رسیدگی از طرف جناب آقای نخست وزیر و انجام آن به تیمسار ارم محول گردید. با توضیحات صادقه‌ای که به عرض مقامات محترم امنیتی رسانیدم واهی بودن

اتهامات نامبرده مسلم گردید و چون حقایقی را که به عرض رسانیدم مغایر با نیت پلید و آشوب طلبانه او بود لذا از آن پس مرتباً مورد تهدید به قتل از ناحیه عوامل و ابادی هژبر یزدانی قرار گرفتم تا اینکه در ساعت ۱۷ روز پنجشنبه ۵۴/۱۲/۲۱ در چند قدمی منزل خود واقع در خیابان فرح (تکش غربی) مورد حمله شش نفر از آدم کشان حرفه‌ای که از اتومبیل پیکان شماره ۶۴۶۱۵ - تهران ص - متعلق به آقای هژبر یزدانی



استفاده می نمودند قرار گرفتم این عده بعد از ضرب و جرح در اثر مداخله عابرین موفق به اجرای نقشه خائنه خود که صرفاً از بین بردن من بود نگردیدند. به ناچار برای تعیین تکلیف و درمان به کلانتری مراجعه و سپس به پزشکی قانونی معرفی شدم. متأسفانه از ناحیه پا نقص عضو پیدا نموده و اکنون در منزل بستری می باشم آنها هم به این عمل قناعت ننموده از آن ساعت وسیله تلفن مرتباً من و خانواده‌ام را تهدید به قتل می کنند که هیچگونه تأمین جانی برای خود و فرزندان صغیر بی گناهم ندارم. اینک از آن مقام منیع استدعای عاجزانه برای دادخواهی

اعدام او در ساعت ۲۳/۴۰ روز ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ به مرحله اجرا درآمد. یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید سید علی اندرزگو، ص ۱۰۱

دارم تا اوامر مقتضی در جهت احقاق حقوق خود و خانواده‌ام که تحت رهبریهای شاهنشاه آریامهر که از این لغت بزرگ یعنی امنیت همه جانبه برخوردار هستند صادر فرموده و خانواده‌ای را که همیشه مفتخر و مباهی به جانبازی و خدمتگزاری بوده‌اند از نگرانی و آشفتگی نجات بخشند.

تهران فرح شمالی خیابان تکس غربی پلاک ۷۳ تلفن ۸۴۱۴۰۵ و ۸۵۲۴۱۳

اداره کل سوم

ملاحظه شد ۳۵/۱۰/۱۶

تا تشکیل پرونده هژبر یزدانی فعلاً بایگانی شود. ۳۵/۱/۲۹

تاریخ: ۵۴/۱۲/۲۴

پیشگاه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر
رهبر توانا و ناجی ایران بزرگ ارواحنا. فدا

بانهایت احترام به شرف عرض خاکبای همایونی می‌رساند:

چاکر عباس سرافراز مدیرعامل شرکت ساختمانی اکریل جان نثار و خدمتگزار صدیق شاهنشاہ آریامہر بہ شہادت مدارکی کہ در اختیار دارم بہ

استثنای دوران طفولیت که
از نظر طبیعی قوه و درک
شناسائی نداشتن باقی
عمری که سپری کرده‌ام خود
را از فدائیان آن پدر تاجدار
دانسته و به سهم ناچیز خود
مراتب عبودی و بندگی را به
دفعات و بکرات به ثبوت
رسانیده و در پرتو امنیت
اجتماعی و این موهبتی که
نصیب ملت شاهدوست
ایران گردیده است توانسته‌ام
با فعالیت شبانه روزی فردی
خود ساخته و فعال به جامعه
قدم گذاشته و متنعم از
نعمات وطنم برخوردار بوده
باشم.

۵۴۷/۱۳۵۵

۵۴۷

بینگاه مبارک اعظم حضرت شاهین شاهنشاه آریامیسر
در شهر نونا و ناحی ایران بزرگ ارخا، خدا

پادشاهیت اشراق بفرمانش خاکای شاهین سرمانند

چاکرهای سرافراز به بر طاعت شکرگاه شهنشاهی ایزد ایزد جهان نثار و خد شکرگاه صد بسمل
شاهنشاه آریامیسر پادشاهان به در آگاهی که در اختیار دارم باستانی دوران طلیعت که از نیکسر
طیعی قوم و دولت شهنشاهی نداشتن باقی میرد که سپهر کرده ام خود را از ندهان آفاقان پس در
تاجدار دانسته و بسوم تاجدار خود برانته خود به و بدگم را به نعمات و بکرات به محبت
رسانیده و در پرتو انبیا اشعاری و امین موهبتی که نصیب شد شاهنشاه و پست ایران گردد به است
توانست ادم به نعمات انبیا به نریز قری خود شاهنشاه و فعال به پادشاه قدم گذاشته و مختصم
از نعمات و شرف برخوردار بوده باشد

اعظم حضرت: در چندین قبل از آن که میفرموده بودی که از هر برگ توسعه اقتصادی میگزینان

گفتی در مدت کوتاهی صاحب مال و میان پستی می گردید است و فرقی نبود و حقر و اسیر
و حد را نمی شناسد با تقدیم شکرگاه او بی اساس برحقه یکی از طمانده به غیر باش و پادگار
و جنبه انبیا مبارک روی غرض و صرة "بما طار لک در ان نمودن شکرگاه با نظام نسبت زوری تسلیم
نمود و در مدد بر آید با امین نمود تا بنیست به حیثیت و آرزو و اختیارات و مایه با نام نسیه
وارد سار که موضوعات در اثر رسیدگی و هویت را طمانده نخست بیرون ادعای و احسانی
تا میرد به ثبوت رسید و امر حکایت از حد را بر این چاکرگاه شاهنشاه آریامیسر

مستند

۵۴۷/۱۳۵۵

اعلیٰ حضرت!؛ در چندی قبل آقای هژبر یزدانی که از برکت توسعه اقتصادی شکوفان کشور در مدت کوتاهی صاحب مال و منال بی حسابی گردیده است و غرور بی حد و حصر او مرز و حدی رانمی شناسد با تقدیم شکواییه ای بی اساس بر علیه یکی از مقامات معتبر بانکی و چاکر و جهانبخش انهار ی روی غرض و صرفاً به خاطر لکه دار نمودن شئون ما به مقام نخست وزیری تسلیم نمود و در صدد برآمد با این شیوه ناپسند به حیثیت و آبرو و اعتبار ما و خانواده مان لطمه

وارد سازد که خوشبختانه در اثر رسیدگی و هوشیاری مقامات نخست‌وزیری ادعای واهی نامبرده به ثبوت رسید و پرونده امر حکایت از صدق عرایض چاکر خانه‌زاد شاهنشاه آریامهر می‌نماید.

تیمسار معظم با توجه به سوابق امر که در نخست‌وزیری منعکس است و با توجه به تهدیدی که در مورد آقای انهاری به عمل آمده بود و به موقع عمل در آورده‌اند اینجانب به هیچ‌وجه تأمین جانی ندارم و برای خود و خانواده‌ام نگران هستم از آن تیمسار معظم استدعا دارم نسبت به این موضوع دستور رسیدگی صادر

فرموده و اشخاصی که مرا تهدید به نابودی می‌نمایند هر عمل قانونی که برای حفظ جان مردم ضروری است اوامر مبارک صادر فرمایید چاکر غلام خانه‌زاد و صدیق شاهنشاه آریامهر با یک عمر خدمت به کشور عزیز دست کمک به سوی آن تیمسار معظم دراز نموده و تقاضای حفظ جان خود و خانواده‌ام را دارم با تقدیم احترام عباس سرافراز مدیرعامل شرکت ساختمانی اکرپل.

اداره کل سوم

تیمسار معظم با توجه سوابق ذکر شده در قسمت اول و دوم منعکس است و با توجه به تهدیدی که در مورد آقای انهاری بعمل آمده بود و به موقع عمل در آورده‌اند اینجانب به هیچ‌وجه تأمین جانی ندارم و برای خود و خانواده‌ام نگران هستم از آن تیمسار معظم استدعا دارم نسبت به این موضوع دستور رسیدگی صادر فرموده و اشخاصی که مرا تهدید به نابودی می‌نمایند هر عمل قانونی که برای حفظ جان مردم ضروری است اوامر مبارک صادر فرمایید چاکر غلام خانه‌زاد و صدیق شاهنشاه آریامهر با یک عمر خدمت به کشور عزیز دست کمک به سوی آن تیمسار معظم دراز نموده و تقاضای حفظ جان خود و خانواده‌ام را دارم با تقدیم احترام عباس سرافراز مدیرعامل شرکت ساختمانی اکرپل.

با تقدیر و احترام عباس سرافراز مدیرعامل شرکت ساختمانی اکرپل

۱۳۸۵/۰۶/۰۵

الطافی محم

تیمسار معظم با توجه سوابق ذکر شده در قسمت اول و دوم منعکس است و با توجه به تهدیدی که در مورد آقای انهاری بعمل آمده بود و به موقع عمل در آورده‌اند اینجانب به هیچ‌وجه تأمین جانی ندارم و برای خود و خانواده‌ام نگران هستم از آن تیمسار معظم استدعا دارم نسبت به این موضوع دستور رسیدگی صادر فرموده و اشخاصی که مرا تهدید به نابودی می‌نمایند هر عمل قانونی که برای حفظ جان مردم ضروری است اوامر مبارک صادر فرمایید چاکر غلام خانه‌زاد و صدیق شاهنشاه آریامهر با یک عمر خدمت به کشور عزیز دست کمک به سوی آن تیمسار معظم دراز نموده و تقاضای حفظ جان خود و خانواده‌ام را دارم با تقدیم احترام عباس سرافراز مدیرعامل شرکت ساختمانی اکرپل.

اعلیحضرتا: تمام افتخار ما ملت ایران به شاهنشاهی است که نعمت امنیت و آسایش را برایمان فراهم فرموده‌اند و اگر در اثر رشد سریع اقتصادی کشور گهگاهی مشکلاتی در جهت پیشرفت بیشتر امور احساس می‌کنم ندیده انگاشته و به خود می‌بالیم که امنیت کامل داریم و ملل دیگر جهان هم به این امنیت بی‌نظیر و خاصه ما غبطه می‌خورند چطور می‌توان قبول نمود که آقای هژبر یزدانی یا عوامل خود در پایتخت کشور شاهنشاهی و آن هم در ساعت شش بعد از ظهر در شلوغ‌ترین مراکز شهر با یک عده عوامل جیره‌خوار خود با چوب دستی و سایر وسائل به جان مردم

بی‌پناه افتاده و پس از مضروب و مصدوم نمودن به شخص مورد نظر بی‌اعتنا به عملی که مرتکب شده دور از تنبیه قانون آزادانه در شهر رفت و آمد نماید. (تاریخ وقوع حادثه پنج‌شنبه ۵۴/۱۲/۲۱ در خیابان فرح شمالی است که پرونده امر در مورد مضروب نمودن جهانبخش انهاری در کلانتری ۴ تنظیم گردیده است).

اعلیحضرتا شاهنشاهی: در روز جمعه ۲۲/اسفند ۵۴ فردای آن روز در ساعت ۱۱

اعلیحضرتا: تمام افتخار ما ملت ایران به شاهنشاهی است که نعمت امنیت و آسایش را برایمان فراهم فرموده‌اند و اگر در اثر رشد سریع اقتصادی کشور گهگاهی مشکلاتی در جهت پیشرفت بیشتر امور احساس می‌کنم ندیده انگاشته و به خود می‌بالیم که امنیت کامل داریم و ملل دیگر جهان هم به این امنیت بی‌نظیر و خاصه ما غبطه می‌خورند چطور می‌توان قبول نمود که آقای هژبر یزدانی یا عوامل خود در پایتخت کشور شاهنشاهی و آنهم در ساعت شش بعد از ظهر در شلوغ‌ترین مراکز شهر با یک عده عوامل جیره‌خوار خود با چوب دستی و سایر وسائل به جان مردم بی‌پناه افتاده و پس از مضروب و مصدوم نمودن به شخص مورد نظر بی‌اعتنا به عملی که مرتکب شده دور از تنبیه قانون آزادانه در شهر رفت و آمد نماید. (تاریخ وقوع حادثه پنج‌شنبه ۵۴/۱۲/۲۱ در خیابان فرح شمالی است که پرونده امر در مورد مضروب نمودن جهانبخش انهاری در کلانتری ۴ تنظیم گردیده است).

اعلیحضرتا: شاهنشاهی

در روز جمعه ۲۲/اسفند ۵۴ فردای آن روز در ساعت ۱۱ صبح شعبه‌ای که خود را از کارکنان یزدانی معرفی می‌نمود به منزل چاکر تلفن نمود و اظهار داشت من از کسان آقای یزدانی هستم آثار سرافراز بدان و آگاه باش که شب گذشته دوست و همکار شما انهاری را که شنبه اید مضروب و مصدوم نموده‌ام در آینده تحت حواص بود و ترا از صفحه روزگار برمی‌دارم هر کجا باشی در شهر یا در محلات یا نهر کجا بروی ترا نابود خواهیم کرد و فرزندانت را از بین ببریم و همسرت را نافر می‌کنیم و شکن را قطع کرد. که البته چاکر خانه را از شاهنشاهی آریامهر بلافاصله مراتب را طی چهار فقره تلگراف شهری به جناب آقای آتای نخست‌وزیر - دفتر مخصوص شاهنشاهی و ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت کشور

صبح شخصی که خود را از کارکنان یزدانی معرفی می‌نمود به منزل چاکر تلفن نمود و اظهار داشت من از کسان آقای یزدانی هستم آثار سرافراز بدان و آگاه باش که شب گذشته دوست و همکار شما انهاری را که شنبه اید مضروب و مصدوم نموده‌ام در آینده نوبت شما خواهد بود و تو را از صفحه روزگار بر می‌داریم هر کجا باشی در شهر یا در بیابان یا به هر کجا بروی تو را نابود خواهیم کرد و فرزندانت را از بین می‌بریم و همسرت را ناقص می‌کنیم و تلفن را قطع کردند. که البته چاکر خانم‌زاد شاهنشاه آریامهر بلافاصله مراتب را طی چهار فقره تلگراف شهری به جناب آقای

اعلیٰ حضرت تا: دست توسل به دامان پر مهر و عطف آن پدر تاجدار دراز نموده و از

فروغ محبت کجاست یا غم در آتش بصیرت سوزد خیمت در درون غم بران افلاک
و احسنت کل شرور تقدیم در رضا جان و رسیدگی دارم .
قدیم اقرار
عبدالله سالار

شاهنشاهی: از درگاه حضرت احدیت سلامت و تندرستی کامل شاهنشاه آریامهر و علیاحضرته شهبانوی گرامی و والا حضرت همایون ولایتعهد که نور دیده ملت ایران هستند مسئلت داشته و دوام و بقاء سلطنت شهریار و خاندان جلیل سلطنت پهلوی را خواستارم. چاکر خانہزاد - عباس سرافراز مدیر عامل شرکت ساختمانی اکریل

بعرض رسید ۱۶/۱/۳۵ رونوشت جهت استحضار تیمسار معظم ارتشبد نصیری معاونت محترم نخست وزیر و ریاست معظم سازمان اطلاعات و امنیت کل کشور تقدیم و تقاضای حمایت و رسیدگی دارم. با تقدیم احترام عباس سرافراز

جناب آقای هویدا نخست‌وزیر محترم و محبوب ایران

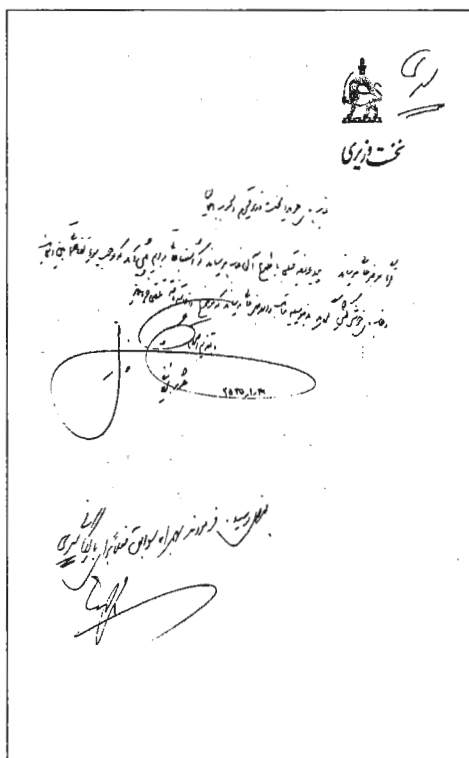
محترماً بعرض عالی می‌رساند: پیرو عریضه به اطلاع آن جناب می‌رساند که اشتباهاتی برایم پیش آمد که موجب سوء تفاهماتی بین اینجانب و جناب آقای خوش‌کیش گردید بدینوسیله مراتب را به عرض عالی می‌رساند که موضوع را خاتمه یافته تلقی فرمایند.

با تقدیم احترام هژبر یزدانی

۲۵۳۵/۶/۳۱

بعرض رسید. فرمودند به همراه

سوابق فعلاً برای بایگانی سری



از: ژ-کشور ۲/ (دایره اطلاعات)

گزارش واصله حاکیست :

۱- شخصی بنام هزبر یزدانی (صندوقدار و خزانه‌دار فرقه بهائی) چند سال قبل مبلغ ۳/۵ میلیون ریال به منظور پروار بندی از وزارت کشاورزی وام دریافت و چون قادر به باز پرداخت نبوده منجر به صدور اجرائیه گردیده ولی آقای مهندس

روحانی (وزیر کشاورزی فعلی) مبلغ ۸۳۰ میلیون ریال وام به نامبرده پرداخت و علاوه بر آن هزاران هکتار زمین (از مراتع مورد تصرفی دولت از مردم واقع در اطراف ساوه و اردستان) نیز در اختیار نامبرده گذارده شده و نیز اجازه حفر چاه در این مناطق به ایشان داده شده است.

۲- مقادیر زیادی از جنگلهای شمال به عنوان تبدیل به کشت و صنعت برخلاف موازین قانونی دچار انهدام و از این راه

سوء استفاده هایی می شود و در عوض هزاران هکتار زمین واقع در مسیر راه تهران - شیراز که کاملاً مستعد برای کشاورزی است بلااستفاده مانده اند.

اداره کل سوم

در اجرای امر تحقیق شود. ۳۵/۲/۱۵

اداره کل سوم تحقیق نماید. فکر می‌کنم مغرضانه است آنچه اطلاع دارم قرارداد رسمی و برای تأمین گوشت طبق مقررات اقدام نموده است و قراردادها رسمی است و برای علوفه و جو جهت پرورش دام است.

[illegible]

به : مدیریت کل اداره کل نهم ۹۲۲

از : اداره کل سوم ۳۴۵

درباره : هژبر یزدانی

تاریخ : ۳۵/۲/۱۹

شماره : ۳۴۵/۲۱۱

۱- پرویز ثابتی متولد ۱۳۱۵
فرزند حسین، در بهمن ماه
۱۳۳۷ با معرفی ضرابی، مدیر
کل ششم ساواک به استخدام
ساواک در آمد. او در بدو
استخدام بیوگرافی خود را چنین
اعلام داشت : از بدو تولد تا
تاریخ مهرماه ۱۳۲۸ در سنگسر
از بخش‌های سمنان در محله‌ای
به نام تپه سر سکونت داشته‌ام و
از تاریخ مهر ۱۳۲۸ برای
گزاراندن تحصیلات متوسطه به
تهران آمدم و مدت سه سال در
منزل شوهر خواهرم آقای محمد
حسین رحمانیان سکونت
داشته‌ام و از مهر ۱۳۳۱
خانواده‌ام نیز به تهران آمدند و
در همان منزل آقای رحمانیان
سکونت گزیدند، از سال ۱۳۳۴
به آموزگاری مشغول شدم.
دوران ابتدایی را در دبستان
حسینی و شاه پسند سنگسر از
سال ۱۳۲۲ الی ۱۳۲۸ و دوران
دبیرستان در فیروز بهرام و
تهران از ۱۳۲۸ الی ۱۳۳۴ و در
دانشکده حقوق دانشگاه تهران
از ۱۳۳۴ الی ۱۳۳۷ مشغول به
تحصیل بوده‌ام و بنده از بدو
تولد در یک خانواده بهایی
می‌زیسته‌ام و پدر و مادرم
بهای بوده‌اند. سنگسر یک
منطقه عشایری و دارای مردمی
شاهدوست و وطن‌پرست است.
رستاخیز اهالی سنگسر در قیام
ملی ۲۸ مرداد دلیل بر این
مدعاست. به طریق اولی من نیز
فردی شاهدوست و وطن‌پرست
می‌باشم. ثابتی در سال ۱۳۴۵
رئیس اداره یکم، اداره کل سوم،
در سال ۱۳۴۹ معاون دوم اداره
کل سوم و در سال ۱۳۵۲ مدیر
کل سوم ساواک شد. پرویز
ثابتی، رئیس امنیت داخلی
ساواک که بنا به خصوصیات

بدینوسیله یک برگ فتوکپی گزارش خبر شماره ۳۵/۴۰۱/۷۵/۴/۳-
۳۵/۲/۱۳ ژاندارمری کشور (دایره اطلاعات) که متضمن پی نوشت تیمسار
ریاست ساواک می‌باشد پیوست ایفاد خواهشمند است دستور فرمایید نتیجه

تحقیقات را به این اداره کل

اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - ثابتی

از طرف

۳۵/۲/۱۸

ناصری

۲۵۳۵/۲/۱۸

خیلی محرمانه

مدیریت کل اداره نهم ۹۲۲
انتهای مکمل سوم ۳۴۵ - سازمان اطلاعات و امنیت کشور

شماره
تاریخ
پیوست
درباره : هژبر یزدانی

بدینوسیله یک برگ فتوکپی گزارش خبر شماره
۳۵/۴۰۱/۷۵/۴/۳ - ۳۵/۲/۱۳ ژاندارمری
کشور (دایره اطلاعات) که متضمن پی نوشت تیمسار
ریاست ساواک می‌باشد پیوست ایفاد خواهشمند
است دستور فرمایید نتیجه تحقیقات را به این اداره کل
اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - ثابتی

از طرف
۳۴۵/۲/۱۱
۳۵/۲/۱۹

تاریخ
۳۵/۲/۱۸
۳۵/۲/۱۸

تاریخ: ۳۵/۳/۱۶

شماره: ۹۲۲/۱۵۳۸۲

بازگشت به شماره ۳۴۵/۲۱۱-۳۵/۲/۱۹

۱-نامبرده در تاریخ ۱۱/۱/۴۶ مبلغ ۱۳۲۰۰۰۰۰ ریال وام از وزارت تعاون اخذ و بعداً کلیه بدهی خود را بر داخت و بر ونده مربوطه به شماره

[illegible]

۲- جریان انهدام جنگها و در نتیجه سوءاستفاده در این زمینه و همچنین بلااستفاده ماندن هزاران هکتار زمین در مورد تایید قرار نگرفته است.

مدیر کل اداره نهم. ضرابی

محترماً بعرض، مع رساند ۲۵۳۵/۳/۲۹

ملاحظه شد. ۳۵/۳/۲۰

فتو کے پروندہ شمارہ بایگانہ گردیدہ است۔

07.1. 35/3/23

شماره لیست: ۲۰۱۷

تاریخ: ۳۵/۵/۲۱

پرسشنامه مخصوص تقاضای صدور پروانه حمل اسلحه

این پرسشنامه باید در دو نسخه وسیله شخص متقاضی با حضور متصدی صدور پروانه حمل اسلحه تنظیم و امضاء شود و خروج آن از اداره ممنوع بوده و پس از تکمیل دارای طبقه‌بندی (خیلی محرمانه) خواهد بود. (در صورتی که متقاضی بی سواد باشد اظهارات او را شخصی که مورد اعتماد وی

باشد و یا متصدی صدور پروانه خواهد نوشت)

تذکر: چنانچه متقاضی پاسخ سؤالات مندرجه در پرسشنامه را برخلاف حقیقت بنویسد پروانه صادره لغو و سلاح مربوطه نیز ضبط و تحت تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت.

(۱) مشخصات متقاضی به موجب شناسنامه:

نام: هژیراله نام خانوادگی: یزدانی نام پدر: رضاقلی نام مادر: شهربانو

شماره شناسنامه: ۱۱۳ محل صدور: سمنان تاریخ تولد:

۳۵/۵/۲۱
۹۰

عین نمونه

شماره لیست: ۲۰۱۷
شماره پروانه: ۱۱۳
تاریخ: ۳۵/۵/۲۱

پرسشنامه مخصوص تقاضای صدور پروانه حمل اسلحه

این پرسشنامه باید در دو نسخه وسیله شخص متقاضی با حضور متصدی صدور پروانه حمل اسلحه تنظیم و امضاء شود و خروج آن از اداره ممنوع بوده و پس از تکمیل دارای طبقه‌بندی (خیلی محرمانه) خواهد بود. (در صورتی که متقاضی بی سواد باشد اظهارات او را شخصی که مورد اعتماد وی باشد و یا متصدی صدور پروانه خواهد نوشت)

تذکر: چنانچه متقاضی پاسخ سؤالات مندرجه در پرسشنامه را برخلاف حقیقت بنویسد پروانه صادره لغو و سلاح مربوطه نیز ضبط و تحت تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت.

(۱) مشخصات متقاضی به موجب شناسنامه:

نام: هژیراله نام خانوادگی: یزدانی نام پدر: رضاقلی نام مادر: شهربانو

شماره شناسنامه: ۱۱۳ محل صدور: سمنان تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۵/۲۱

(۲) مشخصات محل سکونت فعلی:

آدرس: سمنان، خیابان ... شماره ...

(۳) مشخصات محل سکونت سابق:

آدرس: ... شماره ...

(۴) مشخصات محل کار:

آدرس: ... شماره ...

(۵) مشخصات محل تولد:

آدرس: ... شماره ...

(۶) مشخصات محل ازدواج:

آدرس: ... شماره ...

(۷) مشخصات محل دفن:

آدرس: ... شماره ...

(۸) مشخصات محل تحصیل:

آدرس: ... شماره ...

(۹) مشخصات محل خدمت:

آدرس: ... شماره ...

(۱۰) مشخصات محل اقامت:

آدرس: ... شماره ...

۱۳۱۳ محل تولد: سمنان تابعیت فعلی: ایران تابعیت قبلی: ایران

در صورتی که نام خانوادگی دیگری داشته و تغییر داده‌اید نام قبلی را با ذکر علت تغییر بیان کنید:

در صورتی که در منزل یا محل اقامت بنام مخصوصی شهرت دارید ذکر نمایید:

(۲) شغل فعلی: بازرگان و وزارت و دامپروری

(۳) مشاغلی که از ده سال قبل تاکنون داشته‌اید با ذکر آدرس محل کار بطور

مشروح و روشن ذکر کنید :

(شهر - خیابان - کوچه - پلاک) :

الف - زراعت دامپروری کشاورزی و تجارت

ب - زراعت دامپروری کشاورزی و تجارت

ج - زراعت دامپروری کشاورزی و تجارت

د - زراعت دامپروری کشاورزی و تجارت

ه - زراعت دامپروری کشاورزی و تجارت

۴) محل سکونت فعلی :

خیابان فرمانیه مقابل کوچه ندا

پلاک ۲۰۰

نشانی محلهای سکونت

قبلی خود را از ده سال قبل تا

به حال بطور مشروح و

روشن ذکر کنید :

الف - از تاریخ ... تا ... شهر ...

بخش ... خیابان ... کوچه و

پلاک

ب - از تاریخ ... تا ... شهر ...

بخش ... خیابان ... کوچه و

پلاک

ج - از تاریخ ... تا ... شهر ...

بخش ... خیابان ... کوچه و

پلاک

د - از تاریخ ... تا ... شهر ... بخش ... خیابان ... کوچه و پلاک

ه - از تاریخ ... تا ... شهر ... بخش ... خیابان ... کوچه و پلاک

۵) میزان تحصیلات با ذکر نام و نشانی و مدارس و دانشکده ها :

الف - پنجم ... (کلاس) ۱۱ دبیرستان دکتر نصیری سمنان

ب -

ج -

د -

فصل دوم

محل سکونت فعلی

خیابان فرمانیه مقابل کوچه ندا

پلاک ۲۰۰

نشانی محلهای سکونت

قبلی خود را از ده سال قبل تا

به حال بطور مشروح و

روشن ذکر کنید :

الف - از تاریخ ... تا ... شهر ...

بخش ... خیابان ... کوچه و

پلاک

ب - از تاریخ ... تا ... شهر ...

بخش ... خیابان ... کوچه و

پلاک

ج - از تاریخ ... تا ... شهر ...

بخش ... خیابان ... کوچه و

پلاک

د - از تاریخ ... تا ... شهر ...

بخش ... خیابان ... کوچه و

پلاک

ه - از تاریخ ... تا ... شهر ...

بخش ... خیابان ... کوچه و

پلاک

۵) میزان تحصیلات با ذکر نام و نشانی و مدارس و دانشکده ها :

الف - پنجم ... (کلاس) ۱۱ دبیرستان دکتر نصیری سمنان

ب -

ج -

د -

۶- چنانچه در حزب - جمعیت - اتحادیه - سندیکا - کانون - کلوپ - باشگاه و انجمنهای فرهنگی و محلی و غیره اعم از سیاسی و غیرسیاسی عضویت داشته و دارید موضوع را با ذکر سمت و مسئولیت بطور وضوح ذکر نمایید :

چنین سابقه‌ای نداشته‌ام

۷) چنانچه تا به حال تحت تعقیب سیاسی و جزائی واقع شده و محکومیت یافته یا پرونده شما تحت بررسی است بطور وضوح شرح دهید :

چنین سابقه‌ای نداشته‌ام

۸) چنانچه تاکنون از طرف مراجع انتظامی و قضائی کشوری و لشکری به هر عنوان (حتی نزاع) احضار یا جلب شده و توضیحاتی از شما اخذ و یا با شما مصاحبه به عمل آمده بطور وضوح ذکر نمایید :

چنین سابقه‌ای نداشته‌ام

۹) نوع و کالیبر اسلحه مورد تقاضا :

۱- تفنگ پنج تیر پران ساچمه زنی کالیبر ۱۲ شماره ۳۱۶۵۵۳

۲- تفنگ پنج تیر گلوله زنی شکاری ۸/۵۷ شماره ۳۱۰۳۹

۳- اسلحه کمری هشت تیر کالیبر ۹ شماره ۱۸۶

۴- تفنگ ده تیر گلوله زنی کالیبر ۲۰۳ شماره ۳۶۴۵ مدل گلنگدنی

۵- تفنگ دولول توپر ساچمه زنی کالیبر ۱۶ شماره ۱۹۲۷/۶۲۵ مدل چخماتی ساخت بلژیک

۱۰) منظور از تقاضای صدور پروانه حمل اسلحه : حفاظت شخصی و شکار

این پرسشنامه در تاریخ ۲۵۳۵/۴/۱۴ بوسیله هژیر یزدانی تنظیم شد.

محل امضا

به: کل سوم

تاریخ: ۲۵۳۵/۷/۷

از: تل آویو

شماره: ۵۰۸۴

اظهارات خانم انهاری در مورد آقای هژبر یزدانی

شخصی بنام جهانبخش انهاری که همراه خانمش برای معالجه به اسرائیل آمده و مخارج آنان توسط نخست‌وزیری تقبل گردیده است خانم این شخص به رئیس نمایندگی سیاسی مراجعه و اظهار داشته است که شوهرش سالها برای آقای هژبر یزدانی سرمایه‌دار معروف کار می‌کرده و اکنون به علت اسراری که او

و شوهرش از اقدامات خلاف قانون هژبر یزدانی می‌دانند جان خود و خانواده‌شان از ناحیه عوامل یزدانی در خطر است و با وجود آنکه اکنون در باریکا اسرائیل بسر می‌برند همه شب تلفن‌های تهدیدآمیز از تهران برای آنها می‌شود و ممکن است زندگی فرزندان آنها در تهران در خطر باشد این خانم مدعی است که هژبر یزدانی با تظاهر به اینکه تیمسار نصیری و تیمسار ایادی از او حمایت می‌کنند دست به اقدامات

شماره: ۵۰۸۴
تاریخ: ۲۵۳۵/۷/۷

موضوع: اظهارات خانم انهاری در مورد آقای هژبر یزدانی

شخصی بنام جهانبخش انهاری که همراه خانمش برای معالجه به اسرائیل آمده و مخارج آنان توسط نخست‌وزیری تقبل گردیده است خانم این شخص برتین نامیدی سیاسی مراجعه و اظهار داشته است که شوهرش سالها برای آقای هژبر یزدانی سرمایه‌دار معروف کار می‌کرده و اکنون به علت اسراری که او و شوهرش از اقدامات خلاف قانون هژبر یزدانی می‌دانند جان خود و خانواده‌شان از ناحیه عوامل یزدانی در خطر است و با وجود آنکه اکنون در باریکا اسرائیل بسر می‌برند همه شب تلفن‌های تهدیدآمیز از تهران برای آنها می‌شود و ممکن است زندگی فرزندان آنها در تهران در خطر باشد این خانم مدعی است که هژبر یزدانی با تظاهر به اینکه تیمسار نصیری و تیمسار ایادی از او حمایت می‌کنند دست به اقدامات مخفیانه نظیر تربیت چریک می‌زند و در کوههای اطراف لار و سنگسر دارای مخازن اسلحه و مهمات است. این خانم مدعی شده که اگر دستگاههای انتظامی از او و خانواده‌اش در قبال عوامل یزدانی حمایت کنند اطلاعات جالب توجهی می‌تواند در مورد بزه کاریهای این شخص بدهد.

نظریه: آقای انهاری که از ناحیه بدن فلج شده و معالجه او در باریکا اسرائیل مؤثر واقع نگردیده طی چند روز آینده به تهران مراجعت خواهد کرد. آدرس او در تهران، عباس‌آباد، فرح شمالی، تکش غربی، شماره ۷۳ می‌باشد. کبیر ۵۷۰۸۰

مستند: کبیر

۵۷۰۸۰

محمد علی...

مخفیانه نظیر تربیت چریک می‌زند و در کوههای اطراف لار و سنگسر دارای مخازن اسلحه و مهمات است. این خانم مدعی شده که اگر دستگاههای انتظامی از او و خانواده‌اش در قبال عوامل یزدانی حمایت کنند اطلاعات جالب توجهی می‌تواند در مورد بزه کاریهای این شخص بدهد.

نظریه: آقای انهاری که از ناحیه بدن فلج شده و معالجه او در باریکا اسرائیل مؤثر واقع نگردیده طی چند روز آینده به تهران مراجعت خواهد کرد. آدرس او در تهران، عباس‌آباد، فرح شمالی، تکش غربی، شماره ۷۳ می‌باشد. کبیر ۵۷۰۸۰

تاریخ: ۲۵۳۵/۷/۱۵

به: مدیریت کل اداره چهارم

شماره: ۳۴۶/۲۸۴۲

از: اداره کل سوم (۳۴۶)

درباره: هژیراله یزدانی فرزند رضاقلی شناسنامه ۱۱۳
سمنان ۱۳۱۳

شغل: بازرگان - کشاورزی و دامپروری

صدور پروانه حمل: چهار قبضه تفنگ

[۱- پنج تیر پران ساچمه‌زنی کالیبر ۱۲]

[۲- پنج تیر گلوله‌زنی کالیبر

[۸/۵۷]

[۳- ده تیر گلوله‌زنی کالیبر

[۳۰۳]

[۴- دولول تهر ساچمه‌زنی

کالیبر ۱۶]

جهت نامبرده بالا از نظر این

اداره کل بلامانع می‌باشد،

ضمناً یک نسخه فرم مربوطه

نیز به پیوست ایفاد می‌گردد.

در مورد صدور پروانه حمل سلاح

کمری جهت مشارالیه (بند ح

ردیف ۳/ شناسنامه)

توجه آن اداره کل به نامه

۵۱/۱۱/۱۹ - ۳۴۶۱۱۵۷۸

معطوف می‌گردد.

عین بنظر نماند

شماره: ۳۴۶/۲۸۴۲
تاریخ: ۲۵۳۵/۷/۱۵
پیوست: دارد

درباره: هژیراله یزدانی فرزند رضاقلی
شناسنامه ۱۱۳
سمنان ۱۳۱۳

مطلب: صدور پروانه حمل: چهار قبضه تفنگ

۱- پنج تیر پران ساچمه‌زنی کالیبر ۱۲
۲- پنج تیر گلوله‌زنی کالیبر ۸/۵۷
۳- ده تیر گلوله‌زنی کالیبر ۳۰۳
۴- دولول تهر ساچمه‌زنی کالیبر ۱۶

جهت نامبرده بالا از نظر این اداره کل بلامانع می‌باشد. ضمناً یک نسخه فرم مربوطه نیز به پیوست ایفاد می‌گردد. در مورد صدور پروانه حمل سلاح کمری جهت مشارالیه (بند ح ردیف ۳/ شناسنامه)

توجه آن اداره کل به نامه ۵۱/۱۱/۱۹ - ۳۴۶۱۱۵۷۸ معطوف می‌گردد.

۲۵۳۵/۷/۱۵

مدیرکل اداره سوم، ثابتی

از طرف

اقدام کننده

رئیس بخش ۳۴۶

آقای رضائی ۲۵۳۷/۷/۱۳

به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت تهران ۲۲۵۲۰ تاریخ: ۳۵/۸/۱۹
 از: اداره کل سوم ۳۴۲ شماره: ۳۴۲/۳۴۲۶
 درباره: اظهارات خانم انهارى در مورد هژبر یزدانى

بدینوسیله فتوکپی تلگراف شماره ۵۰۸۴ - ۳۵/۷/۷ واصله از نمایندگی ساواک در اسرائیل که به استحضار تیمسار ریاست ساواک رسیده جهت اجرای اوامر صادره به پیوست ایفاد می‌گردد.

مدیرکل اداره سوم، ثابتی
 از طرف

ریاست اداره سوم

ملاحظه و با توجه به مفاد گزارش

خبری و اوامر صادره در مورد

شناسائی و تحقیق از خانم انهارى

اقدام پاسخ لازم به ستاد گزارش

شود.

م/۶۶

خیلی معنی مانده

به ریاست سازمان اطلاعات و امنیت تهران ۲۲۵۲۰
 تاریخ: ۳۵/۸/۱۹
 شماره: ۳۴۲/۳۴۲۶
 پیوست: ۱
 در باره: اظهارات خانم انهارى در مورد هژبر یزدانى
 بدینوسیله فتوکپی تلگراف شماره ۵۰۸۴ - ۳۵/۷/۷ واصله از نمایندگی اسرائیل که به استحضار تیمسار ریاست ساواک رسیده جهت اجرای اوامر صادره به پیوست ایفاد می‌گردد. ب.
 مدیرکل اداره سوم، ثابتی
 از طرف

۵۲-۲۵۸

خانم یزدانی - من نازی انهاری هستم البته درست است که مانند بعضی‌ها پولدار و ثروتمند و زورمند نیستیم ولی خوب خدایی داریم که این چیزها هرگز نمی‌تواند جای او را بگیرد و این تنها چیزی است که ما را به زندگی امیدوار می‌سازد و دیگری این است که مانند خیلی از بچه‌های دیگر پدری آدمکش و چوپان نداشتیم و نداریم و تا روزی که پدرمان در این دنیا زندگی می‌کرد شهامت و دوستی و میهن پرستی او آشکار بود و نه دزد بود نه خائن بود و نه پول پرست ما همه می‌دانیم که بالاخره روزی از دنیا خواهیم رفت ولی چه بهتر که با نام نیکو و

در حال خدمت به وطن از دنیا برویم. نه اینکه مانند بعضی‌ها در ظاهر میهن دوست باشیم و به باطن دشمن. شما باید این پرده را بردارید که همه چیز از بین می‌رود ولی این طور نیست بلکه دشمنی و خیانت مملکت و کشتن هم‌میهنان کاری آسوده نیست. ممکن است در این جهان آسوده باشد ولی خوب ما پس از این دنیا به دنیای وسیعتری می‌رویم که پرده از این رازها برمی‌دارد. البته هر چند که یزدانی ادعا دارد که خیلی‌ها

خانم یزدانی: من نازی انهاری هستم البته درست است که مانند بعضی‌ها پولدار و ثروتمند و زورمند نیستیم ولی خوب خدایی داریم که این چیزها هرگز نمی‌تواند جای او را بگیرد و این تنها چیزی است که ما را به زندگی امیدوار می‌سازد و دیگری این است که مانند خیلی از بچه‌های دیگر پدری آدمکش و چوپان نداشتیم و نداریم و تا روزی که پدرمان در این دنیا زندگی می‌کرد شهامت و دوستی و میهن پرستی او آشکار بود و نه دزد بود نه خائن بود و نه پول پرست ما همه می‌دانیم که بالاخره روزی از دنیا خواهیم رفت ولی چه بهتر که با نام نیکو و در حال خدمت به وطن از دنیا برویم. نه اینکه مانند بعضی‌ها در ظاهر میهن دوست باشیم و به باطن دشمن. شما باید این پرده را بردارید که همه چیز از بین می‌رود ولی این طور نیست بلکه دشمنی و خیانت مملکت و کشتن هم‌میهنان کاری آسوده نیست. ممکن است در این جهان آسوده باشد ولی خوب ما پس از این دنیا به دنیای وسیعتری می‌رویم که پرده از این رازها برمی‌دارد. البته هر چند که یزدانی ادعا دارد که خیلی‌ها

را کشته و انهاری‌ها را هم می‌کشد ولی بالاخره کسی مانند طبیعی شود که با کشتن مردم سودی کرد و بالاخره خود نیز هم به همان وضع بدی کشته شد پول داشتن و ثروتمند بودن نمی‌تواند انسان را مغرور سازد بلکه تحصیل و اصالت و پدر و مادر داشتن انسان واقعی بودن - منظورم تنها چیزهایی است که می‌تواند انسان را مغرور سازد این امر به تمام ما ثابت شده که پدرم مردی پول پرست و خائن و خودخواه نبود زیرا تا آخرین لحظه‌ای که برای این دهاتی خونخوار کار می‌کرد دیناری پول دریافت نکرد. مادرم هم کسی نبود که دروغ‌های بی‌نهایت

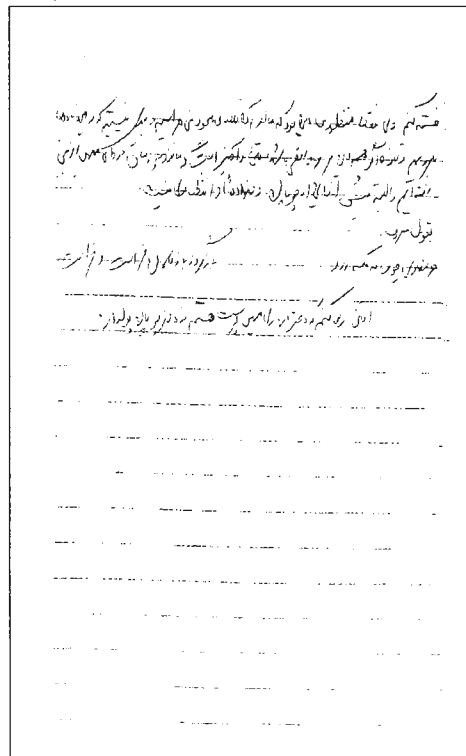
آن احمق را قبول کند و مانند [ناخوانا] دیگر فریب این حرفها را بخورد: دیروز از فلانی پول گرفتم و فردا با فلانی ملاقات خواهم کرد برای او اهمیت نداشت و پدری که به فکر خدمت به مملکت و داشتن زندگی بی آلایش و آسوده‌ای بود و خوشبختانه ما را هم مانند خیلی از بچه‌های دیگران بی ادب - مادی اندیش و پول پرست تربیت نکردند و این خود برای ما افتخاریست که بتوانیم فردا مانند پدر خود به این مملکت خدمت کنیم و برای آن فرد مفیدی واقع شویم می‌دانید که من هرگز [ناخوانا] نمی‌شوم که دستم را برای نوشتن چنین نامه‌ای خسته کنم ولی فقط منظور من این بود که ما

از آن تلفنهای بی‌خود نمی‌هراسیم و بیدی نیستیم که به این بادها بلرزیم و تازه اگر هم این حرفها واقعی باشد افتخارآمیز است که مانند پدرمان در راه میهن از بین رفته‌ایم و البته بیش از این از چوپان و خانواده او انتظاری نیست.

به قول معروف :

خر مشدی چون به مکه رود
باز گردد

باز همان خراست و خراست.
افتخار می‌کنم که دختر
انهاری میهن پرست هستم نه
دختر چوپان پولدار



تاریخ: ۳۵/۸/۲۲

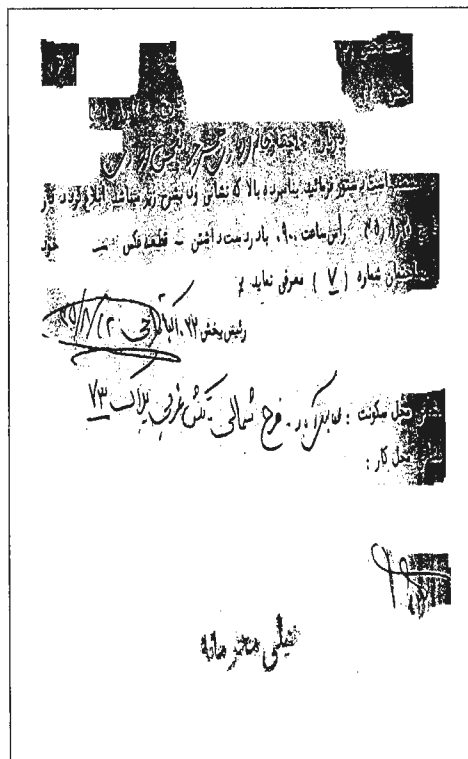
به: ریاست بخش ۳۱

شماره: ۲۰ هـ

از: بخش ۲۲

درباره: احضار خانم انهارى همسر جهانبخش انهارى

خواهشمند است دستور فرمایید به نامبرده بالا که نشانی وی بشرح زیر می باشد ابلاغ گردد در تاریخ ۳۵/۸/۳۰ رأس ساعت ۰۹۰۰ با در دست داشتن - قطعه عکس - خود را به ساختمان شماره (۷) معرفی نماید.



رئیس بخش ۲۲/کیاتانی

۳۵/۸/۲۲

نشانی محل سکونت:

عباس آباد - فرح شمالی - تکش

غربی پلاک ۷۳

نشانی محل کار:

۱/۲۲

تاریخ: ۱۳۵۵/۸/۲۰

مصاحبه با خانم زهرا محمدحسینی زاده عراقی

س - هویت خودتان را بیان دارید

ج - زهرا شهرت محمدحسینی زاده عراقی فرزند اسماعیل همسر جهانبخش کنارسری انهارى متولد ۱۳۰۳ خانهدار

س - شما چندی پیش ضمن مراجعه به سفارت ایران در اسرائیل مطالبی را در

مورد وضع شوهر خودتان

بیان نموده‌اید و عنوان

داشته‌اید که مطالب زیادی از

ناراحتی‌هایی که توسط

هژبر یزدانی جهت شما

فراهم گردید حاضرید بیان

نمایید.

ج - حدود چهار سال پیش

شوهر من بنام جهانبخش

کنارسری انهارى رئیس

شعبه مرکزی بانک اصناف

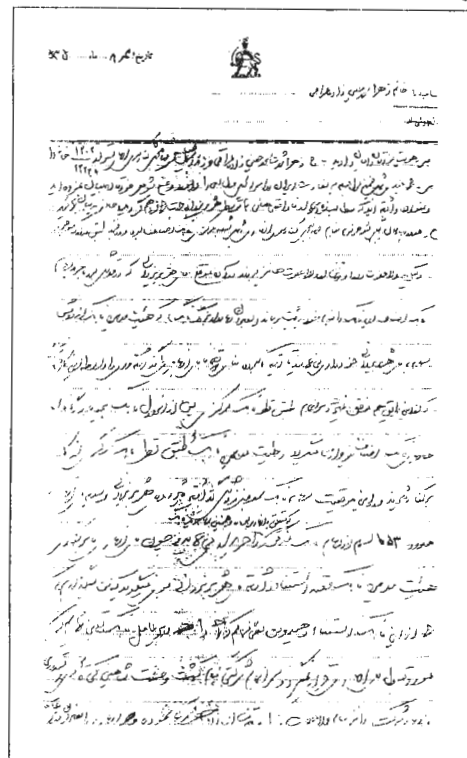
بود و در ضمن طبق مدرک

موجود وکیل والاحضرت‌ها

نیز بودند در آن موقع آقای

هژبر یزدانی که در تلاش

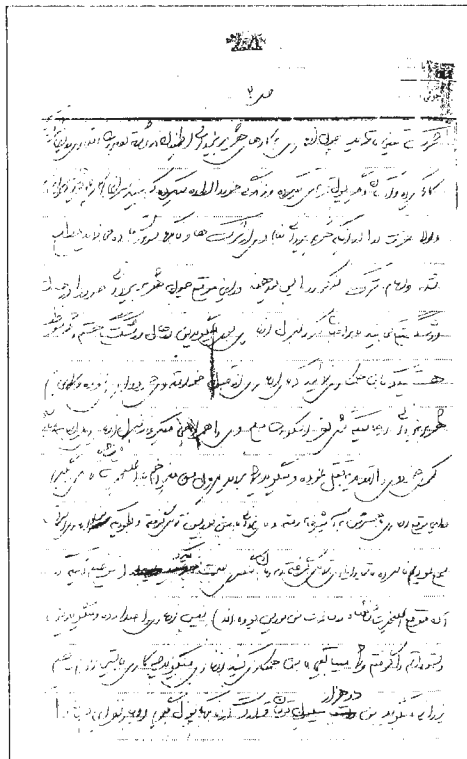
بوده [با] خرید سهام بانک



اصناف این بانک را به نام خود به ثبت برساند (به عنوان سهام‌دار بزرگ بانک) که هیئت مدیره بانک از فروش سهام به آقای هژبر یزدانی خودداری می‌نمایند تا اینکه نامبرده بنای دوستی با آقای انهارى را گذاشته و وی را واسطه این کار می‌نماید که از این طریق هم موفق نمی‌شود سرانجام طبق نظر بانک مرکزی پس از انحلال بانک بیمه بازرگانان حسابهای بانک اصناف نیز واریسی می‌گردد و هیئت مدیره بانک طبق نظر بانک مرکزی از کار برکنار می‌شوند و در این موقعیت سهام بانک به معرض فروش گذاشته می‌شود و آقای هژبر یزدانی وسیله

آقای انهارى حدود ۵۵۳ سهم از سهام بانک مذکور که متعلق به انهارى بوده و همچنین سهام دیگر بانک را خریدارى مى نماید و چون آقای انهارى با برکنارى هیئت مدیره بانک قصد استعفا داشته آقای هژبر یزدانى به وی مى گوید که من نمى گذارم که شما از این بانک استعفا دهید و من سعی مى نمایم که شما را مدیرعامل بانک تعیین نمایم که مورد قبول آقای انهارى قرار نمى گیرد و سرانجام شرکتى به نام کشت و صنعت شاهین کی تأسیس و مقدارى از سهام شرکت را نیز به نام والا حضرت ندا و چند تن از والا حضرتها نموده و انهارى را به

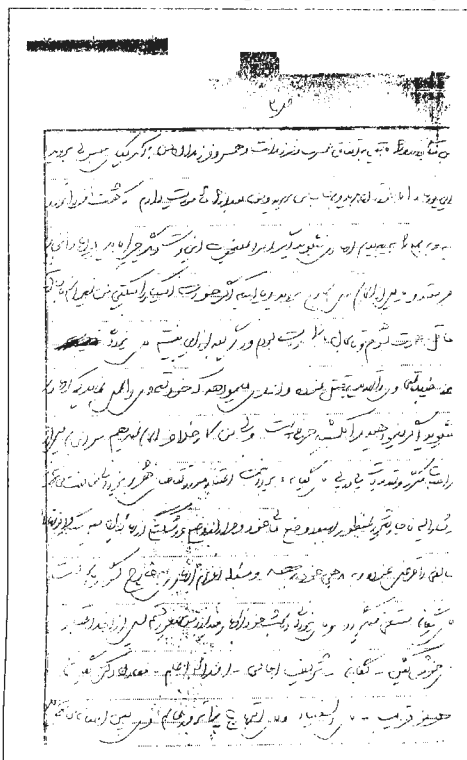
عنوان مدیرعامل شرکت تعیین مى نماید چون انهارى به کارهای هژبر یزدانى اطمینان داشته به صورت افتخارى در این شرکت کار مى کرده و از کسان دیگر پول قرض مى کرده و زندگى خود را اداره مى کرده که ببیند سرانجام کار چه مى شود و سرانجام والا حضرت ندا از اینکه هژبر یزدانى بنام وی از شرکتها و بانكها سوء استفاده مى نماید مطلع شده و سهام شرکت مذکور را پس مى دهند در این موقع چون هژبر یزدانى خود را در



حال ورشکستگى مى بیند با مراجعات مکرر به منزل انهارى به وی مى گوید در حال ورشکستگى هستم و شما موظف هستید که با من همکاری نمائید که آقای انهارى از قبول خواسته وی خوددارى نموده و سرانجام هژبر یزدانى در حالى که شش نفر اسکورت مسلح وی را همراهى مى کردند به منزل انهارى مراجعه و با اسلحه کمرى خود وی را تهدید به قتل نموده و مى گوید شما بروید بیرون من مى خواهم با اعلیحضرت شاهنشاه تماس بگیرم در این موقع انهارى با همسرش به آشپزخانه رفته و آقای یزدانى با سن موريس تماس گرفته و بطورى که من و

انهاری استراق سمع نمودیم نامبرده با تیمسار ایادی تماس گرفته و به زبان سنگسری صحبت می‌کرد. توضیح اینکه در آن موقع اعلیحضرت شاهنشاه در مسافرت سن موریس بوده‌اند) سپس انهاری را صدا زده و می‌گوید من دستوراتم را گرفتم و شما می‌بایستی با من همکاری کنید انهاری می‌گوید چه کاری بایستی انجام دهیم یزدانی می‌گوید من دوهزار میلیون تومان قرار است از بانکه‌ها پول بگیرم و چهار نفر این پولها را برای من می‌آورند و شما بایستی به اتفاق همسرت و فرزندان و همسر و فرزندان من به آمریکای جنوبی بروید این پولها را با

خودتان ببرید و به حساب من بریزید بعد از شما مأموریت دارم که هشت نفر را ترور نمایم و به جمع شما به پیوندم انهاری می‌گوید اگر امر اعلیحضرت این است دیگر چرا باید پولها را به آنجا بفرستید و یا پس از انجام قتل به خارج بروید و یا اینکه اگر خودت این کار را می‌کنی من نمی‌توانم با شما همدست بشوم و تا به حال با شما دوست بودم و دیگر بعد از این نیستم آقای یزدانی چند ساعتی وی را تهدید به قتل نموده و از وی

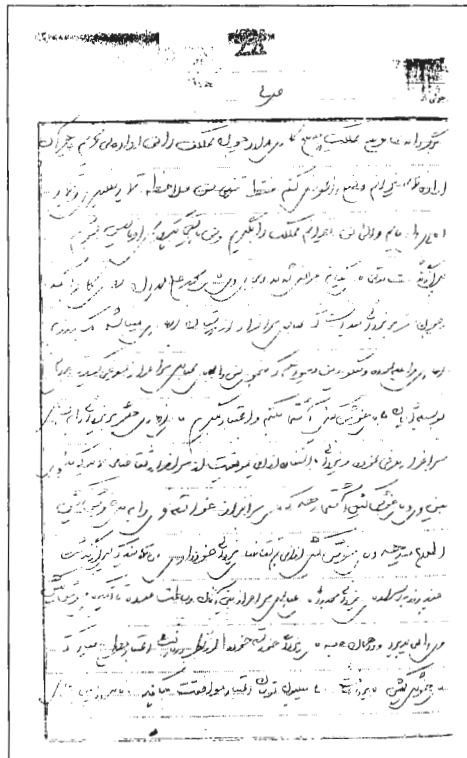


۱- شرکت نونهالان، در سال ۱۲۹۹ ش، جامعه بهائیان ایران به منظور تشویق و آموزش اطفال خود به پس انداز، ابتدا در مدرسه‌های پسرانه و دخترانه توکل در قزوین تأسیس شد و سپس به تهران انتقال یافت و در ۱۷ مرداد سال ۱۳۱۳ به طور رسمی به ثبت رسید و تا اسفند ۱۳۵۷ در ایران فعالیت داشت و هیأت امانی آن چند تن از بزرگان بهائی بودند از جمله علی محمد ورقا و... این شرکت در واقع کارهای مالی و سرمایه‌گذاری بهائیان را در ایران و اسرائیل اداره می‌نمود. - پرونده موضوعی ساواک

می‌خواهد که خواسته وی را عمل نماید که انهاری می‌گوید اگر می‌خواهید مرا بکشید حرفی نیست ولی من کار خلاف انجام نمی‌دهم پس از مراجعه مکرر و تهدیدات پی‌درپی آقای یگانه با پرداخت اعتبار مورد تقاضای هژبر یزدانی مخالفت می‌نمایند و مشارالیه ناچار می‌شود به منظور بهبود وضع مالی خود و فرار از ورشکستگی از بهائیان مقیم سنگسر و نونهالان^۱ مبالغی را قرض نموده و به بدهی خود بدهد و مسئله اعزام انهاری به خارج کشور با مخالفت آقای یگانه منتفی می‌گردد و آقای یزدانی در بحث خود اظهار می‌دارد من می‌خواستم پس از

۲- جعفر شریف امامی فرزند حاج محمدحسین نظام الاسلام، در ۲۷ خرداد ۱۲۹۱ ش در تهران متولد شد. پدر او، از روحانیون تهران در دوران متأخر قاجاریه بود که از ناصرالدین شاه لقب «مستعد الشریعه» و از مظفردالدین شاه لقب «نظام الاسلام» دریافت داشت. جعفر شریف امامی تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل به سوئد و آلمان رفت و در این کشور آخرین مدرک تحصیلی خود را در رشته برق کسب نمود. او در ایران، در راه آهن دولتی شاغل بود و به معاونت این سازمان رسید. در سال ۱۳۲۴ به مدیرعاملی بنگاه آبیاری رسید. در تیر و اسفند ۱۳۲۹ در دولت رزم آرا به وزارت راه رسید، جعفر شریف امامی در دولت سپهبد فضل الله زاهدی مدیریت عامل سازمان برنامه را به دست گرفت و در سال ۱۳۳۳ به ساتوری تهران انتخاب شد. شریف امامی در دولت دکتر منوچهر اقبال وزیر صنایع و معادن شد و در شهریور ۱۳۳۹ به نخست وزیری رسید. دولت مستعجل شریف امامی ثمره یک دوره تنشهای جدی در روابط ایران و آمریکا بود. تشدید فعالیت جناحهای وابسته به «حزب دمکرات» آمریکا در ایران به اعتصاب معلمان و شهادت دکتر ابوالحسن خاندانی و سرانجام سقوط دولت شریف امامی، در اردیبهشت ۱۳۴۰ انجامید. او در سال ۱۳۴۲ مقام شامخ ریاست مجلس سنا را به دست گرفت و تا آستانه انقلاب اسلامی ایران، به مدت ۱۵ سال، در این سمت بود. جعفر شریف امامی در مرداد ۱۳۴۶

۳- معاون ۲- اسداله علم ۳- معاون ۴- آقای اصفیاء ۵- آقای ابتهاج ۶- راترور نمایم وی سپس اضافه می نماید برگرداندن وضع مملکت هیچ کاری ندارد چون مملکت را من اداره می نمایم و هر آن اراده نمایم می توانم وضع را عوض کنم فقط تنها من ملاحظه تیمسار نصیری و تیمسار ایادی را می نمایم والا من می توانم مملکت را بگیرم و من بایستی یک روز آقای اونسایس بشوم پس از گذشت مدتی آقای یگانه عوض شدند و به جای وی آقای محمدعلی مرزبان روی کار آمد و چون

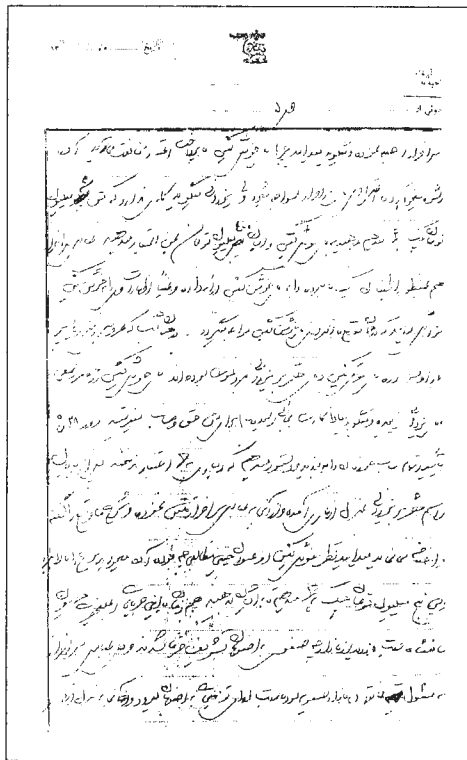


هژبر یزدانی می دانست که عباس سرافراز از دوستان انهاری می باشد یک روز به انهاری مراجعه نموده و می گوید من می خواهم که به نحوی من را به آقای سرافراز معرفی کنید تا بتوانم بوسیله ایشان با آقای خوش کیش آشتی بکنم و اعتبار بگیرم آقای انهاری هژبر یزدانی را به عباس سرافراز معرفی نموده و یزدانی با استفاده از این موقعیت از سرافراز تقاضا می نماید که به نحوی بین وی و آقای خوش کیش آشتی

دهد که آقای سرافراز خواسته وی را به آقای خوش کیش اطلاع می دهد و آقای خوش کیش از انجام تقاضای یزدانی خودداری می نماید که پس از گذشت چند روز به اصرار آقای یزدانی مجدداً آقای عباس سرافراز بین آنان وساطت نموده تا اینکه آقای خوش کیش وی را می پذیرد و در همان جلسه آقای یزدانی خواسته خود را از نظر دریافت اعتبار مطرح می سازد آقای خوش کیش با پرداخت ۳۰ میلیون تومان اعتبار موافقت می کند. نامبرده سپس به عباس سرافراز مراجعه نموده و می گوید می دانید چرا آقای خوش کیش با پرداخت

به ریاست مجلس مؤسسان سوم رسید که وظیفه داشت نیابت سلطنت فرح پهلوی را تسجیل کند. با آغاز امواج انقلاب اسلامی ایران، محمدرضا پهلوی در یکی از واپسین تلاشهای خود به فراماسونری و استاد اعظم آن، جعفر شریف‌امامی متوسل شد و وی را در نقش دیریش، به عنوان محور تفاهم و «آشتی» سیاستهای بیگانه مؤثر در ایران به صدارت رسانید. باید افزود که برخلاف تصور شاه، هر چند شریف‌امامی طی دوران «شیخوخت» خود، به عنوان سمبل «آشتی» و «تفاهم» کانونهای قدرت بیگانه وجهای اندوخته بود و لذا می‌توانست نمادی از «آشتی بین‌المللی» به شمار رود، ولی او هیچ‌گاه نتوانست در سطح مردم به عنوان یک چهره «وحیده‌الصله» مطرح شود. جعفر شریف‌امامی در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۴ از صدارت استعفا داد و جای خود را به دولت نظامی ارتشبد غلامرضا اژه‌اری سپرد. از کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، جلد دوم، صص ۳۹۹ تا ۴۲۲ او ثروت زیادی در دوران حیات خویش اندوخت و احمد شیبانی از نزدیکانش به فردوست اطلاع داده است که هنگام خروج از ایران زمان انقلاب ۱۷ میلیون دلار به حساب خود در خارج ریخته بود. شریف‌امامی از مهره‌های واسط و محلل به شمار می‌رفت که در شرایط بحرانی از او استفاده می‌شد. یکبار پس از علاء و قبل از امینی و در سال ۱۳۳۹ و بار دیگر در اواخر عمر رژیم در سال ۵۷ به سمت نخست‌وزیری رسید که نهایتاً با وقوع حادثه ۱۷ شهریور در ۷۵

اعتبار مخالفت می‌نماید. آن رشوه می‌خواهد که با اعتراض آقای سرافراز مواجه می‌گردد ولی یزدانی می‌گوید کاری ندارد که من سه میلیون تومان چک به شما می‌دهم بدهید به آقای خوش‌کیش و ایشان ۴۰۰ میلیون تومان به من اعتبار می‌دهد عباس سرافراز هم به منظور اطمینان چک نامبرده را به آقای خوش‌کیش ارائه داده و عیناً اظهارات وی را به خوش‌کیش گزارش می‌دهد که در همان موقع با اعتراض آقای خوش‌کیش مواجه می‌گردد. در همان شب که عروسی دختر و یا پسر تیمسار اوپسی ۷ بوده آقای خوش‌کیش و آقای هژبر

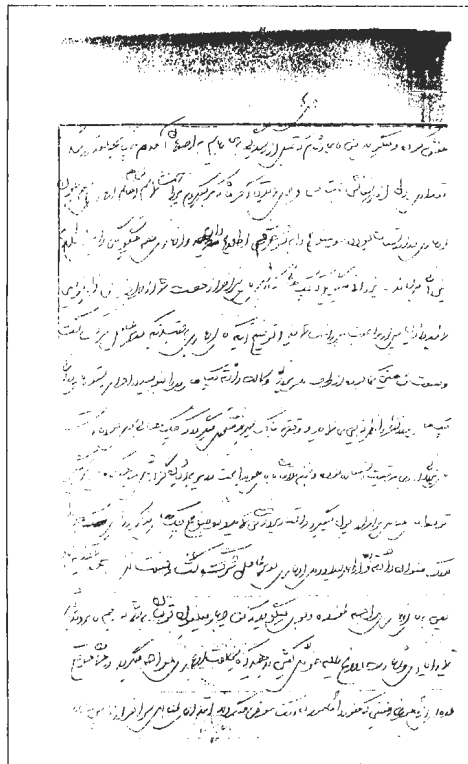


یزدانی نیز دعوت بوده‌اند آقای خوش‌کیش در حضور جمعی به آقای یزدانی توپیده و می‌گوید حالا کارت به جایی رسیده که برای من حق و حساب می‌فرستید روز ۲۸ [ناخوانا] بیائید و تمام حساب خودتان را ببندید و دستور می‌دهم که دیناری به شما اعتبار ندهند پس از پایان مراسم هژبر یزدانی به منزل انهار ی آمده و از آنجا به عباس سرافراز تلفن نموده و شرح ماقع را گفته و اضافه می‌نماید می‌دانید نظر خوش‌کیش از

عنوان چنین مطالبی چه بوده آن می‌خواهد نرخ را بالا ببرد و من پنج میلیون تومان چک به شما می‌دهم تا به ایشان بدهید هم‌زمان با این جریانات اعلیحضرت همایون شاهنشاه جهت بازدید از بازارچه صفوی به اصفهان تشریف فرما شدند و آقای عباس سرافراز مسئول ساختمان بازار صفویه بوده جهت اجرای توضیحات به اصفهان می‌رود و از آنجا به منزل انهار ی تلفن کرده و می‌گوید من ناچار شدم که قبل از رسیدگی به حسابهایم به اصفهان آمدم چنانچه مقدور شد مقداری پول از دوستانش جهت من قرض نماید تا آخر ماه که

برمی‌گرم پرداخت نمایم من هم (خانم انهاری) هم چون انهاری و دوستان بوده زمان صدارت وی، او نیز از صحنه کنار رفت. موضوع را به شوهرم اطلاع دادم و انهاری هم چگونگی را به اطلاع یزدانی می‌رساند - یزدانی می‌گوید که چک‌هایی که در پیش آقای سرافراز هست شما از طرف من ظهرنویسی نمائید و ایشان پس از مراجعت پرداخت نمایند توضیح اینکه آقای انهاری به جهت اینکه مدیرعامل شرکت کشت و صنعت شاهین کی بوده از طرف هژبر یزدانی وکالت داشته چک‌های وی را بنویسد در اجرای دستور آقای یزدانی چک‌های مورد نظر را ظهرنویسی می‌نماید و وقتی به بانک

می‌برند مشخص می‌گردد که چک‌ها بی‌محل بوده است. آقای یزدانی از این موقعیت استفاده نموده و ضمن ملاقات با آقای هویدا نخست‌وزیر به ایشان گزارش می‌دهد که آقای خوش‌کیش توسط آقای عباس سرافراز پول می‌گیرد و اعتبار پرداخت می‌نماید و موضوع چک‌های مذکور را نیز به عنوان مدرک عنوان داشته بوده و اظهار می‌دارد و آقای انهاری مدیرعامل شرکت کشت و صنعت نیز شاهد قضیه بود سپس به



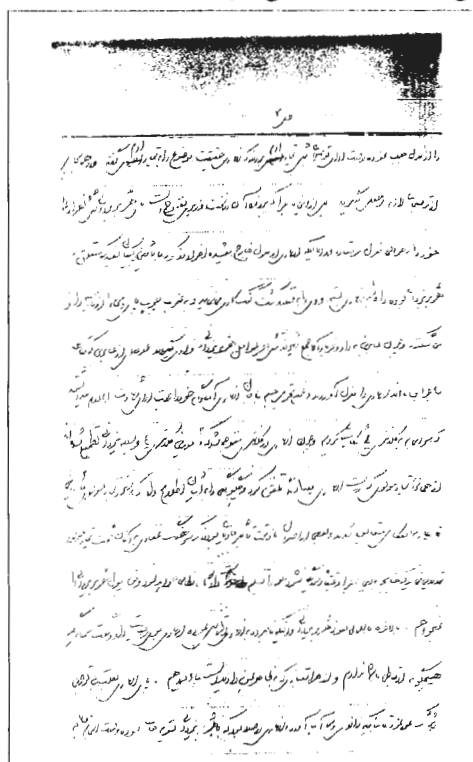
۳- امیراسدالله علم فرزند محمدابراهیم خان شوکت‌الملک در سال ۱۲۹۸ ش در بیرجند متولد شد. از تحصیلات او اطلاع درستی در دست نیست. احتمالاً تحصیلات او بیش از دیپلم کشاورزی ادامه نیافت. علم در سال ۱۳۱۸ به توصیه پدرش با دومین دختر ابراهیم خان قوام‌الملک شیرازی ازدواج نمود و بدینسان ارتباطات عمیق «اشرافیت اطلاعاتی» ایران با پیوندهای خوشاوندی تحکیم یافت. امیر اسدالله علم با مرگ پدر وارث خان‌نشین قاین شد که آخرین فصل پیوندهای شوم این دودمان را با استعمار بیگانه (انگلیس) ورق بزند. سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۲۳ در تسعین جاسوسی و توطئه‌گری آزمون خود را با موفقیت طی کرد و تجربه‌ها اندوخت. در این سالها علم در ارتباط فعال با سرویس اطلاعاتی بریتانیا نقش حساسی در عملیات جاسوسی، به ویژه در تهران و شرق و جنوب ایران ایفا نمود و در رأس شبکه عوامل اینتلجنس سرویس قرار گرفت. در سال ۱۳۲۴ فرماندار کل بلوچستان شد و در کابینه دوم محمد ساعد (آبان ۱۳۲۷ - فروردین ۱۳۲۹) وزیر کشاورزی بود. در کابینه حاجعلی رزم‌آرا به وزارت کار رسید. ۷۶

آقای انهاری مدیرعامل مراجعه نموده و به وی می‌گوید که من چهار میلیون تومان به شما می‌دهم تا بروید پیش تیمسار ایادی و شهادت دروغ علیه خوش‌کیش بدهید که با مخالفت انهاری مواجه می‌گردد در همان موقع عده‌ای از مأمورین امنیتی که خود را مأمور ساواک معرفی می‌کردند ابتدا آقای عباس سرافراز سپس انهاری را از منزل جلب نموده و جهت ادای توضیحات پیش تیمسار ارم بردند که انهاری حقیقت موضوع را به تیمسار ارم گفته و در همانجا پس از توضیحات لازم مرخص می‌گردد. پس از این ماجرا که پرونده آن در

در سالهای ۱۳۲۹ - ۱۳۳۲ علم از نزدیکیترین یاران محمدرضا پهلوی بود و در ماجرای ۲۵ - ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش فعالی ایفا نمود. نقش علم که از رابینزی و هدایت هشیارانه «شاپور ریپورتر» برخوردار بود به عنوان رابط شاه و او دوام داشت. علم در سالهای ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ به صدارت رسید و پس از چندی در سال ۱۳۴۳ به ریاست دانشگاه شیراز انتخاب شد و از سال ۱۳۴۴ و تا آخر عمر به عنوان وزیر دربار شاهنشاهی مشغول به کار بود. وی یکی از قدرتمندترین رجال به اصطلاح سیاسی سالهای ۱۳۴۰ - ۱۳۵۷ رژیم پهلوی بود. علم مرد قدرتمند دربار پهلوی قریب ۵ ماه پس از مرگ رقیب دیرین خود (منوچهر اقبال) در ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ در سن ۵۸ سالگی به بیماری سرطان درگذشت. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، ص ۲۳۱ - ۲۴۷

۴- همز قریب فرزند عباسقلی در سال ۱۲۹۴ ش در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را تا لیسانس علوم سیاسی دانشگاه تهران ادامه داد. وی سمتهای منجمله: سرکنسول سفارت شاهنشاهی در استانبول، آجودان کشوری شاه، رئیس اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه، مدیرکل تشریفات دربار و ... را عهده دار بود. نامبرده با اسدالله علم رفاقت داشته و از سوی وی حمایت می شده است. در این خصوص در گزارش ساواک چنین آمده است: «جناب آقای قریب - از یک عدد ساعت طلای سفید که تشریفات به منظور هدیه خریداری کرده است برای خودتان استفاده فرمائید -»

نخست وزیر مفتوح است آقای هژبر یزدانی شش نفر از عمال خود را به حوالی منزل فرستاده و در حالی که انهاری از منزل خارج می شده افراد مذکور با ماشین پیکان سفید که متعلق به هژبر یزدانی بوده راه را به انهاری بسته و وی را به قصد کشت کتک کاری می نمایند و به ضرب چوب پای وی را از ناحیه زانو می شکنند و چون عابرین به داد و فریاد آنها جمع می شوند شش نفر عوامل هژبر یزدانی متواری می گردند عده ای از عابرین که شاهد ماجرا بوده اند انهاری را به منزل آوردند و ضمن تحویل جسم بی جان انهاری آمادگی خود را جهت ادای شهادت



اعلام می داشتند که سرانجام به کلاتری ۴ شکایت کردیم و چون انهاری در کلاتری متوجه شد که مأمورین کلاتری ۴ وسیله یزدانی تطمیع شده اند از همانجا به تیمسار مولوی که دوست انهاری می باشد تلفن کرد و چگونگی را به ایشان اطلاع داد که به دستور تیمسار مولوی مأمورین ناچار به انعکاس حقایق شدند و بعضی از افسران باز تحت تأثیر زیادی بودند که سرهنگ غفاری به آنان گفت تیمسار مولوی تهدید

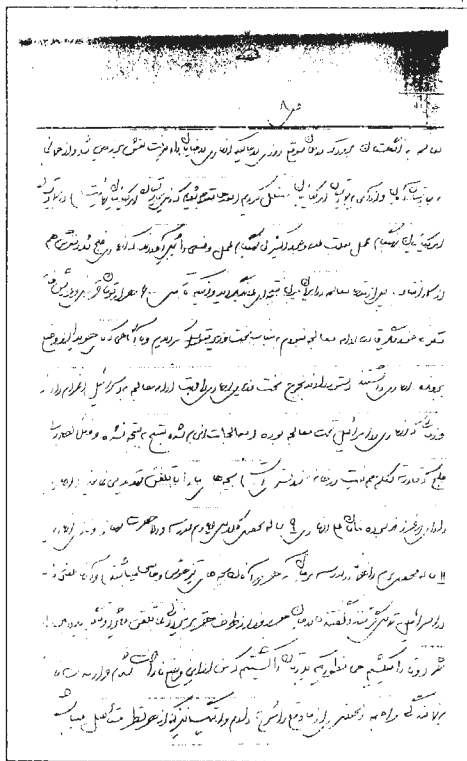
می نماید که چنانچه به این ماجرا دقیقاً رسیدگی نشود همه را تسلیم دادگاه نظامی خواهد نمود و من پول هژبر یزدانی را نمی خواهم. بالاخره با اعمال نفوذ هژبر یزدانی و اینکه نامبرده به انهاری التماس نموده انهاری به وی رضایت داد و گفت من دیگر هیچگونه ارتباطی با شما ندارم و از هر امتیازی که به ظاهر به من دادید استعفاء می دهم. پای انهاری به علت بی توجهی پزشک عود نموده تا جایی که زانوی وی آب آورد و انهاری در صدد بود که با هژبر یزدانی تسویه حساب نموده و جهت انجام معالجه به انگلستان برود که در همان موقع روزی در حالی که

وزیر دربار اسداله علم» نمونه مشابه بهره‌برداری شخصی قریب از وزارت دربار در اسناد ساواک متعدد است. قریب از اعضای جمعیت فراماسونری و در سیاست طرفدار غرب و به ویژه امریکا بود. نامبرده طی ارسال پیامهای متعدد برای شاه و فرح از سرسپردگان و وفاداران درجه یک دربار پهلوی محسوب می‌شد.

اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

۵- صفی اصفیا در سال ۱۲۹۵ ش در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و تحصیلات عالی را در مدرسه پلی تکنیک و معدن فرانسه طی کرد و موفق به اخذ مدرک مهندسی معدن گردید. نامبرده ستمهای منجمله: دانشیار استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران، معاون سازمان برنامه و بودجه، مدیرعامل سازمان برنامه و بودجه، دبیرکل کمیته پیکار جهانی با بیسوادی و ... را عهده‌دار بود. ساواک در سند بیوگرافی او آورده است: «فردی درستکار، مطلع و از دوستان نزدیک و صمیمی ابوالحسن ابتهاج و مسئول ساخت سد سپیدرود است. به علت داشتن روش ملایم در امور اداری عناصر نادرست را به سازمان برنامه راه داده منجمله: رحمت‌الله جزنی (شوهر خواهرش) که عضو فعال سابق کمیته مرکزی حزب توده بود و همین امر باعث شده تا جو بدی علیه اصفیا در سازمان برنامه صورت گیرد. مشارالیه در سیاست گرایش به غرب (امریکا) دارد و از نظر وابستگی حزبی زمانی عضو حزب ایران نوین بوده و کناره گیری کرده است.»

انهاری در خیابان راه می‌رفت نقش بر زمین شد و از همانجا به بیمارستان آبان و از آنجا به بیمارستان امریکائیان منتقل کردیم (بعدها متوجه شدیم که رئیس بیمارستان امریکائیان بهائی است) در بیمارستان امریکائیان به هنگام عمل به علت عدم وجود اکسیژن به هنگام عمل وضعی را پیش آوردند که انهاری فلج شد و مغزش هم از کار افتاد. پس از مدتها معالجه در ایران چون نتیجه‌ای عاید نگردید و اینکه تا مبلغ ۶۰۰۰ هزار تومان قرض و فروش خانه مسکونی خود دیگر قادر به ادامه معالجه نبودم به جناب نخست‌وزیر متوسل گردیدم و با آگاهی



که آقای هویدا از وضع پرونده انهاری داشتند دستور دادند به خرج نخست‌وزیری انهاری را جهت ادامه معالجه به اسرائیل اعزام دادند و زمانی که انهاری در اسرائیل تحت معالجه بوده (معالجات انجام شده منتج به نتیجه نشده و فعلاً به صورتی فلج که قادر به تکلم هم نیست در خانه خود بستری است) بچه‌های ما را با تلفن تهدید می‌نمایند انهاری دارای سه فرزند بوده بنامان علی انهاری ۹ ساله محصل کلاس چهار مدرسه

والاحضرت، مهناز و نازی انهاری ۱۱ ساله محصل مدرسه راهنمایی در مدرسه مرجان که هر دو آنان بچه‌های تیزهوش و حساس می‌باشند) و آنها تلفنی با من در اسرائیل تماس گرفتند و گفتند مادر جان هر روز از طرف هژبر یزدانی به ما تلفن می‌شود و می‌گویند در بین راه شما دو تارا می‌کشیم همانطوری که پدرتان را کشتیم که من از این وضع ناراحت شدم و از شدت ناراحتی به نمایندگی مراجعه و مختصری از ماوقع را شرح دادم و اینک نیز که از هر نظر مستأصل می‌باشم و اغلب اوقات با تلفن من و فرزندانم را تهدید به قتل می‌نمایند و در این خصوص

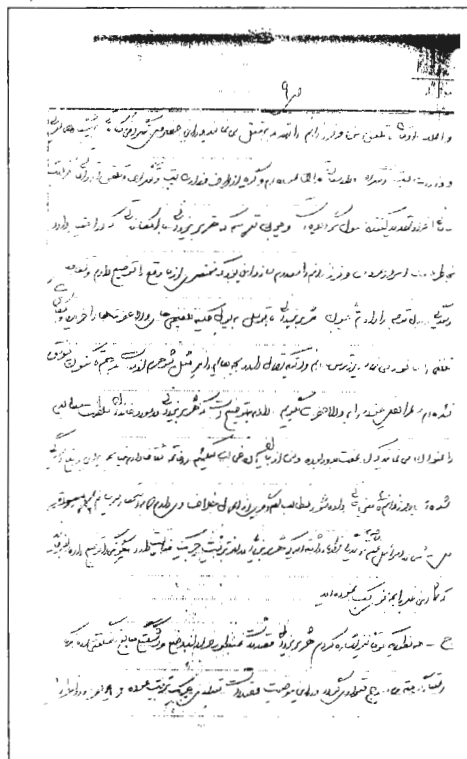
تلگرافی مکاتباتی به پیشگاه همایونی و وزارت پست و تلگراف و دادستان تهران نموده‌ام و گویا از طرف وزارت پست و تلگراف و تلفن اقداماتی نیز جهت شناسایی افراد تهدیدکننده محول گردیده است و چون می‌ترسم که هژبر یزدانی با امکاناتی که در اختیار دارد به خاطر حفظ اسرار خود من و فرزندانم را معدوم سازد این بود که مختصری از مآوقع را توضیح دادم و تقاضای رسیدگی و بذل توجه را دارم ضمناً چون هژبر یزدانی با توسل به پول کلیه تلفنچی‌های والا حضرت‌ها را خریده و مکالمات تلفنی را سانسور می‌نماید از ترس جانم و

اینکه احتمال دارد بچه‌هایم را نیز مثل شوهرم از دست بدهم تاکنون موفق نشده‌ام عریض خود را به والا حضرت بگویم لازم به توضیح است که هژبر یزدانی در مورد خاندان سلطنت مطالبی را عنوان می‌نماید که از عفت به دور بوده و من از بیان آن خجالت می‌کشم در خاتمه تقاضا دارم چنانچه به این وضع رسیدگی شده به من و فرزندانم تأمین جانی داده شود مطالب مهم دیگری از اعمال خلاف وی دارم که به

استحضار می‌رسانم.

س - شما در اسرائیل ضمن مراجعه به نمایندگی اظهار داشته‌اید که هژبر یزدانی در امر تربیت چریک فعالیت دارد چگونگی را توضیح داده و بفرمایید که شما این خبر را به چه نحوی کسب نموده‌اید.

ج - همانطوری که فوقاً نیز اشاره کردم هژبر یزدانی قصد داشت به منظور فرار از وضع ورشکستگی مبالغ هنگفتی از بانکها اعتبار گرفته و به خارج متواری گردد و در این موقعیت قصد داشت تعدادی چریک تربیت نموده و ۸ نفر مورد نظر را به



امور حقوقی و قضائی بانک مسبور شد. در تابستان سال ۱۳۱۰ش برای وصول مطالبات بانک شاهی به ترکیه رفت. در ۱۳۱۵ش از بانک شاهی استعفا کرد و با سمت کمیته مفتش دولت در بانک فلاحی ایران، همراه با نظارت به بیش از چهل شرکت دولتی به استخدام وزارت مالیه (دارائی) درآمد. سپس با ۳۱

قتل برساند البته وی می‌گفت که در اجرای اوامر شاهنشاه این کار را می‌خواهد بکند که انهاری گفت اگر امر امر همایونی است دیگر نیازی به خارج رفتن ندارد وانگهی اعلیحضرت همایونی نیازی به مساعدت شما که تا دیروز در سنگسر چوپان بودید ندارد که هژبر یزدانی می‌گفت مواردی هست که شما نمی‌دانید. س- شما این مطالب را از کجا شنیدید.

ج- هژبر یزدانی مرتب به خانه ما می‌آمد و اغلب کارهای خودش را با استفاده از تلفن ما انجام می‌داد و به من خودی خطاب می‌کرد و کلیه موارد فوق را من در این

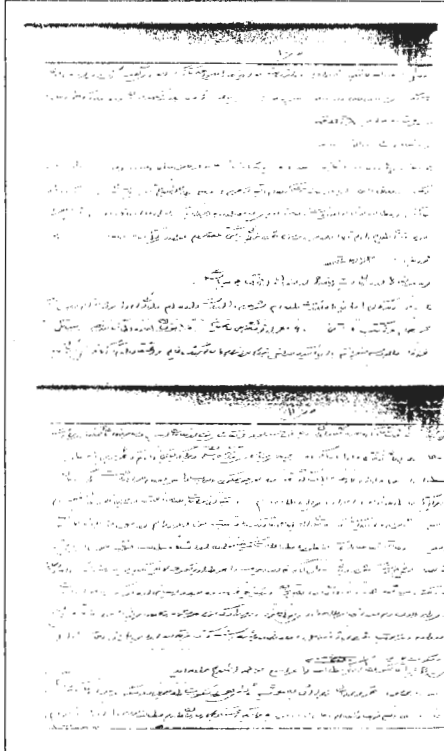
موقعیت بدست آورده‌ام البته شوهرم از وضع یزدانی اطلاع بیشتری داشت ولی سعی می‌کرد که من اطلاع پیدا نکنم و مطالب فوق مواردی است که در نخست‌وزیری پرونده دارد و با وجود اینکه در منزل ما اتفاق افتاده و ما چند نفر از موضوعات اطلاع داریم و تا امروز نیز از ترس هژبر یزدانی به کسی نگفته بودم مواردی از آن نیز جهت آقای نخست‌وزیر روشن گردیده است.

س- خواسته شما از سازمان

و قصد شما از عنوان موارد فوق چه می‌باشد.

ج- من زندگی‌ام را در این راه از دست داده‌ام شوهرم را از دست داده‌ام دارائی‌ام را فروخته‌ام و خرج شوهرم کرده‌ام و اینک با داشتن ۶۰۰ هزار تومان بدهی ماهیانه ۱۵۰۰ تومان اجاره اطاق می‌دهم و با خیاطی فرزندانم را به مدرسه می‌فرستم به این امید که حداقل بتوانم فرزندانم را سالم بزرگ نمایم و اعتقاد دارم که آنها مانند پدرشان جهت این آب و خاک و شاهنشاه آریامهر خدمتگزاران خوبی خواهند بود و تقاضای من از مقامات امنیتی و سایر مقامات مملکتی این است حالا که

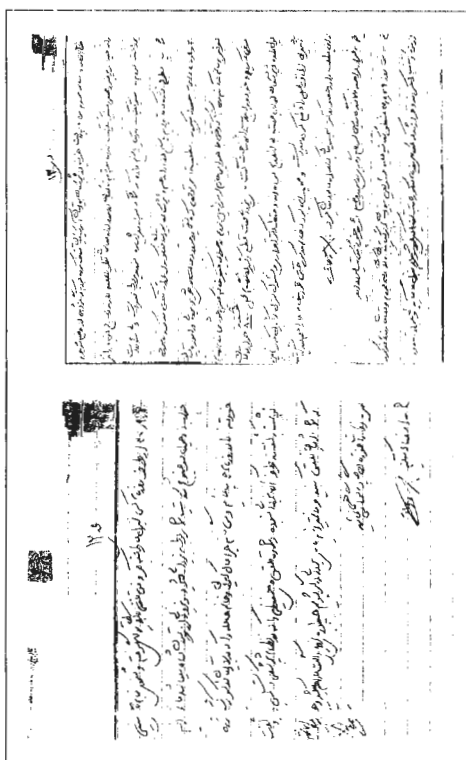
موافقت رضاشاه، که شورای اقتصاد ایجاد شد به ریاست دبیرخانه آن شورا برگزیده شد. در ۱۳۱۶ ش معاون بانک ملی و سه سال بعد به ریاست بانک رهنی منصوب شد و در همین سال با حفظ سمت کفیل انجمن تربیت بدنی گردید. ابتهاج بر خلاف مخالفت تعداد زیادی از نمایندگان مجلس شورای ملی مبنی براینکه او دست‌نشانده انگلیس است، با حمایت میلیو Millspaugh (رئیس کل دارائی ایران) در دی ماه ۱۳۲۱ به ریاست بانک ملی ارتقاء مقام یافت. در خرداد ۱۳۲۲ به عنوان رئیس هیأت نمایندگی ایران برای شرکت در کنفرانس برتون وودز Bretton Woods به امریکا رفت. در سائله فرقه دموکرات آذربایجان، با تشکیل بانک آذربایجان توسط فرقه دموکرات مخالفت و شعبه بانک ملی در آذربایجان را تعطیل اعلام کرد. ابتهاج در همین سالها دانشجویانی را برای تحصیل در رشته بانکداری به انگلیس اعزام نمود. در ۲۷ تیر ۱۳۲۹ با انجام مصاحبه‌ای با خبرگزاری آسوشیتد پرس سهم بیشتری را برای ایران از منافع شرکت نفت ایران و انگلیس درخواست و از گرفتن وام کمکی از آمریکا ابراز بی‌نیازی کرد. در همین روز از ریاست بانک ملی برکنار شد. و در شهریور همان سال سفیر کبیر ایران در فرانسه شد. که نمایندگی ایران در اسپانیا و پرتغال را نیز داشت. ابتهاج در فروردین ۱۳۳۱ از آن سفارت عزل و پس از مدت کوتاهی ابتدا مشاور مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول و سپس به عنوان رئیس اداره خاورمیانه آن صندوق مشغول به کار شد. ۱۳۳۱



ابتهاج در دوران نخست‌وزیری مصدق با وی مخالفت داشت و به گفته سپهر ذبیح در آن زمان برای سازمان جاسوسی انگلستان فعالیت می‌کرد. و به گفته انور خامدای از کسانی بوده که در داشته است. ابتهاج پس از اتمام دوره قراردادش با صندوق بین‌المللی پول در ۱۳۳۳ش به ریاست سازمان برنامه گمارده شد اما پس از مدتی به دنبال دخالت‌های محمدرضا شاه در برنامه‌های عمرانی، از ریاست سازمان برنامه استعفا کرد و با انتقال همه اختیارات مدیر عامل سازمان مزبور به نخست‌وزیر، از مقام کنار گرفت. در دی ماه ۱۳۳۸ با مساعدت چند تن از دوستانش، بانک ایرانیان را تأسیس کرد اما پس از مراجعت از کنفرانس بین‌المللی صنعتی سانفرانسیسکو، با دستور علی امینی، نخست‌وزیر وقت تحت تعقیب قرار گرفته و دستگیر شد. در زندان علی رغم بازجویی‌هایی که از او می‌شد به کارهای بانک ایرانیان می‌پرداخت. ابتهاج در سال ۱۳۴۱ش پس از هشت ماه از زندان آزاد شد و با دعوت دولت الجزایر و برای کمک به تهیه برنامه عمرانی به آن کشور رفت. در سال ۱۳۵۳ با مشارکت شرکت بیمه امریکائی، شرکت بیمه بین‌المللی ایران و امریکا را در ایران پایه گذاری کرد و خود به عنوان رئیس هیأت مدیره آن تا سال ۱۳۵۷ش مشغول کار شد. در سال ۱۳۵۶ سهام بانک ایرانیان را با بالاترین قیمت به هژبر یزدانی فروخت و در اردیبهشت سال ۱۳۵۷ برای معالجه چشم به فرانسه رفت.

۷- تیمسار غلامعلی اویسی ۲۵

هژبر یزدانی زندگی ما را فنا کرده به بچه‌های من کاری نداشته باشد زیرا که یقین دارم که هژبر یزدانی به منظور حفظ اسرار خود و ادامه کارهای خلاف گذشته خود به هر نحو ممکن اینجانب را نیز معدوم خواهد ساخت زیرا که ایشان پس از آن داند که من اسرار وی را برملا سازم. البته از توجهات جناب نخست‌وزیر از نظر درمان شوهرم بی‌نهایت سپاسگزارم و امید است که مقامات امنیتی هم با درک موقعیت من و فرزندانم از حق و حقیقت نهایت سعی را نمایند در خاتمه تقاضا دارم که به منظور حفظ سلامت یک خانواده از افشاء مطالب فوق



خودداری فرمایند. لازم به توضیح است که هژبر یزدانی به منظور اینکه بتواند اینجانب را نیز وادار به سکوت نماید یک نفر تیمسار بازنشسته که داماد [ناخوانا] می‌باشد سه بار به ملاقات من در بیمارستان آمریکائیها فرستاده بود و پیغام داده بود که چنانچه اقدامات وی را بر ملاء نسازم مقدار قابل ملاحظه‌ای پول به من خواهد داد که من هر سه بار بخصوص مرتبه سوم با فحاشی پاسخ وی را دادم و

بدین جهت هژبر یزدانی متوسل به زور و تهدید شده است که شاید بتواند از این طریق اینجانب را وادار به سکوت نماید.

س- شما چرا تاکنون این مطالب را به مراجع صالحه اطلاع نداده‌اید.

ج- از ترس هژبر یزدانی زیرا ایشان همیشه با شش نفر اسکورت راه می‌روند و می‌گویند همه کاره مملکت من هستم حالا که به این وضع گرفتار شده‌ام و جانم به لب رسیده و اینکه اعتقاد به کار سازمان دارم مطالب خودم را در اینجا عنوان نمودم ضمناً در مورد معالجه همسر من با پرداخت هزینه از پزشکان بیمارستان

آمریکاییان تقاضا کرده بودم که گزارش از وضع شوهرم را به چند نفر پروفیسور جمع می‌مینو کلینیک امریکا بفرستیم تا ایشان در مورد ادامه معالجات نظریه اعلام دارند و مخارج این‌ها را نیز پرداخت نمودم و مینوکلینیک امریکا پاسخ داده که شما به مواردی اشاره نمودید مربوط به مغز است ولی سئوالات شما مطرح نشده که ما بتوانیم پاسخ لازم را بدهیم و پزشکان بیمارستان مذکور از ارائه تلکس مذکور تا مورخه ۴۵/۹/۲ به اینجانب خودداری می‌کردند مطلب قابل توجهی که بایستی در مورد دخالت آقای هژبر یزدانی در امور بیمارستان به عرض برسانم و آن هم این است که وقتی با هواپیما عازم اسرائیل بودیم در هواپیما یک نفر خانم کلیمی خودش [را] بنام بهنام معرفی می‌کرد و خود وی اینجانب را می‌شناخت گفت آقای یزدانی جهت قطع اکسیژن به هنگام عمل هشتصد ۸۰۰ هزار تومان پول داده و پزشکان از این جهت بی‌اطلاع بوده‌اند و فقط دکتر احراری و مسئول کنترل اکسیژن که از پائین اکسیژن اطاق عمل را قطع کرده می‌دانست و عجیب اینجا بود که خانم مذکور حتی شماره خانه ما را هم می‌دانست و این مطلب را در حضور دکتر سمیونیان که به همراه ما بود بیان کرد.

س - شما به غیر از مراجعه به نمایندگی سیاسی به مراجع دیگری در مورد وضع شوهر خود شکایت نموده‌اید.

ج - من روز ۳۵/۸/۲۹ به منظور شکایت علیه مسئولین بیمارستان امریکاییان به کیهان رفته بودم و مقامات روزنامه مذکور از من استقبال کردند و قرار شد که عکاس روزنامه مذکور جهت تهیه عکس از شوهرم به منزل ما بیاید ولی چون تا روز ۳۷/۹/۲ از طرف روزنامه کسی به منزل ما مراجعه نکرد من تلفنی با کیهان تماس گرفته و شخصی بنام آقای حسینی جواب داد چون موضوع شکایت شما مربوط به یزدانی می‌شود و یزدانی از دوستان شاه می‌باشد ما نمی‌توانیم خواسته شما را در روزنامه چاپ نمائیم و من گفتم چرا مال کیهان و خانم حامله را که در بیمارستان مذکور کشته شده نوشتید و گفتند طرف آنها یزدانی نبوده و شماره تلفن آقای حفیظی را که در نظام پزشکی است به من داد گفت که شما با ایشان تلفن کنید و ما نمی‌توانیم با آقای یزدانی درگیر بشویم چطور آقای آنها را کشت ما را هم می‌کشد و [ناخوانا] نمی‌دانم.

س - اظهارات خودتان را چگونه گواهی می‌نمائید.

ج - امضاء می‌کنم.

فرزند غلامرضا در سال ۱۳۹۷ ش.
در قم بدنیا آمد. او در سال ۱۳۱۵
دوره شش ساله دبیرستان نظام
مرکز و در سال ۱۳۱۷ دوره
دانشکده انصری را به پایان
رسانید. اویسی در سالهای
۱۳۲۱ - ۱۳۲۷ در مشاغل
گوناگون و فرماندهی گروهان و
گردان و آموزشگاه گروهانی
لشکر ۲، ریاست شعبه بازرسی
دژبان مرکز و فرماندهی هنگ ۵۲
دژبان، قرار داشت و در سال
۱۳۲۲ فرمانده هنگ ۱۶ تیپ
کازرون بود. پس از کودتای ۲۸
مرداد ۱۳۳۲، اویسی به دریافت
نشان درجه ۲ رستاخیز نائل شد و
به تدریج ترقی وی در هرم
دیوانسالاری نظامی آغاز گردید
و پس از طی دوره دانشگاه جنگ
در تهران و دوره ستاد فرماندهی
در امریکا، در سال ۱۳۳۹ به
ریاست ستاد گارد و در سال
۱۳۴۱ به فرماندهی لشکر یک
گارد رسید و در همین سمت بود
که به‌عنوان فرماندار نظامی
تهران به قتل‌عام قیام‌کنندگان ۱۵
خرداد ۱۳۴۲ دست زد. او در سال
۱۳۴۸ فرماندهی ژاندارمری
کشور و در سال ۱۳۵۱ فرماندهی
نیروی زمینی ارتش را عهده‌دار
بود. اویسی در جریان انقلاب
اسلامی بار دیگر به سمت
فرماندار نظامی تهران قرار گرفت
و به علت موقعیتش در رأس
نیروی زمینی فرمانداری نظامی
سایر شهرها را نیز تحت کنترل
داشت. او در دیماه ۱۳۵۷ به بهانه
معالجه از ایران خارج شد و
تقاضای بازنشستی نمود.
اویسی از زمره نخستین انصران
عالیه تبه متواری رژیم پهلوی بود
که با سرمایه سرویس‌های
اطلاعاتی غرب فعالیت
تروریستی علیه نظام نوپای
جمهوری اسلامی را از خاک
عراق و ترکیه آغاز کرد، او در ۳۰

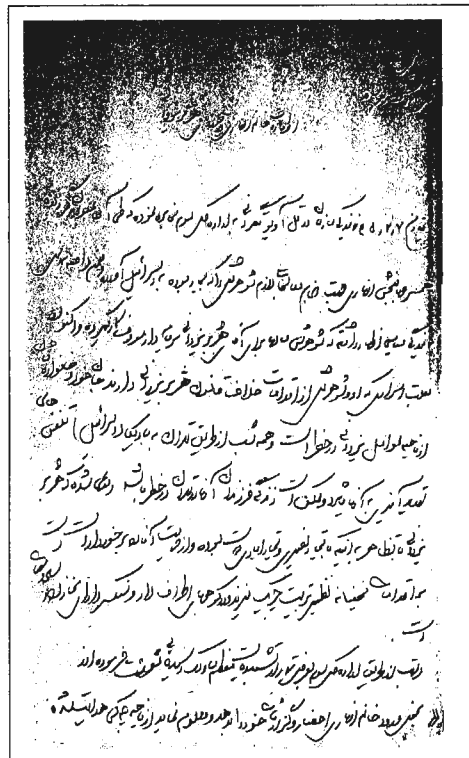
گزارش

اظهارات خانم انهاری در مورد آقای هژبر یزدانی

محترماً به استحضار می‌رساند

به تاریخ ۳۵/۷/۷ نمایندگی سازمان در تل آویو تلگرافی به اداره کل سوم مخابره نموده که طی آن عنوان گردیده همسر جهانبخش انهاری جهت انجام معالجات لازم شوهرش را که بیمار بوده به اسرائیل آورده و ضمن مراجعه به

رئیس نمایندگی سیاسی اظهار داشته که شوهرش سالها برای آقای هژبر یزدانی سرمایه‌دار معروف کار می‌کرده و اکنون به علت اسراری که او و شوهرش از اقدامات خلاف قانون هژبر یزدانی دارند جان خود و خانواده‌شان از ناحیه عوامل یزدانی در خطر است و همه شب از طریق تهران به بادیکا (اسرائیل) تلفن‌های تهدیدآمیزی به آنها می‌شود و ممکن است زندگی فرزندان آنها در تهران در خطر باشد و مدعی شده که



هژبر یزدانی با تظاهر به اینکه با تیمسار نصیری و تیمسار ایادی دوست بوده و از حمایت آنان برخوردار است دست به اقدامات مخفیانه نظیر تربیت چریک می‌زند و در کوههای اطراف لار و سنگسر دارای مخازن اسلحه و مهمات است. مراتب از طریق اداره کل سوم به عرض تیمسار ارتشبد ریاست معظم ساواک رسیده پی‌نوشت فرموده‌اند.

«به محض ورود خانم انهاری احضار و گزارشات خود را بدهد و معلوم نماید از ناحیه چه کسی هدایت شده که این مهمات را بگوید»

تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۸ توسط افراد ناشناسی در پاریس به قتل رسید. اسناد موجود، موارد متعددی فساد مالی و اخلاقی غلامعلی اویسی، همسرش و پسرش (محمدرضا) را نشان می‌دهد. در سند مورخ ۱۳۴۰/۳/۱۳ اطلاعات ستاد ارتش چنین آمده است: «اطلاعیه واصله حاکی است که ساعت ۱۱/۳۰ صبح روز سه شنبه ۱۳۴۰/۳/۹ سی نفر از اهالی یکی از دهات قم به اداره روزنامه اطلاعات مراجعه و با متصدی روزنامه مذکور که از طرف هیئت تحریریه مأموریت داشت مصاحبه نموده و اظهار می‌دارند که ما اهالی ده اطراف قم و از رعایای سرتیپ اویسی هستیم. ما از دست این افسر ارتش به تنگ آمده‌ایم. ما را تنبیه بدنی کرده و اظهار می‌نماید که من نماینده شاه هستم و با شاه به گردش می‌روم و با شاه آمدم و رفت دارم. اگر شما حرف من را گوش ندهید شما را با قدرتی که دارم از بین خواهم برد...»

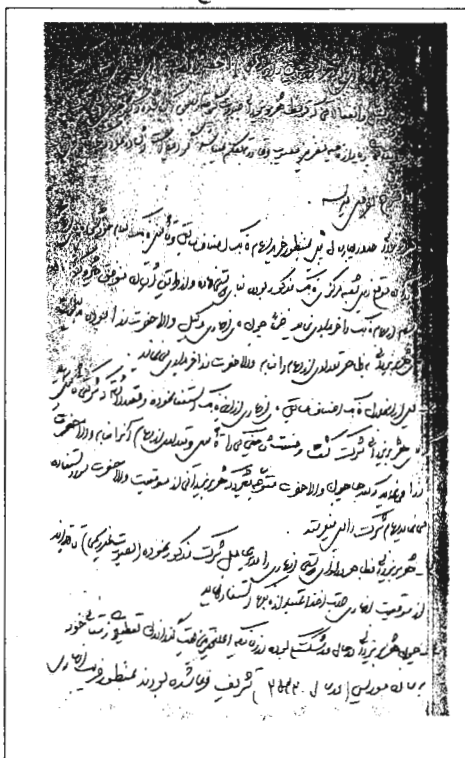
- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد ۲، نشر اطلاعات،

ص ۴۴۵ و ۴۴۶

- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

در اجرای امر خانم انهاری (زهره محمدحسین زاده عراقی) احضار و در مصاحبه ای که با وی به عمل آمده مشارالیهها به فعل و انفعالاتی که توسط هژبر یزدانی صورت گرفته و منجر به آن شده که شوهرش فلج شده و با وجود معالجات زیاد از ناحیه مغز نیز معیوب و قادر به تکلم نمی باشد گردیده است اشاره نمود که خلاصه ای از آن بشرح بعرض می رسد.

۱- هژبر یزدانی حدود چهار سال پیش به منظور خرید سهام بانک اصناف سابق و تأیید بانک به نام خودش و با آقای انهاری که در آن موقع رئیس شعبه مرکزی



بانک مذکور بوده بنای دوستی نهاده و از طریق ایشان موفق می شود که ۵۰۰ سهم از سهام بانک را خریداری نماید. ضمناً چون آقای انهاری وکیل والا حضرت ندا بوده بدین جهت آقای هژبر یزدانی به ظاهر تعدادی از سهام را به نام والا حضرت ندا خریداری می نمایند.

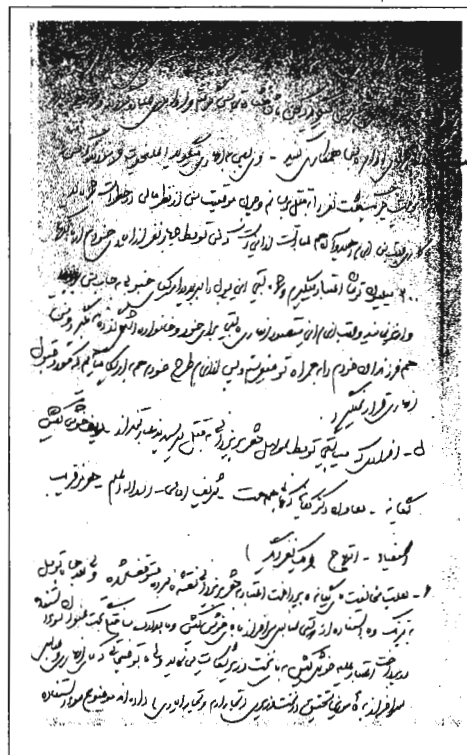
۳- پس از انحلال بانک اصناف سابق آقای انهاری از این بانک استعفا نموده و قصد داشته که شرکتی تأسیس نماید که آقای هژبر

یزدانی شرکت کشت و صنعت شاهین کی را تأسیس و تعدادی از سهام آن را بنام والا حضرت ندا می نماید که بعدها چون والا حضرت متوجه می شود که هژبر یزدانی از موقعیت والا حضرت سوء استفاده می نماید سهام شرکت را پس می فرستد.

۳- هژبر یزدانی به ظاهر در لوای دوستی انهاری را مدیرعامل شرکت مذکور نموده (به صورت غیر رسمی) تا بتواند از موقعیت انهاری جهت اخذ اعتبار از بانکها استفاده نماید.

۴- چون هژبر یزدانی در حال ورشکستگی بوده در زمانی که اعلیحضرتین جهت گذراندن تعطیلات زمستانی خود به سان موریس (در سال ۲۵۳۳) تشریف فرما شده بودند به منظور فریب انهاری از منزل انهاری به سان موریس تلفنی تماس گرفته و به زبان سنگسری با تیمسار ایادی صحبت می نماید ولی به انهاری و همسرش می گوید که من با شاهنشاه تماس گرفتم و اوامری صادر کردند و شما هم باید در اجرای اوامر با من همکاری کنید - وی سپس به انهاری می گوید اعلیحضرت فرمودند که من با تربیت چریک هشت نفر را به قتل برسانم و چون موقعیت من از نظر مالی در خطر

است شما باید کاری جهت من انجام بدهید و آن هم عبارت از این است که من توسط چهار نفر از ایادی خودم از بانکها ۲۰۰ میلیون تومان اعتبار می گیرم و شما بایستی این پول را ببرید در امریکای جنوبی به حساب من واریز نمائید و جهت انجام این مقصود انهاری بایستی برای خود و خانواده اش گذرنامه بگیرد و من هم فرزندان خودم را به همراه تو می فرستم و پس از انجام طرح خودم هم به امریکا می آیم که مورد قبول انهاری قرار نمی گیرد.



۵- افرادی که می بایستی توسط عوامل هژبر یزدانی به قتل می رسیدند عبارتند از - یوسف خوش کیش - یگانه - معاون دکتر یگانه هم هست - شریف امامی - اسداله علم - هرمز قریب اصفیاء - ابتهاج و یک نفر دیگر (

۶- به علت مخالفت آقای یگانه با پرداخت اعتبار به هژبر یزدانی نقشه نامبرده متوقف شده ولی بعدها با توسل به نیرنگ و با استفاده از دوستی عباس سرافراز با آقای خوش کیش و با مدارک ساختگی تحت عنوان سوءاستفاده در پرداخت اعتبار علیه خوش کیش به آقای نخست وزیر شکایت می نماید ولی با توضیحاتی که آقای

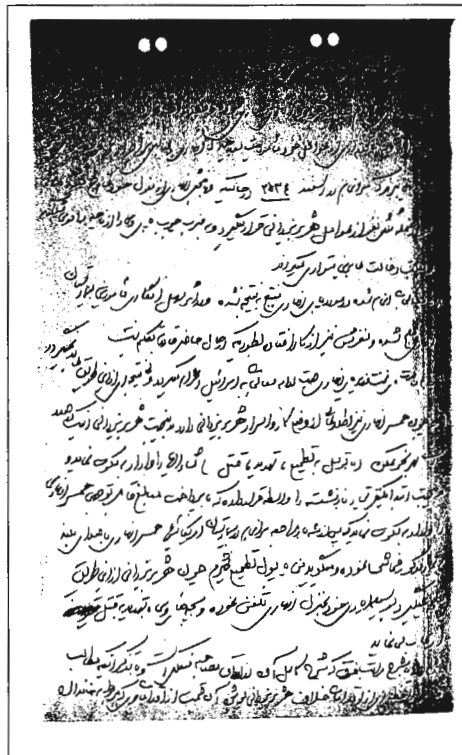
انهاری و عباس سرافراز به مأمورین تحقیق در نخست‌وزیری (تیمسار ارم و تیمسار ایادی) داده‌اند موضوع سوءاستفاده آقای هژبر یزدانی جهت آقای نخست‌وزیر منعکس می‌گردد.

۷- چون انهاری در انجام مقاصد هژبر یزدانی با وی همکاری ننموده و قصد افشاء اقدامات خلاف قانون هژبر یزدانی را داشته به تعدادی از عوامل خود مأموریت می‌دهد که انهاری و عباس سرافراز و یوسف خوش‌کیش را از بین ببرند که سرانجام در اسفند ۲۵۳۴ در حالی که جهانبخش انهاری از منزل خود

خارج می‌شده مورد حمله شش نفر از عوامل هژبر یزدانی قرار می‌گیرد و به ضرب چوب پای وی [را] از ناحیه زانو می‌شکنند و به علت دخالت عابرین متواری می‌گردند.

۸- معالجات انجام شده در مورد پای انهاری منتج به نتیجه نشده و در اثر سهل‌انگاری مأمورین بیمارستان انهاری فلج شده و مغزش نیز از کار افتاده بطوری که در حال حاضر قادر به تکلم نیست.

۹- به مساعدت آقای

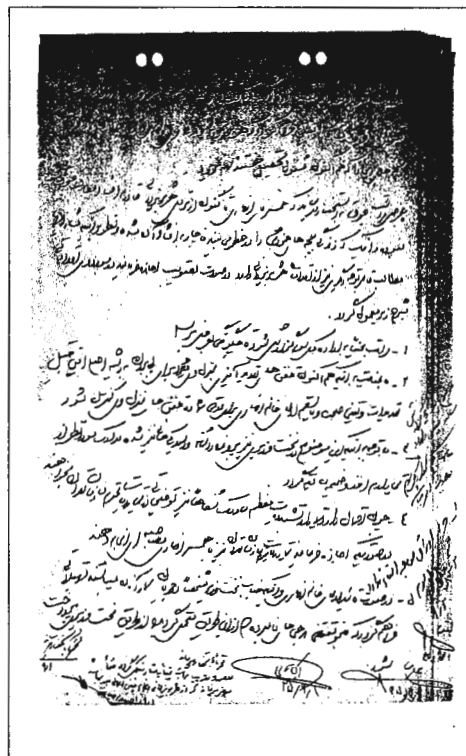


نخست‌وزیر آقای انهاری جهت ادامه معالجات به اسرائیل اعزام می‌گردد ولی نتیجه‌ای از این طریق عاید نمی‌گردد.

۱۰- چون همسر انهاری نیز اطلاعاتی از وضع کار و اسرار هژبر یزدانی دارد بدین جهت هژبر یزدانی اینک در صدد است به هر نحو ممکن (با توسل به تطمیع، تهدید، قتل) مشارالیه را وادار به سکوت نماید و بدین جهت ابتدا یک نفر تیمسار بازنشسته را واسطه قرار داده که با پرداخت مبالغ قابل توجهی همسر انهاری را وادار به سکوت نماید که پس از سه ماه برای معالجه سرانجام در بیمارستان

امریکائیه‌ها همسر آنها را با صدای بلند به تیمسار مذکور فحاشی نموده و می‌گویند من یا پول تطمیع نمی‌شوم و چون هژبر یزدانی از این طریق نتیجه نمی‌گیرد و بوسیله ایادی خود به منزل آنها را تلفن نموده و بچه‌های وی را تهدید به قتل ارعاب می‌نماید.

۱۱- مشارالیه با شرح مراتب فوق که شرح کامل آن از اطلاق مصاحبه منعکس است و با تذکر اینکه مطالب قابل ملاحظه‌ای از اقدامات خلاف هژبر یزدانی به‌ویژه آن قسمت از اقدامات وی که مربوط به خاندان سلطنت می‌گردد می‌داند



تقاضا دارد اینک که تحت تأثیر فعالیت زشت هژبر یزدانی از زندگی ساقط شده تسهیلاتی از طرف مقامات امنیتی فراهم گردد که هژبر یزدانی زندگی وی را بیش از این تباه نسازد و امنیت بچه‌های وی را که هم‌اکنون مشغول تحصیل هستند به هم نریزد.

با عرض مراتب فوق به استحضار می‌رساند که همسر آقای آنها را تاکنون از ترس هژبر یزدانی قادر به افشاء مطالب فوق نبوده و اینک که زندگی بچه‌های

خودش را در خطر می‌بیند ناچار به افشاء آن شده و نظر بر اینکه مشارالیه مطالب قابل توجه دیگری نیز از اقدامات هژبر یزدانی دارد در صورت تصویب اجازه فرمایند در مورد وی اقداماتی بشرح زیر معمول گردد.

- ۱- مراتب عیناً به اداره کل سوم گزارش شود تا چگونگی بعرض برسد.
- ۲- با عنایت به اینکه هم‌اکنون تلفن‌های تهدیدآمیزی به منزل وی می‌شود برای پی‌بردن به ریشه اصلی این قبیل تهدیدات و تعیین صحت و یا سقم ادعای خانم آنها را برای مدتی شماره تلفن‌های منزل وی کنترل شود.

۳- با توجه به اینکه این موضوع در نخست‌وزیری نیز پرونده داشته و رسیدگی‌هایی نیز شده مدارک موردنظر از تیمسار ارم اخذ و ضمیمه سابقه گردد.

۴- چون احتمال دارد تیمسار ارتشبد معظم ساواک شفاهاً نیز توضیحاتی از تیمسار محترم سازمان تهران بخواهند در صورتی که اجازه فرمایند تیمسار ریاست محترم سازمان تهران نیز با همسر انهاری مصاحبه‌ای انجام دهند.

۵- در صورت تایید ادعای خانم انهاری و اینکه جناب نخست‌وزیر شخصاً در جریان کار آنان می‌باشند تسهیلاتی فراهم گردد که به نحو مقتضی بدهی‌های نامبرده که از این طریق متحمل گردیده از طریق نخست‌وزیری پرداخت شود.

موضوع بند ۶ گزارش سابقه مفصلی دارد و معاونت یکم اداره کل سوم در جریان امر می‌باشد.

۱- چرا اوراق مصاحبه استناد ندارد ۲- تکمیل کل سوم ۹/۲

مقدم ۳۵/۹/۱ عامری ۳۵/۹/۱

محترماً به استحضار می‌رساند در صورت تصویب مراتب عیناً به تیمسار منعکس گردد ضمناً بعرض می‌رساند که از هژبر یزدانی

انجام چنین اعمالی بعید نمی‌باشد ۲۵۳۵/۹/۱ عملیات

محترماً به استحضار می‌رساند. ۹/۱

به : ۳هـ/۹/۳۴۳)

تاریخ : ۲۵۳۵/۱۲/۳

از : ۹/ق هـ (۳هـ ۹)

شماره ۱۸۴۵/ق هـ

موضوع : کارخانه قند شیروان

از روزی که کارخانه قند شیروان را آقای هژبر یزدانی خریداری نموده است وضع مالی کارخانه به هیچ وجه رضایت بخش نمی باشد و در این مورد ضمن اینکه حقوق کارکنان کارخانه مدت سه ماه است به موقع پرداخت نمی گردد

پیمانکاران چغندر هم از این بابت سخت نگران بوده زیرا بعد از یک سال کشت و برداشت محصول خود با در دست داشتن چکهایی که کارخانه به آنان داده و به بانکها مراجعه می کنند قابل پرداخت نمی باشد سرگردان شده اند و همچنین بانکها از قبیل بانک صادرات حدود ۱۰ میلیون تومان و بانک ملی حدود ۲/۵ میلیون تومان و سایر بانکها هر یک به نسبت خود از کارخانه طلبکار می باشند.

نظریه شنبه : آقای هژبر

یزدانی که کارخانه را خریداری نموده به علت اینکه وی تاکنون به کارخانه نیامده است گویا از اوضاع و احوال کارخانه بی اطلاع می باشد.

نظریه یکشنبه : خبر صحت دارد. شهیر

نظریه ۹/ق هـ : خبر صحت دارد وضع مالی کارخانه بسیار نگران کننده و پیمانکاران چغندر از این بابت بسیار ناراحت می باشند.

۳۵/۱۲/۱۵

دایره ۲۵

محرمانه	
درجه فوقیت	طبقه بندی خطاطی
۱- شماره قند	۲- تاریخ
۳- شماره گزاف	۴- تاریخ رسید
۵- بروت	۶- گزافان غیر
۷- گزافان غیر	۸- تاریخ رسید
۹- تاریخ رسید	۱۰- تاریخ رسید
۱۱- تاریخ رسید	۱۲- تاریخ رسید
۱۳- تاریخ رسید	۱۴- تاریخ رسید
۱۵- تاریخ رسید	۱۶- تاریخ رسید
۱۷- تاریخ رسید	۱۸- تاریخ رسید
۱۹- تاریخ رسید	۲۰- تاریخ رسید
۲۱- تاریخ رسید	۲۲- تاریخ رسید
۲۳- تاریخ رسید	۲۴- تاریخ رسید
۲۵- تاریخ رسید	۲۶- تاریخ رسید
۲۷- تاریخ رسید	۲۸- تاریخ رسید
۲۹- تاریخ رسید	۳۰- تاریخ رسید
۳۱- تاریخ رسید	۳۲- تاریخ رسید
۳۳- تاریخ رسید	۳۴- تاریخ رسید
۳۵- تاریخ رسید	۳۶- تاریخ رسید
۳۷- تاریخ رسید	۳۸- تاریخ رسید
۳۹- تاریخ رسید	۴۰- تاریخ رسید
۴۱- تاریخ رسید	۴۲- تاریخ رسید
۴۳- تاریخ رسید	۴۴- تاریخ رسید
۴۵- تاریخ رسید	۴۶- تاریخ رسید
۴۷- تاریخ رسید	۴۸- تاریخ رسید
۴۹- تاریخ رسید	۵۰- تاریخ رسید
۵۱- تاریخ رسید	۵۲- تاریخ رسید
۵۳- تاریخ رسید	۵۴- تاریخ رسید
۵۵- تاریخ رسید	۵۶- تاریخ رسید
۵۷- تاریخ رسید	۵۸- تاریخ رسید
۵۹- تاریخ رسید	۶۰- تاریخ رسید
۶۱- تاریخ رسید	۶۲- تاریخ رسید
۶۳- تاریخ رسید	۶۴- تاریخ رسید
۶۵- تاریخ رسید	۶۶- تاریخ رسید
۶۷- تاریخ رسید	۶۸- تاریخ رسید
۶۹- تاریخ رسید	۷۰- تاریخ رسید
۷۱- تاریخ رسید	۷۲- تاریخ رسید
۷۳- تاریخ رسید	۷۴- تاریخ رسید
۷۵- تاریخ رسید	۷۶- تاریخ رسید
۷۷- تاریخ رسید	۷۸- تاریخ رسید
۷۹- تاریخ رسید	۸۰- تاریخ رسید
۸۱- تاریخ رسید	۸۲- تاریخ رسید
۸۳- تاریخ رسید	۸۴- تاریخ رسید
۸۵- تاریخ رسید	۸۶- تاریخ رسید
۸۷- تاریخ رسید	۸۸- تاریخ رسید
۸۹- تاریخ رسید	۹۰- تاریخ رسید
۹۱- تاریخ رسید	۹۲- تاریخ رسید
۹۳- تاریخ رسید	۹۴- تاریخ رسید
۹۵- تاریخ رسید	۹۶- تاریخ رسید
۹۷- تاریخ رسید	۹۸- تاریخ رسید
۹۹- تاریخ رسید	۱۰۰- تاریخ رسید

موضوع : کارخانه قند شیروان

طبقه بندی خطاطی

تاریخ : ۲۵۳۵/۱۲/۳

شماره : ۱۸۴۵/ق هـ

موضوع : کارخانه قند شیروان

طبقه بندی خطاطی

تاریخ : ۲۵۳۵/۱۲/۳

شماره : ۱۸۴۵/ق هـ

تاریخ: ۳۵/۱۲/۱۵

شماره: ۱۲۰۵۲/هـ

برابر گزارش سازمان قوچان از پنجاه میلیون ریال ارسالی هفتصدوپنجاه هزار تومان در اختیار کارخانه قرار داده شده و بقیه بابت بدهی کارخانه به بانک صادرات پرداخت شده بطور کلی حدود ۱۵ میلیون تومان به بانکهای محل و ۲۵

[illegible]

بعرض تیمسار ریاست ساواک رسید - تاریخ ۳۵/۱۲/۲۴

وی در دی ماه ۵۷ به تهران آمد
و ریاست سازمان ساواک تهران
را به عهده گرفت.

شماره ۱۹۱۳/ق ه

تاریخ: ۲۵۳۵/۱۲/۲۵

موضوع: وضع کارخانه قند شیروان

پیرو: ۱۸۹۳/ق ه ۳۵/۱۲/۱۹

- ۱- به علت خراب بودن وضع مالی کارخانه قند شیروان تا این تاریخ ۳۵/۱۲/۲۳ حقوق اسفند ماه و سود ویژه کارگران پرداخت نگردیده است و با توجه به نزدیک بودن شب عید کارگران سخت نگران این مسئله می باشند.
- ۲- چون در کارخانه مذکور رئیس و مسئول دلسوزی وجود ندارد تا به وضع

موجود سروسامانی بدهد
لذا اغلب کارگران و
کارمندان و مهندسين با دادن
استعفا از کارخانه می روند و
اگر این وضع ادامه داشته
باشد تمام کارگران خوب و
سابقه دار از کارخانه خواهند
رفت.

۳- وضع طبقه بندی کارگران
هنوز روشن نشده و با اینکه
چندین مرتبه درباره این
موضوع با مسئولین کارخانه
مذاکره شده است ولی نتیجه
مثبتی گرفته نشده و از این
لحاظ امروز ۲۵۳۵/۱۲/۲۳
دو نفر از کارگران جهت

روشن شدن وضع طبقه بندی کارگران به تهران عزیمت نموده تا با مؤسسه کاروز
و آقای هژبر یزدانی مذاکره نمایند.

نظریه شنبه: بهتر است به منظور رسیدگی به وضع کارخانه قند شیروان و بر طرف
نمودن ناراحتی کارگران و کارمندان کارخانه از طریق مقامات مربوطه در تهران
توجه و اقدام مؤثری در این زمینه به عمل آید.

نظریه یکشنبه: نظریه شنبه مورد تأیید است. شهر

نظریه ۹/ق ه: مورد تأیید است. ۳۶/۱/۱۶-دایره ۲۵

موضوع: کارخانه قند شیروان	
۱- به علت خراب بودن وضع مالی کارخانه قند شیروان تا این تاریخ ۳۵/۱۲/۲۳ حقوق اسفند ماه و سود ویژه کارگران پرداخت نگردیده است و با توجه به نزدیک بودن شب عید کارگران سخت نگران این مسئله می باشند.	۲- چون در کارخانه مذکور رئیس و مسئول دلسوزی وجود ندارد تا به وضع موجود سروسامانی بدهد لذا اغلب کارگران و کارمندان و مهندسين با دادن استعفا از کارخانه می روند و اگر این وضع ادامه داشته باشد تمام کارگران خوب و سابقه دار از کارخانه خواهند رفت.
۳- وضع طبقه بندی کارگران هنوز روشن نشده و با اینکه چندین مرتبه درباره این موضوع با مسئولین کارخانه مذاکره شده است ولی نتیجه مثبتی گرفته نشده و از این لحاظ امروز ۲۵۳۵/۱۲/۲۳ دو نفر از کارگران جهت روشن شدن وضع طبقه بندی کارگران به تهران عزیمت نموده تا با مؤسسه کاروز و آقای هژبر یزدانی مذاکره نمایند.	نظریه شنبه: بهتر است به منظور رسیدگی به وضع کارخانه قند شیروان و بر طرف نمودن ناراحتی کارگران و کارمندان کارخانه از طریق مقامات مربوطه در تهران توجه و اقدام مؤثری در این زمینه به عمل آید.
نظریه یکشنبه: نظریه شنبه مورد تأیید است. شهر	نظریه ۹/ق ه: مورد تأیید است. ۳۶/۱/۱۶-دایره ۲۵

به : ر. ساواک
از : ژ. ک. ش - ر ۲ (دایره اطلاعات)
شماره : ۵۰۱/۰۲/۳۶/۱۳۷۱
موضوع : گذاشتن بمب در کارخانه قند شیروان

اطلاع واصله حاکیست :

ساعت ۱۶۳۰ روز ۳۶/۱/۸ آقای مقدم کارمند کارخانه قند شیروان تلفنی اطلاع می دهد که برابر اعلام تلفنی آقای هزیر یزدانی از تهران در کارخانه

شیروان در محل منبع بمبی کار گذاشته شده و در ساعت ۱۸۰۰ روز ۳۶/۱/۸ منفجر خواهد شد که بلافاصله مأمورین به محل مراجعه و پس از بررسی اثری از بمب بدست نمی آید و پس از تحقیق از مدیرعامل کارخانه اظهار می دارد شخصی در تهران به آقای هزیر یزدانی تلفنی اطلاع می دهد که بمبی در کارخانه قند کار گذاشته است و در ساعت تعیین شده منفجر خواهد شد.

طبقه بندی شده سند	
تاریخ وقوع : ملاطعات حفاظتی : گیرندگان :	۱ - ر. ساواک ۲ - از ژ. ک. ش - ر ۲ (دایره اطلاعات) ۳ - شماره : ۵۰۱/۰۲/۳۶/۱۳۷۱ ۴ - تاریخ : ۳۶/۱/۸ ۵ - پیوست : ۱
موضوع : گذاشتن بمب در کارخانه قند شیروان بازگشت پیرو	
اطلاع واصله حاکیست : ساعت ۱۶۳۰ روز ۳۶/۱/۸ آقای مقدم کارمند کارخانه قند شیروان تلفنی اطلاع می دهد که برابر اعلام تلفنی آقای هزیر یزدانی از تهران در کارخانه شیروان در محل منبع بمبی کار گذاشته شده و در ساعت ۱۸۰۰ منفجر خواهد شد که بلافاصله مأمورین به محل مراجعه و پس از بررسی اثری از بمب بدست نمی آید و پس از تحقیق از مدیرعامل کارخانه اظهار می دارد شخصی در تهران به آقای هزیر یزدانی تلفنی اطلاع می دهد که بمبی در کارخانه قند کار گذاشته است و در ساعت تعیین شده منفجر خواهد شد - ج	
ارزیابی خبر : صحت دارد نظریه : جهت آگاهی	
تاریخ : ۳۶/۱/۱۵ امضاء : فرم ۲۷۶ - ژ - ر - د	

ارزیابی خبر : صحت دارد.

نظریه : جهت آگاهی

۳۶/۱/۱۵ - دایره ۲۵

از: اداره کل سوم استخدامی
به: مدیریت کل اداره چهارم ۴۲۱
تاریخ: ۳۶/۱/۱۴
شماره: ۳۱۶۳/۱۲۱
درباره: هژبر یزدانی فرزند رضاقلی

با اعاده یک برگ پرسشنامه (الف) مربوط به نامبرده بالا اعلام می‌دارد.
مسئولیت - مشارالیه در قسمت مزبور از نظر امنیتی بلامانع است.
مدیرکل اداره سوم. ثابتی

از طرف
۳۶/۱/۱۴
اقدام کننده
رئیس بخش ۳۶۳۰ تهرانیان
۳۶/۱/۱۴

با اعاده یک برگ پرسشنامه (الف) مربوط به نامبرده بالا
اعلام می‌دارد. مشارالیه در قسمت مزبور از نظر امنیتی بلامانع است.
مدیرکل اداره سوم. ثابتی

از طرف
۳۶/۱/۱۴

رئیس بخش ۳۶۳۰ تهرانیان

محرمانه

به: ۳۴۳

تاریخ: ۳۶/۱/۲۷

از: ۱۰ هـ

شماره: ۱۰/۵۲۶۲ هـ

موضوع: کارخانه قند اصفهان

پس از تعطیلات نوروزی از طرف هژبر یزدانی علی ایقانی به جای مهندس جهانگیر کیا به سمت مدیر عامل کارخانه تعیین گردید.

نظریه شنبه: خبر فوق صحت دارد ضمناً مهندس جهانگیر کیا نیز به فرانسه

عزیمت نموده است.

نظریه یکشنبه: متن خبر و نظریه شنبه مورد تایید است زیرا علی ایقانی در یک سخنرانی که در تاریخ ۳۶/۱/۱۵ برای کارگران کارخانه انجام داده اظهار نموده که هژبر یزدانی به وی پیشنهاد نموده که هم عهده دار امور کارخانه قند زاهدان باشد و هم به کارهای مربوط به کارخانه قند اصفهان برسد ولی چون او نمی توانسته هر دو کار را با هم انجام دهد قرار شده که به کارخانه قند اصفهان بیايد.

موضوع: کارخانه قند اصفهان	
۱ - شماره قفسه: ۴۴۴۰	۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۳ - شماره گزارش: ۳۶/۱/۲۷	۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۵ - پیوست: ۱	۶ - گزارش: ۱
۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۱۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۱۱ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۱۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۱۳ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۱۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۱۵ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۱۶ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۱۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۱۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۱۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۲۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۲۱ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۲۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۲۳ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۲۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۲۵ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۲۶ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۲۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۲۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۲۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۳۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۳۱ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۳۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۳۳ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۳۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۳۵ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۳۶ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۳۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۳۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۳۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۴۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۴۱ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۴۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۴۳ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۴۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۴۵ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۴۶ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۴۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۴۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۴۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۵۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۵۱ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۵۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۵۳ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۵۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۵۵ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۵۶ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۵۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۵۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۵۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۶۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۶۱ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۶۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۶۳ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۶۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۶۵ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۶۶ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۶۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۶۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۶۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۷۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۷۱ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۷۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۷۳ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۷۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۷۵ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۷۶ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۷۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۷۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۷۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۸۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۸۱ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۸۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۸۳ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۸۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۸۵ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۸۶ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۸۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۸۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۸۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۹۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۹۱ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۹۲ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۹۳ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۹۴ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۹۵ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۹۶ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۹۷ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۹۸ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷
۹۹ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷	۱۰۰ - تاریخ: ۳۶/۱/۲۷

پس از تعطیلات نوروزی از طرف هژبر یزدانی علی ایقانی به جای مهندس جهانگیر کیا به سمت مدیر عامل کارخانه تعیین گردید.

نظریه شنبه: خبر فوق صحت دارد ضمناً مهندس جهانگیر کیا نیز به فرانسه عزیمت نموده است.

نظریه یکشنبه: متن خبر و نظریه شنبه مورد تأیید است زیرا علی ایقانی در یک سخنرانی که در تاریخ ۳۶/۱/۱۵ برای کارگران کارخانه انجام داده اظهار نموده که هژبر یزدانی به وی پیشنهاد نموده که هم عهده دار امور کارخانه قند زاهدان باشد و هم به کارهای مربوط به کارخانه قند اصفهان برسد ولی چون او نمی توانسته هر دو کار را با هم انجام دهد قرار شده که به کارخانه قند اصفهان بیاید.

ضمناً علی ایقانی قبل از آقای کیا مدیر عامل کارخانه قند اصفهان بوده است.

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه جمعه: نظریه چهارشنبه تایید می شود.

نظریه ۱۰ هـ: نظریه سلسله مراتب عملیاتی فوق مورد تایید می باشد.

دایره ۲

در این گزارش خبر مسئله ای که کارگری باشد وجود ندارد به اصفهان توجه داده شود.

اخیراً کیومرث یزدانی و حسین معینی شرکاء شرکت مذکور به منظور تأمین گوشت گوسفند و شیر و طیور مصرفی استان سمنان اقدام به تأسیس مجتمع بزرگ شیر و گوشت و زنبور عسل در شهمیرزاد از توابع سمنان نموده و شروع به

[illegible]

میان می‌گذارد لکن معینی پاسخ می‌دهد که این مجتمع با اجازه قبلی وزارت نیرو و کشاورزی شروع به کار نموده و ظرف یک سال آینده باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد و هیچ عاملی نمی‌تواند از این طرح جلوگیری نماید شهردار در جواب می‌گوید باید نظر مردم را جلب کرد نتیجتاً در تاریخ ۳۶/۲/۵ تعدادی ناشناس از اهالی شهیرزاد چاه مورد نظر را تسطیح می‌نمایند که متعاقب این امر شرکاء به دادگستری شکایت و با توجه به سوابق فوق صدر فاعلی تحت تعقیب قرار می‌گیرد که با ۱۰۰/۰۰۰ ریال وجه‌الضمان آزاد می‌گردد متعاقب این مسئله

عموی صفدر فاعلی شهردار شه میرزاد جهت وساطت و عدم تعقیب پرونده امر نزد آقای هژیر یزدانی پدر کیومرث می‌رود ضمناً با جریاناتی که فوقاً به آن اشاره شد تعدادی عناصر بیکار و فرصت طلب در آن مناطق شایع نمودند که اختلافاتی بین بهائیان و مسلمانان بوجود آمده در حالی که این موضوع صرفاً ارتباط به حساسیت مردم شه میرزاد نسبت به حفر چاه در شه میرزاد دارد و اختلاف بین مسلمان و بهائی بی اساس و شایعه‌ای بیش نمی‌باشد. و از آن روز شرکت مذکور به فعالیت خویش ادامه داده است.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت سمنان. فردوس

گیرنده :

اداره کل سوم (۳۴۱) جهت استحضار

فتوکی به پرونده هژیر یزدانی ضمیمه شود.

۵۷۰۸۰

سابقه ۲۵۳۶/۲/۲۰

بایگانی ۴۵۱۲۳۰

تاریخ: ۲۵۳۶/۳/۱۸

به: ۹/۳هـ (۳۴۳)

شماره: ۲۱۳۷/ق هـ

از: ۹/ق هـ (۳هـ ۹)

موضوع: کارگران کارخانه قند شیروان

شماره عطف ۹/۱۴۵۲۷-۳-۲۱/۳۶

۱- اضافه حقوق کارگران کارخانه مذکور بر مبنای طبقه بندی کارگران از اول

فروردین ماه سال ۲۵۳۶ پرداخت گردید.

۲- آقای نوروزیان مدیرکل کار خراسان و آقای عظیمی رئیس فنی اداره کار جهت رسیدگی به وضع کارگران به کارخانه قند آمدند.

۳- از طرف کارگران کارخانه قند نامه ای به عنوان تشکر از آقای یزدانی رئیس کارخانه و کلوپ مدیر امور مالی به آقای هژبر یزدانی که نسبت به دادن قند و شکر سهمیه و اضافه حقوق بر مبنای طبقه بندی نموده ارسال داشته اند.

نظریه شنبه: نظری ندارد.
نظریه یکشنبه: نظری ندارد.

شهر

نظریه ۹/ق هـ: نظری ندارد

دایره ۲

۳۶/۳/۲۳

بایگانی شود شرافت

۳۶/۳/۲۴

۴۳۲۳۲۹

مستند طبقه بندی کارگران

درجه فوریت

مستند یکم از: مستند دوم از: مستند سوم از: مستند چهارم از: مستند پنجم از: مستند ششم از: مستند هفتم از: مستند هشتم از: مستند نهم از: مستند دهم از:

۱- اضافه حقوق کارگران کارخانه مذکور بر مبنای طبقه بندی کارگران از اول فروردین بنامه سال ۲۵۳۶ پرداخت گردید.

۲- آقای نوروزیان مدیرکل کار خراسان و آقای عظیمی رئیس فنی اداره کار جهت رسیدگی به وضع کارگران به کارخانه قند آمدند.

۳- از طرف کارگران کارخانه قند نامه ای به عنوان تشکر از آقای یزدانی رئیس کارخانه و کلوپ مدیر امور مالی به آقای هژبر یزدانی که نسبت به دادن قند و شکر سهمیه و اضافه حقوق بر مبنای طبقه بندی نموده ارسال داشته اند.

نظریه شنبه: نظری ندارد.
نظریه یکشنبه: نظری ندارد.

۵۲۳۲۹

سازمان و پرسش‌کننده ۴۰۳
منظور از پرسش

۱۔ مشخصات (هٲربراله)

صدور تهران تاریخ تولد

۲- ترتیب
 ۱- شماره
 ۲- تاریخ
 ۳- شماره
 ۴- شماره
 ۵- شماره
 ۶- شماره
 ۷- شماره
 ۸- شماره
 ۹- شماره
 ۱۰- شماره
 ۱۱- شماره
 ۱۲- شماره
 ۱۳- شماره
 ۱۴- شماره
 ۱۵- شماره
 ۱۶- شماره
 ۱۷- شماره
 ۱۸- شماره
 ۱۹- شماره
 ۲۰- شماره
 ۲۱- شماره
 ۲۲- شماره
 ۲۳- شماره
 ۲۴- شماره
 ۲۵- شماره
 ۲۶- شماره
 ۲۷- شماره
 ۲۸- شماره
 ۲۹- شماره
 ۳۰- شماره
 ۳۱- شماره
 ۳۲- شماره
 ۳۳- شماره
 ۳۴- شماره
 ۳۵- شماره
 ۳۶- شماره
 ۳۷- شماره
 ۳۸- شماره
 ۳۹- شماره
 ۴۰- شماره
 ۴۱- شماره
 ۴۲- شماره
 ۴۳- شماره
 ۴۴- شماره
 ۴۵- شماره
 ۴۶- شماره
 ۴۷- شماره
 ۴۸- شماره
 ۴۹- شماره
 ۵۰- شماره
 ۵۱- شماره
 ۵۲- شماره
 ۵۳- شماره
 ۵۴- شماره
 ۵۵- شماره
 ۵۶- شماره
 ۵۷- شماره
 ۵۸- شماره
 ۵۹- شماره
 ۶۰- شماره
 ۶۱- شماره
 ۶۲- شماره
 ۶۳- شماره
 ۶۴- شماره
 ۶۵- شماره
 ۶۶- شماره
 ۶۷- شماره
 ۶۸- شماره
 ۶۹- شماره
 ۷۰- شماره
 ۷۱- شماره
 ۷۲- شماره
 ۷۳- شماره
 ۷۴- شماره
 ۷۵- شماره
 ۷۶- شماره
 ۷۷- شماره
 ۷۸- شماره
 ۷۹- شماره
 ۸۰- شماره
 ۸۱- شماره
 ۸۲- شماره
 ۸۳- شماره
 ۸۴- شماره
 ۸۵- شماره
 ۸۶- شماره
 ۸۷- شماره
 ۸۸- شماره
 ۸۹- شماره
 ۹۰- شماره
 ۹۱- شماره
 ۹۲- شماره
 ۹۳- شماره
 ۹۴- شماره
 ۹۵- شماره
 ۹۶- شماره
 ۹۷- شماره
 ۹۸- شماره
 ۹۹- شماره
 ۱۰۰- شماره

نام فعلی

پیام خانوادگی قبلی

تابعیت پدر..... آخرین

مدرک تحصیلی و تاریخ آن

۲۔... محل سکونت

۳- محل فعلی و محل

آن:.....

رئیس کارگزینی : نام - نام

خانوادگی امضاء

محل حفاظت : نام - نام

خانہ ادگم امضاء

هژبراله یزدانی بدون مشخصات

عزیز الہ....

به استحضار ریاست بخش ۳۴۵ برسد

هژبر یزدانی سابقه ندارد

شبه سوم به استحضار ریاست بخش ۳۴۵ برسد. هژبر یزدانی با مشخصات روشن از طرف سوم

شرفیابی آقای هژبر یزدانی در تشریفات گالری از نظر این بخش بلامانع می باشد. ۳۴۵-..

ریاست محترم اداره کل نظارت

احتراماً حسابهای آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته به ایشان و اعتبارات اعطائی و تعهدات ایشان و همچنین میزان و نوع وثائقی که در قبال این تعهدات نزد بانک دارد مورد رسیدگی قرار گرفت و نتیجه به شرح زیر به استحضار می رسد:

الف - شعبه بازار

۱- آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته جمعاً نه حساب نزد شعبه بازار افتتاح نموده اند.

۲- اعتبارات اعطائی به این حسابها عبارتست از هفت فقره اعتبار در حساب جاری در قبال سفته و برات و سپرده ثابت و یک فقره اعتبار دائم در قبال وثیقه ملکی و یک مورد وام در قبال سپرده ثابت.

۳- تعهدات حسابهای اعتباری ایشان عبارتست از:

الف - هفت میلیارد و

تاریخ: ۲۸/۳/۱۳۸۳

بسم الله الرحمن الرحیم

ریاست محترم اداره کل نظارت

احتراماً حسابهای آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته به ایشان و اعتبارات اعطائی و تعهدات ایشان و همچنین میزان و نوع وثائقی که در قبال این تعهدات نزد بانک دارد مورد رسیدگی قرار گرفت و نتیجه به شرح زیر به استحضار می رسد:

الف - شعبه بازار

۱- آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته جمعاً نه حساب نزد شعبه بازار افتتاح نموده اند.

۲- اعتبارات اعطائی به این حسابها عبارتست از هفت فقره اعتبار در حساب جاری در قبال سفته و برات و سپرده ثابت و یک فقره اعتبار دائم در قبال وثیقه ملکی و یک مورد وام در قبال سپرده ثابت.

۳- تعهدات حسابهای اعتباری ایشان عبارتست از:

الف - هفت میلیارد و یکصد و شانزده میلیون و دویست و نود و پنج هزار ریال اعتبار در حسابها که بصورت اقسام پرداخت می شود استفاده قرار گرفته است.

ب - یکصد و هشتاد و هشت میلیون و سیصد هزار ریال اعتبار دائم در مقابل وثیقه ملکی که با تسهیل سفته هجده نفر آقایان یزدانی در اختیار ایشان قرار گرفته است.

ج - هفتصد و هشتاد و پنج هزار ریال وام در مقابل سپرده ثابت.

بنابراین جمع تعهدات آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته از محل انواع وام و اعتبارات اعطائی به ایشان بالغ بر هفت میلیارد و یکصد و چهار هزار و پانصد و نود و پنج ریال است.

۴- اعتبارات تعویضی در قبال سپرده ثابت و سفته و برات تعارضی غیر قابل استرداد و چکهای وصولی

یکصد و شانزده میلیون و دویست و نود و پنج هزار ریال اعتبار در حساب جاری که به صورت اضافه برداشت مورد استفاده قرار گرفته است.

ب - یکصد و هفتاد و هشت میلیون و سیصد هزار ریال اعتبار دائم در مقابل وثیقه ملکی که با تسهیل سفته هجده نفر آقای یزدانی در اختیار ایشان قرار گرفته است.

ج - هفتصد میلیون ریال وام در مقابل سپرده ثابت.

بنابراین جمع تعهدات آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته از محل انواع وام و

اعتبار اعطائی به ایشان بالغ بر هفت میلیارد و نهصد و نود و چهار هزار و پانصد و نود و پنج ریال است.

۴- اعتبارات تصویبی در قبال سپرده ثابت و سفته و برات تجارتنی غیر قابل استرداد و چکهای وصولی است که اگر در بدو انعقاد قرار داد سفته و براتی به حسابهای مورد بحث واگذار می شده ولی در حال حاضر سفته و براتی نزد شعبه بازار ندارند و فقط مبلغی چک وصولی آن هم از حسابهای شخصی و وابستگان به حسابهای مزبور و واگذار نموده که به هیچ وجه حتی برای تأمین بهره و کارمزد

تعهدات فوق الذکر هم کافی نیست و به همین جهت این تعهدات دائماً رو به افزایش است، بطوری که از پایان خرداد ماه گذشته تا پایان دیماه بالغ بر دویست و هشتاد و پنج میلیون و پانصد و شصت هزار ریال به مانده بدیوکار در حساب جاری این حسابها افزوده شده است.

وثائق دریافتی از حسابهای بالا در قبال اعتبارات اعطائی عبارتست از:

الف - کارخانه قند اصفهان که عرصه و اعیانی و

شماره ثبت ۲۸۴۲

بنک اعتبارات ایران
در آذربایجان اصفهان

است که اگر در بدو انعقاد قرار داد سفته و براتی به حسابهای مورد بحث واگذار نموده ولی در حال حاضر سفته و براتی نزد شعبه بازار ندارند و فقط مبلغی چک وصولی آن هم از حسابهای شخصی و وابستگان به حسابهای مزبور و واگذار نموده که به هیچ وجه حتی برای تأمین بهره و کارمزد تعهدات فوق الذکر هم کافی نیست و همین جهت این تعهدات دائماً رو به افزایش است.

از پایان خرداد ماه گذشته تا پایان دیماه بالغ بر دویست و هشتاد و پنج میلیون و پانصد و شصت هزار ریال به مانده بدیوکار در حساب جاری این حسابها افزوده شده است.

وثائق دریافتی از حسابهای بالا در قبال اعتبارات اعطائی عبارتست از:

الف - کارخانه قند اصفهان که عرصه و اعیانی و ماشین آلات آن جمعا مبلغ دویست و چهارصد و شش و شش میلیون ریال ارزیابی شده و بموجب پیمان شماره ۱۱۸/۱۲/۲۱-۹۰۰۹۶ به مبلغ چهار میلیارد ریال به عنوان پشتوانه هر نوع مطالبات بانک از آقای هژیراله یزدانی و کلیه شرکتهای وابسته (با قید نام آنان) به رهن بانک درآمده است و موضوع قابل تأمل اینکه چرا سند رهنی بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون ریال بیشتر از ارزش مورد وثیقه تنظیم شده است.

ب - هشت فقره پیمان نامه دیگر بابت اعتبار در قبال وثیقه ملکی مربوط به اعتبارات نام ریالی اعطائی بحساب جاری ۱۱۸/۱۲/۲۱-۹۰۰۹۶ به آقای یزدانی جمعا مبلغ یکصد و شصت و هشت میلیون ریال.

ج - چند فقره سپرده ثابت جمعا مبلغ یک میلیارد و یکصد و شصت و چهار میلیون ریال.

د - چکهای وصولی بحسابهای مورد بحث که حاصل از حسابهای شخصی یا وابستگان آقای یزدانی است جمعا مبلغ پانصد و هشتاد و نه میلیون و پانصد هزار ریال.

ه - ۱ فقره چک بدون تاریخ بابت پشتوانه از حسابهای آقای یزدانی نزد بانک صادرات با بانک دیگر جمعا مبلغ دویست و چهارصد و هشتاد و شش میلیون ریال.

ماشین آلات آن جمعا به مبلغ دو میلیارد و چهارصد و شش میلیون ریال ارزیابی شده و به موجب پیمان شماره ۹۰۰۹۶ - ۵۴/۱۲/۲۱ به مبلغ چهار میلیارد ریال به عنوان پشتوانه هر نوع مطالبات بانک از آقای هژیراله یزدانی و کلیه شرکتهای وابسته (با قید نام آنان) به رهن بانک درآمده است و موضوع قابل تأمل اینکه چرا سند رهنی بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون ریال بیشتر از ارزش مورد وثیقه تنظیم شده است.

ب - هشت فقره پیمان نامه دیگر بابت اعتبار در قبال وثیقه ملکی مربوط به اعتبار

د- چکهای وصولی به حسابهای مورد بحث که جملگی از حسابهای شخصی یا وابستگان آقای یزدانی است جمعاً به مبلغ پانصد و هشتاد و نه میلیون و پانصد هزار ریال.

شماره - حساب نام صاحب
حساب - اعتبار دائم
تصویری - اعتبار مخصوص

۴۰- شرکت کسپخسرو - ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۱۴۹/۴۰۰/۰۰۰
۲۹۹/۶۰۰/۰۰۰ -
۵۰- شرکت کشت و صنعت رامیان و دشت - ۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰
۳۴۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰
۵۵- کیومرث یزدانی - ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰ -

- ۸۰- شرکت دیگاز - ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰
 ۹۰- شرکت کشت و صنعت شاهین کی - ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۵۰/۰۰۰/۰۰۰
 ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰

جمع تعهدات شرکت‌های فوق‌الذکر بالغ بر یک میلیارد و دویست و نوزده میلیون ششصد هزار ریال می‌باشد که تمام اسناد مأخوذه سفته‌هایی به امضاء آقای هژبراله یزدانی و شرکت‌های وابسته (بطور متقابل) و کارکنان نامبرده است.
 حسابهای ۶۶۶ شرکت کفش اطمینان از تاریخ ۳۶/۹/۱۴ بدون مجوز بدهکار شده

که میزان آن غالباً به مبلغ
 ۱۴/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-

رسیده است و در تاریخ
 ۳۶/۹/۲۹ وجه چند فقره
 چک بدون محل عهده
 حساب ۱۷۰۰ آقای یزدانی
 در شعبه ۱۴۴۵ نبش
 شاه عباس بوسیله شعبه نبش
 مسجد با صدور سند مبادلات
 به حساب فوق‌الذکر واریز و
 در نتیجه بدهکاری حساب
 تسویه می‌گردد ولی مجدداً از
 تاریخ ۳۶/۱۰/۱ حساب
 مذکور با مبالغی در حدود
 ۱۴/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-

بدهکار می‌شود در پایان روز

۳۶/۱۰/۲۹ وجه تعدادی چک بدون محل به مبلغ ۸/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰/- عهده
 حساب ۱۷۰۰ آقای یزدانی در شعبه ۱۴۴۵ نبش شاه عباس بوسیله شعبه نبش
 مسجد با صدور سند مبادلات شعب به حساب ۶۶۶ واریز می‌شود و چون وجوه
 مذکور تکافوی بدهکاری حساب ۶۶۶ را نمی‌کند لذا مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
 ریال به صورت اعتبار در حساب جاری بدون مجوز از حساب اعتبارات برداشت و به
 حساب فوق منظور می‌گردد.

علاوه بر مبلغ سه میلیارد ریال فوق مبالغی به همان صورت و در همان تاریخ به

شماره ۲۸۲۲

کتابخانه اسناد
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی

مدیر سند مبادلات شعب به حساب ۱۱۱ واریز می‌گردد و چون وجوه مذکور تگاری به هنگام حساب
 ۱۱۱ را نمیکند لذا مبلغ ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بصورت اعتبار در حساب جاری به این مجوز از -
 حساب اعتبارات برداشت و به حساب فوق منظور می‌گردد .
 علاوه بر مبلغ سه میلیارد ریال فوق مبالغی به همان صورت و در همان تاریخ به حسابهای -
 مشروحه زیر واریز شده است :

حساب ۵۰۰ شرکت کشت و صنعت رامیان و دولت	۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰/-
حساب ۹۰۰ شرکت کشت و صنعت شاهین کی	۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰/-
حساب ۱۲۰۰ شرکت پستهای زمین	۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰/-

به این ترتیب جمع اعتبارات به این محقق و به این اخذ سند چک بالغ بر ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰/- ریال
 می‌گردد .

با رسیدگی به اسناد مبادلات شعب مشاهده شد از باقیات قبل «روزانه تعدادی چک به این -
 محل در حدود پنج تا ۳ میلیارد ریال میده حساب ۱۲۰۰ شعبه ۱۴۴۵ نبش شاه عباس به شعبه
 نبش مسجد و اکثر و با مدیر سند مبادلات به حساب ۱۱۱ کفایت اعتبارات واریز می‌گردد و در همان -
 روز این محل حساب با اکثر و با مدیر چکهای به این محل میده حساب ۱۱۱ شعبه نبش مسجد به شعبه
 نبش شاه عباس و اکثر و با مدیر این شعبه نیز با مدیر سند مبادلات شعب به حساب ۱۲۰۰ آقای یزدانی
 منظور می‌گردد . و با نظری که اشاره شد همین چکها به این محل بده برای ایداد اسناد و مبادلات
 صادر شده و در دفتر ثبت بجهان ترتیب چکهای نظیر چکهای روز قبل جویله آقای یزدانی به در -
 شعبه مذکور و اکثر و با مدیر سند مبادلات به در اعتبار فوق در دفتر ثبت می‌گردد . البته آنگاه
 همیشه چکهای به این محل به مبلغ ۱۲ تا ۸ میلیارد ریال به صورت اسناد بجهان ریاضی راجع داشته که

- ۴ -

حسابهای مشروحه زیر واریز شده است :

حساب ۵۰۵ شرکت کشت و صنعت رامیان و دشت - /۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۳

حساب ۹۰۰ شرکت کشت و صنعت شاهین کی - /۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۳

حساب ۱۲۰۰ شرکت پوست آریا زمین - /۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۲

بدین ترتیب جمع اعتبارات بدون مجوز و بدون اخذ سند وثیقه بالغ بر - /۰۰۰/۰۰۰/۱۱/۸۰۰ ریال می گردد.

با رسیدگی به اسناد مبادلات شعب مشاهده شد از ماهها قبل، روزانه تعدادی چک

بدون محل در حدود پنج تا ۷ میلیارد ریال عهده حساب ۱۷۰۰ شعبه ۱۴۴۵ نبش شاه عباس به شعبه نبش مسجد واگذار و با صدور سند مبادلات به حساب ۶۶۶ کفش اطمینان واریز می گردد و در همان روز این عمل عیناً با واگذاری چکهای بدون محل عهده حساب ۶۶۶ شعبه نبش مسجد به شعبه نبش شاه عباس واگذار و در این شعبه نیز با صدور سند مبادلات شعبه به حساب ۱۷۰۰ آقای یزدانی منظور می گردد، و همانطور که اشاره

تلفنی در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۲ با دستور تلفنی منطقه انجام این عمل متوقف و به ناچار تعداد ده -
مبلغ چک بالغ - /۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۹۸ ریال در صورتی که دو شعبه بصورت معوق باقی می ماندند
که تاکنون در دفاتر آنها ثبت نشده است .

صن حسینی محاسبه بپوره به هکاری حساب جاری ۱۶۶ کفش اطمینان در احوالی آذرودی -
ملاحظه شد از این بابت مبلغ ۱۳۸۶/۱۰/۱۲ ریال بپوره کسر اخذ شده است .

با صورت برداری از اسناد و مبادلات شعبه در ماههای آذرودی ۱۳۸۶ که شعبه ۱۴۴۵ نبش
شاه عباس ۱۱۰۱ نبش مسجد عهده بکده بگره صادر گردید و با توجه به تاریخ صدور اسناد و تاریخ
ثبت آنها در دفاتر ملاحظه شد که بپوره مربوط به این چکها در دیماه فوق الذکر بطور غریب بالغ
بر - /۰۰۰/۰۰۰/۱۳۰۰ ریال میشود .

با توجه به اینکه این عمل از ماهها پیش صورت گرفته است برای تسامح و تلافی بپوره این قبیل چکها
بصورت بردارگانی از آنها ضرورت خواهد داشت و در این صورت لازم خواهد بود که چند نفر
ز طریق منطقه با مهر رسیدگی به موضوع گردند تا رقم دقیق بپوره این چکها معلوم و اعلام گردد .

ع - شعبه نبش شاه عباس
قای هژبر یزدانی در شعبه نبش شاه عباس ۱۴۴۵ : تعداد چهار صفا جاری ، صحت حساب -----

محلی : و اسامات : استکه شرح زیر دارد :

- حساب جاری ۱۷۰۰ بنام هژبر اله یزدانی که از تاریخ ۱۳۸۶/۷/۸ افتتاح و در حال حاضر مبلغ
۱۳۸۶/۱۰/۱۲ ۸۶۲۴۰ ریال (۱۳۸۶/۱۰/۱۲) باند به هکاری دارد که مانده به کتبات مستثنی شعبه -
جاری نبوده حساب را تا این مبلغ به هکاری نباید در قبال به دی میوه شعبه حدود - /۰۰۰/۰۰۰/۹۸۹۷ ریال
بال چک و سفته وصولی از افرادی دارد که اکثر آنها بستگان بداراله میباشند .

- - -

شده چون چکها بدون محل بوده برای اینکه اسناد و مبادلات صادر شده در دفاتر ثبت شود به همان ترتیب، چکهای نظیر چکهای روز قبل به وسیله آقای یزدانی به دو شعبه مذکور واگذار و با صدور سند مبادلات جدید اسناد قبلی در دفاتر ثبت می شود، نتیجه آنکه همیشه چکهای بدون محل به مبلغ ۸ تا ۱۲ میلیارد ریال به صورت اسناد بین راهی وجود داشته که عاقبت در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۲ با دستور تلفنی منطقه انجام این عمل متوقف و به ناچار تعداد ده فقره چک به مبلغ - /۰۰۰/۰۰۰/۹۸۹۷ ریال در صندوق دو شعبه به صورت معوق باقی می ماند که تاکنون در دفاتر آنها ثبت نشده

است.

ضمن بررسی محاسبه بهره بدهکاری حساب جاری ۶۶۶ کفش اطمینان در ماههای آذر و دی ملاحظه شد از این بابت مبلغ ۱۴/۴۲۶/۱۰۳ ریال بهره کمتر اخذ شده است.

با صورت برداری از اسناد و مبادلات شعب در ماههای آذر و دی ۳۶ که شعبه ۱۴۴۵ نبش شاه عباس و ۱۱۰۱ نبش مسجد عهده یکدیگر صادر کرده اند و با توجه به تاریخ صدور اسناد در تاریخ ثبت آنها در دفاتر ملاحظه شد که بهره مربوط به این

چکها در دو ماه فوق الذکر بطور تقریب بالغ بر ۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

می شود.

با توجه به اینکه این عمل از ماهها پیش صورت گرفته است برای محاسبه دقیق بهره این قبیل چکها صورت برداری کامل از آنها ضرورت خواهد داشت و در این صورت لازم خواهد بود که چند نفر از طرف منطقه مأمور رسیدگی به موضوع گردند تا رقم دقیق بهره این چکها معلوم و اعلام گردد.

ج - شعبه نبش شاه عباس

آقای هژبر یزدانی در شعبه نبش شاه عباس ۱۱۴۵ تعداد چهار حساب جاری به صورت حساب شخصی و مؤسسات وابسته به شرح زیر دارد:

ح - حساب جاری ۱۷۰۰ به نام هژبراله یزدانی که از تاریخ ۳۵/۷/۸ افتتاح و در حال حاضر مبلغ ۸۶۴/۳۴۰/۹۷ ریال (۳۶/۱۱/۱۰) مانده بدهکار دارد که با توجه به مکاتبات مسئول شعبه مجاز نبوده حساب را تا این مبلغ بدهکار نماید در قبال بدهی مزبور شعبه حدود ۲/۰۵۷/۹۷۴/۰۰۰ ریال چک و سفته وصولی از افرادی دارد که اکثراً وابستگان مشارالیه می باشند.

شماره ثبت: ۴۴۴

کتابخانه اسناد

نوع حساب: جاری

تاریخ: ۱۳۰۰/۰۰/۰۰

موضوع: حساب جاری

شرح: حساب جاری ۱۷۰۰ به نام هژبراله یزدانی که از تاریخ ۳۵/۷/۸ افتتاح و در حال حاضر مبلغ ۸۶۴/۳۴۰/۹۷ ریال (۳۶/۱۱/۱۰) مانده بدهکار دارد که با توجه به مکاتبات مسئول شعبه مجاز نبوده حساب را تا این مبلغ بدهکار نماید در قبال بدهی مزبور شعبه حدود ۲/۰۵۷/۹۷۴/۰۰۰ ریال چک و سفته وصولی از افرادی دارد که اکثراً وابستگان مشارالیه می باشند.

حسابجاری ۱۵۸۹ به نام شرکت قند شاه‌زند افتتاح و برای حساب مزبور در مقابل شعبه معتبر اعتبار دائمی به مبلغ -/۰۰۰/۰۰۰/۲۵ ریال تصویب می‌گردد که کلاً مورد استفاده قرار گرفته و از مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال اعتبار مخصوص نیز استفاده

سر رسید سفته‌های نزول شده
از محل اعتبار دائم از تاریخ
۳۷/۱/۲۰ الی ۳۷/۱/۲۴ و
سر رسید سفته‌های نزول شده
از محل اعتبار مخصوص کلاً
۳۷/۱/۷ می‌باشد. موجودی
نقد حساب مذکور در پایان

روز ۳۶/۱۱/۱۰ مبلغ ۹/۵۲۰/۶۶۰ ریال بوده است.

روز ۳۶/۱۱/۱۰ مبلغ ۶۱۸/۰۴۰ ریال بوده است.

روز ۳۶/۱۱/۱۰ مبلغ ۹۶/۰۰۳۰ ریال بوده است.

چکهای پرداختی نیش مسجد که از تاریخ ۱۳/۱۰/۳۶ به علت نداشتن محل بدون اقدام نگهداری شده است مبلغ ۴/۴۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال است. ضمناً از

۸۶۴/۳۴۰/۹۷۰/- ریال

۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

٢/٢٢٥/.../.../_

د مال

ЖЛ, 5/379/34./97.

د- شعبه میدان ژاله
آقای هژبر یزدانی و
شرکتهای وابسته جمعاً
هشت حسابجاری در شعبه
میدان ژاله افتتاح نموده‌اند
که در دو حساب شماره
۲۲۸۰ به نام شرکت پخش
آلیاز و شماره ۲۴۰۰ به نام
شرکت کشت و صنعت
سمنان دارای اعتبار دائم و

مخصوص ریالی در قبال سفته می‌باشند که ذیلأً شرح وضعیت اعتبار اعطائی و وثائق دریافتی، مربوط به این دو حساب می‌پردازد:

۱- حساب شماره ۲۲۸۰ به نام شرکت پخش آلیاژ که از تاریخ ۱۳۵۱/۴/۲۵ از شعبه کشتارگاه به شعبه میدان ژاله منتقل و اعتبار اعطائی به این حساب از ده میلیون ریال به تدریج به نود میلیون ریال اعتبار دارد و نود میلیون ریال اعتبار مخصوص جمعاً یکصد و هشتاد میلیون ریال افزایش داده شده است، که در حال حاضر به موجب کارت نمودار تعهدات جمع تعهدات این حساب یکصد و هفتاد و

نه میلیون و نهصد و نود هزار ریال می باشد که کلاً در قبال اخذ سفته های عهده شرکت های وابسته به آقای هژبر یزدانی یا مدیران و صاحبان این شرکتها است.

۲- شرکت کشت و صنعت سمنان که در تاریخ ۱۳۵۱/۳/۳۰ تأسیس و در تاریخ ۱۳۵۱/۴/۲۸ مبادرت به افتتاح حساب جاری شماره ۲۴۰۰ نزد شعبه میدان ژاله نموده که در همان روز هم مبلغ بیست و پنج میلیون ریال اعتبار دائم ریالی برای استفاده این شرکت پیشنهاد و در تاریخ ۱۳۵۱/۵/۱ به تصویب رسیده است.

تاریخ: ۱۳۵۱
شماره: ۲۴۲

بابت: **بکته هژبر یزدانی**
ن. ب. ا. مراد بهشتاد و هشتاد و پنج هزار ریال

سپرده ثابت مبلغ: ۲۸۶۰۰۰۰ ریال و سفته به من سوره به احوال شرکت گیسو و جملگی
۱۱۸۰۰۰۰ ریال و سفته به من سوره به احوال آقای هژبر یزدانی مبلغ ۱۱۸۰۰۰۰ ریال

۴- تسدیه شرکت قند ازین جاری ۲۸۶۰۰۰ بابت اعتبار برده تریا جاری
در مقابل سپرده ثابت
۴- تسدیه اعتباری شرکت بزرگ ابر از ابر و جملگی در مقابل سفته
به احوال آقای یزدانی شرکت گیسو و جملگی
۵- تسدیه اعتباری جاری ۱۰۲۰۰۰ شرکت قند ازین در مقابل سفته
به احوال آقای یزدانی
۱۰۲۰۰۰ ریال

و- ششم هزار ۷۸۴

شرکت تولیدی قند همدان - ارومجان - جعفری که یکی از شرکت های وابسته به آقای هژبر یزدانی -
است در شش به هزار ۷۸۴ حساب جاری شماره ۹۸۰ دارد و چون برای حساب منبر اعتبار در حساب جاری مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال تعصب گردیده است لذا حساب دیگری بشماره ۹۸۰ افتتاح گردیده که حساب منبر در حال حاضر یکصد و ده میلیون ریال به حاکم می باشد.

شبه اعتبار منبر مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال سفته به من تاریخ سفته آقای محمد علی محمدی -
است که وسیله شرکت تولیدی قند همدان - ارومجان - جعفری بهشت بیسی و سیصد و هشتاد و پنج است -
لازم به یاد آوری است که در تاریخ ۱۰/۱/۵۰ شرکت منبر آقای هژبر یزدانی مربوطه شده و در صورتیکه سفته های موجود در ششم هزار نام آقای سید علی اسکندر ناچاراً اعتبار میز است و قرار گیرد و لازم است که سفته های منبر تبدیل به سفته های جدید با احوال مدیران فعلی شرکت گردد.

ز- قلمی و ری شماره ۲۴۱

اعتبار تصویری این شرکت نیز به تدریج تا یکصد و هشتاد میلیون ریال افزایش یافته و با تنزیل سفته و برات عهده سایر شرکت های وابسته به آقای هژبر یزدانی در اختیار شرکت قرار گرفته که در حال حاضر جمع تعهدات این حساب از محل اعتبارات اعطائی بالغ بر یکصد و هشتاد میلیون ریال است.

۳- آقای هژبر یزدانی در حدود یک میلیارد ریال تعهد غیر مستقیم به صورت برات دریافتی نزد شعبه میدان ژاله

که به حساب شرکت های وابسته مانند کشت و صنعت عمران بلوچستان و غیره در زاهدان و اصفهان و گنبد قابوس تنزیل شده است.

۴- آقای هژبر یزدانی و فرزندان ایشان و شرکت کشت و صنعت سمنان چند فقره سپرده ثابت جمعاً مبلغ دویست و هشتاد و سی میلیون ریال نزد شعبه میدان ژاله داشته اند که به جز سپرده ثابت بیست و دو میلیون ریالی شرکت کشت و صنعت سایر سپرده در تاریخ ۱۳۶/۱۱/۱۱ قبل از سر رسید موافقت ریاست منطقه باطل و وجه آنها مسترد گردیده است.

وضع تعهدات آقای هژبر یزدانی و شرکت های وابسته در شعبه مزبور به شرح زیر است:

-تعهدات نزولی جاری ۸۳ شرکت پاک ریس در قبال سفته‌هایی به امضای آقای یزدانی به مبلغ ۲۴۷/۵۰۰/۰۰ ریال.

-تعهدات تضمینی شرکت مذکور بابت ضمانت نامه تعهد دین به مبلغ ۴۴۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال که وثائق عبارتست از :

سپردہ ثابت بہ مبلغ
₹ ۳۵۲/۶۰۰/۰۰۰ سفتہ
بدون سر رسید بہ امضای
شرکت کیخسرو بہ مبلغ
₹ ۴۴/۹۱۹/۰۰۰ ریال و
سفتہ بدون سر رسید بہ
امضای آقای ہزبر یزدانی
مبلغ ₹ ۱۲۸/۰۰۰/۰۰۰
ریال.

۳- تعهد شرکت قند قزوین
جاری ۳۸۹۵ بابت اعتبار
در حساب جاری در مقابل
سپرده ثابت.

۴- تعهدات نزولی شرکت
مذکور اعم از دائم و
مخصوص در مقابل سفته به

امضای آقای یزدانی و شرکت کیخسرو به مبلغ

۵- تعهدات ارزی جاری ۱۰۳۰۴ شرکت قند قزوین در مقابل سفته به امضای آقای یزدانی به مبلغ

۹۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال

١٤٢٢/٠٠٠/٠٠٠ ر.م.ل

۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

949/.../...

۱۳۵۰
خاور

کتابخانه وزارت معارف
و نشریه‌های دولتی و خصوصی

آقای هژیر یزدانی حساب شماره ۳۰۰ نیز خدمه نادری دارد که وضعیت اعتباری و تعهدات آن بشرح زیر است:

۱- مبلغ معین علیین ریال در تاریخ ۳۰/۹/۱۳۰۵ در قبال چک از جاری ۱۱۸ غرض نیز ششم بازار به هنگام ردیف دهان امضا بر داشت به تدریج تا پایان سال ۱۳۰۵ مبلغ و معیاره به‌شماره بنود و در معین ریال از این معینه است.

۲- در سال ۱۳۰۴ داده به هنگام این حساب کاهش یافته و در قبال حاضر بالغ بر هشتصد و پنجاه و دو دست و پنجاه و پنج هزار هشتصد و پنجاه ریال است.

۳- تا به‌شماره مبلغ دست و هشتاد و دو معین ریال نیز از وام در قبال چند فقره سروده "جما" به‌شماره معین دست و معین ریال دارد که در تاریخ ۲۰/۹/۱۳۰۵ بدست و دست و ریالت نموده و به‌شماره در تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۰۵ و نیز به‌شماره و نیز به‌شماره تا آنکه اقامی بعمل می‌آید است.

۴- آقای یزدانی "جما" در حدود و به‌شماره معین ریال چک و واری می‌دهد حسابهای شماره ۱۲۳ و ۲۲۳ و بانک ملی طاعت و حساب شماره ۵۰۹۹۱-۲۰ نیز بانک بین الفطن ایران و زمین و ۳۱۶ نیز بانک صادرات شمره نیمه است در دارد که "عالم" هگل از بستانان او هستند.

طبق اطلاع وارده از منطقه نیمه اصفهان و منطقه دوم در دست اعتباری آقای هژیر یزدانی و شرکتیان و استه‌ها و در قبال چک ملی و کارخانه قدس کج طرح بر است:

۱- اعتبار تعینی در شصت و شش حساب ۵۰۰ درام ترک شد که اعمال و دست‌خطین -
ریال و تعهدات ناشی از این اعتبار نیز در دست معین ریال در قبال هژیر یزدانی می‌دهد و هژیر یزدانی مقیم تبریز است.

- ۳۰ -

شرکت تولیدی قند شیروان - قوچان - بنجورد که یکی از شرکتهای وابسته به آقای هژبر یزدانی است در شعبه وزراء ۷۸۴ حساب جاری به شماره ۹۸۰ دارد و چون برای حساب مزبور اعتبار در حساب جاری به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال تصویب گردیده است لذا حساب دیگری به شماره ۹۴۰ افتتاح گردیده که حساب مزبور در حال حاضر یکصد و ده میلیون ریال بدهکار می باشد.

وثیقه اعتبار مزبور مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال سفته بدون تاریخ عهده آقای

[illegible]

ز- شعبه نادری شماره ۲۳۹

آقای هژریز دانی حساب شماره ۲۰۵۰ نزد شعبه نادری دارد که وضعیت اعتباری و تعهدات آن بشرح زیر است:

۱- مبلغ سیصد میلیون ریال در تاریخ ۳۵/۶/۱۱ در قبال چک از جاری ۱۱۸ خودش نزد شعبه بازار بدهکار شده که این اضافه برداشت به تدریج تا پایان سال ۲۵۳۵ به مبلغ دو میلیارد و ششصد و نود و دو میلیون ریال افزایش نیافته است.

۲- در سال ۲۵۳۶ مانده بدهکار این حساب کاهش یافته و در حال حاضر بالغ بر هفتصد و نود میلیون و دویست و پنجاه ریال است.

۳- نامبرده مبلغ دویست و هفتاد و دو میلیون ریال نیز وام در قبال چند فقره سپرده جمعاً به مبلغ سیصد و بیست میلیون ریال که در تاریخ ۳۶/۹/۲۰ به مدت بیست روز دریافت نموده و می‌بایست در تاریخ ۲۵۳۶/۱۰/۱۰ واریز می‌نمود ولی هنوز نسبت به واریز یا تمدید آن اقدامی به عمل نیامده است.

۴- آقای یزدانی جمعاً در حدود پانصد میلیون ریال چک و اگذاری عهده حسابهای شماره ۸۴۲۳ و ۷۶۳۰ نزد بانک ملی حافظ و حساب شماره ۵۵۹۹ - ۲۰ نزد بانک بین‌المللی ایران و ژاپن و ۳۱۶ نزد بانک صادرات شعبه نبش مسجد دارد که غالباً همگی از بستگان او هستند.

طبق اطلاع واصله از منطقه نهم اصفهان و منطقه دهم وضعیت اعتباری آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته به او در شعب نقش جهان و کارخانه قند کرج بشرح زیر است :

۱- اعتبار تصویری در شعبه نقش جهان به حساب ۵۵۰ به نام شرکت قند اصفهان دویست میلیون ریال و تعهدات ناشی از این اعتبار نیز دویست میلیون ریال در قبال بروات خریداری عهده هژبر یزدانی مقیم تهران.

۲- جمع اعتبارات تصویری برای حساب ۵۲۲۵ شرکت پی وی - سی نزد شعبه نقش جهان عبارتست از : هفتاد میلیون ریال اعتبار دائم ریالی و ده میلیون ریال اعتبار ارزی که از تمام اعتبارات اعطائی نیز استفاده نموده و جمعاً یکصد میلیون ریال تعهدات ناشی از این اعتبارات است که در قبال برات خریداری عهده شرکت کیخسرو و مقیم تهران می‌باشد.

۳- حساب شماره ۳۵۰ شعبه ۱۸۴۹ کرج به نام شرکت تولیدی قند کرج دارای چهل میلیون ریال تعهد دائم و بیست میلیون ریال تعهد مخصوص جمعاً شصت میلیون ریال در قبال سفته نزولی است.

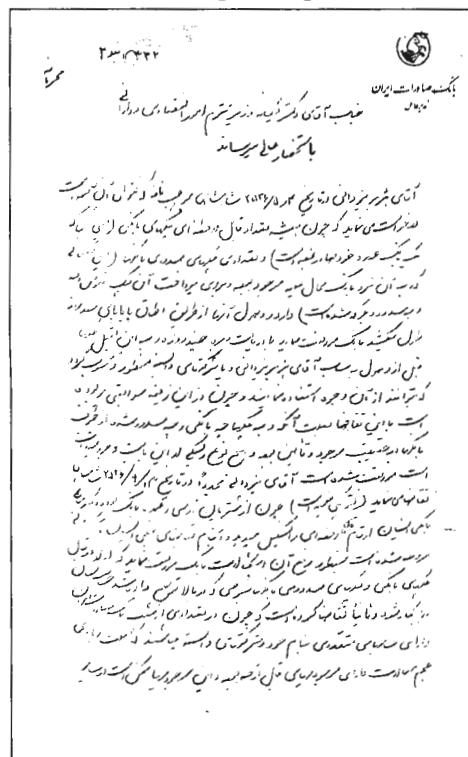
ضمناً چهار میلیون ریال سپرده ثابت نزد شعبه [ناخوانا] می‌باشد که معلوم نگردیده است بنام شخص آقای یزدانی است یا شرکت تولیدی.

جناب آقای دکتر یگانه وزیر محترم امور اقتصادی و دارائی

به استحضار عالی می‌رساند:

آقای هژبر یزدانی در تاریخ ۲۵۳۶/۵/۴ شاهنشاهی به موجب نامه که فتوکی آن ضمیمه است درخواست می‌نماید که چون همیشه تعداد قابل ملاحظه‌ای چکهای بانکی (یعنی چکی که یک بانک عهده خود صادر نموده است) و تعدادی چکهای مسدودی بانکها (یعنی چکهائی که وجه آن نزد بانک

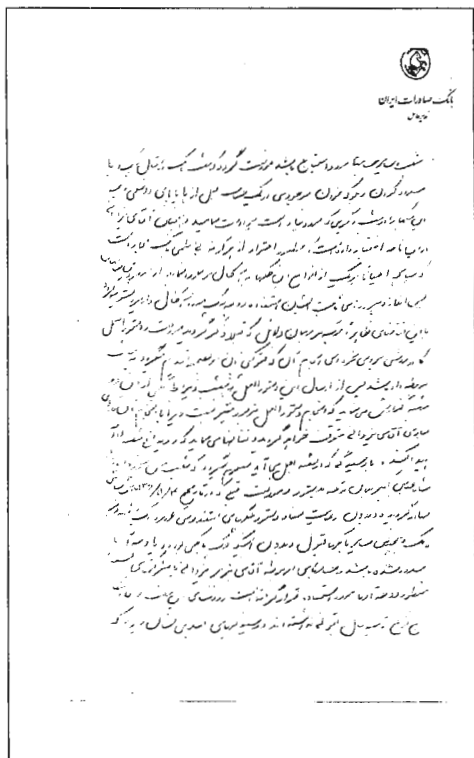
محال علیه موجود بوده و برای پرداخت آن چک به خصوص وجه مسدود و بلوکه شده است) دارد وصول آنها از طریق اطاق پایاپای چند روز طول می‌کشد بانک موافقت نماید با دریافت بهره چند روزه وجه این قبیل چکها قبل از وصول به حساب آقای هژبر یزدانی و یا شرکتهای وابسته منظور و محسوب گردد که بتوانند از آن وجوه استفاده نمایند و چون در این زمینه سوابقی نیز بوده است با این تقاضا به مدت آنکه وجه



چکها چه بانکی و چه مسدود شده از طرف بانکها در حقیقت موجود و تأمین بوده و هیچ نوع ریسکی از این بابت وجود نمی‌داشته است موافقت شده است آقای یزدانی مجدداً در تاریخ ۲۵۳۶/۹/۱۳ شاهنشاهی تقاضا می‌نماید (فتوکی ضمیمه است) چون از مشتریان قدیمی و عمده بانک بوده و کارت بانکی ایشان ارقام قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد و انجام تقاضای قبلی ایشان با مشکلاتی مواجه شده است به منظور رفع آن اشکالات بانک موافقت نماید که اولاً در قبال چکهای بانکی و چکهای مسدودی بانکها بشرحی که در بالا توضیح

داده شد حساب ایشان [ناخوانا] شود و ثانیاً تقاضا کرده است که چون در تعدادی از شعب بانک صادرات ایران دارای حسابهای متعددی به نام خود و شرکتهای وابسته می باشند که به مدت زیادی حجم معاملات دارای موجودیهای قابل توجه بوده و این موجودیها ممکن است در سایر شعب و سایر حسابها مورد احتیاج باشد موافقت گردد که شعب بانک در مقابل چک و یا مسدود کردن و بلوکه نمودن موجودی در یک حساب قبل از پای پای داخلی وجه این چکها را در شعب دیگری که مورد نیاز است پرداخت نمایند و همچنان آقای یزدانی در

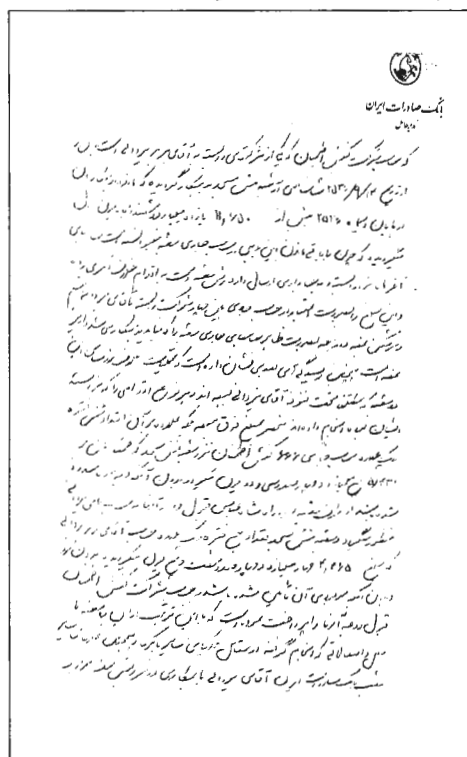
این نامه اختیار داده است که به منظور احتراز از هرگونه بی نظمی بانک مجاز است که چنانچه احیاناً هر یک از انواع این چکها به اشکال برخورد نماید از موجودی حسابهای پس انداز و سپرده های ثابت ایشان استفاده و وجه چک مورد اشکال واریز و تسویه گردد با این تقاضا ظاهراً موجه نیز به همان دلائل که قبلاً ذکر گردید موافقت و دستورالعمل کاملاً روشنی برای نحوه ای انجام آن که فتوایی آن نیز ضمیمه تقدیم



می گردد به شعب مربوطه داده شد پس از ارسال این دستورالعمل به شعب ذیربط یکی از این دو شعبه گزارش می نماید که انجام دستورالعمل مزبور میسر نیست زیرا با انجام آن کارهای حسابرسی آقای یزدانی متوقف خواهد گردید و تقاضا می نماید که رویه قبلی شعبه ادامه پیدا کند. با رسیدگی که در شعبه به عمل می آید معلوم می گردد که شعب نبش مسجد و چهار راه شاه عباس کبیر بدون توجه به دستور و موافقت قبلی که در تاریخ ۲۵۳۶/۵/۴ شاهنشاهی صادر گردیده و بدون رعایت مفاد دستور چکهای متعددی عهده یک شعبه و نیز بانک و همچنین

سایر بانکها قبول و بدون اینکه چک بانکی بوده و یا وجه آنها مسدود شده باشد به حسابهای مربوطه آقای هژبر یزدانی یا شرکتهای وابسته منظور و وجه آنها مورد استفاده قرار گرفته است و رؤسای بانک این شعب برای این کار پنج نوع توجیه قابل قبولی نداشته‌اند و رسیدگی‌های بعدی نشان می‌دهد که حساب شرکت کفش اطمینان که یکی از شرکتهای وابسته به آقای هژبر یزدانی است بدون توجه از تاریخ ۲۵۳۶/۹/۱۴ شاهنشاهی در شعبه نبش مسجد بدهکار گردیده که مانده بر طلبکاران در پایان دیماه ۲۵۳۶ بیش از ۱۱/۶/۵۰ یازده

میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون ریال می‌گردیده که چون با باقی ماندن این بدهی در حساب جاری شعبه نمی‌توانسته است حسابهای آخر ماه خود را بسته و به حسابداری ارسال دارد رئیس شعبه دست به اقدام خلاف دیگری زده و این مبلغ را به صورت اعتبار در حساب جاری بین چهار شرکت وابسته به آقای یزدانی تقسیم و سرشکن نموده و در نتیجه به صورت ظاهر حسابهای جاری شعبه را که نباید بدهکار می‌شد



واریز نموده است همچنین رسیدگی‌های بعدی نشان داده است که عملیات خلاف رؤسای این دو شعبه که مطلقاً تحت نفوذ آقای یزدانی بوده‌اند و هر نوع اقدامی را که خواسته ایشان بوده انجام داده‌اند منحصر به مبلغ فوق نبوده بلکه علاوه بر آن تعداد شش فقره چک عهده حساب جاری ۶۶۶ کفش اطمینان نزد شعبه نبش مسجد که بالغ بر ۵/۴۳۲ پنج میلیارد و چهارصد و سی و دو میلیون می‌گردد بدون آنکه وجه چکها مسدود شده باشد از طرف شعبه چهارراه شاه عباس قبول و وجه آنها به حساب آقای یزدانی منظور می‌گردد و شعبه نبش

بانک را بدون مجوز و بدون وثیقه استفاده یا به تعبیر دیگری سوءاستفاده نماید و بطوری که ملاحظه می‌فرمایید این مبلغ نه اعتبار تصویری بوده است و نه مجوزی برای این کار وجود داشته است. از محل این وجوه در مدت نسبتاً کوتاهی آقای یزدانی از طریق بورس سهام و یا خارج از آن تعداد بیش از ۴۲۰ هزار سهم بانک صادرات ایران را خریداری و باعث بوجود آمدن آشفتگی اخیر در اوضاع و

[illegible]

بطوری که خاطر عالی مستحضر است با توجه به جمیع جهات اخیراً اوامر ملوکانه مبنی بر واگذاری این سهام شرفصدور یافت و به منظور اجرای هر چه سریعتر این اوامر و نیز به منظور توسعه هر چه بیشتر مالکیت سهام مؤسسات بین کارکنان آن مؤسسه و عموم مردم ایران که مورد نظر رهبر عالیقدر ایران می باشد بانک صادرات پیشنهاد نمود که این سهام در کوتاهترین مدت ممکن به کارکنان

بانک و عموم طبقات مردم عرضه و وجوه حاصله از فروش سهام را بابت تأمین قسمتی از بدهی‌های آقای یزدانی منظور نماید و در این مورد توافقهایی شفاهی نیز به عمل آمده بود که متأسفانه از طرف آقای یزدانی برای اجرای کامل آن اقدامی صورت نگرفته است اینک در تعقیب کوشش اولیه پیشنهاد می‌شود به منظور اجرای سریع اوامر شاهانه هر چه زودتر سهام مزبور یا از طریق بانک صادرات ایران یا بانک ملی ایران در سراسر کشور به عموم طبقات عرضه و واگذار گردد.

با تقدیم احترامات

تیمسار سرلشکر ارم ریاست محترم قسمت رسیدگی تاریخ: ۲۵۳۶/۵/۵
به تخلقات کارمندان دولت در نخست‌وزیری شماره: ۲۷۸/۸/۳۶

در پرونده ۸-۲۷۸/۳۵ کیفری که در این بازپرسی مطرح است اعلام شده که آقای جهانبخش کنارسری انهاری در مورد اختلاف فیما بین آقایان یوسف خوش‌کیش مدیرعامل بانک ملی ایران و هژبر یزدانی اظهاراتی علیه آقای هژبر یزدانی در محضر جنابعالی به عمل آورده خواهشمند است دستور فرمایید در

صورت صحت موضوع و وجود چنین سابقه‌ای فتوکی از اظهارات آقای جهانبخش کنارسری انهاری را در اسرع وقت به این بازپرسی ارسال دارند.

بازپرس شعبه ۱۳ دادسرای تهران فرشچی

در ساعت ۱۱۰۰ روز ۳۶/۶/۶

اوامر جناب آقای نخست‌وزیر

حضوراً به وی ابلاغ شد که تکرار

این اعمال در این دادگستری

خواهد شد.

تاریخ: ۲۵۳۶/۵/۵
شماره: ۲۷۸/۸/۳۶
پوست

به:
از:
موضوع:

تیمسار سرلشکر ارم ریاست قسمت رسیدگی
بتخلقات کارمندان دولت در نخست‌وزیری

در پرونده ۸-۲۷۸/۳۵ کیفری که در این بازپرسی مطرح است اعلام شده که آقای جهانبخش کنارسری انهاری در مورد اختلاف فیما بین آقایان یوسف خوش‌کیش مدیرعامل بانک ملی ایران و هژبر یزدانی اظهاراتی علیه آقای هژبر یزدانی در محضر جنابعالی به عمل آورده خواهشمند است دستور فرمایید در صورت صحت موضوع و وجود چنین سابقه‌ای فتوکی از اظهارات آقای جهانبخش کنارسری انهاری را در اسرع وقت به این بازپرسی ارسال دارند.

بازپرس شعبه ۱۳ دادسرای تهران فرشچی

۱۳۶۵

فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
رئیس‌جمهوری
وزیران
وزیر امور خارجه
وزیر اطلاعات
وزیر فرهنگ و هنر
وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزیر راه و ترابری
وزیر تعاون و مسکن
وزیر صنایع و معادن
وزیر نیرو
وزیر بهداشت و درمان
وزیر امور اقتصادی و دارایی
وزیر امور محلی و دهیاریات
وزیر امور فاعلی و حقوقی
وزیر امور اجتماعی
وزیر امور سیاسی
وزیر امور بین‌المللی
وزیر امور خارجه
وزیر امور اطلاعات
وزیر امور فرهنگ و هنر
وزیر امور معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزیر امور راه و ترابری
وزیر امور تعاون و مسکن
وزیر امور صنایع و معادن
وزیر امور نیرو
وزیر امور بهداشت و درمان
وزیر امور امور اقتصادی و دارایی
وزیر امور امور محلی و دهیاریات
وزیر امور امور فاعلی و حقوقی
وزیر امور امور اجتماعی
وزیر امور امور سیاسی
وزیر امور امور بین‌المللی

تاریخ ۲۵۳۷/۵/۲۳ از سرلشگر هوشنگ ارم به آقای فرشچی بازپرس شعبه ۴ دادسرای تهران.
۱۰۶ برگ پرونده هژبر یزدانی ارسال وصول آن را اعلام فرمایند.
تاریخ ۱۳۵۷/۷/۸ شریف امامی به یگانه وزیر اقتصادی و دارائی دستور داده که کمیسیونی تشکیل و درباره دارائی و بدهی‌های هژبر یزدانی رسیدگی شود.

گزارش

درباره : محمد مهدی اعرابی فرزند ابراهیم رئیس انتظامات کارخانه قند کرج

محترماً به استحضار می‌رساند:

منظور: کسب اجازه جهت تحقیق پیرامون علت اصلی اخراج نامبرده فوق و چگونگی پخش اعلامیه از جانب وی با توجه به ادعای کارفرمای مربوط (هزبر یزدانی)

سابقه: برابر اعلام سازمان اطلاعات و امنیت تهران روز ۳۶/۱/۳۱ نامبرده بالا هنگام بازدید از محوطه کارخانه پشت تعمیرگاه اتومبیل یک عدد فشنگ پلاستیکی مشقی مشاهده نمود که آن را برداشته و به مدیرعامل کارخانه می‌دهد. متعاقب این امر مشارالیه مورخ ۳۶/۲/۱۳ به سازمان اطلاعات و امنیت کرج مراجعه و طی دادخواستی عنوان نموده که مورخ ۳۶/۲/۶ توسط مدیرعامل

Handwritten document with Persian text and a central stamp. The stamp contains the text "حکومت محترم" (Honorable Government) and "وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه" (Ministry of Education, Religious Affairs, and Industries). The text is written in a cursive script, likely Shikasta. The document appears to be a formal record or a letter, possibly related to the Ministry of Education or Religious Affairs. The text is written in a cursive script, likely Shikasta. The document appears to be a formal record or a letter, possibly related to the Ministry of Education or Religious Affairs.

کارخانه (هژیر یزدانی) احضار و به حسابداری دستور تسویه حساب و اخراج وی داده شده است، مشارالیه علت را جویا شده که مدیرعامل به وی پاسخ می‌دهد از سازمان اطلاعات و امنیت تلفناً اطلاع داده شد که مبادرت به پخش اعلامیه نموده‌اید بنابر این، صلاحیت کار را ندارید.

اقدامات انجام شده: پیرامون چگونگی واقعیت امر از طریق سازمان اطلاعات و امنیت تهران تحقیق، پاسخ واصله حاکیست: مهندس جدلی مدیر عامل کارخانه موصوف علت اخراج شخص مورد بحث را دستور رئیس

هیئت مدیره (هژبر یزدانی) براساس پخش اعلامیه و اطلاع واصله از ساواک عنوان نموده است. ضمناً برابر اعلام ۳۰۲ فشنگ مورد نظر متعلق به تمرینات نیروی پایداری بوده. نظریه: با توجه به مراتب فوق و اینکه یاد شده فاقد سابقه ضد امنیتی بوده و سوابقی مبنی بر پخش اعلامیه از جانب وی بدست نیامده چنانچه اجازه می‌فرمایند به سازمان اطلاعات و امنیت تهران ابلاغ گردد که مستقیماً از هژبر یزدانی پیرامون چگونگی واقعیت امر تحقیق نمایند. موکول به امر عالیست.

اقدام شود ۳۶/۵/۲

۳۶۸۵/۶

از: اداره دوم - ۳۲ د شماره ۴۲۴/۵۰۱ - ۰۲/۶/۲۸

بیمارستان رازی

غیر نظامی، نامبرده بالا در ساعت ۰۹۳۰ روز ۲۵۳۶/۵/۱۶ در آزمایشگاه

بیمارستان مذکور اظهار داشته است که با اصلاحات ارضی فنودالیسم از بین رفته لیکن یک نوع فنودالیسم دیگر جای آن را گرفته است، مثلاً زمین را از من و شما گرفته‌اند و به آقای هژبر یزدانی بین گرگان تا بجنورد در حدود ۲۵۰ کیلومتر در ۵۰ کیلومتر زمین داده‌اند، مشارالیه برای خودش دم و دستگاهی به راه انداخته و مردم را می‌گیرد و می‌بندد، مثلاً چند وقت پیش غیرنظامی مورد بحث ۱۴ نفر از راننده‌هایش را شلاق

زده بود اگر در گذشته ناصر خان قشقائی^۱ تفنگچی داشت حالا هزبر یزدانی
چوب به دست دارد.

ارزیابی خبر: قابل تحقیق است.

ملاحظات : حفاظت منبع مورد استدعاست

۱- ناصر قشقایی فرزند اسماعیل در سال ۱۲۸۸ ش بدینا آمد. شغل وی ملاکی و رئیس ایل قشقایی بوده و از سال ۱۳۰۵ در تهران سکونت داشته و در سال ۱۳۰۷ برای نخستین بار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید. بعد از حادثه شهریور ۱۳۲۰ به دستور «سر ریدریلورد» سفیر انگلیس از کرج به سیمیر رفت. در خرداد سال ۱۳۲۵ نامبرده به همراه برادرش خسرو قشقایی با مظفر فیروز تماس گرفته و بوسیله او با شوروی‌ها ارتباط برقرار کرده و ضمن اخذ پول از روسها، تلگرافی به قوام‌السلطنه مخابره نموده و به اعزام نیروی نظامی برای سرکوبی پیشه‌وری به آذربایجان اعتراض کردند. ولی با تمام شدن پول روسها، مجدداً با اتانسه نظامی آمریکا در شیراز ارتباط برقرار کردند و پس از آن با کلنل «سر جفری» کنسول انگلیس در بوشهر ملاقات و پس از گرفتن سلاح و پول از وی نهضت جنوب را شروع کردند. و تا سال ۱۳۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد این سال با عوامل سفارت انگلیس در ارتباط بوده و پس از پیروزی کودتا توسط «ووزف گودوین» به خارج از کشور فرستاده شدند. ناصر قشقایی از سال ۱۳۴۱ در اروپا بود و با هماهنگی عناصر جبهه ملی تحریکاتی علیه رژیم پهلوی داشته است.

- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

به: ۳۱۲

از: ۹/۵

تاریخ: ۳۶/۶/۱۹

شماره: ۹/۸۵۰۹

۱- سید کاظم شریعتمداری
فرزند حسن در سال ۱۲۸۳
شمسی در تبریز متولد شد.
دوران تحصیل را در تبریز،
مشهد و قم گذراند و به درجه
اجتهاد رسید. در سال ۱۳۲۷ به
دلیل استقبال از محمدرضا

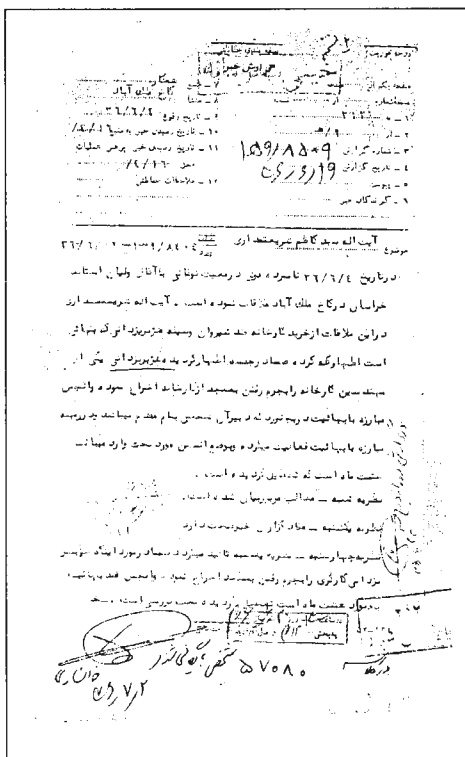
موضوع: آیت اله سید کاظم شریعتمداری^۱

پیرو: ۳۶/۶/۱۲-۹/۸۴۰۴

پهلوی در مدرسه طبایه، تا
حدودی محبوبیت خود را از
دست داد. این موضوع، ادامه
کار را در آذربایجان دشوار
ساخت و لذا راهی قم شد و از آن
زمان تا پیروزی انقلاب اسلامی
ارتباط خود را به طور پنهانی با
دربار و رژیم حفظ نمود.
شریعتمداری برخلاف بسیاری
از مراجع، قانون اساسی شاه را
مسود تأیید قرار می داد و
علیرغم اصرار مردم و روحانیت
بر سرنگونی رژیم شاهنشاهی،
خواستار اجرای قانون اساسی
بود.

شاه آنگاه که از سوی روحانیون
مبارز و مقاوم تحت فشار قرار
می گرفت و اعصاب و روانش
خرد می شد، چاره ای جز توسل
به شریعتمداری نداشت. اسدالله
علم وزیر دربار نیز در اجرای
فرمان شاه، با واسطه ای مطمئن
و مورد وثوق با شریعتمداری
تماس می گرفت و از او
چاره جویی می کرد. گاهی نیز
وی را به اجرای تصمیمات
موظف می نمود. موارد زیادی
از این گونه امور دیده شده که
توسط نزدیکان آگاه و
وابستگان رژیم از جمله ارتشید
حسین فردوست (رئیس دفتر
ویژه شاه) و احمدعلی انصاری
(پسرخاله فرح) در خاطراتشان
ثبت و ضبط گردیده است.
شریعتمداری بعد از پیروزی
انقلاب اسلامی به دلیل
مشارکت در کودتای ۲۸

در تاریخ ۳۶/۶/۴ نامبرده فوق در معیت نوغانی با آقای ولیان^۲ استاندار
خراسان در کاخ ملک آباد ملاقات نموده است. آیت اله شریعتمداری در این



ملاقات از خرید کارخانه
قند شیروان وسیله هژیر
یزدانی که بهائی است اظهار
گله کرده ضمناً در جلسه
اظهار گردیده هژیر یزدانی
یکی از مهندسين کارخانه را
به جرم رفتن به مسجد از
کارخانه اخراج نموده و
انجمن مبارزه با بهائیت در
بجنورد که دبیر آن شخصی
به نام مقدم می باشد و در
زمینه مبارزه با بهائیت
فعالیت می کرده و به وضع
انجمن مورد بحث وارد
می باشد هشت ماه است که
تعطیل گردیده است.

نظریه شنبه: مطالب مزبور بیان شده است

نظریه یکشنبه: مفاد گزارش خبر صحت دارد

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه تأیید می گردد ضمناً در مورد اینکه هژیر یزدانی
کارگری را به جرم رفتن به مسجد اخراج نموده و انجمن ضد بهائیت بجنورد
هشت ماه است تعطیل گردیده تحت بررسی است.

۵۷۰۸۰ شخص بایگانی شود

خوانساری ۳۶/۷۰۲ در گزارش روزانه درج شد. ۳۶/۶/۲۲

به: مدیریت کل اداره کل سوم / ۳۴۲
از: سازمان اطلاعات و امنیت تهران / ۲۲ هـ ۲۰
تاریخ: ۳۶/۶/۳۱
شماره: ۲۰ / ۶۳۳۷۹
درباره: اظهارات دکتر افلاطون
بازگشت به شماره ۳۶/۶/۲۶ - ۳۴۲/۱۵۱۰

موارد خواسته شد بشرح زیر بعرض می‌رسد:

۱- وضعیت هژبر یزدانی قبلاً طی گزارش شماره ۲۰/۶۱۹۸۹ هـ ۲۲ -

۳۶/۹/۸ به استحضار

رسیده است.

۲- در زمینه تعیین صحت و یا سقم آن قسمت از گزارش که مربوط به واگذاری زمین به یاد شده در اراضی بین گرگان و بجنورد می‌باشد مقرر فرمایند از طریق سازمان مربوط اقدام نمایند.
۳- در مورد هژبر یزدانی مطالبی نیز در صفحه ۲ روزنامه کیهان مورخه ۳۶/۶/۲۹ درج گردیده است.

رئیس سازمان اطلاعات و

امنیت تهران. پرنیان فر^۱

طیب جم ۳۶/۶/۲۹

۱- قاسم پرنیان فر فرزند علی در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد. پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده افسری گردید و سپس با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل و به خدمت ارتش در رشته مخابرات در آمد. نام خانوادگی قبلی وی سید ابوالقاسم بوده که طبق اظهار نامبرده در پرسشنامه استخدامی در ساواک علت تغییر را نامناسب بودن ذکر کرده است. پرنیان فر از سال ۴۶ با درجه سرهنگی به ساواک منتقل و در اداره کل سوم مشغول به کار شده است.

مشارالتی از سال ۳۸ در دفتر ویژه اطلاعات زیر نظر سرلشکر حسین فردوست مشغول به کار بوده و مدتی نیز به عنوان رئیس شعبه ۳ منصوب شده است. وی در ساواک ابتدا به معاون دوم اداره کل سوم رسید و سپس با درجه سرتیپی به ریاست ساواک تهران منصوب شده است. در سال ۵۳ به خاطر حفاظت از بازیهای آسیایی که در تهران برگزار شده از طرف شاه معدوم مورد تشویق قرار گرفته است.

— اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

شماره ۳۴۲/۱۵۱۰ - ۳۶/۶/۲۶

از سازمان اطلاعات و امنیت تهران / ۲۲ هـ ۲۰

درباره: اظهارات دکتر افلاطون

بازگشت به شماره ۳۶/۶/۲۶ - ۳۴۲/۱۵۱۰

موارد خواسته شد بشرح زیر بعرض می‌رسد:

۱ - وضعیت هژبر یزدانی قبلاً طی گزارش شماره ۲۰/۶۱۹۸۹ هـ ۲۲ - ۳۶/۹/۸ به استحضار رسیده است.

۲ - در زمینه تعیین صحت و یا سقم آن قسمت از گزارش که مربوط به واگذاری زمین به یاد شده در اراضی بین گرگان و بجنورد می‌باشد مقرر فرمایند از طریق سازمان مربوط اقدام نمایند.

۳ - در مورد هژبر یزدانی مطالبی نیز در صفحه ۲ روزنامه کیهان مورخه ۳۶/۶/۲۹ درج گردیده است.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت تهران . پرنیان فر

۵۲-۱۱۵

به: ۳۱۲

از: ۱۴/هـ

تاریخ: ۳۶/۷/۱۳

شماره: ۲۴/۳۲۹۰۷ هـ

موضوع: سیدعلی احمد زیارتی^۱ و هژبر یزدانی

عطف ۳۶/۷/۷-۳۱۲/۴۳۹۳

۱- آیت‌الله حاج سید احمد زیارتی فرزند سید صادق حسینی در سال ۱۲۸۲ ش در دهکده زیارت از توابع سمنان دیده به جهان گشود. مقدمات و سطح را در مهدشهر در نزد عالم بزرگ و عارف سرگ حاج شیخ علی اکبر (علی‌الله مقامه) فراگرفت. در سال ۱۳۰۲ شمسی برای تحصیل علوم دینی راهی حوزه علمیه قم گردید و از محضر اساتیدی چون آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و حاج سید محمدتقی خوانساری و حاج فاضل قمی بهره برد. در سال ۱۳۲۰ به تهران عزیمت نمود و در مدرسه مروی به تشکیل جلسات مذهبی و برگزاری نماز جماعت و تدریس پرداخت و عهده دار تولیت مدرسه مروی نیز گردید. در سال ۱۳۲۲ برای مقابله با عناصر منحرف و عاملین صهیونیست، یعنی بهائیان راهی مهدشهر سمنان شد و پس از قریب ۹ سال مبارزه با فرقه ضاله بهائی در سال ۱۳۳۱ به تهران مهاجرت کرد. لیکن به لحاظ نیاز مردم به ایشان و تبلیغات دامنه دار عناصر بهائی، مجدداً به مهدشهر بازگشت و علاوه بر روشننگری و خنثی سازی تبلیغات بهائیان به عمران و آبادانی شهر نیز اهتمام ورزید و مراکز نظیر: داروخانه، غسالخانه، دیوباب مسجد، سه باب حمام و یک حسینیه از ایشان به یادگار مانده است. آیت‌الله زیارتی هیچگاه با رژیم پهلوی سازش نکرد و هرگونه همکاری با رژیم شاه را محکوم و حتی عقد و طلاق در محاضر دولتی را باطل می‌دانست و

بعد از ظهر مورخه ۳۶/۷/۱۱ تعداد معدودی اعلامیه دستنویس که در آن نحوه بخشودگی زیارتی توسط هژبر یزدانی و همچنین دعوت عموم به همکاری

با دولت درج شده بود در بخش سنگسر بخش گردیده است.

نظریه شنبه: خبر صحت دارد

نظریه یکشنبه: بخش اعلامیه و آن هم به تعداد معدود در سنگسر صحت دارد ضمناً یک برگ فتوکپی رونوشت اعلامیه مذکور به پیوست تقدیم می‌گردد.

حاضر

نظریه ۱۴/هـ: ۱ نظریه یکشنبه تایید می‌گردد

۲- بخشودگی قانونی نامبرده ارتباطی به اقدامات

هژبر یزدانی نداشته ولی به طور کلی مشارالیه با هژبر یزدانی نزدیک شده است علیهذا موضوع تحریکات قبلی ایشان در مورد اختلافات مسلمانان و بهائیان در سنگسر با کیفیت فوق در حال حاضر منتفی به نظر می‌رسد.

دایره بررسی گزارش روزانه ۷/۲۰

در گزارش روزانه درج شد

در پرونده هژبر یزدانی به کلاسه ۵۷۰۸۰ با یگانی شود

غلامحسین رسام ۳۶/۷/۲۵

فرمان

شماره: ۳۶/۷/۱۱

تاریخ: ۳۶/۷/۱۱

موضوع: سیدعلی احمد زیارتی و هژبر یزدانی

بعد از ظهر مورخه ۳۶/۷/۱۱ تعداد معدودی اعلامیه دستنویس که در آن نحوه بخشودگی زیارتی توسط هژبر یزدانی و همچنین دعوت عموم به همکاری با دولت درج شده بود در بخش سنگسر بخش گردیده است.

نظریه شنبه: خبر صحت دارد

نظریه یکشنبه: بخش اعلامیه و آن هم به تعداد معدود در سنگسر صحت دارد ضمناً یک برگ فتوکپی رونوشت اعلامیه مذکور به پیوست تقدیم می‌گردد.

حاضر

نظریه ۱۴/هـ: ۱ نظریه یکشنبه تایید می‌گردد

۲- بخشودگی قانونی نامبرده ارتباطی به اقدامات بهائیان در سنگسر نداشته ولی به طور کلی مشارالیه با هژبر یزدانی نزدیک شده است علیهذا موضوع تحریکات قبلی ایشان در مورد اختلافات مسلمانان و بهائیان در سنگسر با کیفیت فوق در حال حاضر منتفی به نظر می‌رسد.

دایره بررسی گزارش روزانه ۷/۲۰

در گزارش روزانه درج شد

در پرونده هژبر یزدانی به کلاسه ۵۷۰۸۰ با یگانی شود

غلامحسین رسام ۳۶/۷/۲۵

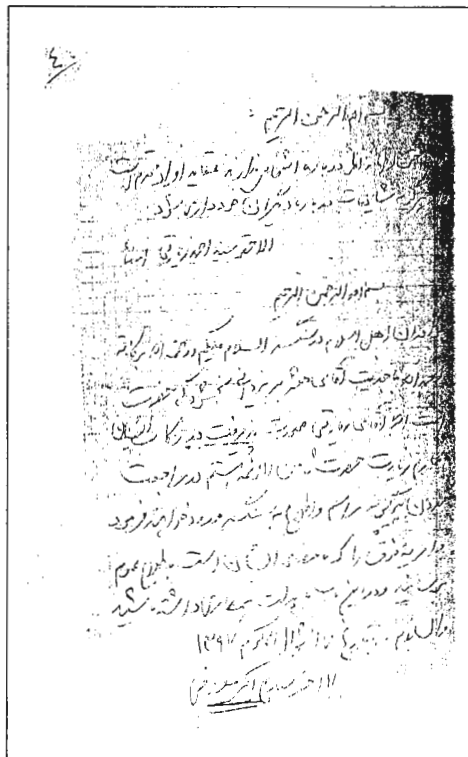
بسم الله الرحمن الرحيم

عوام حق اظهار نظر درباره اشخاصی ندارند عقاید افراد محترم است و از هرگونه شایعات درباره دیگران خودداری شود.
الاحقر سید احمد زیارتی. امضاء

بسم الله الرحمن الرحيم

بر اخوان اهل اسلام در
سنگسر السلام عليكم و
رحمة الله وبركاته الحمد لله
جدیت آقای هزیر یزدانی
بخشودگی حضرت آیت الله
آقای زیارتی صورت
پذیرفت در رکاب ایشان
عازم زیارت حضرت ثامن
الائمه هستم در مراجعت
بدون هیچگونه مراسم و
اطلاع به سنگسر ورود
خواهند فرمود و امریه فوق
را که به امضای ایشان است
به اطلاع عموم برسانید و در
این باب با دولت همکاری
داشته باشید والسلام. به

تاریخ ۱۷ شوال المکرم ۱۳۹۷
الاحقر سید علی اکبر معروفی



علیرغم فشار ساواک از
دعاگویی و مدیحه سرایی رژیم
گذشته خودداری ورزید. در
سال ۱۳۵۴ با حمایت و دخالت
عناصر بهائی از سوی رژیم
پهلوی به ۳ سال تبعید در کاشان
محکوم شد و در تبعید گاه بر اثر
کسالتی که دچار شده بود همیشه
زمین گیر و سرانجام در ۲۷
ذیحجه ۱۳۹۹ هـ ق مطابق با
۱۳۵۷ شمسی به رحمت ایزدی
پیوست.

به: ۳۱۲

از: ۲۴۵۲۰

تاریخ: ۳۶/۸/۱۰

شماره: ۲۴۵۲۰/۷۶۶۴۸

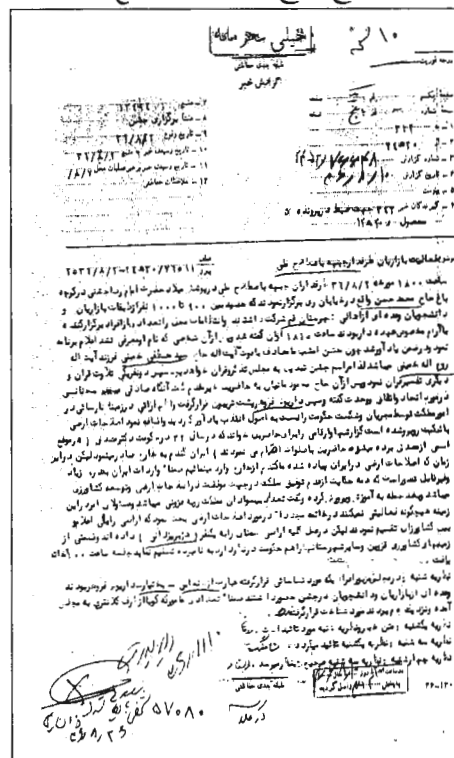
موضوع: فعالیت بازاریان طرفدار جبهه به اصطلاح ملی^۱

پیرو: ۲۵۳۶/۸/۲-۲۴۵۲۰/۷۶۵۱۱

۱- جبهه ملی: در روز ۲۳ مهر ماه ۱۳۲۸ جمعیت زیادی جلو خانه مصدق گرد آمدند و همراه او تا کاخ شاه در همان نزدیکی رفتند. مصدق در آن جا نامه ای را که در اعتراض به مداخلات نامشروع دولت در انتخابات تمام شهرستانها و تقاضای ابطال انتخابات تهیه کرده بود، تحویل داد. جمعیتی که در بیرون کاخ گرد آمده بود، می خواست که در داخل کاخ تحصن کند. سرانجام فرمانده گارد پس از نوزده نفر دیگر راه کاخ بلامانع اعلام کرد. از این نوزده نفر، هفت نفر (فاطمی، شایگان، سنجابی، نریمان، امیر علانی، زیرک زاده و کسویانی) تا کودتای ۱۳۲۳ پشتیبان مصدق ماندند. پنج نفر (بقائی، مکی، آزاد، حایری زاده و مشار) بعداً هر یک به طرفی رفتند و با دولت مصدق بنای مخالفت را گذاشتند. چهار نفر (سید جعفر غروی، ارسلان خلعتبری، حسن صدر و جلالی نائینی) یا کنار گود نشستند یا مختصر انتقاداتی از مصدق می کردند، و بقیه (عمیدی نوری، احمد ملکی و عباس خلیلی) کمی بعد بکلی از نهضت بریدند. پس از گذشت دو روز از تحصن در کاخ، که بدون هیچ واقعه ای سپری شد، تحصن کنندگان تصمیم گرفتند که با دست زدن به اعصاب غذا، اعتراضشان را نمایانتر کنند. اما اعصاب غذا چندان به درازا نکشید در نتیجه در روز ۲۷ مهر ماه ۲۸ با انتشار بیانیه ای نگرانی خود را از اینکه مداخلات غیر قانونی در انتخابات به حیف و میل شدن عزیزترین ذخایر ایران یعنی

ساعت ۱۸۰۰ مورخه ۳۶/۸/۲ طرفداران جبهه به اصطلاح ملی در پوشش میلاد حضرت امام رضا جشنی در کوچه باغ حاج محمدحسن واقع در خیابان

ری برگزار نمودند که خود بین ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر از طبقات بازاریان و دانشجویان و عده ای از اهالی شهرستان قم شرکت داشتند و انتظامات محل را تعدادی از افراد برگزارکننده با آرم مخصوص عهده دار بودند ساعت ۱۸۱۵ اذان گفته شد و پس از آن شخصی که نام او معرفی نشد اعلام برنامه نمود و در ضمن یادآور شد چون جشن امشب ما مصادف با فوت آیت اله حاج سید مصطفی خمینی^۲ فرزند آیت اله



روح اله خمینی می باشد لذا مراسم جشن تبدیل به مجلس تذکر و قرآن خواهد بود سپس دو نفر یکی تلاوت قرآن و دیگری تفسیر قرآن نمود و پس از آن حاج محمود مانیان^۳ به حاضرین خیرمقدم گفت آنگاه صادقی سخنانی در مورد اتحاد و اتفاق و وحدت گفته و سپس داریوش فروهر^۴ پشت تربیون قرار گرفت و اظهاراتی در زمینه نارسائی در امور مملکت توسط مجریان و شکست حکومت را نسبت به اصول انقلاب یادآور گردید و اضافه نمود اصلاحات ارضی با شکست روبرو شده است گزارشها و اراقامی را برای حاضرین خواند که در سال

۳۲ در حکومت دکتر مصدق^۵ (هر موقع اسمی از مصدق برده می شد حاضرین با صلوات احترام می نمودند) ایران گندم به خارج صادر می نمود لیکن در این زمان که اصلاحات ارضی در ایران پیاده شده ما گندم از خارج وارد می نماییم ضمناً واردات ایران به قدری زیاد و غیر قابل تصور است که همه حکایت از عدم توفیق مملکت در جهت موفقیت در اصلاحات ارضی و توسعه کشاورزی می باشد و بعد حمله به آموزش و پرورش کرده و گفت تعداد بیسوادان مملکت رو به فزونی می باشد و مسئولان امر در این زمینه هیچگونه فعالیتی نمی کنند در خاتمه مجدداً در مورد اصلاحات ارضی بحث نمود که اراضی را ملی اعلام و بین کشاورزان تقسیم نمودند لیکن در عمل کلیه اراضی سمنان را به یک نفر (هژبر یزدانی) داده اند و قسمتی از زمین های کشاورزی قزوین و سایر شهرستانها را هم حکومت در نظر دارد به نامبرده تسلیم نماید جلسه ساعت ۱۰۰۰ خاتمه یافت.

نظریه شنبه : در مجلس مزبور افرادی که مورد شناسائی قرار گرفته عبارت از سنجایی^۶ - بختیار^۷ - داریوش فروهر بودند و عده ای از بازاریان و دانشجویان در جشن حضور داشتند ضمناً تعدادی مأمور که گویا از طرف کلانتری به مجلس آمده و نزدیک هم بودند مورد شناخت قرار گرفتند.

نظریه یکشنبه : متن خبر و نظریه شنبه مورد تایید است. روحانی

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه تایید می گردد. شاهنگ

نظریه چهارشنبه : نظریه سه شنبه صحیح بنظر می رسد. استاد

در کلاس ۵۷۰۸۰ شخصی بایگانی شود. خوانساری

۳۶/۸/۲۶

نفت منتهی شود، ابراز داشتند و بدون حصول نتیجه ای ملموس کاخ را ترک کردند. سپس در خانه مصدق گرد آمدند تا تصمیمی آغاز کنند که پر دامنه تر از صرف مبارزه انتخاباتی از کار درآید. در این زمان این گروه احساس می کردند که علاوه بر نام به چارچوبی سیاسی نیز نیازمندند بر سر ماهیت و نوع سازمان سیاسی مورد نظر اختلافهایی وجود داشت. سرانجام همگان بر سر تشکیل جبهه به توافق رسیدند بر سر مسائل تشکیلاتی نیز بحثهایی مطرح شد این گروه در اول آبان ۱۳۲۸ با نام جبهه ملی اعلام موجودیت کرد.

در سال ۱۳۳۹ در زمان حکومت شریف امامی جبهه ملی بار دیگر به عنوان جبهه ملی دوم اعلام موجودیت و فعالیت کرد. همین گذاشتن نام جبهه ملی دوم دلیلی است بر اینکه رهبران آن پذیرفته بودند که کار جبهه ملی اول مدتهاست تمام شده و فعالیتش متوقف مانده است. با وجود این گروهی از مردم دعوت سران جبهه ملی دوم را قبول کرده و در تظاهرات آن شرکت می کردند بدون اینکه با دستگاه رهبری ارتباط سازمانی داشته باشند. در سال ۱۳۴۱ کنگره ای با ۱۷۰ نماینده متشکل از حزب ایران، حزب مردم ایران، حزب ملت ایران جمعیت آزادی مردم ایران (جاما) و برای تعیین خط مشی جبهه ملی تشکیل شد.

سرانجام جبهه ملی دوم نیز بر اثر اختلاف اعضا بر سر تعیین چهار چوب فعالیت های آن از هم پاشیده شد و آخر الامر «جبهه ملی سوم» متشکل از ملی گراها^۸

و معدودی از افراد مذهبی و حتی نیروهای چپ به وجود آمد که پس از مدت کوتاهی به پایان کار خود رسید.

در سال ۵۶ با وزیدن نسیم آزادیها و فضای باز سیاسی به دنبال اتخاذ سیاست فرییکارانه حقوق بشر از سوی کارتر، جبهه ملی در چهار چوب قانون اساسی آرام آرام خود را مجدداً احیا کرد. سیر فعالیتهای آن بعدها اثبات نمود که این احیاء هم به سود سیاستهای استعماری و به ضرر انقلاب اسلامی مردم ایران بود. در حالی که زمینه‌های مساعد برای انفجار عمومی فراهم گشته و می‌رفت که نطفه‌های آغازین انقلاب منعقد گردد، جبهه ملی به عنوان نیروی سیاسی مخالف در صحنه حاضر شد تا با مخالفت‌های صوری و محدود خود ابتکار عمل را در دست گرفته از تکوین انقلاب اسلامی برای سرنگونی رژیم پهلوی و استقرار حکومت اسلامی جلوگیری کند. نامه‌های سرگشاده به شاه اولین قدم در راه تثبیت سلطنت و تقلیل حدود مخالفتها از شاه به دولت بود.

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، دستگاه تبلیغاتی اربابان شاه در داخل و خارج بر روی جبهه ملی و عناصر همفکر آن متمرکز شد. در روزنامه‌ها و رادیوهای خارجی نظیر بی بی سی با رهبران جبهه ملی مصاحبه شده و تظاهرات و اعتصابات را به دروغ به آن منتسب می‌ساختند و از آن به عنوان بزرگترین جناح سیاسی مخالف و اصلی‌ترین جناح اپوزیسیون نام می‌بردند.

جبهه ملی در آن زمان سعی می‌کرد با تکیه به پذیرش رهبری حضرت امام (ره) چهره واقعی خود را و محافظه کاریها و

نظریات مسالمت آمیز و غیر انقلابی در مورد سلطنت رژیم شاهنشاهی، دموکراسی غربی، حاکمیت ملی غیر مذهبی و روابط با غرب را بی‌پوشاند. هرچند که در موضعگیریهای دو جانبه آن به وضوح برتری دیدگاههای غرب گرایانه و غیر انقلابی مشهود بود.

رک: خط ساشز ص ۵۰-۵۱ و ۵۲ و ۶۱

تحقیق و نگارش: مجتبی سلطانی
رک: محمد علی همایون کاتوزیان مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، فرزانه طاهری، چاپ اول، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۲، صفحات ۹۳ و ۹۴

رک: خاطرات امینی و روزنامه پیام انقلاب شماره‌های ۶۱ و ۶۳
۲- آیه‌الله سید مصطفی خمینی فرزند گرانقدر امام خمینی (سلام‌الله علیه) در آذرماه ۱۳۰۹ شمسی (۱۲ رجب ۱۳۴۹ هجری قمری) در شهر قم دیده به جهان گشود. او در محیطی آکنده از معنویت رشد کرد و در سن ۱۵ سالگی در حوزه علمیه قم به تحصیل علوم دینی پرداخت. دوره سطح را از محضر اساتیدی چون حائری، صدوقی، سلطانی و محمدجواد اصفهانی گذراند. در سن ۲۱ سالگی مشغول فراگیری دروس خارج شد و از محضر حضرات آیات بروجردی، امام خمینی و محقق داماد استفاده‌های علمی بسیاری نمود. فلسفه و کلام را نزد فیلسوفان نامداری چون علامه طباطبایی و آیه‌الله سید ابوالحسن قزوینی آموخت و در علم رجال و تاریخ نیز اطلاعات فراوانی کسب کرد. وی در حدود ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید. از آغاز مبارزه حضرت امام تا زمان تبعید ایشان

به ترکیه، پشت سر امام گام بر می‌داشت. همزمان با دستگیری و تبعید امام خمینی به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، منزل حاج آقا مصطفی نیز مورد تعرض مأموران رژیم قرار گرفت و در اثر حمله مأموران فرزندان خردسالش به شهادت رسید و خود توسط مأموران شهربانی قم دستگیر و روانه زندان قزل‌قلعه شد. عوامل رژیم قصد داشتند او را با میل خود از ایران برانند تا یساد و خراطره امام به دست فراموشی سپرده شود. بنابراین وی را پس از ۵۷ روز از زندان آزاد کردند و موافقتش را جهت خروج از ایران جلب نمودند. اما او پس از مشورت با استادان و فضلاء حوزه علمیه از مسافرت به ترکیه منصرف شد. به همین دلیل سرهنگ بدیعی، رئیس ساواک قم مجدداً او را دستگیر و به تهران اعزام کرد و از آنجا به ترکیه تبعید گردید. در سال ۱۳۴۴ به همراه امام عازم نجف اشرف شدند. او مدت ۱۳ سال در حوزه علمیه نجف به تدریس و تألیف و تربیت طلاب اشتغال یافت و دست به تألیفات زیادی از جمله القواعد الحکمة، القواعد الاصولیة، اصول مختصر و مفصل، شرح زندگانی معصومین (علیهم‌السلام) و تفسیر قرآن به سبک جدید زد که برخی از آنها ناساتام مانده است. وی دست راست امام محسوب می‌شد و یک چهره انقلابی بود که با روحانیون، روشنفکران و دانشجویان مسلمان داخل و خارج کشور ارتباط داشت. از این رو ساواک بر آن شد تا با به شهادت رساندن او، یک مخالف جدی را از سر راه رژیم بردارد و بدین ترتیب در اول آبان ۱۳۵۷

۱۳۵۶ به طرز مرموزی وی را در نجف اشرف به شهادت رساند. پیکر پاک او را به کربلا بردند و پس از غسل در آب فرات و طواف در حرمهای مطهر حضرت امام حسین و حضرت ابوالفضل (علیهما السلام)، به نجف بازگردانده و در ایوان طلای حضرت امیر (علیه السلام) به خاک سپردند. پس از شهادت ایشان، جمعی از طلاب با چشمانی اشکبار جهت عرض تسلیت خدمت حضرت امام رسیدند و ایشان به رغم مصیبت زدگی، در کمال صبر و آرامش فرمودند: «امانتی بود که خدا به ما داد و از ما گرفت، گریه ندارد! ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء».

ر.ک: راز توفان، یادنامه آیه الله سید مصطفی خمینی.

۳- محمود مانیان فرزند سلمان در سال ۱۲۹۹ ش در تهران بدنیا آمد. نامبرده طبق گزارش ساواک از بازاریهای طرفدار جبهه ملی و حضرت امام خمینی (ره) معرفی شده و در مسیر مبارزات مردمی سالهای ۵۶ و ۵۷ در حوزه بازار نقش فعال داشته و به همین لحاظ از سوی ساواک تحت مراقبت بوده است. در ضمن در مراسم ختم آیتاله حاج مصطفی خمینی در مورخه ۱۳۵۶/۸/۸ در مسجد ارک در تهران حضور داشته و در مورخه ۱۳۵۷/۷/۳۰ تهران را به قصد پاریس و دیدار با حضرت امام ترک نموده است. در گزارش دیگری آمده: نامبرده در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۵ به قم رفته و قرار بوده اعلامیه‌ای از آیتاله شریعتمداری مبنی بر حمایت از سنجایی و فروهر دریافت نماید. وی همچنین در سال ۱۳۳۳ در جزیره خارک و ۱۳۴۲ در تهران

نیز به اتهام اقدام به ضد امنیت کشور زندانی بوده است.

- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

۴- داریوش فروهر در سال ۱۳۰۷ در اصفهان بدنیا آمد. مبارزات سیاسی‌اش را از سال ۱۳۲۲ در دبیرستان آغاز کرد و در سال ۱۳۲۷ هنگام تحصیل در دانشکده حقوق به «مکتب که هسته بنیادی یک گروه سیاسی بود»، پیوست و در سال ۱۳۲۸ به هنگام بنیانگذاری جبهه ملی ایران، همراه با دانشجویان دیگر، به یاری دکتر مصدق شتافت و در دوره ۱۶ مجلس شورای ملی در موفقیت دکتر مصدق به او کمکهای شایانی کرد. در سال ۱۳۲۹ برای نخستین بار زندانی شد و در زمان حکومت رزم آرا بخاطر مبارزات ملی شدن صنعت نفت در دانشگاه، بار دیگر زندانی شد. در سال ۱۳۳۰ «مکتب» به «حزب ملت ایران» تبدیل شد و فروهر در پیمانه همان سال به دبیری این حزب انتخاب شد. وی در ۲۹ خرداد ۱۳۳۱، سالروز خلع ید استعمارگران، برای سومین بار بازداشت شد و در ۳۰ تیر همان سال، مبارزات یارانش را در میدان بهارستان رهبری کرد. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فروهر به مبارزات پنهانی ادامه داد و مردم را به مقاومت علیه کودتاچیان دعوت کرد و سرانجام در دی ماه همان سال دستگیر شد و به جزیره قشم تبعید گشت. در ۳۰ تیر ۱۳۳۹ در حالی که در زندان به سر می‌برد، به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی دوم برگزیده شد. فروهر از اندک شمار رهبران جبهه ملی بود که از دوران زندان قیام ۱۵ خرداد را نقطه عطف و

دگرگون‌ساز در پیکارهای ملت ایران اعلام کرد. وی در سال ۱۳۴۳ بار دیگر به همراه گروهی از یارانش به زندان افتاد و به ۳ سال زندان محکوم گشت. وی در سال ۴۵ از زندان آزاد شد و در سال ۴۹ نیز بدون محاکمه به ۳ سال زندان محکوم گشت. در سال ۵۶ به کوشش او و یارانش، «اتحادیه نیروهای جبهه ملی» تشکیل شد.

در سال ۵۷ (۲۶ دی ماه ۵۷) همراه با دکتر سنجایی که از دیدار با امام بازگشته بود، برای (۲۶) بیست و ششمین بار زندانی شد و پس از آزادی به پاریس رفت و پس از ۱۸ روز همراه امام به ایران بازگشت. و در دولت موقت به سمت وزیر کار انتخاب شد.

وی در سال ۵۸ نماینده منتخب حزب ملت ایران برای ریاست جمهوری ایران شد.

سرانجام داریوش فروهر در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۷۷ در منزل مسکونی خود در تهران به همراه همسرش به قتل رسید.

۵- دکتر محمد مصدق ملقب به مصدق السلطنه فرزند میرزا هدایت در سال ۱۲۶۱ شمسی به دنیا آمد. وی در سن ۱۷ سالگی مستوفی خراسان شد. تحصیلات مقدماتی را در تهران به انجام رسانید و در سال ۱۲۸۷ برای تحصیلات عالیه به پاریس رفت. بعد از اتمام دوره مدرسه علوم سیاسی پاریس، به دانشگاه توشاش سوئیس وارد شد و در سال ۱۲۹۳ با اخذ درجه دکتری در حقوق، به ایران بازگشت. چون مخالف قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس بود، در بهار ۱۲۹۸ به سوئیس بازگشت و قصد داشت در آنجا مشغول

کار شود که کابینه مشیرالدوله برای تصدی وزارت دادگستری از وی دعوت کرد. در حین مراجعت به ایران در پائیز ۱۲۹۹ به حکومت فارس منصوب شد. با ایسن همه در همان سال از شناسایی کودتای سیدضیاءالدین طباطبائی امتناع ورزید. پس از سقوط سید ضیاءالدین در سال ۱۳۰۰ به وزارت دارایی منصوب شد و به اصلاحات در این وزارتخانه پرداخت. در سال ۱۳۰۱ به حکومت آذربایجان دست یافت و بعد از چندی به علت عدم موافقت دولت مرکزی با نظریات او از این سمت استعفا داد. در سال ۱۳۰۲ وزیر امور خارجه شد در سال ۱۳۰۳ در دوره پنجم قانونگذاری به نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در این دوره با واگذاری سلطنت به سردار سپه مخالفت کرد. در دوره ششم مجدداً به وکالت مجلس از طرف مردم تهران انتخاب شد و ضمن مخالفت با تشکیل مجلس مؤسسان، پس از اتمام این دوره چون دولت در انتخابات مجلس دخالت کرد، از سیاست کناره گرفت و در قریه احمدآباد در غرب تهران اقامت گزید. با اینکه به کلی از سیاست کناره گرفته بود، در چهارم تیرماه ۱۳۱۹ به وسیله شهربانی تهران توقیف شد و پس از اعزام به بیرجند، تا آذرماه همان سال در زندان عمومی آن شهر محبوس بود. سپس مجدداً به احمدآباد تبعید شد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ در دوره چهاردهم و شانزدهم بار دیگر از طرف مردم تهران به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. در این دوره برای استیفای حفاظت ایران از

شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت انگلستان جبهه ملی را تشکیل داد و به مبارزه پرداخت و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت را از تصویب مجلس شورای ملی گذراند در اردیبهشت ۱۳۳۰ برای اجرای این قانون و خلع ید از شرکت نفت سابق، نخست‌وزیری ایران را قبول کرد. موفقیت مصدق در جریان نهضت ملی شدن نفت، مرهون حمایتها و پشتیبانیهای روحانیون و نیروهای مذهبی بود که در رأس آنها آیه‌الله کاشانی قرار داشت. اما بروز اختلاف میان آیه‌الله کاشانی و مصدق که با تفکرات لیبرالیستی و ملی‌گرایی همواره مدافع جدایی دین از سیاست بود، موجب گردید که حکومت شاه با همکاری سیا، نقشه‌هایی را برای سرنگونی حکومت مصدق طرح‌ریزی کنند. در تیرماه ۱۳۳۱ با اینکه مجلس جدید (دوره هفدهم) به نخست‌وزیری او رأی تمایل داده بود، به سبب اختلاف نظر با محمدرضا پهلوی برای تصدی وزارت دفاع ملی، از تشکیل دولت جدید استکاف کرد و شاه، قوام‌السلطنه را به نخست‌وزیری منصوب نمود، ولی ملت با قیام سی‌تیر به رهبری آیه‌الله کاشانی مجدداً او را به نخست‌وزیری برگزید. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت مصدق سقوط کرد و او پس از محاکمه در یک دادگاه نظامی، به ۳ سال زندان محکوم شد. در شهریور ۱۳۳۵ از زندان آزاد شد و در احمدآباد تحت نظر قرار گرفت. مصدق در ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ بر اثر بیماری درگذشت. ع‌کریم سنجابی فرزند قاسم سنجابی (سردار ناصر، رئیس ایل

سنجابی) در سال ۱۲۸۳ شمسی در سنجابی از محلات کرمانشاه متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در قصر شیرین و دوره اول متوسطه را در کرمانشاه و دوره دوم متوسطه را در تهران و دوره لیسانس را در مدرسه عالی حقوق گذارند. وی در سال ۱۳۰۷ جزو اولین گروه محصلین اعزامی به فرانسه رفت و در آنجا مجدداً دوره لیسانس حقوق را در دانشگاه نانسی و دوره دکترای حقوق را در دانشگاه پاریس گذراند و رساله خود را راجع به کشاورزی و روستاییان و مالکیت ارضی در ایران به زبان فرانسه در سال ۱۳۱۳ گذارند و در همان سال به ایران بازگشت. سنجابی مشاغل را در اداره کل اوقاف، وزارت فرهنگ و وزارت دارائی به عهده داشت و در حین حال ابتدا دانشیار و سپس استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد.

در سال ۱۳۲۲ به سمت رئیس دانشکده حقوق برگزیده شد. و در سال ۱۳۲۵ جزو هیأتی بود که اولین برنامه هفت ساله صنعتی ایران را تدوین کرد. در سال ۱۳۳۰ در کابینه مصدق وزیر فرهنگ بود، اما برای شرکت در انتخابات دوره هفدهم از این سمت استعفا داد. وی در سفرهای مصدق به شورای امنیت سازمان ملل و دیوان داورى لاهه با وی بود و در لاهه به عنوان قاضی اختصاصی ایران در دادگاه شرکت کرد. در آغاز انقلاب به پاریس رفت و در نوفل‌لوشاتو به دیدار حضرت امام (ره) رفت و با اعلام موافقت با مواضع امام، با حرکت انقلاب اسلامی همگام گشت و در کابینه بازرگان مدتی کوتاه سمت وزارت امور خارجه

را داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی جبهه ملی در یک موضع‌گیری سیاسی اعلام کرد که حکومت اسلامی به بن بست رسیده است. حضرت امام (ره) با مرتد دانستن افرادی که چنین بیانی دارند، باعث برچیده شدن این گروه از کشور شد و سنجایی از ایران گریخت. وی نهایتاً در اول تیر ماه سال ۱۳۷۴ در سن ۹۰ سالگی در گذشت.

۷- شاپور بختیار فرزند سالار فاتح بختیاری نوه دختری صمصام السلطنه، در سال ۱۲۹۴ ش. در چهارمحال بختیاری متولد شد. تحصیلات ابتدائی و قسمتی از متوسطه را در اصفهان گذراند. ۱۸ سال داشت که پدرش در زندان قصر به اتفاق عده زیادی از سران عشایر فارس و بختیاری اعدام شدند. شاپور، برای ادامه تحصیل به لیسان رفت و در مدرسه فرانسویها به تحصیل پرداخت و دیپلم خود را در بیروت گرفت. سپس برای ادامه تحصیل، راهی

فرانسه شد. ابتدا از دانشگاه حقوق پاریس، درجه دکترای حقوق بین‌المللی عمومی دریافت و سپس به سوربن رفت و در رشته علوم سیاسی، دکترای گرفت. چون زمان پایان تحصیل وی، مصادف با جنگ جهانی دوم بود، به عضویت ارتش فرانسه درآمد و مدت یک سال و نیم در ارتش خدمت کرد و به درجه افسری رسید.

اواسط دهه ۱۳۲۰، به ایران بازگشت و به استخدام وزارت کار و تبلیغات درآمد. مدتی مدیرکل اداره کار خوزستان بود. سپس در تهران به معاونت وزارت منصوب و تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در این سمت باقی ماند.

پس از دستگیری دکتر مصدق، فعالیت خود را در نهضت مقاومت و جبهه ملی آغاز و چند بار دستگیر و احضار شد. وی - که از اوان ورود، به حزب ایران پیوسته بود - پس از برکناری اللهیار صالح، به رهبری حزب ایران رسید و در دی ۱۳۵۴،

پیشنهادهای نخست‌وزیری را پذیرفت و به محض انتشار این خبر، شورای جبهه ملی، در یک نشست فوق‌العاده، وی را از عضویت برکنار و حزب ایران، ابوالفضل قاسمی را به جای وی، تعیین کرد.

بختیار، در دوران حکومت ۳۷ روزه خود، مرتکب جنایات و کشتار وسیعی گردید و علی‌رغم ادعای سوسیال دمکرات بودنش، به قتل عام پرداخت. اما قدرت ایستادگی در برابر انقلاب را نداشت. سرانجام در ظهر ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، از نخست‌وزیری گریخت و به فرانسه پناهنده شد. وی، با کمک آمریکا، عراق، مصر و کشورهای منطقه، به تبلیغات وسیعی علیه انقلاب پرداخت. اما کاری از پیش نبرد و سرانجام در پاریس کشته شد.

(روزشمار انقلاب اسلامی، ج اول، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی)

به : تیمسار سرلشکر ارم ریاست محترم
 قسمت رسیدگی به تخلفات
 از : کارمندان دولت در نخست وزیری
 پیرو ۲۷۸/۳۶-۳۶/۵/۵ و ۲۷۸/۳۶-۳۶/۷/۲۶
 تاریخ: ۲۵۳۶/۹/۱۷
 شماره: ۹۵/۱۳/۳۶

خواهشمند است دستور فرمائید سریعاً چنانچه سابقه‌ای از تحقیقات در مورد اختلاف فیما بین آقایان هژبر یزدانی و یوسف خوش کیش در نزد جنابعالی



تاریخ: ۲۵۳۶/۹/۱۷
 شماره: ۹۵/۱۳/۳۶

پست: ۴: تیمسار سرلشکر ارم ریاست محترم بخش
 از: کارمندان دولت در نخست وزیری
 موضوع:

پیرو ۲۷۸/۳۶ و ۳۶/۵/۵ در ۲۷۸/۳۶
 دستورالعمل سرکار عالی در خصوص رسیدگی به تخلفات در مورد
 تخلفات آقایان هژبر یزدانی و یوسف خوش کیش در نزد جنابعالی
 مطرح بود. در همین مورد آقایان هژبر یزدانی و یوسف خوش کیش
 علیه آقای هژبر یزدانی عمده استناد در ۱۰۱ آیین دادرسی کیفری
 این در پرونده بهم شده و بطوریکه رسیدگی است تمام تا این مرحله
 در کارهای دادرسی در دست کار و در حال حاضر جابجایی در دست نیست
 در همین رابطه می‌تواند مراتب بهم گزارش کند و در همین رابطه
 در ادامه مکاتبات در مورد پرونده در دست کار است
 در این مورد ۱۳ دادرسی تمام در دست کار است
 در ۱۳/۹/۳۶

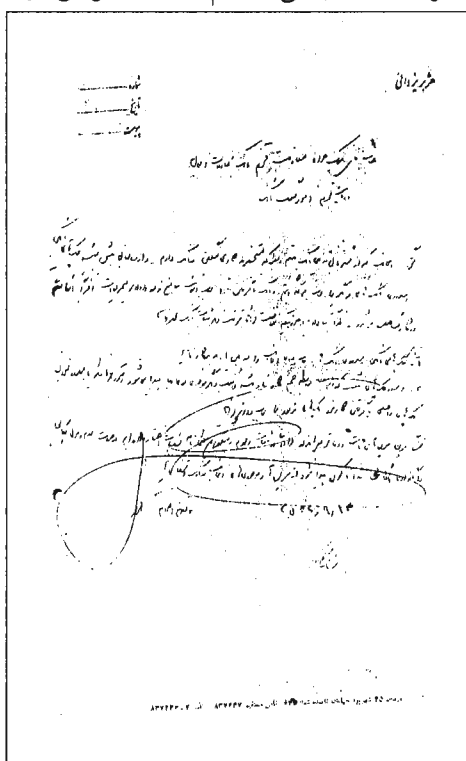
مطرح بود. و در جریان آن
 آقای جهانبخش انهارى
 كنارسرى اظهاراتى عليه
 آقای هژبر یزدانی نموده به
 استناد ماده ۱۰۱ آئین
 دادرسی کیفری به این
 بازپرسی اعلام شود در غیر
 اینصورت اقدام قانونی
 معمول می‌گردد و اگر
 سوابقی وجود ندارد و یا در
 حال حاضر جنابعالی در
 سمت مزبور انجام وظیفه
 نمی‌فرمائید مراتب اعلام
 گردد که تعیین تکلیف شده و
 از ادامه مکاتبه در این مورد
 خودداری گردد.

بازپرس شعبه ۱۳ دادسرای تهران و بخش ۳۶/۹/۱۲

تاریخ: ۲۵۳۶/۹/۱۳

جناب آقای نیکخواه معاونت محترم بانک صادرات
ایران و ریاست محترم امور شعب بانک

محترماً اینجانب که از مشتریان قدیمی بانک هستم و به طوری که
مستحضرید کاری سنگین در بانک دارم - و از سالیان پیش شعبه چک‌های
بانکی و مسدودی بانک‌های دیگر را به حساب می‌گذاشتم و بانک با گرفتن تعهد



به حساب اینجانب مبالغ
مزبور را واریز می‌نموده
است اخیراً اشکالاتی در کار
مشاهده می‌گردد - لذا تقاضا
دارد در صورتی که موافقت
فرمائید تا ترتیب دیگر
شعبات بانک عمل نمایند.

۱- چک‌های بانکی و
مسدودی بانک‌ها به حساب
جاری اینجانب را در این ماه
بدهکار نمایند.

۲- در مورد چک‌های شعب
که اینجانب بواسطه حجم
کار زیاد شعبه در شعب دیگر
موجودی در حسابها پیدا
می‌شود دستور فرمایید با

مسدود نمودن چک‌های داخلی با گرفتن کارمزد چک‌های مزبور را به حساب
واریز فرمایند.

ضمناً چون سپرده‌های ثابت و دفاتر پس‌انداز فراوانی در شعبات دارم و می‌توانم
طی نامه شعبات اختیار داده‌ام در صورت عدم وصول چک‌های واگذاری اشکالی
خدای ناکرده پیدا شود از سپرده‌ها و موجودی‌های اینجانب در بانک استفاده
نمائید.

با تقدیم احترام یزدانی

از: اداره کل دوم

تاریخ: ۳۶/۹/۱۴

آقای حبیب اخوان^۱

آقای نیکخواه عضو هیئت مدیره بانک صادرات ایران
در مورخه ۳۶/۹/۱۳ شخصی که خود را آیت اله علامه نوری معرفی نموده و
شماره تلفن خود را نیز ۳۱۹۳۴۳ ذکر کرده است با آقای نیکخواه عضو هیئت
مدیره بانک صادرات ایران تلفنی اخذ تماس حاصل و اظهار داشته که جامعه

روحانیت در ایران اطلاع
حاصل نموده که دو سوم
سهام بانک صادرات ایران را
به بهائیان (منظور آقای هژبر
یزدانی) خریداری کرده اند.
بنابراین با توجه به اینکه
ملت ایران مردمی اهل تشیع
می باشند جامعه روحانیت
در نظر دارد برای روز اول
محرم (برابر با
۲۵۳۶/۹/۲۱) فتوا دهد که
ملت ایران از باز کردن
حساب در بانک صادرات
ایران خودداری نمایند زیرا
انجام این امر خلاف شرع و
اصول مذهب تشیع می باشد.

سری

در مورخه ۳۶/۹/۱۳ شخصی که خود را آیت اله علامه نوری معرفی نموده و تلفن خود را ۳۱۹۳۴۳ ذکر کرده است با آقای نیکخواه عضو هیئت مدیره بانک صادرات ایران اطلاع حاصل نموده که دو سوم سهام بانک صادرات ایران را به بهائیان (منظور آقای هژبر یزدانی) خریداری کرده اند. بنابراین با توجه به اینکه ملت ایران مردمی اهل تشیع می باشند جامعه روحانیت در نظر دارد برای روز اول محرم (برابر با ۲۵۳۶/۹/۲۱) فتوا دهد که ملت ایران از باز کردن حساب در بانک صادرات ایران خودداری نمایند زیرا انجام این امر خلاف شرع و اصول مذهب تشیع می باشد.

آیت اله علامه نوری در دنیا لاهوتان خود را از تشیع جدا نموده و بهائیان را بهائیان و سادات را سادات ایران و شیعیان را شیعیان ایران می داند. در این صورت با توجه به اینکه سادات ایران و شیعیان ایران از تشیع جدا شده اند و بهائیان را بهائیان و سادات را سادات ایران و شیعیان را شیعیان ایران می داند. در این صورت با توجه به اینکه سادات ایران و شیعیان ایران از تشیع جدا شده اند و بهائیان را بهائیان و سادات را سادات ایران و شیعیان را شیعیان ایران می داند.

آقای حبیب اخوان اظهار داشت که در مشهد نیز چنین شایعاتی بوجود آمده زیرا
یزدانی در میان روحانیان شهر مشهد تشیع اعلام کرده و سادات ایران و شیعیان ایران را
شیعیان ایران می داند و بهائیان را بهائیان و سادات را سادات ایران و شیعیان را شیعیان ایران می داند.
برخی از روحانیان مشهد و تبریز و سایر شهرها نیز چنین شایعاتی را پخش کرده اند و تشیع را
بهائیان و سادات را سادات ایران و شیعیان را شیعیان ایران می داند. در این صورت با توجه به اینکه سادات ایران و شیعیان ایران از تشیع جدا شده اند و بهائیان را بهائیان و سادات را سادات ایران و شیعیان را شیعیان ایران می داند.

این فتوا در روز ۲۵۳۶/۹/۲۱ در مشهد و سایر شهرها پخش شد و بهائیان و سادات را سادات ایران و شیعیان را شیعیان ایران می داند.

۱- حبیب اخوان فرزند علی اکبر
در سال ۱۲۹۷ ش در تهران
بدنیا آمد. نامبرده عضو کلوب
عصر و باشگاه ورزشی
شاهنشاهی و از مؤسسين بانک
صادرات ایران و معادن و عضو
هیأت مدیره بانک صادرات و
عضو شورای پول و اعتبار بوده
و از سال ۱۳۵۳ سفیر اقتصادی
ایران در منطقه خلیج فارس بوده
است.
- اسناد ساواک، پرونده های
انفرادی

آیت الله علامه نوری در دنبال سخنان خود اضافه نموده در صورتی که سهام
بهائیان در بانک صادرات ایران توسط افراد مسلمان خریداری گردد جامعه
روحانیت در ایران از فتوای تحریم بانک صادرات ایران خودداری خواهد نمود.
نظریه منبع:
آقای حبیب اخوان اظهار داشت که در مشهد نیز چنین شایعاتی بوجود آمده زیرا
گفته می شود آقای هژبر یزدانی در مجالس و محافل اظهار داشته که قسمت اعظم
سهام بانک صادرات ایران و بانک ایرانیان را شخصاً خریداری نموده و بدین

ترتیب نامبرده (هژبر یزدانی) با ابراز چنین مطالبی موجب بروز حساسیت در برخی از جوامع مذهبی و غیره گردیده است. بنابراین در صورتی که به مصلحت تشخیص داده شود به نحو مقتضی به آقای هژبر یزدانی توصیه گردد که از ابراز چنین مطالبی جداً خودداری نماید.

توضیح اداره کل دوم :

مراتب مشروحه فوق در مورخه ۲۵۳۶/۹/۱۴ طی یک فقره گزارش خبری به اداره کل سوم اعلام گردیده است.

شماره: ۲۸۰/۱۲هـ

تاریخ: ۲۵۳۶/۶/۱۵

جناب آقای مهندس نیکخواه معاونت بانک در امور شعب

با تقدیم‌نامه آقای هژبر یزدانی خواهشمند است موافقت فرمائید در مورد چکهای واگذاری ایشان و شرکتهای وابسته موجود که روزانه به شعب واگذار می‌نماید به طریق ذیل عمل گردد.

۱- چکهای بانک صادرات که ایشان واگذار می‌کند شعبه دریافت‌کننده بلافاصله

مبلغ چک را از شعبه‌ای که مربوط به آن است تلفنی مسدود و وجه آن را از حساب مبادلات شعب (حواله‌های شهری) با صدور سند برداشت و در همان روز قبل از پایان وقت اداری توسط تحصیلدار و یا پاسدار شعبه چک و اعلامیه را به شعبه‌ای که چک مربوط به آن است ارسال می‌دارد شعبه دریافت‌کننده چک با توجه به قبولی که قبلاً داده مبلغ چک را از حساب کشنده پاس نموده و وجه آن را با صدور سند بستانکار به

جناب آقای مهندس نیکخواه معاونت بانک در امور شعب

با تقدیم‌نامه آقای هژبر یزدانی خواهشمند است موافقت فرمائید در مورد چکهای واگذاری ایشان و شرکتهای وابسته موجود که روزانه به شعب واگذار می‌نماید بطریق ذیل عمل گردد.

۱- چکهای بانک صادرات که ایشان واگذار می‌کند شعبه دریافت‌کننده بلافاصله مبلغ چک را از شعبه‌ای که مربوط به آن است تلفنی مسدود و وجه آن را از حساب مبادلات شعب (حواله‌های شهری) با صدور سند برداشت و در همان روز قبل از پایان وقت اداری توسط تحصیلدار و یا پاسدار شعبه چک و اعلامیه را به شعبه‌ای که چک مربوط به آن است ارسال می‌دارد شعبه دریافت‌کننده چک با توجه به قبولی که قبلاً داده مبلغ چک را از حساب کشنده پاس نموده و وجه آن را با صدور سند بستانکار به حساب مبادلات حواله‌های شهری واپس‌نماید بدین ترتیب در پایان روز رقم برداشتی از شعبه دریافت‌کننده چک، با رقم واپسری در شعبه‌ای که چک مربوط به آن است تراز و رقم بازی وجود نخواهد داشت. ضمناً شعبه برداشت‌کننده وجه حاکم بودن است در پایان هر روز صورت‌گیری از وجوه چکهای که بطریق فوق از حساب‌سایر شعب برداشت نموده در دو نسخه تهیه نموده اول را به دفتر مدیران امور شعب و نسخه دوم را به منطقه مربوطه ارسال دارد.

۲- در برابر چکهای واگذاری سایر بانکها (عمران، بانک صادرات) با توجه به دستورالعمل‌های که در منطقه دارد شعبه باید معادل وجه چکهای واگذاری حساب آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته موجود به کار و معادل مبلغ به‌کار ببره طبق تعرفه اخذ نماید. ضمناً توجه نمود طبق درخواست امرویه می‌باشد که بهر طبقه برگشت‌دهنده وجه آنرا از محل صدور وای ایشان بلافاصله واپس‌نماید. و برای اینکه در پایان ماه سطح اعتبارات شعب فزونی نیابد از روز ۲۵ هر ماه از قبولی چکهای سایر بانکها بطریق فوق خودداری شود.

مدیر امور شعب
ه. هژبر یزدانی

حساب مبادلات حواله‌های شهری واریز می‌نماید بدین ترتیب در پایان روز رقم برداشتی از شعبه دریافت‌کننده چک با رقم واریزی در شعبه‌ای که چک مربوط به آن است تیک و رقم‌بازی وجود نخواهد داشت. ضمناً شعبه برداشت‌کننده وجه چک موظف است در پایان هر روز صورت‌ریزی از وجوه چکهای که به سه طریق فوق از حساب سایر شعب برداشت نموده در دو نسخه تهیه نموده اول را به دفتر مدیران امور شعب و نسخه دوم را به منطقه مربوطه ارسال دارد.

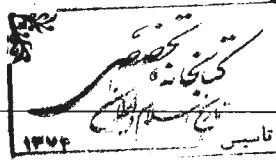
۲- در برابر چکهای واگذاری سایر بانکها (غیر از بانک صادرات) با توجه به

میزان سپرده‌هایی که در آن منطقه دارد شعبه باید معادل وجه چکهای واگذاری حساب آقای هزبر یزدانی و شرکتهای وابسته موجود بدهکار و معادل مبلغ بدهکار بهره طبق تعرفه اخذ نماید. ضمناً توجه شود طبق درخواست نامبرده چنانچه چکی به هر علتی برگشت شد وجه آن را از محل سپرده‌های ایشان بلافاصله واریز نماید. و برای اینکه در پایان ماه سطح اعتبارات شعبه فزونی نیابد از روز ۲۸ ماه از قبولی چکهای سایر بانکها به طریق فوق خودداری شود.

مدیر امور شعب

با پیشنهاد موافقت شود ضمناً اعلام می‌دارد که کلیه موافقتنامه قبلی راجع به امر فوق منعکس است.

نیکخواه



به: ۳۱۲

از: ۱۲۵۲۰

تاریخ: ۳۶/۹/۱۷

شماره: ۱۲۵۲۰/۲۴۴۳۷ ه ۱۲

موضوع: تماس فرد ناشناسی با علی اصغر حاج سیدجوادی^۱

۱- علی اصغر حاج سیدجوادی در سال ۱۳۰۴ ش در تهران متولد شد. کارشناسی رشته حقوق را در دانشگاه تهران و دکترای فلسفه را از دانشگاه سوربن فرانسه گرفت. حاج سید جوادی ابتدا به عضویت حزب توده ایران درآمد. در جریان اشغال همراه خلیل ملکی و جلال آل احمد به حزب زحمتکشان ملت ایران و سپس نیروی سوم پیوست. پس از کودتای ۲۸ مرداد به عضویت جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی درآمد و در کنار کار سیاسی به فعالیت‌های مطبوعاتی روی آورد. در روزنامه «داریا» حسن ارسنجانی مقاله می‌نوشت. زمانی با روزنامه اطلاعات و سپس کیهان همکاری می‌نمود با تأسیس کانون نویسندگان به عضویت کانون درآمد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی «جنبش سیاسی» را پایه‌گذاری نمود. با شدت فعالیت‌های منافقین به سازمان پیوست. پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به فرانسه پناهنده شد و به عضویت شورای مقاومت ملی پذیرفته شد. پس از مدتی از شورا اخراج گردید و به کار مقاله نویسی در نشریات ملی بعضاً نزدیک به محافل سلطنت طلبان مشغول شد.

از آثار وی:

بحران ارزشها / حکایت
همچنان باقی است / فرهنگ
جهان سوم / اعراب و اسرائیل
و...

انقلاب اسلامی به روایت اسناد
ساواک / ج اول / ص ۱۴۹.

فرد ناشناسی ضمن تماس با علی اصغر حاج سیدجوادی به وی اظهار داشت بالاخره فهمیدی جریان واقعه روز عید قربان زیر سر هژبر یزدانی و دارودسته او بوده؟ حاج سیدجوادی پاسخ داد تصور نمی‌کنم فرد ناشناس افزود چرا قربان همینطور است. سپس حاج سیدجوادی گفت اینها تربیت شده‌های خودشان بودند و بعید نیست او هم دست داشته باشد.

نظریه یکشنبه: نظری ندارد
نظریه سه‌شنبه: گزارش خبر
بالا قابل ملاحظه و درخور
بررسی نیز می‌باشد.
نظریه چهارشنبه: نظریه
سه‌شنبه تایید می‌گردد.

درجۀ فوریت

موضوع: تماس فرد ناشناسی با علی اصغر حاج سیدجوادی

تاریخ: ۱۳۶۰/۹/۱۷

شماره: ۱۲۵۲۰/۲۴۴۳۷ ه ۱۲

فرد ناشناسی ضمن تماس با علی اصغر حاج سیدجوادی به وی اظهار داشت بالاخره فهمیدی جریان واقعه روز عید قربان زیر سر هژبر یزدانی و دارودسته او بوده؟ حاج سیدجوادی پاسخ داد تصور نمی‌کنم فرد ناشناس افزود چرا قربان همینطور است. سپس حاج سیدجوادی گفت اینها تربیت شده‌های خودشان بودند و بعید نیست او هم دست داشته باشد.

نظریه یکشنبه: نظری ندارد
نظریه سه‌شنبه: گزارش خبر بالا قابل ملاحظه و درخور بررسی نیز می‌باشد.
نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه تایید می‌گردد.

۲۰۱۸۰

شعبه

تاریخ: ۱۳۵۳۶/۹/۱۷

شماره: ۵۹

پیوست فتوکپی نامه شماره ۱۴۵/۲۸-۲۵۳۶/۹/۱۵ آقای مدیر امور شعب عنوان معاونت بانک در امور شعب راجع به نحوه وصول و پرداخت وجه چریکهای انتقالی واگذاری آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته ایشان (شرکتهای موجود که هم اکنون دارای حساب می باشد) ارسال می گردد که منبع

مطابق آن عمل نمائید.

ضمناً نکاتی را که در این نامه به آنها اشاره شده یادآور می گردد.

- ۱- هر نوع مجوز - موافقتنامه و دستور قبلی در این مورد لغو گردیده است.
- ۲- چکهای عمده سایر شعب خودمان ابتدا تلفنی مسدود و سپس از حساب حواله های شهری برداشت می شود که طبق تعرفه باید کارمزد اخذ شود.
- ۳- مسئولیت آن شعبه در مورد ارسال چک و اعلامیه به شعبه طرف حساب به

شماره ثبت: ۴۸۳۲

تاریخ: ۱۳۵۳۶/۹/۱۷

بنام: شعبه

پیوست فتوکپی نامه شماره ۱۴۵/۲۸-۲۵۳۶/۹/۱۵ آقای مدیر امور شعب عنوان معاونت بانک در امور شعب راجع به نحوه وصول و پرداخت وجه چریکهای انتقالی واگذاری آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته ایشان (شرکتهای موجود که هم اکنون دارای حساب می باشد) ارسال می گردد که منبع مطابق آن عمل نمائید.

۱- هر نوع مجوز - موافقتنامه و دستور قبلی در این مورد لغو گردیده است.

۲- چکهای عمده سایر شعب خودمان ابتدا تلفنی مسدود و سپس از حساب حواله های شهری برداشت می شود که طبق تعرفه باید کارمزد اخذ شود.

۳- مسئولیت آن شعبه در مورد ارسال چک و اعلامیه به شعبه طرف حساب به شعبه همان روزستان کارمزد مسدود و واریزهای آن نمائید.

۴- تهیه و ارسال صورت این قبیل چکها در پایان هر روز.

۵- بدهکار کردن حساب جاری و فعال چکهای واگذاری عمده سایر بانکها تا حدود حد اکثریته نقدی دریافتی.

۶- اخذ وثیقه نقدی (پردی پس انداز برود، ثابت) و مطابق اینکریا معتقد فراد ارباب

۷- اخذ بهره (بدین نام کارمزد) طبق تعرفه در قبال بدهکاری حساب.

۸- توجه به حد بدهکار در قبال واریزهای روزانه تا پایان روز.

۹- لزوم به حسابگردن بدهکار حساب در پایان ماه یا استفاده از فرصت چند روز آخر ماه.

۱۰- حساب بدهکار به روز شود و مبلغ وصول و چکهای انتقالی عمده سایر بانکها به هر واریزها حد شود.

۱۱- برداشت وثیقه نقدی واریزهای حساب در روز کارمزد (نوع) که وجه چکها به وصول شده و حساب بدهکارهای معادله است.

روپوش:

۱- آقای رئیس حوزه ۱۹/۳ برای اجازه و امضاء لازم

۲- آقای رئیس حوزه ۱۹/۴

۳- اخذ و امضاءات منطقه ۵

نحوی که همان روز بستانکار نیز عمل شود و ارقام باز باقی نماند.

۴- تهیه و ارسال صورت این قبیل چکها در پایان هر روز.

۵- بدهکار کردن حساب جاری در قبال چکهای واگذاری عمده سایر بانکها تا حدود حداکثر وثیقه نقدی دریافتی.

۶- اخذ وثیقه نقدی (موجودی پس انداز و سپرده ثابت) در مقابل این کار با عقد قرارداد های لازم.

۷- اخذ بهره (و طبقاً کارمزد) طبق تعرفه در قبال بدهکاری حساب.

- ۸- توجه به مدت عمل در هر ماه از اول تا پایان روز بیست و هفتم ماه.
- ۹- لزوم بستانکار شدن مانده حساب در پایان ماه با استفاده از او فرصت چند روز آخر ماه که حساب بدهکار نمی شود و مسلماً با وصول وجه چکهای انتقالی عهده سایر بانکهای بدهی واریز خواهد شد.
- ۱۰- بر داشت وثیقه نقدی و واریز آن به حساب در موارد لزوم که وجه چکها به موقع وصول نشده و حساب بدهکار باقی نمانده است. منطقه ۱۲

رونوشت :

- ۱- آقای رئیس حوزه ۱۲/۳ برای اطلاع و نظارت لازم
- ۲- آقای رئیس حوزه ۱۲/۴ برای اطلاع و نظارت لازم
- ۳- امور اعتبارات منطقه

به: ۳۱۲

تاریخ: ۳۶/۹/۲۶

از: ۲۱ هـ

شماره: ۲۱/۶۰۸۶

موضوع: نظر آیت‌اله گلیایگانی^۱ درباره بانک صادرات

پیرو ۳۶/۹/۲۶ - ۲۱/۶۰۸۵

۱- آیت‌الله سید محمدرضا گلیایگانی در سال ۱۲۷۷ شمسی در روستای گوگرد در شش کیلومتری گلیایگان دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را نزد پدر، آیت‌الله ملاتی گوگردی، آقا ضیاءالدین اراکی و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی گذراند. پس از تأسیس حوزه علمیه قم، به دعوت آیت‌الله‌العظمی حائری یزدی به قم رفته و مدارج عالی علوم حوزوی را در این شهر کسب نمود. تبحر ایشان در علم فقه موجب شد که هفتاد سال مدرس این علم در حوزه علمیه قم باشد. وی همچنین از مهاجرت علما و زعمای حوزه علمیه نجف به قم در سال ۱۳۴۱ هجری قمری کمال بهره را برد و برای مدتی هر چند کوتاه از محضر درس برخی از آنان همچون آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله نائینی و غروی اصفهانی بهره‌مند گردید. با درگذشت آیت‌الله حائری، آقای گلیایگانی مسئولیتهای سنگین‌تری را متقبل شد و به تدریس دروس خارج فقه و اصول همت گماشت و تا پیش از ارتحال، همواره کلاس درس خارج معظم له در مسجد اعظم قم، یکی از بزرگترین مکاتب تدریس علوم دینی بود. در پی درگذشت آیت‌الله بروجردی نیز بخش اعظم وظایف آن عالم ربانی در اداره حوزه علمیه قم به ایشان واگذار شد. با شروع نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی (سلام‌الله علیه) ایشان همواره حامی نهضت و پشتیبان امام بود. بیشتر اعلامیه‌های مراجع در مسیر مبارزه با رژیم شاه^۲

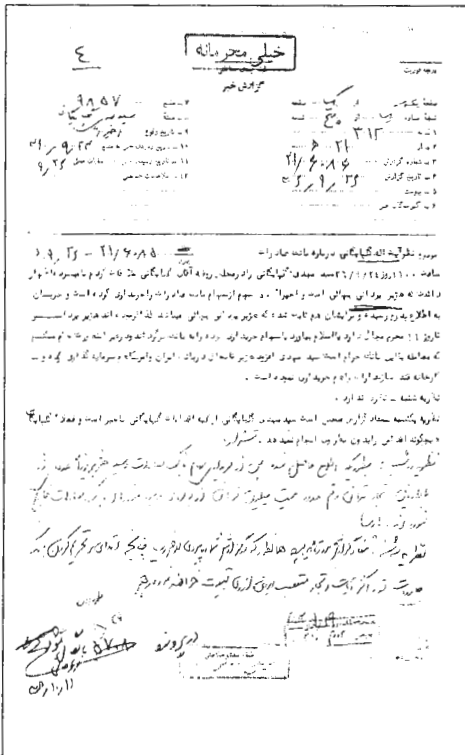
ساعت ۱۱۰۰ روز ۳۶/۹/۲۴ سید مهدی گلیایگانی^۲ را در مجلس روضه آقای گلیایگانی ملاقات کردم نامبرده اظهار داشت که هژیر یزدانی بهائی است و

اخیراً ۵۰ سهم از سهام بانک صادرات را خریداری کرده است و جریان به اطلاع پدرم رسیده و برایشان هم ثابت شده که هژیر یزدانی بهائی می‌باشد لذا فرموده‌اند هژیر یزدانی تا روز ۱۱ محرم مجال دارد یا اسلام بیاورد یا سهام خریداری کرده را به بانک برگرداند و در غیر این صورت حکم می‌کند که معامله با این بانک حرام است سید مهدی افزوده هژیر تا به حال در بانک ایران و امریکا هم سرمایه‌گذاری کرده و کارخانه قند سازند اراک را هم خریداری نموده است.

نظریه شنبه: نظری ندارد.

نظریه یکشنبه: مفاد گزارش صحیح است سید مهدی گلیایگانی از کلیه اقدامات گلیایگانی با خبر است و فعلاً گلیایگانی هیچگونه اقدامی را بدون نظر وی انجام نمی‌دهد. شرار

نظریه دوشنبه: بطوری که اطلاع حاصل شده پس از خریداری سهام بانک صادرات وسیله هژیر یزدانی عده‌ای از بازاریان و تجار تهران رقم حدود بیست



میلیون تومان از پولهای موجود خود را از بانک صادرات خارج نموده‌اند. پارسا نظریه سه‌شنبه : مفاد گزارش مورد تایید بوده همانطور که در گزارش شماره پیروی بعرض رسید چنانچه اقدامی بر تحریم کردن بانک صادرات بشود اکثر آیات و تجار متعصب ایرانی از وی تبعیت خواهند نمود. رهبر در پرونده ۵۷۰۸۰ بایگانی شود.

روحانی ۳۶/۱۰/۱۱

را امضا می‌کرد و در جلساتی که علمای قم در اوایل نهضت تشکیل می‌دادند، شرکت می‌نمود. همگام با امام و دیگر مراجع، عید ۱۳۴۲ را به دلیل اصرار رژیم بر اجرای لوایح ششگانه (انقلاب سفید) تحریم و بعد از تبعید امام به ترکیه نیز از این اقدام رژیم به شدت ابراز ناخشنودی کرد. واکنشهای سیاسی حضرت آیه‌الله العظمی گلپایگانی نسبت به مسائل روز ایران و جهان اسلام، رژیم پهلوی را همواره وادار می‌کرد که از موضع‌گیریهای ایشان بیمناک باشد. مراسم نیایشی که ایشان در سال ۱۳۵۲ برای پیروزی مسلمانان در جنگ با اسرائیل برپا کرد، در آن زمان واکنش قابل توجهی به همراه داشت. اعلامیه‌هایی که علیه رژیم شاه در مناسبتهای مختلف به ویژه در سالهای ۵۶ و ۵۷ از سوی ایشان صادر می‌شد، تنور مبارزه مردم را علیه رژیم شاه گرم نگاه می‌داشت. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در زمستان ۱۳۵۷ ایشان با انتشار اعلامیه‌هایی از ارتش خواست که به ملت بپیوندد و اعلام کرد: «هرکس مردم را به گلوله ببندد، قرآن را به گلوله بسته است.» پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مقاطع حساس شاهد حمایت ایشان از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی بوده‌ایم. در طول جنگ تحمیلی نیز همواره مشوق رزمندگان اسلام بود و بارها نمایندگان ایشان برای تقویت روحیه رزمندگان به جبهه رفتند. در تمام انتخابات در صحنه بود و مردم را تشویق و ترغیب به رأی دادن می‌کرد. ایشان علاوه بر انجام

اقدامات خیریه از قبیل احداث مدارس، بیمارستانها و سایر خدمات عام‌المنفعه، چندین اثر تألیفی از خود به یادگار گذاشته‌اند که از آن جمله است: حاشیه بر عروة الوثقی، حاشیه بر رسائل، مناسک حج، تألیفی در فقه و کتابی در اصول. حضرت آیه‌الله‌العظمی گلپایگانی در ۱۹ آذر ۱۳۷۲ به ملکوت اعلی پیوست و پس از تشییع پرشکوه در تهران و قم، در جوار حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیه) به خاک سپرده شد. ر.ک: روزنامه رسالت، ۲۷ آذر ۱۳۷۲، صص ۴ و ۱۰ و ویژه نامه ۲- حجة الاسلام حاج سید مهدی گلپایگانی فرزند [آیت‌الله] حاج سید محمدرضا گلپایگانی از قم،

در اثر تصادف اتومبیل در تاریخ ۲۲ سپتامبر [۵۷/۶/۳۱] در راه عزیمت به محل زلزله‌زدگان طبس درگذشت. اتومبیل وی با یک تانکر نفتکش تصادم نمود و او و پنج نفر دیگر کشته شدند. نکته حایز اهمیت این است که نخست وزیر، شریف امامی پیام تسلیتی برای آیت‌الله گلپایگانی فرستاد، و چندین هزار نفر در یزد و در تاریخ ۲۳ سپتامبر در تشییع جنازه متوفی به آرامی شرکت نمودند.

سولیوان
(روز شمار انقلاب اسلامی -
اسناد لانه جاسوسی آمریکا ج ۹
ص ۲۶۷)
آیت‌الله گلپایگانی در پاسخ
شریف امامی به تاریخ

۱۳۵۷/۷/۴ تلگرامی ارسال
نمود که در بخشی از آن چنین
آمده است:
تسلای خاطر اینجانب وقتی
فراهم می‌شود که مصائب وارده
بر اسلام و قرآن مجید که قلب
مبارک حضرت ولی عصر ارواح
العالین له الفدا را جریحه‌دار
ساخته جبران و نظام کامل
اسلامی در مملکت برقرار گردد.
ایشان با اشاره به حرکت ضد
اسلامی رژیم یادآور می‌شود که
از این وضعیت... بیشتر از مرگ
فرزندشان متأسف می‌باشند.
(ر.ک: اسناد انقلاب اسلامی ج ۱
ص ۴۱۷)

به: ۳۱۲

از: ۱۲۵۲۰

تاریخ: ۳۶/۹/۲۷

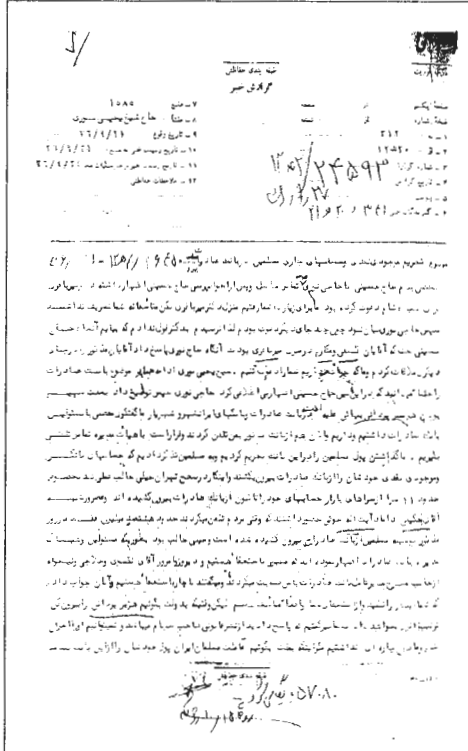
شماره: ۱۲۵۲۰/۲۴۵۹۳

موضوع: تحریم موجودی نقدی و حسابهای جاری مسلمین در بانک صادرات

پیرو ۳۶/۹/۲۱-۱۲۵۲۰/۲۴۴۵۰

شخصی به نام حاج حسینی با حاجی نوری علامه تماس حاصل و پس از احوالپرسی حاج حسینی اظهار داشته دکتر میرباقری برای شب، شام دعوت

کرده بود ما برای زیارت شما رفیق منزل دکتر میرباقری لکن متأسفانه شما تشریف نداشتید سپس حاجی نوری بیان نمود چون چند جای دیگر دعوت بودم لذا نرسیدم به دکتر قول ندادم که بیایم آنجا، حاج حسینی گفت که آقایان فلسفی و مکارم^۲ در منزل میرباقری بودند آنگاه حاج نوری پاسخ داد آقایان مذکور را در جای دیگری ملاقات کردم و ما که جرأت نداریم شما را دعوت کنیم. شیخ یحیی نوری ادامه داد موضوع



بانک صادرات را حتماً می‌دانید که در این بین حاج حسینی اظهار بی‌اطلاعی کرد حاجی نوری سپس توضیح داد به علت سهیم بودن هژبر یزدانی بهائی علیه‌اللعه در بانک صادرات و بانکهای ایرانشهر و شهریار ما گفتگوی مفصلی با مسئولین بانک صادرات داشتیم و داریم و الان هم از بانک مذکور به من تلفن کردند و قرار است با هیأت مدیره تماس تلفنی بگیریم. و گذاشتن پول مسلمین را در این بانک تحریم کردیم و به مسلمین تذکر دادیم که حسابهای بانکی و موجودی نقدی خودشان را از بانک صادرات بیرون بکشند و این کار در سطح

۱- حجة الاسلام محمدتقی فلسفی فرزند حاج شیخ محمد رضا تنکابنی در سال ۱۳۲۶ هجری قمری (۱۲۸۶ هجری شمسی) در تهران تولد یافت. تحصیلات خود را از سن ۶ سالگی آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون مرحوم والدش، آقا شیخ محمد علی کاشانی، آقا شیخ مهدی، آقا میرزا مهدی آشتیانی، آقا میرزا طاهر تنکابنی و میرزا یونس قزوینی بهره‌مند گردید. وی نخستین بار در سن ۱۶-۱۵ سالگی در مسجد محل (فلسوفها) با شعری در وصف حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به منبر رفت و چنان مورد استقبال مردم واقع گردید که در سن ۱۹ سالگی از جمله مدعوین سخنرانی در مجلس شورای ملی آن زمان شد و نامش ورد زبان مردم گردید. او مبارزات خود را از زمان رضاخان آغاز نمود و در سال ۱۳۱۶ شمسی پس از حادثه خونین مسجد گوهرشاد، بر بالای منبر این حادثه را محکوم کرد و در نتیجه مدتی ممنوع‌العمر و از پوشیدن لباس روحانیت محروم گردید.

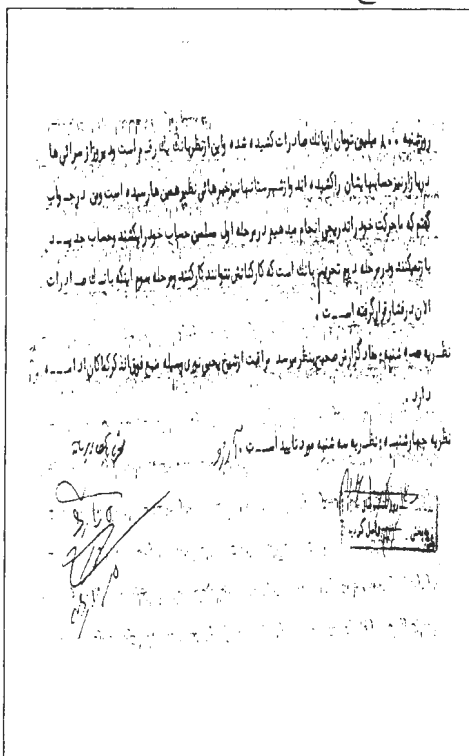
حجة الاسلام فلسفی با حزب توده و تشکیل دولت غاصب اسرائیل مبارزه می‌کرد و به جمع‌آوری آغانه جهت کمک به مردم مستظلم فلسطین می‌پرداخت. از خصوصیات بارز وی اطاعت محض و بی‌چون و چرا از مرجعیت عالی شیعه حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی بود که ضمن ملاقات با شاه و رساندن نقطه نظرات آقای بروجردی، موجب عدم تخریب مسجد مادر شاه و ساخت مسجد ارک فعلی،^۳

الزامی شدن درس تعلیمات دینی در مدارس و عدم حرکت دادن مشعل از امجدیه تا دربار که نمودی از آتش پرستی بود. گردید. در پی غائله انجمن‌های ایالتی و لویج ششگانه مخالفت خود و علما و مراجع وقت به ویژه حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) را طی یک سخنرانی پرشور ایراد داشت و به همین دلیل تحت تعقیب قرار گرفت و تا بعد از انجام رفراندوم تحمیلی شاه از رفتن به منبر محروم شد.

آقای فلسفی نخستین بار در تاریخ ۱۸ اسفند سال ۱۳۴۱ در مجلس دومین سالگرد رحلت حضرت آیه الله بروجردی توسط نیروهای شهربانی بازداشت و ۲ روز در زندان قزل قلعه محبوس گردید و سپس به مدت ۴۸ روز ممنوع المنبر شد. در حادثه مدرسه فیضیه منبرهای متعدد رفت و سخنانی پرشور ایراد کرد. در شب عاشورای سال ۱۳۴۲ طی نطقی کوبنده به استیضاح دولت اسدالله علم پرداخت که در همان روز سخنرانی وی تحت عنوان «اولین استیضاح ملی در سال ۱۳۴۲» چاپ و در تیراژ وسیع در اختیار مردم قرار گرفت. به همین دلیل برای بار دوم از سوی نیروهای شهربانی بازداشت و به زندان شهربانی منتقل گردید. او که در حادثه خونین ۱۵ خرداد در زندان بسر می‌برد، تدریس فن خطابه را برای علاقه‌مندان در زندان آغاز کرد. این دوره زندان ۴۵ روز به طول انجامید. پس از آزادی از زندان روز جمعه ۲۸ تیرماه ۱۳۴۲، بلافاصله به ساواک احضار و به مدت ۱۰۰ روز ممنوع المنبر شد.

تهران خیلی جالب عملی شد بخصوص حدود ۱۱ سزا از سراهای بازار حسابهای خود را تاکنون از بانک صادرات بیرون کشیده‌اند و عصر روز شنبه آقای حکیمی داماد آیت‌اله خوئی^۱ حضور داشتند که وقتی مردم تلفن می‌کردند حدود هشتصد میلیون فقط در روز مذکور بوسیله مسلمین از بانک صادرات بیرون کشیده شده است و خیلی جالب بود بطوری که مسئولین و هیأت مدیره بانک صادرات اظهار نموده‌اند که مجبور به استعفاء هستیم و دیروز و امروز آقای تقوی و حلاجی و نیکخواه از جانب مفرح مدیرعامل بانک صادرات با من

صحبت می‌کردند و می‌گفتند ناچار به استعفاء هستیم و به آنان جواب دادم که شما اینکار را نکنید و از استعفاء شما واقعاً متأسف هستم لیکن وقتی که به دولت بگوئیم هژبر یزدانی را بیرون کن ترتیب اثری نخواهد داد به شما نیز گفتیم که پاسخ دادید از نظر قانونی صاحب سهام می‌باشد و نمی‌توانیم او را اخراج کنیم و ما هیچ چاره‌ای نداشتیم مگر اینکه به ملت بگوئیم تا ملت مسلمان ایران پول خودشان را از این بانک بکشند. روز



شنبه ۸۰۰ میلیون تومان از بانک صادرات کشیده شده و این از نظر بانک یک رقم است و دیروز از سرائی‌ها در بازار نیز حسابهایشان را کشیده‌اند و از شهرستانها نیز خبرهایی نظیر همین‌ها رسیده است و من در جواب گفتم که ما حرکت خود را تدریجی انجام می‌دهیم در مرحله اول مسلمین حساب خود را بکشند و حساب جدید باز نمی‌کنند و در مرحله دوم تحریم بانک است که کارکنانش نتوانند کار کنند و مرحله سوم اینکه بانک صادرات الان در فشار قرار گرفته است.

نظریه سه‌شنبه: مفاد گزارش صحیح به نظر می‌رسد مراقبت از شیخ یحیی نوری گردید.

اما این بار ممنوعیت به مدت ۲۵۰ روز طول کشید تا سرانجام در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۳ برابر با دوم محرم ممنوعیت رفع شد. وی در سفرهای تبلیغی خود به شهرهای مختلف، محور سخنرانی‌های خود را پیام‌های حضرت امام قرار می‌داد و به تبیین و تشریح خط کلی نهضت می‌پرداخت. پس از تبعید امام به ترکیه، از سوی ساواک مورد سوء قصد قرار گرفت.

در سال ۱۳۵۰ در مورد حادثه اخراج ایرانیان از عراق به ایراد یک سخنرانی و تشریح مواضع امام علیه‌بعتیون عراق پرداخت، اما به دنبال توهین دو تن از سناتورهای انتصابی رژیم شاه نسبت به حضرت امام، چنان‌به رژیم شاه حمله کرد که حکم ممنوعیت دائمی او از رفتن به منبر صادر شد. پس از گذشت ۲ سال از ممنوعیت منبر مرحوم فلسفی، رژیم به طور مستقیم به وی اعلام کرد که تنها با نوشتن یک دستخط یک سطر به شاه، ممنوعیت وی لغو خواهد شد. ولی او زیر بار این ذلت نرفت و همچنان استقامت ورزید.

آقای فلسفی سالهای ۵۶ و ۵۷ خصوصاً هنگام شهادت آقا مصطفی خمینی و درج مقاله‌ای با نام جعلی احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات و اهانت به ساحت مقدس حضرت امام به موضع‌گیری‌های بسیار سخت پرداخت. در ایام محرم ۱۳۵۷ مردم را به برگزاری باشکوه مراسم عزاداری فرا خواند و آنان را از گرفتن اجازه عزاداری از شهربانی منع نمود. سرانجام پس از هفت سال^{۳۸}

وسیله منبع فوق‌الذکر کماکان ادامه دارد. حاتم

نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه مورد تایید است. آرزو

محترماً به استحضار می‌رساند ۳۶/۱۰/۵

۵۷۰۸۰ بایگانی شود.

روحانی ۳۶/۱۰/۱۵

ممنوعیت منبر و در روز سوم ورود حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) به وطن، در مدرسه علوی (اقامتگاه موقت امام) و با حضور هزاران نفر از علما و روحانیون تهران و سایر ولایات ایران، اولین سخنرانی خود را در محضر حضرت امام و به خواست ایشان ایراد نمود و موجبات انبساط خاطر امام و سایر حاضرین را فراهم آورد. در پایان امام فرمودند: «اعلام کنید که منبر آقای فلسفی فتح شده است.» حجة الاسلام فلسفی صاحب تألیفات ارزشمند و سخنرانی‌های روشنگرانه ماندگار است. علیرغم کهولت سن تا پایان عمر با برکت خود به فعالیت‌های مختلف و منبرهای تبلیغی خویش ادامه داد و بالاخره در روز جمعه ۷۷/۹/۲۷ و در سن ۹۳ سالگی به رحمت ایزدی پیوست. وی در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) در شهر ری به خاک سپرده شد.

ر.ک: یاران امام به روایت اسناد ساواک و زبان گویای اسلام، صفحات یازده تا بیست و شش.

۲- آیت الله ناصر مکارم شیرازی فرزند حاج محمد در بهمن ماه سال ۱۳۵۵ شمسی در شیراز دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز گذراند و پس از شهریور ۱۳۲۰ به فراگیری مقدمات و سطح در مدرسه علمیه آقابابا خان در آن شهر پرداخت. در سال ۱۳۲۴ به قم عزت نمود و طی اقامت پنج ساله در آنجا، از محضر آیات عظام بروجردی، حجت و کوه کمره‌ای بهره‌مند گردید. وی در سال ۱۳۲۹ جهت

ادامه تحصیل، راهی نجف اشرف شد و موفق به کسب اجازه اجتهاد از علمای آن سامان گردید. در سال ۱۳۳۰ به قم بازگشت و مجدداً در درس آیت الله بروجردی شرکت نمود. او فلسفه را نزد علامه طباطبایی (ره) خواند و به تدریس سطوح عالیّه فقه و اصول در حوزه علمیه قم مشغول شد. در دهه ۳۰ شمسی به منظور مقابله با تبلیغات الحادی، با همکاری گروهی از همفکرانش مباردت به شکل جلسات بحث علمی و فلسفی کرد. در آن جلسات کلیه اصول فلسفی مکتبهای مادی را مطرح و در نتیجه کتاب «فلسوف نماها» را تألیف نمود. این کتاب با استقبال جوانان و روشنفکران روبرو شد و در سال ۱۳۳۳ به عنوان بهترین کتاب سال، بزرگترین جایزه علمی را به خود اختصاص داد. نگارش قریب ۵۰ عنوان کتاب درباره فقه، اقتصاد، فلسفه، کلام و تفسیر از جمله «تفسیر نمونه» در ۲۷ جلد، از جمله اقدامات علمی ایشان است. وی در سال ۱۳۳۷ اقدام به نشر مجله ماهانه «درسهایی از مکتب اسلام» نمود. فعالیت و مبارزه سیاسی ایشان با اوج‌گیری نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲ شهرت یافت. او با ایراد سخنان انتقادی و اعتراض‌آمیز در مجامع علمی و مذهبی و نیز نگارش مقالات انتقادآمیز در نشریه مکتب اسلام، توجه ساواک را به خود جلب کرد. بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر و بازداشت شد. پس از آن نیز بارها به شهربانی احضار و مورد تذکر قرار گرفت. به دنبال قیام مردم قم در آذر و دی ۱۳۵۶، ایشان به سه سال اقامت اجباری در چابهار

محکوم گردید و پس از مدتی محل تبعید وی به مهاباد و سپس سرودشت تغییر یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشت از تبعید، در قم مستقر شد و همچون گذشته به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی پرداخت. آیت الله مکارم شیرازی، پس از رحلت آیت الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی، از طرف جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان یکی از مراجع تقلید معرفی گردید.

ر.ک: شهید آیت الله صدوقی به روایت اسناد ساواک، ص ۷۳

۳- آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی از مراجع بزرگ شیعه در سال ۱۲۷۸ شمسی (۱۵ رجب ۱۳۱۷ هجری قمری) در خوی متولد گردید. در ۱۳ سالگی عازم نجف اشرف شد و در آنجا اقامت گزید. ایشان مقدمات و مدارج عالی علوم دینی را به سرعت پشت سر گذاشت و از موفق‌ترین شاگردان آیات عظام آقا ضیاء عراقی، نائینی و کمپانی به شمار می‌رفت. در سالهای جوانی به درجه اجتهاد رسید و در طول سالها تدریس، شاگردان فراوانی تربیت نمود. در مساجد لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی به همراه دیگر مراجع و بزرگان به مخالفت با رژیم پهلوی برخاست. وی صاحب تألیفات ارزشمندی از جمله کتاب مشهور «رجال» است. آیت الله خویی در سال ۱۳۷۳ شمسی و در سن ۹۴ سالگی، بر اثر بیماری و تحمل فشارهای شدید رژیم بعثی عراق، به سرای باقی شتافت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

ر.ک: آیت الله فومنی حائری به روایت اسناد ساواک، ص ۳۰۸.

شماره: ۵۸۸۶۸

تاریخ: ۲۵۳۶/۱۰/۳

جناب آقای هژبر یزدانی

بر خود لازم دانستم علاوه بر مذاکرات حضوری و تلفنی و یادداشتی که قبلاً ارسال شد مجدداً یادآور شوم چون ناگزیر باید پاسخ بازپرس داده شود خواهشمند است دستور فرمایید هر اقدامی که لازم و باید از طریق جنابعالی انجام شود معمول فرمایند و نتیجه را به اینجانب اطلاع دهند تا به ترتیب مقتضی پاسخ بازپرس داده شود.

تصدیق خواهند فرمود اگر پاسخی مقتضی داده نشود ناگزیر به منظور عدم اجرای ماده ۱۰۱ باید پرونده ارسال شود که شاید به مصلحت نباشد.

بازپرس مخصوص
نخست وزیر - سرلشکر
هوشنگ ارم
پس از صدور ارائه فرمائید

شماره ۵۸۸۶۸
تاریخ ۱۳۵۶
پست



جناب آقای هژبر یزدانی

بر خود لازم دانستم علاوه بر مذاکرات حضوری و تلفنی و یادداشتی که قبلاً ارسال شد مجدداً یادآور شوم چون ناگزیر باید پاسخ بازپرس داده شود خواهشمند است دستور فرمایید هر اقدامی که لازم و باید از طریق جنابعالی انجام شود معمول فرمایند و نتیجه را به اینجانب اطلاع دهند تا به ترتیب مقتضی پاسخ بازپرس داده شود. تصدیق خواهند فرمود اگر پاسخی مقتضی داده نشود ناگزیر به منظور عدم اجرای ماده ۱۰۱ باید پرونده ارسال شود که شاید به مصلحت نباشد.

بازپرس مخصوص نخست وزیر - سرلشکر هوشنگ ارم

پس از صدور ارائه فرمائید

به: ۳۱۲

از: ۱۱۵۲۰

تاریخ: ۳۶/۱۰/۴

شماره: ۱۲۵۲۰/۲۴۶۸۷

موضوع: اظهارات آیت‌اله علامه نوری

پیرو ۳۶/۹/۲۷-۱۲۵۲۰/۲۴۵۹۳

نامبرده بالا ضمن مذاکره با فرد ناشناسی اظهار داشته: الساعة هیئت مدیره بانک صادرات راجع به مسأله تحریم بانک صادرات با من گفتگو می‌کردند و

خود آنها در این مسأله صراحت دارند که هژبر یزدانی در آنجا ذی‌سهم است و تنها دفاعی که از خودشان می‌کنند این است که می‌گویند بانک صادرات مستقیماً سهم به او فروخته است. او سهام کارمندان را در بورس خریده است. البته این یک کلاه شرعی است بلکه او یک سهم معتناهی دارد در هر صورت مسلم است که اگر روزانه درآمد بانک صادرات فرض کنیم ده میلیون تومان باشد یک میلیون مال هژبر یزدانی

شماره: ۱۲۵۲۰/۲۴۶۸۷
تاریخ: ۳۶/۱۰/۴

موضوع: اظهارات آیت‌اله علامه نوری

نامبرده بالا ضمن مذاکره با فرد ناشناسی اظهار داشته: الساعة هیئت مدیره بانک صادرات راجع به مسأله تحریم بانک صادرات با من گفتگو می‌کردند و خود آنها در این مسأله صراحت دارند که هژبر یزدانی در آنجا ذی‌سهم است و تنها دفاعی که از خودشان می‌کنند این است که می‌گویند بانک صادرات مستقیماً سهم به او فروخته است. او سهام کارمندان را در بورس خریده است. البته این یک کلاه شرعی است بلکه او یک سهم معتناهی دارد در هر صورت مسلم است که اگر روزانه درآمد بانک صادرات فرض کنیم ده میلیون تومان باشد یک میلیون مال هژبر یزدانی

این اظهارات در صورتی که در این بانک هژبر یزدانی سهام کارمندان را در بورس خریده است. البته این یک کلاه شرعی است بلکه او یک سهم معتناهی دارد در هر صورت مسلم است که اگر روزانه درآمد بانک صادرات فرض کنیم ده میلیون تومان باشد یک میلیون مال هژبر یزدانی

این اظهارات در صورتی که در این بانک هژبر یزدانی سهام کارمندان را در بورس خریده است. البته این یک کلاه شرعی است بلکه او یک سهم معتناهی دارد در هر صورت مسلم است که اگر روزانه درآمد بانک صادرات فرض کنیم ده میلیون تومان باشد یک میلیون مال هژبر یزدانی

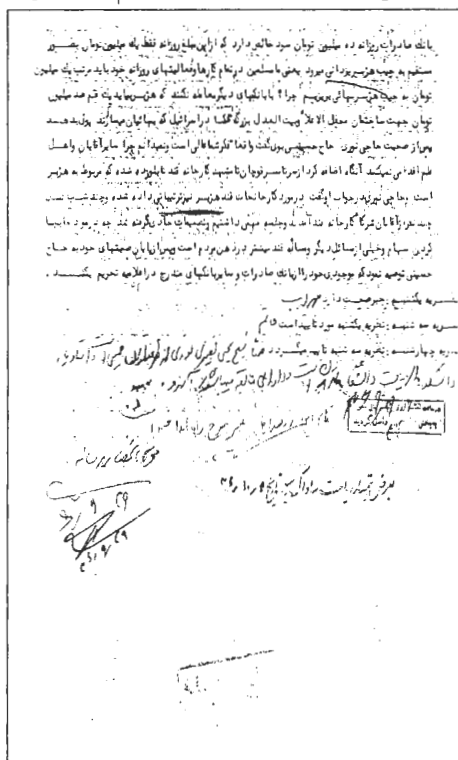
می‌باشد و این از نظر روابط شرعی کار درستی است و این فرد چون یک بهائی صرف نیست بلکه از فعالترین عناصر بهائی است و در هر صورت روز جمعه ما متذکر شدیم به مردم و تایید کردیم که با این بانک و بانک ایرانیان و بانک ایرانشهر معاملاتی نداشته باشند و بانک صادرات را وقتی من با آقایان صادراتی‌ها (اعضاء هیئت مدیره بانک صادرات مذاکره می‌کردم گفتم چون بانک شما در دسترس مردم است و زن هم در آن نیست خود روحانیت بیش از شما مصر بوده که با بانک صادرات معاملات داشته و حوالجات شرعی‌شان را در

آنجا داشته باشند. منتهی شما این کار را کردید و عذر می‌آوردید که ما تقصیر نداریم و ایشان از بیرون و از کارکنان ما سهم خریده است این تقصیر برای ما قابل قبول نیست چه اینکه با دست خودم پیراهنم را کثیف کرده باشم و یا اینکه دیگران، در هر صورت باید آن را آب بکشیم و شما الان محیط‌تان این طور است و باید تطهیرش کنید و باید این شخص را فوری اخراج کنید و آنها در مورد اخراج او از ما وقت خواستند و ما نیز یک هفته به ایشان وقت دادیم منتهی یک هفته از نظر آنها کافی نبود و هر روز پیشنهاد می‌کردند که پس مسلمین سهام او را بخرند

و ما در جواب گفتیم که ما مستقیماً نمی‌توانیم بگوئیم که سهم این را خریداری کنید ولی از باب دفع فاسد به افسد بسیار خوب ما تذکر می‌دهیم ولی نه به قیمتی که الان او عرضه می‌کند. وی ادامه داد که عده‌ای به من تلفن کردند که هژبر یزدانی گفته است که من در سی روز اخیر مسلمان شده‌ام. غرض اینکه به آقایان قم تلفن کردم و پیغام دادم که اگر یک وقت مسأله عرضه اسلامی خودش را گفت مبدا قبول کنید و من اضافه می‌کنم

آماري که شما باید الان داشته باشید.

بانک صادرات روزانه ده میلیون تومان سود خالص دارد که از این مبلغ روزانه فقط یک میلیون تومان به طور مستقیم به جیب هژبر یزدانی می‌رود یعنی ما مسلمین در تمام کارها و فعالیت‌های روزانه خود باید مرتب یک میلیون تومان به جیب هژبر بهائی بریزیم چرا؟ با بانکهای دیگر معامله نکنند که هژبر بیاید یک قلم صد میلیون تومان جهت ساختمان محفل الاعلاء و بیت العدل بزرگ عکا در اسرائیل که بهائیان می‌سازند پول بدهد پس از صحبت حاجی نوری صاحب‌حسینی



به وی گفت واقعاً فکر شما عالی است و نمی دانم چرا سایر آقایان و اهل علم اقدامی نمی کنند آنگاه اضافه کرد از سرتاسر قوچان تا مشهد کارخانه قند تابلو زده شده که مربوط به هژبر است و حاجی نوری در جواب او گفت در مورد کارخانجات قند هژبر نیز ترتیباتی داده شده و چند شب قبل چند نفر از آقایان شرکا کارخانه قند آمدند و جلسه مهمی داشتیم و تصمیمات حادی گرفته شد چه در مورد جابجا کردن سهام و خیلی از مسائل دیگر و مسأله قند بیشتر در ذهن مردم است و پس از پایان صحبت های خود به حاج حسینی توصیه نمودم که موجودی خود را از بانک صادرات و سایر بانک های مندرج در اعلامیه تحریم بکشد.

نظریه یکشنبه : خبر صحت دارد. سهراب

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است. حاتم

نظریه چهارشنبه : نظریه سه شنبه تایید می گردد. ضمناً شیخ یحیی نصیری نوری از طرفداران خمینی است و استاد یار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است و دارای سابقه می باشد. آرزو

تمام این سروصداها را بیشتر مفرح راه انداخته است.

محترماً به استحضار می رساند. ۳۶/۹/۲۹ بعرض تیمسار ریاست ساواک رسید - تاریخ ۳۶/۱۰/۴

۵۷۰۸۰ بایگانی شود.

روحانی ۳۶/۱۰/۱۵

بررسی است. بهارستان

محترماً از نظر استحضار بعرض رساند.

۳۶/۱۰/۱۷

اصولاً عنوان مسائل بهائیگری و تحریکات در این زمینه تحت بررسی است مقارن فعالیت دانشجویان در داخل و خارج کشور

رواج پیدا کرده و قصد بهره‌برداری دارند.

اصل در پرونده کلاسه ۴۲۴۱۲۷ بنام بانک صادرات ایران بایگانی می‌باشد.

بایگانی شود

شماره: ۱۷۰۱/۱۱۲

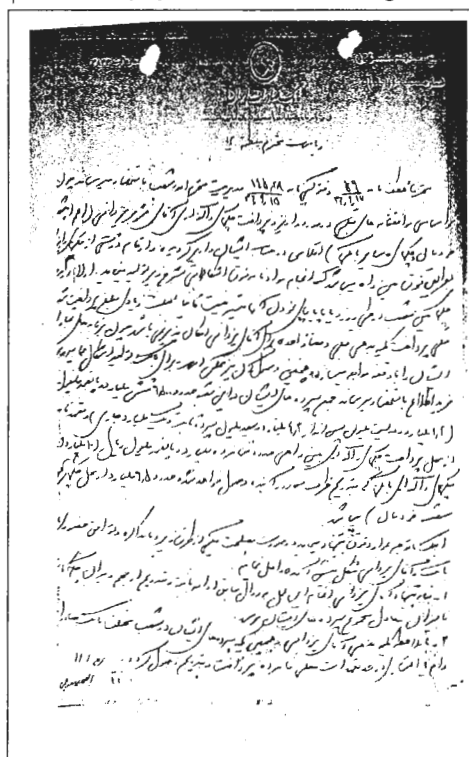
تاریخ: ۲۵۳۶/۱۰/۷

ریاست محترم منطقه ۱۲

محترماً عطف نامه ۵۹-۳۶/۹/۱۷ و فتوکی نامه ۱۴۵/۲۸-۳۶/۹/۱۵

مدیریت محترم امور شعبه به استحضار می‌رساند چون براساس موافقتنامه‌های قبلی در مورد واریز و پرداخت چکهای واگذاری آقای هژبر یزدانی (اعم از شعبه خودمان و چکهای سایر بانکها) اقلامی در حساب ایشان واریز گردیده و ارقام

درستی از چکهای واریز به طریق فوق بین راه می‌باشد که انجام مواد نامه فوق اشکالاتی بشرح زیر تولید می‌نماید اولاً واریز چکها بین شعب در طی روز و یا پایای نمودن آنها میسر نیست ثانیاً به علت زیادی مبلغ پرداخت شده مبلغ پرداخت کلیه بدهی قبلی دفعتاً واحده برای آقای یزدانی امکان‌پذیر نمی‌باشد چون برنامه‌های تجاری ایشان را با وقفه مواجه می‌سازد و همچنین وصول آن نیز عملی است برای



بانک تولید اشکال نماید و هم مزید اطلاع به استحضار می‌رساند جمع سیرده‌های ایشان در این شعبه حدود ۶/۵۰۰ شش میلیارد و پانصد میلیون (۱/۲) میلیارد و دویست میلیون پس انداز ۴/۳ میلیارد و سیصد میلیون سپرده ثابت و یک میلیارد جاری) و تعهدنامه از محل پرداخت چکهای واگذاری بین راهی حدود شانزده میلیارد و پانصد میلیون ریال (۱۰ میلیارد چکهای واگذاری بانکها که به تدریج ظرف سه روز آینده وصول خواهد شد و حدود ۶/۵ میلیارد از محل چکهای شعبه خودمان) می‌باشد.

اینک با توجه به موارد فوق پیشنهاد می‌نماید در صورت مصلحت یکی از طرق زیر و با مذاکره و توافق حضوری با بانک و آقای یزدانی مشکل پیش آمده را حل نمائیم.

۱- بنا به پیشنهاد آقای یزدانی انجام این عمل به روال سابق ادامه یافته و بتدریج از حجم و میزان چکهای مانده تا میزان معادل مجموع سپرده ایشان برسد.

۲- با ملاحظه بدهی آقای یزدانی و همچنین کلیه سپرده‌های ایشان در شعب مختلف بانک صادرات وام یا اعتباری در حد تعهدات نامبرده پرداخت و بتدریج وصول گردد.

۳۴۲ : ۵

از: ۱۰ هـ

تاریخ: ۳۶/۱۰/۱۲

شماره: ۸۴/۱۰۰/۱۰ هـ

موضوع: بانک صادرات

حدود یک هفته است که در بین تجار و بازرگانان اصفهان و مردم شایع شده قسمتی از سرمایه بانک صادرات ایران را آقای هژبر یزدانی رئیس کارخانه قند اصفهان که پیرو مسلک بهائیت می باشد خریداری نموده است و به همین مناسبت

تعداد زیادی از مشتریان
بانک مزبور سرمایه خود را
از بانک صادرات خارج و
حساب دادوستد خود را
مسدود نموده‌اند.

نظریه شنبه : بستن حساب بانک صادرات از طرف اهالی اصفهان اعم از حساب جاری یا پس انداز بتدریج ادامه دارد و چنانچه به همین ترتیب پیش برود احتمال رکود کار بانک و ورشکستگی آن را در برخواهد داشت.

نظریه یکشنبه : این خبر
بوسیله اغلب منابع گزارش

شده و صحت خبر مورد تایید است. ضمناً برابر تحقیقات معموله از بانک صادرات اصفهان ۱۰٪ سهام بانک به صورت بورس آزاد در بازار بورس در اختیار مشتریان قرار دارد و گویا مقداری از این سهام را آقای هژبر یزدانی خریداری نموده است و این موضوع ابتدا در استان یزد بوسیله بعضی از واعظین و اهل منبر بحث شده و تبلیغاتی انجام گرفته و کم‌کم به اصفهان نیز سرایت کرده و در اصفهان تعدادی از وعاظ از جمله آقایان شیخ محمدتقی فهمای - شیخ مهدی

مظاهری. ^۱ آقای نوری ۱۱/۲۲ بایگانی شود. نوری

۱- حجة الاسلام مهدی مظاهری
صالحی فرزند محمد حسین در
سال ۱۳۱۰ ش در اصفهان بدینا
آمد. نامبرده طبق گزارش
ساواک در سال ۱۳۴۴ در یک
مجلس روضه خوانی، انجام
معامله با کلیبان، مسیحیان،
زرتشتیان و همچنین شرکت ارج
و پرسی کولاک متعلق به بهائیان
است را حرام اعلام نموده و در
تاریخ ۱۳۴۴/۵/۴ با ساواک
احضار و به وی تذکر داده شده
است. در سال ۱۳۴۶ نیز طی
سخنرانی به لطمانی که یهود در
جنگ با مسلمین وارد کرده،

پسرداخته است. در گزارش دیگری به تاریخ ۱۳۵۱/۹/۱۷ آمده: «وی در سخنرانی اخیر، مطالبی به طرفداری از آیت‌الله خمینی ابراز داشته است...» لذا ساواک از آن تاریخ به بعد وی را تحت مراقبت و کنترل داشته است.

اسناد ساواک، پرونده‌های
انفرادی

[illegible]

تاریخ: ۳۶/۱۰/۱۲

شماره: ۱۲۵۲۰/۲۴۸۷۲

عطف: ۳۶/۹/۲۷-۳۱۶/۶۴۶۲

در این مورد منتشر ننموده و فتواییه شفاهاً به اطلاع مردم و مقلدین وی اعلام شده است. یاد شده اضافه نموده که ضرب الاجلی برای اعضاء هیأت مدیره بانک صادرات به منظور اخراج هژبر یزدانی از بانک مزبور تعیین نموده و چنانچه در پایان مهلت مقرر مسأله اخراج هژبر یزدانی عمل نگردد ضمن انتشار اعلامیه بطور کلی حتی کار در بانک صادرات را نیز تحریم خواهد نمود.

اعلامیه در زمینه فتوی بلافاصله نمونه اعلامیه ایفاد خواهد شد.

نظریه سه‌شنبه: گزارش فوق نتیجه تحقیقاتی است که در مورد انتشار اعلامیه علامه نوری به عمل آمده و موضوع عدم انتشار اعلامیه از طریق منبع ۱۰۴۰۱ نیز تحقیق و تایید شده و به نظر نمی‌رسد از طرف شخص علامه نوری فتوای کتبی صادر شده باشد. حاتم

نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه مورد تایید است. آرزو

در گزارش وقایع روزانه ۳۶/۱۰/۲۰ درج شد. ۵۷۰۸۰ بایگانی شود. روحانی ۳۶/۱۱/۲

به: ۳۱۲

تاریخ: ۳۶/۱۰/۱۲

از: ۱۲۵۲۰

شماره: ۱۲۵۲۰/۲۴۸۹۲ ه ۱۲

موضوع: اظهارات شیخ یحیی نوری

روز ۳۶/۱۰/۱۱ شیخ یحیی نوری تلفنی به کلیه روحانیونی که با وی آشنائی دارند اطلاع داده است که وعاظ در منابرشان بگویند که مردم حسابهای خود را در بانک صادرات ببندند و اضافه کرده است که به کارمندان بانک مزبور

بگویند استعفا ندهند زیرا کلیه سهام هژبر یزدانی توسط بازاریان خریداری خواهد شد.

نظریه شنبه - نظری ندارد

نظریه یکشنبه - با توجه به اینکه شنبه فعلاً بطور آزمایشی همکاری می نماید معذالک صحت خبر فوق بعید بنظر نمی رسد. قهرمان

نظریه سه شنبه - نظریه یکشنبه مورد تأیید می باشد.

حاتم

نظریه چهارشنبه - نظریه سه شنبه تأیید می گردد.

درجه فوریت	
۱ - شماره گزارش	۱۲۵۲۰/۲۴۸۹۲
۲ - تاریخ گزارش	۳۶/۱۰/۱۲
۳ - موضوع	اظهارات شیخ یحیی نوری
۴ - کلاس کار	۱۲
۵ - تاریخ بکار	۳۶/۱۰/۱۲
۶ - تاریخ بکار	۳۶/۱۰/۱۲
۷ - تاریخ بکار	۳۶/۱۰/۱۲
۸ - تاریخ بکار	۳۶/۱۰/۱۲
۹ - تاریخ بکار	۳۶/۱۰/۱۲
۱۰ - تاریخ بکار	۳۶/۱۰/۱۲
۱۱ - تاریخ بکار	۳۶/۱۰/۱۲
۱۲ - تاریخ بکار	۳۶/۱۰/۱۲

روز ۳۶/۱۰/۱۱ شیخ یحیی نوری تلفنی به کلیه روحانیونی که با وی آشنائی دارند اطلاع داده است که وعاظ در منابرشان بگویند که مردم حسابهای خود را در بانک صادرات ببندند و اضافه کرده است که به کارمندان بانک مزبور بگویند استعفا ندهند زیرا کلیه سهام هژبر یزدانی توسط بازاریان خریداری خواهد شد.

نظریه شنبه - نظریه ندارد

نظریه یکشنبه - با توجه به اینکه شنبه فعلاً بطور آزمایشی همکاری می نماید معذالک صحت خبر فوق بعید بنظر نمی رسد. قهرمان

نظریه سه شنبه - نظریه یکشنبه مورد تأیید می باشد.

حاتم

نظریه چهارشنبه - نظریه سه شنبه تأیید می گردد.

به: تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور تاریخ: ۲۵۳۶/۱۰/۱۴
از: اداره دوم - ۳۲ شماره: ۴۲۴/۵۰۱/۲/۶۵/۱۱

برابر خبر واصله

دارندگان حساب در شعبات بانک صادرات موجودی خود را از تاریخ ۲۵۳۶/۱۰/۷ دریافت نموده و به سایر بانکها می سپارند، در تاریخ ۲۵۳۶/۱۰/۷ آیت‌الله شریعتمداری در شهرستان قم مبلغ ۶۰ میلیون ریال

۱۰

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور
آقای خبر

شماره: ۴۲۴/۵۰۱/۲/۶۵/۱۱
تاریخ: ۲۵۳۶/۱۰/۱۴

موضوع: موجودی خود را از بانک صادرات اخذ و در بانک ملی شعبه ارم به حساب جدید سپرده است. شایع است صاحب اصلی بانک صادرات یک نفر کلیمی می باشد، لذا مردم نمی خواهند سود پول آنها به جیب وی سرازیر شود.

ارزیابی خبر: قابل تحقیق و بررسی است.

ملاحظات: محترماً از نظر استحضار می‌رساند اخیراً گزارشات متعددی از منابع واصل مبنی بر اینکه چون آقای هژبر یزدانی اکثر سهام بانک صادرات را خریداری نموده لذا طبقه‌های بازاری و متعصبین مذهبی وجوه خود را از بانک صادرات به بانکهای دیگر منتقل کرده‌اند. همراهِ ۳۶/۱۰/۲۵ آقای نوری ضمیمه سابقه ۱۰/۲۱

موجودی خود را از بانک صادرات اخذ و در بانک ملی شعبه ارم به حساب جدید سپرده است. شایع است صاحب اصلی بانک صادرات یک نفر کلیمی می باشد، لذا مردم نمی خواهند سود پول آنها به جیب وی سرازیر شود.

ارزیابی خبر: قابل تحقیق و بررسی است.

ملاحظات: محترماً از نظر استحضار می‌رساند اخیراً گزارشات متعددی از منابع واصل مبنی بر اینکه چون آقای هژبر یزدانی اکثر سهام بانک صادرات را

خریداری نموده لذا طبقه‌های بازاری و متعصبین مذهبی وجوه خود را از بانک صادرات به

بانکهای دیگر منتقل کرده‌اند. همراهِ ۳۶/۱۰/۲۵

آقای نوری ضمیمه سابقه ۱۰/۲۱

به: ۳۱۲

تاریخ: ۳۶/۱۰/۱۵

از: ۱۲۵۲۰

شماره: ۲۴۹۵۷/۲۰/۱۲ هـ

موضوع: جلسه هفتگی تفسیر قرآن در مسجد جلیلی

روز ۳۶/۱۰/۱۱ جلسه هفتگی قرائت و تفسیر قرآن بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد مذکور برگزار گردید پس از ختم جلسه مهدوی^۱ به سئوالات حاضرین پاسخ داد شخص ناشناسی اهل سمنان از مهدوی درباره هژبر یزدانی و بانک صادرات سؤال نمود.

نامبرده پاسخ داد تمام علماء حسابهای خود را در بانک صادرات بسته‌اند. سپس شخصی بنام مهدی کفاش از مهدوی سؤال کرد از بانک رهنی می‌شود پول قرض کرد و خانه خرید در پاسخ مهدوی اظهار نمود آیت‌اله خمینی حرام کرده است لکن آیت‌اله خوئی و عده‌ای دیگر از مراجع بلاشکال می‌دانند. نظریه شنبه: نظری ندارد نظریه یکشنبه: شنبه مورد اعتماد است و به احتمال زیاد خبر فوق صحت دارد.

قهرمان

نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه تایید می‌گردد. حاتم
نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه مورد تایید است.

درجاً فرم

جلسه هفتگی تفسیر قرآن در مسجد جلیلی

تاریخ: ۳۶/۱۰/۱۵

شماره: ۲۴۹۵۷/۲۰/۱۲ هـ

موضوع: جلسه هفتگی تفسیر قرآن در مسجد جلیلی

روز ۳۶/۱۰/۱۱ جلسه هفتگی قرائت و تفسیر قرآن بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد مذکور برگزار گردید پس از ختم جلسه مهدوی^۱ به سئوالات حاضرین پاسخ داد شخص ناشناسی اهل سمنان از مهدوی درباره هژبر یزدانی و بانک صادرات سؤال نمود. نامبرده پاسخ داد تمام علماء حسابهای خود را در بانک صادرات بسته‌اند. سپس شخصی بنام مهدی کفاش از مهدوی سؤال کرد از بانک رهنی می‌شود پول قرض کرد و خانه خرید در پاسخ مهدوی اظهار نمود آیت‌اله خمینی حرام کرده است لکن آیت‌اله خوئی و عده‌ای دیگر از مراجع بلاشکال می‌دانند. نظریه شنبه: نظری ندارد نظریه یکشنبه: شنبه مورد اعتماد است و به احتمال زیاد خبر فوق صحت دارد.

نظریه شنبه: نظریه یکشنبه تایید می‌گردد. حاتم
نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه مورد تایید است.

۳۱۸

۳۲-۳۳

۱- آیت‌الله محمد رضا مهدوی
کنی در سال ۱۳۱۰ هـ در
تهران متولد شد. مراحل علوم
دینی را تا درجه اجتهاد ادامه
داد. آیت‌الله مهدوی کنی در
طول مبارزه بارها دستگیر و
تبعید و ممنوع‌المنبر گردید پس
از پیروزی انقلاب اسلامی به
عضویت شورای انقلاب درآمد
و مدتی نیز پست وزارت کشور
را به عهده داشت و پس از
شهادت شهید رجائی و باهتر
توسط منافقین، مدت کوتاهی به
نخست‌وزیری رسید ایشان هم
اکنون ریاست دانشگاه امام
صادق (ع) را به عهده دارد.
ر.ک: یاران امام به روایت
اسناد ساواک - شهید آیت‌الله
سعیدی.

به: ۳۵۲ (۳۴۲)

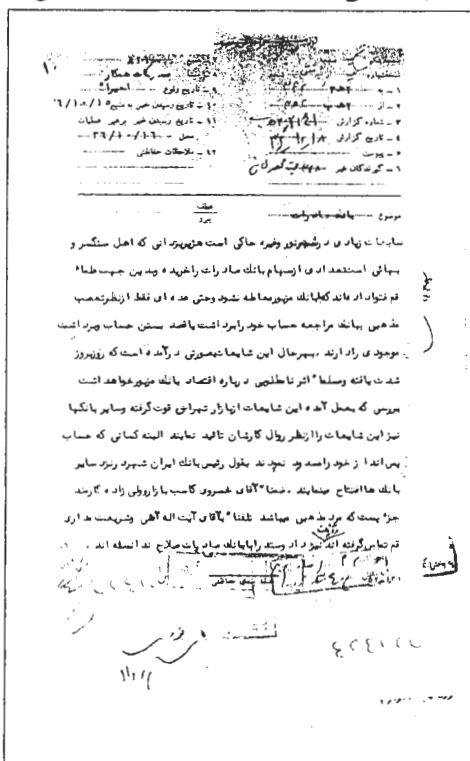
تاریخ: ۳۶/۱۰/۱۸

از: ۲ هب ۳۵۲

شماره: ۲/۲۱۴۱ هب

موضوع: بانک صادرات

شایعات زیادی در شهر نور و غیره حاکی است هژبر یزدانی که اهل سنگسر و بهائی است تعدادی از سهام بانک صادرات را خریده و بدین جهت علماء قم فتوا داده‌اند که با بانک مزبور معامله نشود و حتی عده‌ای فقط از نظر تعصب مذهبی به



بانک مراجعه حساب خود را برداشت یا قصد بستن حساب و برداشت موجودی را دارند. به هر حال این شایعات به صورتی درآمده است که روز بروز شدت یافته و مسلماً اثر نامطلوبی درباره اقتصاد بانک مزبور خواهد داشت.

بررسی که به عمل آمده این شایعات از بازار تهران قوت گرفته و سایر بانکها نیز این شایعات را از نظر روال کارشان تایید نمایند البته کسانی که حساب پس انداز خود را مسدود نمودند به

قول رئیس بانک ایرانشهر در نزد سایر بانکها اقتناع می نمایند. ضمناً آقای خسروی کاسب بازار و ولی زاده کارمند جزء پست که مرد مذهبی می باشد تلفناً به آقای آیت اله آملی و شریعتمداری قم تماس گرفته اند و آیات نیز دادوستد را با بانک صادرات صلاح ندانسته اند.

آقای نوری

تاریخ: ۳۶/۱۰/۱۹

شماره: ۵۵۲۵ / هـ

اخيراً در شهرستان زرنند و یا بدانا شایع شده که در تهران و تبریز و یزد و برخی شهرهای دیگر صحبت از خرید اخیر ۴۰٪ از سرمایه بانک صادرات ایران توسط یک نفر کلیمه است و هر کس این مطلب را شنیده و حسابی در بانک

مهرماه ۱۳۱۰
۴۴۳۰ - ۴۴۳۱
۱ - ۲۴۲۰
۲ - ۲۴۲۱
۳ - ۲۴۲۲
۴ - ۲۴۲۳
۵ - ۲۴۲۴
۶ - ۲۴۲۵
۷ - ۲۴۲۶
۸ - ۲۴۲۷
۹ - ۲۴۲۸
۱۰ - ۲۴۲۹
۱۱ - ۲۴۳۰
۱۲ - ۲۴۳۱
۱۳ - ۲۴۳۲
۱۴ - ۲۴۳۳
۱۵ - ۲۴۳۴
۱۶ - ۲۴۳۵
۱۷ - ۲۴۳۶
۱۸ - ۲۴۳۷
۱۹ - ۲۴۳۸
۲۰ - ۲۴۳۹
۲۱ - ۲۴۴۰
۲۲ - ۲۴۴۱
۲۳ - ۲۴۴۲
۲۴ - ۲۴۴۳
۲۵ - ۲۴۴۴
۲۶ - ۲۴۴۵
۲۷ - ۲۴۴۶
۲۸ - ۲۴۴۷
۲۹ - ۲۴۴۸
۳۰ - ۲۴۴۹
۳۱ - ۲۴۵۰
۳۲ - ۲۴۵۱
۳۳ - ۲۴۵۲
۳۴ - ۲۴۵۳
۳۵ - ۲۴۵۴
۳۶ - ۲۴۵۵
۳۷ - ۲۴۵۶
۳۸ - ۲۴۵۷
۳۹ - ۲۴۵۸
۴۰ - ۲۴۵۹
۴۱ - ۲۴۶۰
۴۲ - ۲۴۶۱
۴۳ - ۲۴۶۲
۴۴ - ۲۴۶۳
۴۵ - ۲۴۶۴
۴۶ - ۲۴۶۵
۴۷ - ۲۴۶۶
۴۸ - ۲۴۶۷
۴۹ - ۲۴۶۸
۵۰ - ۲۴۶۹
۵۱ - ۲۴۷۰
۵۲ - ۲۴۷۱
۵۳ - ۲۴۷۲
۵۴ - ۲۴۷۳
۵۵ - ۲۴۷۴
۵۶ - ۲۴۷۵
۵۷ - ۲۴۷۶
۵۸ - ۲۴۷۷
۵۹ - ۲۴۷۸
۶۰ - ۲۴۷۹
۶۱ - ۲۴۸۰
۶۲ - ۲۴۸۱
۶۳ - ۲۴۸۲
۶۴ - ۲۴۸۳
۶۵ - ۲۴۸۴
۶۶ - ۲۴۸۵
۶۷ - ۲۴۸۶
۶۸ - ۲۴۸۷
۶۹ - ۲۴۸۸
۷۰ - ۲۴۸۹
۷۱ - ۲۴۹۰
۷۲ - ۲۴۹۱
۷۳ - ۲۴۹۲
۷۴ - ۲۴۹۳
۷۵ - ۲۴۹۴
۷۶ - ۲۴۹۵
۷۷ - ۲۴۹۶
۷۸ - ۲۴۹۷
۷۹ - ۲۴۹۸
۸۰ - ۲۴۹۹
۸۱ - ۲۵۰۰
۸۲ - ۲۵۰۱
۸۳ - ۲۵۰۲
۸۴ - ۲۵۰۳
۸۵ - ۲۵۰۴
۸۶ - ۲۵۰۵
۸۷ - ۲۵۰۶
۸۸ - ۲۵۰۷
۸۹ - ۲۵۰۸
۹۰ - ۲۵۰۹
۹۱ - ۲۵۱۰
۹۲ - ۲۵۱۱
۹۳ - ۲۵۱۲
۹۴ - ۲۵۱۳
۹۵ - ۲۵۱۴
۹۶ - ۲۵۱۵
۹۷ - ۲۵۱۶
۹۸ - ۲۵۱۷
۹۹ - ۲۵۱۸
۱۰۰ - ۲۵۱۹
۱۰۱ - ۲۵۲۰
۱۰۲ - ۲۵۲۱
۱۰۳ - ۲۵۲۲
۱۰۴ - ۲۵۲۳
۱۰۵ - ۲۵۲۴
۱۰۶ - ۲۵۲۵
۱۰۷ - ۲۵۲۶
۱۰۸ - ۲۵۲۷
۱۰۹ - ۲۵۲۸
۱۱۰ - ۲۵۲۹
۱۱۱ - ۲۵۳۰
۱۱۲ - ۲۵۳۱
۱۱۳ - ۲۵۳۲
۱۱۴ - ۲۵۳۳
۱۱۵ - ۲۵۳۴
۱۱۶ - ۲۵۳۵
۱۱۷ - ۲۵۳۶
۱۱۸ - ۲۵۳۷
۱۱۹ - ۲۵۳۸
۱۲۰ - ۲۵۳۹
۱۲۱ - ۲۵۴۰
۱۲۲ - ۲۵۴۱
۱۲۳ - ۲۵۴۲
۱۲۴ - ۲۵۴۳
۱۲۵ - ۲۵۴۴
۱۲۶ - ۲۵۴۵
۱۲۷ - ۲۵۴۶
۱۲۸ - ۲۵۴۷
۱۲۹ - ۲۵۴۸
۱۳۰ - ۲۵۴۹
۱۳۱ - ۲۵۵۰
۱۳۲ - ۲۵۵۱
۱۳۳ - ۲۵۵۲
۱۳۴ - ۲۵۵۳
۱۳۵ - ۲۵۵۴
۱۳۶ - ۲۵۵۵
۱۳۷ - ۲۵۵۶
۱۳۸ - ۲۵۵۷
۱۳۹ - ۲۵۵۸
۱۴۰ - ۲۵۵۹
۱۴۱ - ۲۵۶۰
۱۴۲ - ۲۵۶۱
۱۴۳ - ۲۵۶۲
۱۴۴ - ۲۵۶۳
۱۴۵ - ۲۵۶۴
۱۴۶ - ۲۵۶۵
۱۴۷ - ۲۵۶۶
۱۴۸ - ۲۵۶۷
۱۴۹ - ۲۵۶۸
۱۵۰ - ۲۵۶۹
۱۵۱ - ۲۵۷۰
۱۵۲ - ۲۵۷۱
۱۵۳ - ۲۵۷۲
۱۵۴ - ۲۵۷۳
۱۵۵ - ۲۵۷۴
۱۵۶ - ۲۵۷۵
۱۵۷ - ۲۵۷۶
۱۵۸ - ۲۵۷۷
۱۵۹ - ۲۵۷۸
۱۶۰ - ۲۵۷۹
۱۶۱ - ۲۵۸۰
۱۶۲ - ۲۵۸۱
۱۶۳ - ۲۵۸۲
۱۶۴ - ۲۵۸۳
۱۶۵ - ۲۵۸۴
۱۶۶ - ۲۵۸۵
۱۶۷ - ۲۵۸۶
۱۶۸ - ۲۵۸۷
۱۶۹ - ۲۵۸۸
۱۷۰ - ۲۵۸۹
۱۷۱ - ۲۵۹۰
۱۷۲ - ۲۵۹۱
۱۷۳ - ۲۵۹۲
۱۷۴ - ۲۵۹۳
۱۷۵ - ۲۵۹۴
۱۷۶ - ۲۵۹۵
۱۷۷ - ۲۵۹۶
۱۷۸ - ۲۵۹۷
۱۷۹ - ۲۵۹۸
۱۸۰ - ۲۵۹۹
۱۸۱ - ۲۶۰۰
۱۸۲ - ۲۶۰۱
۱۸۳ - ۲۶۰۲
۱۸۴ - ۲۶۰۳
۱۸۵ - ۲۶۰۴
۱۸۶ - ۲۶۰۵
۱۸۷ - ۲۶۰۶
۱۸۸ - ۲۶۰۷
۱۸۹ - ۲۶۰۸
۱۹۰ - ۲۶۰۹
۱۹۱ - ۲۶۱۰
۱۹۲ - ۲۶۱۱
۱۹۳ - ۲۶۱۲
۱۹۴ - ۲۶۱۳
۱۹۵ - ۲۶۱۴
۱۹۶ - ۲۶۱۵
۱۹۷ - ۲۶۱۶
۱۹۸ - ۲۶۱۷
۱۹۹ - ۲۶۱۸
۲۰۰ - ۲۶۱۹
۲۰۱ - ۲۶۲۰
۲۰۲ - ۲۶۲۱
۲۰۳ - ۲۶۲۲
۲۰۴ - ۲۶۲۳
۲۰۵ - ۲۶۲۴
۲۰۶ - ۲۶۲۵
۲۰۷ - ۲۶۲۶
۲۰۸ - ۲۶۲۷
۲۰۹ - ۲۶۲۸
۲۱۰ - ۲۶۲۹
۲۱۱ - ۲۶۳۰
۲۱۲ - ۲۶۳۱
۲۱۳ - ۲۶۳۲
۲۱۴ - ۲۶۳۳
۲۱۵ - ۲۶۳۴
۲۱۶ - ۲۶۳۵
۲۱۷ - ۲۶۳۶
۲۱۸ - ۲۶۳۷
۲۱۹ - ۲۶۳۸
۲۲۰ - ۲۶۳۹
۲۲۱ - ۲۶۴۰
۲۲۲ - ۲۶۴۱
۲۲۳ - ۲۶۴۲
۲۲۴ - ۲۶۴۳
۲۲۵ - ۲۶۴۴
۲۲۶ - ۲۶۴۵
۲۲۷ - ۲۶۴۶
۲۲۸ - ۲۶۴۷
۲۲۹ - ۲۶۴۸
۲۳۰ - ۲۶۴۹
۲۳۱ - ۲۶۵۰
۲۳۲ - ۲۶۵۱
۲۳۳ - ۲۶۵۲
۲۳۴ - ۲۶۵۳
۲۳۵ - ۲۶۵۴
۲۳۶ - ۲۶۵۵
۲۳۷ - ۲۶۵۶
۲۳۸ - ۲

کیان
نظریه هز: وجود جسته و
گریخته شایعه فوق صرف نظر
از چگونگی صحت و سقم
خبر که گفته می شود احتمالاً
ساختگی هم ممکن است

باشد تایید و در محافل مذهبی، شایعه مزبور بیشتر است.

نظریه یکشنبه ۸ ه: نظریه هز مورد تایید است. هادی

نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است. امتیاز

نظریه چهارشنبه : نظریه سه شنبه تایید می گردد. یگانه

آقای نوری مذاکره فرمایند.

آقای نوری ۱۱/۲۲

به: ۳۴۲

تاریخ: ۳۶/۱۰/۲۰

از: ۳۵۲

شماره: ۳۵۲/۷۷۱۰ هـ

موضوع: حمله به بانک صادرات شعبه جویبار

در نیمه شب مورخه ۳۶/۱۰/۱۷ که تمام اهالی جویبار در خواب بوده‌اند به بانک صادرات شماره ۲۶۶۷ جویبار واقع در جنب اداره بهداری حمله شده و تعدادی از شیشه‌های بانک را شکسته‌اند.

نظریه شبیه: عاملین هنوز

شناخته نشده‌اند

نظریه یکشنبه: مفاد خبر

احتمالاً صحت دارد. طلعت

نظریه چهارشنبه: احتمالاً

این امر از طرف عناصری که

شایع نموده‌اند این بانک

متعلق به بهائیان می‌باشد

(شایع است که این بانک را

هژبر یزدانی خریداری

کرده) انجام گرفته است.

شاهین

آقای نوری پاسخ داده شود این

قبیل وقایع را تلگرافی اعلام

دارند.

موضوع: حمله به بانک صادرات شعبه جویبار

در نیمه شب مورخه ۳۶/۱۰/۱۷ که تمام اهالی جویبار در خواب بوده‌اند به بانک صادرات شماره ۲۶۶۷ جویبار واقع در جنب اداره بهداری حمله شده و تعدادی از شیشه‌های بانک را شکسته‌اند.

نظریه شبیه: عاملین هنوز شناخته نشده‌اند

نظریه یکشنبه: مفاد خبر احتمالاً صحت دارد. طلعت

نظریه چهارشنبه: احتمالاً این امر از طرف عناصری که شایع نموده‌اند این بانک متعلق به بهائیان می‌باشد (شایع است که این بانک را هژبر یزدانی خریداری کرده) انجام گرفته است.

شاهین

آقای نوری پاسخ داده شود این قبیل وقایع را تلگرافی اعلام دارند.

تاریخ: ۳۶/۱۰/۲۰

شماره: ۷۷۲۵/۲ هـ ۳

اخيراً عده‌ای از روحانیون منطقه اقدام به تبلیغات سوء علیه بانک صادرات نموده و از مردم می‌خواهند که حسابهای خود را در این بانک بسته و یا به سایر بانکها منتقل نمایند.

۱- آتایان محمود با استرآبادی و دماج حسن اخند باری ساکنین قریه و بشار ۲۰ آذی رومانی ساکن
 امیرکا ۱- آتایان زاری ساکن جیبل سنین امیرکا ۲- آتای سعاد و ساکن سرسله و آمل ۳- آتایان
 قاسم و سید ابراهیم دماج تخلین مرضی سلواری امیر شمل هلم ساکنین بایلسسر
 ۴- دیروهه ۱۲/۲۷ و ۲۶/۱۰ سه تنگه داران انجولیکان شویی بویه بوده اند و بایلسسرورد
 مراحمه گرد و آملها آهنگه بد نه نموده اند که بداعت خود را بایاتان صادر و انتطاع نمایند ازطریق گمانی که میبود
 نموده بد واقع شده بد در هرگز و نماتت بایلسسرده است
 تخلیه نشیبه : بدو رخصت دارد
 تخلیه بکشیه : بانوجه باینگه کشته حیدرک عنف سر باینه بایاتان دمار ایران و سینه هژیرین آدی سرحد ادر
 نموده و باینگه شارالنه سبانی سید حیدر آدرمانی شده بد چابن علی نموده اند ۱- ادر
 تخلیه تیارباشیه : بطریق بکشیه میود تاغیده است ۲- ادر
 تخلیه ۳ : هرگز کیده اند ۱- اطرین سارایک و رزمه حمایت ایاتان صادر ات بشود موجو بزرگ تخلیه گسر
 نموده و سمنان آدرآیده بد صورت غایب غایب رودادی و آدرآید و بد

نظریه یکشنبه: با توجه گفته می شود که نصف سرمایه بانک صادرات ایران وسیله هژیر یزدانی خریداری شده و اینکه مشارالیه بهائی می باشد لذا روحانیون اقدام

به چنین عملی نموده‌اند. انزوا

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است. شاهین

نظریه ۲ ه: هرگونه اقدامی از طریق ساواک در زمینه حمایت از بانک صادرات بشود موضوع بزرگ جلوه گر شده و ممکن است در آینده به صورت مسئله خاص و حادی در آید.

آقای نوری ۱۱/۱

بایگانی شود

به: ۳۴۲

تاریخ: ۲۴/۱۰/۳۶

از: ۳۵۳

شماره: ۳/۲۷۵۴۰ هـ ۳

موضوع: بانک صادرات ایران

برابر شایعات موجود چون یکی از سرمایه‌داران معروف به نام هژبر یزدانی که گویا بهائی می‌باشد اقدام به خریداری مقداری از سهام بانک صادرات ایران نموده تعداد زیادی از مردم در زمینه قطع معاملات پولی خود با بانک موصوف از

آیت‌الله شریعتمداری
نظرخواهی نموده‌اند و
آیت‌الله نیز در جواب آنها
گفته که من حساب خود را
بسته‌ام شما خود می‌دانید
سپس بسیاری از افراد
مذکور مبادرت به مسدود
کردن حساب‌های خود در
بانک مذکور را نموده‌اند
افرادی که اقدام به بستن
حسابهای خود در بانک
صادرات نموده‌اند اکثراً از
محل‌های حکم‌آباد -
شنب‌غازان - باغ‌میشه
شهرستان تبریز می‌باشند.
نظریه شنبه : مفاد خبر
صحت دارد

نظریه یکشنبه : خبر صحت دارد. علیم

نظریه چهارشنبه : شایعات مبنی بر خریداری یک سهم از سهام بانک صادرات توسط بهائیان و اقدامات اهالی در زمینه بستن حسابهای خود در بانک صادرات مورد تأیید است.

نظریه جمعه : نظریه چهارشنبه تأیید می‌گردد. تنکابن

سابقه مشروح در ۳۱۲ و ۳۴۱ موجود است.

با یگانی شود ۱۱/۲۵

تاریخ: ۳۶/۱۰/۲۵

شماره ۹۲۰۱۵/۳۵

٢٦/١٠/٢١-٣٥/١٥٠٧

صادرات شهرستان مزبور از
این بابت ناراضی و ناراحت
و قصد بستن حسابهای خود
را دارند.

نظریه چهارشنبه : با عطف و توجه به اینکه گزارشات متعددی در این زمینه واصل گردیده خرید سهام بانک صادرات توسط هژیر یزدانی پیرو فرقه بهائی به احتمال قوی صحت دارد و تایید موضوع مستلزم تحقیق و بررسی از طریق مرکز می باشد.

نظریه ۷ ه نظری ندارد

آقای نوری با اطلاعات واصله درباره بانک صادرات یکجا نگهداری شود.
بایگانی شود

[illegible]

تاریخ: ۳۶/۱۰/۲۵

شماره: ۱۰۴۷۷/۱۵۱۰

موضوع: بانک صادرات و اقدامات افراطیون مذهبی

اخيراً عده زیادی از بازاریان و تجار و متعصبین مذهبی و بدنبال آن افراد ساده و عامی حسابهای پس انداز و جاری خود را از کلیه شعب بانک صادرات اصفهان خارج و در سایر بانکها مانند پارس - ملی - سپه و... حساب باز کرده اند.

نظریه شنبه: بطوری که شایع است این موضوع به علت آن است که گفته شده نصف سرمایه و اعتبار بانک صادرات توسط هژیر یزدانی (سرمایه دار معروف که گفته می شود بهائی است) خریداری شده لذا مراجع مذهبی معامله با این بانک را تحریم نموده و سعی دارند افراد بیسواد و عامی را نیز وادار به بستن حسابهای خود در این بانک بنمایند.

۱۳۸۹ هـ - ۲
۴ - ۵
۶ - ۷
۸ - ۹
۱۰ - ۱۱
۱۲ - ۱۳
۱۴ - ۱۵
۱۶ - ۱۷
۱۸ - ۱۹
۲۰ - ۲۱
۲۲ - ۲۳
۲۴ - ۲۵
۲۶ - ۲۷
۲۸ - ۲۹
۳۰ - ۳۱
۳۲ - ۳۳
۳۴ - ۳۵
۳۶ - ۳۷
۳۸ - ۳۹
۴۰ - ۴۱
۴۲ - ۴۳
۴۴ - ۴۵
۴۶ - ۴۷
۴۸ - ۴۹
۵۰ - ۵۱
۵۲ - ۵۳
۵۴ - ۵۵
۵۶ - ۵۷
۵۸ - ۵۹
۶۰ - ۶۱
۶۲ - ۶۳
۶۴ - ۶۵
۶۶ - ۶۷
۶۸ - ۶۹
۷۰ - ۷۱
۷۲ - ۷۳
۷۴ - ۷۵
۷۶ - ۷۷
۷۸ - ۷۹
۸۰ - ۸۱
۸۲ - ۸۳
۸۴ - ۸۵
۸۶ - ۸۷
۸۸ - ۸۹
۹۰ - ۹۱
۹۲ - ۹۳
۹۴ - ۹۵
۹۶ - ۹۷
۹۸ - ۹۹
۱۰۰ - ۱۰۱
۱۰۲ - ۱۰۳
۱۰۴ - ۱۰۵
۱۰۶ - ۱۰۷
۱۰۸ - ۱۰۹
۱۱۰ - ۱۱۱
۱۱۲ - ۱۱۳
۱۱۴ - ۱۱۵
۱۱۶ - ۱۱۷
۱۱۸ - ۱۱۹
۱۲۰ - ۱۲۱
۱۲۲ - ۱۲۳
۱۲۴ - ۱۲۵
۱۲۶ - ۱۲۷
۱۲۸ - ۱۲۹
۱۳۰ - ۱۳۱
۱۳۲ - ۱۳۳
۱۳۴ - ۱۳۵
۱۳۶ - ۱۳۷
۱۳۸ - ۱۳۹
۱۴۰ - ۱۴۱
۱۴۲ - ۱۴۳
۱۴۴ - ۱۴۵
۱۴۶ - ۱۴۷
۱۴۸ - ۱۴۹
۱۵۰ - ۱۵۱
۱۵۲ - ۱۵۳
۱۵۴ - ۱۵۵
۱۵۶ - ۱۵۷
۱۵۸ - ۱۵۹
۱۶۰ - ۱۶۱
۱۶۲ - ۱۶۳
۱۶۴ - ۱۶۵
۱۶۶ - ۱۶۷
۱۶۸ - ۱۶۹
۱۷۰ - ۱۷۱
۱۷۲ - ۱۷۳
۱۷۴ - ۱۷۵
۱۷۶ - ۱۷۷
۱۷۸ - ۱۷۹
۱۸۰ - ۱۸۱
۱۸۲ - ۱۸۳
۱۸۴ - ۱۸۵
۱۸۶ - ۱۸۷
۱۸۸ - ۱۸۹
۱۹۰ - ۱۹۱
۱۹۲ - ۱۹۳
۱۹۴ - ۱۹۵
۱۹۶ - ۱۹۷
۱۹۸ - ۱۹۹
۲۰۰ - ۲۰۱
۲۰۲ - ۲۰۳
۲۰۴ - ۲۰۵
۲۰۶ - ۲۰۷
۲۰۸ - ۲۰۹
۲۱۰ - ۲۱۱
۲۱۲ - ۲۱۳
۲۱۴ - ۲۱۵
۲۱۶ - ۲۱۷
۲۱۸ - ۲۱۹
۲۲۰ - ۲۲۱
۲۲۲ - ۲۲۳
۲۲۴ - ۲۲۵
۲۲۶ - ۲۲۷
۲۲۸ - ۲۲۹
۲۳۰ - ۲۳۱
۲۳۲ - ۲۳۳
۲۳۴ - ۲۳۵
۲۳۶ - ۲۳۷
۲۳۸ - ۲۳۹
۲۴۰ - ۲۴۱
۲۴۲ - ۲۴۳
۲۴۴ - ۲۴۵
۲۴۶ - ۲۴۷
۲۴۸ - ۲۴۹
۲۵۰ - ۲۵۱
۲۵۲ - ۲۵۳
۲۵۴ - ۲۵۵
۲۵۶ - ۲۵۷
۲۵۸ - ۲۵۹
۲۶۰ - ۲۶۱
۲۶۲ - ۲۶۳
۲۶۴ - ۲۶۵
۲۶۶ - ۲۶۷
۲۶۸ - ۲۶۹
۲۷۰ - ۲۷۱
۲۷۲ - ۲۷۳
۲۷۴ - ۲۷۵
۲۷۶ - ۲۷۷
۲۷۸ - ۲۷۹
۲۸۰ - ۲۸۱
۲۸۲ - ۲۸۳
۲۸۴ - ۲۸۵
۲۸۶ - ۲۸۷
۲۸۸ - ۲۸۹
۲۹۰ - ۲۹۱
۲۹۲ - ۲۹۳
۲۹۴ - ۲۹۵
۲۹۶ - ۲۹۷
۲۹۸ - ۲۹۹
۳۰۰ - ۳۰۱
۳۰۲ - ۳۰۳
۳۰۴ - ۳۰۵
۳۰۶ - ۳۰۷
۳۰۸ - ۳۰۹
۳۱۰ - ۳۱۱
۳۱۲ - ۳۱۳
۳۱۴ - ۳۱۵
۳۱۶ - ۳۱۷
۳۱۸ - ۳۱۹
۳۲۰ - ۳۲۱
۳۲۲ - ۳۲۳
۳۲۴ - ۳۲۵
۳۲۶ - ۳۲۷
۳۲۸ - ۳۲۹
۳۳۰ - ۳۳۱
۳۳۲ - ۳۳۳
۳۳۴ - ۳۳۵
۳۳۶ - ۳۳۷
۳۳۸ - ۳۳۹
۳۴۰ - ۳۴۱
۳۴۲ - ۳۴۳
۳۴۴ - ۳۴۵
۳۴۶ - ۳۴۷
۳۴۸ - ۳۴۹
۳۵۰ - ۳۵۱
۳۵۲ - ۳۵۳
۳۵۴ - ۳۵۵
۳۵۶ - ۳۵۷
۳۵۸ - ۳۵۹
۳۶۰ - ۳۶۱
۳۶۲ - ۳۶۳
۳۶۴ - ۳۶۵
۳۶۶ - ۳۶۷
۳۶۸ - ۳۶۹
۳۷۰ - ۳۷۱
۳۷۲ - ۳۷۳
۳۷۴ - ۳۷۵
۳۷۶ - ۳۷۷
۳۷۸ - ۳۷۹
۳۸۰ - ۳۸۱
۳۸۲ - ۳۸۳
۳۸۴ - ۳۸۵
۳۸۶ - ۳۸۷
۳۸۸ - ۳۸۹
۳۹۰ - ۳۹۱
۳۹۲ - ۳۹۳
۳۹۴ - ۳۹۵
۳۹۶ - ۳۹۷
۳۹۸ - ۳۹۹
۴۰۰ - ۴۰۱
۴۰۲ - ۴۰۳
۴۰۴ - ۴۰۵
۴۰۶ - ۴۰۷
۴۰۸ - ۴۰۹
۴۱۰ - ۴۱۱
۴۱۲ - ۴۱۳
۴۱۴ - ۴۱۵
۴۱۶ - ۴۱۷
۴۱۸ - ۴۱۹
۴۲۰ - ۴۲۱
۴۲۲ - ۴۲۳
۴۲۴ - ۴۲۵
۴۲۶ - ۴۲۷
۴۲۸ - ۴۲۹
۴۳۰ - ۴۳۱
۴۳۲ - ۴۳۳
۴۳۴ - ۴۳۵
۴۳۶ - ۴۳۷
۴۳۸ - ۴۳۹
۴۴۰ - ۴۴۱
۴۴۲ - ۴۴۳
۴۴۴ - ۴۴۵
۴۴۶ - ۴۴۷
۴۴۸ - ۴۴۹
۴۵۰ - ۴۵۱
۴۵۲ - ۴۵۳
۴۵۴ - ۴۵۵
۴۵۶ - ۴۵۷
۴۵۸ - ۴۵۹
۴۶۰ - ۴۶۱
۴۶۲ - ۴۶۳
۴۶۴ - ۴۶۵
۴۶۶ - ۴۶۷
۴۶۸ - ۴۶۹
۴۷۰ - ۴۷۱
۴۷۲ - ۴۷۳
۴۷۴ - ۴۷۵
۴۷۶ - ۴۷۷
۴۷۸ - ۴۷۹
۴۸۰ - ۴۸۱
۴۸۲ - ۴۸۳
۴۸۴ - ۴۸۵
۴۸۶ - ۴۸۷
۴۸۸ - ۴۸۹
۴۹۰ - ۴۹۱
۴۹۲ - ۴۹۳
۴۹۴ - ۴۹۵
۴۹۶ - ۴۹۷
۴۹۸ - ۴۹۹
۵۰۰ - ۵۰۱
۵۰۲ - ۵۰۳
۵۰۴ - ۵۰۵
۵۰۶ - ۵۰۷
۵۰۸ - ۵۰۹
۵۱۰ - ۵۱۱
۵۱۲ - ۵۱۳
۵۱۴ - ۵۱۵
۵۱۶ - ۵۱۷
۵۱۸ - ۵۱۹
۵۲۰ - ۵۲۱
۵۲۲ - ۵۲۳
۵۲۴ - ۵۲۵
۵۲۶ - ۵۲۷
۵۲۸ - ۵۲۹
۵۳۰ - ۵۳۱
۵۳۲ - ۵۳۳
۵۳۴ - ۵۳۵
۵۳۶ - ۵۳۷
۵۳۸ - ۵

مطالب تحریک‌آمیز علیه تاریخ شاهنشاهی - حجاب و تعطیل بودن مدرسه
فیضیه قم و چگونگی کار بانکها و ایجاد تضییقات از طرف دولت عده‌ای از
روحانیون و افراطیون مذهبی با تهیه و پخش نوارهای سخنرانی و ارسال آنها به
شهرستانها بانک صادرات را تهدید به بستن نموده‌اند. ضمناً اکثر صندوقهای
قرض الحسنه و تعاونیهای اسلامی مؤسسات مشابه حسابهای خود را در بانک
صادرات بسته و در سایر بانکها حساب باز نموده‌اند. دادار

موقعیت‌ها استفاده می‌نمایند اخیراً عده‌ای تحت همین پوشش مبادرت به شکستن شیشه‌های شعب بانک صادرات در نقاط مختلف اصفهان نموده و اغلب اعلامیه‌هایی به شیشه و دیوار بانک نصب می‌نمایند و برابر تحقیقی که به عمل آمده در بین کارکنان بانک نفوذ نموده و با برانگیختن احساسات مذهبی آنان طوری کارکنان بانک را تحت تأثیر قرار می‌دهند که عده‌ای از آنان تا به حال استعفا داده‌اند که ادامه این وضع بی‌شک خطراتی را دنبال خواهد داشت. لذا وسیله یکشنبه به شنبه آموزش داده شد مراقبتهای لازم معمول تا افراد محرک را شناسائی و معرفی نماید. قائم

نظریه جمعه: مفاد خبر مورد تایید است. پژواک

نظریه ۱۰ ه نظریه سلسله مراتب عملیاتی مورد تایید است.

۵۷۰۸۰ بایگانی شود

روحانی ۳۶/۷/۱۵

محترماً به استحضار می‌رساند ۳۶/۱۱/۴

دایره بررسی بهره‌برداری شود ۱۱/۵

خواندنیها شماره ۱۹ سال ۳۸

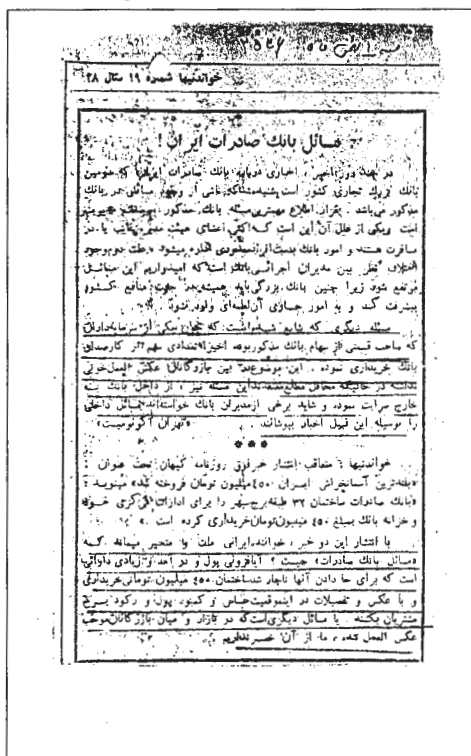
شنبه: ۱ بهمن ماه ۲۵۳۶

مسائل بانک صادرات ایران

در چند روز اخیر اخباری درباره بانک صادرات ایران که دومین بانک بزرگ تجاری کشور است شنیده شده که ناشی از وجود مسائلی در بانک مذکور می باشد. به قرار اطلاع مهمترین مسئله بانک مذکور ضعف مدیریت است «یکی از علل آن این است که اکثر اعضای هیئت مدیره غایب یا در مسافرت هستند و

امور بانک بدست افراد معدودی اداره می شود علت دوم وجود اختلاف نظر بین مدیران اجرائی بانک است که امیدواریم این مسائل مرتفع شود زیرا چنین بانک بزرگی باید همیشه در جهت منافع کشور پیشرفت کند و به امور جاری آن لطمه ای وارد نشود.

مسئله دیگری که شایع شده است که چون یکی از سرمایه داران که صاحب قسمتی از سهام بانک مذکور بوده اخیراً تعدادی سهم از کارمندان بانک خریداری



نموده، این موضوع در بین بازرگانان عکس العمل خوبی نداشته در حالیکه محافل مطلع معتقدند این مسئله نیز، از داخل بانک به خارج سرایت نموده و شاید برخی از مدیران بانک خواسته اند مسائل داخلی را بوسیله این قبیل اخبار بپوشانند.

خواندنیها: متعاقب انتشار خبر فوق روزنامه کیهان تحت عنوان «بلندترین آسمانخراش ایران ۴۵۰ میلیون تومان فروخته شد» می نویسد: «بانک صادرات ساختمان ۳۲ طبقه برج سپهر را برای ادارات مرکزی خود و خزانه بانک به مبلغ

۴۵۰ میلیون تومان خریداری کرده است.»

با انتشار این دو خبر، خواننده ایران مات و متحیر می ماند که «مسائل بانک صادرات» چیست؟ آیا فزونی پول و درآمد و زیادی دارائی است که برای جا دادن آنها ناچار شد ساختمان ۴۵۰ میلیون تومانی خریداری و با عکس و تفصیلات در این موقعیت حساس و کمبود پول و رکود به رخ مشتریان بکشند. یا مسائل دیگری است که در بازار و میان بازرگانان موجب عکس العمل شده، ما از آن خبر نداریم.

به: ۳۱۲

تاریخ: ۳۶/۱۱/۱

از: ۲۳ هـ

شماره ۲۳/۳۶۸۱ هـ

موضوع: تحریم بانک صادرات

به دنبال خرید سهام بانک صادرات توسط هژبر یزدانی آیت‌الله شریعتمداری طی یک جلسه سخنرانی و صدور اعلامیه‌ای دادوستد با بانک مزبور را تحریم نموده است. ضمناً پس از درج مطلبی تحت عنوان سرخ‌وسپاه و روحانیت که در

روزنامه اطلاعات مورخه ۳۶/۱۰/۱۷ که اهانتی به روحانیت تلقی شده است دستگاه جواب داده است که در این مورد مداخله‌ای نداشته و هژبر یزدانی به منظور تلافی تحریم بانک با پرداخت مبلغی موجب درج مطلب مورد بحث در روزنامه اطلاعات شده است.

نظریه شنبه: نظری ندارد

نظریه یکشنبه: وجود شایعه فوق در اذهان گروهی از مردم صحت دارد. صاعد

نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه تایید می‌شود.

نظریه ۲۳: نظریه سه‌شنبه تایید می‌شود.

دایره بررسی بخش یکم ضمیمه شود ۱۱/۶

۵۷۰۸۰ بایگانی شود

روحانی ۳۶/۱۱/۱۵

روزنامه اطلاعات مورخه ۳۶/۱۰/۱۷ که اهانتی به روحانیت تلقی شده است دستگاه جواب داده است که در این مورد مداخله‌ای نداشته و هژبر یزدانی به منظور تلافی تحریم بانک با پرداخت مبلغی موجب درج مطلب مورد بحث در روزنامه اطلاعات شده است.

نظریه شنبه: نظری ندارد

نظریه یکشنبه: وجود شایعه فوق در اذهان گروهی از مردم صحت دارد. صاعد

نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه تایید می‌شود.

نظریه ۲۳: نظریه سه‌شنبه تایید می‌شود.

دایره بررسی بخش یکم ضمیمه شود ۱۱/۶

۵۷۰۸۰ بایگانی شود

روحانی ۳۶/۱۱/۱۵

به: ۳۴۲

از: ۲۱ هـ

تاریخ: ۳۶/۱۱/۲

شماره: ۲۱/۸۲۰۷ هـ

موضوع: بانک صادرات

۱- آیة الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی فرزند سید محمود در سال ۱۲۷۶ شمسی در نجف اشرف متولد گردید. نسب شریف او با ۲۹ واسطه به حضرت امام سجاد (علیه السلام) می‌رسد.

تحصیلات ابتدایی و مقدمات علوم را نزد پدر فراگرفت و پس از ادامه تحصیل در محضر

استاد بزرگ آن زمان، در علوم گوناگون از جمله رجال، فقه، کلام، ادیان، انساب، حدیث و علم حروف سرآمد شد. وی در ادبیات، علم طب و هیأت نیز صاحب نظر بود. آیة الله مرعشی

در جوانی به مقام اجتهاد نائل آمد و مدرسان مشهور همچون ضیاء الدین عراقی، فشارکی، یربی کاشانی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی و میرزا

محمدحسین نائینی به وی اجازه روایت و اجتهاد دادند. ایشان پس از فوت آیة الله العظمی

برجوردی به عنوان یکی از مراجع مطرح شد. از جمله اقدامات فرهنگی و علمی مهم وی، تأسیس یک کتابخانه با

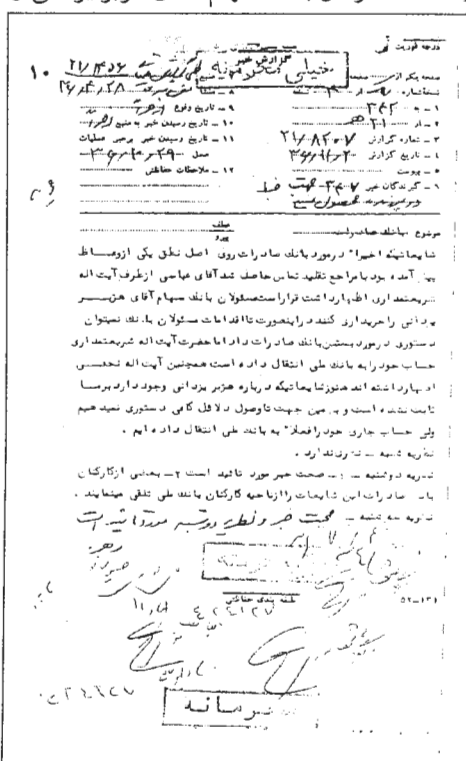
بیش از ۹۰۰۰۰ جلد کتاب است که ۲۵۰۰۰ جلد آن به صورت خطی و بعضاً کمیاب می‌باشد و

به عنوان یکی از گنجینه‌های کم‌نظیر و ارزنده اسلامی به حساب می‌آید. از آیة الله مرعشی ۱۷۰ اثر نفیس علمی در زمینه‌های مختلف به جای مانده و از دیگر خدمات ایشان بنای مساجد، حسینیه‌ها و مراکز درمانی در داخل و خارج کشور می‌باشد.

فعالیت سیاسی ایشان از سال ۱۳۴۱ آغاز شد. وی مانند

بیشتر علمای مشهور قم بالاخره انجمنهای ایالتی و ولایتی^{۲۸}

شایعاتی که اخیراً در مورد بانک صادرات روی اصل نطق یکی از وعاظ پیش آمده بود با مراجع تقلید تماس حاصل شد آقای عباسی از طرف آیت‌الله شریعتمداری اظهار داشت قرار است مسئولان بانک سهام آقای هژیر یزدانی را



خریداری کنند در این صورت تا اقدامات مسئولان بانک نمی‌توان دستور در مورد بستن بانک صادرات داد اما حضرت آیت‌الله شریعتمداری حساب خود را به بانک ملی انتقال داده است همچنین آیت‌الله نجفی^۱ اظهار داشته‌اند هنوز شایعاتی که درباره هژیر یزدانی وجود دارد بر ماثبت نشده است و به همین جهت تا وصول دلائل کافی دستوری نمی‌دهیم ولی حساب جاری خود را فعلاً به بانک ملی انتقال داده‌ایم.

نظریه شبیه: نظری ندارد.

نظریه دوشنبه: ۱- صحت خبر مورد تایید است ۲- بعضی از کارکنان بانک صادرات این شایعات را از ناحیه کارکنان بانک ملی تلقی می‌نمایند.

نظریه سه‌شنبه: صحت خبر و نظریه دوشنبه مورد تایید است

بایگانی شود ۳۶/۱۱/۴

به: ۳۱۲

تاریخ: ۳۶/۱۱/۲

از: مشهد

شماره: ۱۵/۱۰۰۰۲

تلگراف وارده

برابر اطلاع خریداری مقداری از سهام بانک صادرات توسط هژبر یزدانی موجب گردیده که آیت‌الله شریعتمداری نگرانی خود را اظهار و به افرادی که به او مراجعه کرده‌اند گفته که من در این بانک حسابی ندارم و نگرانی خود را به آقای

ولیان اظهار و برابر اطلاع آقای ولیان موضوع را به شرف عرض مبارک رسانیده و شاهنشاه آریامهر فرموده‌اند مردم و اشخاص در خرید این سهام اقدام نمایند. شیخان

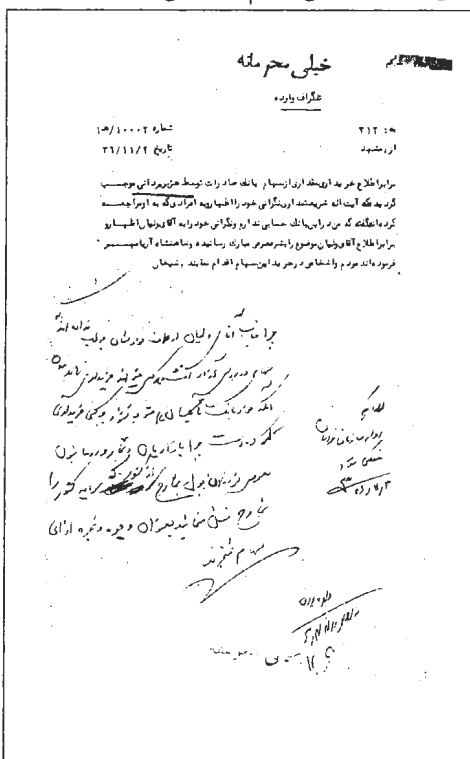
چرا جناب آقای ولیان از طرف خودشان جواب نداده‌اند که سهام در بورس آزاد است و هرکس می‌تواند خریداری نماید بدون آنکه خود بانک تا یک سال تمام متوجه نشود چه کسی خریداری کرده است چرا بازاریان و تجار و روحانیون به عوض فرستادن پول به خارج از کشور که سرمایه کشور

را به خارج منتقل می‌نمایند به عنوان وجوه غیره از این سهام نمی‌خرند.

اداره یکم

اوامر به سازمان خراسان منعکس شود. ۳۶/۱۱/۳

دایره بررسی به اجرای اوامر برسد. ۱۱/۳



مخالفت کرد. در ماجرای قیام ۱۵ خرداد و حوادث پس از آن از طریق انتشار اعلامیه رژیم را نسبت به اقدامات ضداسلامی و خشونت بار مورد انتقاد قرار می‌داد. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ایشان با اعلامیه‌های متعدد به رفتار دولت اعتراض می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره از نظام اسلامی حمایت می‌نمود. آیت‌الله مرعشی نجفی در روز ۸ شهریور ۱۳۶۹ بر اثر سکته قلبی در سن ۹۶ سالگی به رحمت ایزدی پیوست و در محل کتابخانه خویش به خاک سپرده شد.

ر.ک: سید جلال‌الدین مدنی.

تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱

و ۲

به : سازمان اطلاعات و امنیت خراسان

تاریخ: ۳۶/۱۱/۳

از : مرکز

شماره: ۳۱۲/۷۶۵۰

بازگشت به ۱۰۰۰۲/۱هـ - ۳۶/۱۱/۲

رمز شود

مراتب به عرض تیمسار ریاست ساواک رسید مقرر فرمودند چرا جناب آقای ولیان از طرف خودشان جواب نداده‌اند که سهام در بورس آزاد است و

هرکس می‌تواند خریداری نماید بدون آنکه خود بانک تا یک سال هم متوجه نشود چه کسی خریداری کرده است. چرا بازاریان و تجار و روحانیون به عوض فرستادن پول به خارج از کشور که سرمایه کشور را به خارج منتقل می‌نمایند به عنوان وجوه و غیره از این سهام نمی‌خرند.

ثابتی

۵۷۰۸۰

روحانی

۳۶/۱۱/۹

مراتب به عرض تیمسار ریاست ساواک رسید مقرر فرمودند چرا جناب آقای ولیان از طرف خودشان جواب نداده‌اند که سهام در بورس آزاد است و هرکس می‌تواند خریداری نماید بدون آنکه خود بانک تا یک سال هم متوجه نشود چه کسی خریداری کرده است. چرا بازاریان و تجار و روحانیون به عوض فرستادن پول به خارج از کشور که سرمایه کشور را به خارج منتقل می‌نمایند به عنوان وجوه و غیره از این سهام نمی‌خرند.

۵۷۰۸۰ یا یگانی شود.

روحانی ۳۶/۱۱/۹

به: مدیریت کل اداره سوم (۳۲۴)
تاریخ ۳۶/۱۱/۵
از: سازمان اطلاعات و امنیت خوزستان
شماره: ۳۵۶/۳۷۶۳۱
درباره: خرید سهام بانک صادرات ایران
پیرو ۳۵۶/۳۷۶۰۳ - ۳۶/۱۱/۱ (صادر به ۳۴۱)

برابر اعلام سازمان اطلاعات و امنیت ماهشهر:
اخیراً شایع گردیده که قسمت عمده سهام بانک صادرات ایران وسیله آقای

حسین میرمشتی

به مدیریت کل اداره سوم (۳۲۴)
شماره ۳۵۶/۳۷۶۳۱
تاریخ ۳۶/۱۱/۵
پیوست

از سازمان اطلاعات و امنیت خوزستان
درباره: خرید سهام بانک صادرات ایران
برود ۳۵۶/۳۷۶۰۳ - ۳۶/۱۱/۱ (صادر به ۳۴۱)

برابر اعلام سازمان اطلاعات و امنیت ماهشهر:
اخیراً شایع گردیده که قسمت عمده سهام بانک صادرات
ایران وسیله هژبر یزدانی که بان میانه خوزستان شهر
که این موضوع در جبهه شهر که تعداد از بانک صادرات
حساب قرار دارد، بانک مذکور مسدود نمایند و عمده ارز
متعصبین مذهبی نیز تا سن از پیش نیاز مسجدهای جامع که
حساب قرار دارند، بانک مسدود نمود و تمام شاخص این امر را در
مراتب جهت استحضار معروض
می گردد.

بایگانی شود از طرف رئیس
سازمان اطلاعات و امنیت
خوزستان

هژبر یزدانی که بهائی
می باشد خریداری شده که
این موضوع موجب شده که
تعدادی از بازاریان ماهشهر
حساب خود را در بانک
مذکور مسدود نمایند و
عده ای از متعصبین مذهبی
نیز به تاسی از پیش نماز
مسجد جامع که حساب خود
را در این بانک مسدود نمود
اقدام مشابهی انجام دادند.
مراتب جهت استحضار معروض
می گردد.

بایگانی شود از طرف رئیس
سازمان اطلاعات و امنیت
خوزستان

به: ۳۴۲

از: ۲۵هـ ۲۰

تاریخ: ۳۶/۱۱/۵

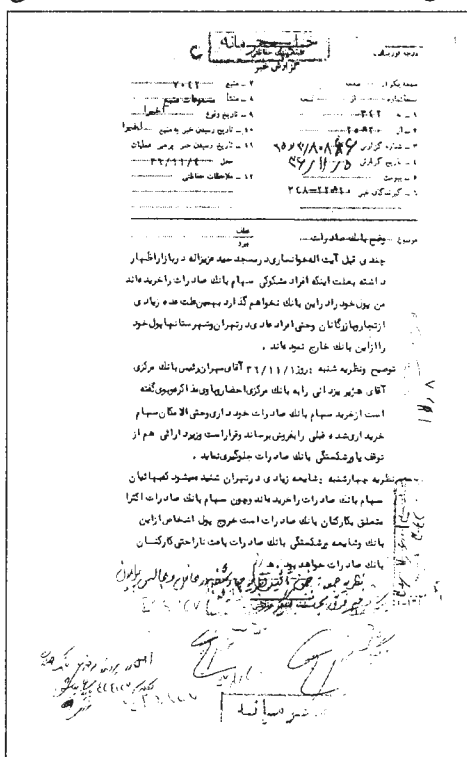
شماره: ۲۵هـ ۳/۸۰۸۶۶

موضوع: وضع بانک صادرات

چندی قبل آیت‌اله خوانساری^۱ در مسجد سید عزیزاله در بازار اظهار داشت به علت اینکه افراد مشکوکی سهام بانک صادرات را خریده‌اند من پول خود را در این بانک نخواهم گذارد به همین علت عده زیادی از تجار و بازرگانان و حتی

افراد عادی در تهران و شهرستانها پول خود را از این بانک خارج نموده‌اند.

توضیح و نظریه شنبه: روز ۳۶/۱۱/۱ آقای مه‌ران رئیس بانک مرکزی آقای هژیر یزدانی را به بانک مرکزی احضار و با وی مذاکره و به وی گفته است از خرید سهام بانک صادرات خودداری و حتی الامکان سهام خریداری شده قبلی را به فروش برساند و قرار است وزیر دارائی هم از توقف یا ورشکستگی بانک صادرات جلوگیری نماید.



نظریه چهارشنبه: شایعه زیادی در تهران شنیده می‌شود که بهائیان سهام بانک صادرات را خریده‌اند و چون سهام بانک صادرات اکثراً متعلق به کارکنان بانک صادرات است خروج پول اشخاص از این بانک و شایعه ورشکستگی بانک صادرات باعث ناراحتی کارکنان بانک صادرات خواهد بود.

نظریه جمعه: ضمن تایید نظریه چهارشنبه در محافل و مجالس پیرامون خبر فوق بحث می‌گردد.

اصل در پرونده موضوع بانک صادرات به کلاسه ۴۲۴۱۲۷ بایگانی می‌باشد.

۱- آیت‌الله العظمی سید احمد خوانساری از مراجع تقلید شیعیان در سال ۱۳۰۹ (هـ.ق) در خوانسار متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات از محضر مرحوم آخوی خود آیت‌الله حاج میرزا محمد حسن و مرحوم آیت‌الله حاج میرسید علی اکبر خوانساری استفاده نموده و پس از آن به اصفهان مسافرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد صادق اصفهانی و آیت‌الله آخوند ملا عبدالکریم گری و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد علی تویسرکانی بهره‌مند شده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نموده و یک سال از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی و چندین سال علامه طباطبایی یزدی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و در سال ۱۳۳۶ به ایران مراجعت و به اراک آمده و از محضر مرحوم آیت‌الله حائری بهره‌مند شده و در سال ۱۳۴۲ قمری مهاجرت به قم نموده و تا سال ۱۳۶۹ قمری به تدریس و افاضه پرداخته و جمعی از فضلاء و علماء عصر حاضر را از بیانات و تحقیقات خود بهره‌مند و مفتخر فرموده است و به دنبال تقاضای تجار و اصناف بازار تهران در سال ۱۳۶۹ (هـ.ق) به تهران عزیمت نموده و در مسجد مرحوم حاج سید عزیزاله بازار تهران اقامه نماز جماعت نموده و به تدریس فقه پرداخت. شرح محضر النافع، حاشیه بر عروة الوثقی و جامع‌المدارک از جمله تألیفات ایشان می‌باشد. حضرت آیت‌الله خوانساری در دیماه ۱۳۶۳ هـ ش دار فانی را وداع گفته و به سرای دوست شتافت جنازه ایشان با تشییع

به : مدیریت کل اداره اطلاعات و امنیت
 از : اداره کل سوم ۳۴۲
 تاریخ : ۳۶/۱۱/۵
 شماره : ۳۴۲/۳۶۰۶
 درباره : حمله به بانک صادرات شعبه جویبار
 بازگشت به : ۲/۷۷۱۰ - ۳ - ۲۰/۱۰/۳۶

خواهشمند است دستور فرمایید این قبیل وقایع را در اسرع وقت تلگرافی اعلام دارند.

مدیر کل اداره سوم - ثابتی
 از طرف
 نوری ۳۶/۱۱/۲
 بایگانی شود

شماره ۳۴۲/۳۶۰۶
 تاریخ ۳۶/۱۱/۵
 اداره اطلاعات و امنیت
 مدیریت کل سوم
 درباره : حمله به بانک صادرات شعبه جویبار
 بازگشت به : ۲/۷۷۱۰ - ۳ - ۲۰/۱۰/۳۶
 در اسرع وقت تلگرافی اعلام دارند
 مدیر کل اداره سوم - ثابتی
 از طرف
 نوری ۳۶/۱۱/۲
 بایگانی شود

۵۰-۲۵۷

باشکوهی در تهران و قم تشییع
 و در مسجد بالاسر حرم حضرت
 معصومه (ع) به خاک سپرده شد.
 (ر.ک : محمد شریف رازی،
 گنجینه دانشمندان، ج ۲، صص
 ۱۲ - ۹)

مدیریت کل اداره سوم ۳۴۲
سازمان اطلاعات و امنیت لرستان
تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۲
شماره: ۱۵/۵۲۰۷ ه
در باره: بانک صادرات ایران

برابر اعلام سازمان اطلاعات و امنیت الیگودرز آقای حسینی کرمانی واعظ
شهر الیگودرز ساکن قم در تاریخ ۳۶/۱۰/۹ پس از دعای صحیحگاهی در یکی
مساجد اظهار می دارد چون سرمایه بانک صادرات و کارخانه قند شانزدن مربوط

به بهائی ها است از این جهت
سرمایه گذاری در بانک
صادرات و خریداری قند
شانزدن کمک به ترویج دین
بهائی می باشد و آیت الله
گلپایگانی داشتن حساب در
بانک صادرات و خرید قند
شانزدن را تحریم نموده است
بدین جهت از تاریخ
۳۶/۱۰/۱۰ حدود ۶۰ نفر
از اهالی شهرستان الیگودرز
اقدام به بستن حسابهای
خود در بانک صادرات
الیگودرز و ازنا نموده اند
البته شدت عمل اهالی در
ازنا خیلی ضعیف بوده است

بروز امیر سازمان اطلاعات و امنیت الیگودرز آقای حسن کرمانی باعث شهرت کمک به بهائی قم در تاریخ
۳۶/۱۰/۹ پس از دعای صحیحگاهی در یکی از مساجد اظهار می دارد چون سرمایه بانک صادرات ایران
شانزدن مربوط به بهائی ها است از این جهت سرمایه گذاری در بانک صادرات و خرید قند شانزدن
شانزدن را تحریم نموده است بدین جهت از تاریخ ۳۶/۱۰/۹ حدود ۶۰ نفر از اهالی شهرستان الیگودرز
اقدام به بستن حسابهای خود در بانک صادرات و ازنا نموده اند البته شدت عمل اهالی در ازنا
خیلی ضعیف بوده است

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - محمد ابراهیم

تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۲
شماره: ۱۵/۵۲۰۷ ه

همچنین حدود ۵ روز قبل آقای اجتهادی امام جماعت شهر الیگودرز تلفنی با
منزل آیت الله گلپایگانی تماس و چون مشارالیه در منزل نبوده جریان را از
پسرش سؤال و پاسخ داده می شود حسابها را در بانک صادرات بسته ایم در این
بین عده ای از اهالی و بازاریان به نامان حاج مصطفی علوی - حاج ذبیح الله قاضی
- محمد رضا انصاری زاده - مجتبی رضائی - مرتضی گلی - حشمت الله امینی در
شهر اهالی را تحریک به بستن حسابهای خود در بانک صادرات می نمایند و
حتی نامبر دگان اظهار می دارند مردم بیایید با هم جهاد کنیم و داشتن حساب در

بانک صادرات کمک به ترویج بهائیگری می باشد خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به موارد فوق در این زمینه نظریه اعلام فرمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان. همدانیان

با یگانی شود نوری

محترماً از نظر استحضار و صدور اوامر بعرض می رساند

۳۶/۱۱/۱۹

ریاست اداره فرمودند با توجه به اینکه هژبر یزدانی کلیه تماس خود را به بانک صادرات واگذار و عده ای از بازاریان تهران سهام

او را خریداری کرده اند سازمان لرستان در جریان قرار گیرد. ۱۱/۱۹

شماره: ۸/۹۵/۱

تاریخ: ۲۵۳۶/۱۱/۱۲

جناب آقای دکتر محمدی ریاست محترم اداره کل نظارت

محترماً پیرو مذاکره تلفنی وضعیت حسابها شرکت های وابسته به آقای هژبر یزدانی در این منطقه بشرح زیر جهت استحضار اعلام گردید.

منطقه ۸ خراسان...

۱- حساب جاری ۱۸۴/۸۱۵ شعبه شیروان - بنام کارخانه قند شیروان اعتبار

تصویبی دائم و مخصوص -

۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

استفاده شده

- ۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

وثائق - به شعبه های

اعتباری

فعالیت کاری - در فصل

برداشت محصول بسیار

خوب در سایر فصول

متوسط

هیئت مدیره

آقای هژبر یزدانی - رئیس

هیئت مدیره

آقای غلامرضا زائرین ۱ -

ریاست هیئت مدیره

آقای دکتر باقر عاملی -

مدیرعامل

آقای محمدهادی فامیلی ۲ - عضویت هیئت مدیره

آقای کیومرث یزدانی - عضویت هیئت مدیره

آقای منوچهر کربلائی - عضو هیئت مدیره

۲- حساب جاری ۱۸۴/۱۲۰۰ شیروان بنام شرکت کشت و صنعت فارفر

اعتبار تصویبی دائم و مخصوص - ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

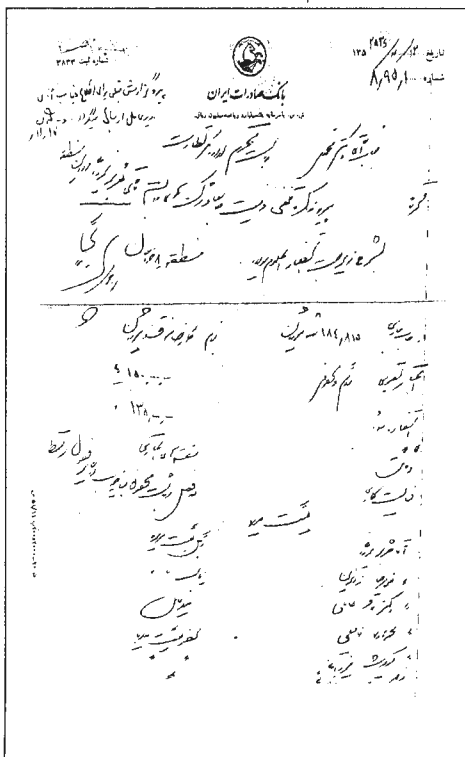
استفاده شده - ۱۳۸/۰۰۰/۰۰۰

۱- غلامرضا زائرین فرزند عباسعلی در سال ۱۲۹۷ ش در مراغه بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا دیپلم متوسطه و طی دوره عالی بانکداری ادامه داد و وارد خدمت دولتی در بانک سپه شد. وی در بانک های سپه، پارس و ایرانشهر مشغول به کار بوده و به مدیر عاملی بانک اصناف نیز رسیده است. در سال ۱۳۳۳ در پی کشف مدارکی از خانه یکی از اعضای حزب توده و ذکر نام وی در مدرک مذکور در شهریور آن سال دستگیر و با تکذیب عضویت و فعالیت در حزب مزبور سرانجام پس از طی ۴ ماه زندان، آزاد گردیده است.

- اسناد ساواک، پرونده های انفرادی

۲- محمد هادی فامیلی فرزند شکرالله در سال ۱۳۱۶ ش در سمنان به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا لیسانس ادامه داد و به شغل دبیری در دبیرستان های سمنان پرداخت. مشارالیه در جلسات انجمن اسلامی جوانان سمنان شرکت می نموده و به واسطه حساسیتی که ساواک روی تشکیل جلسات مذهبی داشته از سوی این سازمان تحت کنترل و مراقبت بوده و در سال ۱۳۵۲ احضار و پس از ارائه تذکر آزاد شده است. در سال ۱۳۵۵ پیام تبریکی برای رژیم پهلوی فرستاده که جوابیه آن از طرف ارتشبد نصیری داده شده است و در سال ۱۳۵۷ در اعتصاب معلمان سمنان نقش داشته است.

- اسناد ساواک، پرونده های انفرادی



و ثائق و سفته‌های اعتباری

فعالیت کار - در فصل برداشت خوب در غیر فصول متوسط

هیئت مدیره

آقای هژبر یزدانی - رئیس هیئت مدیره

آقای امین‌اله پروین - مدیر عامل

آقای دکتر باقر عاملی - عضو هیئت مدیره

آقای عباس زندیه - عضو هیئت مدیره

توضیحاً شرکت‌های فوق

قبلاً وابسته سناتور مهدوی و

به مدیریت ایشان بوده که در

سطح شعب قند قوچان -

شیروان - بجنورد فعالیت

گسترده‌ای داشته‌اند از دو

سال قبل کارخانه قند

شیروان در شرکت‌های

وابسته به آقای هژبر یزدانی

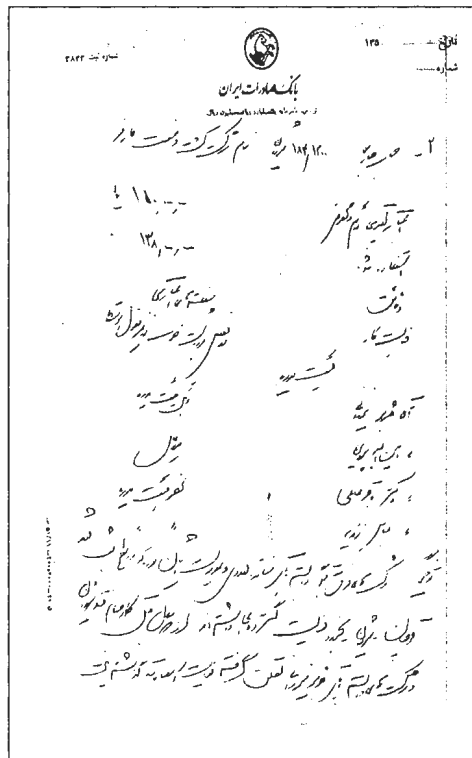
تعلق گرفته فعالیت استفاده

شده گذشته نیست.

پیرو گزارش قبلی برای اطلاع

جناب آقای مدیر عامل ارسال

می‌گردد..... ۱۱/۱۷



درباره: بانک صادرات

حدود ساعت ۱۰ صبح روز ۳۶/۱۱/۹ از طرف بانک صادرات مرکز آقایان کیانی، قائم مقامی، سجادی و درویش نوری وارد قم و به اتفاق بروجردی سرپرست حوزه بانک صادرات شهر مزبور به منزل آیت الله شریعتمداری

[illegible]

بیرو شماره ۲۱/۸۲۰۷-۳۶/۱۱/۲

آقای نوری ضمیمه سابقه بانک صادرات بایگانی شود ۱۱/۲۴

به: ۳۴۲

تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۶

از: ۲۲۵۲۰

شماره: ۹۸۳۹۰

موضوع: بانک صادرات ایران

از چندی پیش که شایع گردیده هژبر یزدانی که یکی از سهامداران بزرگ بانک صادرات می‌باشد و از نظر شرعی انجام معامله و مراوده با این قبیل مؤسسات را متعصبین مذهبی تحریم نموده‌اند در منطقه بازار و خیابانهای

اطراف آن و همچنین شهرستانهای مشهد و قم تعداد زیادی از مشتریان شهرستانها بنا به تصباتی که از نظر مذهبی دارند حسابهای خود را مسدود نموده و علناً موضوع را در مجامع مختلف مطرح و مردم را نسبت به امور بانک صادرات بدبین می‌سازند. از این جهت مسئولین بانک به منظور خنثی ساختن پیش‌آمدهای اخیر و جلب نظر مشتریان خود نامه‌ای را که یکی از مشتریان بانک در منطقه بازار و خیابانهای اطراف آن و همچنین شهرستانهای مشهد و قم تعداد زیادی از مشتریان شهرستانها بنا به تصباتی که از نظر مذهبی دارند حسابهای خود را مسدود نموده و علناً موضوع را در مجامع مختلف مطرح و مردم را نسبت به امور بانک صادرات بدبین می‌سازند. از این جهت مسئولین بانک به منظور خنثی ساختن پیش‌آمدهای اخیر و جلب نظر مشتریان خود

فهرست بانک صادرات ایران

از چندی پیش که شایع گردیده هژبر یزدانی که یکی از سهامداران بزرگ بانک صادرات می‌باشد و از نظر شرعی انجام معامله و مراوده با این قبیل مؤسسات را متعصبین مذهبی تحریم نموده‌اند در منطقه بازار و خیابانهای اطراف آن و همچنین شهرستانهای مشهد و قم تعداد زیادی از مشتریان شهرستانها بنا به تصباتی که از نظر مذهبی دارند حسابهای خود را مسدود نموده و علناً موضوع را در مجامع مختلف مطرح و مردم را نسبت به امور بانک صادرات بدبین می‌سازند. از این جهت مسئولین بانک به منظور خنثی ساختن پیش‌آمدهای اخیر و جلب نظر مشتریان خود نامه‌ای را که یکی از مشتریان بانک در منطقه بازار و خیابانهای اطراف آن و همچنین شهرستانهای مشهد و قم تعداد زیادی از مشتریان شهرستانها بنا به تصباتی که از نظر مذهبی دارند حسابهای خود را مسدود نموده و علناً موضوع را در مجامع مختلف مطرح و مردم را نسبت به امور بانک صادرات بدبین می‌سازند. از این جهت مسئولین بانک به منظور خنثی ساختن پیش‌آمدهای اخیر و جلب نظر مشتریان خود

تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۶

شماره: ۹۸۳۹۰

موضوع: بانک صادرات ایران

از چندی پیش که شایع گردیده هژبر یزدانی که یکی از سهامداران بزرگ بانک صادرات می‌باشد و از نظر شرعی انجام معامله و مراوده با این قبیل مؤسسات را متعصبین مذهبی تحریم نموده‌اند در منطقه بازار و خیابانهای اطراف آن و همچنین شهرستانهای مشهد و قم تعداد زیادی از مشتریان شهرستانها بنا به تصباتی که از نظر مذهبی دارند حسابهای خود را مسدود نموده و علناً موضوع را در مجامع مختلف مطرح و مردم را نسبت به امور بانک صادرات بدبین می‌سازند. از این جهت مسئولین بانک به منظور خنثی ساختن پیش‌آمدهای اخیر و جلب نظر مشتریان خود

نام حاج حسن موسوی رنگ فروش به بانک ارسال داشته و طی آن به نظریات آیت‌الله خوانساری^۱ یکی از مراجع تقلید شیعیان اشاره شده به تعداد زیادی فتوایی تهیه و در اختیار شعبات مختلف قرار داده‌اند تا کارکنان بانک با نشان دادن فتوایی مذکور به مشتریان مورد اعتماد خود نظر آنان را نسبت به ادامه کار با بانک مذکور جلب نمایند ضمناً گفته می‌شود که اخیراً آیت‌الله خوئی پولی از طریق بانک صادرات از نجف به ایران ارسال داشته که مسئولان بانک در صدد هستند که از عمل آیت‌الله خوئی نیز به نفع بانک بهره‌برداری نمایند.

۱- آیت‌الله خوانساری از روحانیون اهل مشهد و در صف روحانی‌های وابسته به رژیم پهلوی بوده و هیچ‌گاه در سطح مرجعیت نبوده و دستگاه امنیتی رژیم با بهره‌گیری از این ترغیب در صدد خنثی‌سازی و یا به حداقل رساندن موج مخالفت با داشتن حساب در بانک صادرات بوده است.

نظریه یکشنبه : ۱. شنبه مورد اعتماد می باشد و خبر قابل بررسی است.

۲- فتوکپی نامه مورد نظر جهت استحضار به پیوست تقدیم می گردد.

۳- مجله خواندنیها نیز در شماره ۱۹ مورخه ۳۶/۱۱/۱ مواردی در مورد بانک صادرات درج نموده که

عین برش مجله مذکور جهت استحضار به پیوست تقدیم می گردد. دادرسی

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است. عماد

محترماً از نظر استحضار بعرض می رساند

۳۶/۱۱/۲۲

بایگانی شود.

تاریخ: ۲۵۳۶/۱۱/۱۶

شماره: ۲۲۲/۳۴۷۱۲

موضوع: تهدید بانک صادرات ایران در سراسر کشور

٢٥٣٦/١١/٤-٢٢٢/٣٤٦٥٠. سپرو

ایران در تهران و شهرستانها
الصاق گردیده دایر بر اینکه
سهام بانک صادرات ایران
مربوط به بهائیان بوده و
مردم مسلمان بایستی هر چه
زودتر پول خود را از بانک
صادرات ایران خارج
سازند.

[illegible]

نظريه منبع :

صدور اعلامیه مزبور و تهدید مخالفان موجب ترس و وحشت شدید در مقامات مسئول بانک صادرات ایران گردیده است.

نظریه اداره کل دوم :

با توجه به دسترسی مستقیم منبع و منشأ به اینگونه اخبار و مشاهده اعلامیه‌های

مذکور موضوع مورد تایید می باشد.
علیهذا مراتب جهت آگاهی و انجام هرگونه اقدام مقتضی اعلام می گردد.
احتراماً

طبق آخرین خبر شاهنشاه آریامهر اوامری صادر فرموده اند که آقای هژبر یزدانی کلیه سهام خود را در اختیار بانک مذکور بگذارد
که هم اکنون مشغول واگذاری آن می باشند.

بایگانی شود. نوری جوان

محترماً به استحضار می رساند در صورت تصویب موضوع به اطلاع شهربانی کل برسد (به صورت برگ خبر) ۳۶/۱۱/۱۶

شماره: ۱۳۲۸/۳۸

تاریخ: ۲۵۳۶/۱۱/۱۶

جناب آقای مدیرعامل

گزارش حسابرسان این اداره کل در مورد آن تعداد حسابهای آقای هزیراله یزدانی و شرکتهای وابسته به نامبرده که مورد بررسی قرار گرفته به پیوست جهت اطلاع ارسال می‌گردد.

بطوری که ملاحظه می‌فرمایند حسب اسناد و مدارکی که در اختیار حسابرسان

گذارد شده، مشارالیه مبلغ
ریال ۳۴/۶۶۶/۷۷۶/۰۰۰
بدهی دارد که در مقابل
اسناد و وثائقی بالغ بر
ریال ۱۵/۰۶۶/۹۰۵/۰۰۰
در اختیار بانک قرار دارد.
در جدول پیوست گزارش
وضع انواع بدهی و وثائق
مورد نظر بطور مشروح
آورده شده است. ضمناً
یادآور می‌گردد که وضع
حسابهای مربوط به آقای
یزدانی از مناطق زاهدان و
کرمانشاه هم بوسیله تلفن
استیفا گردید ولی تاکنون
جوابی دریافت نکرده است.
اداره کل نظارت و..

شماره: ۲۵۳۶

تاریخ: ۱۳۲۸/۱۱/۱۶

نوع: ۱۳۲۸/۳۸

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای مدیرعامل

گزارش حسابرسان این اداره کل در مورد آن تعداد حسابهای آقای هزیراله یزدانی و شرکتهای وابسته به نامبرده که مورد بررسی قرار گرفته به پیوست جهت اطلاع ارسال می‌گردد.

بطوری که ملاحظه می‌فرمایند حسب اسناد و مدارکی که در اختیار حسابرسان

گذارد شده، مشارالیه مبلغ

ریال ۳۴/۶۶۶/۷۷۶/۰۰۰

بدهی دارد که در مقابل

اسناد و وثائقی بالغ بر

ریال ۱۵/۰۶۶/۹۰۵/۰۰۰

در اختیار بانک قرار دارد.

در جدول پیوست گزارش

وضع انواع بدهی و وثائق

مورد نظر بطور مشروح

آورده شده است. ضمناً

یادآور می‌گردد که وضع

حسابهای مربوط به آقای

یزدانی از مناطق زاهدان و

کرمانشاه هم بوسیله تلفن

استیفا گردید ولی تاکنون

جوابی دریافت نکرده است.

اداره کل نظارت و..

تلفنگرام

خیلی فوری است

ظرف دو سه روز گذشته اعلامیه‌ای توسط یک گروه ناشناخته صادر و در سراسر کشور پخش و تعدادی از آن نیز بر روی دیوار شعبات بانک صادرات ایران در تهران و شهرستانها الصاق گردیده دایر بر اینکه سهام بانک صادرات ایران مربوط به بهائیان بوده و مردم مسلمان بایستی هر چه زودتر پول خود را از

بانک صادرات ایران خارج سازند.

در این اعلامیه تهدید گردیده که چنانچه توجهی به انجام این امر به عمل نیاید گروه مزبور اقدامات شدیدی بر علیه بانک صادرات ایران به عمل آورده و دست به انفجار و تخریب شعبات بانک در سراسر کشور خواهند زد و تاریخ اقدامات خود را روزهای دوشنبه و سه شنبه ۱۷ و ۱۸/۱۱/۲۵۳۶ تعیین نموده‌اند.

آقای افسر نگهبان روز ۱۶/۱۱/۳۶ متن بالا را به صورت تلفون‌گرام به

اداره اطلاعات شهربانی کشور منعکس نمایند.

در ساعت ۱۵۰۰

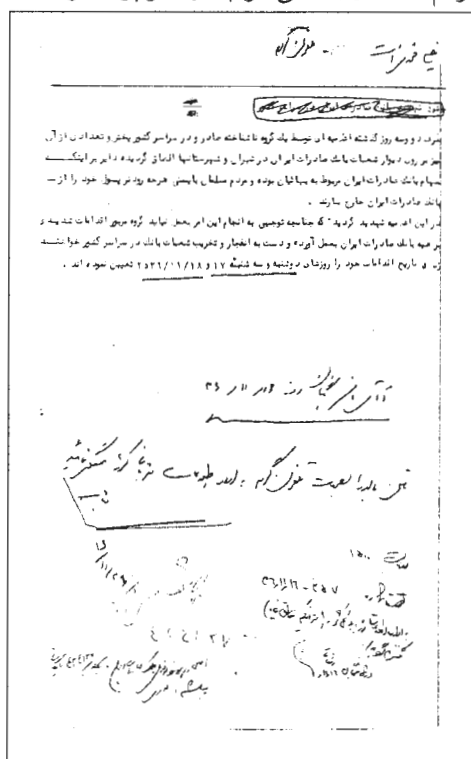
تحت شماره ۳۵۷-۳۶/۱۱/۱۶

به اداره اطلاعات شهربانی کل کشور (ستوان یکم خالق‌پناه) تلفنگرام گردید.

[ناخوانا] نگهبان

[ناخوانا] ۱۶/۱۶

اصل در پرونده موضوعی بانک صادرات ایران به کلاسه ۴۲۴۱۲۷ بایگانی می‌باشد. نوری



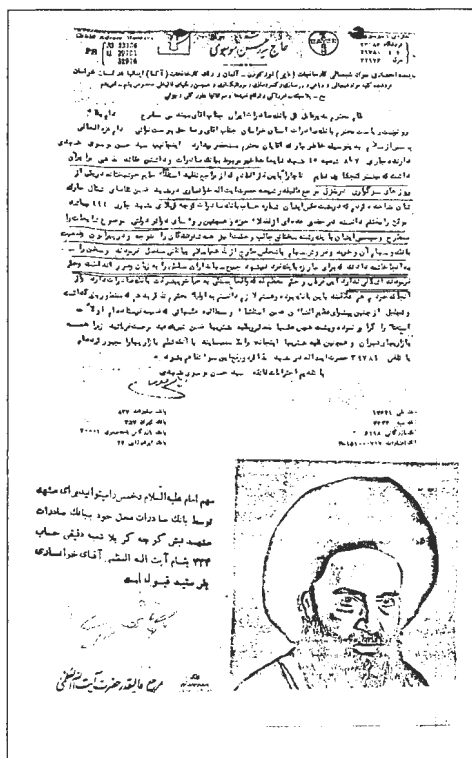
مشهد

حاج سید حسن موسوی

نماینده انحصاری مواد شیمیایی کارخانجات (بایر) لورکوزن - آلمان و رتک کارخانجات (آکنا) ایتالیا در استان خراسان فروشنده کلیه مواد شیمیایی و دباغی و چرمسازی و کنسروسازی و موزائیک سازی و همچنین رنگهای قالبیافی مخصوص پشم - ابریشم - نخ - پلاستیک - خوراکی و ارقام اسیدها و سولفاتها بطور کلی و جزئی

مقام محترم مدیر عامل کل
بانک صادرات ایران جناب
آقای مهندس مفرح

رونوشت ریاست محترم
بانک صادرات استان
خراسان جناب آقای رضا
حق پرست نوائی دام
عزه العالی پس از سلام
بدینوسیله خاطر مبارک
آقایان محترم مستحضر
می دارد اینجانب سیدحسن
موسوی مشهدی دارنده
جاری ۸۴۷ شعبه ۱۵ مشهد
شایعات اخیر مربوط به
بانک صادرات و داشتن



عقاید مذهبی را بر آن داشت که بیشتر کنجکاوای نمایم ناچاراً به این فکر افتادم که از مراجع تقلید استفاده نمایم خوشبختانه در یکی از روزهای سوگواری در منزل مرجع عالیقدر شریعه حضرت آیت اله خوانساری در مشهد ضمن تقاضای تمثال مبارک شان مشاهده کردم که در پشت عکس ایشان شماره حساب بانک صادرات کوچه کر بلائی مشهد جاری ۴۴۴ می باشد موقع را مغتنم دانسته در حضور عده ای از فضلاء حوزه و همچنین رؤسای دوائر دولتی موضوع شایعات را مطرح و سپس ایشان با یک رشته سخنانی جالب و حکمت آمیز همه شنوندگان

را متوجه و در پیرامون وضعیت بانک و سهام آن و خرید و فروش سهام به اشخاص خارج از مذهب اسلام بیاناتی مفصل فرمودند و سخن را به آنجا خاتمه دادند که برای مبارزه با یک فرد نمی‌شود جمع سهامداران مسلمان را به زیان و ضرر انداخت و حکم فرمودند اشکالی ندارد این فرمان و حکم معظم له که واقعاً بستگی به حیات و پیشرفت بانک صادرات دارد و از آنجا که خودم هم علاقمند به این بانک بوده و هستم لازم دانستم به اولیاء محترم تذکر بدهم که به طور بزرگداشت و تجلیل از چنین پیشوای عظیم‌الشأن ضمن استفتاء و مطالبه عکسهای که ضمیمه فرستاده‌ام اولاً استفتای را گراور نموده و پشت همین عکسها منعکس و به کلیه مشتریها ضمن تبریک عید مرحمت فرمایید زیرا همه بازارهای تهران و همچنین کلیه مشتریها اینجانب مرا ملامت می‌نمایند با آنکه تمام بازارها را مجبور کرده‌ام با تلفن ۳۹۷۸۱ حضرت آیت‌اله در مشهد مذاکره و رفع این سوء تفاهم بشود.

با تقدیم احترامات فائقه سیدحسن موسوی مشهدی

بانک صادرات ۸۴۷

بانک ملی ۱۷۶۴۱

بانک تهران ۳۵۷

بانک سپه ۴۳۴۴

بانک بازرگانی باجه صفوی ۴۰۰۰۱

بانک اعتبارات ۳-۱۵۱۰۰۷۵۷

بانک ایران ژاپن ۴۴

سهم امام علیه‌السلام و خمس را می‌توانید برای مشهد توسط بانک صادرات محل خود به بانک صادرات مشهد نبش کوچه کربلا شعبه دقیقی حساب ۴۴۴ به نام آیت‌اله العظمی آقای خوانساری بفرستید قبول است.

مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی خوانساری

با یگانی شود. نوری

به : مدیریت کل اداره سوم ۳۱۲

تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۷

از : سازمان اطلاعات و امنیت قم

شماره: ۲۱/۸۳۲

درباره: بانک صادرات

پیرو شماره ۲۱/۸۲۷۸-۲۵۳۶/۱۱/۱۵

برابر اعلام شهربانی تفرش اخیراً اعلامیه پیوست از طرف آیت‌الله خوانساری در تفرش انتشار یافته مبنی بر اینکه سهام بانک صادرات به حدود

۱۳ هزار نفر کارکنان خود بانک تعلق دارد لذا اگر تعدادی از سهام این مؤسسه که به صورت شرکت سهامی عام اداره می‌شود به یک نفر شخص خارج از مذهب اسلام متعلق باشد هیچگونه اشکالی از نظر شرع وارد نیست.

رئیس سازمان اطلاعات و

امنیت قم - معینی

گیرنده

مدیریت کل اداره سوم ۳۴۲

جهت استحضار

آقای نوری ۱۱/۲۴

بایگانی شود. نوری

بنام خداوند متعال
 مدیریت کل اداره سوم ۳۱۲
 تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۷
 شماره: ۲۱/۸۳۲
 درباره: بانک صادرات

پیرو شماره ۲۱/۸۲۷۸ - ۲۵۳۶/۱۱/۱۵

برابر اعلام شهربانی تفرش اخیراً اعلامیه پیوست از طرف آیت‌الله خوانساری در تفرش انتشار یافته مبنی بر اینکه سهام بانک صادرات به حدود ۱۳ هزار نفر کارکنان خود بانک تعلق دارد لذا اگر تعدادی از سهام این مؤسسه که به صورت شرکت سهامی عام اداره می‌شود به یک نفر شخص خارج از مذهب اسلام متعلق باشد هیچگونه اشکالی از نظر شرع وارد نیست.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم - معینی

گیرنده

مدیریت کل اداره سوم ۳۴۲ جهت استحضار

آقای نوری ۱۱/۲۴

بایگانی شود. نوری

به: ۳۱۲

تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۹

از: ۱۵/۶ هـ

شماره: ۱۵/۱۱۹۶۰ هـ

موضوع: سید محمد حسین موسوی بلادی^۱ پیشنماز ساکن بهبهان

۱- حجة الاسلام سید محمد حسین موسوی بلادی فرزند سید باقر در سال ۱۳۰۷ در بهبهان دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی به تحصیل علوم دینی پرداخت.

طبق اظهار خودش که در گزارش بازجویی مهر ماه ۱۳۵۷ آمده، چنین بیان داشته: «مدت ۲۴ سال است که از نجف اشرف به بهبهان آمده‌ام و امام جماعت مسجد مصلی (که اخیراً پس از تجدید بنا به نام مسجد امام جعفر صادق (ع) نامیده می‌شود) هشتم و مدت یک سال و نیم است که در این مسجد به منبر نرفته‌ام و مشغول تدریس در مدرسه علمیه دینی که ساخته‌ام می‌باشم... و در تظاهرات روز ۱۳۵۷/۵/۲۳ هم به علت بیماری در منزل بودم و شرکت نداشت‌ام.»

ایشان چنانچه در اسناد ساواک آمده تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۴۳ دارای پرونده بوده و از آن زمان فعالیت بر علیه رژیم پهلوی را آغاز نموده و در موقعیت‌های مناسب، مطالبی اظهار می‌نموده و از مقلدین حضرت امام و پیروان مبارزاتی ایشان بوده و بارها مورد تعرض ساواک قرار گرفته، لیکن با نوعی زیرکی خاص هر بار از حضور در مبارزه طفره رفته و حتی در خصوص تقلید خود را مقلد آقای خوشی اعلام داشته و لذا ساواک به جهت نداشتن دلیل و مدرک کافی او را آزاد نموده است.

اسناد ساواک، پرونده‌های

انفرادی

اخیراً یکی از مسئولین بانک صادرات منطقه به ملاقات نامبرده بالا می‌رود و ضمن روشن کردن هدف و نحوه کار بانک صادرات و اینکه کلیه سهامداران و گردانندگان آن مسلمان می‌باشند و از انصاف به دور است که بعضی از وعاظ با مستمسک کردن اینکه هژبر

یزدانی در بانک صادرات سهام و به سبب اینکه نامبرده پیرو فرقه بهائی‌گری است معامله با بانک مذکور حرام اعلام گردد با نامبرده مذاکره سید محمد حسین موسوی بلادی ضمن رد اظهارات مسئول بانک می‌گوید هنگامی که حکومت و دولت از اسلام حمایت نمی‌کند و بر علیه آن نیز قدم بر می‌دارد وظیفه ما است که این کار را بکنیم و ضمن تشریح اینکه از مراجع تقلید دستور دارند معامله با

درج در وقت

خیلی

مجلس شورای اسلامی

شماره: ۱۱۹۶۰

تاریخ: ۱۳۵۷/۵/۲۳

موضوع: سید محمد حسین موسوی بلادی

توضیحات: ...

شماره: ۱۱۹۶۰

تاریخ: ۱۳۵۷/۵/۲۳

موضوع: سید محمد حسین موسوی بلادی

توضیحات: ...

شماره: ۱۱۹۶۰

تاریخ: ۱۳۵۷/۵/۲۳

موضوع: سید محمد حسین موسوی بلادی

توضیحات: ...

بانک صادرات را حرام عنوان نمایند تهدید نموده چون بسیاری از مایحتاج مردم از قبیل قند - پوست و پشم و غیره و از طریق سرمایه‌گذاری هژبر یزدانی تهیه می‌گردد لذا در آتیه اقلام مزبور را نیز حرام اعلام خواهند داشت.

نظریه شنبه - شنبه نظری ندارد.

نظریه یکشنبه - با توجه به دسترسی شنبه عنوان مطالب مزبور از جانب سید

محمد حسین موسوی بلادی صحت دارد. بلادی

نظریه ۱۶ هـ - چون سید محمد حسین موسوی بلادی از روحانیون افراطی

می باشد بیان چنین مطالبی برابر نظریه یکشنبه بعید نیست.

به استحضار ریاست بخش ۳۱۲ برسد

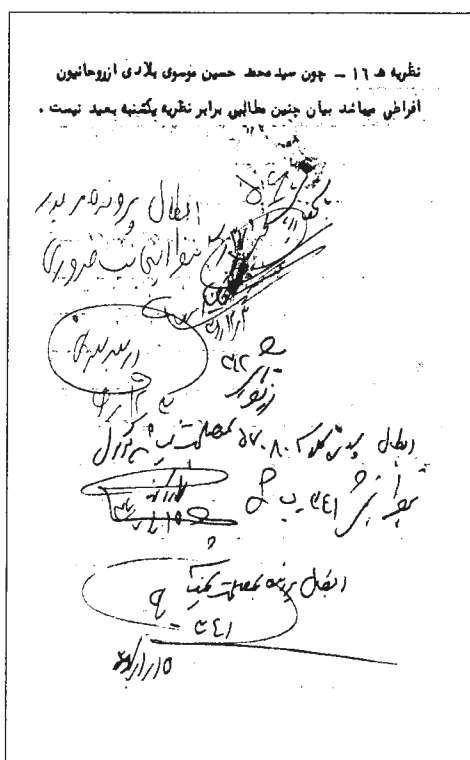
ابطال پرونده مزبور به نظر اینجانب ضروری است. ۳۶/۱۲/۳

از نظر گزارش ابطال پرونده کلاسه ۵۷۰۸۰ به مصلحت نمی باشد موکول به نظر بخش ۳۴۱

می باشد

ابطال پرونده به مصلحت نمی باشد ۳۴۱

۵۷۰۸۰ بایگانی شود. ۳۷/۱/۱۵



به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان تاریخ: ۳۶/۱۱/۲۹

از: اداره کل سوم ۳۴۲ شماره: ۳۴/۷۷۱

درباره: بانک صادرات ایران

عطف به: ۱۵/۵۲۰۷-هـ ۳۶/۱۱/۱۲

اخیراً هژبر یزدانی کلیه سهام خود را در اختیار بانک قرار داده و عده‌ای از
بازاریان نیز سهام وی را خریداری کرده‌اند.

مدیرکل اداره سوم. ثابتی
از طرف

همراز ۳۶/۱۱/۲۵

اصل در پرونده موضوعی کلاسه

۴۲۴۱۲۷ بانک صادرات ایران

بایگانی شد. نوری

شماره: ۳۴/۷۷۱
تاریخ: ۳۶/۱۱/۲۹
پست: ...

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان
بانک صادرات ایران
از: اداره کل سوم ۳۴۲

درباره: بانک صادرات ایران

عطف به: ۱۵/۵۲۰۷-هـ ۳۶/۱۱/۱۲

اخیراً هژبر یزدانی کلیه سهام خود را در اختیار
بانک قرار داده و عده‌ای از بازاریان نیز سهام وی را
خریداری کرده‌اند.

مدیرکل اداره سوم. ثابتی
از طرف

۳۶/۱۱/۲۵

۵۲-۲۵۸

تاریخ: ۳۶/۱۱/۲۰

شماره: ۲۴۰/۱۹۰

به: کل سوم ۳۴۲

از: کل دوم ۲۴۰

موضوع: تحریم بانک صادرات

پیرو: ۳۶/۱۱/۱۶ - ۲۲۲/۳۴۷۱۲

در مجلس روضه خوانی زنانه‌ای که در خیابان نمازی سوم منشعب از خیابان تاج به مناسبت ایام وفات حضرت رسول اکرم و شهادت امام حسن و حضرت رضا علیه السلام برگزار گردیده بوده است خانمی که گویندگی و روضه خوانی عهده دار می باشد و مشهور به «خانم کاشانی عدل» و معلم مدرسه موسوی پور واقع در خیابان آریانی تهران است اظهار داشته که مطالبی را که اعلام می کنم فتوای رهبران دین است که باید اجرا کنید.

سرمایه بانک صادرات مربوط به اسرائیلی ها و بهائیه است و اکثر کارمندان آنها بهائی هستند هرگونه دادوستد با این بانک حرام

است بر شما واجب است اگر اندوخته یا حسابی در این بانک دارید فوراً برداشت ننمائید هر کس به این کار عمل نکند مانند آن است که بر روی امام زمان و پیغمبر اکرم شمشیر کشیده است. این خانم اشاره های دیگر دایره بر عدم امنیت و وابستگی مقامات عالی به بهائیه و حمایت از بهائیگری می نماید. مجلس روضه ای که این خانم در آن صحبت می کند شنوندگان بسیار دارد و همه آنها زن هستند.

محترماً از نظر استحضار بعرض می رساند. همراز ۳۶/۱۱/۲۴

در مجلس روضه خوانی زنانه ای که در خیابان نمازی سوم منشعب از خیابان تاج به مناسبت ایام وفات حضرت رسول اکرم و شهادت امام حسن و حضرت رضا علیه السلام برگزار گردیده بوده است خانمی که گویندگی و روضه خوانی عهده دار می باشد و مشهور به «خانم کاشانی عدل» و معلم مدرسه موسوی پور واقع در خیابان آریانی تهران است اظهار داشته که مطالبی را که اعلام می کنم فتوای رهبران دین است که باید اجرا کنید.

سرمایه بانک صادرات مربوط به اسرائیلی ها و بهائیه است و اکثر کارمندان آنها بهائی هستند هرگونه دادوستد با این بانک حرام است بر شما واجب است اگر اندوخته یا حسابی در این بانک دارید فوراً برداشت ننمائید هر کس به این کار عمل نکند مانند آن است که بر روی امام زمان و پیغمبر اکرم شمشیر کشیده است. این خانم اشاره های دیگر دایره بر عدم امنیت و وابستگی مقامات عالی به بهائیه و حمایت از بهائیگری می نماید. مجلس روضه ای که این خانم در آن صحبت می کند شنوندگان بسیار دارد و همه آنها زن هستند.

تاریخ: ۳۶/۱۱/۲۲

شماره ۹۸۴۲۰/۲ هـ ۱۲

از چندی پیش که شایع گردیده که انجام معامله و مرأوده با بانک صادرات به علت اینکه افراد مشکوکی در این بانک سهامدار می‌باشند از نظر شرعی صحیح نمی‌باشد مسائل نسبتاً پیچیده‌ای در بین کارکنان بانک و مراجعین آن مطرح بوده

۱۳۹۲
۱۳۹۱
۱۳۹۰
۱۳۸۹
۱۳۸۸
۱۳۸۷
۱۳۸۶
۱۳۸۵
۱۳۸۴
۱۳۸۳
۱۳۸۲
۱۳۸۱
۱۳۸۰
۱۳۷۹
۱۳۷۸
۱۳۷۷
۱۳۷۶
۱۳۷۵
۱۳۷۴
۱۳۷۳
۱۳۷۲
۱۳۷۱
۱۳۷۰
۱۳۶۹
۱۳۶۸
۱۳۶۷
۱۳۶۶
۱۳۶۵
۱۳۶۴
۱۳۶۳
۱۳۶۲
۱۳۶۱
۱۳۶۰
۱۳۵۹
۱۳۵۸
۱۳۵۷
۱۳۵۶
۱۳۵۵
۱۳۵۴
۱۳۵۳
۱۳۵۲
۱۳۵۱
۱۳۵۰
۱۳۴۹
۱۳۴۸
۱۳۴۷
۱۳۴۶
۱۳۴۵
۱۳۴۴
۱۳۴۳
۱۳۴۲
۱۳۴۱
۱۳۴۰
۱۳۳۹
۱۳۳۸
۱۳۳۷
۱۳۳۶
۱۳۳۵
۱۳۳۴
۱۳۳۳
۱۳۳۲
۱۳۳۱
۱۳۳۰
۱۳۲۹
۱۳۲۸
۱۳۲۷
۱۳۲۶
۱۳۲۵
۱۳۲۴
۱۳۲۳
۱۳۲۲
۱۳۲۱
۱۳۲۰
۱۳۱۹
۱۳۱۸
۱۳۱۷
۱۳۱۶
۱۳۱۵
۱۳۱۴
۱۳۱۳
۱۳۱۲
۱۳۱۱
۱۳۱۰
۱۳۰۹
۱۳۰۸
۱۳۰۷
۱۳۰۶
۱۳۰۵
۱۳۰۴
۱۳۰۳
۱۳۰۲
۱۳۰۱
۱۳۰۰
۱۲۹۹
۱۲۹۸
۱۲۹۷
۱۲۹۶
۱۲۹۵
۱۲۹۴
۱۲۹۳
۱۲۹۲
۱۲۹۱
۱۲۹۰
۱۲۸۹
۱۲۸۸
۱۲۸۷
۱۲۸۶
۱۲۸۵
۱۲۸۴
۱۲۸۳
۱۲۸۲
۱۲۸۱
۱۲۸۰
۱۲۷۹
۱۲۷۸
۱۲۷۷
۱۲۷۶
۱۲۷۵
۱۲۷۴
۱۲۷۳
۱۲۷۲
۱۲۷۱
۱۲۷۰
۱۲۶۹
۱۲۶۸
۱۲۶۷
۱۲۶۶
۱۲۶۵
۱۲۶۴
۱۲۶۳
۱۲۶۲
۱۲۶۱
۱۲۶۰
۱۲۵۹
۱۲۵۸
۱۲۵۷
۱۲۵۶
۱۲۵۵
۱۲۵۴
۱۲۵۳
۱۲۵۲
۱۲۵۱
۱۲۵۰
۱۲۴۹
۱۲۴۸
۱۲۴۷
۱۲۴۶
۱۲۴۵
۱۲۴۴
۱۲۴۳
۱۲۴۲
۱۲۴۱
۱۲۴۰
۱۲۳۹
۱۲۳۸
۱۲۳۷
۱۲۳۶
۱۲۳۵
۱۲۳۴
۱۲۳۳
۱۲۳۲
۱۲۳۱
۱۲۳۰
۱۲۲۹
۱۲۲۸
۱۲۲۷
۱۲۲۶
۱۲۲۵
۱۲۲۴
۱۲۲۳
۱۲۲۲
۱۲۲۱
۱۲۲۰
۱۲۱۹
۱۲۱۸
۱۲۱۷
۱۲۱۶
۱۲۱۵
۱۲۱۴
۱۲۱۳
۱۲۱۲
۱۲۱۱
۱۲۱۰
۱۲۰۹
۱۲۰۸
۱۲۰۷
۱۲۰۶
۱۲۰۵
۱۲۰۴
۱۲۰۳
۱۲۰۲
۱۲۰۱
۱۲۰۰
۱۱۹۹
۱۱۹۸
۱۱۹۷
۱۱۹۶
۱۱۹۵
۱۱۹۴
۱۱۹۳
۱۱۹۲
۱۱۹۱
۱۱۹۰
۱۱۸۹
۱۱۸۸
۱۱۸۷
۱۱۸۶
۱۱۸۵
۱۱۸۴
۱۱۸۳
۱۱۸۲
۱۱۸۱
۱۱۸۰
۱۱۷۹
۱۱۷۸
۱۱۷۷
۱۱۷۶
۱۱۷۵
۱۱۷۴
۱۱۷۳
۱۱۷۲
۱۱۷۱
۱۱۷۰
۱۱۶۹
۱۱۶۸
۱۱۶۷
۱۱۶۶
۱۱۶۵
۱۱۶۴
۱۱۶۳
۱۱۶۲
۱۱۶۱
۱۱۶۰
۱۱۵۹
۱۱۵۸
۱۱۵۷
۱۱۵۶
۱۱۵۵
۱۱۵۴
۱۱۵۳
۱۱۵۲
۱۱۵۱
۱۱۵۰
۱۱۴۹
۱۱۴۸
۱۱۴۷
۱۱۴۶
۱۱۴۵
۱۱۴۴
۱۱۴۳
۱۱۴۲
۱۱۴۱
۱۱۴۰
۱۱۳۹
۱۱۳۸
۱۱۳۷
۱۱۳۶
۱۱۳۵
۱۱۳۴
۱۱۳۳
۱۱۳۲
۱۱۳۱
۱۱۳۰
۱۱۲۹
۱۱۲۸
۱۱۲۷
۱۱۲۶
۱۱۲۵
۱۱۲۴
۱۱۲۳
۱۱۲۲
۱۱۲۱
۱۱۲۰
۱۱۱۹
۱۱۱۸
۱۱۱۷
۱۱۱۶
۱۱۱۵
۱۱۱۴
۱۱۱۳
۱۱۱۲
۱۱۱۱
۱۱۱۰
۱۱۰۹
۱۱۰۸
۱۱۰۷
۱۱۰۶
۱۱۰۵
۱۱۰۴
۱۱۰۳
۱۱۰۲
۱۱۰۱
۱۱۰۰
۱۰۹۹
۱۰۹۸
۱۰۹۷
۱۰۹۶
۱۰۹۵
۱۰۹۴
۱۰۹۳
۱۰۹۲
۱۰۹۱
۱۰۹۰
۱۰۸۹
۱۰۸۸
۱۰۸۷
۱۰۸۶
۱۰۸۵
۱۰۸۴
۱۰۸۳
۱۰۸۲
۱۰۸۱
۱۰۸۰
۱۰۷۹
۱۰۷۸
۱۰۷۷
۱۰۷۶
۱۰۷۵
۱۰۷۴
۱۰۷۳
۱۰۷۲
۱۰۷۱
۱۰۷۰
۱۰۶۹
۱۰۶۸
۱۰۶۷
۱۰۶۶
۱۰۶۵
۱۰۶۴
۱۰۶۳
۱۰۶۲
۱۰۶۱
۱۰۶۰
۱۰۵۹
۱۰۵۸
۱۰۵۷
۱۰۵۶
۱۰۵۵
۱۰۵۴
۱۰۵۳
۱۰۵۲
۱۰۵۱
۱۰۵۰
۱۰۴۹
۱۰۴۸
۱۰۴۷
۱۰۴۶
۱۰۴۵
۱۰۴۴
۱۰۴۳
۱۰۴۲
۱۰۴۱
۱۰۴۰
۱۰۳۹
۱۰۳۸
۱۰۳۷
۱۰۳۶
۱۰۳۵
۱۰۳۴
۱۰۳۳
۱۰۳۲
۱۰۳۱
۱۰۳۰
۱۰۲۹
۱۰۲۸
۱۰۲۷
۱۰۲۶
۱۰۲۵
۱۰۲۴
۱۰۲۳
۱۰۲۲
۱۰۲۱
۱۰۲۰
۱۰۱۹
۱۰۱۸
۱۰۱۷
۱۰۱۶
۱۰۱۵
۱۰۱۴
۱۰۱۳
۱۰۱۲
۱۰۱۱
۱۰۱۰
۱۰۰۹
۱۰۰۸
۱۰۰۷
۱۰۰۶
۱۰۰۵
۱۰۰۴
۱۰۰۳
۱۰۰۲
۱۰۰۱
۱۰۰۰
۹۹۹
۹۹۸
۹۹۷
۹۹۶
۹۹۵
۹۹۴
۹۹۳
۹۹۲
۹۹۱
۹۹۰
۹۸۹
۹۸۸
۹۸۷
۹۸۶
۹۸۵
۹۸۴
۹۸۳
۹۸۲
۹۸۱
۹۸۰
۹۷

۱- در ابتدای امر آیت‌اله نوری به تعدادی از بازاریان که طرف مراجعه وی می‌باشند ضمن تشریح وضع بانک صادرات توجیه می‌نماید که حتی‌الامکان از مرادوده با این بانک خودداری نمایند و حسابهای خودشان را ببندند و از ادامه همکاری با بانک صادرات تا زمانی که تکلیف افراد مشکوک مثل هژیر یزدانی از نظر شرعی روشن نشده خودداری

نمایند. بدنبال این موضوع عده‌ای از کارمندان بانک به منظور تعیین صحت و یا سقم موضوع و علت پافشاری آیت‌اله نوری نسبت به قطع رابطه با بانک صادرات در پوشش افراد عادی تلفنی با مشارالیه تماس گرفته و چگونگی را از نامبرده استفسار می‌نمایند که یاد شده ضمن تایید موضوع اظهار می‌دارد ما خودمان اقداماتی را انجام خواهیم داد که هرگز یزدانی یا به دین مقدس اسلام مشرف بشود و یا اینکه به نحوی سهام وی را خریداری نماییم.

۲- پس از اینکه در تابستان سال جاری بیوگرافی هژبریزدانی در روزنامه کیهان

۱- عبدالرضا حجازی در سال

۱۳۱۳ هـ ق در ش—هرضای

اصفهان متولد شد. وی پس از

مقامات و نهادها

اصفهان آمد و مدت سه سال از

درس حجة الاسلام حاج میرزا
علی آقا شایسته مدح و ثناء

در سال ۱۳۲۹ به حوزه علمیه قم

مسافرت کرد. وی پس از تکمیل

استادانی چون آیت الله العظمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن را نزد علامه طباطبائی فرا

گرفت. در سال ۱۴۲۰ به تهران

و در شمار وعاظ نامی در آمد.

سید عبدالرضا حجازی دورہ

دانشگاه تهران و دوره دکتری را

در دانشگاه انکارا طی نمود.

پهلوی یارها توسط ساواک

دستگیر و زندانی شد ولی هر بار

تمایل به همکاری با ساواک و

تقاضای عفو آزاد می‌شد در

رو حانہ مت لال فکے، شناختہ

می‌شد. سید عبدالرضا حجازی

دستگ، باند کم دتاء، قطب

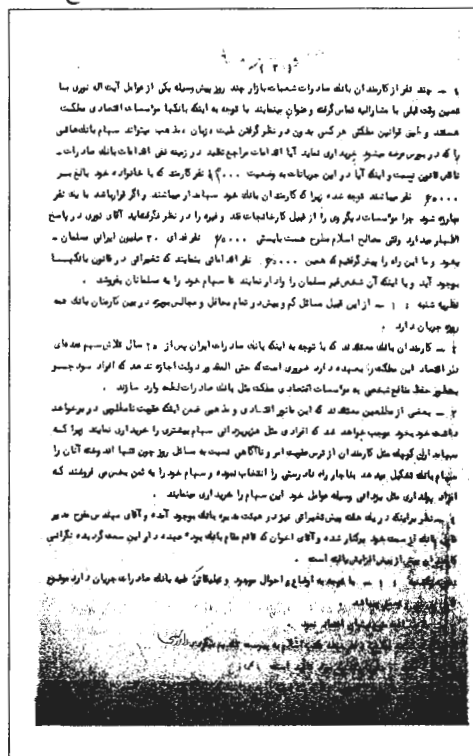
زاده، متهم ردیف سوم بود که به

تہ طشہ بہ انداز می معجم و شہ

جعفر آقا نمایندگان کارمندان را می‌پذیرد و پس از مذاکرات مفصل مشارالیه اظهار می‌دارد که ما تاکنون در این خصوص فتوایی‌ای صادر نکرده‌ایم بلکه حسابهایمان را مسدود نموده‌ایم و شما نگران نباشید ما خودمان در فکر اصلاح آن هستیم و در توجیه این مطلب اضافه می‌نماید که در وهله اول سعی ما بر این است که هژبر یزدانی را دعوت به دین مقدس اسلام بنمائیم و البته شنیده‌ایم که وی گفته است من مسلمان هستم و هر فردی هم که بگوید مسلمان هستم برای ما کافی است ولی ما می‌خواهیم که خود ایشان این مطلب را در پیش مراجع تقلید

اذعان نماید و یا اینکه با وجوهاتی که فعلاً در اختیار داریم (۲۵۰ میلیون تومان داریم و می‌توانیم تا ۵۰۰ میلیون تومان نیز تأمین نمائیم) کلیه سهام وی را خریداری خواهیم کرد تا بانک صادرات که روش پسندیده‌ای جهت رفع معضلات مالی افراد این مملکت دارد به صورت بانک اسلامی فعالیت نماید.

۵- چون آیت‌الله شریعتمداری یکی از حسابهای خود را در بانک صادرات مسدود نموده است



(مشارالیه ۱۴ حساب در بانک صادرات دارد که فقط یکی از آنها را مسدود نموده است) از این جهت اهالی آذربایجان و همچنین آذربایجانیهای مقیم مرکز که از مشارالیه تقلید می‌نمایند به تاسی از اقدامات آیت‌الله شریعتمداری حسابهای خود را مسدود نمایند.

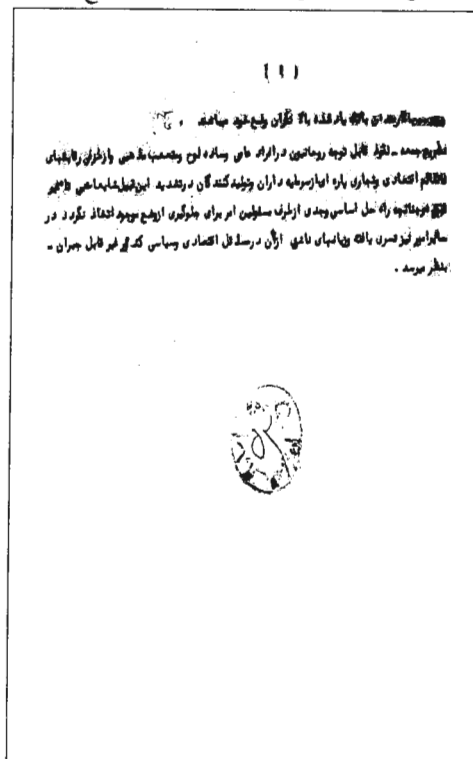
۶- بطوری که رئیس منطقه شهرستان رضائیه تلفنی اطلاع می‌دهد در یکی از شهرستانهای استان آذربایجان غربی یکی از وعاظ در بالای منبر فتوی می‌دهد که معامله و مراد به بانک صادرات منع شرعی دارد.

۷- طبق اطلاع گویا در شهرستان سنگسر مسجدی بنا می‌گردد که بانی آن آیت‌اله نوری می‌باشد و چون اختلاف نظرهایی بین مشارالیه و بهائیان مقیم سنگسر بوجود آمده و منجر به آن گردیده که مشارالیه به اشاعه چنین شایعاتی دامن بزنند.

۸- اخیراً از طرف مسئولین مجله مکتب اسلام - قم اعلامیه‌هایی تهیه گردیده که طی آن عنوان شده نظر به اینکه حساب بانک صادرات این مجله تعطیل شده لطفاً از فرستادن پول به این حساب خودداری و وجه اشتراک خود را به حساب ۱۰۴۲۹ بانک ملی شعبه پاچنار واریز نمایند و این اعلامیه در بازار توزیع و بعضاً

به دیوارهای بازار نیز الصاق گردیده است.

۹- چند نفر از کارمندان بانک صادرات شعبات بازار چند روز پیش وسیله یکی از عوامل آیت‌اله نوری با تعیین وقت قبلی با مشارالیه تماس گرفته و عنوان می‌نمایند با توجه به اینکه بانکها مؤسسات اقتصادی مملکت هستند و طبق قوانین مملکتی هر کسی بدون در نظر گرفتن ملیت، زبان، مذهب می‌تواند سهام بانکی‌هایی را که در بورس عرضه می‌شود خریداری



نماید آیا اقدامات مراجع تقلید در زمینه نفی اقدامات بانک صادرات ناقض قانون نیست و اینکه آیا در این جریانات به وضعیت ۱۳۰۰۰ نفر کارمند که با خانواده خود بالغ بر ۶۵۰۰۰ نفر می‌باشند توجه شده زیرا که کارمندان بانک خود سهامدار می‌باشند و اگر قرار باشد با یک نفر مبارزه شود چرا مؤسسات دیگر وی را از قبیل کارخانجات قند و غیره را در نظر نگرفته‌اید آقای نوری در پاسخ اظهار می‌دارد وقتی مصالح اسلام مطرح هست بایستی ۶۵۰۰۰ نفر فدای ۳۰ میلیون ایرانی مسلمان بشود و ما این راه را پیش گرفتیم که همین ۶۵۰۰۰ نفر

اقداماتی بنمایند که تغییراتی در قانون بانکها به وجود آید و یا اینکه آن شخص غیرمسلمان را وادار نمایند تا سهام خود را به مسلمانان بفروشد.

نظریه شنبه : ۱- از این قبیل مسائل کم و بیش در تمام محافل و مجالس به ویژه در بین کارمندان بانک همه روزه جریان دارد.

۲- کارمندان بانک معتقدند که با توجه به اینکه بانک صادرات ایران را پس از ۲۵ سال تلاش سهم عمده‌ای در اقتصاد این مملکت را به عهده دارد ضروری است که حتی المقدور دولت اجازه ندهد که افراد سودجو به منظور حفظ منافع شخصی به مؤسسات اقتصادی مملکت مثل بانک صادرات لطمه وارد سازند.

۳- بعضی از مطلعین معتقدند که این مانور اقتصادی و مذهبی ضمن اینکه عقوبت نامطلوبی دربر خواهد داشت خود بخود موجب خواهد شد که افرادی مثل هژبر یزدانی سهام بیشتری را خریداری نمایند زیرا که سهامداران کوچک مثل کارمندان از ترس عقوبت امر و ناآگاهی نسبت به مسائل روز چون تنها اندوخته آنان را سهام بانک تشکیل می‌دهد به ناچار راه نادرستی را انتخاب نموده و سهام خود را به ثمن بخش می‌فروشند که افراد پولداری مثل یزدانی وسیله عوامل خود این سهام را خریداری می‌نمایند.

۴- نظر براینکه در یک هفته پیش تغییراتی نیز در هیئت مدیره بانک بوجود آمده و آقای مهندس مفرح مدیرعامل بانک از سمت خود برکنار شده و آقای اخوان که قائم مقام بانک بوده عهده‌دار این سمت گردیده نگرانی کارمندان بیش از پیش افزایش یافته است.

نظریه یکشنبه : ۱- با توجه به اوضاع و احوال موجود و تبلیغاتی که علیه بانک صادرات را جریان دارد موضوع قابل بررسی و تعمق می‌باشد.

۲- به صداقت منبع می‌توان اعتماد نمود.

۳- یک نسخه اعلامیه دفتر مجله مکتب اسلام به پیوست تقدیم می‌گردد. دادرسی

نظریه سه‌شنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است: عماد

نظریه چهارشنبه : ضمن تایید نظریه سه‌شنبه از مدتهاست که موضوع فوق در افواه عمومی انتشار دارد و بدین سبب کارمندان بانک یاد شده بالا نگران وضع خود می‌باشند.

نظریه جمعه : نفوذ قابل توجه روحانیون در افراد عامی و ساده لوح و متعصب مذهبی و از طرفی رقابتهای ناسالم اقتصادی و تجاری پاره‌ای از سرمایه‌داران و تولیدکنندگان در تشدید این قبیل شایعات بی‌تأثیر نبوده و چنانچه راه حل اساسی و جدی از طرف مسئولین امر برای جلوگیری از وضع موجود اتخاذ نگردد در سایر امور نیز تسری یافته و زبانهای ناشی از آن در مسائل اقتصادی و سیاسی کشور غیرقابل جبران بنظر می‌رسد.

در پرونده هژبر یزدانی بایگانی شود

به: ۳۱۲

تاریخ: ۳۶/۱۱/۲۵

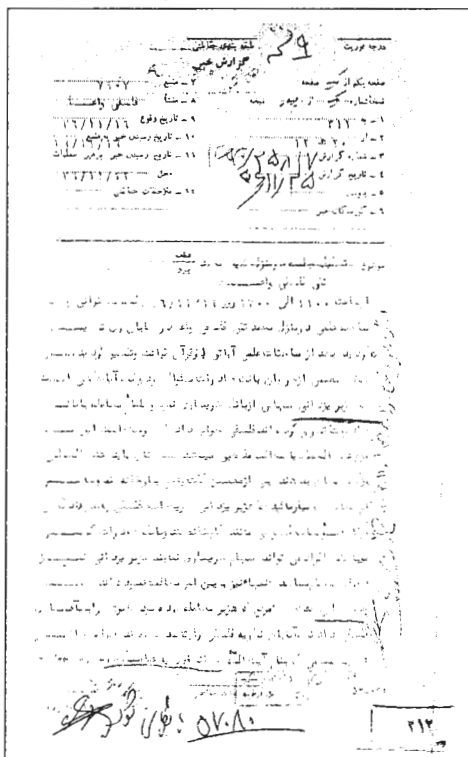
از: ۱۲۵۲۰

شماره: ۱۲۵۸۱۷/۲۵۸۲۰

موضوع: تشکیل جلسه در منزل شیخ محمد تقی فلسفی واعظ

از ساعت ۱۱۰۰ الی ۱۳۰۰ روز ۳۶/۱۱/۱۶ جلسه سخنرانی و مباحثه علمی در منزل محمد تقی واعظ در خیابان ری تشکیل گردید بعد از مباحثات علمی آیاتی از قرآن قرائت و تفسیر گردید سپس شخص معممی از جریان بانک

صادرات سؤال کرد و گفت آیا قطعی است که هژبر یزدانی سهامی از بانک خریداری نموده و علماء معامله با بانک صادرات تحریم کرده اند فلسفی جواب داد بله حرام است این یک نوع عکس العمل یا مخالفت مذهبی می باشد مسلمانان باید عکس العملی از خود نشان بدهند یکی از معممین گفت راجع به کارخانه قند و سایر موضوعات چه می فرمایید که هژبر یزدانی شریک است فلسفی پاسخ داد گاهی



۱- حجة الاسلام حسن کافی فرزند محمد در سال ۱۳۰۷ ش در گل مکان مشهد بدنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی وارد حوزه علمیه مشهد شد و تحصیل حوزوی را تا درجه سطح به پایان برد و به وعظ و ایراد خطابه در منابر پرداخت. نامبرده از سال ۱۳۴۴ به تهران عزیمت و در این شهر سکونت اختیار نمود. وی در هیأت های مذهبی به ایراد سخن و بیان معضلات و مشکلات فرهنگی - اجتماعی رژیم پهلوی پرداخته، لذا چندین بار از سوی ساواک احضار و تا مرز ممنوع المنبر شدن پیش رفته و این روند تبلیغی و شکل مبارزه از سوی ایشان تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشته است. - اسناد ساواک، پرونده های انفرادی

اوقات مؤسسات خصوصی مانند کارخانه قند و بانک صادرات که ملی می باشد افراد می توانند سهام خریداری نمایند هژبر یزدانی نیز دارای سهام می باشد علماء نیز به این امر مخالفت نموده اند سپس حسن کافی^۱ گفت همان موقع که با هژبر معامله کرده بوده خبر آن را به آقای فلسفی دادند و آقایان نظریه فلسفی را تایید می کردند افراد حاضر از سید معممی که بنام آیت اله خوانساری یا عمامه در مشهد می باشد و عکس او را در تمام شعب بانک صادرات پخش شده بود بدگویی نمودند تعداد شرکت کنندگان در این جلسه حدود ۲۵ نفر بودند که

افراد زیر شناخته گردیدند.
 حسن کافی - سعید توپسرکانی - سید حسین رضوی - مقدس خراسانی - شیخ
 نجفی - سید سجادی - انصاری قمی.
 نظریه شنبه: نظری ندارد
 نظریه یکشنبه: شنبه در جلسه بوده و مطالب فوق را کتباً گزارش نموده است.

ورزنده

نظریه سه شنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است. حاتم

نظریه چهارشنبه: نظریه
 سه شنبه تایید می گردد. آرزو
 ۵۷۰۸۰ بایگانی شود
 در گزارش وقایع روزانه مورخه
 ۳۶/۱۱/۱ درج شده است.

و کرامت از تمام شعب بان و ادارات پخش شده بود بدگویی ننیدند
 تعداد شرکت کنندگان در این جلسه حدود ۲۵ نفر بود که افسران
 زیر شناخته گردیدند.
 حسن کافی - سید توپسرکانی - سید حسین رضوی - مقدس خراسانی
 نجفی - سید سجادی - انصاری قمی
 نظریه شنبه: نظری ندارد.
 نظریه یکشنبه: سید توپسرکانی و سید سجادی و سید حسین رضوی و مقدس خراسانی و شیخ
 کافی و سید سجادی و سید حسین رضوی و مقدس خراسانی و شیخ کافی
 نظریه چهارشنبه: سید توپسرکانی و سید سجادی و سید حسین رضوی و مقدس خراسانی و شیخ کافی

به : ۲۳۵۲۰

تاریخ : ۳۶/۱۱/۲۲

از : ۲۰ هک

شماره : ۲۰/۱۶۴۵۰ هک

موضوع : کارگران کارخانه فخر ایران

کارگران فخر ایران در کارخانه شایع کرده‌اند که بهائیان سهم بانک صادرات را خریده‌اند و به همین سبب حساب خود را بسته‌اند و ابراهیم مدنی قمی در این مورد فعالیت دارد.

۱- شماره حساب	۲- تاریخ	۳- مبلغ	۴- نام صاحب حساب
۱۲۳۴۵۶۷۸	۱۳۰۲/۰۱/۰۱	۱۰۰۰۰۰۰۰	ابراهیم مدنی قمی
۵- تاریخ پرداخت	۶- نام بانک	۷- شماره چک	۸- نام مشتری
۱۳۰۲/۰۱/۰۱	بانک صادرات	۱۲۳۴۵۶۷۸	کارگران فخر ایران

موضوع : کارگران فخر ایران
 توضیح : کارگران فخر ایران در کارخانه شایع کرده‌اند که بهائیان سهم بانک صادرات را خریده‌اند و به همین سبب حساب خود را بسته‌اند و ابراهیم مدنی قمی در این مورد فعالیت دارد.

تاریخ : ۱۳۰۲/۰۱/۰۱
 امضاء : ابراهیم مدنی قمی

نظریه سه‌شنبه : شایعات خرید سهم بانک صادرات وسیله بهائیان بین مردم وجود دارد.

نظریه یکشنبه : شنبه در اظهارات خود صادق است ۲- شایعات خرید سهم بانک صادرات وسیله بهائیان بین مردم بسیار قوی است و اکثر افراد متعصب مذهبی حساب خود را در بانک‌های صادرات بتدریج مسدود می‌نمایند. کیاست نظریه سه‌شنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است. خاور

نظریه ۲۰ هک : نظریه سه‌شنبه تایید می‌گردد.

نظریه چهارشنبه : در مورد وضع بانک صادرات گزارشات مبسوطی قبلاً تقدیم گردیده است.

ماجد

با یگانی شود. نوری ۳۶/۱۱/۳۰

موجب گردید که طبقات مختلف مردم مذهبی به علت بهائی بودن شخص مورد بحث پولهای خود را از بانک در آوردند و همین امر موجب گردید که مسئولین مربوطه را دچار وحشت نماید زیرا خطری که از این طریق متوجه بانک بود همان بیرون کشیدن پولهای کم افراد و در نتیجه نارضایتی کارکنان بانک که خود سهامدار بانک مذکور می باشند بود و چنانچه نظریه شنبه در مورد انصراف شخص مورد بحث از خرید بقیه سهام بانک صادرات صحت داشته باشد لذا تا حدودی رفع نگرانی شده است.

نظریه چهارشنبه : نظری ندارد.

در پرونده هژبر یزدانی بایگانی شود. ۳۶/۱۲/۳

به: ۳۴۲

تاریخ: ۳۶/۱۲/۷

از: ۴۵۶

شماره: ۳۵۶/۳۷۷۵۶

موضوع: حسن شاهین فر نماینده مجله مکتب اسلام

نامبرده بالا که در خارک مغازه دار و ضمناً نماینده انجمن شهر نیز می باشد، نمایندگی فروش مجله مکتب اسلام را به عهده دارد و مجله مزبور توسط پست جهت وی از قم به خارک ارسال می گردد، چند روز قبل ضمیمه مجلات مزبور

چند برگ یادداشت از طرف مجله مبنی بر بستن حساب مجله مکتب اسلام نزد بانک صادرات جهت وی ارسال که نامبرده نیز در اختیار مراجعه کنندگان قرار داده است.

نظریه شنبه: خبر صحت دارد به همین جهت تعدادی از مغازه داران در صدد بستن حساب خود نزدیک بانک صادرات می باشند.

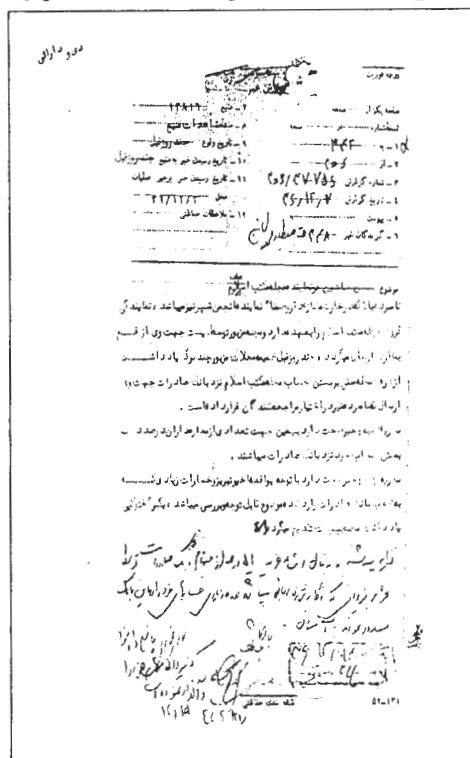
نظریه ۶ ه: خبر صحت دارد با توجه به واقعه اخیر تبریز و خسارات زیادی که به شعب بانک صادرات وارد شده

موضوع قابل توجه و بررسی می باشد، یک برگ فتوکپی یادداشت مجله به پیوست تقدیم می گردد.

نظریه سه شنبه: بدنبال اشاعه خرید ۵۱ درصد از سهام بانک صادرات توسط هژبر یزدانی که اظهار شده بهائی می باشد عده زیادی حسابهای خود را در این بانک مسدود نمودند. آسمانی بایگانی شود.

آقای نوری پاسخ داده شود که یزدانی سهام خود را واگذار نموده است.

۱۲/۱۵



به: ۳۴۸

تاریخ: ۳۶/۱۲/۷

از: ۱۵۲۰ هـ

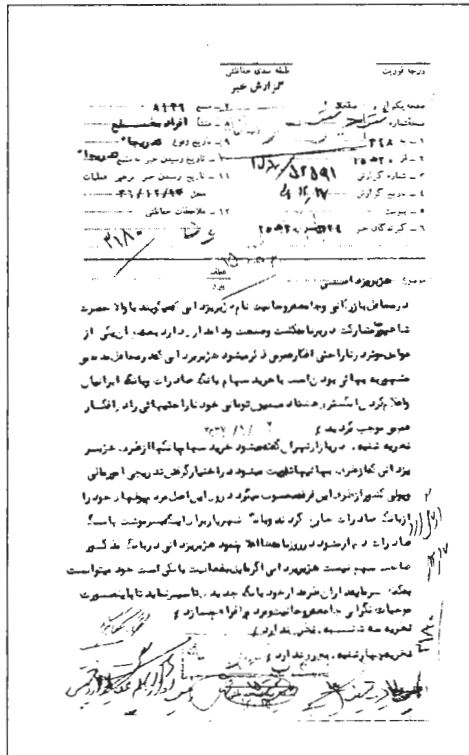
شماره: ۱۵۲۰/۵۲۵۹۱ هـ

موضوع: هژبر یزدانی

در محافل بازرگانی و جامعه روحانیت نام هژبر یزدانی که می‌گویند با والا حضرت شاهپورها مشارکت در برنامه کشت و صنعت و دامداری دارد به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ناراحتی افکار عمومی ذکر می‌شود هژبر یزدانی که در محافل مذهبی مشهور به بهائی بودن است با خرید سهام بانک صادرات و

بانک ایرانیان و اعلام کردن انگشتی هشتاد میلیون تومانی خود ناراحتی‌هایی را در افکار عمومی موجب گردید.

نظریه شنبه: در بازار تهران گفته می‌شود خرید سهام بانکها از طرف هژبر یزدانی که از طرف بهائیها تقویت می‌شود در اختیار گرفتن تدریجی امور مالی و پولی کشور از طرف این فرقه محسوب می‌گردد در روی این اصل مردم پولهای خود را از بانک صادرات خارج کردند و بانک شهریار برای



اینکه به سرنوشت بانک صادرات دچار نشود در روزنامه‌ها اعلام نمود هژبر یزدانی در بانک مذکور صاحب سهم نیست هژبر یزدانی اگر مایل به فعالیت بانکی است خود می‌توانست به کمک سرمایه‌داران طرفدار خود بانک جدیدی تأسیس نماید تا به این صورت موجبات نگرانی جامعه روحانیت و مردم را فراهم نسازد.

نظریه سه شنبه: نظری ندارد

نظریه چهارشنبه: نظری ندارد ارسال گردد ۱۲/۱۷

محترماً به استحضار می‌رساند. رئیس اداره یکم عملیات... رئیس بخش ۱۵ شهاب

را در گرگان دیده و از وضع یاد شده با اطلاع می‌باشد و افزود کلیه اراضی حاج در جامی معروف را که بواسطه عیاشی و خراجی پسرش به نام بهمن ورشکست شده هژبر یزدانی (سنگسری) خریداری کرد و در حال حاضر هزارها هکتار زمین مسلمانان را در مازندران و گرگان و..... نموده و خرید بانک برای وی نیز مهم و مشکل نیست. آقای ابراهیمی در ادامه اظهاراتش اضافه کرد فعلاً مسلمانان پولهای خود را از بانک صادرات پس گرفته و حسابهایشان را می‌بندند و آقای افسری نیز ضمن تایید اظهارات آقای ابراهیمی در این مورد محتاطانه صحبت کرد.

نظریه شنبه: خبر صحت دارد.

نظریه یکشنبه: احتمال صحت خبر بعید نمی‌باشد، مراقبتهای لازم ادامه نتایج حاصله و هرگونه خبر مکتسبه در این زمینه به استحضار خواهد رسید. سعید.

آقای نوری

اصل در پرونده موضوعی به کلاسه ۴۲۴۱۲۷ بایگانی می‌باشد.

تاریخ: ۳۶/۱۲/۲۳

شماره: ۲۰۳۳۲/۲۵۶

موضوع: جلسهٔ اعضاء سابق حزب پان ايرانيست^۱ در شهرستان خرمشهر

در ساعت ۲۰۳۰ روز ۳۶/۱۲/۱۹ اعضای سابق حزب پان ایرانیست با حضور مهندس رضا کرمانی مسئول سابق حزب مذکور در خوزستان و محسن بیزشکورو^۲ نماینده اهالی، خر مشهر در مجلس شورای ملی، در منزل امیر سالمی^۳

مبادرت به تشکیل جلسه

حزبی نموده و ابتدا کرمانی

آظهار داشت دوستان و یاران

و رزمندگان دیرگام اطلاع

دارید که در بحث بودجه

آقای طبیب عضو حزب پان

ایرانیست و نماینده بوشهر

جناب دکتر دژدژستان و محسن پرشگور نماینده باغالی، هر شب در رمضان شیرینی می پختند و در منزل امیرالمی می دادند

در مجلس خود را به

سرور پز شکیپور داده و آقای

پزشکپور در خصوص

اوضاع ایران و استبدادهائی

که در ایران می باشد

خصوصاً در اثر ضعف و

نارسانی که سبب شده

دشمنان ملت ایران متحد

شوند و برنامه‌های جد ملی

پیاده نمایند و اندر به رهبر مملکت دروغ بگویند تا کار به جایی برسد که در

سبریز به مدت دو روز اسوب و حرا بخاری به عمل آید و تو جواتان ۱/ سانه روی

آگاهانه اعلام داشتند که هر دو اکثر درختان است و باید دستگاہهای

مجلس انصافه اعلاّم دانستند که مجلس در کربلا و جاییه دستگیر شد.

هستند. ط. سالهای، متمادی، چه کار که دند. کدام و زب. دزد و خاطی، رایه محاکمه

کشیدند و مرتب دشمنان را از بر نامه‌های خود را بیاده کردند. کرمانی، افزود

با جبهه به اصطلاح ملی سابق
اتلاف نماید. (پرونده حزب
ملت ایران در ساواک و کتاب
دانشنامه سیاسی داریوش
عاشوری، ص ۷۸)

۲- محسن پزشکیور متولد
۱۳۰۶ و دارای لیسانس رشته
قضایی از دانشکده حقوق
دانشگاه تهران است. فعالیت
مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۹

آغاز کرد و طی این مدت با
نشریات ساسان، ندای بیان
ایرانسم همکاری داشته و مدیر
خاک و خون بوده است. در دوره

پهلوی نشان اصلاحات ارضی
را دریافت کرده است وی در دو
دوره (۲۲ و ۲۴) عضو مجلس
شورای ملی و عضو هیئت مدیره

کانون وکلای دادگستری نیز بود.
وی از افرادی است که به
بنیانگذاری حزب پان ایرانیسم
در سال ۱۹۴۸ کمک کرد. در

۱۹۷۴ زمانی که حکومت
پهلوی، حزب رستاخیز ملت
ایران را، تنها حزب قانونی

شناخت، حزب پان ایرانیست
متحل شد. پزشکیور به حزب
رستاخیز پیوست، اما در سال

۱۹۷۷ به عضویت کمیته
پارلمانی دفاع از حقوق بشر
درآمد و از دولت انتقاد می کرد.

در ژوئن ۱۹۷۸ او با این ادعا
که حزب رستاخیز مسئول
بسیاری از «بحرانهای جامعه

ایرانی» است از حزب رستاخیز
استعفا کرد و تجدید فعالیت
حزب پان ایرانیست را اعلام

نمود. حزب پان ایرانیست به
رهبری محسن پزشکیور پس از
سی ام تیرماه ۱۳۳۲ به طور

علنی جانب شاه را گرفت و پس
از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با
انتشار روزنامه «خاک و خون»

همکاری با حکومت را گسترش داد

حزب رستاخیز^۴ ضعیف و بیکاره شده اما دولت آموزگار بخصوص شخص
آموزگار^۵ به خود اجازه داده به آنچه پان ایرانیست طی ۳۷ سال مبارزه
ناسیونالیستی خود داشته با دیده تمسخر بنگرد، یا عناوینی دیگر دهد چون رهبر
ما به موجب رسالت خود مشکلات و معضلات را در مجلس شورای ملی بی پرده
اعلام داشته و سخنانش در روزنامه اطلاعات چاپ اول درج و به بعضی از
شهرستانها فرستاده شده و روزانه هزاران تلفن به منظور عرض تبریک از طرف
مردم به پزشکیور می شود که درد را خوب شناخته است. بالاخص متن گفتار وی



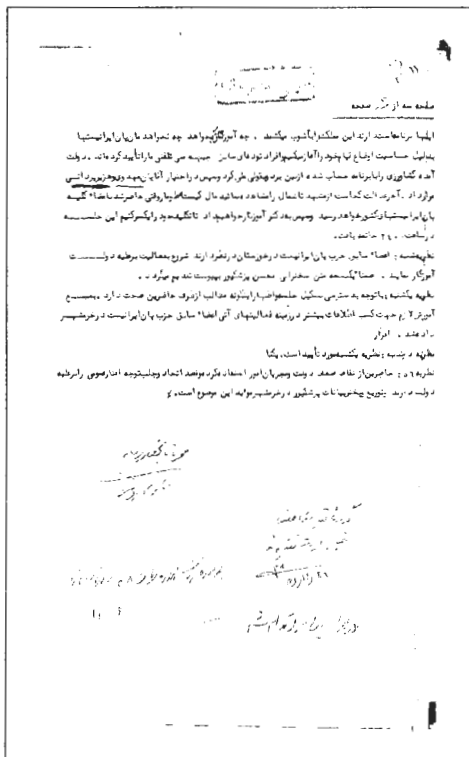
در تبریز بین مردم توزیع
گردیده و اثر خوبی داشته
است. زیرا ایران مهد
شاهنشاهی شیعه اسلامی
است. اگر دشمنان ایران
نمی خواهند کشور را دچار
هرج و مرج کنند چرا درست
در یک شرایط حساس
مقالات شریعتمداری را به
چاپ می رسانند تا
شاهنشاهی در برابر
روحانیت قرار گیرد در حالی
که روحانیون همیشه مدافع
شاهنشاهی ایران بوده اند. به
هر جهت دولت در موقعی که
شاهنشاه ایران اعلام

می دارند آزادی ما ادامه دارد از درج سخنرانی سرور پزشکیور در جراید
جلوگیری می نماید. و به جای آن پیروزی خانم گاندی را می نویسد. آموزگار به
خود اجازه مبارزه با رزمندگان دیرگام را با تمسخر می دهد و نوکرانی مانند
صدری کیوان و دانشی را وادار به پاسخگویی پزشکیور می نماید. ما برابر
اعتقادات خود و بدون اینکه از گذشته دم بزمین ترک عقاید پان ایرانیستی به
رستاخیز پیوسته ایم اما اگر بخواهند اینگونه با ما رفتار کنند ما باید وضع خودمان
را روشن کنیم و جواب دندان شکن به دکتر آموزگار بدهیم به همین دلیل دوستان

داد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی نمایش‌های آزادیخواهانه‌ای انجام داد ولی مورد توجه هیچ یک از جناح‌های ملی و مذهبی قرار نگرفت. پزشکپور از سال ۱۳۲۰ به دنبال تأسیس حزب پان ایرانیست که به قول او ناسیونالیسم ایرانی است بود. ساواک طی گزارش مورخه ۴۷/۹/۱۰ در این خصوص آورده است: «در ساعت ۱۷۰۰ روز ۴۷/۹/۸ آقای محسن پزشکپور در جلسه حزب پان ایرانیست اصفهان شرکت نمود... سپس پزشکپور درباره نهضت پان ایرانیست و سیاست مستقل ملی ایران به رهبری شاهنشاه... به تفصیل صحبت نمود... پان ایرانیسم، احساسات وطن پرستی و شاه دوستی در همه ما به نحوی بارز یافت می‌شود...» سیاست مستقل ملی که پزشکپور درباره آن صحبت می‌کرد در واقع اشاره به تغییر روش استعمار و انتقال قدرت از انگلیس به آمریکا بود. در گزارش مورخه ۴۶/۱۰/۴ ساواک چنین آورده است: «کنسول آمریکا در خرمشهر ساعت ۹۰۰ روز ۴۶/۹/۲۸ تقاضای ملاقات اینجناب [رئیس ساواک خوزستان] را نمود در دفتر کار اینجناب حضور یافت... و سؤالاتی به شرح زیر مطرح نمود... تصور می‌کنم بعد از انتخاب محسن پزشکپور نمایندگی مجلس شورای ملی قدرت حزب پان ایرانیست در خوزستان بیشتر شده و تعداد اعضای آن حزب نیز دو برابر شده است.

چرا محسن پزشکپور به

مبادرت به تهیه و ارسال طوماری به نخست‌وزیر نموده‌اند. مهندس کرمانی اضافه نموده آموزگار پیغام داده در پایان این دوره و دوره آینده دبیرکل حزب رستاخیز و نخست‌وزیر خواهد بود به آقای پزشکپور بگوئید دوره آینده خبری از نمایندگی مجلس برای شما نیست یا باید در مجلس را ببندد و یا رسماً پوزش بخواهد. وضع ما پان ایرانیست‌ها روشن است و چون تشکیلاتی هستیم مبارزه خواهیم کرد. مهندس کرمانی در خاتمه افزود متن سخنرانی سرور پزشکپور که تکثیر شده به دوستان بدهید و حساب شده با آخوندها تماس



بگیرید و از این نسخه‌ها در اختیارشان قرار دهید. سپس یکی از حاضرین شروع به خواندن متن سخنرانی پزشکپور در مجلس شورای ملی کرد سپس علی خرم شهردار خرمشهر عنوان داشت هیچ مقامی حق ندارد به اعتقادات ما که زندگی ماست حمله کند همین سازمان آب خرمشهر که پس از اخاذی پس از شش ماه آب می‌داد امروزه ظرف ۴۸ ساعت آب می‌دهد. در شهرداری فقیر خرمشهر

رئیس شهربانی و راهنمایی از ما پول بنزین و آب و برق می‌خواهند و علناً در کار ما کارشکنی می‌کنند و بازرسان شاهنشاهی کار ما را تأیید می‌کنند حال آموزگار و یا هر فرد دیگر بخواهد به آنچه ما با آن زندگی کرده‌ایم حمله کند با ما روبروست از یک طرف شهبانو می‌گوید بگذارید مردم آزاد باشند و از طرف دیگر به یک گروه ملی ضربه می‌زنند من به عنوان شهردار خرمشهر به شاه مملکت تلگراف خواهم کرد و مستعفی می‌شوم و علتش را توهین آموزگار به حزب و رهبر حزیم ذکر خواهم نمود. می‌دانم انجمن شهر، اطاق اصناف و دیگران نیز

مستعفی خواهند شد. و از گوشه و کنار کشور پان ایرانیست اعتراض خواهد کرد.

در این موقع پزشکپور حاضرین را آرام کرده و گفت وضع شخصی من نیست خطر مملکت را تهدید می‌کند اگر یک جراحی بزرگ و فوری صورت نگیرد متأسفانه ما باید خود را برای یک رزم ملی آماده کنیم زیرا طی یک برنامه حساب شده دارند این مملکت را به سوی نابودی می‌برند چرا باید تبریز دو روز در آتش باشد من سه سال قبل در موقع انتخابات میان دوره‌ای تهران و تبریز گفتم سه هزار رأی برای تبریز زنگ خطر است و اما حال اعلام می‌کنم خود خطر آمده چه قوانین ظالمانه آوردید و به دروغ تحت توجهات رهبر مملکت تصویب کردید. نگذاشتید قوه قضائیه و مجریه کار خود را انجام دهد. مردم بی تفاوت و بی‌ایمان شده‌اند. بر علیه شاهنشاهی ما دارند توطئه می‌کنند آقای مهندس روحانی وزیر سابق کشاورزی و سایرین را پست مهمی مجدداً خواهند داد من صراحتاً در مجلس اعلام کردم دوره بعد وکیل نخواهم شد اما به رسالت ملی خود تا پای جان ادامه می‌دهم در این موقع علی خرم گفت سرور این مملکت دارد نابود می‌شود زیرا پسرم خشایار که ۷ سال دارد در منزل می‌گوید شاه خوب نیست از او پرسیدم چرا پاسخ داد همه می‌گویند مردم را زندانی می‌کند ملاحظه

بفرمایید دارند در مدرسه افکار دانش آموزان را نسبت به رژیم بدبین می‌کنند سالمی اضافه نمود با یک برنامه حساب شده افکار دانش آموزان را دارند مسموم می‌نمایند کرمانی اضافه نمود در قم بچه‌های ۷ و ۸ ساله شعار می‌دادند دین از دست رفته چرا قیام نمی‌کنید اینها برنامه است دارند این مملکت را به آشوب می‌کشند. چه آموزگار بخواهد چه نخواهد ما پان ایرانیستها به دلیل حساسیت اوضاع قیام خود را آغاز می‌کنیم و افراد توده‌ای سابق جبهه ملی تلفنی ما را تایید کرده‌اند. دولت آمده کشاورزی را با برنامه حساب شده از بین برد و به قولی ملی کرد و سپس در اختیار آقایان مهدوی و هژبر یزدانی قرار داد. آخر عدالت

کجاست از مشهد تا شمال را مشاهده نمایم مال کیست، طومار وقتی حاضر شد به امضاء کلیه پان ایرانیست‌های کشور خواهد رسید و سپس به دکتر آموزگار خواهیم داد تا تکلیف خود را یکسر کنیم این جلسه در ساعت ۲۴۰۰ خاتمه یافت.

نظریه شنبه: اعضاء سابق حزب پان ایرانیست در خوزستان در نظر دارند شروع به فعالیت بر علیه دولت آموزگار نمایند. ضمناً یک نسخه متن سخنرانی محسن پزشکپور به پیوست تقدیم می‌گردد.

نظریه شنبه: اعضاء سابق حزب پان ایرانیست در خوزستان در نظر دارند شروع به فعالیت بر علیه دولت آموزگار نمایند. ضمناً یک نسخه متن سخنرانی محسن پزشکپور به پیوست تقدیم می‌گردد.

خرمهر نمی‌آید؟

از مطالب روزنامه چنین استنباط می‌شود که محسن پزشکپور معروفیت خاصی پیدا نکرده است. پزشکپور در زمان انقلاب اسلامی با سود جستن از فضای باز سیاسی شاه - که به گروهها و افرادی که نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و رکن سلطنت را باور داشتند - اجازه تلاشهای تازه‌ای می‌داد، آنها همه انتقادات را متوجه اشخاص رده سوم و چهارم رژیم شاه کرده بودند.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ایران خارج شد و پس از چند سال اقامت در خارج از کشور با مراجعه مکرر به مسئولان برون مرزی تقاضای بازگشت کرد و در سال ۱۳۷۰ به ایران بازگشت و در حال حاضر نیز در ایران اقامت دارد.

۳- امیر سالمی فرزند قاسم در سال ۱۳۱۰ ش در کرمانشاه بدنیا آمد و به شغل معلمی مشغول بوده و طبق گزارش ساواک در سال ۱۳۳۲ جزو طرفداران حزب توده بوده و در میتینگ‌ها حضور داشته و در شهریور ۱۳۳۲ به همین اتهام دستگیر شده ولی به علت فقد مدرک در مهر ماه همان سال آزاد شده است.

اسناد ساواک، پرونده‌های

انفرادی

۴- حزب رستاخیز: شاه با این استدلال که حزب اکثریت، سالها دولت را در اختیار دارد و به اصطلاح خوب هم کار کرده، علتی برای تغییرش نیست. اما در این بین سهمی به حزب اقلیت نرسیده است در حالی که در واقع تفاوتی بین حزب اکثریت و اقلیت نیست، چرا باید؟

نظریه یکشنبه: با توجه به دسترسی تشکیل جلسه و اظهار اینگونه مطالب از طرف حاضرین صحت دارد. به منبع آموزش لازم جهت کسب اطلاعات بیشتر در زمینه فعالیت‌های آتی اعضاء سابق حزب پان ایرانیست در خرمشهر داده شده. افزار

نظریه دوشنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است. یکتا

نظریه ۵۶ حاضرین از نقاط ضعف دولت و مجریان امور استفاده کرده و قصد اتحاد و جلب توجه افکار عمومی را بر علیه دولت دارند و توزیع و پخش بیانات پزشکپور در خرمشهر مؤید این موضوع است.

۵۷۰۸۰ بایگانی شود. روحانی ۱/۳۰

محترماً به استحضار می‌رساند. ۳۶/۱۲/۲۷

گزارش تهیه شده حضور تیمسار ریاست تقدیم شد. ۳۶/۱۲/۲۸

به فرموده ریاست اداره ظرف ۴۸ ساعت خلاصه تهیه شود. ۱/۲۷

در اجرای اوامر اقدام شده

اعضای حزب اقلیت که فقط برای این که این عنوان را دارند مزایایی کمتر از حزب اکثریت داشته باشند. این تقسیم‌بندی عادلانه نیست. شاه اعتراف داشت که این بازی دو حزبی ناشی از دستور خود اوست و باعث بی‌عدالتی بین افرادی شده که گروهی را به دکان ایران نوین فرستاده‌اند و گروهی را به دکان حزب مردم اعزام نموده‌اند و فکر می‌کرد اگر همه افراد این دو دسته بازیکر را در یک حزب جمع کنند عدالت برقرار می‌شود!! و همه از مزایایی یکنواخت استفاده می‌کنند. ثانیاً شاه فکر می‌کرد که مردم به احزاب ساختگی جذب نشده‌اند، برای این که تفاوتی بین آنها نبوده و دلیلی برای برگزیدن یکی از آنها نداشته و... از طرفی موجب می‌شده آن حزب دیگر نگران شود و اگر یک سازمان واحد موجود باشد همه با شوق و ذوق برای آن روان خواهند بود و همکاری خواهند داشت و مشکل حزب و دموکراسی برطرف می‌شود. ثالثاً حزب خرج داشت و گرچه احزاب و مردم و سپس ایران نوین و حزب مردم از سوء استفاده‌های بسیار و از دست‌اندازی به حقوق مردم مخارج آن را تأمین می‌نمودند و گاهی هم اعضای علاقمند به پست و مقام باید هزینه‌هایی را متحمل می‌شدند ولی به هر حال مشکل بود که به طور مستمر و برای همیشه اعضاء پول صرف کنند ولو ایسن که پولهای بادآورده ناشی از سوء استفاده باشد. بنابراین حزب واحد اشکال را برطرف می‌ساخت و چون رسماً حزب دولتی بود

مخارج آن را هم دولت می‌بایست از عهده‌اش برآید و در بودجه پیش‌بینی نماید و به همین ترتیب ده‌ها میلیون تومان در مدت ۳/۵ سال عمر این حزب به آن اختصاص دادند و ساختمانهای عظیم برای تشکیلات آن شروع به ساختن نمودند. روزنامه رستاخیز ارگان حزب و دولت هم شروع به ترویج مرام و اهداف حزب نمود. تحریم حزب رستاخیز: بلافاصله پس از تشکیل حزب رستاخیز، امام خمینی طی اعلامیه مورخ ۲۸ صفر ۱۳۹۵ قمری و پیام مسطورخ اول رجب ۹۵ (۵۴) شمس)، خطاب به ملت ایران و ضمن پیام به انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا مورخ ۱۷ رمضان ۹۵، نظر صریح و قاطع خود را اعلام داشته و به عنوان یک مرجع تشیع حکم دینی صادر نموده است. ما فزاهایی از این پیامها را در ذیل نقل می‌نمائیم.

«نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلم شرکت آن بر عموم ملت حرام و مکم به ظلم و استیصال مسلمین است و مخالفت با آن از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است. ایران تنها کشوری است که حزبی را به امر ملوکانه تأسیس کرده و ملت مجبور است که وارد آن شود و هرکس از این امر تخلف کند سرنوشت او با حبس و شکنجه و

تبعید و یا از حقوق اجتماعی محروم شده است. اجبار مردم به ورود در حزب نقض قانون اساسی است.

علمای اعلام و سایر طبقات بدانند که تشکیل این حزب مقدمه پدبختی‌های بسیاری است که اثراتش به تدریج ظاهر می‌شود و ...

بر خطبای محترم، مصلحین و طبقه جوان دانشگاهی و طبقات کارگر، زارع، تجار و اصناف است که با مبارزات پیگیر و همه جانبه و مقاومت منفی، اساس این حزب را ویران کنند و مطمئن باشند که رژیم در حال فرو ریختن است.

شرکت نکردن ملت غیور در حزب فرمایشی و انتخابات خائنه نمونه بیداری و پیروزی است. رشد ملت است که حزب ساختگی شاه را با آن همه رعد و برق و عریبه رسوا ساخت و شاه را گرفتار آشفته‌گی و هیجان کرد.

حزب تحمیلی رستاخیز آنچنان با مخالفت ملت مواجه شد و شاه را مفتضح کرد که برای سرپوش آن به هر وسیله‌ای متشبث می‌شود ولی فایده ندارد. سلام من بر مؤمنین و مسلمین سراسر کشور که با عدم شرکت در حزب تحمیلی و انتخابات غیرقانونی مشت محکم بر دهان یاهو سرایان زدند و وفاداری خود را به اسلام و مسلمین ثابت کردند...».

ر.ک: یاران امام به روایت

اسناد، برادران شهید رحیمی، ص ۸۹

۵- جمشید آموزگار در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران تولد یافت. در ایام جنگ جهانی دوم به آمریکا رفت و در رشته مهندسی بهداشت دکتر گرفت و در سال ۱۳۳۰ به ایران بازگشت. در اصل ۴ ترومن در تهران مشغول شد و پس از معاونت بهداشت تا سال ۱۳۳۴، از سال ۱۳۳۶ که فشار آمریکا برای واگذاری مسئولیت‌های کشور به تحصیلکردگان در آمریکا فزونی یافت آموزگار نیز به وزارت کار کابینه اقبال نائل آمد. در گیرودار اصلاحات ارضی شاهانه! آموزگار وزارت کشاورزی را تصرف نمود و در اسفند ۱۳۴۲ در کابینه منصور وزیر بهداشتی شده، و در دولت هویدا وزیر دارائی شد و پس از ۹ سال در سال ۵۳ وزیر کشور کابینه هویدا گردید. در سال ۵۴ به دست کارلوس به همراه وزرای نفت آپک به گروگان درآمد. در سال ۵۵ دبیرکل حزب رستاخیز شد و بالاخره در خرداد ماه ۱۳۵۶ آرزوی دیرین وی برآورده شده و نخست‌وزیر ایران شد.

ر.ک: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص ۱۵۲. سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک.

به : ریاست سازمان و اطلاعات و امنیت خوزستان تاریخ: ۳۶/۱۲/۲۳
 از : اداره کل سوم ۳۴۲ شماره: ۳۴۲/۳۹۸۲
 موضوع: حسن شاهین فر نماینده مجله مکتب اسلام
 عطف به: ۳۶/۱۲/۷-۳۵۶/۳۷۷۵۶

هژبر یزدانی کلیه سهام خود را واگذار و عده‌ای از بازاریان سهام وی را خریداری نموده‌اند.

مدیرکل اداره سوم - ثابتی

از طرف

۱۲/۲۱

نوری ۳۶/۱۲/۲۰

همراز ۳۶/۱۲/۲۱

اصل در پرونده موضوع بانک

صادرات به کلاسه

۴۲۴۱۲ بایگانی می‌شد.

۴۲۴۱۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم
 این سند در تاریخ ۳۶/۱۲/۲۳ در اداره کل سوم
 به شماره ۳۴۲/۳۹۸۲ صادر گردید.
 در این سند حسن شاهین فر نماینده مجله مکتب اسلام
 کلیه سهام خود را واگذار و عده‌ای از بازاریان سهام وی را
 خریداری نموده‌اند.
 مدیرکل اداره سوم - ثابتی
 از طرف
 ۱۲/۲۱
 نوری ۳۶/۱۲/۲۰
 همراز ۳۶/۱۲/۲۱
 اصل در پرونده موضوع بانک
 صادرات به کلاسه
 ۴۲۴۱۲ بایگانی می‌شد.
 ۴۲۴۱۲۷

به: ۳۱۲

تاریخ: ۳۶/۱۲/۲۷

از: ۲۱ هـ

شماره: ۲۱/۱۰۲۳۱ هـ

موضوع: مراجعه نمایندگان بانک صادرات به آیت‌الله شریعتمداری
ساعت ۱۱۳۰ روز ۳۶/۱۲/۲۲ دو نفر نماینده از طرف بانک صادرات به منزل
شریعتمداری آمده و روزنامه‌ای را به آیت‌الله ارائه داده اظهار داشتند که شخصی
بهائی (هژبر یزدانی) قصد فروش سهام خود را دارد شریعتمداری اظهار داشت هنوز
که نفروخته هر وقت فروخت ما هم به مسلمانان اطلاع می‌دهیم نمایندگان بانک

گفتند ایشان سهام خود را به
بانک مرکزی انتقال داده است
شریعتمداری گفت من دو نفر
از بازاریهای تهران را
می‌فرستم تحقیق کنند اگر
صحت داشت اقدام می‌کنیم
نمایندگان بانک اصرار
داشتند که این مطلب را به
شریعتمداری بقبولانند حتی
گفتند اکثر کارمندان بانک
صادرات اخراج شده‌اند و ما
به آنها قول داده‌ایم که تا عید
نوروز کار آنها درست شود و
از شریعتمداری می‌خواستند
که این موضوع را به عنوان
عیدی دادن به کارمندان بانک

مراجعه نمایندگان بانک صادرات به آیت‌الله شریعتمداری	
نام و نام خانوادگی	...
تاریخ	...
محل	...
موضوع	...
شرح	...
نتیجه	...
تصویب	...
امضاء	...

مراجعه نمایندگان بانک صادرات به آیت‌الله شریعتمداری
ساعت ۱۱۳۰ روز ۳۶/۱۲/۲۲ دو نفر نماینده از طرف بانک صادرات به منزل
شریعتمداری آمده و روزنامه‌ای را به آیت‌الله ارائه داده اظهار داشتند که شخصی
بهائی (هژبر یزدانی) قصد فروش سهام خود را دارد شریعتمداری اظهار داشت هنوز
که نفروخته هر وقت فروخت ما هم به مسلمانان اطلاع می‌دهیم نمایندگان بانک
گفتند ایشان سهام خود را به بانک مرکزی انتقال داده است شریعتمداری گفت من دو نفر
از بازاریهای تهران را می‌فرستم تحقیق کنند اگر صحت داشت اقدام می‌کنیم
نمایندگان بانک اصرار داشتند که این مطلب را به شریعتمداری بقبولانند حتی
گفتند اکثر کارمندان بانک صادرات اخراج شده‌اند و ما به آنها قول داده‌ایم که تا عید
نوروز کار آنها درست شود و از شریعتمداری می‌خواستند که این موضوع را به عنوان
عیدی دادن به کارمندان بانک

قبول کند ولی شریعتمداری گفت انشاءالله بعداً درست خواهد شد و قبول نکرد.
نظریه شبیه: نظری ندارد. شراره: نظریه یکشنبه: با توجه به صداقت منبع مفاد
گزارش صحیح است.

نظریه سه‌شنبه: صحت خبر مورد تایید بوده در این وقایع اخیر وضع و موقعیت شریعتمداری
بجائی رسیده که صراحتاً می‌گوید وقتی که وضعیت یزدانی روشن شد ما به مسلمانان می‌گوئیم.

رهر در گزارش وقایع روزانه درج گردید. مورخه ۳۷/۱/۱۱

۵۷۰۸۰ بایگانی شود. روحانی

تاریخ: ۲۸ اسفند ۲۵۳۶

جناب آقای خوش‌کیش ریاست کل محترم بانک مرکزی ایران

در پیرو مذاکرات در دفتر جنابعالی به استحضار می‌رساند:

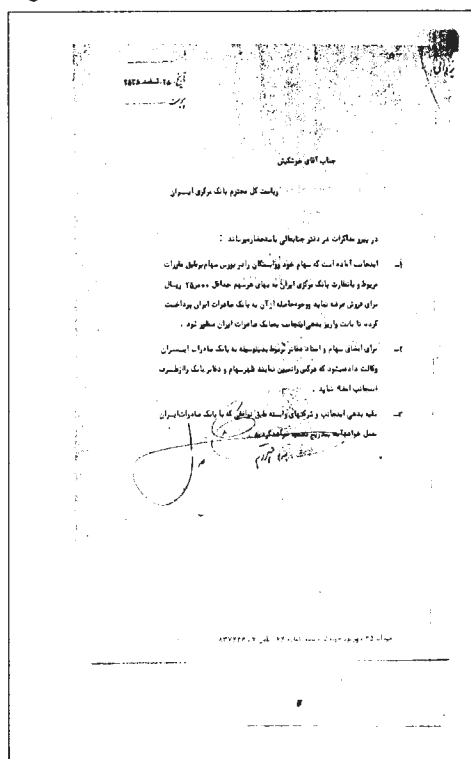
۱- اینجانب آماده است که سهام خود و وابستگان را در بورس سهام بر طبق مقررات مربوط و با نظارت بانک مرکزی ایران به بهای هر سهم حداقل ۲۵/۰۰۰ ریال برای فروش عرضه نماید و وجوه حاصله از آن به بانک صادرات ایران

پرداخت گردد تا بابت واریز بدهی اینجانب به بانک صادرات ایران منظور شود.

۲- برای امضای سهام و اسناد دفاتر مربوط بدینوسیله به بانک صادرات ایران وکالت داده می‌شود که هر کس را تعیین نمایند ظهر سهام و دفاتر بانک را از طرف اینجانب امضاء نماید.

۳- بقیه بدهی اینجانب و شرکت‌های وابسته طبق توافقی که با بانک صادرات ایران به عمل خواهد آمد بتدریج تصفیه خواهد گردید.

با تقدیم احترام



به: مدیریت کل اداره چهارم (۴۰۳) تاریخ: ۳۷/۱/۱۵
 از: اداره کل سوم (۳۶۳) شماره: ۳۶۳/۱۵۷
 درباره: هژیر یزدانی فرزند رضاقلی

بدینوسیله تعداد یک فقره پرسشنامه مربوط به نامبرده بالا [ناخوانا] شرکت وی در تشریفات از نظر این اداره کل بلامانع گردیده جهت هرگونه اقدام مقتضی به پیوست ایفاد می‌گردد.

مدیرکل کل اداره سوم

ثابتی

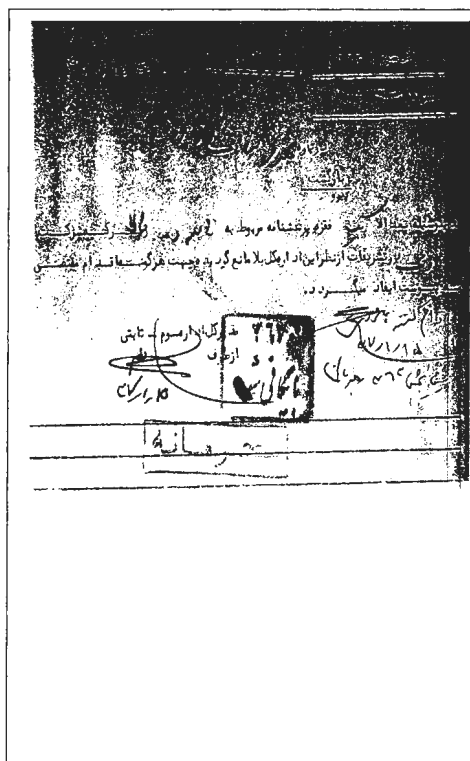
از طرف

۳۷/۱/۱۵

اقدام‌کننده

۵۷/۱/۱۵

رئیس بخش ۳۶۵ رهبریان



۳۳۲ - بند ۵

تاریخ: ۲۵۳۷/۱/۲۰

بانک صادرات ایران

با نهایت احترام و با توجه به اعتماد و ارادتی که جناب آقای حبیب اخوان مدیریت عامل محترم بانک صادرات ایران دارد رجاء واثق دارد که جناب ایشان بی نظر بوده و همواره منافع اینجانب و بانک را رعایت می نمایند.

اینجانب هژبراله یزدانی دارای ۸۰/۸۵۰ سهم از سهام آن بانک (کلیه سهامی که

در ازدیاد سرمایه اخیر به مبلغ ۱۸/۰ میلیارد ریال به اینجانب تعلق می گیرد اضافه می گردد) اصالتاً از طرف خود و فرزندانم بشرح زیر:

نادر یزدانی دارای ۳۰۶۵۰ سهم بانک «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گیرد اضافه می شود» کیو مرث یزدانی دارای ۳۱۴۶۵ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گردد اضافه می شود»

کاوه یزدانی دارای ۲۹۰۰۲ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گیرد اضافه می شود»

لیلی یزدانی دارای ۲۹۸۲۱ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گیرد اضافه می شود»

کیانوش یزدانی دارای ۳۰۸۸۵ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گیرد اضافه می شود»

کیاندهخت یزدانی دارای ۲۹۹۰۵ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق

تاریخ: ۲۵۳۷/۱/۲۰

بانک صادرات ایران

با نهایت احترام و با توجه به اعتماد و ارادتی که جناب آقای حبیب اخوان مدیریت عامل محترم بانک صادرات ایران دارد رجاء واثق دارد که جناب ایشان بی نظر بوده و همواره منافع اینجانب و بانک را رعایت می نمایند.

اینجانب هژبراله یزدانی دارای ۸۰/۸۵۰ سهم از سهام آن بانک (کلیه سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر به مبلغ ۱۸/۰ میلیارد ریال به اینجانب تعلق می گیرد اضافه می گردد) اصالتاً از طرف خود و فرزندانم بشرح زیر:

نادر یزدانی ۳۰۶۵۰ سهم بانک «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گیرد اضافه می شود»

کیو مرث یزدانی ۳۱۴۶۵ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گردد اضافه می شود»

کاوه یزدانی ۲۹۰۰۲ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گیرد اضافه می شود»

لیلی یزدانی ۲۹۸۲۱ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گیرد اضافه می شود»

کیانوش یزدانی ۳۰۸۸۵ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق می گیرد اضافه می شود»

کیاندهخت یزدانی ۲۹۹۰۵ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق

می‌گیرد اضافه می‌شود»

نسرین یزدانی دارای ۳۱۲۸۱ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق

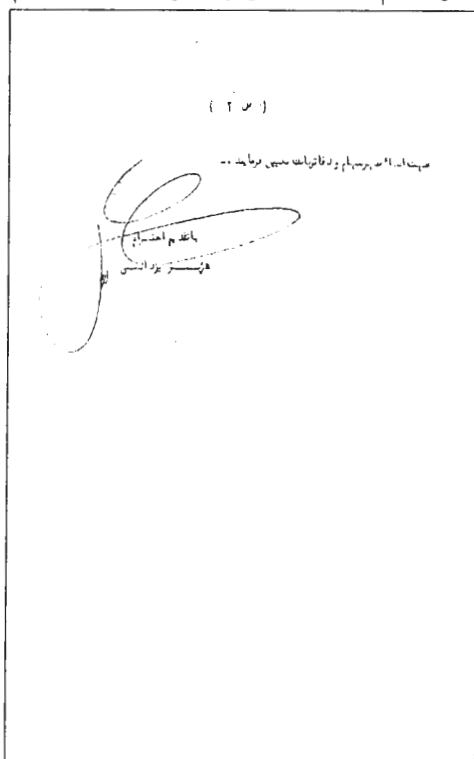
می‌گیرد اضافه می‌شود»

کتایون یزدانی دارای ۳۰۷۲۶ «سهامی که در ازدیاد سرمایه اخیر نامبرده تعلق

می‌گیرد اضافه می‌شود»

به بانک صادرات ایران اختیار می‌دهد که بانک مذکور کلیه اوراق سهام بانک

صادرات ایران متعلق به خود و فرزندانم را از بانک مرکزی ایران اخذ و سهام



مزبور را در بورس اوراق

بهادار با نظارت بانک

مرکزی ایران و با توافق

اینجانب و یا نظر جناب

آقای اخوان با توجه به

عرضه و تقاضا حداقل هر

سهم -/۲۵/۰۰۰ ریال به

فروش برساند و وجوه

حاصله از فروش را به

حسابجاری شماره ۵۰۰

اینجانب در بانک صادرات

فرح واریز و از حساب

مزبور برای واریز حسابهای

مورد مذاکره اینجانب و

بانک مورد استفاده قرار

گیرد، و نیز با اخذ اختیارات

لازم در روزهای آینده از فرزندانم که عیناً به بانک تقدیم خواهد شد به بانک

صادرات ایران اختیار داده می‌شود که هرکس را لازم دانسته جهت امضاء ظهر

سهام و دفاتر بانک تعیین فرمایند.

با تقدیم احترام

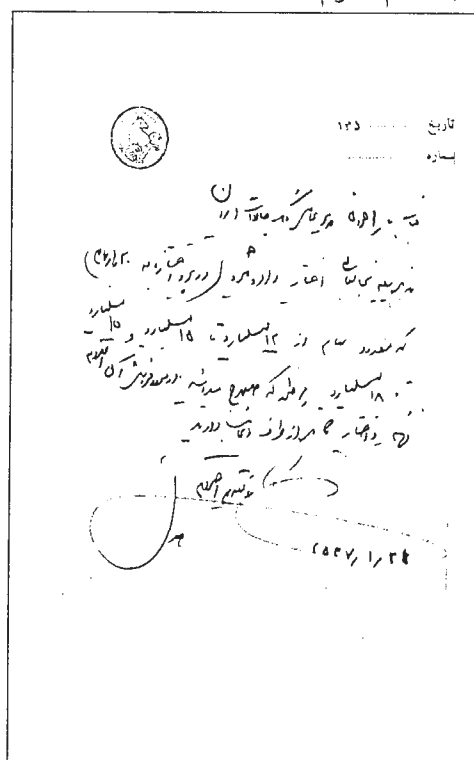
هژبر یزدانی

جناب آقای اخوان مدیرعامل بانک صادرات ایران

بدینوسیله به جنابعالی اختیار داده می‌شود (در پیرو اختیارنامه به ۳۷/۱/۲۰) که در مورد سهام از ۱۲ میلیارد تا ۱۵ میلیارد و ۱۵ میلیارد تا ۱۸۰ میلیارد هر طور که صلاح می‌دانید. در مورد فروش آن اقدام نمائید و اختیار کامل از طرف اینجانب دارید.

با تقدیم احترام

۲۵۳۷/۱/۲۲

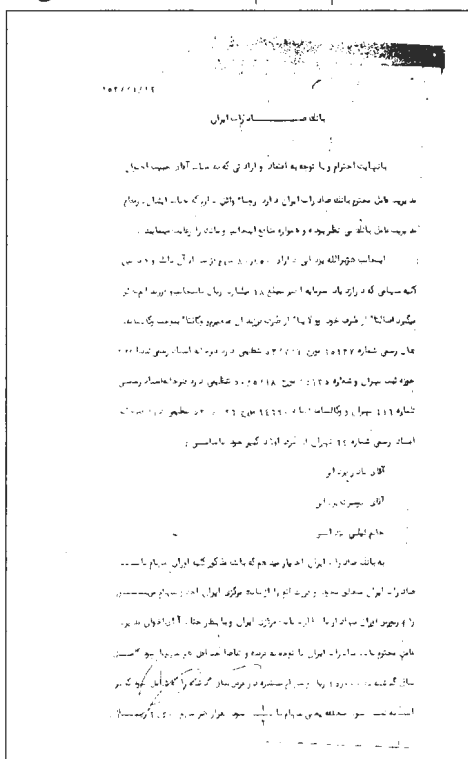


تاریخ: ۲۵۳۷/۱/۲۳

بانک صادرات ایران

با نهایت احترام و با توجه به اعتماد و ارادتی که به جناب آقای حبیب اخوان مدیریت عامل محترم بانک صادرات ایران دارد رجاء واثق دارم که جناب ایشان بی‌نظر بوده و همواره منافع اینجانب و بانک را رعایت می‌نمایند. اینجانب هژبراله یزدانی دارای ۸۰/۸۵۰ سهم از سهام آن بانک (کلیه سهامی که

در ازدیاد سرمایه اخیر به مبلغ ۱۸/- میلیارد ریال با اینجانب و فرزندانم تعلق می‌گیرد اصالتاً از طرف خود و ولایتاً از طرف فرزندان صغیرم و وکالتاً به موجب وکالتنامه‌های رسمی شماره ۶۵۹۳۷ مورخ ۵۳/۷/۷ تنظیمی در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۲ حوزه ثبت تهران و شماره ۶۵۱۳۵ مورخ ۵۰/۵/۱۸ تنظیمی در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۱۶ تهران و وکالتنامه شماره ۹۴۶۹۰ مورخ ۵۳/۸/۲۶ تنظیمی



در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۴ تهران از طرف اولاد کبیر خود به اسامی:

آقای نادر یزدانی

آقای کیومرث یزدانی

خانم لیلی یزدانی

به بانک صادرات ایران اختیار می‌دهم که بانک مذکور کلیه اوراق سهام بانک صادرات ایران متعلق به خود و فرزندانم را از بانک مرکزی ایران اخذ و سهام مزبور را در بورس اوراق بهادار با نظارت بانک مرکزی ایران و با نظر جناب

آقای اخوان مدیریت عامل محترم بانک صادرات ایران با توجه به عرضه و تقاضا حداقل هر سهم یا سود کامل سال گذشته - ۲۵/۰۰۰ ریال و سهام منتشره در عرض سال گذشته را که شامل سود کمتری است به نسبت سود متعلقه یعنی سهام با ۱ سود به قرار هر سهم ۲۴۳۰۰ ریال و سهام با ۱ سود به قرار هر سهم ۲۳۷۰۰ ریال به فروش برساند و وجوه حاصله از فروش را برای واریز مطالبات خود از اینجانب مورد استفاده قرار دهد و بدینوسیله اصالتاً و ولایتاً از طرف فرزندانم به بانک صادرات ایران اختیار می‌دهم که هرکس را لازم بدانند جهت

امضاء ظهر سهام و دفاتر

بانک تعیین فرمایند.

به بانک مرکزی ایران اختیار داده می‌شود که تعداد ۳۰۰/۰۰۰ سهم از سهام اینجانب و فرزندانم را که نزد آن بانک می‌باشد در اجرای این اختیار که به بانک صادرات ایران تحویل نماید.

با تقدیم احترامات

هژبراله یزدانی

و سهام با ۱ سود به قرار هر سهم ۲۴۳۰۰ ریال به فروش برساند و وجوه حاصله از فروش را برای واریز مطالبات خود از اینجانب مورد استفاده قرار دهد و بدینوسیله اصالتاً و ولایتاً از طرف فرزندانم به بانک صادرات ایران اختیار می‌دهم که هرکس را لازم بدانند جهت امضاء ظهر سهام و دفاتر بانک تعیین فرمایند.

به بانک مرکزی ایران اختیار داده می‌شود که تعداد ۳۰۰/۰۰۰ سهم از سهام اینجانب و فرزندانم را که نزد آن بانک می‌باشد در اجرای این اختیار که به بانک صادرات ایران تحویل نماید.

با تقدیم احترامات

هژبراله یزدانی

با تقدیم احترامات

هژبراله یزدانی

با تقدیم احترامات

با تقدیم احترامات

هژبراله یزدانی

به: ۳۱۲

تاریخ: ۳۷/۲/۳

از: ۱۱ هـ

شماره: ۱۱/۱۰۳۰۶ هـ

موضوع: شیخ محمد کفعمی^۱ پیشنهاد مسجد جامع زاهدان

روز ۳۷/۲/۱ یکی از اهالی زاهدان با نامبرده بالا تماس حاصل و اظهار داشت شنیده است که بانک صادرات سهام هژیر یزدانی را به معرض فروش گذاشته است آیا خرید این سهام و پس انداز پول در بانک مزبور شرعاً جایز است

یا خیر؟ شیخ کفعمی در پاسخ عنوان نمود «من در این مورد از آقای شریعتمداری تلفنی سؤال کردم ایشان گفتند مؤمنین سهام مزبور را خریداری نمایند در حال حاضر بانک صادرات در نظر ما فرقی با بانکهای دیگر ندارد»

نظریه شنبه - خبر صحت دارد

نظریه یکشنبه - نظریه شنبه مورد تایید است. عیار

نظریه سه شنبه - در مأوریت

نظریه چهارشنبه - نظریه یکشنبه مورد تایید است.

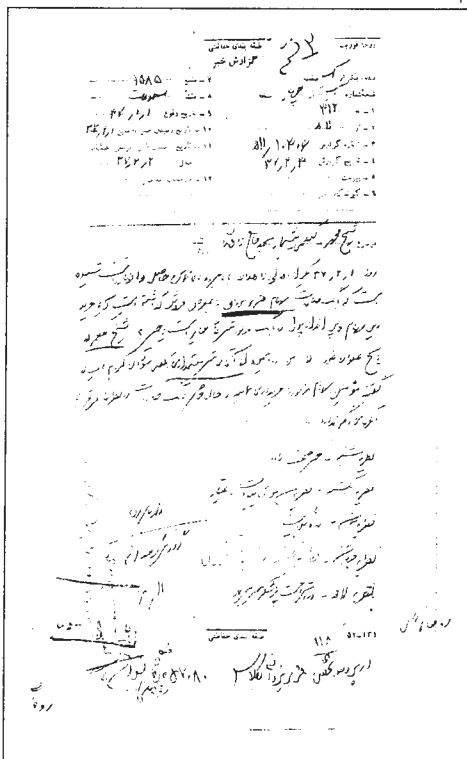
نظریه ۱۱ هـ - در استراحت پزشکی به سر می برند.

دایره بررسی

گزارش نموده اند ۲/۱۱

در پرونده شخصی هژیر یزدانی به کلاسه ۵۷۰۸۰ بایگانی شود

روحانی



۱- حجة الاسلام محمد کفعمی در سال ۱۲۸۹ هـ در محله عیدگاه مشهد متولد شد. دروس مقدماتی را نزد اساتیدی چون ادیب نیشابوری، ادیب ثانی، حاج محمد قوچانی و درسهای دوره سطح را در نزد عالمانی مانند آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی و آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی تلمذ کرد. ایشان در سال ۱۳۰۹ به نجف رفت و در هشت سال اقامت خود در این شهر مراتب عالی علوم دینی را طی کرد. در سال ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و در وطن خود اقامت گزید. آیت الله کفعمی در سال ۱۳۱۹ راهی زابل شد و چندی بعد به اصرار مردم زاهدان در این شهر ماندگار گردید و از آن پس منشأ خدمات فراوان علمی و عمرانی در این منطقه گشت: ساخت مدرسه علمیه زاهدان، مسجد جامع، کتابخانه عمومی این مسجد، مسجد کفعمی، تأسیس خوابگاه، تعمیر ۱۸ مسجد در زابل، ساخت حمام و... از این قبیل است. آیت الله کفعمی منادی وحدت بین تشیع و تسنن در این منطقه بود. ایشان ملجاء مبارزاتی بود که به این ناحیه تبعید می شدند و یا می گریختند. کمکهای ایشان در سال ۴۷ و ۴۸ هنگام خشکسالی سیستان و بلوچستان که شخصاً به روستاها رسیدگی می کرد، از یاد نرفته است. پس از انقلاب نیز آیت الله کفعمی در همین ناحیه ماندگار شد و مسائل انقلاب را پی گیری می کرد. به هنگام جنگ در جمع آوری کمکهای مردمی و ارسال آن به جبههها تلاش فراوانی کرد. آیت الله کفعمی در سال ۱۳۶۲ پس از ابتلا به بیماری

به: ۳۱۲

از: ۲۵۶

تاریخ: ۳۷/۲/۳

شماره: ۲۵۶/۱۳۱۱۰

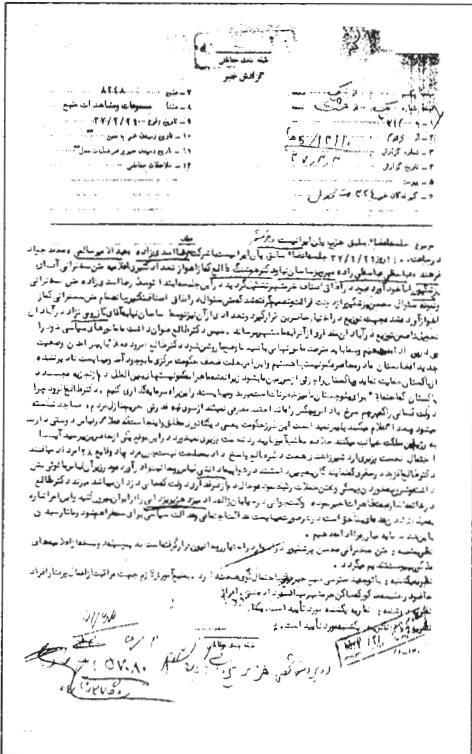
موضوع: جلسه اعضاء سابق حزب پان ایرانیست در خرمشهر

صعب‌العلاجی دعوت حق را
لیک گفت و در صحن مرقد
حضرت رضا (ع) به خاک سپرده
شد.

۱- رضا اسدی زاده فرزند
ابراهیم در سال ۱۳۰۹ ش در
کاشان بدینا آمد. تحصیلات خود
را تا سیکل اول متوسطه ادامه
داد و مشاغلی از جمله: مدیر
رستوران پارک خرمشهر، عضو
هیأت مدیره شرکت ای. دی. اس
نماینده مطبوعات خرمشهر،
عضو انجمن شهر خرمشهر و...
را عهده‌دار بود. از حیث سیاسی
ابتدا عضو حزب مردم و طرفدار
سیاست غرب به ویژه انگلیس
بوده و بعداً به عضویت حزب
پان ایرانیست درآمده و طرفدار
جدی رژیم پهلوی بوده است.
گزارشی دال بر سوء استفاده
مالی و اخاذی با عنوان عضویت
در سازمان امنیت در سال
۱۳۴۴ و صدور دو فقره چک بی
محل در سال ۱۳۴۵ داشته که
تحت تعقیب قرار گرفته و به
شش ماه حبس تأدیبی محکوم
شده است.

- اسناد ساواک، پرونده‌های
انفرادی
۲- دکتر هوشنگ طالع فرزند
علی در سال ۱۳۱۲ در تهران به
دنیا آمد. وی در رشته علوم
اقتصادی و سیاسی از دانشگاه
آلمان و اتریش موفق به اخذ
دکترت شد. نامبرده کارشناس
اقتصادی دفتر اقتصادی سازمان
برنامه و نماینده مجلس شورای
ملی و هم چنین عضو حزب پان
ایرانیست و مسئول تشکیلات
خارج از کشور حزب بود.
اسناد ساواک، پرونده‌های
انفرادی

در ساعت ۱۱۰۰ روز ۳۷/۲/۲۹ جلسه اعضاء سابق پان ایرانیست با شرکت
رضا اسدی زاده^۱، عبدالامیر سالمی، محمدجواد فرهمند، عباسقلی
عباسقلی زاده، پرویز ساسان‌نیا و دکتر هوشنگ طالع^۲ که از اهواز تعداد کثیری



اعلامیه متن سخنرانی آقای
پزشکپور را با خود آورده
بود در اطاق اصناف
خرمشهر تشکیل گردید در
این جلسه ابتدا توسط رضا
اسدی زاده متن سخنرانی و
نمونه سؤال محسن
پزشکپور از دولت قرائت و
تصمیم گرفته شد که متن
سؤال در اطاق اصناف تکثیر
و به انضمام متن سخنرانی که
از اهواز آورده شده جهت
توزیع در اختیار حاضرین
قرار گیرد و تعدادی از آن نیز
توسط ساسان‌نیا به آقای
کازرونی نژاد در آبادان

تحویل تا ضمن توزیع در آبادان مقداری از آن را به ماهشهر برساند. سپس دکتر
طالع عنوان داشت ما مانورهای سیاسی خود را بی در پی ادامه می دهیم و شما
باید مترصد مانور نهایی باشید تا وضع ما روشن شود دکتر طالع افزود فعلاً با
پیش آمدن وضعیت جدید افغانستان ما در محاصره کمونیستها هستیم و این امر
به علت ضعف حکومت مرکزی ما بوجود آمد و می‌بایست تا دیر نشده از
پاکستان حمایت نماید و پاکستان جزئی از سرزمین ما بشود زیرا نقشه ماهرانه
کمونیستهای بین الملل دم از تجزیه مجدد پاکستان که احتمالاً برای بلوچستان ما

نیز خطرناک است می‌زند و می‌بایست در این راه سرمایه‌گذاری کنیم. دکتر طالع افزود چرا دولت کسانی را که پرچم سرخ با داس و چکش راه انداختند معرفی نمی‌کند از سوی چه قدرتی حریم منازل مردم، مساجد شکسته می‌شود و بعداً اعلام می‌کنند پلیس نمی‌دانست این طرز حکومت یعنی دیکتاتوری مطلق و اینجاست که عملاً در لباس دوستی دارند به رژیم این مملکت خیانت می‌کنند خلاصه مطلب آموزگار به درد نخست‌وزیری نمی‌خورد در این موقع یکی از حاضرین پرسید آیا احتمال نخست‌وزیری اردشیر زاهدی^۱ هست دکتر طالع پاسخ داد به مصلحت نیست چون مردم یاد وقایع ۲۸ مرداد می‌افتند دکتر طالع افزود در سفری که نمایندگان به چین داشتند در هواپیما دانشی لباس روحانیت را در آورده و در زیر آن لباس مائوئی به تن داشته و شروع به خوردن ویسکی و گفتن جملات رکیک نموده و حال دم از طرفداری دولت که حامی دزدان می‌باشد می‌زند دکتر طالع در خاتمه اشاره به تظاهرات اخیر نموده و گفت جوانی در خیابان زاله داد می‌زد هژبر یزدانی را از ایران بیرون کنید و این امر اشاره به میلیونر شدن عده‌ای بنا حق است در هر صورت می‌بایست عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی برای همه فراهم شود و ما تا رسیدن به این هدف باید مبارزه را ادامه دهیم.

نظریه شنبه: متن سخنرانی محسن پزشکیور در اهواز در اختیار روحانیون قرار گرفته است بدینوسیله دو نسخه از اعلامیه‌های مذکور به پیوست تقدیم می‌گردد. نظریه یکشنبه: با توجه به دسترسی منبع خبر به احتمال قوی صحت دارد. به منبع آموزش لازم جهت مراقبت از اعمال و رفتار افراد حاضر در جلسه مذکور که ساکن خرمشهر می‌باشند داده شد. افراز

نظریه دوشنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است. یکتا

نظریه ۶هـ: نظریه دوشنبه مورد تایید است

در پرونده شخصی هژبر یزدانی به کلاسه ۵۷۰۸۰ بایگانی شود

روحانی ۳۷/۳/۲۷

۱- اردشیر زاهدی پسر فضل‌الله زاهدی. در مهرماه ۱۳۰۷ در تهران بدنیا آمد. او پس از طی تحصیلات ابتدایی در تهران و اصفهان، تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۲۵ در دبیرستان اسلامی بیروت به پایان برد و زاهی آمریکا شد. وی در سال ۱۳۲۸ گواهینامه کشاورزی را از کالج کشاورزی ایالت «یوتا» آمریکا دریافت داشت. مدرک تحصیلی اردشیر توسط وزارت فرهنگ وقت به عنوان «معاذل لیسانس» ارزیابی شده است. اردشیر احتمالاً از سال‌های تحصیل در بیروت با کرمیت روزولت آشنایی یافت و با سرویس اطلاعاتی نوپای آمریکا در ارتباط قرار گرفت. در بازگشت به ایران دارای روابط دوستانه با آمریکاییان مقیم تهران بود. او در اردیبهشت ۱۳۳۱ به همراه مرتضی امیر ارجمند (کارشناس ساختمان‌های روستایی) به استخدام وزارت کشاورزی درآمد و در پست معاونت و خزانه داری «کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای بهبود امور روستایی» (اصل ۴ ترومن) قرار گرفت. اسناد موجود از روابط بسیار نزدیک اردشیر زاهدی با ویلیام وارن رئیس «اصل ۴ ترومن» خبر می‌دهد. طبق این اسناد، اردشیر زاهدی ظاهراً در اسفند ۱۳۳۱ از طرف وزارت کشاورزی به مدت یک سال برای آموزش به آمریکا اعزام شد. خاطرات کرمیت روزولت حضور فعال اردشیر زاهدی را، با نام مستعار «مصطفی» و «ویسی» در جریان عملیات کودتا در تهران نشان می‌دهد و مشخص است

می‌سازد که مأموریت آمریکایی زاهدی پوششی برای استتار حضور وی در تهران و مشارکت در عملیات «سیا» بوده است. اردشیر زاهدی به خاطر نقش فعال در کودتا به دریافت نشان درجه یک رستاخیز نایل شد و در ۳ آبان ۱۳۳۲ آجودان کشوری شاه گردید.

اردشیر در آبان ۱۳۳۶ با شهناز پهلوی ازدواج کرد. این ازدواج در سال ۱۳۴۳ به متارکه انجامید و حاصل آن یک دختر بنام مهناز بود. پس از این طلاق مدتها شایعاتی پیرامون ازدواج شهناز با برادر شاه مراکش و سپس با پسر محمود زنگنه مطرح بود تا بالاخره وی با خسرو جهانبانی، از اعضای خانواده درباری جهانبانی‌ها، ازدواج کرد.

محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۳۸ اردشیر زاهدی را به عنوان نماینده خود برای تماس با دانشجویان ایرانی در اروپا اعزام داشت. مدت کوتاهی بعد در اسفند ۱۳۳۸ اردشیر زاهدی سفیر شاه در واشنگتن شد. در این زمان اردشیر می‌کوشید تا با دانشجویان ناراضی ایران در آمریکا ارتباط برقرار کند. در دولت اسدالله علم، اردشیر زاهدی در شهریور ۱۳۴۱ به عنوان سفیر کبیر ایران عازم لندن شد و تا آذر ۱۳۴۵ در این سمت

بود. وی در بهمن ماه ۱۳۴۵ در دولت امیرعباس هویدا وزیر امور خارجه گردید. اسناد ساواک نشان می‌دهد که در سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۸ اردشیر زاهدی به شدت در تلاش برای احراز پست نخست وزیری بوده است. اردشیر زاهدی نه تنها به صدارت نرسید، بلکه تحرکات جاه طلبانه او به برکناری وی از وزارت خارجه در شهریور ۱۳۵۰ انجامید. در اسفند ماه ۱۳۵۱ محمدرضا پهلوی داماد سابق خود را به سفارت در واشنگتن اعزام داشت تا به عیاشی‌هایش ادامه دهد و جو داخلی دربار را آشفته نسازد.

اردشیر زاهدی تا زمان دولت شاهپور بختیار سفیر ایران در آمریکا بود و در دی ماه ۱۳۵۷ از این سمت برکنار شد.

اردشیر زاهدی یکی از هرزه‌ترین عناصر سیاسی و دولتمردان رژیم محمدرضا پهلوی بود و به این صفت نه تنها در میان خواص، بلکه در سطح جامعه نیز شهرت کافی داشت و در مدت اقامتش در لندن و آمریکا مطبوعات آنجا بارها و بارها تصاویر و گزارشهایی از ریخت‌وپاش‌ها و مفاسد اخلاقی وی درج نمودند.

- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، ص ۲۵۸ - ۲۷۲

- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

فساد اخلاقی اردشیر زاهدی و مراودت نامشروع وی با زنان و عدم تقید وی به ارزشهای خانوادگی و مصرف هروئین زمینه‌ساز اختلاف او با شهناز پهلوی شد و سرانجام به متارکه و طلاق در سال ۱۳۴۳ انجامید. اردشیر زاهدی نقش عمده‌ای در خریدهای نظامی ایران از آمریکا ایفا کرد و مهره دست بسته و تحت سیطره و نفوذ کامل امریکائیان بود. وی تا بهمن ماه ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان سفیر ایران در آمریکا مشغول به کار بود.

اردشیر زاهدی به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص ۱۱ - ۱۴

(ر.ک: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، صص ۲۵۸ - ۲۶۲؛ طلوعی، محمود، بازیگران عصر پهلوی، ج ۱ و ۲، صص ۴۱۲، ۴۱۶، ۵۱۸، ۶۶۱، ۹۳۹؛ نوری، محمدعلی، قلم و سیاست از کودتای ۲۸ مرداد تا ترور منصور، صص ۱۱۷، ۱۵۹، ۲۵۵ - ۶۲۸؛ دلدن اسکندر، زندگی و خاطرات امیرعباس هویدا، صص ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۵۵، ۳۰۷ - ۳۴۹)

به: ۳۳۲

تاریخ: ۳۷/۳/۱۶

از: ۲۲۲

شماره: ۲۲۲/۱۹۸۴۸

موضوع: هژبر یزدانی

۱- تعدادی از جراید و روزنامه‌های خارجی طی مقالاتی اعلام نموده‌اند که شعب بانک صادرات ایران در داخل و خارج از کشور مورد حمله گروهی از مخالفین قرار گرفته است و این حملات بخاطر معامله‌گر و سهامدار بزرگ بانک

صادرات هژبر یزدانی می‌باشد که بهائی است و کنترل مالی بانک مزبور را در دست دارد (در این زمینه تلکسی از شعبه بانک صادرات در پاریس نیز به تهران مخابره شده که فتوکپی و ترجمه آن به پیوست می‌باشد)

۲- در حسابرسی‌هایی که به عمل آمده هژبر یزدانی مبلغ /۰۰۰/۷۷۶/۶۶۶/۳۴ ریال بدهی دارد که در قبال این بدهی اسناد و وثائقی حدود /۰۰۰/۵۰۵/۰۶۶/۱۵ ریال در اختیار بانک

خلاصه محاسبه	
مبلغ بدهی	۳۴/۶۶۶/۷۷۶/۰۰۰
مبلغ تسویه	۱۵/۰۶۶/۵۰۵/۰۰۰
مبلغ بدهی باقی‌مانده	۱۹/۶۰۰/۲۷۱/۰۰۰
تاریخ گزارش	۳۷/۳/۱۶
مبلغ بدهی	۳۴/۶۶۶/۷۷۶/۰۰۰
مبلغ تسویه	۱۵/۰۶۶/۵۰۵/۰۰۰
مبلغ بدهی باقی‌مانده	۱۹/۶۰۰/۲۷۱/۰۰۰

موضوع: هژبر یزدانی

۱- تعدادی از جراید و روزنامه‌های خارجی طی مقالاتی اعلام نموده‌اند که شعب بانک صادرات ایران در داخل و خارج از کشور مورد حمله گروهی از مخالفین قرار گرفته است و این حملات بخاطر معامله‌گر و سهامدار بزرگ بانک صادرات ایران می‌باشد که بهائی است و کنترل مالی بانک مزبور را در دست دارد (در این زمینه تلکسی از شعبه بانک صادرات در پاریس نیز به تهران مخابره شده که فتوکپی و ترجمه آن به پیوست می‌باشد)

۲- در حسابرسی‌هایی که به عمل آمده هژبر یزدانی مبلغ /۰۰۰/۷۷۶/۶۶۶/۳۴ ریال بدهی دارد که در قبال این بدهی اسناد و وثائقی حدود /۰۰۰/۵۰۵/۰۶۶/۱۵ ریال در اختیار بانک صادرات ایران می‌باشد که بهائی است و کنترل مالی بانک مزبور را در دست دارد (در این زمینه تلکسی از شعبه بانک صادرات در پاریس نیز به تهران مخابره شده که فتوکپی و ترجمه آن به پیوست می‌باشد)

۳- در نامه‌ای که یکی از کارمندان بانک صادرات ایران به عنوان آقای یگانه وزیر امور اقتصادی و دارائی نوشته به یک سلسله فعل و انفعالاتی که از طریق هژبر یزدانی در بانک صادرات انجام گرفته اشاره نموده و مخصوصاً اعلام شده که یکی از شرکتهای وابسته به هژبر یزدانی مبلغ یازده میلیارد و ششصد و پنجاه

صادرات قرار داده است (فتوکپی گزارش کامل حسابرسان و جداول تهیه شده در این زمینه که نمایانگر بدهکاری و بستانکاری هژبر یزدانی است در ۱۷ برگ به پیوست می‌باشد)

۳- در نامه‌ای که یکی از کارمندان بانک صادرات ایران به عنوان آقای یگانه وزیر امور اقتصادی و دارائی نوشته به یک سلسله فعل و انفعالاتی که از طریق هژبر یزدانی در بانک صادرات انجام گرفته اشاره نموده و مخصوصاً اعلام شده که یکی از شرکتهای وابسته به هژبر یزدانی مبلغ یازده میلیارد و ششصد و پنجاه

میلیون ریال بدون مجوز اخذ اعتبار نموده و همچنین در مورد چکهای مدت دار که به عنوان هژبر یزدانی صادر شده بانک صادرات از طریق مهندس نیکخواه تسهیلاتی فراهم نموده که قبل از موعد به حساب هژبر یزدانی واریز گردد و بهره آن از موجود چک برداشت شود (هشت برگ مکاتبات مربوطه در این زمینه پیوست می باشد).

۴- تعداد سهام هژبر یزدانی و بستگان وی در بانک صادرات و سایر مؤسسات صنعتی و تولیدی دیگر بشرح یک برگ لیست پیوست می باشد.

۵- برابر اعلام آقای مهران،^۱ جناب آقای نخست وزیر اوامر مطاع مبارک ملوکانه را مبنی بر فروش سهامی که در اختیار هژبر یزدانی است به آقای مهران ابلاغ نمودند ولی چون هژبر یزدانی در ارائه این سهام برای فروش به مردم تعلل می نمود و از طرفی آقای مهران هم تحت فشار برخی از بهائیان متنفذ قرار گرفته بود، در نتیجه شدت عمل لازم را به عمل نیاورد از این روی فروش سهام مزبور به موقع عملی

۱- برابر اعلام آقای مهران، جناب آقای نخست وزیر اوامر مطاع مبارک ملوکانه را مبنی بر فروش سهامی که در اختیار هژبر یزدانی است به آقای مهران ابلاغ نمودند ولی چون هژبر یزدانی در ارائه این سهام برای فروش به مردم تعلل می نمود و از طرفی آقای مهران هم تحت فشار برخی از بهائیان متنفذ قرار گرفته بود، در نتیجه شدت عمل لازم را به عمل نیاورد از این روی فروش سهام مزبور به موقع عملی

۱- برابر اعلام آقای مهران، جناب آقای نخست وزیر اوامر مطاع مبارک ملوکانه را مبنی بر فروش سهامی که در اختیار هژبر یزدانی است به آقای مهران ابلاغ نمودند ولی چون هژبر یزدانی در ارائه این سهام برای فروش به مردم تعلل می نمود و از طرفی آقای مهران هم تحت فشار برخی از بهائیان متنفذ قرار گرفته بود، در نتیجه شدت عمل لازم را به عمل نیاورد از این روی فروش سهام مزبور به موقع عملی

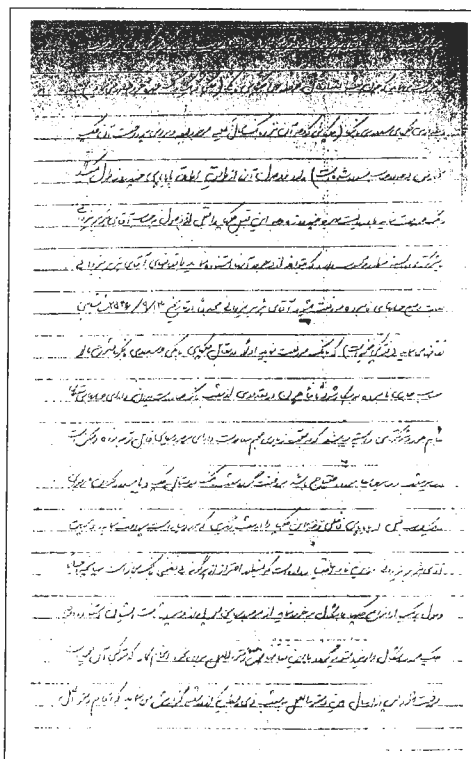
۱- برابر اعلام آقای مهران، جناب آقای نخست وزیر اوامر مطاع مبارک ملوکانه را مبنی بر فروش سهامی که در اختیار هژبر یزدانی است به آقای مهران ابلاغ نمودند ولی چون هژبر یزدانی در ارائه این سهام برای فروش به مردم تعلل می نمود و از طرفی آقای مهران هم تحت فشار برخی از بهائیان متنفذ قرار گرفته بود، در نتیجه شدت عمل لازم را به عمل نیاورد از این روی فروش سهام مزبور به موقع عملی

۱- حسنعلی مهران فرزند محمد در سال ۱۳۱۶ ش در تهران بدینا آمد. تحصیلات خود را تا دکترای اقتصاد از آمریکا ادامه داد و در ۱۳۴۷/۷/۲۰ به دعوت وزیر وقت اقتصاد خدمت دولتی در وزارت اقتصاد با سمت قائم مقام مدیر عامل مرکز بررسی های توسعه صنعتی و بازرگانی شد و مشاغل از جمله: معاونت کل وزارت اقتصاد و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، وزیر امور اقتصاد و دارایی و... را عهده دار بود. از وی چند اثر مکتوب در زمینه اقتصادی بر جای مانده است. - اسناد ساواک، پرونده های انفرادی

- فروش برساند (شش برگ فتوکپی مکاتبات انجام شده در این زمینه پیوست می باشد)
- ۶- یک برگ فتوکپی برش روزنامه اطلاعات مورخه ۳۶/۱۲/۲۱ که در مورد فروش سهام هژبر یزدانی مطالبی نوشته شده می باشد.
- ۷- قرار شده که از محل اعتبار فروش سهام هژبر یزدانی بدهکاری وی به بانک صادرات تأمین گردد و در مورد بقیه بدهکاریها قرار گذارده که ماهیانه بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان بطور اقساط بپردازد تا کلیه دیونش به بانک مستهلک گردد.
- به اداره چهارم ارسال شود. ۳۷/۳/۲۴
- عیناً با ضمائم مربوط به استحضار ریاست بخش ۳۴۲ برسد.
- از طرف رئیس بخش ۳۳۲ ۳۷/۳/۲۵
- عملیات ۳۷/۳/۲۵

تاریخ: ۳۷/۳/۳۰

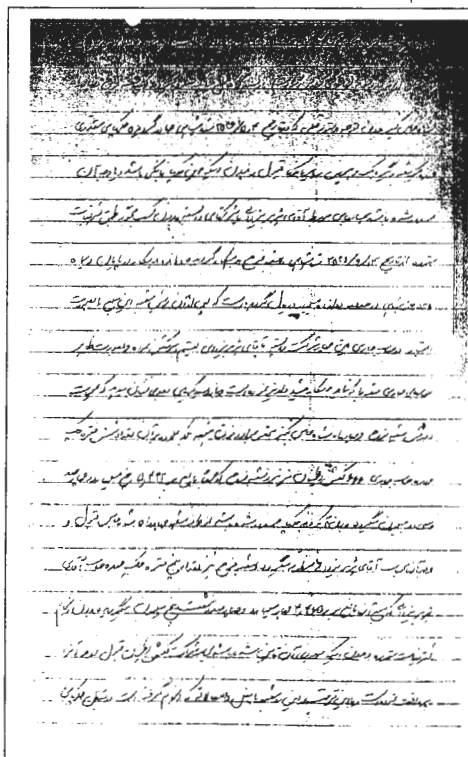
چنانچه به استحضار دارند آقای هژبر یزدانی در تاریخ ۲۵۳۶/۵/۴ به موجب نامه‌ای که فتوکپی آن ضمیمه است درخواست می‌نماید که چون همیشه تعداد قابل ملاحظه‌ای چکهای بانکی (چکی که یک بانک عهده خود صادر می‌نماید) و مقداری چکهای مسدودی بانکها (چکهائی که وجه آن نزد بانک محال علیه موجود بوده و بررسی پرداخت آن چک بخصوص وجه در حساب مسدود شده



است) دارد و وصول آنها از طریق اطاق پایای چند روز طول می‌کشد بانک موافقت نماید با دریافت بهره چند روزه وجه این قبیل چکها را قبل از وصول به حساب آقای هژبر یزدانی یا شرکتهای وابسته منظور و محسوب دارد که بتواند از وجود آنها استفاده نماید با تقاضای آقای هژبر یزدانی به علت وضع حسابهای نامبرده موافقت می‌شود آقای هژبر یزدانی مجدداً در تاریخ ۲۵۳۶/۹/۱۳ شاهنشاهی تقاضا می‌نماید

(فتوکپی ضمیمه است) که بانک موافقت نماید اولاً در مقابل چکهای بانکی و مسدودی بانکها مشروح بالا حساب جاری نامبرده بدهکار شود ثانیاً چون در تعدادی از شعب بانک صادرات ایران دارای حسابهای متعددی به نام خود و شرکتهای وابسته می‌باشد که به علت زیادی حجم معاملات دارای موجودیهای قابل توجه بوده و ممکن است در سایر شعب و سایر حسابها مورد احتیاج باشد موافقت گردد شعب بانک در مقابل چک و یا مسدود کردن موجودی در یک حساب قبل از پایای داخلی وجه این چکها را در شعب دیگری که مورد نیاز

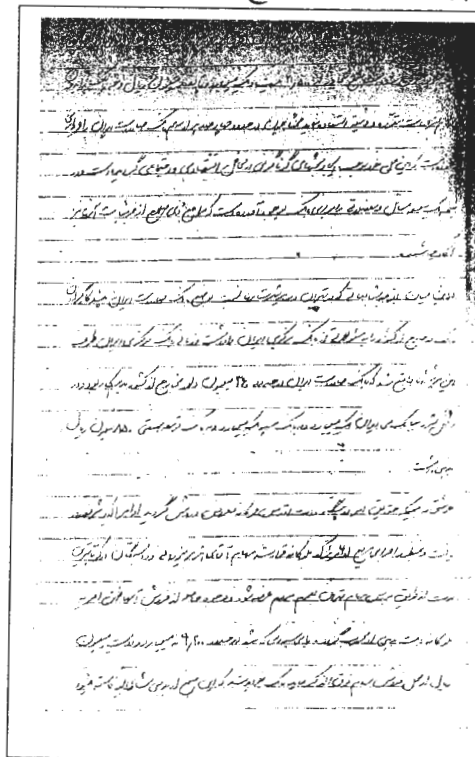
است پرداخت نمایند و همچنین آقای هژبر یزدانی در این نامه اختیار داده است که به منظور احتراز از هرگونه بی‌نظمی بانک مجاز است همچنان چه احياناً وصول هر یک از انواع چکها به اشکال برخورد می‌نماید از موجودیهای پس‌انداز و سپرده ثابت ایشان استفاده و وجه چک مورد اشکال واریز و تسویه گردد با این تقاضا ضمن صدور دستورالعمل برای نحوه انجام کار که فتوکپی آن ضمیمه است موافقت بشود پس از ارسال این دستورالعمل به شعب ذی‌ربط یکی از دو شعبه گزارش می‌نماید که انجام دستورالعمل مزبور میسر نیست زیرا با



انجام آن کارهای جاری آقای هژبر یزدانی متوقف خواهد شد و تقاضا می‌نماید که رویه قبلی ادامه پیدا نماید (فتوکپی گزارش ضمیمه است) را رسیدگی که به عمل می‌آید معلوم می‌گردد که در شعبه فرح و چهارراه شاه‌عباس کبیر بدون توجه به دستور قبلی که در تاریخ ۲۵۳۶/۵/۴ شاهنشاهی صادر گردیده چکهای متعددی عهده یک شعبه دیگر بانک و همچنین سایر بانکها قبول و بدون اینکه چکها بانکی باشد و یا وجه

آن مسدود شده باشد به حسابهای مربوطه آقای هژبر یزدانی یا شرکتهای وابسته بدون کسب مجوز طبق تشریفات ستوده از تاریخ ۲۵۳۶/۹/۱۴ شاهنشاهی شعبه فرح بدهکار گردیده و مانده بدهکار در پایان دیماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی در حدود دوازده میلیارد ریال گردیده است که پس از آن رئیس شعبه این مبلغ را به صورت اعتبار در حساب جاری بین چهار شرکت وابسته به آقای هژبر یزدانی تقسیم و سرشکن نموده و بصورت ظاهر حسابهای جاری شعبه را که نباید بدهکار می‌شد واریز نموده است و باز رسیدگی‌های بعدی نشان می‌دهد که

عملیات دو رئیس شعبه فرح و چهارراه شاه عباس کبیر منحصر به موارد فوق نبوده بلکه علاوه بر آن تعداد شش فقره چک عهده حساب جاری ۶۶۶ کفش اطمینان نیز نزد شعبه فرح که جمعاً بالغ بر ۵/۴۳۲ پنج میلیارد و چهار صد و سی دو میلیون می گردد بدون آنکه وجه چکها مسدود شده باشد از طرف شعبه چهارراه شاه عباس قبول و وجه آنها به حساب آقای هژبر یزدانی منظور می گردد و شعبه فرح نیز تعداد پنج فقره چک عهده حساب آقای هژبر یزدانی که مبلغ آنها بالغ بر ۴/۴۶۵ چهار میلیارد و چهار صد و شصت و پنج میلیون می گردیده بدون



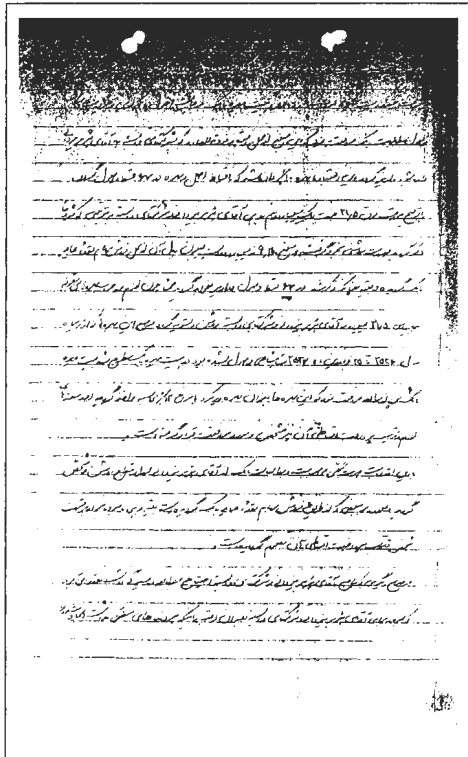
انجام تشریفات مقرر و بدون اینکه موجودی آن تأمین شده باشد به حساب شرکت کفش اطمینان قبول و وجه آن را پرداخت نموده است و با این ترتیب در این شعبه با فعل و انفعالاتی که انجام گرفته است در مقابل چکهای سایر بانکها و همچنین چکهای سایر شعب بانک صادرات ایران آقای هژبر یزدانی با استفاده از ساده لوحی دو نفر رئیس شعبه مزبور موفق شده است مبلغ متجاوز از ۲۱/۵۰۰ بیست و یک میلیارد و پانصد

میلیون ریال وجه بانک را بدون انجام تشریفات مقرر و وثیقه استفاده نماید ضمناً چون در حدود چهار صد هزار سهم بانک صادرات ایران را خریداری نموده است که این عمل خود موجب ایجاد بحث های گوناگونی در محافل اقتصادی و اجتماعی گردیده است و در نتیجه یک سلسله مسائل و معضلاتی را برای بانک بوجود آورده است که مراجع ذیصلاح از جزئیات آنها نیز آگاه می باشند.

در این میان با توجه به شایعاتی که در تهران و سایر شهرستانها نسبت به وضع

بانک صادرات ایران می‌شد کارگزاران بانک در خارج از کشور را به سؤالاتی از بانک مرکزی ایران واداشت و زمانی بانک مرکزی ایران طرف این پرسشها واقع شده که بانک صادرات ایران در حدود ۳۶۰ میلیون دلار به خارج از کشور بدهکار بود و در داخل کشور به بانک ملی ایران یک میلیارد و به بانک سپه یک میلیارد و بانک توسعه صنعتی ۸۵۰ میلیون ریال بدهی داشت.

خوشبختانه همین که حقایق امر در پیشگاه ذات اقدس ملوکانه معروض و روشن گردید اوامر شرفصدور یافت و به منظور اجرای اوامر مؤکد ملوکانه قرار شد

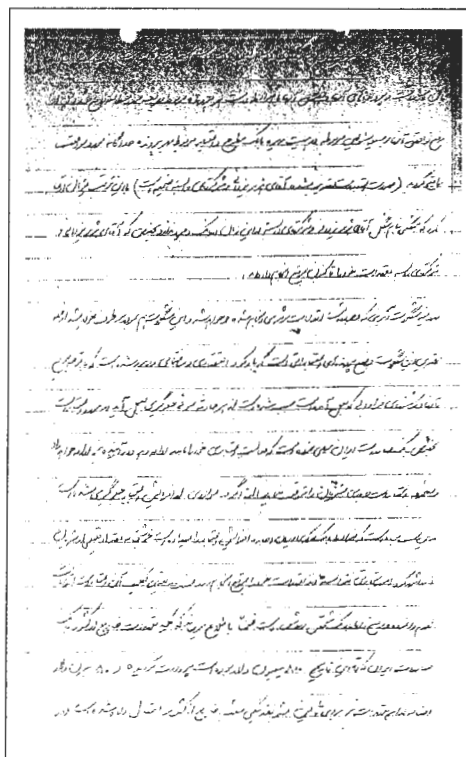


سهام آقای هژیر یزدانی و وابستگان در کوتاهترین مدت از طریق بورس سهام تهران به عموم مردم عرضه شود و وجوه حاصله از فروش آنها طبق امریه ملوکانه بابت بدهی او محسوب گردد. با محاسبه‌ای که شد در حدود ۹/۲۰۰ نه میلیارد و دویست میلیون ریال از محل فروش سهام فوق‌الذکر عاید بانک خواهد شد که این مبلغ از بدهی مشارالیه کاسته می‌شود برای تعیین تکلیف بقیه بدهی نامبرده شرکتهای

وابسته که در حدود ۱۲/۵۰۰ دوازده میلیارد و پانصد میلیون می‌گردید در جلسات متعدد هیئت مدیره بررسی شد و بالاخره هیئت مدیره بانک رعایت اصول بانکداری و ضرورت امکان وصول مطالبات بانک موافقت نمود که این مبلغ از محل اعتبار فوق‌العاده که به شرکتهای وابسته به آقای هژیر یزدانی داده می‌شود واریز گردد این اعتبار با بهره ۱۰٪ داده شد که به اقساط اصل و بهره در ۶۷ قسط وصول گردد.

با توضیح مراتب فوق ۲۱/۵ بیست و یک میلیارد و نیم بدهی آقای هژیر یزدانی

و شرکتهای وابسته به ترتیبی که مشروحاً ذکر گردید صورت روشنی به خود گرفته و مبلغ ۹/۲۰۰ نه میلیارد و دویست میلیون ریال آن از محل فروش سهام نقداً عاید بانک گردیده و بقیه چنانکه ذکر شد در ۶۷ قسط وصول و واریز خواهد گردید ضمناً چون لازم بوده حساب بهره‌های معوقه بدهی‌های ۲۱/۵ میلیارد به آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته روشن و تسویه گردد و وضع این بهره‌ها که از دیماه سال ۲۵۳۶ تا ۲۵ فروردین ماه ۲۵۳۷ شاهنشاهی وصول نشده بود در هیئت مدیره بانک مطرح شد هیئت مدیره بانک پس از مطالعه موافقت نمود که



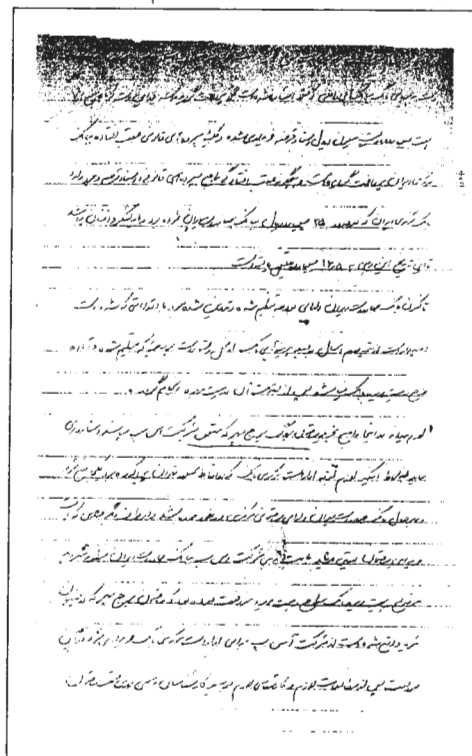
این بهره‌ها به عنوان بهره دیر کرد با نرخ ۱۲٪ محاسبه و اخذ گردد اخذ سفته‌های لازم و ترتیب پرداخت اقساطی به آن نیز مشخص و مورد موافقت قرار گرفته است.

با این اقدامات صورت کلی محاسبات و مطالبات بانک از آقای هژبر یزدانی بطور قطع روشن و مشخص گردید و علاوه بر مبلغی که از طریق فروش سهام نقداً عاید بانک گردیده است بقیه بدهی نامبرده نیز در هر قسمت مشخص و ترتیب پرداخت اقساطی آن معلوم گردیده است.

موضوع دیگری که راجع به آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته احتیاج به مطالعه و رسیدگی داشت تعهداتی بود که به مرور برای آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته به عنوان اعتبار بر اینکه پرونده‌های منظمی نداشت ایجاد شده بود (به صورت اعتبارات آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته به عنوان اعتبارات استفاده شده ضمیمه است) بررسی سروسامان دادن به این اعتبارات و پرونده‌های آنها و تطبیق آنها با ضوابط درست هر پرونده مربوط به هر شعبه

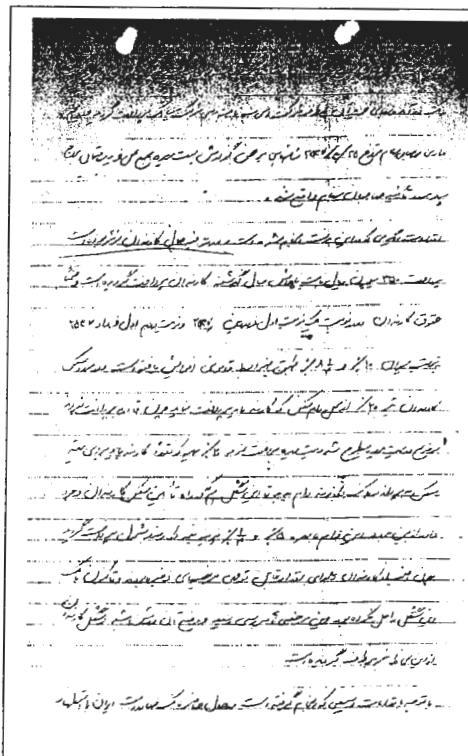
مطالعه واقع شد و پس از رفع نواقص آنها بوسیله مسئولین مربوطه در هیئت مدیره بانک مطرح و اعتبار مربوط به هر پرونده جداگانه مورد موافقت واقع گردید (صورت اعتبارات تصویب شده آقای هژبر یزدانی و شرکت‌های وابسته ضمیمه است) با این ترتیب می‌توان ادعا کرد که مشکلی بنام مشکل آقای هژبر یزدانی و شرکت‌های وابسته در این زمان در بانک وجود ندارد به خصوص که آقای هژبر یزدانی و شرکت‌های وابسته تعهدات خود را تاکنون به موقع انجام داده‌اند. در زمینه مشکلات دیگری که وجود داشت اقدامات مؤثری انجام شده و خواهد

شد و این مشکلات هم به مرور بر طرف خواهد شد از جمله مهمترین این مشکلات وضع پرونده‌های اعتباراتی است که با رکود اقتصادی و ساختمانی روبرو شده است که با توجه سریع به آنها و کوشش‌های فراوانی که به عمل آمده است سبب شده است از هر حادثه سوئی جلوگیری بعمل آید در مورد اعتبارات بخصوص بانک صادرات ایران سعی نموده است که فعالیت اعتباری خود را مانند [گذشته] ادامه دهد و در آینده نیز ادامه



خواهد داد و مستخرجه اعتبارات جاری مشتریان را متوقف ننماید البته اگر در مواردی از افزایش اعتبار جلوگیری شده است بدین سبب بوده است که ضوابط بانک مرکزی ایران اجازه افزایش اعتبار را نمی‌داده است خوشبختانه مقدار خیلی از مشتریان که در اثر رکود امور تجاری نتوانسته‌اند تعهدات خود را به موقع انجام دهند نسبت به تعیین تکلیف آن اعتبارات اقدامات لازم را نموده و وضع آنها با بانک مشخص و روشن است ضمناً به اطلاع می‌رساند که کلیه تعهدات خارج از کشور بانک صادرات ایران که تا این تاریخ ۸۰۰ میلیون دلار

بوده است پرداخت گردیده و ۵۰ میلیون دلار اضافه از این تعهدات نیز برای تأمین بیشتر نقدینگی شعب خارج از کشور امکان داده شده است و در هر هفته حدود ۴۰ میلیون دلار نیز برای شعب خارج از کشور جهت تأمین نقدینگی آن شعب فرستاده می‌شود و پرداخت شده است بدهیهای بانک به بانکهای داخلی که قبلاً اشاره شده است کلاً پرداخت گردیده است در این مدت کوتاه مبلغ ۷/۲ هفت میلیارد و دویست میلیون ریال است و اسناد قرضه خریداری شده و کلیه سپرده‌های قانونی عقب افتاده به بانک مرکزی ایران پرداخت گردیده است و

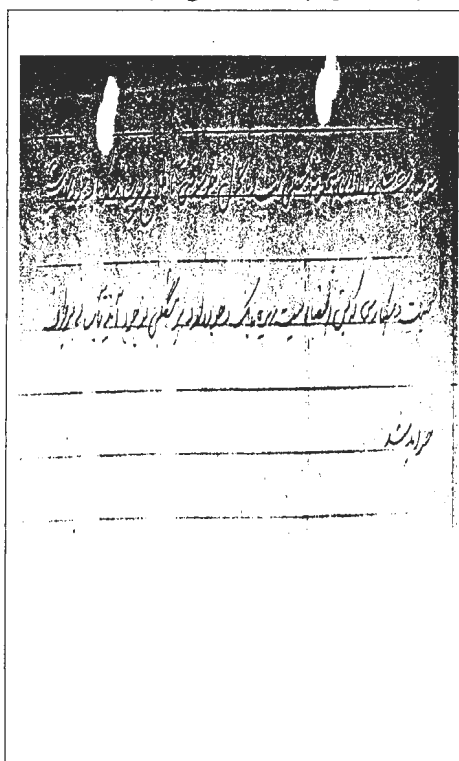


چگونه عقب افتادگی راجع به سپرده‌های قانونی اسناد قرضه وجود ندارد بانک مرکزی ایران که در حدود ۲۵ میلیارد ریال به بانک صادرات ایران [کمک] نموده بود و مایه تشکر و امتنان می‌باشد تا این تاریخ این بدهی به ۱۶/۵ میلیارد تقلیل یافته است. تاکنون بانک صادرات ایران دارای بودجه تنظیم شده و تدوین شده نبود با اقداماتی که شده است امیدوار است از نیمه دوم امسال به بعد هزینه‌های بانک از محل

اعتبارات بودجه که تنظیم شده و آماده طرح در هیئت مدیره می‌باشد پس از تصویب آن هیئت مدیره انجام گردد.

لازم می‌داند در اینجا راجع به خرید ساختمان بزرگ برج سپهر که متعلق به شرکت آ.س.پ می‌باشد اشاره‌ای نماید به لحاظ اینکه لازم بود ادارات مرکزی بانک که در نقاط مختلف تهران پراکنده بود یکجا جمع شود و به هر حال بانک صادرات ایران دارای ساختمانی مرکزی در خور خود باشد و از طرف دیگر وجوهی که بابت خریداری این ساختمان تعیین می‌شد بابت بدهی شرکت اس پ

به بانک صادرات ایران منظور گردید موضوع در هیئت مدیره بانک مطرح و هیئت مدیره موافقت نموده بود که ساختمان برج سپهر که در خیابان ثریا واقع شده است از شرکت آ. س. پ برای ادارات مرکزی بانک خریداری شود در نتیجه این موافقت پس از مطالعات لازم و کارشناسی لازم به وسیله کارشناسان رسمی روی قسمت ساختمان سرانجام سند خرید ساختمان برج سپهر آماده آن و به امضاء بانک و شرکت آ. س. پ رسید و عملاً ساختمان مذکور به مالکیت بانک درآمد و بهای خرید آن از طرف شرکت آ. س. پ بابت بدهی شرکت به بانک



پرداخت گردید و در مجمع عادی صاحبان سهام مورخ ۲۵۳۷/۳/۲۵ شاهنشاهی نیز ضمن گزارش هیئت مدیره به مجمع عمل خرید ساختمان برج سپهر مورد تأیید صاحبان سهام واقع شد.

اقدامات دیگری که در این مدت انجام شده است و در ترفیه [ترفع] حال کارمندان مؤثر بوده است پرداخت ۳۵۰ میلیون ریال بابت پاداش سال گذشته کارمندان پرداخت گردیده است و ضمناً حقوق کارمندان در دو

نوبت یک نوبت اول فروردین ۲۵۳۷ و نوبت دوم اول خرداد ۲۵۳۷ به ترتیب میزان ۱۰٪ و ۸٪ طبق ضوابط قانونی افزایش یافته است و در مورد مسکن کارمندان نیز ۲۰٪ از محل وام مسکن که کارمند باید پرداخت نماید چون قادر به پرداخت نبودند موضوع در هیئت مدیره مطرح شد و هیئت مدیره موافقت نمود ۲۰٪ سهمیه که تقدماً کارمند باید برای تهیه مسکن به پردازد بانک به کارمند وام بدهد تا این مشکل هم که در راه تأمین مسکن کارمندان وجود دارد از بین برود این وام با بهره ۵٪ و ۱٪ نیز [ناخوانا] به کارمند مشمول پرداخت گردید چون

اغلب از کارمندان دارای مقدار قابل توجهی مرخصی‌های ذخیره بودند و تاکنون بانک این مشکل را حل نکرده بود این مرخصی‌ها به بررسی رسید و وضع آن روشن شد و مشکل کارمندان از این لحاظ برطرف گردیده است.

با توجه به اقدامات وسیعی که انجام گرفته است در حال حاضر بانک صادرات ایران با استظهار به عنایات شاهانه دارای هیچگونه مشکلی نیست و با کمال خوشوقتی به اطلاع می‌رساند که با وجود نهایت صمیمیت و همکاری که بین اعضاء هیئت مدیره بانک وجود دارد هر مشکلی بوجود آید به آسانی برطرف خواهد شد.

تاریخ: ۳۷/۴/۱

شماره: ۲۲۲/۱۹۸۹۹

عطف: ۳۷/۳/۱۶-۲۲۲/۱۹۸۴۸

وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه نموده که احتمالاً از طریق وزارتخانه مزبور مراتب به شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر رسیده است.

۹) برگ فتوکپی گزارش
حسابرسان و ۹ برگ فتوکپی
ضمائم مربوط به پیوست
می باشد)

۲- بانک صادرات ایران
خاطر نشان ساخته با
اقداماتی که به عمل آمده
قرار شده است که در
کوتاه ترین مدت از طریق

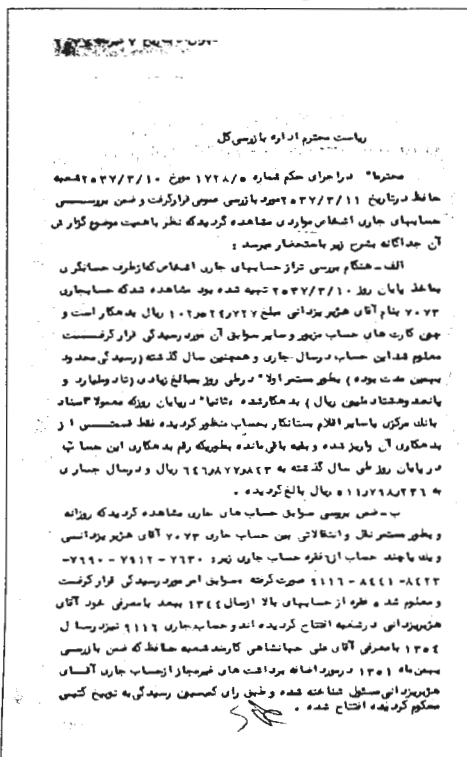
بورس سهام تهران سهام متعلق به هزیر یزدانی به عموم مردم عرضه شود و وجوه حاصله از فروش این سهام بابت بدهی او محسوب گردد.

با توجه به میزان بدهکاری و بستانکاری هژبر یزدانی و اقداماتی که در این زمینه وسیله بانک مرکزی و بانک صادرات صورت گرفته به نظر می‌رسد که نامبرده با اعمال نفوذ و اقداماتی از قبیل تطمیع و فریب کارمندان بانکها خارج از قواره‌های بانکی اقدام به اخذ وجوهاتی نموده که با اقداماتی که در این اواخر انجام پذیرفته مشکلی به نام مشکل هژبر یزدانی وجود ندارد.

تهران - به تاریخ ۷ تیرماه ۲۵۳۷

ریاست محترم اداره بازرسی کل

محترماً در اجرای حکم شماره ۱۷۲۸/۵ مورخ ۲۵۳۷/۳/۱۰ شعبه حافظ در تاریخ ۲۵۳۷/۳/۱۱ مورد بازرسی عمومی قرار گرفت و ضمن بررسی حسابهای جاری اشخاص مواردی مشاهده گردید که نظر به اهمیت موضوع گزارش آن جداگانه به شرح زیر به استحضار می‌رسد:



الف - هنگام بررسی تراز حسابهای جاری اشخاص که از طرف حسابگری به مأخذ پایان روز ۲۵۳۷/۳/۱۰ تهیه شده بود مشاهده شد که حساب جاری ۷۰۷۳ به نام آقای هژبر یزدانی مبلغ ۱۰۲/۵۲۴/۷۲۷ ریال بدهکار است و چون کارت های حساب مزبور و سایر سوابق آن مورد رسیدگی قرار گرفت معلوم شد این حساب در سال جاری و همچنین سال گذشته (رسیدگی محدود به

همین مدت بوده) به طور مستمر اولاً در طی روز به مبالغ زیادی (تا دو میلیارد و پانصد و هشتاد میلیون ریال) بدهکار شده، ثانیاً در پایان روز که معمولاً اسناد بانکی مرکزی یا سایر اقلام بستانکار به حساب منظور گردیده فقط قسمتی از بدهکاری آن واریز شده و بقیه باقی مانده بطوری که رقم بدهکاری این حساب در پایان روز طی سال گذشته به ۶۴۶/۸۷۷/۸۴۳ ریال و در سال جاری به ۵۱۱/۷۹۸/۲۳۶ ریال بالغ گردیده.

ب - ضمن بررسی سوابق حساب های جاری مشاهده گردید که روزانه و بطور

مستمر نقل و انتقالاتی بین حساب جاری ۷۰۷۳ آقای هژبر یزدانی و یک یا چند حساب از ۶ فقره حساب جاری زیر: ۷۶۳۰-۷۹۱۲-۷۹۹۰-۸۴۲۳-۸۴۴۱-۹۱۱۶ صورت گرفته، سوابق امر مورد رسیدگی قرار گرفت و معلوم شد ۵ فقره از حسابهای بالا از سال ۱۳۴۴ به بعد با معرفی خود آقای هژبر یزدانی در شعبه افتتاح گردیده‌اند و حساب جاری ۹۱۱۶ نیز در سال ۱۳۵۴ با معرفی آقای علی جهانشاهی کارمند شعبه حافظ که ضمن بازرسی بهمن ماه ۱۳۵۱ در مورد اضافه برداشت‌های غیر مجاز از حساب جاری آقای هژبر یزدانی مسئول شناخته شده

و طبق رأی کمیسیون رسیدگی به توییح کتبی محکوم گردیده افتتاح شده. از بررسی اسناد و سوابق حسابهای جاری فوق و نحوه عملیات روزانه شعبه و همچنین گفتگو با متصدیان مربوط این طور استنباط می‌شود که آقای هژبر یزدانی روزانه چکهایی عهده یک یا چند حساب از حسابهای بالا دریافت و آنها را به حساب‌های جاری خود نزد بانکهای خصوصی منظور می‌نماید بانک دریافت‌کننده چک این

-۲-

از بررسی اسناد و سوابق حسابهای جاری این و نحوه عملیات روزانه شعبه و همچنین گفتگو با متصدیان مربوط استنباط می‌شود که آقای هژبر یزدانی روزانه چکهایی عهده یک یا چند حساب از حسابهای بالا دریافت و آنها را به حساب‌های جاری خود نزد بانکهای خصوصی منظور می‌نماید بانک دریافت‌کننده چک این



چکها را وسیله کسر برای وصول به شعبه حافظ ارسال می‌دارد، در شعبه حافظ چون این حسابها فاقد موجودی قبلی هستند معمولاً حساب را بدهکار و وجه چکها را برداشت نموده و تلفنی به بانک فرستاده چکهای به اصطلاح (جواب قبولی) می‌دهند و آقای هژبر یزدانی به این طریق وجه چکهای بلامحل را از بانک فرستنده چک بلافاصله دریافت می‌دارد، در شعبه حافظ در پایان وقت هر روز مطابق صورتی که در اختیار آقای محمدتقی حیدری زنگنه معاون شعبه است معادل وجه چکهایی که از هر کدام از حسابهای ششگانه بالا در وجه آقای

هژبر یزدانی صادر گردیده متقابلاً با سند داخلی از حساب جاری ۷۰۷۳ آقای هژبر یزدانی برداشت و به حسابهای جاری ذیربط منظور می‌شود و این کار بطوری که آقای حیدری زنگنه معاون شعبه در پاسخ ماده ۳ ملاحظات حاضر نوشته‌اند مدت ۱۰ سال است ادامه دارد، مضافاً به اینکه گردش و عملیات حداقل ۵ حساب از ۶ حساب جاری بالا تقریباً منحصر به این نقل و انتقالات بوده و کارکرد دیگری ندارند. بنظر اینجانبان لازم است رسیدگی به عمل آید تا چنانچه آقای هژبر یزدانی در سایر شعب بانک ملی نیز که حساب جاری دارد به

این طریق نقل و انتقالاتی صورت داده و با پول بانک سازی می‌کند از ادامه آن جلوگیری به عمل آید. در مورد مجوز بدهکاری حساب جاری ۷۰۷۳ آقای هژبر یزدانی آن هم به مبالغ زیاد و بطور مستمر که در سطور بالا به استحضار رسید و همچنین انجام این عملیات که روزانه یک یا چند حساب از ۶ فقره حساب جاری را در ابتدای روز به نفع آقای هژبر یزدانی بدهکار نموده و سپس معادل مبلغ چکهای صادره

-۴-

به عاقله بازرس مکتوب می‌گردد - بنا بر این باین جهت ملاحظات آقای حیدری زنگنه پاسخ داده و پاسخ های آقای حیدری زنگنه معانی ریالی شعبه به ملاحظات بازرس بدین طرز مکتوب و تالیف کننده نیست و باید نسبت به ادامه عدت او در پست فعلی تجدید نظر بعمل آید :

۱- بررسی چکهای صادره مبنی بر حساب جاری ۷۰۷۳ آقای هژبر یزدانی نشان میدهد که چکهای مزبور را آقای حیدری زنگنه معانی شعبه باستاندا موجود حساب پس انداز چکهای بانکی مشتری دستور پرداخت داده اند . در صورتیکه همانطوریکه با استحضار رسید اقلام بستانکاری که حساب مشتری منظور گردیده و تکلیف پرداخت این چکها را تعلیف شده و حساب در پایان روز بهای قابل توجهی بدهکار مانده که موجودی حساب پس انداز مشتری نیز فقط برآیند باشد . استثنای از این بدهکار کالی پیسوده . صورتی از چکهای که آقای حیدری زنگنه معانی شعبه ریالی آنها دستور پرداخت صادر نموده در ۱۹ ریز بهر صورت استغراج و مانده بدهکاری حساب و همچنین موجودی حساب پس انداز مشتری در همان روزها قابل آن درج و غی مانده ۲ ملاحظات بشعبه اراکه گردیده - بموجب این صورت حساب مذکور با پرداخت وجه چکهای صادره در پایان روز بدهکار ریالی مانده و همانطوریکه ملاحظه می‌فرمایند این بدهکاری حداقل ۲۲ میلیون و حد اکثر ۳۱۸ ملیون ریال بیش از موجودی حساب پس انداز مشتری بوده و باین ترتیب آقای حیدری زنگنه بدین مبالغ و مبنای دستور پرداخت وجه چکهای صادره موجودی صادر نموده اند .

۲- صرف نظر از مانده بدهکار حساب جاری ۷۰۷۳ در پایان روز این حساب در پیش ریالی باستاندا دستور پرداخت و اضافی آقای زنگنه معانی شعبه بهای کلیسی ریالی در ۱۹ و ۲۲ ملیون ریالی در سال گذشته (بدهکار شده و متعین با مربوط چکهای صادره موجودی را از حساب برداشت و بر خلاف عرف بانک سپهر موجودی کالی پیسوده نموده اند باین ترتیب آقای حیدری زنگنه معانی شعبه برای ایجاد سرعت و سهولت لازم در کار مشتری هیچگاه به مشتری وسیله اقلام بستانکار حساب نشده و برای پرداخت کتب چکهای مشتری که از طرف مشتری صادر و اراکه شده دستور پرداخت صادر نموده و مانده این روز اهمیت بدهکار کردن حسابهای جاری و خطرات احتمالی را در نظر متحدان مربوطه و اکثر کارکنان شعبه حاضر از بین برده و در مدت عدت ۱۹ ساله خود در این شعبه و استمرار طاعتی که مختصراً شرح آن با استحضار رسید با استیفاء از رومه آن شعبه و تعدادی از کارکنان شعبه و به خصوص آئینده که مستحقاً در این مورد حالت داشته

هر حساب متقابلاً از حساب آقای هژبر یزدانی با صدور سند داخلی برداشت و بدهکاری این حسابها را تأمین نموده‌اند طی مواد یک تا سه ملاحظات از شعبه توضیح خواسته شد. آقای رئیس شعبه در جواب ملاحظات نوشته‌اند «بطوری که استحضار دارند امور صندوق زیر نظر مستقیم آقای زنگنه معاون ریالی شعبه که در سالن معاملات شعبه مستقر می‌باشد انجام می‌گیرد، ایشان حضور دارند و پاسخ سؤالات را ذیلاً خواهند داد» که هر چند این پاسخ آقای رئیس شعبه به نوبه خود قابل تأمل است ولی چون بازرسی سایر امور شعبه ادامه دارد،

اظهار نظر در این مورد به خاتمه بازرسی موکول می‌گردد. بنابراین به این قسمت از ملاحظات آقای حیدری زنگنه پاسخ داده‌اند پاسخ‌های آقای محمدتقی حیدری زنگنه معاون ریالی شعبه به ملاحظات بازرسی به دلایل زیر کافی و قانع‌کننده نیست و باید نسبت به ادامه خدمت او در پست فعلی تجدید نظر بعمل آید:

۱- بررسی چکهای صادره عهده حساب جاری ۷۰۷۳ آقای هژبر یزدانی نشان می‌دهد که چکهای مزبور را آقای حیدری زنگنه معاون شعبه به استناد موجودی

به حساب پس‌انداز و چکهای بانکی مشتری دستور پرداخت داده‌اند، در صورتی که همانطوری که به استحضار رسید اقلام بستانکاری که به حساب مشتری منظور گردیده تکافوی پرداخت این چکها را نکرده و حساب در پایان روز به مبالغ قابل توجهی بدهکار مانده که موجودی حساب پس‌انداز مشتری نیز فقط برای پوشاندن قسمتی از این بدهکاری کافی بوده. صورتی از چکهایی که آقای حیدری زنگنه معاون شعبه

-۴-

گردیده بطوریکه درحال حاضر اداره خدمت آنها بدون مراقبت و کنترل خیلی قهقهه به صلحت نیست و بهتر اینست که به واحد های دیگر بانک منتقل گردند.

۳- همانطوریکه من قسمت (ب) این گزارش باستحضار رسیده روزنامه بطور مستمر نقل و انتقالات بطور مثال بین حساب جاری ۷۰۷۳ و ۶ رقم حساب جاری دیگر در شعبه جریان داشته و روزانه بران تاجن وجه چکهای که از حساب های شعبه به حساب جاری ۷۰۷۳ صدور نموده اند مثلاً " علی استاندارد اعلی از حساب جاری ۷۰۷۳ صادر وجه چکهای صادره هر حساب پرداخت و بآن حساب صدور حقهده انجام این صلحت و صدور استاندارد اعلی و یکبار در حساب آنها که مستلزم صرف وقت و انجام کار اضافی و پیچیده ای بران شعبه بوده کلاً سهیل و زهرنگر آقای حیدری زنگنه انجمان میگرفت و بآن ترتیب بانوجه بانک صلحت روزانه حساب جاری ۷۰۷۳ و مراجعه کشور کارخان داران مربوط برای کتب دستور پرداخت چکهای حساب ملحق و چکهای واریز اسیس چکها مثلاً " عهد اعتقالات ذهنی و گزارش روزمره ای بران آقای معافی شعبه ایجاد میگرفته و پرداخت چک از حسابهای شعبه با لا و نگهداری دقیق بدهکار هر حساب تا بعد از سند و تاجن بدی آن هادنیان روزی چند برترتاری فنی بوده و تحت نظر صورت گرفته گزینایان حامل از انجام کلیاتی که روزمره برای رفع و رجوع امور حساب جاری ۷۰۷۳ و ۶ رقم حساب و بجهت بان انجام میداده از امور و عرصت کالسی برای انجام و رسیدگی سایر امور غیره برادر آقای معافی کتانی گذارده باشد و مثلاً " بحث حسن گرفتاریها بوده که در مدت خدمت ۱۶ ساله این شعبه حائز همانطور که خود من پاسخ ملاحظات اظهار داشته نتوانسته از مرخص استعاضاتی محسوب استفاده نماید.

۴- در سال ۱۳۵۲ تذکریات زیر از طرف اداره مرکزی بام آقای حیدری زنگنه صادر شده :

آقای محمدتقی حیدری زنگنه - معاون شعبه شعبه حائز
{ چون طبق رسیدگی که بعمل آمده گفت و سبیل انگار شمارانجام وظائف محمل موجب گردیده بدی سبب از اتمام پرداختهای از حساب جاری شماره ۷۰۷۳ آقای هژبر یزدانی نزد شعبه حائز بعمل آید لذا طبق رای کمیسیون رسیدگی که بتصمیم رسیده بدینوسیله بقدر گذارده حقیقتاً تا زمان انجام وظائف محمل وقت و مراقبت بیشتری محمل دارید. }

محمدتقی

روی آنها دستور پرداخت صادر نموده در ۱۹ روز بطور نمونه استخراج و مانده بدهکاری حساب و همچنین موجودی حساب پس‌انداز مشتری در همان روزها مقابل آن درج و طی ماده ۲ ملاحظات به شعبه ارائه گردید. به موجب این صورت حساب مذکور با برداشت وجه چکهای صادره در پایان روز بدهکار باقی مانده و همانطوری که ملاحظه می‌فرمایند این بدهکاری حداقل ۷۶ میلیون و حداکثر ۳۱۸ میلیون ریال بیش از موجودی حساب پس‌انداز مشتری بوده و به این ترتیب آقای حیدری زنگنه بدون مأخذ و مبنا دستور پرداخت روی چکهای

۲- صرف نظر از مانده بدهکار حساب جاری ۷۰۷۳ در پایان روز این حساب در طی روز باستناد دستور پرداخت و امضای آقای زنگنه معاون شعبه به مبلغ خیلی زیادتری (تادو میلیارد و ۵۸۷ میلیون ریال در سال گذشته) بدهکار شده و متصدیان مربوط چکهای فاقد موجودی را از حساب برداشت و برخلاف عرف بانک به مهر موجودی کافی نیز ممهور نموده‌اند به این ترتیب آقای معاون شعبه برای ایجاد سرعت و سهولت لازم در کار مشتری هیچگاه منتظر وصول ارقام

- ۵ -

حسابخانه چنانچه ملاحظه میفرمایند مدور دگرگانه نین میتر واقع نگردد به و به یکی کس
 نتیجه با ورس قسمه نشان چه مد آلی حیدری رنگه باید نگردد بر حساب جاری ۱۱۱۱
 بطوریکه به حساب جاری ۱۱۱۱ و در زمانیکه به حساب جاری ۱۱۱۱ به حساب جاری ۱۱۱۱
 اینکار را یکی ناید کرده و احتیاجات که داشته عود را نگارند .
 مدور به برادر بالا نرسید به حساب جاری مفاد که در یک آلی
 مستحق حیدری رنگه معانی شصه و در تاریخ ۱۳۲۲/۲/۲۳ بشماره در بابت یک فقره چک
 قصین شده مبلغ مبلغ ملی نال آلی حاضر یک فقره چک میده حساب جاری خود
 بمال مبلغ مازاد میده . هجی ملک مدور چک نقد ۱۳۲۲/۲/۲۳ نال در حساب موجودی
 داشته وجه آلی بطریق زیر تاسین موده است :

موجودی حساب	۱۸۰۰۲۳۱
وجه نقد	۲۲۰۰۰۰۰
چک از حساب ۱۱۱۱ آلی در حساب مشتری ۱۱۱۱	۱۰۰۰۰۰۰۰
وجه از حساب پس انداز سوزان رنگه	۲۲۰۰۰۰۰
اصل و بهره سیده ثابت	۲۲۰۰۰۰۰
جمع	۱۸۰۰۲۳۱
به دگر حساب	۱۱۱۱۲۳۰
۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰

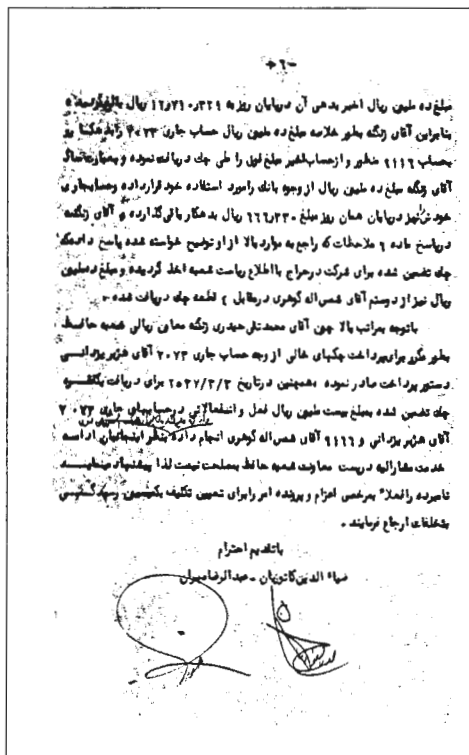
حسابخانه ملاحظه میفرمایند آلی رنگه برای تاسین . تاسین نال وجه چک مازاد
 یک فقره چک به مبلغ مدور طبعی نال از آلی قصین آلی کچر صاحب حساب جاری ۱۱۱۱
 در بابت موده و چنانکه استعلام دارند حساب جاری ۱۱۱۱ از جمله ۲ فقره حساب است
 که هر حسابات آن "خایلا" گذشت و به صحتی آلی طی جبهایشان کار بدهنده افتتاح
 گردیده . "صفا" حساب ۱۱۱۱ مافه موجودی بر تاسین چک مدور طبعی نالی موده کسه
 در وجه آلی رنگه مازاد میده بنابراین رنگه چک از از حساب میده در بابت و "خسبا"
 در وجه آلی به دگر موده و سپس بر تاسین نالی به این صاحب الصحتی باستفراغی
 از حساب ۱۱۱۱ آلی هجری بر تاسین مبلغ مدور طبعی نال بر بابت و به حساب ۱۱۱۱ بطریق
 موده که چون حساب ۲۰۲۲ نیز "خایلا" ۲۲۲۲۲۲۲۲ نال به دگر موده و به افتتاحی

۵

۳- همانطوری که ضمن قسمت «ب» این گزارش به استحضار رسید روزانه و بطور مستمر نقل و انتقالاتی بطور متقابل بین حساب جاری ۷۰۷۳ و ۶ فقره حساب جاری دیگر در شعبه جریان داشته و روزانه برای تأمین وجه چکهایی که از حساب‌های ششگانه به حساب جاری ۷۰۷۳ منظور می‌نموده‌اند متقابلاً طی

اسناد داخلی از حساب جاری ۷۰۷۳ معادل وجه چکهای صادره هر حساب برداشت و به آن حساب منظور می شده انجام این عملیات و صدور اسناد داخلی و نگهداری حساب آنها که مستلزم صرف وقت و انجام کارهای اضافی و بیهوده‌ای برای شعبه بوده کلاً وسیله و زیر نظر آقای حیدری زنگنه انجام می گرفته و به این ترتیب با توجه به اینکه عملیات روزانه حساب جاری ۷۰۷۳ و مراجعه مکرر کارمندان مربوط برای کسب دستور پرداخت چکهای حساب مزبور و چگونگی واریز این چکها مسلماً خود اشتغالات ذهنی و گرفتاری

روزمراهی برای آقای معاون شعبه ایجاد می کرده، برداشت چک از حسابهای ششگانه بالا و نگهداری دقیق بدهکاری هر حساب تا صدور سند و تأمین بدهی آنها در پایان روز نیز مزید برگرفتاری قبلی بوده و نمی توان تصور کرد که گرفتاریهای حاصل از انجام کلیه عملیاتی که روزمره برای رفع و رجوع امور حساب جاری ۷۰۷۳ و ۶ فقره حساب وابسته به آن انجام می شده آرامش و فرصت کافی برای انجام



رسیدگی به سایر امور شعبه برای آقای معاون شعبه باقی گذارده باشد و مسلماً به علت همین گرفتاریها بوده که در مدت خدمت ۱۶ ساله اش در شعبه حافظ همانطور که خودش ضمن پاسخ ملاحظات اظهار داشته نتوانسته از مرخصی استحقاقی خود استفاده نماید.

۴- در سال ۱۳۵۲ تذکرنامه زیر از طرف اداره مرکزی به نام آقای حیدری زنگنه صادر شده:

آقای محمدتقی حیدری زنگنه - معاون شعبه حافظ

«چون طبق رسیدگی که به عمل آمده غفلت و سهل انگاری شما در انجام وظائف محول موجب گردیده بدون مجوز اضافه برداشتهایی از حساب جاری شماره ۷۰۷۲ آقای هژبر یزدانی نزد شعبه حافظ به عمل آید لذا طبق رأی کمیسیون رسیدگی که به تصویب رسیده بدینوسیله به شما تذکر داده می شود تا در انجام وظائف محول دقت و مراقبت بیشتری معمول دارید» متأسفانه چنانچه ملاحظه می فرمایند صدور تذکر نامه فوق مؤثر واقع نگردیده و بطوری که نتیجه بازرسی شعبه نشان می دهد آقای حیدری زنگنه با بدهکار نمودن حساب جاری ۷۰۷۳ بطور مکرر و به مبالغ بسیار زیاد و در حالی که وثیقه یا مجوزی نیز در اختیار نداشته خطرات انجام این کار را به کلی نادیده گرفته و اشتباهات گذشته خود را تکرار نموده.

۵- علاوه بر موارد بالا ضمن رسیدگی به حسابهای جاری مشاهده گردید که آقای محمدتقی حیدری زنگنه معاون شعبه در تاریخ ۲۵۳۷/۳/۳ به منظور دریافت یک فقره چک تضمین شده به مبلغ بیست میلیون ریال از شعبه حافظ یک فقره چک عهده حساب جاری خود به همان مبلغ صادر نموده، چون هنگام صدور چک فقط ۱۸۰/۷۳۱ ریال در حساب موجودی داشته وجه آن را بطریق زیر تأمین نموده است:

موجودی حساب	۱۸۰/۲۳۱
وجه نقد	۲/۲۰۰/۰۰۰
چک از حساب ۹۱۱۶ آقای شمس اله گوهری	۱۰/۰۰۰/۰۰۰
وجه از حساب پس انداز سوزان زنگنه	۴/۷۰۰/۰۰۰
اصل و بهره سپرده ثابت	۲/۲۵۲/۹۳۹
جمع	۱۹/۳۳۳/۶۷۰
	۶۶۶/۳۳۰
ریال	۲۰/۰۰۰/۰۰۰

همانطوری که ملاحظه می فرمایند آقای زنگنه برای تأمین ۲۰ میلیون ریال وجه چک صادره یک فقره چک به مبلغ ده میلیون ریال از آقای شمس اله گوهری صاحب حساب جاری ۹۱۱۶ دریافت نموده و چنانکه استحضار دارند حساب جاری ۹۱۱۶ از جمله ۶ فقره حسابی است که شرح عملیات آن ها قبلاً گذشت و به معرفی آقای علی جهانشاهی کارمند شعبه افتتاح گردیده. ضمناً حساب ۹۱۱۶ فاقد موجودی برای تأمین چک ده میلیون ریالی بوده که در وجه آقای زنگنه صادر شده بنابراین آقای زنگنه چک را از حساب مزبور دریافت و این حساب را بدهکار نموده و سپس برای تأمین بدهی این حساب حسبالمعمول با سند داخلی از حساب ۷۰۷۳ آقای هژبر یزدانی مبلغ ده میلیون ریال برداشت و به حساب ۹۱۱۶ منظور نموده که چون حساب ۷۰۷۳ نیز قبلاً ۲/۷۱۰/۳۲۹ ریال بدهکار بوده یا انتقال مبلغ ده میلیون ریال اخیر بدهی آن در پایان روز ۱۲/۷۱۰/۳۲۹ ریال بالغ گردیده بنابراین آقای زنگنه

بطور خلاصه مبلغ ده میلیون ریال حساب جاری ۷۰۷۳ را بدهکار و آقای زنگنه مبلغ ده میلیون ریال از وجوه بانک را مورد استفاده خود قرار داده و حساب جاری خودش را نیز در پایان همان روز مبلغ ۶۶۶/۲۳۰ ریال بدهکار باقی گذارده و آقای زنگنه در پاسخ ماده ۶ ملاحظات که راجع به موارد بالا از او توضیح خواسته شده پاسخ داده که چک تضمین شده برای شرکت در حراج با اطلاع ریاست شعبه اخذ گردیده و مبلغ ده میلیون ریال نیز از دوستم آقای شمس‌اله گوهری در مقابل ۴ قطعه چک دریافت شده.

با توجه به مراتب بالا چون آقای محمدتقی حیدری زنگنه معاون ریالی شعبه حافظ بطور مکرر برای پرداخت چکهای خالی از وجه حساب جاری ۷۰۷۳ آقای هژبر یزدانی دستور پرداخت صادر نموده، همچنین در تاریخ ۲۵۳۷/۳/۳ برای دریافت یک فقره چک تضمین شده به مبلغ بیست میلیون ریال فعل و انفعالاتی در حسابهای جاری ۷۰۷۳ آقای هژبر یزدانی و ۹۱۶۶ آقای شمس‌اله گوهری انجام داده و از ده میلیون ریال پول چک استفاده نموده به نظر اینجانبان ادامه خدمت مشارالیه در پست معاونت شعبه حافظ به مصلحت نیست لذا پیشنهاد می‌نماید نامبرده را فعلاً به مرخصی اعزام و پرونده امر را برای تعیین تکلیف به کمیسیون رسیدگی به تخلفات ارجاع فرمایند.

با تقدیم احترام

ضیاءالدین کاتوزیان^۱ - عبدالرضا مهران

۱- ضیاءالدین کاتوزیان فرزند جعفر در سال ۱۳۰۳ ش در تهران بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا دیپلم متوسطه از دبیرستان پهلوی ادامه داد و به استخدام بانک ملی در آمد. از حیث سیاسی طرفدار سیاست غرب و رژیم پهلوی و عضو حزب رستاخیز بوده است.
- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

تاریخ: ۳۷/۴/۱۵

به: مدیریت کل اداره دوم ۲۲۲

شماره: ۳۴۲/۹۳۶

از: اداره کل سوم ۳۴۲

در باره: هژیر یزدانی

عطف به گزارش خبر شماره ۲۲۲/۱۹۸۹۹ - ۳۷/۳/۱

خواهشمند است دستور فرمایید اعلام دارند گزارش خبر معطوفی قبلاً از طریق آن اداره کل به استحضار تیمسار ریاست ساواک رسیده است یا خیر.

مدیر کل اداره سوم. ثابتی

از طرف

۴/۱۵

همراز ۳۷/۴/۱۵

شماره: ۳۴۲/۹۳۶	تاریخ: ۳۷/۴/۱۵	پوست: ۳۴۲/۹۳۶	به: مدیریت کل اداره دوم ۲۲۲	از: اداره کل سوم ۳۴۲
در باره: هژیر یزدانی عطف به گزارش خبر شماره ۲۲۲/۱۹۸۹۹ - ۳۷/۳/۱ خواهشمند است دستور فرمایید اعلام دارند گزارش خبر معطوفی قبلاً از طریق آن اداره کل به استحضار تیمسار ریاست ساواک رسیده است یا خیر. مدیر کل اداره سوم. ثابتی از طرف ۴/۱۵				
۳۷/۴/۱۵				
۵۲-۲۵۷				

مراتب مندرج در گزارش خبری شماره ۲۲۲/۱۹۸۹۹ - ۳۷/۳/۱ از عرض
تیمسار ریاست ساواک نگذشته است مراتب جهت اطلاع.

[illegible]

درباره : هژبر یزدانی

گزارش

محترماً بہ استحضار می‌رساند :

همانطور که مقرر فرموده بودند، نامبرده بالا احضار و ضمن برشماری موارد متعددی از اعمال و گفتار مشارالیه که سبب بروز ناراحتی‌هایی در مملکت و مسائل امنیتی شده، به وی تاکید شد که از رفتن به سمنان خودداری کند. نامبرده

در همان جلسه مسائلی پیرامون خدمات عمرانی و تولیدی و اقتصادی خود بیان داشت و قول داد که فعلاً از رفتن به سمنان و سنگسر خودداری نماید. ضمناً مشارالیه مدعی شد که مواردی که درباره او گفته می شود بطور عمدۀ ناشی از دشمنی آقای علومی استاندار سمنان با وی می باشد و در این زمینه مطالبه بیان داشت.

نامبرده در تاریخ ۳۷/۴/۳۱
تلفنی تماس گرفت و اظهار
نمود که یک هیئت بازرسی

برای رسیدگی به کارها و مسائل جاری عازم سمنان می‌باشد. ضمناً استاندار سمنان برخلاف قولی که قبلاً داده از در اختیار گذاردن چاه آب «لیتو» امتناع کرده و بعلاوه شخصاً (یزدانی) در سنگسر گرفتاریهایی دارم، از جمله رسیدگی به امور ساختمانهای متعددی که در سنگسر در دست ساختمان است و درباره ممنوعیت سفر خود به سمنان و مسائلی که درباره‌ام گفته شده از طریق مقتضی مراتب به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسیده ولی اوامری نفرموده‌اند، علی‌الایجاد به دلیل اینکه مسافرت به سنگسر ضرورت دارد، بدون آنکه به

سمنان بروم روز پنجشنبه همین هفته (۳۷/۵/۵) یک سفری به سنگسر خواهم کرد و پس از چند ساعت رسیدگی به امور جاری به تهران مراجعت خواهم نمود. بار دیگر به وی تاکید شد که از رفتن به سمنان و سنگسر همانطور که گفته شده، خودداری کند. اما او با تاکید بر اینکه کارهای ضروری در محل دارد، اظهار نمود که اگر به محل نرود زیانهای هنگفتی متحمل خواهد شد. مراتب جهت استحضار و صدور اوامر مقتضی بعرض می‌رسد. از طرف رئیس اداره یکم عملیات و بررسی. عطاریور

۳۷/۵/۱

مدیرکل اداره سوم. ثابتی

بعرض رسید

آقای فریدی به هژبر یزدانی از

طرف آقای عطاریور تلفن و

بگویند همانطوری که گفته‌اید به

سنگسر بروید ولی تظاهر نکنید به

زیان شما تمام می‌شود. سابقه را

بعداً به اداره چهارم بدهید.

۳۷/۵/۴

اوامر به یاد شده ابلاغ گردید.

تشکر نمود و اظهار داشت امکان

هم دارد که نرود. در اجرای اوامر

سابقه عیناً به استحضار ریاست

اداره چهارم عملیات و بررسی

برسد. فریدی ۳۷/۵/۴

(۲)

به سنگسر می‌آیم که هم‌اکنون در راه است و به محض رسیدن به تهران مراجعت خواهم نمود.

بار دیگر به وی تاکید شد که از رفتن به سمنان و سنگسر همانطور که گفته شده، خودداری کند. اما او با تاکید بر اینکه کارهای ضروری در محل دارد، اظهار نمود که اگر به محل نرود زیانهای هنگفتی متحمل خواهد شد. مراتب جهت استحضار و صدور اوامر مقتضی بعرض می‌رسد. ج

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی. عطاریور

مدیرکل اداره سوم. ثابتی

آقای فریدی به هژبر یزدانی از طرف آقای عطاریور تلفن و بگویند همانطوری که گفته‌اید به سنگسر بروید ولی تظاهر نکنید به زیان شما تمام می‌شود. سابقه را بعداً به اداره چهارم بدهید.

۳۷/۵/۴

اوامر به یاد شده ابلاغ گردید. تشکر نمود و اظهار داشت امکان هم دارد که نرود. در اجرای اوامر سابقه عیناً به استحضار ریاست اداره چهارم عملیات و بررسی برسد. فریدی ۳۷/۵/۴

به: ۳۴۲

تاریخ: ۳۷/۵/۴

از: ۲۲۲

شماره: ۲۲۲/۲۰۰۶۳

موضوع: هژبر یزدانی

هژبر یزدانی با تبانی با شخصی به نام حیدری زنگنه (معاون شعبه بانک ملی حافظ) بالغ بر یکصد میلیون تومان از بانک مزبور اخذ اعتبار نموده که مرتباً از این اعتبار استفاده می نماید و در پایان هر ماه با سفته بازی و دادن چکهای

بلامحل با همکاری حیدری زنگنه ترتیبی می دهد اعتبار مزبور در بانک تأمین گردد. ضمناً گفته شده که هژبر یزدانی ماهیانه مبلغ یکصد هزار تومان به حیدری زنگنه پرداخت می نماید همچنین هژبر خانه ای را که در خیابان امیریه - پل امیربهرادر واقع و متعلق به حیدری زنگنه بوده با قیمتی خیلی گرانتر از نرخ روز از حیدری زنگنه خریداری نموده است.

بعرض تیمسار ریاست ساواک

رسید - تاریخ ۳۷/۵/۱۰

غیرمستقیم تحقیق شود ۵/۹

محترماً از نظر استحضار بعرض می رسد

همراز ۳۷/۵/۵

رضائی ۲۵۳۷/۵/۵

تاریخ: ۳۷/۵/۴
شماره: ۲۲۲/۲۰۰۶۳

موضوع: هژبر یزدانی

معاون شعبه بانک ملی حافظ (معاون شعبه بانک ملی حافظ) بالغ بر یکصد میلیون تومان از بانک مزبور اخذ اعتبار نموده که مرتباً از این اعتبار استفاده می نماید و در پایان هر ماه با سفته بازی و دادن چکهای

بلامحل با همکاری حیدری زنگنه ترتیبی می دهد اعتبار مزبور در بانک تأمین گردد. ضمناً گفته شده که هژبر یزدانی ماهیانه مبلغ یکصد هزار تومان به حیدری زنگنه پرداخت می نماید همچنین هژبر خانه ای را که در خیابان امیریه - پل امیربهرادر واقع و متعلق به حیدری زنگنه بوده با قیمتی خیلی گرانتر از نرخ روز از حیدری زنگنه خریداری نموده است.

بعرض تیمسار ریاست ساواک

رسید - تاریخ ۳۷/۵/۱۰

غیرمستقیم تحقیق شود ۵/۹

محترماً از نظر استحضار بعرض می رسد

همراز ۳۷/۵/۵

رضائی ۲۵۳۷/۵/۵

به: ۳۴۲

تاریخ: ۳۷/۵/۸

از: ۲۲۲

شماره: ۲۲۲/۲۰۰۸۷

موضوع: هژبر یزدانی

پیرو: ۳۷/۵/۴-۲۲۲/۲۰۰۶۳

منبع اظهار نموده که موضوع پیروی فوق متأسفانه صحت داشته و در تحقیقاتی که به عمل آمده حیدری زنگنه معاون بانک ملی شعبه حافظ ماهیانه مبلغ دو میلیون ریال از هژبر دریافت می‌نموده که مراتب از طریق بانک ملی مورد رسیدگی واقع و نامبردگان در فوق تحت تعقیب قانونی قرار گرفته‌اند.

محترماً با عنایت به اینکه طی شماره پیروی مفاد خبر تأیید گردیده جهت استحضار بعرض می‌رسد.

همراز ۳۷/۵/۹

رضائی ۲۵۳۷/۵/۱۰

از طریق اداره کل نهم تحقیق شود پرونده به کجا انجامیده و جزئیات مآجرا چه بوده است. ۳۷/۵/۱۱

ردیف	شرح	تاریخ	مبلغ
۱	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۲	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۳	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۴	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۵	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۶	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۷	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۸	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۹	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۱۰	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۱۱	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰
۱۲	مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	۳۷/۵/۸	۲۰۰۰۰۰۰

موضوع: هژبر یزدانی - پیرو: ۳۷/۵/۴-۲۲۲/۲۰۰۶۳

منبع اظهار نموده که موضوع پیرو فوق متأسفانه صحت داشته و در تحقیقاتی که به عمل آمده حیدری زنگنه معاون بانک ملی شعبه حافظ ماهیانه مبلغ دو میلیون ریال از هژبر دریافت می‌نموده که مراتب از طریق بانک ملی مورد رسیدگی واقع و نامبردگان در فوق تحت تعقیب قانونی قرار گرفته‌اند.

رضائی ۲۵۳۷/۵/۱۰

۳۷/۵/۱۱

۳۴۲

تاریخ: ۳۷/۵/۴

گزارش

هژبر یزدانی

منظور: اقدامات نامبرده بالا در مورد اخذ وجه از بانکها

سابقه: برابر اعلام اداره کل دوم

۱- بانک مرکزی ایران بر مبنای حسابرسی های معموله در زمینه موقعیت مالی و همچنین بدهکاری و بستانکاری هژبر یزدانی به بانکها، گزارشی را برای وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه نموده که احتمالاً از طریق وزارتخانه مزبور به شرف

عرض پیشگاه مبارک
اعلیحضرت همایون شاهنشاه
آریامهر رسیده است.

۲- بانک مرکزی ایران یادآور
شده با اقداماتی که به عمل
آمده قرار شده است در
کوتاهترین مدت از طریق
بورس سهام تهران، سهام
متعلق به مشارالیه به عموم
مردم عرضه شود و وجوه
حاصله از فروش این سهام
بابت بدهی او محسوب گردد.

۳- با توجه به اقداماتی که در
این زمینه از طرف بانک
مرکزی صورت گرفته به نظر
می رسد نامبرده با اعمال

تجلیبی: ۳۷/۵/۴

۲۱۲
تاریخ

هژبر یزدانی

اقدامات نامبرده بالا در مورد اخذ وجه از بانکها.
برابر اعلام اداره کل دوم.

۱- بانک مرکزی ایران بر مبنای حسابرسی های معموله در زمینه موقعیت مالی و همچنین بدهکاری و بستانکاری هژبر یزدانی به بانکها، گزارشی را برای وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه نموده که احتمالاً از طریق وزارتخانه مزبور به شرف عرض پیشگاه مبارک
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر رسیده است.

۲- بانک مرکزی ایران یادآور شده با اقداماتی که به عمل آمده قرار شده است در کوتاهترین مدت از طریق بورس سهام تهران، سهام متعلق به مشارالیه به عموم مردم عرضه شود و وجوه حاصله از فروش این سهام بابت بدهی او محسوب گردد.

۳- با توجه به اقداماتی که در این زمینه از طرف بانک مرکزی صورت گرفته به نظر می رسد نامبرده با اعمال

مراتب جهت استحضار بخیر می رسد.

و سر

۳۷/۵/۴

هژبر یزدانی

۳۷/۵/۴

نفوذ و اقداماتی از قبیل تطمیع و فریب کارمندان بانکها خارج از مقررات بانکی اقدام به اخذ وجوه مورد نظر را از بانکها نموده باشد.

مراتب جهت استحضار بعرض می رسد. آقای نوروزی ۳۷/۵/۲ همراز ۳۷/۵/۴ محترماً به استحضار می رساند در مکاتبه ای که با اداره کل دوم صورت گرفته مشخص گردیده این خبر از طریق آن اداره کل بعرض تیمسار ریاست ساواک نرسیده است.

این خلاصه گزارش حاوی مطلبی تازه و مهم نیست. ملاحظه شد ۳۷/۵/۷

رئیس اداره چهارم عملیات و بررسی شود ۲۵۳۷/۵/۴ ۵/۵

گفتند :

۳۷/۵/۹

۱- ناصر مقدم فرزند یعقوب ،

تحصیلات نظامی را در

دانشکده افسری و دانشگاه

جنگ و فرماندهی عالی ستاد

مشترک به پایان رسانده و

علاوه بر تحصیلات نظامی، در

رشته حقوق قضایی از دانشگاه

تهران فارغ التحصیل شد. وی

مشاغلی چون فرماندهی

یگانهای مختلف رزمی و

پشتیبانی در ارتش و ریاست

اداره دوم ستاد بزرگ

ارتشتاران را به عهده داشت و

از افسران مورد پسند و توجه

«حسین فردوست» بوده و مدتی

در دفتر ویژه اطلاعات به

ریاست فردوست اشتغال به کار

داشته و در سال ۱۳۴۰ به

ساواک منتقل و به مقام ریاست

اداره کل سوم امنیت داخلی

منصوب شده و خانه های امن

ساواک در زمان او طرح ریزی

شده است. حسین فردوست در

ارتباط با دست پرورده های

خود چنین می نویسد :

«مقدم توانست در وضع اداره

دوم ارتش تحولی ایجاد کند،

همان طور که قبلاً اداره کل سوم

ساواک را بازرسی کرد. تا آن

زمان مقدم فردی متواضع و

درویش مسلک بود و به همین

دلیل در کنار من جزء چهره های

خوشنام و سازنده تلقی می شد.

ولی در اداره روحیات مقدم

تغییر عجیبی پیدا کرد و او به

فردی تجمل پرست تبدیل شد.

نمونه آن جشن عروسی پسرش

و مسافرت به آمریکا و چند

تماس با اعضای سفارت آمریکا

و چند مستشار آمریکایی همراه

با وعده هایی برای آتی، چنین

تغییری در مقدم به وجود

آورد.» مقدم تا درجه سپهبدی

رسید و محمدرضا به علت

آقای ناصر اولیائی به آقای هژبر یزدانی قول داده است دست او را در دست تیمسار مقدم^۱ خواهد گذارد و آقای هژبر یزدانی او را به جای مرحوم دکتر نصیری به عضویت هیئت مدیره بانک ایرانیان در جمع بهائیان در آورده، البته گفته شد ایشان ماهیانه ۳۰۰/۰۰۰ ریال از آقای هژبر حقوق دریافت می کند.

روزنامه تقدیم است.

اداره کل ۳

بهره برداری شود ۳۷/۵/۱۰

اداره چهارم

در پرونده هژبر یزدانی و ناصر

اولیائی شیرازی منعکس شود.

۳۷/۵/۱۰

۲۲/۵/۹

گفتند :

آقای ناصر اولیائی به آقای هژبر یزدانی قول داده است دست او را در دست تیمسار مقدم^۱ خواهد گذارد و آقای هژبر یزدانی او را به جای مرحوم دکتر نصیری به عضویت هیئت مدیره بانک ایرانیان در جمع بهائیان در آورده، البته گفته شد ایشان ماهیانه ۳۰۰/۰۰۰ ریال از آقای هژبر حقوق دریافت می کند.

روزنامه تقدیم است.

اولیائی

بهره برداری شود
۳۷/۵/۱۰

در پرونده هژبر یزدانی و ناصر
اولیائی شیرازی منعکس شود
۳۷/۵/۱۰

۲۴۱

هیئت مدیره محترم بانک صادرات و معادن ایران

با تقدیم سلام، توجه آقایان را به دو مسئله ذیل و پاسخ به آن معطوف می‌دارد:

الف - چنانکه می‌دانید در ماههای اخیر جامعه اسلامی ایران مستحضر شدند شخصی به نام «هژیر یزدانی» (که شایع است از اعضای فعال فرقه بهائیت می‌باشد) به کیفیتی توانست مقادیری از سهام بانک صادرات را بنام حقیقی و حقوقی خود

(و یا هیئت امنای بهائیت)

خریداری نماید و طبقاً در

منافع بانک دیسهم شود،

مقابلاً مسلمین برای

اجتناب از سودرسانی به

بهائیگری، بر حسب دستور

مراجع دینی مکلف شدند تا

زمانی که فرد مذکور در

بانک صادرات سهامی دارد

با این بانک حتی المقدور کار

نکنند و قطع رابطه نمایند. و

مستحضر همستید مردم

مسلمان (با همه تسهیلاتی

که در بانک صادرات از

لحاظ کثرت شعبه و غیره

بیشتر فراهم است) چه مقدار

هیئت مدیره محترم بانک صادرات و معادن ایران
با تقدیم سلام و توجه آقایان را به دو مسئله ذیل و پاسخ به آن معطوف می‌دارد:
الف - چنانکه می‌دانید در ماههای اخیر جامعه اسلامی ایران مستحضر شدند شخصی بنام «هژیر یزدانی» (که شایع است از اعضای فعال فرقه بهائیت می‌باشد) به کیفیتی توانست مقادیری از سهام بانک صادرات را بنام حقیقی و حقوقی خود (و یا هیئت امنای بهائیت) خریداری نماید و طبقاً در منافع بانک دیسهم شود، مقابلاً مسلمین برای اجتناب از سودرسانی به بهائیگری، بر حسب دستور مراجع دینی مکلف شدند تا زمانی که فرد مذکور در بانک صادرات سهامی دارد با این بانک حتی المقدور کار نکنند و قطع رابطه نمایند. و مستحضر همستید مردم مسلمان (با همه تسهیلاتی که در بانک صادرات از لحاظ کثرت شعبه و غیره بیشتر فراهم است) چه مقدار از این بانک کناره گرفتند. سرانجام بانک اعلام نمود که چیزی به فروش سهام این شخص از طریق خود گردان تا نامبرده در بانک صادرات دیسهم نباشد.
ب - اینکه مراجع و مقامات دینی بر حسب وظیفه شرعی این امر را از هر جهت مستحب نموده و اطلاع دارند ولی با توجه به نظرسنجی‌های فکری جامعه مراجع دینی (و نه ائمه) تم گزینستند تا یوماً نسبتاً در نظر گرفتن مسئولیت‌های اخلاقی و شرعی برای استحضار مراجع دینی و جامعیت نتیجه اسراراً به شرح صریح و اطمینان بخشی اعلام دارد که باطل است و مردم پرسند:
۱ - فلسفی از کارهای بانکی که برای راجع برده و پیرو و با است که با احکام و اصول اسلام مغایر دارد از سرنوشت جامعه اسلامی تأثیر است امروز با اسراراً با یک اسنادی داشته باشد که پس اساساً نظام اسلام بی‌بازرسی شده باشد. بانک صادرات (پس از رخ حادثه اخیر که تولا شرح داده شد) چون نسبت به سایر بانکها بیشتر در سرنوشت جامعه و ارتباط با مردم است و توانست با تعلیق دادن خود به نظام اسلام نخستین بانک جامعه اسلامی در ایران شود و در این امر پیغام شده اعتبار و حیثیتی بی نظیر کسب کند. این کار با پذیرش شرایط سبکی نظیر:
۱ - تسهیل اجازه تجارت از همه دارندگان حساب‌ها بر اموال سهام و جواهرات و سود تجارت یافته دادن و تمام پیرو را حذف کردن.
۲ - احوال نظام بهائیت تجارت اسلامی در راه‌های باطل.
۳ - یوازی بجای کله بهیسه و فایده را در گرفتن و راضی کردن.
و چند جاده دیگر.....
در این باره با بعضی از مقامات هیئت مدیره «دولتی» که از این امور و خصوصاً شرایط تحول مستوی حاضر و گرفتاری‌های تعیین و پیرو امور که همه قشرها و بخصوص جوانان و زنان جامعه باید به سبب دارد و موجب بی‌اعتمادی است با بانک صادرات در تعلیق بیشتر به نظام اسلام و جامعه خود و معتقدات دینی او همگام شود. با آگاهی خود را به پیوسته برای هر کس که راه‌های و اطمینان و اسیان شدن بانک صادرات اعلام و در این صورت از هرگز نه پشتیبانی اطمینان می‌دهیم

المصنف - جی نسوری
تهران، ۱۳۵۷/۵/۱۰
مهری

حوادث انقلاب اسلامی او را
رئیس ساواک کرد... مقدم
تسانهایی با جبهه ملی گرفت و
سعی کرد انقلاب را مهار کند،
ولی به نتیجه‌ای نرسید. پس از
پیروزی انقلاب اسلامی مقدم
توسط خدمتگزاران انقلاب
دستگیر و روانه زندان گردید.
دادگاه انقلاب اسلامی پس از

ساعتها دادرسی و شور و وی را
مفسد فی الارض و محارب با
خدا شناخت و به اعدام محکوم
نمود و سرانجام در بامداد بیست
دوم فروردین ماه ۱۳۵۸
مردوم گردید.
ر.ک: خاطرات فردوست، ج ۱،
تهران، مؤسسه مطالعات
سیاسی، صص ۴۲۴ تا ۴۲۹
- پرونده انفرادی ساواک

قسمتی از کارهای بانکهای کنونی رایج بر مدار بهره و ربا است که به احکام و اصول اسلام مغایرت دارد از سوئی جامعه اسلامی ناگزیر است امروز یا فردا بانک اسلامی داشته باشد که براساس ضوابط اسلامی پی ریزی شده باشد. بانک صادرات (پس از رفع حادثه اخیر که فوقاً شرح داده شد) چون نسبت به سایر بانکها بیشتر در دسترس جامعه و ارتباط با مردم است می تواند با تطبیق دادن خود به نظام اسلام نخستین بانک جامعه اسلامی در ایران شود و در این امر پیشگام شود، اعتبار و محبوبیتی بی نظیر کسب کند، این کار با پذیرش شرایط سهامی نظیر:

۱- تحصیل اجازه تجارت از همه دارندگان حساب علاوه بر دارندگان سهام و به جای «بهره» سود تجارت به آنها دادن و نام بهره را حذف کردن.

۲- اعمال نظام مضاربه و تجارت اسلامی در کارهای بانکی.

۳- مواردی به جای کلمه بهره کارمزد را ذکر نمودن و اخذ کردن.

و چند ماده دیگر.... کاملاً عملی و میسر است.

در این باره با بعضی از مقامات هیئت مدیره قبلاً مذاکراتی نمودم امروز و بخصوص در شرایط تحول معنوی حاضر و گرایش قابل تحسین و روزافزونی که همه قشرها و بخصوص نسل جوان و روشن جامعه ما به مذهب دارد فرصت بسیار مناسبی است که بانک صادرات در تطبیق بیشتر با نظام اسلام، با جامعه خود و معتقدات دینی او همگام شود. ما آمادگی خود را بدینوسیله برای هرگونه راهنمایی و اسلامی شدن بانک صادرات اعلام و در این صورت از هرگونه پشتیبانی اطمینان می دهیم.

العبد - یحیی نوری

۱۳۵۷/۵/۱۰ هجری شمسی

به : مدیریت کل نهم ۹۲۳

تاریخ: ۳۷/۵/۱۷

از : اداره کل سوم ۳۴۲

شماره: ۳۴۲/۱۳۳۳

درباره : هژبر یزدانی

به فرموده تیمسار ریاست ساواک مقرر است نسبت به مفاد گزارش خبرهای پیوست غیرمستقیم تحقیقات لازم بعمل آید.

خواهشمند است دستور فرمایید در اجرای اوامر صادره اقدامات مقتضی معمول

و نتیجه را به این اداره کل

اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - ثابتی

از طرف

نوری ۳۷/۵/۱۲

رئیس بخش: همراز ۳۷/۵/۱۲

از طرف

۳۴۲/۱۳۳۳
تاریخ: ۳۷/۵/۱۷
پوست: ۳۴۲

۹۲۳
مدیریت کل نهم
ساواک
۳۴۲
اداره کل سوم

درباره: هژبر یزدانی

بفرموده تیمسار ریاست ساواک نسبت به مفاد گزارش خبرهای پیوست غیرمستقیم تحقیقات لازم بعمل آید.

خواهشمند است دستور فرمایید در اجرای اوامر صادره اقدامات مقتضی معمول

و نتیجه را به این اداره کل اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - ثابتی

از طرف

نوری ۳۷/۵/۱۲

رئیس بخش: همراز ۳۷/۵/۱۲

از طرف

۳۷/۵/۱۲

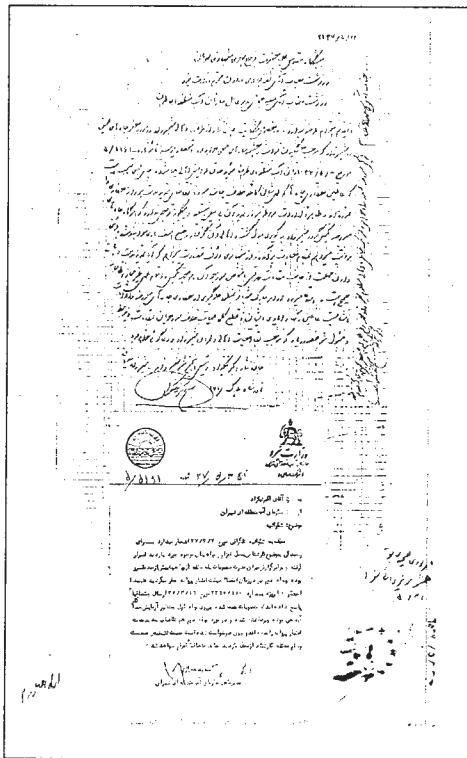
۳۷/۵/۱۲

۲۵۳۷/۵/۲۲

۱- فرح پهلوی : فرح در سال ۱۳۱۷ در یک خانواده متوسط، از یک پدر آذربایجانی و مادر گیلانی در بخارست پایتخت رومانی بدینا آمد. پدر فرح، سهراب دیبا افسر ارتش بود که هنگام تولد فرح برای انجام مأموریتی در رومانی، که در آن زمان رژیم سلطنتی داشت، بسر می‌برد. فرح در کودکی پدر را از دست داد و با مادرش راهی تهران شد. در تهران تحت سرپرستی مادر و با مراقبت و حمایت دانش بزرگ شد. تحصیلات خود را در تهران ابتدا در مدرسه ایتالیاییها (مدرسه خواهران کاتولیک) و سپس مدرسه ژاندارک و دبیرستان رازی به انجام رساند و برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام در رشته معماری مشغول تحصیل شد. ضمن تحصیل، با گروههای دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه، که در آن زمان گرایشهای چپی داشتند محشور گردید. پسر دایی او رضا قطبی هم در میان این دانشجویان بود که با روابط نزدیک بین آن دو بالطبع در گرایش و کشش او به سمت این فعالیتها بی تأثیر نبود. فرح هنگام تحصیل در پاریس، از نظر تأمین هزینه تحصیل و اقامت خود در پاریس در مضیقه بود و تحت تأثیر شرایط محیط زندگی خود و رواج افکار و عقاید کمونیستی در فرانسه آن روز گرایشهای چپی پیدا کرد، به طوری که احسان طبری از رهبران حزب توده بعدها در کتاب «کوزراه» خود نوشت، در حوزهای حزب توده در پاریس نیز حضوری یافت. دوستان او نیز همه گرایشهای چپی داشتند و پسر دایی فرح، رضا قطبی، که

پیشگاه مقدس علیاحضرت فرح پهلوی^۱ شهبانوی مهربان
رونوشت جناب آقای ثقةالاسلامی^۲ معاون وزارت نیرو
رونوشت جناب آقای سعید حجازی مدیرعامل سازمان آب منطقه‌ای تهران

با تقدیم احترام عرضه می‌دارد. در خصوص شکایت جان نثار از طرف اهالی شه میرزاد در مورد حفر چاه‌های عمیق در شه میرزاد که موجب خشکیدن قنوات



و چشمه سارهای محلی خواهد بود به استحضار می‌رسد نامه شماره ۵/۵۱۶۱ مورخ ۳۷/۵/۳ سازمان آب منطقه‌ای تهران مؤید صدق عرایض اهالی می‌باشد. جای بسی تعجب است که عاملین حفاری چاه‌ها که عملشان کاملاً خلاف می‌باشد مجدداً تقاضای تمدید مدت پروانه حفاری را نموده‌اند و ظاهراً از ادارات مربوطه نیز در تمدید آن بی‌میل نیستند و هیچگونه توجهی ندارند که هرگاه چاه‌های معروضه

تکمیل گردد شه میرزاد به کویری مبدل گشته و اهالی آن گرفتار وضع اسفباری خواهند شد با عرض مراتب می‌خواهم به مقام جسارت برآمده و از شهبانوی رؤوف قضاوت می‌خواهم که آیا تمدید مدت و یا دادن مهلت از جانب مقامات دولتی به اشخاص موجود آن هم ضمیمه تکمیل و اتمام عمل غیرمجاز و ظالمانه صحیح است. استدعا می‌رود اوامر مبارک شهبانو به منظور جلوگیری از حفاری چاه‌های معروضه و اقدامات ناشایست عاملین آنها و ایادی ایشان و قطع کلی عملیات خلاف سودجویان به مقامات ذیربط و مسئول شرفصدور یابد که موجب

بقاء حیات اهالی و عمران شه میرزاد و دعاگوئی خواهد بود.

جان‌نثار اکبر نیکزاد^۱ رئیس انجمن شهر شه میرزاد - شه میرزاد میدان نادرشاه
پلاک ۱۷۱/

جناب آقای سپهد مقدم فتوکپی مورخه به منظور دادخواهی و تشریک مساعی از اهالی مظلوم

شه میرزاد و جهت رفع ظلم از اهالی به حضور مبارک تقدیم می‌شود علی اکبر نیکزاد

او هم در پاریس تحصیل می‌کرد
و به گروه‌های چپ پیوسته بود
فرح اولین ملاقات خود را با شاه
در یک مجلس پذیرایی که از
طرف سفارت ایران در پاریس
ترتیب داده شده بود خوب به
خاطر می‌آورد... دو ماه بعد از
این ملاقات فرح برای گذراندن
تعطیلات تابستانی به تهران آمد
و عمویش اسفندیار دیبا که در
آن موقع در دربار کار می‌کرد،
او را برای گرفتن یک بورس
تحصیلی به اردشیر زاهدی
معرفی کرد. اردشیر زاهدی که
در آن موقع داماد شاه بود،
دفتری در دربار داشت و ضمن
سایر کارها به امور دانشجویان
ایرانی در خارج هم رسیدگی
می‌کرد. اردشیر زاهدی از قیافه
و هیکل متناسب و طرز صحبت
این دختر خیلی خوشش آمد و او
را برای همسری شاه مناسب
تشخیص داد. فردای همان روز
شهناز دختر شاه و همسر اردشیر
زاهدی هم فرح را دید و پسندید
و تمام داستان از همین جا آغاز
شد و طی یک ضیافتی که شهناز
و اردشیر برپا کردند وسیله‌ای
بدست آمد تا با هم بیشتر آشنا
شوند و با یکدیگر به گفتگو
پرداختند... و مراسم ازدواج بعد
از ظهر روز دوشنبه ۲۹ آذر ماه
۱۳۳۸ برگزار و در همان شب
مجلس شام و ضیافت باشکوهی
در کاخ گلستان منعقد گردید.
فرح بعد از مرگ شاه هرگز
درباره میزان ثروت و ارنیبه‌ای
که به او رسید سخنی بر زبان
نیاورد ولی با کمترین تخمین،
دارایی او به صدها میلیون دلار
بالغ می‌شود. وی در یک خانه
مجلل در شرق آمریکا زندگی
می‌کند و ویلایی نیز در جنوب
فرانسه دارد ولی غالباً در

آمریکا زندگی می‌کند و سالی یکی دو بار هم برای گردش و تفریح و خرید به فرانسه می‌آید. پسر کوچک فرح علیرضا و دخترانش فرحناز و لیلا با او زندگی می‌کنند، ولی با پسر بزرگش رفت و آمد زیادی ندارد.

رک: طلوعی، محمود، از طاوس تا فرح، ص ۳۴۹-۳۵۶ و ۴۲۴.

- طلوعی، محمود، پدر و پسر،

ص ۶۶۸ و ۷۰۲ و ۷۱۶-۷۹۶.

۲- مهندس مهدی ثقة‌الاسلامی از اعضای جمعیت فراماسونری لژ فارابی بوده است.

- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

۳- اکبر نیکزاد فرزند اسماعیل در سال ۱۲۹۹ ش در شهر یزداد بدنیا آمد. تحصیلات قدیمی داشت و به شغل سقط فروشی روزگار می‌گذراند. وی عضو

انجمن شهر شهمیرزاد و حزب رستاخیز بوده و در مورخه ۱۳۵۷/۱/۲۲ عریضه‌ای مبنی بر تجاوز به مراتع اهالی منطقه شهمیرزاد بر علیه هژبر یزدانی به مقامات مربوطه ارائه نموده است.

- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

به: آقای اکبر نیکزاد

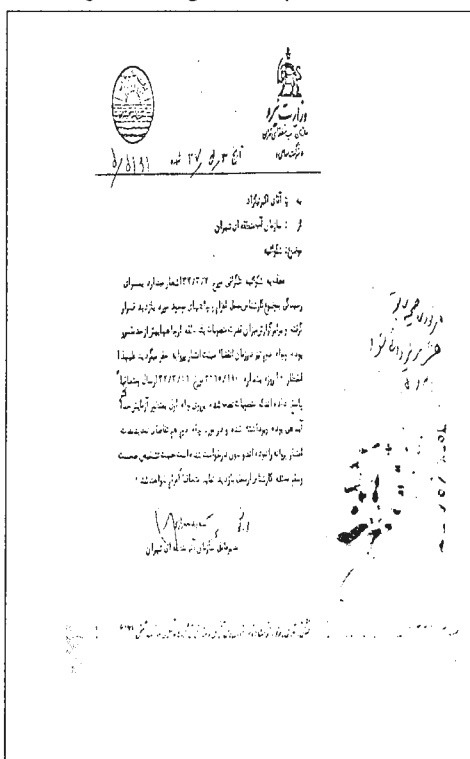
تاریخ: ۳۷/۵/۳

از: سازمان آب منطقه‌ای تهران

شماره: ۵/۵۱۶۱

موضوع: شکوائیه

عطف به شکوائیه تلگرافی مورخ ۳۷/۳/۷ اشعار می‌دارد برای رسیدگی به موضوع کارشناس به عمل اعزام و چاههای موجود مورد بازدید قرار گرفته و برابر گزارش میزان قدرت منصوبات یک حلقه از چاهها بیش از حد مقرر بوده و



شماره ۲۷۳۶/ب/ه

تاریخ: ۳۷/۵/۲۲

هنگامی که غلامرضا استرآبادی مسئول حفاظت اداره آموزش و پرورش بجنورد جهت طی دوره به شهرستانهای نیشابور و شیروان عزیمت نموده شایعاتی در مورد هژبر یزدانی بوده که بشرح زیر بعرض می‌رسد ۱- در شهرستان نیشابور شایع بود هژبر یزدانی کلیه سهام بانک صادرات را خریداری و بعد از جریانات اخیر کلیه سهام را بین اقوام و خویشاوندان خود تقسیم و انتقال داده است. ۲- در شهرستان شیروان پس از اینکه کارخانه قند شیروان را خریداری

نموده عده‌ای از کارکنان و کارمندان کارخانه را اخراج و عده‌ای دیگر که بهائی می‌باشند بجای آنان گمارده است و سکونت آنان در شهرستان شیروان باعث ناراحتی عده‌ای از اهالی شیروان شده است. ۳- در شهرستان بجنورد عده‌ای از چغندرکاران که قرارداد با کارخانه قند شیروان منعقد نموده‌اند سرمایه‌دار بوده و سفته‌های زیادی برای هژبر یزدانی امضاء و هژبر یزدانی از اعتبار آنان پول از بانکها گرفته است ۴- عده‌ای از

ردیف		شرح	
۱	۲۴۴	۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲	۲۴۵	۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳	۲۴۶	۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴	۲۴۷	۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵	۲۴۸	۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶	۲۴۹	۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷	۲۵۰	۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸	۲۵۱	۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹	۲۵۲	۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۰	۲۵۳	۱۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۱	۲۵۴	۱۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۲	۲۵۵	۱۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۳	۲۵۶	۱۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۴	۲۵۷	۱۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۵	۲۵۸	۱۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۶	۲۵۹	۱۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۷	۲۶۰	۱۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۸	۲۶۱	۱۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۹	۲۶۲	۱۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۰	۲۶۳	۲۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۱	۲۶۴	۲۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۲	۲۶۵	۲۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۳	۲۶۶	۲۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۴	۲۶۷	۲۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۵	۲۶۸	۲۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۶	۲۶۹	۲۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۷	۲۷۰	۲۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۸	۲۷۱	۲۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۲۹	۲۷۲	۲۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۰	۲۷۳	۳۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۱	۲۷۴	۳۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۲	۲۷۵	۳۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۳	۲۷۶	۳۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۴	۲۷۷	۳۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۵	۲۷۸	۳۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۶	۲۷۹	۳۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۷	۲۸۰	۳۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۸	۲۸۱	۳۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۳۹	۲۸۲	۳۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۰	۲۸۳	۴۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۱	۲۸۴	۴۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۲	۲۸۵	۴۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۳	۲۸۶	۴۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۴	۲۸۷	۴۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۵	۲۸۸	۴۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۶	۲۸۹	۴۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۷	۲۹۰	۴۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۸	۲۹۱	۴۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۴۹	۲۹۲	۴۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۰	۲۹۳	۵۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۱	۲۹۴	۵۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۲	۲۹۵	۵۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۳	۲۹۶	۵۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۴	۲۹۷	۵۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۵	۲۹۸	۵۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۶	۲۹۹	۵۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۷	۳۰۰	۵۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۸	۳۰۱	۵۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۵۹	۳۰۲	۵۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۰	۳۰۳	۶۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۱	۳۰۴	۶۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۲	۳۰۵	۶۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۳	۳۰۶	۶۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۴	۳۰۷	۶۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۵	۳۰۸	۶۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۶	۳۰۹	۶۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۷	۳۱۰	۶۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۸	۳۱۱	۶۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۶۹	۳۱۲	۶۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۰	۳۱۳	۷۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۱	۳۱۴	۷۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۲	۳۱۵	۷۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۳	۳۱۶	۷۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۴	۳۱۷	۷۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۵	۳۱۸	۷۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۶	۳۱۹	۷۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۷	۳۲۰	۷۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۸	۳۲۱	۷۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۷۹	۳۲۲	۷۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۰	۳۲۳	۸۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۱	۳۲۴	۸۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۲	۳۲۵	۸۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۳	۳۲۶	۸۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۴	۳۲۷	۸۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۵	۳۲۸	۸۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۶	۳۲۹	۸۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۷	۳۳۰	۸۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۸	۳۳۱	۸۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۸۹	۳۳۲	۸۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۰	۳۳۳	۹۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۱	۳۳۴	۹۱- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۲	۳۳۵	۹۲- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۳	۳۳۶	۹۳- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۴	۳۳۷	۹۴- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۵	۳۳۸	۹۵- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۶	۳۳۹	۹۶- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۷	۳۴۰	۹۷- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۸	۳۴۱	۹۸- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۹۹	۳۴۲	۹۹- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲
۱۰۰	۳۴۳	۱۰۰- تاریخ رجوع	۱۳۸۵/۵/۲۲

هنگامی که غلامرضا استرآبادی مسئول حفاظت اداره آموزش و پرورش بجنورد جهت طی دوره به شهرستانهای نیشابور و شیروان عزیمت نموده شایعاتی در مورد هژبر یزدانی بوده که بشرح زیر بعرض می‌رسد ۱- در شهرستان نیشابور شایع بود هژبر یزدانی کلیه سهام بانک صادرات را خریداری و بعد از جریانات اخیر کلیه سهام را بین اقوام و خویشاوندان خود تقسیم و انتقال داده است. ۲- در شهرستان شیروان پس از اینکه کارخانه قند شیروان را خریداری

کشاوریان چغندرکار که محصول سال گذشته خود را به کارخانه فروخته‌اند تاکنون وجهی از طرف کارخانه به آنان پرداخت نشده است.

نظریه شنبه: خبر صحت دارد.

نظریه یکشنبه: شایعات در مورد هژبر یزدانی کاملاً صحت دارد.

نظریه ب/ ۹: در مورد هژبر یزدانی مسئول کارخانه قند شیروان شایعات بدی در زبانها است هم‌اکنون کلیه تابلوهای مزارع چغندر قند را که در روی آن نام هژبر یزدانی نوشته شده بوده است با رنگ سیاه روی آن را سیاه کرده‌اند.

به: ۹/۳۵ (۳۴۳)

تاریخ: ۲۳/۵/۳۷

از: ۹/ق ه (۳۵۹)

شماره: ۳۳۸۲/ق ه

موضوع: محو نام هژیر یزدانی از روی تابلوهای مزارع چغندر قند

عطف ۳۷/۵/۲۸-۳ ه/۹/۱۱۱۲۰

هژیر یزدانی سهام دار عمده کارخانه قند شیروان به رئیس کارخانه دستور داده است که ظرف ۲۴ ساعت اسم وی را از روی تابلوهای مزارع کارخانه در

مشتبه	مشتبه
۱- مشتبه به نام: هژیر یزدانی	۱- مشتبه به نام: هژیر یزدانی
۲- تاریخ گزارش: ۳۷/۵/۲۸	۲- تاریخ گزارش: ۳۷/۵/۲۸
۳- شماره گزارش: ۳۳۸۲/ق ه	۳- شماره گزارش: ۳۳۸۲/ق ه
۴- تاریخ گزارش: ۳۷/۵/۲۸	۴- تاریخ گزارش: ۳۷/۵/۲۸
۵- پیوست: ۱۲ - ملاقات حاشی	۵- پیوست: ۱۲ - ملاقات حاشی
۶- گزارش: ۳۷/۵/۲۸	۶- گزارش: ۳۷/۵/۲۸

موضوع: محو نام هژیر یزدانی از روی تابلوهای مزارع چغندر قند

هژیر یزدانی سهام دار عمده کارخانه قند شیروان به رئیس کارخانه دستور داده است که ظرف ۲۴ ساعت اسم وی را از روی تابلوهای مزارع کارخانه در

مسیر راه از مشهد تا بنجرود

را پاک نماید و این کار

صورت عمل بخود گرفته

است بطوری که رئیس

کارخانه در محفل خصوصی

عنوان نموده است گویا

محسن پز شکپور نماینده

مجلس شورای ملی در

مسافرتش به مشهد که از

جاده کناره عبور می نموده از

تابلوها که با اسم هژیر

یزدانی بوده صورت برداری

و در تهران به این موضوع

اعتراض که در طول ۴۰۰

کیلو متر راه فقط اسم هژیر

یزدانی به چشم می خورد

ضمناً تلفن چی کارخانه اظهار داشته که هژیر یزدانی بازداشت و برای اینکه

مزارع وی از طرف دولت ضبط نشود دستور داده است نام وی را از روی

تابلوها پاک کنند.

نظریه شنبه. نظری ندارد

نظریه یکشنبه. متن خبر صحیح است. شهر

نظریه ۹/ق ه نظریه یکشنبه تأیید می گردد

دایره عملیات ۶/۶

مسیر راه از مشهد تا بنجرود

را پاک نماید و این کار

صورت عمل بخود گرفته

است بطوری که رئیس

کارخانه در محفل خصوصی

عنوان نموده است گویا

محسن پز شکپور نماینده

مجلس شورای ملی در

مسافرتش به مشهد که از

جاده کناره عبور می نموده از

تابلوها که با اسم هژیر

یزدانی بوده صورت برداری

و در تهران به این موضوع

اعتراض که در طول ۴۰۰

کیلو متر راه فقط اسم هژیر

یزدانی به چشم می خورد

ضمناً تلفن چی کارخانه اظهار داشته که هژیر یزدانی بازداشت و برای اینکه

مزارع وی از طرف دولت ضبط نشود دستور داده است نام وی را از روی

تابلوها پاک کنند.

نظریه شنبه. نظری ندارد

نظریه یکشنبه. متن خبر صحیح است. شهر

نظریه ۹/ق ه نظریه یکشنبه تأیید می گردد

دایره عملیات ۶/۶

از: مدیریت کل اداره سوم (۳۴۲)
 به: اداره کل نهم (۹۲۳)
 شماره: ۹۲۳/۱۰۱۸۹
 تاریخ: ۳۷/۵/۲۳
 درباره: آقای هژبر یزدانی
 بازگشت به شماره ۳۴۲/۱۳۳۳-۲۵۳۷/۵/۱۷

مفاد اطلاعیه واصله مورد تأیید واقع و اشعار می دارد مأمورین اداره کل
 بازرسی بانک ملی ایران در تاریخ ۳۷/۳/۱۷ ضمن بررسی به حساب جاری

اشخاص در شعبه حافظ
 مواردی از تخلف وسیله
 آقای محمد تقی حیدری
 زنگنه معاون ریالی بانک
 درباره حساب جاری
 ۷۰۷۳ مربوط به آقای هژبر
 یزدانی مشاهده که نظر به
 اهمیت موضوع مراتب
 گزارش و در نتیجه پرونده
 امر به کمیسیون رسیدگی به
 تخلفات ارجاع و تحت
 رسیدگی قرار می گیرد.
 فتوکی گزارش مأمورین
 مربوطه جهت استحضار به
 ضمیمه ایفاد می گردد.

مدیرکل اداره نهم، ضرابی
 از طرف هاشمیان

شماره: ۱۱۴/۱۰۱۸۹
 تاریخ: ۳۷/۵/۲۳
 به: اداره کل نهم (۹۲۳)
 از: مدیریت کل اداره سوم (۳۴۲)
 شماره: ۳۴۲/۱۳۳۳-۲۵۳۷/۵/۱۷
 تاریخ: ۳۷/۳/۱۷
 موضوع: بررسی حساب جاری آقای هژبر یزدانی
 نتیجه: مشاهده تخلفات و ارجاع به کمیسیون رسیدگی
 امضا: [مهر و امضا]
 مهر: [مهر]
 تاریخ: ۳۷/۳/۱۷
 محل: [مهر]
 نام: [مهر]

شماره: ۷۱۴-۳-۲۳۰ ی

تاریخ: ۲۵۳۷/۵/۲۳

جناب آقای فرشچی
باز پرس شعبه چهارم دادسرای تهران

بازگشت به نامه شماره ۱۷۶/۵۳۶-۴ مورخ ۲۵۳۷/۲/۲۳ به پیوست ۱۰۶ برگ پرونده متشکله در مورد آقای هزیر یزدانی به انضمام عین چکهای مربوط جهت استحضار ارسال می گردد. خواهشمند است وصول آنرا اعلام فرمایند.

بازرس مخصوص
نخست وزیر سرلشکر
هوشنگ ارم

تاریخ: ۱۳۳۷

شماره: ۱۲۰-۳

پست



نخست وزیر

جناب آقای فرشچی

باز پرس شعبه چهارم دادسرای تهران

بازگشت نامه شماره ۱۷۶/۵۳۶-۴ مورخ ۲۵۳۷/۲/۲۳

به پیوست ۱۰۶ برگ پرونده متشکله در مورد آقای هزیر یزدانی

به انضمام عین چکهای مربوط جهت استحضار ارسال میگردد.

خواهشمند است وصول آنرا اعلام فرمایند.

سرلشکر هوشنگ ارم

از: ۳۴۲

تاریخ: ۳۷/۵/۲۶

به: ۲۲۲

شماره: ۲۲۲/۲۰۱۸

یکی از کارمندان اداره کل دوم وزارت بازرگانی

آقای ساریانها که سهم بزرگی در شرکت حمل و نقل دولتی دارد و بیشتر امور حمل و نقل در بخش خصوصی نیز در دست او است پس از بازداشت هژبر یزدانی اظهار داشته است دولت بجای آنکه کارمندان خاطی خود را تحت تعقیب

قرار دهد رسیدگی به کارهای خلاف را از بخشهای خصوصی شروع نموده.

در حال حاضر ساریانها به امریکا رفته و احتمال دارد تصمیم داشته باشد سرمایه خود را از تهران به امریکا منتقل کند.

۳۷/۵/۲۶

مختصی محرمانه

مقام کارمندان اداره کل دوم
وزارت بازرگانی

۳۴۲
۲۲۲
۲۲۲/۲۰۱۸
۳۷/۵/۲۶

آقای ساریانها سهم بزرگی در شرکت حمل و نقل دولتی دارد و بیشتر امور حمل و نقل در بخش خصوصی نیز در دست او است پس از بازداشت هژبر یزدانی اظهار داشته است دولت بجای آنکه کارمندان خاطی خود را تحت تعقیب قرار دهد رسیدگی به کارهای خلاف را از بخشهای خصوصی شروع نموده.

در حال حاضر ساریانها به امریکا رفته و احتمال دارد تصمیم داشته باشد سرمایه خود را از تهران به امریکا منتقل کند.

انعام کننده: ...
رئیس اداره: ...
رئیس بخش: ...

تاریخ: ۳۷/۵/۲۶

از: ۳۴۲

تاریخ: ۳۷/۵/۲۸

به: ۲۲۲

شماره: ۲۲۲/۲۰۱۸۸

یکی از همکاران اداره کل دوم اخیراً

جامعه بهائیان در ایران از بازداشت هژبر یزدانی ناراحت بوده گفته می شود که تاکنون در حدود یک هزار و صد میلیون تومان اسناد به منظور گذاردن وثیقه جهت آزادی هژبر یزدانی جمع آوری کرده و اقداماتی انجام داده اند که قبل از پایان امرداد ماه هژبر یزدانی از زندان آزاد گردد.

شارعی ۳۷/۵/۲۸

اطلاعات اداره کل

دبیرستان بهائیان	
یکی از همکاران اداره کل دوم	
اخیراً ۷/۵/۸۸ ۳۷/۵/۲۸	۲۲۲ ۲۲۲ ۲۲۲/۲۰۱۸۸ ۳۷/۵/۲۸
جامعه بهائیان در ایران از بازداشت هژبر یزدانی ناراحت بوده گفته می شود که تاکنون در حدود یک هزار و صد میلیون تومان اسناد به منظور گذاردن وثیقه جهت آزادی هژبر یزدانی جمع آوری کرده و اقداماتی انجام داده اند که قبل از پایان امرداد ماه هژبر یزدانی از زندان آزاد گردد.	
۳۷/۵/۲۸ ۱۷۵/۵/۲۸	
دبیرستان بهائیان	

[از: ۳۳۲]

تاریخ: ۳۷/۵/۲۸

[به: ۲۲۲]

شماره: ۲۲۲/۲۰۱۸۹

یکی از همکاران اداره کل دوم

به علت اینکه اکثر جراید خارجی در مورد مشارکت هژبر یزدانی در بانک صادرات بعد از بازداشتش مطالبی منتشر کرده‌اند و حتی انتشار داده بودند که نامبرده از مدیران بانک صادرات است لذا بانک صادرات طی اعلامیه‌هایی که

در صفحه ۴۰ روزنامه رستاخیز مورخ شنبه ۳۷/۵/۲۸ و صفحه یکم روزنامه آیندگان مورخ شنبه ۳۷/۵/۲۸ درج و منتشر نموده موضوع را تکذیب کرده است.

اطلاع اداره کل

شارعی ۳۷/۵/۲۸

یکی از همکاران اداره کل دوم
در متن
۲/۵/۲۸
۳۷/۵/۲۸
۲۲۲/۲۰۱۸۹
۳۷/۵/۲۸

معلت اینکه اکثر جراید خارجی در مورد مشارکت هژبر یزدانی در بانک صادرات بعد از بازداشتش مطالبی منتشر کرده‌اند و حتی انتشار داده بودند که نامبرده از مدیران بانک صادرات است لذا بانک صادرات طی اعلامیه‌هایی که در صفحه ۴۰ روزنامه رستاخیز مورخ شنبه ۳۷/۵/۲۸ و صفحه یکم روزنامه آیندگان مورخ شنبه ۳۷/۵/۲۸ درج و منتشر نموده موضوع را تکذیب کرده است.

اطلاع اداره کل
شارعی ۳۷/۵/۲۸

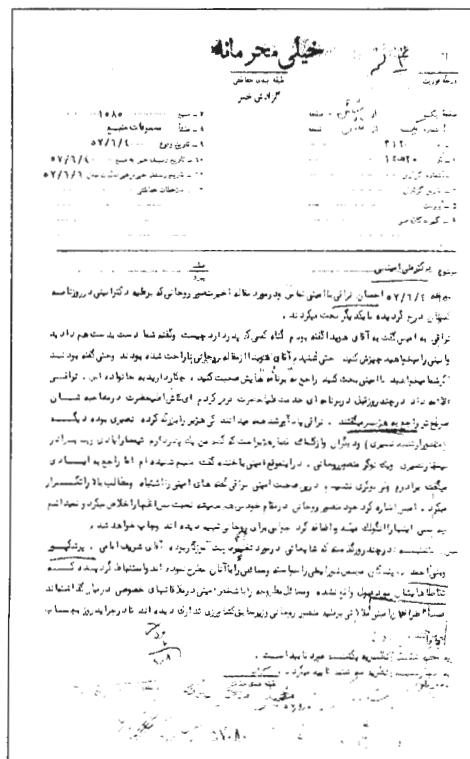
به: ۳۱۲

از: ۱۲۵۲۰

موضوع: دکتر علی امینی^۱

مورخه ۵۷/۶/۴ احسان نراقی^۲ با امینی تماس و در مورد مقاله اخیر منصور روحانی^۳ که بر علیه دکتر امینی در روزنامه کیهان درج گردیده با یکدیگر بحث می کردند.

نراقی به امینی گفت به آقای هویدا گفته بودم گناه کسی که پدر دارد چیست و گفتم شما دست به دست هم دادید و امینی را می خواهید چیزش کنید حتی شنیدم آقای هویدا از مقاله روحانی ناراحت شده بودند و حتی گفته بودند اگر شما می خواهید با امینی بحث کنید راجع به برنامه هایش صحبت کنید، چکار دارید به خانواده اش. نراقی ادامه داد در چند روز قبل در برنامه ای خدمت علیاحضرت عرض کردم ای کاش اعلیحضرت



در مصاحبه شان صریح تر راجع به هژبر می گفتند. نراقی یادآور شد همه می دانند کی هژبر را بزرگ کرده نصیری بوده دیگه (منظور ارتشبد نصیری) و دیگران و از کلمات قصار هژبر است که گفته من یک پدر دارم تیمسار ایادی و یک برادر تیمسار نصیری و یک نوکر منصور روحانی. در این موقع امینی با خنده گفت من هم شنیده ام اما راجع به ایادی می گفت برادر من ولی نوکری نشنیدم در پی صحبت امینی نراقی گفته های امینی را اشتباه و مطالب بالا را تکرار می کرد. امینی اشاره کرد خود منصور روحانی در مقام خودش هم همیشه نسبت به من اظهار اخلاص

تاریخ: ۵۷/۶/۴ ۱- دکتر علی امینی در سال

۱۲۸۴ شمسی در تهران متولد

شد. و تحصیلات عالی خود را

در پاریس در رشته اقتصاد با

اخذ درجه دکتری در سال ۱۳۱۰

به پایان رساند و پس از

بازگشت به ایران در وزارت

دادگستری مشغول گردید. در

حکومت مصدق وزیر اقتصاد

شد ولی پس از مدتی کنار

گذاشته شد. پس از ۲۸ مرداد

۱۳۳۲، امینی در کابینه زاهدی،

به وزارت دارائی رسید. پس از

برکناری زاهدی، امینی وزیر

دادگستری در کابینه علاء شد و

پس از مدتی به عنوان سفیر

عازم امریکا شد. حوادث مهم

دوران زمامداری

نخست وزیری امینی که از سال

۱۳۴۰ و پس از استعفای شریف

امامی آغاز شد، عبارت بودند

از وارد کردن چند شخصیت چپ

و جنجالی در کابینه اش،

بازداشت چندین تن از سران

رژیم سابق که به قساوت و

بی رحمی مشهور بودند نظیر

علوی مقدم - کیا - ضرغام و ...

اصلاحات ارضی که به توصیه

جان کندی رئیس جمهوری

جوان و دموکرات امریکا، انجام

گرفت و برکناری تیمور بختیار

از ریاست ساواک و فرار او به

اروپا نیز از حوادث مهم دوران

امینی بود که نهایتاً وی پس از

۱۴ ماه صدارت پر سر و صدا

استعفا داد و جایش را به اسداله

علم داد از دلایل مهم مخالفت

شورویها، نزدیکی و دوستی

بیش از حد او با کندی رئیس

جمهور امریکا بود. وی

ارتباطات نزدیکی با کندی

داشت و تمام برنامه های خود را

با هماهنگی و همکاری او انجام

می داد. کندی که قلباً مقداری

می‌کرد و نمی‌دانم چه کسی اینها را انگولک می‌کند و اضافه کرد جوابی برای روحانی تهیه دیده‌اند و چاپ خواهد شد.

نظریه یکشنبه: در چند روز گذشته که شایعاتی در مورد تغییر دولت آموزگار بوده آقای شریف‌امامی، پزشکپور و بنی‌احمد^۴ نمایندگان مجلس شورای ملی را

خواسته و مسائلی را با آنان مطرح نموده‌اند و استنباط گردیده که تقاضاهایشان مورد قبول واقع نشده و مسائل مطروحه را با شخص امینی در ملاقاتهای خصوصی در میان گذشته‌اند ضمناً اطرافیان امینی مقالاتی بر علیه منصور روحانی وزیر سابق کشاورزی تدارک دیده‌اند تا در جراید روز به چاپ برسد.

نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است.

نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه تأیید می‌گردد.

در موضوع پرونده شخص هژبر یزدانی کلاس شماره ۵۷۰۸۰ بایگانی شود.

تمایل به ایداء شاه ایران داشت از امینی استفاده می‌کرد و او را بطور غیرمستقیم وادار به اتخاذ سیاستهایی می‌کرد که مورد قبول حزب دموکرات امریکا باشد.

(رجوع شود به ناصر نجمی - بازیگران سیاهی عصر رضاشاهی و محمدرضاشاهی - انتشارات انیشتن - چاپ ۱۳۷۳ ص ۸۴ و طلوعی همان منبع ص ۴۳۰ به بعد)

۲- احسان تراقی فرزند حسن متولد ۱۳۰۵ کاشان، در سال ۱۳۲۶ جهت ادامه تحصیل به سوئیس عزیمت و در دانشگاه ژنو که وابسته به کمونیستهای یهودی بود، در رشته علوم اجتماعی به تحصیل پرداخت و در مدت تحصیل و اقامت در سوئیس به عنوان یکی از عناصر فعال در فعالیتهای کمونیستی شهرت یافت. وی در سال ۱۳۲۸ در فستیوال جوانان کمونیست در بوداپست شرکت نمود و در سال ۱۳۳۰ نیز ریاست هیئت ایرانی شرکت کننده در برلین شرقی را به عهده داشت. او پس از فراغت از تحصیل، به عنوان کارشناس خاورمیانه و ایران در یونسکو مشغول کار شد و ضمن اعلام انزجار از نظرات و عقاید توده‌ای و کمونیستی خود، اعلام نمود که ترویج مرام کمونیستی در ایران ممکن نیست و بهترین حکومت در ایران مشروطه سلطنتی است. تراقی پس از مراجعت و اقامت در کشور به تناوب در اداره آمار عمومی، شورای عالی فرهنگی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشسرای عالی، شورای عالی اقتصاد، کمیته عالی انقلاب

اداری اشتغال داشت و نیز عضو انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی و انجمن بین‌المللی مطالعات علمی در ایران بود و همچنین در سال ۱۳۴۴ در ساواک به تدریس اشتغال داشت.

او همچنین در داخل کشور با اعضا، حزب ملت ایران و در خارج با عناصر جبهه ملی سوم در ارتباط بود. ساواک در سال ۱۳۵۲ به نصیری چنین نوشته است: «نامبرده فردی است شهرت طلب که دارای زیربنای فکری متمایل به چپ بوده و احتمالاً از طرف یکی از کشورهای غربی تقویت و مورد استفاده واقع می‌شود و تلاش دارد برای بدست آوردن مشاغل بهتر در آینده خود را به مقامات مؤثر کشور نزدیک کند. و ادامه داده که تمجید از نامبرده زبانی نخواهد داشت و می‌تواند بلندگوی تبلیغاتی موافق باشد. نزاعی که از نظریه‌پردازان حزب رستاخیز بود و به عنوان مشاور ساواک با نصیری و پاکروان همکاری می‌کرد. در آبان سال ۱۳۵۷ طی ملاقات با مقدم، رئیس ساواک پیرامون دستگاه تبلیغاتی کشور گفتگو کرده است. نامبرده پس از پیروزی انقلاب اسلامی دستگیر و پس از دو سال از زندان آزاد شد و به خارج از کشور رفت. نامبرده هم‌اکنون در سازمان فرهنگی یونسکو وابسته به سازمان ملل متحد به کار اشتغال دارد.

اسناد ساواک - پرونده انفرادی ۳- منصور روحانی فرزند محمد در سال ۱۳۰۰ ش در تهران بدینا آمد. تحصیلات خود را تا لیسانس راه و ساختمان از دانشگاه تهران و فوق لیسانس در مهندسی آب از دانشگاه لندن

ادامه داد و مشاغلی از جمله: معاون و قائم مقام و مدیرکل سازمان آب تهران، متصدی ترخیص کالا در خرمشهر، عضو انجمن مهندسان، عضو هیأت امنای دانشگاه سپاهیان انقلاب، وزیر آب و برق، وزیر کشاورزی و منابع طبیعی، مدیر عامل سازمان عمران اراضی غرب و... را عهده‌دار بود. از حیث سیاسی عضو حزب ایران نوین و رستاخیز و طرفدار سیاست غرب و رژیم پهلوی بود. وی همچنین عضو جمعیت فراماسونری و کلوپ روتاری و پیرو فرقه ضاله بهائیت نیز بوده است. در سال ۱۳۴۳ خواستار ضربه زدن به روحانیت و ارتباط با اسرائیل بوده است. گزارش‌های متعددی از فساد اخلاقی و مالی مشارالیه موجود بوده و در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۶ جزء خبر و عناصر منفور رژیم پهلوی از سوی فرماندار نظامی وقت دستگیر و زندانی شده است.

- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

۴- احمد بنی احمد فرزند محمدتقی در سال ۱۳۰۸ در تبریز بدینا آمد وی دارای مدرک لیسانس حقوق و نماینده دوره بیست و چهارم مجلس شورا از تبریز بسود ساواک در سند بیوگرافی او آورده است: «سوابقی از عضویت و فعالیت یادشده در گروه‌ها و دستجات افراطی و مخالف موجود نیست لیکن شایعاتی در مورد نامبرده وجود داشته مبنی بر این که وی دارای افکار و عقاید کمونیستی است؛ مشارالیه پس از تشکیل حزب رستاخیز ایران، عضویت این حزب را پذیرفته و در جناح پیشرو حزب رستاخیز ایران

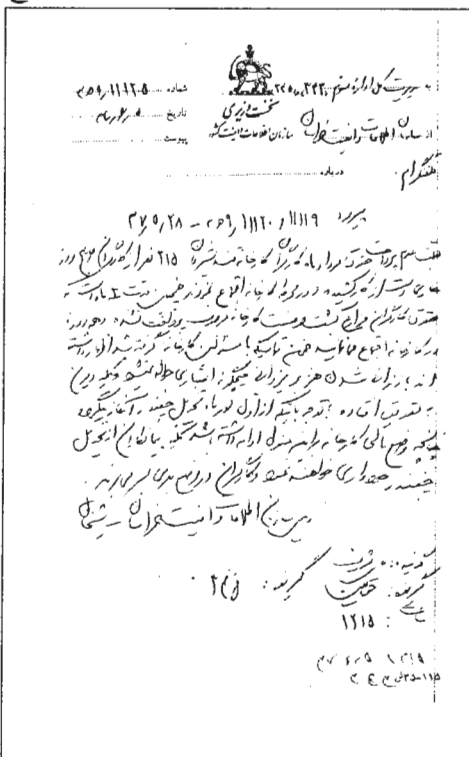
فعالیت دارد. نامبرده در سال ۱۳۵۴ به هنگام بحث درباره بودجه سال ۱۳۵۵ نطقی در مجلس شورای ملی ایراد کرد که حاوی مطالبی علیه اوضاع کشور بوده که به همین علت در دادگاه حزبی محاکمه شد و بعد دادگاه نظر خود را درباره وی بدین شرح اعلام کرده است چون مشارالیه از بیانات خود ابراز ندامت کرده، لذا به نظر نمی‌رسد که در عنوان مطالب خود سوءنیت داشته باشد. یادشده به مدت ۱۴ سال مشاور حقوقی واحد صنعتی غرب در تبریز بوده و عضویت هیأت امنای بنیاد فرهنگی رضا پهلوی و حمایت از جذامیان و مسلولین و اردوگاه‌های کار آذربایجان را به عهده داشته است. وی مدیر روزنامه عصر نوین تبریز بوده که بعضاً در آن مطالب انتقادی درج می‌شده که به همین علت در سال ۲۵۲۷ (۱۳۴۷) دو بار توقیف و دو بار نیز به مدیر آن تذکر داده شده است. علاوه بر این وی با عده‌ای از عناصر سابقه‌دار جمعیتی به نام «جمعیت دوستان» در تسبیر همکاری داشته و روزنامه او ارگان نظریات انتقادی این عده بوده است.»

در مورد چاپ مجدد هفته نامه عصر نوین بنی احمد نامه‌ای به شاه نوشته و طی آن مراتب وفاداری و جان‌ثاری خود را ابراز داشته و خواستار عفو و بخشش شده است. همچنین در سال ۱۳۵۴ طی سخنرانی در مجلس از اوضاع کشور انتقاد نموده و متعاقب آن در سال ۱۳۵۷ در خصوص حمله گارد شاهنشاهی به منزل آیت‌الله شریعتمداری دولت را استیضاح نموده است. مشارالیه از گردانندگان حزب جمهوری خواه^{۳۶}

به: مدیریت کل اداره سوم (۳۴۳) و ۳۴۵
از: سازمان اطلاعات و امنیت خراسان
تلفنگرام
پیرو: ۱۱۱۱۹/۱۱۱۲۰/۹هـ ۳۷/۵/۲۸-۳
تاریخ: ۳۷/۶/۵
شماره: ۳هـ ۹/۱۱۱۲۵

به علت عدم پرداخت حقوق مردادماه کارگران کارخانه قند شیروان ۲۱۵ نفر از کارگران صبح روز جاری دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه اجتماع

نمودند همچنین مدت ۳ ماه است که حقوق کارگران مزارع کشت و صنعت کارخانه موصوف پرداخت نشده و همه روزه در کارخانه اجتماع می نمایند ضمن تماسی که با مسئولین کارخانه گرفته شد اظهار داشته اند با زندانی شدن هژبر یزدانی هیچگونه اعتباری حواله نمی شود و کلیه دیون به تعویق افتاده با توجه به اینکه از اول مهر ماه تحویل چغندر آغاز می گردد چنانچه وضع مالی کارخانه براین منوال ادامه داشته



نیروی سوم معرفی گردیده و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی با نفوذ در بعضی روحانیون خود را مذهبی جلوه داد لیکن درصدد تشکیل حکومت سوسیال دمکرات بود، وی از اقدامات و اعلامیه های حضرت امام خمینی (ره) انتقاد نموده است.

گزارشهایی در خصوص سوءاستفاده از زمینهای دولتی وزارت تعاون که توسط شرکت «ایدم» خریداری گردیده و فروش زمین در تبریز به وزارت نیرو به قیمت گزاف در سالهای ۵۶ و ۵۷ به ساواک واصل و پس از تحقیق ساواک تبریز نیز آنها را تأیید نموده است. اسناد ساواک، پرونده های انفرادی

باشد کلیه پیمانکاران از تحویل چغندر خودداری خواهند نمود و کارگران در وضع بدی بسر می برند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت خراسان - شیخان
گوینده: آقای شریف

گیرنده: حق بین

ساعت ۱۲۱۵

گیرنده: ۳۴۵

جناب آقای شریف امامی نخست وزیر

۱- طاهر ضیائی فرزند ضیاء در سال ۱۲۹۶ ش در تربیت حیدریه بدنیا آمد.

تحصیلات خود را تا دکترای زمین شناسی ادامه داد و مشاغل از جمله: استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران، معاون وزارت اقتصاد، معاون وزارت صنایع و معادن، مشاور اجرایی صنعتی بنیاد پهلوی، سناتور انتصابی، رئیس اتاق صنایع و معادن ایران، وزیر صنایع و معادن و... را عهده دار بود. از حیث سیاسی طرفدار سیاست غرب و رژیم پهلوی بوده و به پاس خدمت به این رژیم، نشان درجه ۲ لیاقت و درجه ۲ هاپون دریافت نموده است.

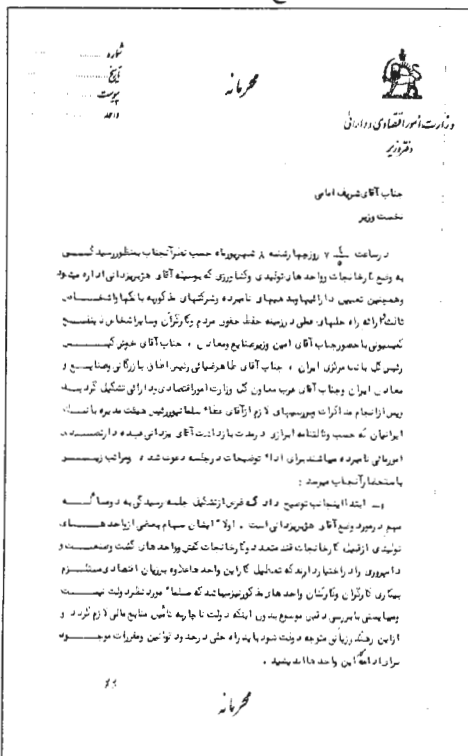
طبق گزارش ساواک، نامبرده نسبت به جبهه ملی سمپاتی داشته و عضو جمعیت فراماسونری لژ کوروش نیز بوده است.

اسناد ساواک - پرونده های انفرادی

۲- عطاء سلیمانپور فرزند حبیب الله در سال ۱۳۰۱ ش در شیراز بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا دیپلم متوسطه و طی دوره مدرسه عالی بانکداری و دوره کالج آمریکایی اصفهان ادامه داد و مشاغل از جمله: ریاست اداره خارجه در بانک مرکزی،

معاون و رئیس شعبه بانک ملی در اصفهان و سنگسر، معاون اقتصادی وزارت اقتصاد و... را عهده دار بود. پدر نامبرده افسر بازنشسته و دکتر داروساز ارتش بوده وی با برادران لاجوردی دوستی نزدیک داشته و توسط آنان به وزیر وقت اقتصاد و دارائی (هوشنگ انصاری) معرفی شده است. ۱۳۸۰

در ساعت ۷^{۴۰} روز چهارشنبه ۸ شهریور ماه حسب نظر آن جناب به منظور رسیدگی به وضع کارخانجات و واحدهای تولیدی و کشاورزی که بوسیله آقای هژبر یزدانی اداره می شود و همچنین تعیین دارائیهای و بدهی های نامبرده و شرکتهای مذکور به بانکها و اشخاص ثالث و ارائه راه حل های عملی در زمینه حفظ حقوق مردم و کارگران و سایر اشخاص ذینفع کمیسیون با حضور جناب



آقای امین وزیر صنایع و معادن، جناب آقای خوش کیش رئیس کل بانک مرکزی ایران، جناب آقای طاهر ضیائی^۱ رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و جناب آقای عرب معاون کل وزارت امور اقتصادی و دارائی تشکیل گردید و پس از انجام مذاکرات و بررسیهای لازم از آقای عطاء سلیمانپور^۲ رئیس هیئت مدیره بانک ایرانیان که حسب وکالتنامه ابرازی در مدت بازداشت آقای یزدانی عهده دار

تصدی امور مالی نامبرده می باشند برای اداء توضیحات در جلسه دعوت شد، و مراتب زیر به استحضار آن جانب می رسد.

۱- ابتدا اینجانب توضیح داد که غرض از تشکیل جلسه رسیدگی به دو مسأله مهم در مورد وضع آقای هژبر یزدانی است. اولاً ایشان سهام بعضی از واحدهای تولیدی از قبیل کارخانجات قند متعدد و کارخانجات کفش و واحدهای کشت و صنعت و دامپروری را در اختیار دارند که تعطیل کار این واحدها علاوه بر زیان اقتصادی مستلزم بیکاری کارگران و کارکنان واحدهای مذکور نیز می باشد که

مسلماً مورد نظر دولت نیست و می‌بایستی با بررسی دقیق موضوع بدون اینکه دولت ناچار به تأمین منابع مالی لازم گردد و از این رهگذر زبانی متوجه دولت شود باید راه‌حلی در حدود قوانین و مقررات موجود برای ادامه کار این واحدها اندیشید.

ثانیاً - آقای یزدانی با توسل به شیوه‌هایی که روشن است تاکنون بعد از کسر مبالغی که از محل فروش سهام ایشان در بانک صادرات عاید شده است حدود ۴۵ میلیارد ریال از بانکهای مختلف بخصوص بانک صادرات ایران بنام خود و

اشخاص تحت تکفل خود و همچنین شرکت‌های متعلق خود اعتبارات گوناگون با بهره‌های عادی بانکی تحصیل کرده‌اند که توقف پرداخت اصل و بهره این اعتبارات تعادل نظام بانکی را مختل خواهد کرد و بنابراین می‌بایستی موضوع از دید مصالح گوناگون اقتصادی و سلامت سیستم بانکی بررسی و تصمیمات جدی اتخاذ گردد.

۲- جناب آقای خوش‌کیش صورتها و اطلاعاتی را که بانک مرکزی فراهم کرده و

تأیید مراتب فوق بوده مورد بحث قرار دادند و اظهار نظر نمودند که بانک مرکزی نمی‌تواند در وضع موجود بانکها را برای ادامه تسهیلات تحت فشار قرار دهد و بانکها نیز قاعده‌تاً برای وصول مطالبات خود اقدام خواهند کرد و در این مورد می‌بایستی چاره‌اندیشی‌های لازم بشود.

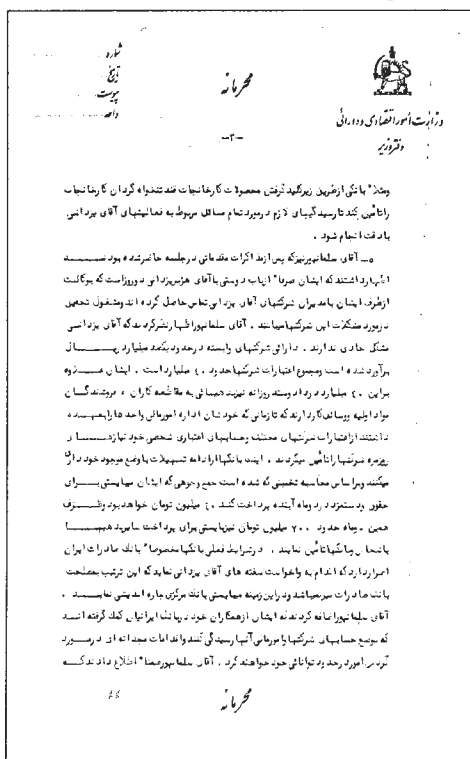
۳- جناب آقای امین اظهار نظر نمودند که مسأله فوری‌تر در مورد آقای یزدانی ادامه کار واحدهای تولیدی و جلوگیری از تعطیل کارخانجات به خصوص کارخانه‌های قند می‌باشد. در این مورد حتی اگر ناگزیر شویم ممکن است طبق انفرادی

۱- آقای یزدانی با توسل به شیوه‌هایی که روشن است تاکنون بعد از کسر مبالغی که از محل فروش سهام ایشان در بانک صادرات عاید شده است حدود ۴۵ میلیارد ریال از بانکهای مختلف بخصوص بانک صادرات ایران بنام خود و اشخاص تحت تکفل خود و همچنین شرکت‌های متعلق خود اعتبارات گوناگون با بهره‌های عادی بانکی تحصیل کرده‌اند که توقف پرداخت اصل و بهره این اعتبارات تعادل نظام بانکی را مختل خواهد کرد و بنابراین می‌بایستی موضوع از دید مصالح گوناگون اقتصادی و سلامت سیستم بانکی بررسی و تصمیمات جدی اتخاذ گردد.

۲- جناب آقای خوش‌کیش صورتها و اطلاعاتی را که بانک مرکزی فراهم کرده و

درخواست وزارت کار و امور اجتماعی اداره کارخانجات با رعایت قانون حمایت صنعتی به هیئت حمایت واگذار گردد به نحوی که کارخانجات طبق مقررات قانون مذکور از پرداخت بدهی‌های قبلی خود بازداشته شوند و در حدود اداره کارخانه تنخواه گردان از بانکها اخذ گردد که به صرف انجام پرداختهای روزمره از جمله حقوق کارگران و قیمت مواد اولیه برسد. ضمناً نحوه اجرای قانون حمایت صنعتی در مورد واحدهای تولیدی آقای یزدانی مورد بحث قرار گرفت و اظهار نظر شد که این قانون نسبت به واحدهای کشاورزی

قابل اجرا نیست و در مورد واحدهای صنعتی نیز باید تشریفات مقرر رعایت شود. ۴- جناب آقای طاهر ضیائی معتقد بودند که از دیدگاه مصالح مملکتی بهتر است عجالتاً وضع شرکتهای تولیدی آقای یزدانی مورد بررسی دقیق قرار گیرد و معلوم شود که هر یک از این شرکتهای فی‌المثل چه احتیاجات روزمره‌ای دارند و چه محصولات دارند و مثلاً بانکی از طریق زیر کلید گرفتن محصولات کارخانجات قند تنخواه



گردان کارخانجات را تأمین کند تا رسیدگی‌های لازم در مورد تمام مسائل مربوط به فعالیت‌های آقای یزدانی با دقت انجام شود.

۵- آقای سلمانپور نیز که پس از مذاکرات مقدماتی در جلسه حاضر شده بودند اظهار داشتند که ایشان صرفاً از باب دوستی با آقای هژبر یزدانی دو روز است که به وکالت از طرف ایشان با مدیران شرکتهای آقای یزدانی تماس حاصل کرده‌اند و مشغول تحقیق در مورد مشکلات این شرکت‌ها می‌باشند. آقای سلمانپور اظهار نظر کردند که آقای یزدانی مشکل حادی ندارند. دارائی

شرکت‌های وابسته در حدود یکصد میلیارد ریال برآور شده است و مجموع اعتبارات شرکت‌ها حدود ۴۰ میلیارد است. ایشان علاوه بر این ۴۰ میلیارد در دادوستد روزانه نیز بدهی‌هایی به مقاطعه کاران، فروشندگان مواد اولیه و وسائل کار دارند که تا زمانی که خودشان اداره امور مالی واحدها را به عهده داشتند از اعتبارات شرکت‌های مختلف و حسابهای اعتباری شخصی خود نیازهای روزمره شرکت‌ها را تأمین می‌کردند. اینک بانک‌ها از ادامه تسهیلات با وضع موجود خودداری می‌کنند و براساس محاسبه تخمینی که شده است جمع

وجوهی که ایشان می‌بایستی برای حقوق و دستمزد در دو ماه آینده پرداخت کنند ۴۰ میلیون تومان خواهد بود و ظرف همین دو ماه حدود ۷۰۰ میلیون تومان نیز بایستی برای پرداخت سایر بدهی‌ها به اشخاص و بانکها تأمین نمایند. در شرایط فعلی بانکها مخصوصاً بانک صادرات ایران اصرار دارد که اقدام به واخواست سفته‌های آقای یزدانی نماید که این ترتیب به مصلحت بانک صادرات نیز نمی‌باشد

چاههای آب مربوط به مزارع چغندر کارخانه قند را که در حال حاضر توقیف و بازتعمیر آقای یزدانی خارج شده است. نظریات مشکلات حقوقی و مورد مالکیت آنسیدان برداری مطرح نیست و آن گذشته توقیف چاهها موجب از بین رفتن حدود ۱۵ میلیون تومان محصول چغندر خواهد شد به ملکات زیان وارد خواهد گردید به عنوان یک اقدام عاجل رسیدگی با این موضوع می‌بایستی مورد توجه دولت قرار گیرد.

۱- پیشنهاد به آقای سلیمانپور که خود که لازم است برای رسیدگی واحد تصمیم ایشان وضع اداری چاههای شرکتی از گذران قبلاً روشن کنند و مشخصات چاهها را جاری و در آنجا جاری را در مورد خبر واحد به تفکیک مشخص کنند و آقای سلیمانپور قول کردند که ظرف دو هفته این مرحله از مطالعات انجام و گزارش آن نمود با اختیار و نظریات ایشان ارسال خواهد شد. عتاً پیشنهاد آقای سلیمانپور حواست است که گزارش مالی جامع در مورد کسبه به چاههای شخصی و شرکتی از آقای یزدانی و ادارات آنها در ایشان شکی نیست روزنامه‌ها کنند تا ما با معلوم شود که آیا اسناد اداری تسهیلات محاسبه به ترتیب وضع خواهد شد یا اینکه اسامی به حل مشکلات مالی وجود ندارد.

پس از آنکه در نظریات اثرات لازم چنین اتخاذ تصمیم نبرد که اولاً پیشنهاد شود که در مورد توقیف چاههای مزارع چغندر را در رسیدگی لازم معذور و استورات مقامی مساعد شود.

تأیید - در آن وقت به درخواست گزارش جامع آقای سلیمانپور احتیاجات جاری شرکتها و واحدهای تولیدی تعیین شود و ضمناً آقای سلیمانپور تحقیق نمایند که آیا از آنجا که آقای یزدانی چنانچه باقی مانده باشد در اختیار یکی از آنها شرکت قرار گیرد تا با تسویه حساب آقای یزدانی به معزیه اعتبارات لازم برای تأمین هزینه‌های جاری را تأمین کند.

تأیید - در مورد شک و وضع مالی آقای یزدانی و اعتبارات کسبه به مدت چند مدت ایشان از آنها و مختلف گزارش در حق و بعضی ششبه شنبه که موضوع از به با تلفات و مسائل مسلک با آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تصمیمات لازم اتخاذ شود.

ویرا موراد اقتصاد و اداری

و در این زمینه می‌بایستی بانک مرکزی چاره‌اندیشی نماید.

آقای سلیمانپور اضافه کردند که ایشان از همکاران خود در بانک ایرانیان کمک گرفته‌اند که به وضع حسابهای شرکتها و امور مالی آنها رسیدگی کنند و اقدامات مجدانه‌ای در مورد گردش امور در حدود توانائی خود خواهند کرد. آقای سلیمانپور ضمناً اطلاع دادند که چاههای آب مربوط به مزارع چغندر کارخانه قند اراک در حال حاضر توقیف و از تصرف آقای یزدانی خارج شده است. نظر به اینکه مشکلات حقوقی در مورد مالکیت آقای یزدانی مطرح نیست و از آن

گذشته توقیف چاهها موجب از بین رفتن حدود ۱۵ میلیون تومان محصول چغندر خواهد شد و به مملکت زیان وارد خواهد گردید به عنوان یک اقدام عاجل رسیدگی به این موضوع بایستی مورد توجه دولت قرار گیرد.

۶- اینجانب به آقای سلمانپور تأکید نمود که لازم است برای رسیدگی و اخذ تصمیم ایشان وضع دارائی و بدهی های شرکتهای مذکور را دقیقاً روشن کنند و مخصوصاً هزینه های جاری و درآمدهای جاری را در مورد هر واحد به تفکیک مشخص کنند و آقای سلمانپور قبول کردند که ظرف دو هفته این مرحله از مطالعه انجام و گزارش آن توأم با اظهار نظر خود ایشان ارسال خواهد شد. ضمناً اینجانب از آقای سلمانپور خواسته ام که گزارش مالی جامعی در مورد کلیه بدهی های شخصی و شرکت های آقای یزدانی و دارائیهای ایشان طبق قیمت روز را تهیه کنند تا اساساً معلوم شود که آیا ادامه تسهیلات سبب بدتر شدن وضع خواهد شد یا اینکه امید به حل مشکلات مالی وجود دارد.

پس از تبادل نظر و مذاکرات چنین اتخاذ تصمیم شد که اولاً پیشنهاد شود که در مورد توقیف چاههای مزارع چغندر اراک رسیدگی های لازم معمول و دستورات مقتضی صادر شود.

ثانیاً - ظرف دو هفته پس از وصول گزارش جامع آقای سلمانپور احتیاجات جاری شرکت ها و واحدهای تولیدی تعیین شود و ضمناً آقای سلمانپور تحقیق نمایند که املاک آزاد به نام آقای یزدانی چنانچه باقی مانده باشد در اختیار یکی از بانک ها قرار گیرد تا با توصیه جناب آقای خوش کیش بانک مزبور اعتبارات لازم برای تأمین هزینه های جاری را تأمین کند.

ثالثاً - در مورد کل وضع مالی آقای یزدانی و اعتبارات کوتاه مدت و بلند مدت ایشان از بانکهای مختلف گزارش دقیق و مفصلی تهیه شود که موضوع از دید بانکداری و مسائل بانکها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تصمیمات لازم اتخاذ شود.

وزیر امور اقتصادی و دارائی

به: ۳۴۱

تاریخ: ۵۷/۶/۱۱ (۲۵۳۷)

از: ۲۱۵۲۰

شماره: ۵۶۱۴۳/۳۰۵۲۱

موضوع: ملاقات شاهپور محمودرضا^۱ با هژبر یزدانی

۱- محمودرضا پهلوی ششمین

فرزند رضاشاه و دومین فرزند

از عصمت‌الملوک دولتشاهی در

۱۲ آبان ۱۳۰۵ ش در تهران

بدنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و

مقدمات نظام را در ایران

گذراند.

در واقعه شهریور ۱۳۲۰ از

همراهان رضاخان در تبعید بود.

بعد از مرگ رضاخان و بازگشت

به ایران برای تکمیل تحصیلات

بسمه آمریکا رفت و در رشته

مدیریت بازرگانی و صنعتی در

دانشگاه کالیفرنیا و میشیگان

تحصیل نمود.

وی در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳ ش)

با مهردخت اعظم زنگنه ازدواج

کرد. سه سال بعد این وصلت به

جدایی انجامید. وی در سال

۱۹۶۴ (۱۳۴۳) با مریم اقبال

دختر منوچهر اقبال ازدواج کرد.

محمودرضا در امر

سرمایه‌گذاری و داشتن سهام

در شرکت‌های مختلف یکی از

افراد شاخص خاندان پهلوی

بود. وی در ۲۴ مؤسسه صنعتی

و چندین معدن، یک کارخانه

آجر و یک کارخانه لاستیک

اتومبیل داشته است. علاوه بر

این، نامبرده با داشتن زمین‌های

مرغوب به کشت خشخاش

می‌پرداخت و بزرگترین تولید

کننده تریاک در ایران بود و هر

ساله به بهانه بد بودن محصول

تعداد زیادی تریاک را در بازار

سیاه به فروش می‌رساند و در

یک مورد با اشرف پهلوی

درگیری داشته و از سوی ساند

اشرف مورد ضرب و جرح قرار

گرفته است.

پهلوی‌ها - جلد دوم - ص ۳۵۷ -

۳۶۰

هفته قبل شاهپور محمودرضا به علت داشتن چک و سفته مشترک هژبر یزدانی را در زندان ملاقات می‌نماید و این ملاقات یک ساعت به طول می‌انجامد، لیکن موضوع به شرف عرض همایونی رسیده و از این عمل بسیار ناراحت می‌شوند و توسط آقای

هویدا وزیر دربار شاهنشاهی مشارالیه را احضار می‌فرمایند، لیکن شاهپور گفت بگویند مازندران رفته است و چون آقای هویدا این حرف را قبول ننموده بالاخره شاهپور به حضور اعلیحضرت می‌رسد و اعلیحضرت با عصبانیت زیاد مشارالیه را مورد سرزنش قرار داده و فرموده‌اند «مگر از وضع و اوضاع آگاهی ندارید که این کارها را اول نمی‌کنید».

نظریه شنبه: نظری ندارد.

نظریه یکشنبه: با توجه به صداقت و دسترسی شنبه خبر به احتمال قوی صحت دارد.

نظریه ۴شنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید می‌باشد.

گوینده: صفاریه

گیرنده: دهقانی

ساعت مخابره: ۱۴۲۵

نسخه یکم بعرض می‌رسد ۳۷/۶/۱۱

گزارش غیر	درجه حساسیت
مقدمه شماره از	مقدمه شماره از
شماره گزارش از	شماره گزارش از
۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۱۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۱۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۱۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۱۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۱۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۱۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۱۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۱۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۱۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۱۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۲۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۲۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۲۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۲۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۲۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۲۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۲۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۲۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۲۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۲۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۳۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۳۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۳۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۳۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۳۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۳۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۳۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۳۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۳۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۳۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۴۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۴۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۴۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۴۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۴۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۴۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۴۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۴۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۴۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۴۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۵۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۵۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۵۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۵۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۵۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۵۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۵۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۵۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۵۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۵۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۶۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۶۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۶۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۶۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۶۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۶۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۶۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۶۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۶۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۶۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۷۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۷۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۷۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۷۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۷۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۷۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۷۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۷۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۷۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۷۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۸۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۸۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۸۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۸۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۸۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۸۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۸۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۸۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۸۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۸۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۹۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۹۱- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۹۲- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۹۳- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۹۴- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۹۵- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۹۶- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۹۷- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۹۸- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷
۹۹- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷	۱۰۰- تاریخ وقوع: ۲۴/۱۱/۵۷

از: انگلیس

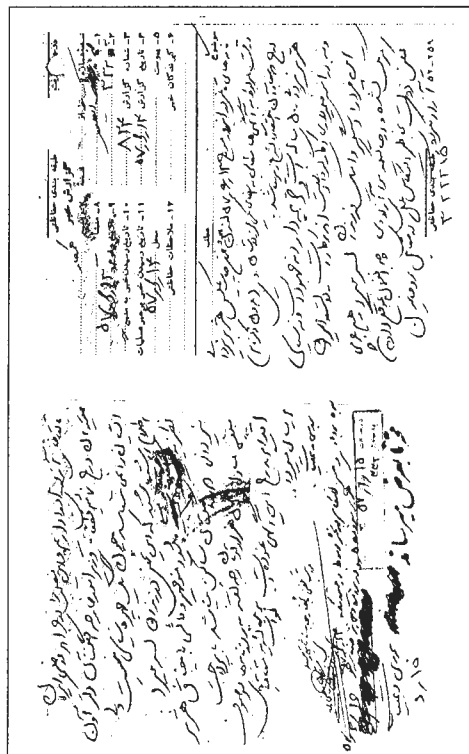
تاریخ: ۵۷/۶/۱۴

به: ۳۳۲

شماره: ۸۲۴

نامه‌های تایمز در آبرور مورخ ۵۷/۶/۱۳ لندن ضمن چاپ عکس هژبر یزدانی در قسمت مربوط به آگهی‌ها مطالبی به امضای یکی از دوستان وی (بدون ذکر نام) درج و مفاد آن اختصاراً به شرح زیر می‌باشد:

هژبر یزدانی ۵۰ ساله است و ۶ بچه دارد نه جهود است و نه سیاسی و نه در امور فیلمبرداری و کارگردانی دست‌انکار است - دولت ایران این فرد را دستگیر و اینک



در زندان بسر می‌برد هیچ جرمی مرتکب نشده و در جایی که برای آزادی وی وجه‌الضمان به موقع داده شد لیکن دولت بخاطر انعکاس عمل در مقابل روحانیون آزاد نکرده است.

ما تقاضای آزادی او را داریم و این مطلب را جراید داخلی ایران نمی‌توانیم درج نمائیم قطعاً آقای وزیر امور خارجه انگلستان دکتر آون ایشان را نمی‌شناسد چون یک چهره سیاسی نیست ولی اطلاع داشته باشند که این شخص در زندان بسر می‌برد.

نظریه رهبر عملیات: شنیده می‌شود منوچهر وفائی باجناب هژبر یزدانی که در انگلستان ساکن می‌باشد با پرداخت مبلغی معادل ۵۶۰ هزار تومان وجه نقد به روزنامه‌های موصوف اقدام به درج این آگهی نموده است. بریده نشریه متعاقباً ارسال می‌گردد. مراتب تلفنی به استحضار جناب آقای ثابتی رسید

۳۲۲۲۱۵ کارمند ارشد استان - قاضی زاده

بررسی و عملیات بهره‌برداری و ضمن انعکاس در بخش مربوط در صورتی که هژبر یزدانی پرونده دارد در پرونده وی آن نیز ضمیمه شود و بررسی عملیات ۶/۱۵

درج مطالبی در روزنامه تایمز لندن درباره هژبر یزدانی

روزنامه فوق‌الذکر مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۸۷ مطابق با ۵۷/۶/۱۳ (۲۵۳۷) مطالبی از طرف دوستان هژبر یزدانی چاپ کرده است.

در این روزنامه اشاره شده، هژبر یزدانی یک یهودی، نویسنده، سیاستمدار، کارگردان فیلم و یا هنرمند نیست، بازداشت وی مغایر با مفاد قانون اساسی است و صرفاً به خاطر ارضاء و خشنودی متعصبین مذهبی صورت گرفته است و

هم‌اکنون جان وی در مخاطره می‌باشد. دوستان هژبر یزدانی گفته‌اند چون هیچیک از روزنامه‌های ایرانی حاضر نشده‌اند مطالب آنها را که یک حقیقت است چاپ کنند اجباراً این مطالب را در تایمز انتشار داده‌اند و مطالب مزبور اضافه شده هژبر یزدانی ۵۰ سال دارد و صاحب ۶ فرزند است و اکنون ۲ هفته است که به اتهام انجام عملیات ساختمانی در زمینهای غیرمجاز در بازداشت بسر می‌برد ولی این اتهام وارد

درج مطالبی در روزنامه تایمز لندن درباره هژبر یزدانی

روزنامه فوق‌الذکر مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۸۷ مطابق با ۵۷/۶/۱۳ (۲۵۳۷) مطالبی از طرف دوستان هژبر یزدانی چاپ کرده است. در این روزنامه اشاره شده، هژبر یزدانی یک یهودی، نویسنده، سیاستمدار، کارگردان فیلم و یا هنرمند نیست، بازداشت وی مغایر با مفاد قانون اساسی است و صرفاً به خاطر ارضاء و خشنودی متعصبین مذهبی صورت گرفته است و هم‌اکنون جان وی در مخاطره می‌باشد. دوستان هژبر یزدانی گفته‌اند چون هیچیک از روزنامه‌های ایرانی حاضر نشده‌اند مطالب آنها را که یک حقیقت است چاپ کنند اجباراً این مطالب را در تایمز انتشار داده‌اند و مطالب مزبور اضافه شده هژبر یزدانی ۵۰ سال دارد و صاحب ۶ فرزند است و اکنون ۲ هفته است که به اتهام انجام عملیات ساختمانی در زمینهای غیرمجاز در بازداشت بسر می‌برد ولی این اتهام وارد

نیست چون مشارالیه نامه‌ای رسمی از وزارتخانه مربوط در دست دارد که اقدام وی را تایید می‌کند، حتی در صورتی که وی مجرم شناخته شود بعید است که مجازاتش زندان باشد ولی از قبولی وجه‌الضمان در مورد او امتناع شده و مطبوعات دولتی نیز مرتباً وی را مورد حمله قرار می‌دهند.

نویسندگان مطالب از دولت جدید خواسته‌اند به سئوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- به چه اتهامی هژبر یزدانی بازداشت شده است؟
- ۲- دولت در نظر دارد با هژبر یزدانی چکار بکند؟

۳- دولت از خشنود ساختن این متعصبان مذهبی بدطینت که شدیداً مرتجع هستند چه طرفی خواهد بست؟

ارزیابی خبر

مطالب فوق در روزنامه تایمز درج شده است

اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری منعکس گردید.

مقدم‌فر

۵۷/۶/۱۵

در بولتن درج شود ۳۷/۶/۱۵

فلسفه‌ها این مطلب از دولت به دست آمده اند به ترتیب زیر
پایخ ده:

- ۱- همه آنها هرگز برای برکنار شدن نیست؟
- ۲- دولت در نظر دارد، هرگز برای حکم برکنار نیست؟
- ۳- دولت از خشنود ساختن این متعصبان مذهبی بدطینت که شدیداً مرتجع هستند چه طرفی خواهد بست؟

از: ی. سحر

مطلب در روزنامه تایمز درج شده است

آدم است ایام نه: مراتب به نخست‌وزیری منعکس گردید

در دفتر ریاست

۱۵/۶/۵۷

۱۵/۶/۵۷

محرمانه

[تاریخ: ۱۳۵۷/۶/۱۴]

چاپ آگهی به نفع هژبر یزدانی

لندن - خبرگزاری پارس -

روزنامه تایمز مورخ ۴ سپتامبر یک آگهی از طرف دوستان هژبر یزدانی چاپ کرده است در این آگهی آمده است که هژبر یزدانی یک یهودی نویسنده، سیاستمدار، کارگردان فیلم و یا هنرمند نیست. بازداشت هژبر یزدانی مغایر با

مفاد قانون اساسی است و صرفاً به خاطر ارضاء و خشنودی متعصبین مذهبی صورت گرفته است و هم اکنون جان وی در مخاطره می باشد. دوستان هژبر یزدانی گفته اند چون هیچ یک از روزنامه های ایرانی حاضر نشده اند مطلب آنها را که یک حقیقت است چاپ کنند اجباراً این آگهی را در تایمز انتشار داده اند در آگهی مذکور سپس نوشته شده که آقای یزدانی ۵۰ سال دارد و صاحب ۶ فرزند است و اکنون ۳ هفته است که

سربراه
چاپ آگهی به نفع هژبر یزدانی

لندن - خبرگزاری پارس - ۱۳۵۷/۶/۱۴

روزنامه تایمز مورخ ۴ سپتامبر یک آگهی از طرف دوستان هژبر یزدانی چاپ کرده است در این آگهی آمده است که هژبر یزدانی یک یهودی نویسنده، سیاستمدار کارگردان فیلم و یا هنرمند نیست. بازداشت هژبر یزدانی مغایر با قانون اساسی است و صرفاً به خاطر ارضاء و خشنودی متعصبین مذهبی صورت گرفته است و هم اکنون جان وی در مخاطره می باشد. دوستان هژبر یزدانی گفته اند چون هیچ یک از روزنامه های ایرانی حاضر نشده اند مطلب آنها را که یک حقیقت است چاپ کنند اجباراً این آگهی را در تایمز انتشار داده اند در آگهی مذکور سپس نوشته شده که آقای یزدانی ۵۰ سال دارد و صاحب ۶ فرزند است و اکنون ۳ هفته است که

چاپ آگهی به نفع هژبر یزدانی

۱۳۵۷/۶/۱۴

۱۹ شهریور ۱۳۵۷

به اتهام انجام عملیات ساختمانی در زمین های غیر مجاز در بازداشت بسر می برد. ولی این اتهام وارد نیست چون وی نامه ای رسمی از وزارتخانه متبوع در دست دارد که اقدام وی را تایید می کند. حتی در صورتی که وی مجرم شناخته شود بعید است که مجازاتش زندان باشد ولی از صدور وجه الضمان در مورد او امتناع شده و مطبوعات دولتی نیز مداوماً وی را مورد حمله قرار می دهند دوستان هژبر یزدانی اکنون اطمینان یافته اند که وی تأمین جانی ندارد و از این نظر شدید در خطر است. نویسندگان این آگهی از دولت جدید خواسته اند به سؤالات

زیر پاسخ دهد.

۱- به چه اتهامی هژبر یزدانی بازداشت شده است؟

۲- دولت در نظر دارد با هژبر یزدانی چکار بکند؟

۳- دولت از خشنود ساختن این متعصبان مذهبی بد طینت که شدیداً مرتجع هستند چه طرفی خواهد بست؟

۱۳۵۷/۶/۱۶

نشریه ۱۷۰ خبرگزاری پارس

در بولتن درج شود ۳۷/۶/۱۵

درج مطالبی در روزنامه تایمز لندن درباره هژبر یزدانی

روزنامه فوق‌الذکر مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۷۸ مطابق با ۵۷/۶/۱۳ (۲۵۳۷) شاهنشاهی) مطالبی از طرف دوستان هژبر یزدانی چاپ کرده است در این روزنامه اشاره شده، هژبر یزدانی یک یهودی، نویسنده، سیاستمدار، کارگردان فیلم و یا هنرمند نیست، بازداشت وی مغایر با مفاد قانون اساسی و صرفاً به خاطر ارضاء و خشنودی متعصبین مذهبی صورت گرفته است و هم‌اکنون جان وی در

مخاطره می‌باشد. دوستان هژبر یزدانی گفته‌اند چون هیچیک از روزنامه‌های ایرانی حاضر نشده‌اند مطالب آنها را که یک حقیقت است چاپ کنند اجباراً این مطالب را در تایمز انتشار داده‌اند. در مطالب مزبور اضافه شده هژبر یزدانی ۵۰ سال دارد و صاحب ۶ فرزند است و اکنون ۲ هفته است که به اتهام انجام عملیات ساختمانی در زمین‌های غیرمجاز در بازداشت بسر می‌برد ولی این اتهام وارد نیست چون مشارالیه نامه‌ای

سری

درج مطالبی در روزنامه تایمز لندن درباره هژبر یزدانی

روزنامه فوق‌الذکر مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۷۸ مطابق با ۵۷/۶/۱۳ (۲۵۳۷) شاهنشاهی) مطالبی از طرف دوستان هژبر یزدانی چاپ کرده است .
 در این روزنامه اشاره شده ، هژبر یزدانی یک یهودی ، نویسنده ، سیاستمدار ، کارگردان فیلم و یا هنرمند نیست . بازداشت وی مغایر با مفاد قانون اساسی است و صرفاً به خاطر ارضاء و خشنودی متعصبین مذهبی صورت گرفته است و هم‌اکنون جان وی در مخاطره می‌باشد . دوستان هژبر یزدانی گفته‌اند چون هیچیک از روزنامه های ایرانی حاضر نشده‌اند مطالب آنها را که یک حقیقت است چاپ کنند اجباراً این مطالب را در تایمز انتشار داده‌اند .
 در مطالب مزبور اضافه شده هژبر یزدانی ۵۰ سال دارد و صاحب ۶ فرزند است و اکنون ۲ هفته است که اتهام انجام عملیات ساختمانی در زمین‌های غیرمجاز در بازداشت بسر می‌برد ولی این اتهام وارد نیست چون مشارالیه نامه ای رسمی از وزارتخانه مربوط فرستاده دارد که اقدام وی را تأیید میکند ، حتی در صورتیکه وی مجبور به تبعات نبوده بعد از آنکه مجازات زندان یافته ولی از قبول وجهه افسران مرصود او امتناع نموده و طبعیات بدنی نیز برآی وی را مورد حمله قرار می‌دهند .
 نویسندگان این مطالب از دولت جدیدی خواسته اند سؤالات زیر پاسخ دهد .
 ۱- چه اتهامی هژبر یزدانی را بازداشت نموده است ؟
 ۲- دولت مر نظر دارد یا هژبر یزدانی چکار بکند ؟
 ۳- دولت از شکوه ساکنین این محلهای مذهبی به‌خاطر که تمهیدات مرجع صند چه طرحی خواهد داشت ؟
 مطالب فوق در روزنامه تایمز درج شده است .
 اطلاعات انجام شده .
 مراتب به نخست وزیر محترم گردیده .

سری

رسمی از وزارتخانه مربوط در دست دارد که اقدام وی را تأیید می‌کند، حتی در صورتی که وی مجرم شناخته شود بعید است که مجازاتش زندان باشد ولی از قبول وجه‌الضمان در مورد او امتناع شده و مطبوعات دولتی نیز مرتباً وی را مورد حمله قرار می‌دهند.

نویسندگان این مطالب از دولت جدید خواسته‌اند به سؤالات زیر پاسخ دهد.

۱- به چه اتهامی هژبر یزدانی بازداشت شده است؟

۲- دولت در نظر دارد با هژبر یزدانی چکار بکند؟

۳- دولت از خشنود ساختن این متعصبان مذهبی بدطینت که شدیداً مرتجع هستند چه طرفی خواهد بست؟

ارزیابی خبر.

مطالب فوق در روزنامه تایمز درج شده است.

اقدامات انجام شده.

مراتب به نخست وزیری منعکس گردید

تاریخ: ۱۳۵۷/۶/۱۵

سفیر شاهنشاه آریامهر در لندن با ارسال متنی که زیر عنوان «هژبر یزدانی» در صفحه ۴ شماره مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۲ روزنامه آبرور به صورت آگهی درج شده است (فتوکی متن مورد اشاره را به پیوست ملاحظه خواهند فرمود) اظهار نظر نموده‌اند با توجه به اینکه در آگهی، مزبور ادعا شده است که

[illegible]

خواهشمند است دستور فرمایند از نتیجه اقدامی که در امتثال او امر مطاع مبارک ملوکانه به عمل خواهند آورد وزارت امور خارجه را مطلع سازند که به آگاهی

سفیر شاهنشاه آریامهر در لندن برسد؟

وزیر امور خارجه امیر خسرو افشار^۱

بعرض جناب آقای نخست وزیر می‌رساند

۱۳۵۷/۶/۱۶ - م/۲۳-۲-۷۱۴

جناب آقای دکتر باهری وزیر دادگستری بررسی و پاسخ منطقی صادر فرمائید. ۵۷/۶/۱۹

۱- امیر خسرو افشار فرزند
علی اکبر در سال ۱۲۹۶ ش در
تهران متولد شد. تحصیلات خود
را تا لیسانس علوم اقتصادی و
اجتماعی دانشگاه ژنو ادامه داد.
سمت‌هایی منجمه: دبیر اول
نماینده‌گی ایران در سازمان ملل،
کفالت اداره سازمان ملل،
ریاست اداره سوم سیاسی، سفیر
ایران در لندن، مدیر کل سیاسی
و معاون وزارت خارجه و... را
عهده‌دار بود. ساواک در سند
بیوگرافیک او آورده است:
«فردی است ملایم و خوش
برخورد، جاه طلب و برای
رسیدن به امیالش هر کاری
انجام می‌دهد. احساسات
انگلیسی دارد انگلیسی‌ها هم به
او اعتماد دارند». افشار از
مهره‌های به اصطلاح سیاسی
مطرح و وفادار به رژیم پهلوی
بود که به لحاظ علاقه شاه به وی
دریافت تمثال توشیح شده وی
مفتخر گردید!.

اسناد ساواک، پرونده‌های
انفرادی.

از: ۳۴۲

گزارش

درباره: هژبر یزدانی

منظور:

استحضاراً از نتیجه تحقیقات انجام شده پیرامون تبانی هژبر یزدانی با محمدتقی حیدری زنگنه معاون بانک ملی شعبه حافظ.

سابقه:

اطلاعات واصله از اداره کل دوم حاکی بود:
 ۱- هژبر یزدانی با تبانی با شخصی بنام حیدری زنگنه معاون بانک ملی شعبه حافظ بالغ بر یک میلیارد ریال از بانک مذکور اخذ اعتبار نموده که مرتباً از این اعتبار استفاده و در پایان هر ماه با سفته بازی و دادن چکهای بلامحل با همکاری حیدری زنگنه ترتیبی می دهد اعتبار مزبور در بانک تأمین گردد، ضمناً گفته شده که هژبر یزدانی

خیبی محرمانه

درباره: هژبر یزدانی

استحضاراً از نتیجه تحقیقات انجام شده پیرامون تبانی هژبر یزدانی با محمدتقی حیدری زنگنه معاون بانک ملی شعبه حافظ.

اطلاعات واصله از اداره کل دوم حاکی بود:

۱- هژبر یزدانی با تبانی با شخصی بنام حیدری زنگنه معاون بانک ملی شعبه حافظ بالغ بر یک میلیارد ریال از بانک مذکور اخذ اعتبار نموده که مرتباً از این اعتبار استفاده و در پایان هر ماه با سفته بازی و دادن چکهای بلامحل با همکاری حیدری زنگنه ترتیبی می دهد اعتبار مزبور در بانک تأمین گردد، ضمناً گفته شده که هژبر یزدانی با تبانی با شخصی بنام حیدری زنگنه معاون بانک ملی شعبه حافظ بالغ بر یک میلیارد ریال از بانک مذکور اخذ اعتبار نموده که مرتباً از این اعتبار استفاده و در پایان هر ماه با سفته بازی و دادن چکهای بلامحل با همکاری حیدری زنگنه ترتیبی می دهد اعتبار مزبور در بانک تأمین گردد، ضمناً گفته شده که هژبر یزدانی

۲- در پیرو خبر فوق گزارش دیگری واصل که مفاد آن گزارش قبلی را تایید و اضافه شده بود در تحقیقات معموله حیدری زنگنه مبلغ دو میلیون ریال از هژبر یزدانی دریافت می نموده که سرانجام مراتب از طریق بانک ملی مورد رسیدگی واقع و نامبردگان تحت تعقیب قانونی قرار گرفته اند.

۳- در اجرای اوامر مراتب جهت تحقیق به اداره کل نهم منعکس و نتیجه تحقیقات

محرمانه

۱۳۵۸/۵/۱۵

۱۳۵۸/۵/۱۵

۱۳۵۸/۵/۱۵

ماهان مبلغ یک میلیون ریال به حیدری زنگنه پرداخت می نماید که مراتب به عرض تیمسار ریاست ساواک رسید فرمودند «غیر مستقیم تحقیق شود»

۲- در پیرو خبر فوق گزارش دیگری واصل که مفاد آن گزارش قبلی را تایید و اضافه شده بود در تحقیقات معموله حیدری زنگنه مبلغ دو میلیون ریال از هژبر یزدانی دریافت می نموده که سرانجام مراتب از طریق بانک ملی مورد رسیدگی واقع و نامبردگان تحت تعقیب قانونی قرار گرفته اند.

۳- در اجرای اوامر مراتب جهت تحقیق به اداره کل نهم منعکس و نتیجه تحقیقات

معموله بعرض می‌رسد :

«مفاد اطلاعیه واصله مورد تایید واقع و اشعار می‌دارد مأمورین اداره کل بازرسی بانک ملی در تاریخ ۳۷/۳/۱۷ ضمن بررسی به حساب جاری اشخاص در شعبه حافظ مواردی از تخلف وسیله آقای محمدتقی حیدری زنکته معاون ریالی بانک درباره حساب جاری ۷۰۷۳ مربوط به آقای هژبر یزدانی مشاهده که نظر به اهمیت موضوع مراتب گزارش و در نتیجه پرونده امریه کمیسیون رسیدگی به تخلفات ارجاع و تحت رسیدگی قرار می‌گیرد.

مراتب جهت استحضار گزارش گردید.

بعرض می‌رسد ۳۷/۶/۱۸

بخش بررسی : نوری

حسینی ۵۷/۶/۲۶

گزارش

تاریخ: ۵۷/۶/۱۹

درباره: دکتر غلامرضا کیانپور^۱ وزیر سابق دادگستری

محترماً به استحضار می‌رساند.

روز ۵۷/۶/۱۸ دکتر سعادت معاون وزارت اطلاعات و جهانگردی در یک مذاکره خصوصی اظهار می‌داشت:

سه روز قبل از تغییر کابینه دکتر جمشید آموزگار از برادران میر (دکتر محمدعلی

و دکتر علی محمد میر استادان دانشکده پزشکی پهلوی [و] دانشگاه تهران و دو قلو هستند) که از دوستان نزدیک دکتر جمشید آموزگار می‌باشد به آقای آموزگار اطلاع می‌دهد که هژبر یزدانی یک چک به مبلغ ۱۰ میلیون تومان در اختیار دکتر غلامرضا کیانپور وزیر دادگستری قرار می‌دهد که مشارالیه از خانم مردی که مورد ضرب اطرافیان هژبر یزدانی قرار گرفته و مدتهاست در حالت بیهوشی به سر می‌برد با

حلی مجرمانه

تاریخ: ۵۷/۶/۱۹

مستریا استحضار می‌رساند:

درباره: دکتر غلامرضا کیانپور وزیر سابق دادگستری

روز ۵۷/۶/۱۸ در تشریفات معاون وزارت اطلاعات و جهانگردی در یک مذاکره خصوصی اظهار می‌داشت:

سه روز قبل از تغییر کابینه دکتر جمشید آموزگار از برادران میر (دکتر محمدعلی و دکتر علی محمد میر استادان دانشکده پزشکی پهلوی و دو قلو هستند) که از دوستان نزدیک دکتر جمشید آموزگار می‌باشد به آقای آموزگار اطلاع می‌دهد که هژبر یزدانی یک چک به مبلغ ۱۰ میلیون تومان در اختیار دکتر غلامرضا کیانپور وزیر دادگستری قرار می‌دهد که مشارالیه از خانم مردی که مورد ضرب اطرافیان هژبر یزدانی قرار گرفته و مدتهاست در حالت بیهوشی به سر می‌برد با

رئیس سازمان اطلاعات و جاسوسان: روزنامه

تجرب: ۵۷/۶/۱۹

حلی مجرمانه

۱- غلامرضا کیانپور شصت و سومین وزیر دادگستری، در سال ۱۳۰۸ در تهران بدینا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و از دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران دکترا اخذ نمود. مشاغل وی عبارت بودند از: قاضی دادگستری، مدیر مالی سازمان برنامه و بودجه، رئیس کارگزینی اصل چهار، معاون گمرکی و اداری امور رئیس شورای سازمان امور اداری و استخدامی کشور، استاندار آذربایجان غربی، استاندار اصفهان، وزیر اطلاعات و جهانگردی.

مطبوعات عصر پهلوی، جلد اول، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص

که کابینه وی سقوط و موضوع منتفی می شود.

مراتب جهت استحضار اعلام می گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت تهران. پرنیانفر

تحقیق شود ۶/۲۰

ریاست اداره یکم عملیات

لطفاً طرح تحقیقی با توجه به امکانات تهیه فرمایید. ۶/۲۰

به : ریاست اداره چهارم عملیات و بررسی
از : اداره سوم عملیات و بررسی ۳۳۲
شماره : ۳۳۲/۲۰۲۵
تاریخ : ۵۷/۶/۱۹
در باره : هژبر یزدانی

پیوست فتوکپی گزارش واصله از نمایندگی انگلیس در مورد نامبرده جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی ارسال می گردد.
رئیس اداره سوم عملیات و بررسی - کاظم زادگان

از طرف ۶/۱۹

صادقیان

در پرونده کلاسه ۵۷۰۸۰ بنام هژبر

یزدانی بایگانی شود. ۵۷/۶/۲۲

رئیس دایره - آیرم ۵۷/۶/۱۹

رئیس بخش ۳۳۲

صادقیان

حلی مجرمانه

شماره ۲۰۲۵
تاریخ ۱۹/۶/۵۷
پیوست

ریاست اداره چهارم عملیات و بررسی
از اداره سوم عملیات و بررسی
و بررسی ۳۳۲
در باره هژبر یزدانی

پیوست فتوکپی گزارش واصله از نمایندگی انگلیس در مورد نامبرده بالا جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی ارسال میگردد.

رئیس اداره سوم عملیات و بررسی - کاظم زادگان

۱۹/۶/۵۷

در پرونده کلاسه ۵۷۰۸۰
رئیس دایره - آیرم
رئیس بخش ۳۳۲ - صادقیان

۵۷/۶/۱۹

۵۷-۲۵۸

گزارش

درباره: هژبر یزدانی

۱- وضعیت: سه روز قبل از تغییر کابینه دکتر جمشید آموزگار، دکتر میرجراح و استاد دانشگاه تهران به آقای نخست وزیر تلفنی اطلاع می دهد که دکتر غلامرضا کیانپور وزیر دادگستری همسر جهانبخش کنارسری انهارى که در اثر ضربه افراد هژبر یزدانی در بیهوشی بسر می برد به دفتر کار خود احضار و به اتفاق چهار نفر از خانم مذکور می خواهند با گرفتن مبلغ سه میلیون تومان رضایت دهد تا مسئله تعقیب قانونی هژبر یزدانی منتفی گردد و اضافه می کند که هژبر یزدانی یک

فقره چک ۱۰/ میلیون
تومانی در اختیار وزیر
دادگستری قرار داده است و
پس از بحث با همسر انهارى
مشارالیهها حاضر به دادن
رضایت نمی گردد.

۲- مأموریت: در مورد
صحت یا سقم موضوع فوق
تحقیقاتی صورت تا مراتب
به عرض تیمسار ریاست
ساواک رسانیده شود.

۳- اجراء: با توجه به اینکه
منابع خبر برادران دکتر میر
می باشد و از طرفی همسر
انهارى طبق گزارش واصله
در اطاق وزیر دادگستری

حضور یافته در صورت تصویب.

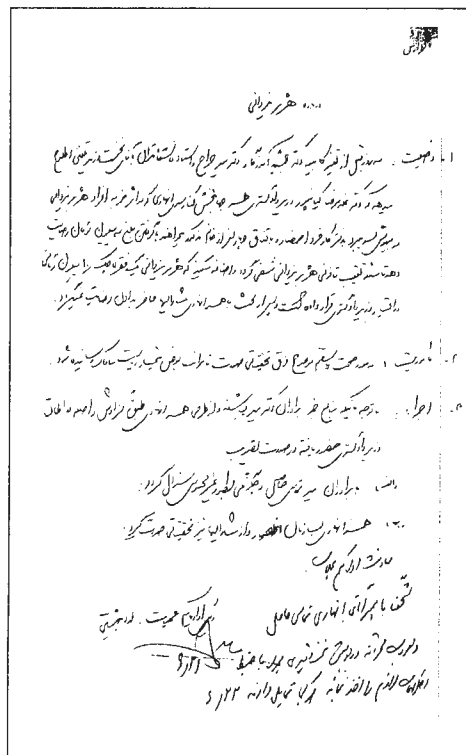
الف) با برادران میر تماس حاصل و چگونگی بطور غیر محسوس سؤال گردد.

ب) همسر انهارى به سازمان احضار و از مشارالیهها نیز تحقیقاتی صورت گیرد.
معاونت اداره یکم عملیات

رئیس اداره یکم عملیات. اردیبهشتی ۶/۲۱

شخصاً با همسر آقای انهارى تماس حاصل و به صورت محرمانه در بولتن نخست وزیری همراه

با ضبط اطلاعات لازم را اخذ نمایند هرکجا تمایل دارند. ۶/۲۲



به: مدیریت کل اداره سوم (۳۴۱)
تاریخ: ۲۱/۶/۳۷
از: سازمان اطلاعات و امنیت تهران ۲۰ ۲۱ هـ شماره: ۵۶۲۰۰/۱۱ هـ
درباره: دکتر غلامرضا کیانپور (وزیر سابق دادگستری)

بدینوسیله یک برگ گزارش در مورد اخذ چک ده میلیون تومانی وسیله
نامبرده فوق از هژبر یزدانی بپیوست ایفاد. ضمناً یک نسخه از گزارش فوق به
حضور تیمسار ریاست ساواک تقدیم گردیده است.

رئیس سازمان اطلاعات و
امنیت تهران - پرنیان فر
از طرف

این موضوع یعنی جلب رضایت
زن انهار می باید مربوط به قبل از
بازداشت هژبر یزدانی باشد که از
طرف آقای معینان ابلاغ شده بود
هژبر یزدانی با پرداخت وجهی
رضایت زن انهار را جلب نماید.

دزدی در حضور چهار نفر غیر

منطقی است ۵۷/۶/۲۲

محترماً بعرض می رساند

۵۷/۶/۲۱

۵۷۰۸۰

حکم
شماره: ۵۶۲۰۰/۱۱ هـ
تاریخ: ۲۱/۶/۳۷
پرونده: ۵۶۲۰۰/۱۱ هـ
از: سازمان اطلاعات و امنیت تهران ۲۰ ۲۱ هـ
ب: مدیریت کل اداره سوم (۳۴۱)
موضوع: جلب رضایت زن انهار
بذات: بدینوسیله به پیوست گزارش در مورد اخذ چک ده میلیون
تومانی از هژبر یزدانی بپیوست ایفاد. ضمناً یک نسخه از گزارش فوق به
حضور تیمسار ریاست ساواک تقدیم گردیده است.
رئیس سازمان اطلاعات و امنیت تهران - پرنیان فر
از طرف

این موضوع یعنی جلب رضایت
زن انهار می باید مربوط به قبل از
بازداشت هژبر یزدانی باشد که از
طرف آقای معینان ابلاغ شده بود
هژبر یزدانی با پرداخت وجهی
رضایت زن انهار را جلب نماید.

دزدی در حضور چهار نفر غیر
منطقی است ۵۷/۶/۲۲
محترماً بعرض می رساند
۵۷/۶/۲۱
۵۷۰۸۰

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰

جناب آقای محمد باهري^۱ وزير دادگستري

تاریخ: ۵۷/۶/۲۱

۱- دکتر محمد باهري در سال ۱۲۹۸ شمسی در شیراز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند و لیسانس حقوق قضایی خود را از دانشگاه تهران دریافت نمود. وی دوره دکترای دولتی حقوق را در دانشگاه پاریس گذراند و مدت ۲۰ سال استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود. باهري که از توده‌ای‌های قدیم و دبیر کمیته حزب توده در فارس بود، بعداً تغییر روش داد و مورد علاقه اسدالله علم واقع شد. در تیرماه ۱۳۴۱ از طرف علم به عنوان مشاور نخست‌وزیر انتخاب گردید و در اواخر همان سال در حقوق بود، به وزارت دادگستري رسید. در سال ۱۳۴۵ به معاونت دربار منصوب شد و مسئولیت امور اجتماعی دربار به او محول گردید. وی مدتی نیز مسئولیت بازرسی عالی شاهنشاهی آموزش عالی را به عهده داشت و سرپرست برنامه‌های تبلیغاتی جشنهای خانمان‌پرانداز ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی نیز بود. باهري از آغاز تأسیس «حزب رستاخیز ملت ایران» بدان پیوست و یک کانون فعال حزبی را در تهران اداره می‌کرد. وی در مرداد ماه سال ۱۳۵۶ به سمت دبیرکلی حزب منصوب شد و در ۵ شهریورماه ۱۳۵۶ به عنوان وزیر دادگستري وارد کابینه شریف امامی گردید. باهري دهها کتاب در مدح خاندان پهلوی منتشر ساخت.

۲- منوچهر آزمون در سال ۱۳۰۹ در تهران به دنیا آمد، وی پس از طی تحصیلات ابتدائی

رونوشت نامه شماره ۲۷۶۴/د ب مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۵ وزارت امور خارجه متضمن ابلاغ امریه مطاع مبارک ملوکانه دربار مطاع مندرج در روزنامه آبرور تحت عنوان هژبر یزدانی به انضمام فتوکپی ضمیمه آن به پیوست ارسال می‌شود. در اجرای دستور جناب آقای نخست‌وزیر خواهشمند است دستور

فرمایید موضوع را بررسی و پاسخ مقتضی صادر فرمایند. وزیر مشاور در امور اجرائی منوچهر آزمون^۲

یوسف مجتهدی ۱۳۵۷/۶/۲۱

فعلاً اقدامی ندارد

تاریخ: ۱۳۵۷/۶/۲۱
شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰
بسمت: (رئیس)

نخست‌وزیر

جناب آقای محمد باهري وزیر دادگستري

رونوشت نامه شماره ۲۷۶۴/د ب مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۵ وزارت امور خارجه متضمن ابلاغ امریه مطاع مبارک ملوکانه دربار مطاع مندرج در روزنامه آبرور تحت عنوان هژبر یزدانی به انضمام فتوکپی ضمیمه آن به پیوست ارسال می‌شود. در اجرای دستور جناب آقای نخست‌وزیر خواهشمند است دستور فرمایید موضوع را بررسی و پاسخ مقتضی صادر فرمایند.

وزیر مشاور در امور اجرائی
منوچهر آزمون

۱۳۵۷/۶/۲۱

و متوسطه در کنکور اعزام
محصل به خارج شرکت نمود و
راهی آلمان غربی شد و پس از
مدت کوتاهی به دلیل مشکلات
اقتصادی راهی آلمان شرقی شد و
با توده‌ایها دست همکاری داد.
آزمون در شهریور ۱۳۳۶
دانشنامه دکتری خود را در رشته
اقتصاد سیاسی از دانشگاه
لایپزیک دریافت داشت او
همزمان دوره تخصصی فلسفه
مارکسیستی و اصول سازمانی
احزاب کمونیست را در دانشکده
کارل مارکس طی کرد و سپس به
آلمان غربی بازگشت. بعضی
منابع تحقیقاتی معتقدند که در
این سفر او وصل به سرویس‌های
اطلاعاتی شده است. او یک ماه
پس از بازگشت به آلمان غربی با
نام مستعار «خوش نقش» در
ایستگاه ساواک در آلمان
استخدام می‌شود چند روز پیش
از بازگشت به آلمان با یک زن

تبعه آلمان شرقی ازدواج که ثمره
آن یک دخستر است او در
اردیبهشت سال ۱۳۴۰ به ایران
مراجعت و در بخش کمونیسم
ساواک مشغول به کار گردید. و
در آبان سال ۱۳۴۶ مشاور عالی
سرپرست تلویزیون به منظور
نظارت بر برنامه‌های اجتماعی و
سیاسی منصوب می‌شود. وی
بالاخره در شهریور سال ۱۳۴۷
از ساواک به وزارت اطلاعات و
جهانگردی منتقل و معاون فنی
این وزارتخانه شد. آزمون در
خرداد ماه سال ۱۳۵۰ معاون
وزیر کشور و در شهریور ماه
معاون نخست وزیر و رئیس
سازمان اوقاف شد. که موجب
نارضایتی بسیاری از روحانیون
شد. آزمون در انتخابات دوره
بیست و چهارم مجلس شورای
ملی (۳۰ خرداد سال ۱۳۵۴) به
عنوان نماینده اول تهران به
مجلس راه یافت.

وی در آبان سال ۱۳۵۵ به سمت
وزیر کار و امور اجتماعی
منصب شد. و پس از سقوط
دولت امیر عباس هویدا در دولت
جمشید آموزگار استاندار فارس
شد و در ۵ شهریور عنوان وزیر
مشاور در امور اجرایی دولت
شریف امامی را کسب نمود و
زمانی که به بی نتیجه بودن پست
خود پی برد در ۵ آبان استعفاء داد
و در ۹ آبان حزب «اتحاد خلق
ایران» را پایه گذاشت ولی عمر
این حزب چند روزه با بازداشت
آزمون به پایان رسید این
بازداشت ادامه داشت تا در ۲۰
فروردین سال ۱۳۵۸ به همراه
جمعی از بلندپایگان رژیم شاه
اعدام گردید.
ر.ک. مجله مطالعات سیاسی،
مقاله آرزوهای پایان‌ناپذیر.
۱۴۶ - ۱۸۹

به : مدیریت کل اداره سوم ۳۴۲
 از : سازمان اطلاعات و امنیت تهران ۲۲ ه ۲۰ شماره ۲۲ ه ۲۰ / ۶۱۲۹۳
 درباره : هژبر یزدانی

اینک که پرونده تخلفات هژبر یزدانی در مراجع قضائی تحت رسیدگی می باشد و به منظور رسیدگی به وضع یاد شده از دادگاههای سراسر کشور استعلام گردیده که چنانچه سوابقی از وی دارند چگونگی را به مرکز منعکس

نمایند به استحضار می رساند که از طریق این سازمان نیز در مورد وضعیت یاد شده فوق قبلاً گزارشاتی طی شماره های ۵۵/۹/۸ ه ۲۰/۶۱۹۸۹ و ۵۲۰/۶۳۳۷۹

۵۶/۶/۳۱-۲۲ تقدیم گردیده که قابل بررسی می باشد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت تهران. پرنیان فر
 آقای نوری

خیلی محرمانه

شماره ۵۴/۶/۱۴۶۴
 تاریخ ۵۴/۶/۲۳
 پرونده ۵۴/۶/۲۳

سازمان اطلاعات و امنیت تهران ۲۲ ه ۲۰ / ۶۱۲۹۳
 تهران ۲۲ ه ۲۰ / ۶۱۲۹۳
 درپناه حق تعالی

اینک که پرونده تخلفات هژبر یزدانی در مراجع قضائی تحت رسیدگی می باشد و به منظور رسیدگی به وضع یاد شده از دادگاههای سراسر کشور استعلام گردیده که چنانچه سوابقی از وی دارند چگونگی را به مرکز منعکس نمایند. با استعلامها و رسیدگیها از طریق این سازمان نمود مجدد وضعیت یاد شده فوق قبلاً گزارشاتی طی شماره های ۵۵/۹/۸-۲۲ ه ۲۰ / ۶۱۲۹۳ و ۵۲۰/۶۳۳۷۹-۲۲ ه ۲۰ / ۶۱۲۹۳ تقدیم گردیده که قابل بررسی می باشد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت تهران. پرنیان فر

خیلی محرمانه

۵۴/۶/۲۵
 ۵۴/۶/۲۵

خیلی محرمانه

۵۴-۱۱۵

شماره: ۷۲۴-۲-۲۳۰

تاریخ: ۳۷/۶/۲۵

جناب آقای محمد باهری وزیر دادگستری

پیرو ۷۱۴-۲-۲۳۰ م مورخ ۵۷/۶/۲۱ موضوع نامه شماره ۱۷۶۴/د ب مورخ ۵۷/۶/۱۵ وزارت امور خارجه درباره مطلب مندرج در روزنامه آبرور، خواهشمند است دستور فرمایید نتیجه اقدام را اعلام فرمایند تا مراتب به استحضار برسد.

بازرس مخصوص

نخست وزیر. سرهنگ

هوشنگ ارم

۵۷/۷/۸

تاریخ ۱۳۵۷/۶/۲۵
شماره ۵۷-۶-۲۳۰-۲

نخست وزیر
وزیر دادگستری

جناب آقای محمد باهری
وزیر دادگستری

پیرو ۷۱۴-۲-۲۳۰ م مورخ ۵۷/۶/۲۱ موضوع نامه شماره ۱۷۶۴/د ب مورخ ۵۷/۶/۱۵ وزارت امور خارجه در باره مطلب مندرج در روزنامه آبرور، خواهشمند است نتیجه اقدام را اعلام فرمایند تا مراتب به استحضار برسد.

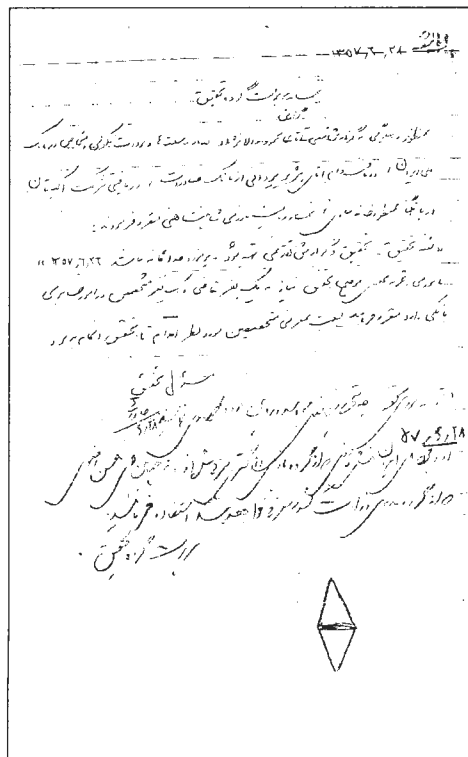
بازرس مخصوص، نخست وزیر، سرهنگ هوشنگ ارم

۵۷/۷/۸

[تاریخ: سه‌شنبه ۱۳۵۷/۶/۲۸]

تیمسار سرپرست گروه تحقیق گزارش

به منظور رسیدگی به گزارش تلفنی آقای محمود والانژاد درباره سفته‌ها و پروات نکولی اشخاص در بانک ملی ایران، دریافت وام آقای هژبر یزدانی از بانک صادرات، دریافتی شرکت اکباتان در بانکها به منظور خانه‌سازی، تیمسار ریاست بازرسی شاهنشاهی مقرر فرمودند.



«شعبه تحقیق - تحقیق و

گزارش تقدیمی تهیه شود -

هر مورد جداگانه باشد

«۱۳۵۷/۶/۲۶»

با بررسی و تجزیه و تحلیل

علنی موضوع تحقیق نیاز به

یک نفر قاضی و یک نفر

مستخص در امور

حسابرسی بانکی دارد مقرر

فرمایند نسبت به معرفی

متخصصین مورد نظر اقدام

تا تحقیق انجام پذیرد.

مسئول تحقیق

دفتر - بررسی شود چه

متخصصینی می‌توانند در این

مورد همکاری نمایند. صدری

۶/۲۸

از وجود آقای ایرانمنش قاضی که از گروه بازرسی دادگستری معرفی شده‌اند همچنین آقای حسن

رضوی که از گروه بازرسی وزارت کشور معرفی خواهد شد استفاده فرمایند. سرپرست گروه

تحقیق

به: ۳۴۵

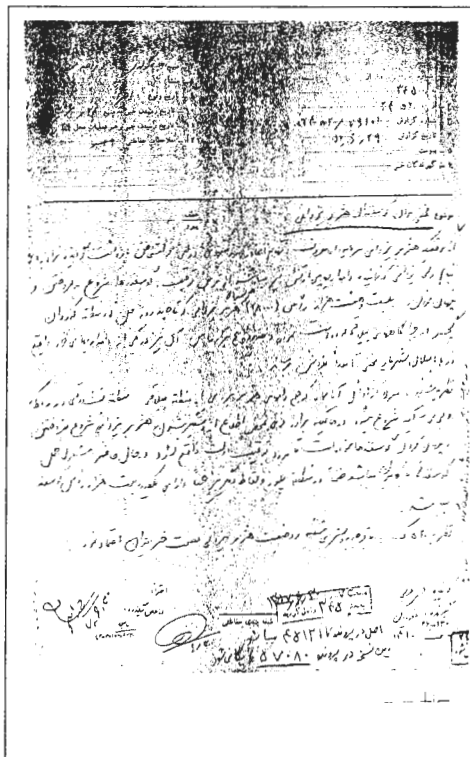
تاریخ: ۵۷/۶/۲۹

از: ۲۴۵۲۰

شماره: ۲۴۵۲۰/۷۶۱۰۱

موضوع: مخفی نمودن گوسفندان هژبر یزدانی

از موقعی که هژبر یزدانی سرمایه دار معروف به اتهام تجاوز به زمینهای دولتی و اشخاص بازداشت گردیده برادر وی بنام ولی یزدانی که نماینده دامداریهای ارتش نیز می باشد از ترس توقیف گوسفندها شروع به فروختن و پنهان نمودن بیست و هشت هزار رأس (۲۸۰۰۰) گوسفندهای هژبر یزدانی که تا چند روز قبل در



منطقه کندوان گچسر در چراگاههای ییلاقی بوده است نموده و حدود پنج هزار رأس آن نیز در یکی از دامداریهای خود واقع در باباسلمان شهریار مخفی تا بعداً بفروش برساند.

نظریه شنبه: معمولاً از اوائل آبان ماه کوچ دامهای هژبر یزدانی از منطقه ییلاقی به منطقه قشلاقی در رباط کریم و بی بی سکنه شروع می شود در حالی که برادر وی به محض اطلاع از دستگیر شدن هژبر یزدانی شروع به فروختن و پنهان کردن

گوسفندها نموده است تا مورد توقیف دولت واقع نشود در حال حاضر مشغول حمل گوسفندها با کامیون می باشد ضمناً در منطقه پلور و نقاط دیگر نیز جمعاً دارای یکصد و بیست هزار رأس گوسفند می باشد.

نظریه ۲۰ هک: با توجه به دسترسی شنبه و وضعیت هژبر یزدانی به صحت خبر می توان اعتماد نمود. گوینده: آقای عربی گیرنده: غفوریان

اصل در پرونده ۴۵۱۲۱۷ می باشد این نسخه در پرونده ۵۷۰۸۰ بایگانی شود

احتراماً از عرض می گذرد. به مصلحت است فتوکی به پرونده هژبر یزدانی الصاق گردد

تاریخ تحویل به مسئول تحقیق: ۱۳۵۷/۶/۲۷ گزارش

محمود و الانزاد تلفنی به دفتر ویژه اطلاعات اظهار داشت:

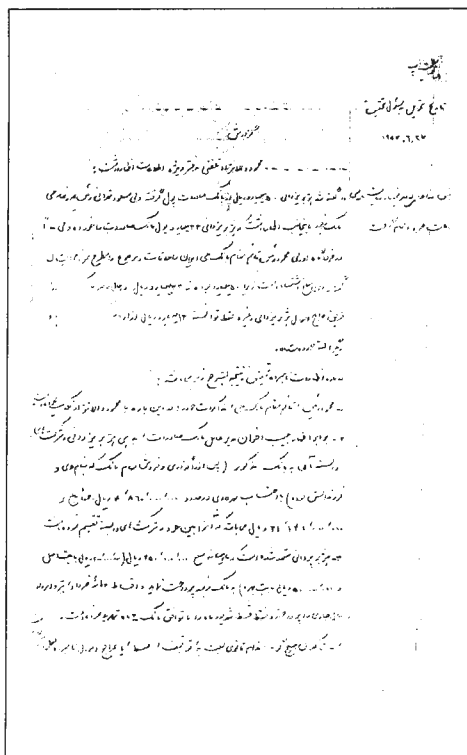
در اجرای اوامر تیمسار ریاست بازرسی شاهنشاهی انجام گرفت «گفته شد هژبر یزدانی ۵۰ میلیارد ریال از بانک صادرات پول گرفته ولی مسعود تهرانی رئیس امور خارجی بانک مزبور به اینجانب اظهار داشت که هژبر یزدانی ۳۳ میلیارد

پول بانک صادرات را خورده ولی بعداً در فرودگاه اورلی محمود رئیس قائم مقام بانک ملی ایران را ملاقات و موضوع را مطرح نمودم ایشان گفتند این مبلغ اشتباه است زیرا ۵۰ میلیارد بوده - ۳۳ میلیارد ریال در حال حاضر [ناخوانا] از طریق حراج اموال هژبر یزدانی و غیره فقط توانسته ۱۳ میلیارد ریال از او وصول گردد ۲۰ میلیارد دیگر البته خورده شده.»

درباره اظهارات نامبرده تحقیق و نتیجه بشرح زیر می باشد:

۱- محمود رئیس^۱ قائم مقام بانک ملی مذاکرات خود را در این باره با محمود و الانزاد تکذیب نموده است.

۲- برابر اظهار حبیب اخوان مدیرعامل بانک صادرات، بدهی هژبر یزدانی و شرکت های وابسته به آن به بانک مذکور (پس از واگذاری و فروش سهام بانک که بنام وی و فرزندانش بوده) با احتساب بهره ای در حدود ۴/۸۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً بالغ بر ۳۱/۱۴۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که آن را بین خود و



۱- محمود رئیس فرزند حسن در سال ۱۲۹۳ ش در تهران دنیا آمد. تحصیلات خود تا دیپلم از دبیرستان لاکانال پاریس ادامه داد و مشاغل از جمله: معاون بانک ملی، استاد مؤسسه بانکداری، عضو شورای بانک تجارت خارجی، قائم مقام مدیر کل، بانک ملی ایران، عضو اصلی هیأت رسیدگی به بانک های دولتی، عضو شورای سیاسی سازمان انتقال خون ایران، عضو باشگاه ورزشی شاهنشاهی و... را عهده دار بود. از حیث سیاسی طرفدار سیاست رژیم پهلوی بوده و به پاس خدمت به این رژیم نشان همایون و تاجگذاری دریافت نموده است. وی همچنین عضو جمعیت فراماسونری و رئیس لژ جویندگان کمال سقراط نیز بوده است.

- استاد ساواک، پرونده های

انفرادی.

شرکت‌های وابسته تقسیم نموده است.

۳- هژیر یزدانی متعهد شده است که ماهیانه مبلغ ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل و ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت بهره) به بانک مزبور پرداخت نماید و اقساط سه ماهه خرداد و تیر و امرداد سال جاری را پرداخته و فقط قسط شهریور ماه را با توافق بانک ۲ ماه تمدید نموده است.

۴- تاکنون هیچ‌گونه اقدام قانونی نسبت به توقیف، ضبط یا حراج اموال نامبرده بعمل نیآورده است.

۵- بانک صادرات مراتب بالا را بطور محرمانه به نخست‌وزیری، وزارت اقتصاد و امور دارائی و بانک مرکزی گزارش نموده است.

۶- پیشنهاد :.....

مسئولان تحقیق :.....

۲

۵- بانک صادرات مراتب بالا را بطور محرمانه به نخست‌وزیری، وزارت اقتصاد و امور دارائی و بانک مرکزی گزارش نموده است.

پیشنهاد :.....

مسئولان تحقیق :.....

.....

.....

.....

پیشگاه مبارک علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران

چاکر جان نثار و پدرانم سالها است که به دامداری و کشاورزی اشتغال داشته و به حکایت پرونده حصر وراثت میلیونها تومان از پدر به ارث برده و با سرمایه شخصی همسرم جمع و در راه خدمت به کشور به کارم انداخته‌ام و خداوند بر این حرکت برکتی نازل فرموده و موفق به تشکیل سی واحد کشاورزی و صنعتی و پرورش سیصد هزار رأس دام گردیده و از این ممر شصت هزار نفر کارگر و

کارمند و مهندس
امرار معاش می‌نمایند، و
محصولات کارخانجات قند
غلام جان نثار زاید بر نصف
مصرف کشور را تأمین
می‌نماید.

متأسفانه مدتی است به
اتهامات واهی و بی‌اساس
بازداشتم کرده‌اند و چاکر با
علم و یقین براینکه
بی‌گناهییم در مراجع ذیصلاح
ثابت خواهد شد تسلیم این
بی‌عدالتی شده‌ام و اگر
مصلحت اداری و سیاسی
کشور هم بازداشت چاکر را
ایجاب نماید باز مطیع

پیشگاه مبارک علیاحضرت نوح پهلوی شهبانوی ایران

بناچار جان نثار و پدرانم سالها است به دامداری و کشاورزی اشتغال داشته و به حکایت پرونده حصر وراثت میلیونها تومان از پدر به ارث برده و با سرمایه شخصی همسرم جمع و در راه خدمت به کشور به کارم انداخته‌ام و خداوند بر این حرکت برکتی نازل فرموده و موفق به تشکیل سی واحد کشاورزی و صنعتی و پرورش سیصد هزار رأس دام گردیده و از این ممر شصت هزار نفر کارگر و کارمند و مهندس و مصلحت اداری و سیاسی کشور را تأمین می‌نماید.

متأسفانه مدتی است به اتهامات واهی و بی‌اساس بازداشتم کرده‌اند و چاکر با علم و یقین براینکه بی‌گناهییم در مراجع ذیصلاح ثابت خواهد شد تسلیم این بی‌عدالتی شده‌ام و اگر مصلحت اداری و سیاسی کشور هم بازداشت چاکر را ایجاب نماید باز مطیع

محض و تسلیم هستم التهایه ادامه بازداشتم موجب اختلال اداره امور واحدهای وابسته و پاسخگوئی به خواسته‌های شصت هزار کارمند و کارگر و حل و فصل امور مالی شرکت‌های معروضه که هر یک وام و اعتبارات متناهی به ضمانت و تعهد چاکر از مؤسسات پولی خارج و داخل دریافت داشته‌اند خواهد شد و عدم وصول مطالبات و انجام به موقع تعهدات مجتمع کشت و صنعت چاکر را به ورشکستگی و فنا تهدید می‌نماید که محققاً در وضع اقتصادی کشور بی‌اثر نخواهد بود.

فرح پهلوی
چاکر

روی این اصل دست توسل به خاک پای علیاحضرت شهبانوی ایران تنها مظهر عدل و داد کشور دراز و استرحاماً استدعا دارد اوامر علیاحضرت شرفصدور یابد بر اینکه چاکر را برای اداره امور تجاریم برابری مقررات قانونی که مسبوق به سابقه بوده و تعداد زیادی از زندانیان مرتباً استفاده نموده‌اند روزی چند ساعت تحت نظر و مراقبت مأمورین به مرکز کارم اعزام و پس از انجام امور به زندان اعاده‌ام فرمایند. علیاحضرتا - چاکر در این آب و خاک متولد و بزرگ شده و به کشور و شاهنشاه خود علاقه دارم و جز اینکه برای خدمت به کشور در راه اجرای منویات پدر تاجدار خود سرمایه خود را در کشور به کار انداخته و با کوشش و تلاش شبانه‌روزی موفقیت‌هایی نصیبم شده گناه دیگری نداشته و در راه خدمت به کشور و رهبر خردمند از بذل جان و مال دریغ ندارم.

غلام جان‌نثار هژیر یزدانی

در کمال ادب و احترام به استحضار عالی می‌رساند: اینجانب هزبریزدانی به استناد پرونده‌ای که اتهامات واهی و بلادلیل آن اظهر من الشمس است از تاریخ ۵۷/۵/۲۴ در زندان بسر می‌برم که چنانچه یک نفر قاضی بی‌نظر و مؤمن به اساس و موازین قضائی آن را مطالعه نماید بدون کمترین تردید عرایض را تصدیق و صحنه‌سازی معموله به منظور بازداشت مرا تأیید خواهد نمود. بهترین

شاهد صادق قضیه آنکه در پرونده‌ای که عنوان جانی به آن بخشیده و مرا متهم به معاونت در اتهام منتسبه نموده‌اند مباشرین یا عاملین جرم را با تأمین کفیل یا وثیقه آزاد مرا در بازداشت موقت زندانی کرده‌اند و از تاریخ صدور قرار که منتهی به بازداشت اولیه و سپس تبدیل آن به قرار بازداشت موقت گردید کراراً درخواست و استدعا کردم که مرا چون سایر متهمین با تأمین کفیل یا وثیقه صادره آزاد تا با رتق وفتق امور

[illegible]

اقتصادی و تجاری خود از ورود لطافات ناشیه از بحرانی که ممکن است بر اثر کاری از محیط کار و محاسبات زیربط به اقتصاد و تجارت مؤسسات تحت سرپرستی اینجانب که ملازمه با روابط اقتصادی کشور نیز خواهد داشت جلوگیری و موجبات ناراحتی و نارضائی عده‌ای که از این طریق اعاشه می‌نمایند فراهم نشود. ولی متأسفانه به هیچیک از درخواستهای قانونی حقیر توجه بعمل نیامده و با اقداماتی که آثار عناد و خودخواهی و لجاج از آن هویدا است مرا در زندان نگاهداشته‌اند.

جناب آقای نخست‌وزیر به خلاف آنچه که شایعات توأم با اغراض مرا مردی مقروض و حاضر از پرداخت دیون قلمداد کرده و می‌نمایند. بشرحی که ذیلاً از لحاظ مبارک می‌گذرد، شرکتها و مؤسسات تحت سرپرستی حقیر شخصاً در قبال دیون و بدهی‌هایی که به سازمانهای تجاری مملکت داریم دارائی لازم و کافی داشته و به هیچ‌وجه عاجز از پرداخت دیون خود نیستیم که برای اثبات صحت عرایض معروض استدعا می‌کنم، کارشناس یا کارشناسان متعهد و مسلط به تخصص مربوط را تعیین تا با حضور خود یا نمایندگان کلیه محاسبات را

بررسی و نتیجه را که جز آنچه فوقاً معروض گردید، چیز دیگری نخواهد بود به عرضتان برسانند. اکنون بطور اختصار و ایجاز دارائی و دیون هر یک از مؤسسات تحت اداره خود را احصاء و معروض می‌دارد:

الف - کارخانه قند اصفهان : جمع تقریبی تعهدات حدود دو میلیارد ریال مجموع دارائی برابر ارزیابی مخبرین وزارت امور اقتصادی و دارائی حدود هشت میلیارد ریال

ب - کارخانه قند شیروان :

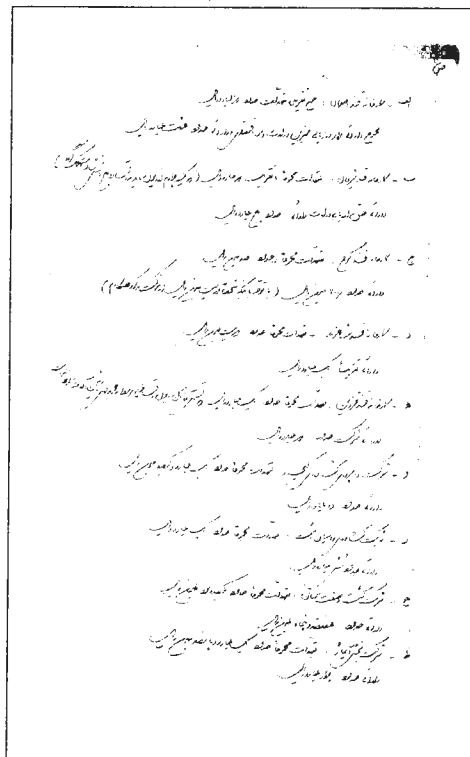
تعهدات مجموعاً با تقریب دو میلیارد ریال (که یک چهارم از دیون باید به اقساط پنج تا شش ساله مستهلک گردد)

دارائی طبق ارزیابی وزارت دارائی : حدود پنج میلیارد ریال

ج - کارخانه قند کرج : تعهدات مجموعاً در حدود صد میلیون ریال

دارائی حدود ۷۰۰/ میلیون ریال (با توجه به اینکه شخصاً دویست میلیون ریال از شرکت مذکور طلبکارم)

د - کارخانه قند شاه‌زند - تعهدات مجموعاً حدود دویست میلیون ریال



دارائی تقریباً یک میلیارد ریال

ه- کارخانه قند قزوین: تعهدات مجموعاً حدود یک میلیارد ریال که قسمتی از آن مدیون اقساطی مربوط خریداری ماشین آلات کارخانه است دارائی شرکت حدود دو میلیارد ریال

و- شرکت دامپروری و کشاورزی کیخسرو: تعهدات مجموعاً حدود یک میلیارد و یکصد میلیون ریال

دارائی حدود ده میلیارد ریال

ز- شرکت کشاورزی رامیان

داشت: تعهدات مجموعاً

حدود یک میلیارد ریال

دارائی حدود شش میلیارد

ریال

ح- شرکت کشت و صنعت

سمنان: تعهدات مجموعاً

حدود یکصد و نود میلیون

ریال

دارائی حدود هفتصد و پنجاه

میلیون ریال

ط- شرکت پخش آلیاژ:

تعهدات مجموعاً حدود یک

میلیارد و پانصد میلیون ریال

دارائی حدود چهار میلیارد

ریال

ی- شرکت کفش اطمینان: تعهدات مجموعاً حدود یک میلیارد و پانصد میلیون

ریال

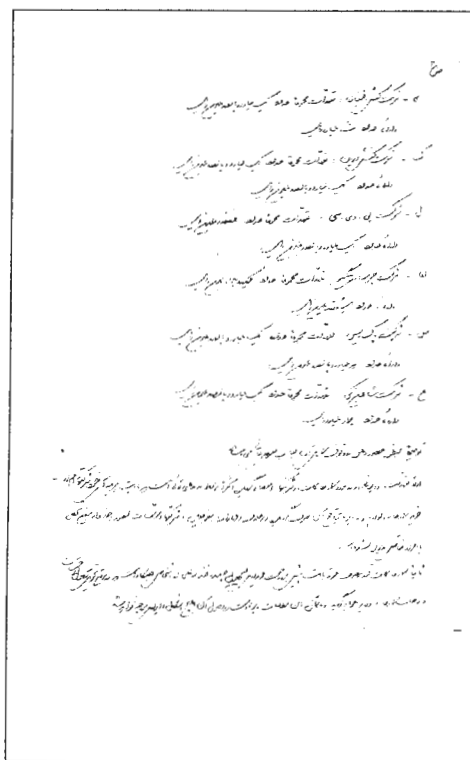
دارائی حدود سه میلیارد ریال

ک- شرکت کفش ایران: تعهدات مجموعاً حدود یک میلیارد و پانصد میلیون

ریال

دارائی حدود یک میلیارد و پانصد میلیون ریال

ل- شرکت پی. وی. سی: تعهدات مجموعاً حدود هفتصد ملیون ریال دارائی



حدود یک میلیارد و پانصد ملیون ریال

ن - شرکت چرمسازی سنگسر: تعهدات مجموعاً حدود یکصد و پنجاه ملیون

ریال دارائی حدود یک میلیارد و پانصد ملیون ریال

ص - شرکت پاک ریس: تعهدات مجموعاً حدود یک میلیارد و پانصد ملیون

ریال دارائی حدود دو میلیارد پانصد ملیون ریال

ع - شرکت شاهین کی: تعهدات مجموعاً حدود یک میلیارد و پانصد ملیون ریال

دارائی که حدود چهار میلیارد ریال

توضیحاً به منظور حضور

ذهن و وقوف کامل آن

جناب بعرض عالی

می‌رساند:

اولاً تعهدات و دیونی که در

مورد کارخانجات و شرکتهای

احصاء گردیده اکثراً مربوط

به بدهی‌هایی است که بابت

هزینه‌های خود شرکتهای اعم

از خرید کارخانه و لوازم و

سایر مایحتاج آن صرف

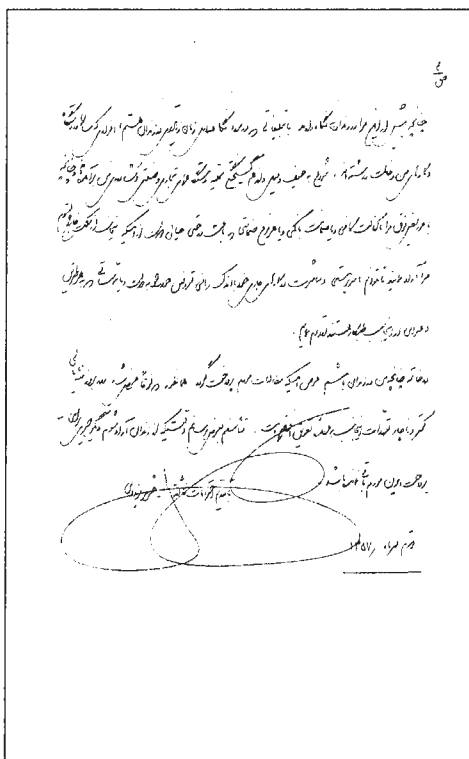
گردیده و برخلاف اظهارات

مغرضین، شرکتهای و

مؤسسات به منظور اخذ وام

به نفع شخصی یا افراد خاص

مدیون نشده‌اند.



ثانیاً کارخانجات قند موصوف عموماً بابت پیش پرداخت خریداری محصول

چغندر قند مبالغی از اشخاص طلبکار است که در موقع تحویل محصول

احتساب و به حساب کارخانه واریز خواهد گردید و بالمال این مطالبات دیونی

است که وصول آن هیچ اشکال و ایرادی مواجه نخواهد شد.

چنانچه بیش از این مرا در زندان نگاه دارند با تبلیغاتی که در مورد نگاهداری

زمان زیادتری در زندان هستم، افرادی که سالها در دستگاه و کارهای من دخالت

داشته‌اند، شروع به حیف و میل و از هم گسیختگی کلیه دستگاههای تجاری و

صنعتی و کشاورزی من برآمده و چنانچه با عرایض فوق مرا با کفالت کافی و یا ضمانت بانکی و یا هر نوع ضمانتی که باعث راحتی خیال دولت از اینکه اینجانب از مملکت خارج نشوم مرا آزاد نمایند تا بتوانم با سرپرستی و مباشرت در کارهای جاری خود با اندک زمانی قروض خود را به دولت و یا مؤسساتی که به هر طریق و عنوانی از اینجانب طلبکار هستند اقدام نمایم.

در خاتمه چنانچه من در زندان باشم عوض اینکه مطالبات مردم پرداخت گردد همانطور که فوقاً عرض شد روز بروز بنیه مالی کمتر و ناچار تعهدات اینجانب به عهده تعویق افتاده است. متأسفم بعرض برسانم وقتی که از زندان آزاد شوم دیگر چیزی برای پرداخت دیون مردم باقی نمانده باشد.

با تقدیم احترامات فائقه - هژبر یزدانی

دوم مهر ماه ۱۳۵۷

تاریخ: ۵۷/۷/۳

شماره: ۲۰۳۹۰/۲۲۲

عطف ٥٧/٥/٢٨-٢٢٢/٢٠١٨٨

به اقساط ماهیانه ۲۵ میلیون تومان پرداخت نماید لکن در حال حاضر مدت دو ماه است که پرداخت مبلغ مذکور به تأخیر افتاده است علیهذا با توجه به این که پس از زندانی شدن هژبر یزدانی رسیدگی به امور مالی وی به آقای سلمان پور مدیر عامل بانک ایرانیان وکالت داده شده معهذا نامبرده نتوانسته است در اداره نمودن تأسیسات انتفاعی مورد وکالت (اقتصادی - صنعتی - کشاورزی) موفقیتی حاصل نماید که در نتیجه

پست سازمانی
 رئیس هیئت مدیره

شماره سند: ۱۰۰۰۰۰۰۰
 تاریخ: ۱۳۹۰/۰۵/۰۵

موضوع: ...

۱- ...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- ...

۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...

۱۵- ...

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- ...

۱۹- ...

۲۰- ...

۲۱- ...

۲۲- ...

۲۳- ...

۲۴- ...

۲۵- ...

۲۶- ...

۲۷- ...

۲۸- ...

۲۹- ...

۳۰- ...

۳۱- ...

۳۲- ...

۳۳- ...

۳۴- ...

۳۵- ...

۳۶- ...

۳۷- ...

۳۸- ...

۳۹- ...

۴۰- ...

۴۱- ...

۴۲- ...

۴۳- ...

۴۴- ...

۴۵- ...

۴۶- ...

۴۷- ...

۴۸- ...

۴۹- ...

۵۰- ...

۵۱- ...

۵۲- ...

۵۳- ...

۵۴- ...

۵۵- ...

۵۶- ...

۵۷- ...

۵۸- ...

۵۹- ...

۶۰- ...

۶۱- ...

۶۲- ...

۶۳- ...

۶۴- ...

۶۵- ...

۶۶- ...

۶۷- ...

۶۸- ...

۶۹- ...

۷۰- ...

۷۱- ...

۷۲- ...

۷۳- ...

۷۴- ...

۷۵- ...

۷۶- ...

۷۷- ...

۷۸- ...

۷۹- ...

۸۰- ...

۸۱- ...

۸۲- ...

۸۳- ...

۸۴- ...

۸۵- ...

۸۶- ...

۸۷- ...

۸۸- ...

۸۹- ...

۹۰- ...

۹۱- ...

۹۲- ...

۹۳- ...

۹۴- ...

۹۵- ...

۹۶- ...

۹۷- ...

۹۸- ...

۹۹- ...

۱۰۰- ...

۱۰۱- ...

۱۰۲- ...

۱۰۳- ...

۱۰۴- ...

۱۰۵- ...

۱۰۶- ...

۱۰۷- ...

۱۰۸- ...

۱۰۹- ...

۱۱۰- ...

۱۱۱- ...

۱۱۲- ...

۱۱۳- ...

۱۱۴- ...

۱۱۵- ...

۱۱۶- ...

۱۱۷- ...

۱۱۸- ...

۱۱۹- ...

۱۲۰- ...

۱۲۱- ...

۱۲۲- ...

۱۲۳- ...

۱۲۴- ...

۱۲۵- ...

۱۲۶- ...

۱۲۷- ...

۱۲۸- ...

۱۲۹- ...

۱۳۰- ...

۱۳۱- ...

۱۳۲- ...

۱۳۳- ...

۱۳۴- ...

۱۳۵- ...

۱۳۶- ...

۱۳۷- ...

۱۳۸- ...

۱۳۹- ...

۱۴۰- ...

۱۴۱- ...

۱۴۲- ...

۱۴۳- ...

۱۴۴- ...

۱۴۵- ...

۱۴۶- ...

۱۴۷- ...

۱۴۸- ...

۱۴۹- ...

۱۵۰- ...

۱۵۱- ...

۱۵۲- ...

۱۵۳- ...

۱۵۴- ...

۱۵۵- ...

۱۵۶- ...

۱۵۷- ...

۱۵۸- ...

۱۵۹- ...

۱۶۰- ...

۱۶۱- ...

۱۶۲- ...

۱۶۳- ...

۱۶۴- ...

۱۶۵- ...

۱۶۶- ...

۱۶۷- ...

۱۶۸- ...

۱۶۹- ...

۱۷۰- ...

۱۷۱- ...

۱۷۲- ...

۱۷۳- ...

۱۷۴- ...

۱۷۵- ...

۱۷۶- ...

۱۷۷- ...

۱۷۸- ...

۱۷۹- ...

۱۸۰- ...

۱۸۱- ...

۱۸۲- ...

۱۸۳- ...

۱۸۴- ...

۱۸۵- ...

۱۸۶- ...

۱۸۷- ...

۱۸۸- ...

۱۸۹- ...

۱۹۰- ...

۱۹۱- ...

۱۹۲- ...

۱۹۳- ...

۱۹۴- ...

۱۹۵- ...

۱۹۶- ...

۱۹۷- ...

۱۹۸- ...

۱۹۹- ...

۲۰۰- ...

۲۰۱- ...

۲۰۲- ...

۲۰۳- ...

۲۰۴- ...

۲۰۵- ...

۲۰۶- ...

۲۰۷- ...

۲۰۸- ...

۲۰۹- ...

۲۱۰- ...

۲۱۱- ...

۲۱۲- ...

۲۱۳- ...

۲۱۴- ...

۲۱۵- ...

۲۱۶- ...

۲۱۷- ...

۲۱۸- ...

۲۱۹- ...

۲۲۰- ...

۲۲۱- ...

۲۲۲- ...

۲۲۳- ...

۲۲۴- ...

۲۲۵- ...

۲۲۶- ...

۲۲۷- ...

۲۲۸- ...

۲۲۹- ...

۲۳۰- ...

۲۳۱- ...

۲۳۲- ...

۲۳۳- ...

۲۳۴- ...

۲۳۵- ...

۲۳۶- ...

۲۳۷- ...

۲۳۸- ...

۲۳۹- ...

۲۴۰- ...

۲۴۱- ...

۲۴۲- ...

۲۴۳- ...

۲۴۴- ...

۲۴۵- ...

۲۴۶- ...

۲۴۷- ...

۲۴۸- ...

۲۴۹- ...

۲۵۰- ...

۲۵۱- ...

۲۵۲- ...

۲۵۳- ...

۲۵۴- ...

۲۵۵- ...

۲۵۶- ...

۲۵۷- ...

۲۵۸- ...

۲۵۹- ...

۲۶۰- ...

۲۶۱- ...

۲۶۲- ...

۲۶۳- ...

۲۶۴- ...

۲۶۵- ...

۲۶۶- ...

۲۶۷- ...

۲۶۸- ...

۲۶۹- ...

۲۷۰- ...

۲۷۱- ...

۲۷۲- ...

۲۷۳- ...

۲۷۴- ...

۲۷۵- ...

۲۷۶- ...

۲۷۷- ...

۲۷۸- ...

۲۷۹- ...

۲۸۰- ...

۲۸۱- ...

۲۸۲- ...

۲۸۳- ...

۲۸۴- ...

۲۸۵- ...

۲۸۶- ...

۲۸۷- ...

۲۸۸- ...

۲۸۹- ...

۲۹۰- ...

۲۹۱- ...

۲۹۲- ...

۲۹۳- ...

۲۹۴- ...

۲۹۵- ...

۲۹۶- ...

۲۹۷- ...

نظریہ ادارہ دوم - خبر صحیح به نظر می رسد

محترماً از نظر استحضار بعرض می‌رسد

آقای نوری خبر سابقه ۵۷/۷/۹ همراز ۵۷/۷/۴

تاریخ: ۵۷/۷/۳

گزارش

محترماً بعرض می‌رساند:

به دنبال بروز شایعاتی مبنی بر پرداخت مبلغ ده میلیون تومان توسط هژبر یزدانی به آقای کیانپور وزیر سابق دادگستری به منظور جلب رضایت همسر جهانبخش انھاری گزارشی معروض که مقرر فرمودند پیرامون موضوع تحقیق گردد برابر اوامر صادره به

محل سکونت مشارالیها مراجعه و در مصاحبه معموله مطالب مطروحه بشرح زیر استماع و ضبط گردید.

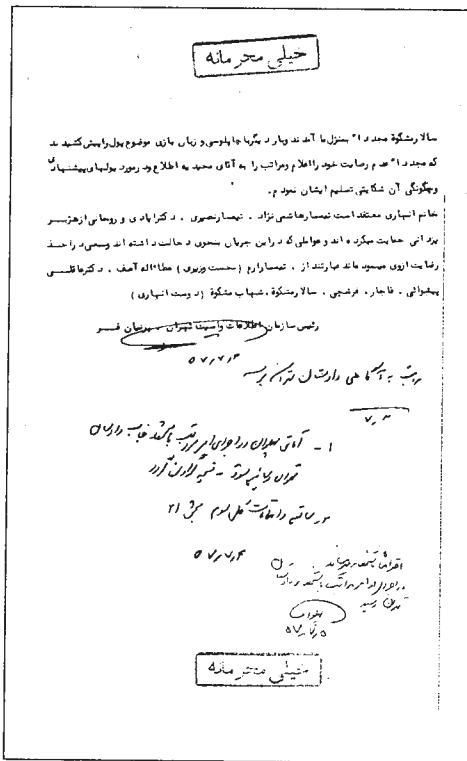
همسر جهانبخش انھاری ضمن تأیید موضوع اظهار داشت البته هیچگاه با آقای وزیر دادگستری روبرو نشده‌ام و آنچه که به من اظهار شده از قول ایشان بوده است مشارالیها اضافه نمود به دنبال صدور حکم جلب هژبر یزدانی آقای فرشچی بازپرس دادگستری تلفنی اطلاع داد که آقای

تاریخ: ۵۷/۷/۳	موضوع: خلی مجرمانه
به دنبال بروز شایعاتی مبنی بر پرداخت مبلغ ده میلیون تومان توسط هژبر یزدانی به آقای کیانپور وزیر سابق دادگستری به منظور جلب رضایت همسر جهانبخش انھاری گزارشی معروض که مقرر فرمودند پیرامون موضوع تحقیق گردد برابر اوامر صادره به محل سکونت مشارالیها مراجعه و در مصاحبه معموله مطالب مطروحه بشرح زیر استماع و ضبط گردید. همسر جهانبخش انھاری ضمن تأیید موضوع اظهار داشت البته هیچگاه با آقای وزیر دادگستری روبرو نشده‌ام و آنچه که به من اظهار شده از قول ایشان بوده است مشارالیها اضافه نمود به دنبال صدور حکم جلب هژبر یزدانی آقای فرشچی بازپرس دادگستری تلفنی اطلاع داد که آقای	

مجیدیه دادستان تهران با شما کار دارد روز بعد در دفتر کار ایشان حاضر شدم و آقای مجیدیه بدون مقدمه اظهار نمودند در طرح موضوعی که هم‌اکنون به اطلاع شما می‌رسد نظر خاصی ندارم ولی چون از من خواهش کرده‌اند شما را در جریان قرار می‌دهم در اتخاذ هرگونه تصمیم مختارید سپس اضافه نمود هژبر یزدانی نزد آقای کیانپور رفته و مقداری پول در اختیار ایشان قرار داده که اگر مایل باشید می‌توانید با اخذ آن مبادرت به دادن رضایت نمائید وگرنه پرونده دنبال خواهد شد آقای فرشچی که در دفتر آقای مجیدیه حضور داشت گفت

آقای مجیدیه پرونده خراب است اگر دادگاهی تشکیل شود به زیان ایشان (همسر انهاری) تمام خواهد شد بنابراین بهتر است پول را بگیرند و رضایت بدهند به هر حال با عدم رضایت من آقای مجیدیه به عطاءاله آصف^۱ (یکی از مدیران کل دادگستری) تلفن کرده موضوع عدم رضایت اینجانبه را به ایشان اعلام نمودند متعاقب این جریان دکتر عاقلی به منزل ما مراجعه نمود و اظهار داشت من به قرآن سوگند می‌خورم که از طرف وزیر دادگستری قصد صحبت با شما را دارم و ادامه داد آقای وزیر گفته‌اند یک میلیون تومان نزد من است و یک

میلیون تومان هم به حساب شما در بانک ایرانیان واریز شده که در صورت دادن رضایت به شما پرداخت خواهد شد دکتر عاقلی خواهش می‌کرد که گذشت کنم و گرنه وزیر خواهد گفت که خانم انهاری قصد دارد در مملکت شورش بپا کند. پس از دستگیری هژیر دکتر عاقلی به اتفاق سالار مشکوة مجدداً به منزل ما آمدند و بار دیگر با چاپلوسی و زبان‌بازی موضوع پول را پیش کشیدند که مجدداً عدم رضایت خود



۱- عطاءالله آصف فرزند علی‌اکبر در سال ۱۳۰۱ ش در رشت به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا لیسانس در رشته قضایی از دانشگاه تهران ادامه داد و مشاغل از جمله: مشاور حقوقی وزارت کار، رئیس اداره کار قزوین و زنجان، مستشار دادگاههای استان گیلان، بازرس کل نخست وزیری و... را عهده‌دار بود. نمایندگی انجام کارهای حقوقی دکتر علی‌امینی (نخست وزیر) در رشت با وی بوده و به لحاظ اعمال نفوذ به نفع ثروتمندان، وزیر وقت دادگستری قصد داشته وی را معلق از خدمت کند ولی با وساطت دکتر امینی به تهران منتقل شده است. آصف از اعضای جمعیت فراماسونری لژ نور نیز بوده است. - اسناد ساواک، پرونده‌های ساواک

را اعلام و مراتب را به آقای مجیدیه اطلاع و در مورد پولهای پیشنهادی و چگونگی آن شکایتی تسلیم ایشان نمودم.

خانم انهاری معتقد است تیمسار هاشمی نژاد، تیمسار نصیری، دکتر ایادی و روحانی از هژیر یزدانی حمایت می‌کرده‌اند و عواملی که در این جریان به نحوی دخالت داشته‌اند و سعی در اخذ رضایت از وی می‌نموده‌اند عبارتند از: تیمسار ارم (نخست وزیر) عطاءاله آصف، دکتر عاقلی پیشوائی، قاجار، فرشیچی، سالار مشکوة، شهاب مشکوة (دوست انهاری)

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت تهران. پرنیان فر

۵۷/۷/۳

مراتب به آگاهی دادستان تهران برسد ۷/۳

۱- آقای پهلوان در اجرای امر مراتب به استحضار جناب دادستان تهران رسانیده شود - نتیجه گزارش گردد.

۲- سابقه و اقدامات کل سوم بخش ۲۱

۵۷/۷/۴

احتراماً به استحضار می‌رساند در اجرای اوامر مراتب به استحضار دادستان تهران رسید.

پهلوان ۵۷/۷/۵

تاریخ: ۵۷/۷/۳

شماره: ۹۷۴-۵۰/۲۰ هـ ۱۵

۱- عبدالرضا پهلوی متولد ۱۳۰۳ ش و اولین فرزند رضاخان از عصمت‌الملوک دولتشاهی است. وی تحصیل کرده دانشگاه هاروارد در امریکا است.

که به حق و یا ناحق خصومت قشر وسیعی از مردم ایران را علیه دستگاه محاکمه برانگیخته است با وجود این هفته گذشته والا حضرت شاهپور عبدالرضا^۱ که

سویس به تحصیل خود ادامه داد و در بازگشت به ایران در سال ۱۳۱۵ در دبیرستان نظام و متعاقب آن در دانشکده افسری مگنول به تحصیل شد. عبدالرضا بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ شایعه ولیعهدی و جانشینی‌اش به جای رضاخان مطرح بود ولی محمدرضا در ۲۵ شهریور همان سال به سلطنت رسید ولی حسادت وی نسبت به عبدالرضا همچنان باقی بود، چنانچه پس از اتمام تحصیلات و بازگشت به کشور در مقام مهمی قرار نگرفت و تنها ریاست افتخاری برنامه ۷ ساله به وی سپرده شد. مشارالیه نیز در مازندران زمین‌های وسیعی در اختیار داشت و به امور کشاورزی می‌پرداخت و در ضمن از سودمداران گروه کارخانه‌های نفت آلمینیوم و شرکت ماشین آلات کشاورزی جاندیر و مالک شرکت شکار ایران بود.

۱- بکرمه ادره - ۲- منجه - ۳- ۱۲۱۲
 ۴- ۱۲۱۲ - ۵- ۱۲۱۲ - ۶- ۱۲۱۲
 ۷- ۱۲۱۲ - ۸- ۱۲۱۲ - ۹- ۱۲۱۲
 ۱۰- ۱۲۱۲ - ۱۱- ۱۲۱۲ - ۱۲- ۱۲۱۲
 ۱۳- ۱۲۱۲ - ۱۴- ۱۲۱۲ - ۱۵- ۱۲۱۲
 ۱۶- ۱۲۱۲ - ۱۷- ۱۲۱۲ - ۱۸- ۱۲۱۲
 ۱۹- ۱۲۱۲ - ۲۰- ۱۲۱۲ - ۲۱- ۱۲۱۲
 ۲۲- ۱۲۱۲ - ۲۳- ۱۲۱۲ - ۲۴- ۱۲۱۲
 ۲۵- ۱۲۱۲ - ۲۶- ۱۲۱۲ - ۲۷- ۱۲۱۲
 ۲۸- ۱۲۱۲ - ۲۹- ۱۲۱۲ - ۳۰- ۱۲۱۲
 ۳۱- ۱۲۱۲ - ۳۲- ۱۲۱۲ - ۳۳- ۱۲۱۲
 ۳۴- ۱۲۱۲ - ۳۵- ۱۲۱۲ - ۳۶- ۱۲۱۲
 ۳۷- ۱۲۱۲ - ۳۸- ۱۲۱۲ - ۳۹- ۱۲۱۲
 ۴۰- ۱۲۱۲ - ۴۱- ۱۲۱۲ - ۴۲- ۱۲۱۲
 ۴۳- ۱۲۱۲ - ۴۴- ۱۲۱۲ - ۴۵- ۱۲۱۲
 ۴۶- ۱۲۱۲ - ۴۷- ۱۲۱۲ - ۴۸- ۱۲۱۲
 ۴۹- ۱۲۱۲ - ۵۰- ۱۲۱۲ - ۵۱- ۱۲۱۲
 ۵۲- ۱۲۱۲ - ۵۳- ۱۲۱۲ - ۵۴- ۱۲۱۲
 ۵۵- ۱۲۱۲ - ۵۶- ۱۲۱۲ - ۵۷- ۱۲۱۲
 ۵۸- ۱۲۱۲ - ۵۹- ۱۲۱۲ - ۶۰- ۱۲۱۲
 ۶۱- ۱۲۱۲ - ۶۲- ۱۲۱۲ - ۶۳- ۱۲۱۲
 ۶۴- ۱۲۱۲ - ۶۵- ۱۲۱۲ - ۶۶- ۱۲۱۲
 ۶۷- ۱۲۱۲ - ۶۸- ۱۲۱۲ - ۶۹- ۱۲۱۲
 ۷۰- ۱۲۱۲ - ۷۱- ۱۲۱۲ - ۷۲- ۱۲۱۲
 ۷۳- ۱۲۱۲ - ۷۴- ۱۲۱۲ - ۷۵- ۱۲۱۲
 ۷۶- ۱۲۱۲ - ۷۷- ۱۲۱۲ - ۷۸- ۱۲۱۲
 ۷۹- ۱۲۱۲ - ۸۰- ۱۲۱۲ - ۸۱- ۱۲۱۲
 ۸۲- ۱۲۱۲ - ۸۳- ۱۲۱۲ - ۸۴- ۱۲۱۲
 ۸۵- ۱۲۱۲ - ۸۶- ۱۲۱۲ - ۸۷- ۱۲۱۲
 ۸۸- ۱۲۱۲ - ۸۹- ۱۲۱۲ - ۹۰- ۱۲۱۲
 ۹۱- ۱۲۱۲ - ۹۲- ۱۲۱۲ - ۹۳- ۱۲۱۲
 ۹۴- ۱۲۱۲ - ۹۵- ۱۲۱۲ - ۹۶- ۱۲۱۲
 ۹۷- ۱۲۱۲ - ۹۸- ۱۲۱۲ - ۹۹- ۱۲۱۲
 ۱۰۰- ۱۲۱۲ - ۱۰۱- ۱۲۱۲ - ۱۰۲- ۱۲۱۲
 ۱۰۳- ۱۲۱۲ - ۱۰۴- ۱۲۱۲ - ۱۰۵- ۱۲۱۲
 ۱۰۶- ۱۲۱۲ - ۱۰۷- ۱۲۱۲ - ۱۰۸- ۱۲۱۲
 ۱۰۹- ۱۲۱۲ - ۱۱۰- ۱۲۱۲ - ۱۱۱- ۱۲۱۲
 ۱۱۲- ۱۲۱۲ - ۱۱۳- ۱۲۱۲ - ۱۱۴- ۱۲۱۲
 ۱۱۵- ۱۲۱۲ - ۱۱۶- ۱۲۱۲ - ۱۱۷- ۱۲۱۲
 ۱۱۸- ۱۲۱۲ - ۱۱۹- ۱۲۱۲ - ۱۲۰- ۱۲۱۲
 ۱۲۱- ۱۲۱۲ - ۱۲۲- ۱۲۱۲ - ۱۲۳- ۱۲۱۲
 ۱۲۴- ۱۲۱۲ - ۱۲۵- ۱۲۱۲ - ۱۲۶- ۱۲۱۲
 ۱۲۷- ۱۲۱۲ - ۱۲۸- ۱۲۱۲ - ۱۲۹- ۱۲۱۲
 ۱۳۰- ۱۲۱۲ - ۱۳۱- ۱۲۱۲ - ۱۳۲- ۱۲۱۲
 ۱۳۳- ۱۲۱۲ - ۱۳۴- ۱۲۱۲ - ۱۳۵- ۱۲۱۲
 ۱۳۶- ۱۲۱۲ - ۱۳۷- ۱۲۱۲ - ۱۳۸- ۱۲۱۲
 ۱۳۹- ۱۲۱۲ - ۱۴۰- ۱۲۱۲ - ۱۴۱- ۱۲۱۲
 ۱۴۲- ۱۲۱۲ - ۱۴۳- ۱۲۱۲ - ۱۴۴- ۱۲۱۲
 ۱۴۵- ۱۲۱۲ - ۱۴۶- ۱۲۱۲ - ۱۴۷- ۱۲۱۲
 ۱۴۸- ۱۲۱۲ - ۱۴۹- ۱۲۱۲ - ۱۵۰- ۱۲۱۲
 ۱۵۱- ۱۲۱۲ - ۱۵۲- ۱۲۱۲ - ۱۵۳- ۱۲۱۲
 ۱۵۴- ۱۲۱۲ - ۱۵۵- ۱۲۱۲ - ۱۵۶- ۱۲۱۲
 ۱۵۷- ۱۲۱۲ - ۱۵۸- ۱۲۱۲ - ۱۵۹- ۱۲۱۲
 ۱۶۰- ۱۲۱۲ - ۱۶۱- ۱۲۱۲ - ۱۶۲- ۱۲۱۲
 ۱۶۳- ۱۲۱۲ - ۱۶۴- ۱۲۱۲ - ۱۶۵- ۱۲۱۲
 ۱۶۶- ۱۲۱۲ - ۱۶۷- ۱۲۱۲ - ۱۶۸- ۱۲۱۲
 ۱۶۹- ۱۲۱۲ - ۱۷۰- ۱۲۱۲ - ۱۷۱- ۱۲۱۲
 ۱۷۲- ۱۲۱۲ - ۱۷۳- ۱۲۱۲ - ۱۷۴- ۱۲۱۲
 ۱۷۵- ۱۲۱۲ - ۱۷۶- ۱۲۱۲ - ۱۷۷- ۱۲۱۲
 ۱۷۸- ۱۲۱۲ - ۱۷۹- ۱۲۱۲ - ۱۸۰- ۱۲۱۲
 ۱۸۱- ۱۲۱۲ - ۱۸۲- ۱۲۱۲ - ۱۸۳- ۱۲۱۲
 ۱۸۴- ۱۲۱۲ - ۱۸۵- ۱۲۱۲ - ۱۸۶- ۱۲۱۲
 ۱۸۷- ۱۲۱۲ - ۱۸۸- ۱۲۱۲ - ۱۸۹- ۱۲۱۲
 ۱۹۰- ۱۲۱۲ - ۱۹۱- ۱۲۱۲ - ۱۹۲- ۱۲۱۲
 ۱۹۳- ۱۲۱۲ - ۱۹۴- ۱۲۱۲ - ۱۹۵- ۱۲۱۲
 ۱۹۶- ۱۲۱۲ - ۱۹۷- ۱۲۱۲ - ۱۹۸- ۱۲۱۲
 ۱۹۹- ۱۲۱۲ - ۲۰۰- ۱۲۱۲ - ۲۰۱- ۱۲۱۲
 ۲۰۲- ۱۲۱۲ - ۲۰۳- ۱۲۱۲ - ۲۰۴- ۱۲۱۲
 ۲۰۵- ۱۲۱۲ - ۲۰۶- ۱۲۱۲ - ۲۰۷- ۱۲۱۲
 ۲۰۸- ۱۲۱۲ - ۲۰۹- ۱۲۱۲ - ۲۱۰- ۱۲۱۲
 ۲۱۱- ۱۲۱۲ - ۲۱۲- ۱۲۱۲ - ۲۱۳- ۱۲۱۲
 ۲۱۴- ۱۲۱۲ - ۲۱۵- ۱۲۱۲ - ۲۱۶- ۱۲۱۲
 ۲۱۷- ۱۲۱۲ - ۲۱۸- ۱۲۱۲ - ۲۱۹- ۱۲۱۲
 ۲۲۰- ۱۲۱۲ - ۲۲۱- ۱۲۱۲ - ۲۲۲- ۱۲۱۲
 ۲۲۳- ۱۲۱۲ - ۲۲۴- ۱۲۱۲ - ۲۲۵- ۱۲۱۲
 ۲۲۶- ۱۲۱۲ - ۲۲۷- ۱۲۱۲ - ۲۲

امور با هژبر یزدانی مشارکت داشته در زندان به ملاقات هژبر یزدانی رفته است و چند ساعت در زندان با او مذاکراتی انجام داده است دکتر ایلخانی وکیل دادگستری می گفت این ملاقات به قضاوت دادگستری ثابت نموده که هژبر یزدانی به اتکاء چه مقاماتی صاحب چنین ثروت به حساب شده است.

نظریه شنبه: نظری ندارد

نظریه سه‌شنبه: نظری ندارد

نظریه چهارشنبه : در مورد

ملاقات یکم، ازوالاحضرتها باهشربیزدانی، در زندان شایعات زیادی وجود دارد.

هژبر یزدانی مدت ۱۲ روز است که به زندان قصر منتقل شده و در این مدت هیچیک از والاحضرت‌ها با او ملاقاتی نداشته است.

اداره یکم عملیات - اردیبهشتی

محترماً بعرض پرسد ۷/۲

خبری داشتم که یکی دیگر از والاحضرتها با وی قبلاً ملاقات نموده‌اند (۲۲)

کل سوم ۷/۳

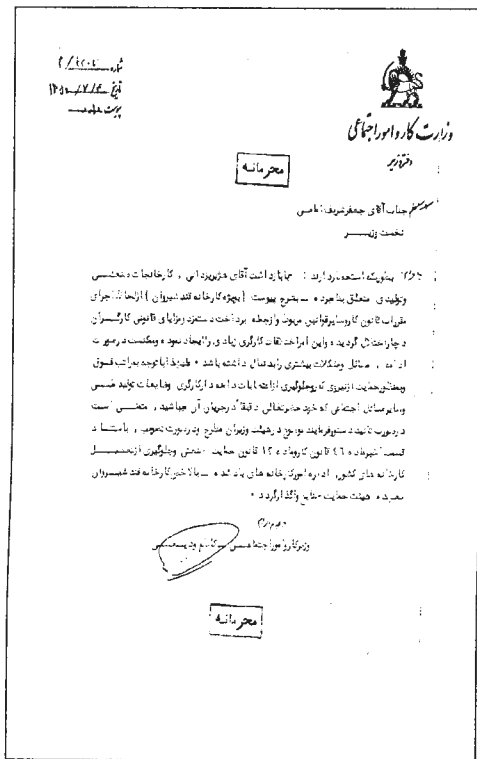
شماره: ۴۲۰۷/م

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۴

سرور معظم جناب آقای جعفر شریف امامی نخست وزیر

با احترام بطوری که استحضار دارند: با بازداشت آقای هژبر یزدانی، کارخانجات صنعتی و تولیدی متعلق به نامبرده - بشرح پیوست (به ویژه کارخانه قند شیروان) از لحاظ اجرای مقررات قانون کار و سایر قوانین مربوط و از جمله پرداخت دستمزد و مزایای قانونی کارگران دچار اختلال گردیده و این امر

اختلافات کارگری زیادی را ایجاد نموده و ممکن است در صورت ادامه، مسائل و مشکلات بیشتری را به دنبال داشته باشد. علیهذا با توجه به مراتب فوق و به منظور حمایت از نیروی کار و جلوگیری از اعتصابات دامنه دار کارگری و ضایعات تولید ملی و سایر مسائل اجتماعی که خود حضرتعالی دقیقاً در جریان آن می باشید، متمنی است در صورت تأیید دستور فرمایند موضوع در هیئت وزیران مطرح و در صورت



تصویب و به استناد قسمت اخیر ماده ۴۶ قانون کار و ماده ۱۲ قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه های کشور، اداره امور کارخانه های یاد شده - بالاخص کارخانه قند شیروان به عهده هیئت حمایت صنایع واگذار گردد. وزیر کار و امور اجتماعی - کاظم ودیعی^۱

۱- کاظم ودیعی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۰۷ ش در شیراز بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا دکترای رشته جغرافیا ادامه داد. طبق سند بیوگرافی ساواک: «نامبرده در سال ۱۳۳۱ جزء مؤسسين سازمان جوانان حزب توده هفتگن بوده و طبق اظهار خودش دو مرتبه دستگیری در فرمانداری نظامی مرکز به اتهام طرفداری از حزب توده داشته که پس از برائت از اتهام وارده آزاد شده است. در سال ۵۶ به سمت معاون آموزش و پرورش و در سال ۵۴ به عضویت هیئت امنای مؤسسه هواشناسی و در سال ۵۶ معاون رفاه و تعاون کارگری وزارت کار و در سال ۵۷ رئیس دانشگاه سپاهیان انقلاب و در دولت آشتی ملی شریف امامی در سال ۵۷ به سمت وزیر کار و امور اجتماعی منصوب شده است، ضمناً نامبرده معاون دبیرکل حزب رستاخیز بوده است. مشارالیه در جمعیت فراماسونری لژ مولوی عضویت داشته است. ودیعی در سال ۶۳ طبق حکم هیئت پاکسازی، از خدمات دولتی منصرف گردیده است. - اسناد ساواک، پرونده های انفرادی - رک: اسناد دادستانی انقلاب اسلامی، هیئت پاکسازی.

۱- احمد متین دفتری فرزند
متین الدوله در بهمن ماه ۱۲۷۵
در تهران متولد شد بعد از انجام

تخصصیات ابتدائی وارد مدرسہ جدیدالتاسیس آلمانی شد کہ بہ خروج دولتین ایران و آلمان اداره می‌شد. سپس وارد مدرسہ علوم سیاسی و از آنجا فارغ التحصیل شد. در سال ۱۲۹۴ بہ استخدام وزارت خارجه درآمد و ضمن

[illegible]

و محاکمه ۵۳ نفر حزب
کمیونیست بود.
در ۱۳ آبان ۱۳۱۸ با حکم
رضاشاه احمد متین دفتری به
نخست وزیری می‌رسد که
همزمان بود با اوج قدرت نازیها
در آلمان. به دستور رضاشاه در
ایران یک کابینه جوان روی کار
آمد و وظیفه این دولت نزدیک
شدن به آلمان بود.

اضافه نمود هژبر یزدانی نزد آقای کیانپور رفته و مقداری پول گذاشته که اگر مایل بودید با اخذ آن رضایت دهید آقای فرشچی که در دفتر آقای مجیدیه حاضر بود گفت آقای مجیدیه پرونده خراب است اگر دادگاه تشکیل شود به ضرر ایشان تمام خواهد شد بهتر است پول را بگیرند و رضایت بدهند به هر حال با عدم رضایت من در این مورد آقای مجیدیه به عطاءاله آصف تلفن کرده موضوع اینکه اینجانب راضی به دادن رضایت نیستم اعلام داشتند متعاقب این جریان دکتر عاقلی به منزل ما مراجعه و با اظهار اینکه من به قرآن قسم می‌خورم که از طرف وزیر دادگستری قصد

صحبت با شما را دارم ادامه داد آقای وزیر گفته‌اند ۱ میلیون تومان نزد من است و ۱ میلیون تومان هم به حساب شما در بانک ایرانیان واریز شده که در صورت رضایت به شما پرداخت خواهد شد عاقلی خواهش می‌کرد که گذشت کنم و گرنه وزیر خواهد گفت که خانم انهاری قصد دارد در این مملکت شورش بپا کند.

پس از دستگیری هژبر دکتر عاقلی باتفاق سالار مشکوة مجدداً به منزل ما آمدند و بار دیگر با چابلوسی و زبان‌بازی

مهم‌ترین سوابق و توفیق‌ها و دستاوردهای من در این مدت به شرح زیر است: ۱- در مدت ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم. ۲- در مدت ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم. ۳- در مدت ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۲ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم. ۴- در مدت ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۳ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم. ۵- در مدت ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۴ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم. ۶- در مدت ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم. ۷- در مدت ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم. ۸- در مدت ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم. ۹- در مدت ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۸ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم. ۱۰- در مدت ۱۳۲۸ تا ۱۳۲۹ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان مدیر کل و سرپرست کل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خدمت نمودم.

مسئله پول را پیش کشیدند که مجدداً عدم رضایت خود را اعلام و مراتب را به آقای مجیدیه دادستان تهران اعلام و در مورد پول پیشنهادی شکایتی تسلیم ایشان نمودم. خانم انهاری معتقد است تیمسار هاشمی‌نژاد - تیمسار نصیری - دکتر ایادی و روحانی از هژبر یزدانی حمایت می‌کرده‌اند و عواملی که در این جریان به نحوی دخالت داشته‌اند و سعی در اخذ رضایت وی می‌نموده‌اند به ترتیب تیمسار ارم - عطاءاله آصف - دکتر عاقلی - پیشوائی - قاجار - سالار مشکوة - فرشچی - شهاب مشکوة (دوست انهاری) بوده‌اند.

و عملاً نیز روابط تجاری صنعتی بین ایران و آلمان توسعه یافت و تعداد زیادی از مهندسين و متخصصين آلمانی در زمان جنگ جهانی دوم به ایران آمدند. انگلیسیها این وضعیت را کاملاً زیر نظر داشتند. دوران نخست وزیری او بیش از ۸ ماه به طول نینجامید و در اوایل تیر ماه ۱۳۱۹ ناگهان مضروب و از کار برکنار شد که علت این برکناری طراحی یک کودتا با همکاری آلمانیها و حمایت دکتر مصدق (پدرزن و عموش) بوده است. رضا شاه متوجه این مسائل می‌شود و در شب چهارم تیر ماه ۱۳۱۹ متین دفتری را احضار و او را عزل و دستور بازداشت او را صادر می‌کند. آنگاه پس از ۱۵ روز به بیرجند تبعید گردید و سپس به منزل خود انتقال یافت و تحت نظر قرار گرفت و فقط به تدریس در دانشگاه مشغول بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ متین دفتری از طرف متفقین بازداشت شد و قریب دو سال ابتدا در اردوگاه نظامی انگلیسیها در اراک و سپس در زندان روسها در رشت محبوس بود بعد از رهایی از زندان و تخلیه ایران از نیروهای متفقین به نمایندگی مجلس یازدهم انتخاب شد در انتخابات اولین دوره سنا، سناتور انتصابی بود. او در سال ۱۳۵۰ ش در سن ۷۵ سالگی درگذشت. «بازیگران عصر پهلوی، محمود طلوعی، ج ۱، ص ۲۲۰»

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۵

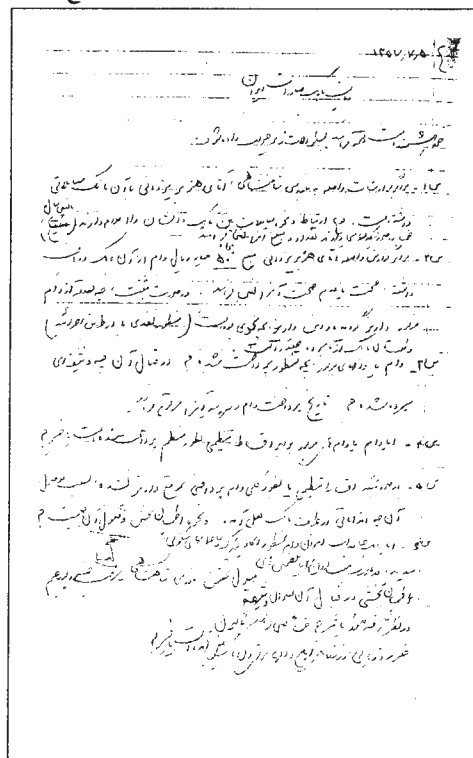
ریاست بانک صادرات ایران

خواهشمند است مقرر فرمائید به سؤالات زیر جواب داده شود.

س ۱- برابر گزارشات واصله به بازرسی شاهنشاهی آقای هژبر یزدانی با آن بانک معاملاتی داشته است. نوع ارتباط و نحوه معاملات بین بانک و ایشان را اعلام دارند (با تعیین سال) ضمناً در صورتی که سهامی دارند تعداد و مبلغ آن را تعیین فرمایند.

س ۲- برابر گزارش واصله آقای هژبر یزدانی مبلغ ۵۰ میلیارد ریال وام از آن بانک دریافت داشته، صحت یا عدم صحت آن را تعیین فرمایید. در صورت ثبت چه مقدار از وام مزبور واریز گردیده و این واریز به چه نحوی بوده است (منظور نقدی یا از طریق اجرائیه) و طلب آن بانک از نامبرده چقدر است.

س ۳- وام یا وامهای مزبور به چه منظور پرداخت شده؟ در قبال آن چه وثیقه‌ای



سپرده شده؟ تاریخ پرداخت وام و سر رسید آن را مرقوم فرمایید.

س ۴- آیا وام یا وامهای مزبور برابر اقساط تنظیمی بطور منظم پرداخت شده است یا خیر؟

س ۵- در صورتی که اقساط تنظیمی یا بطور کلی وام پرداختی به موقع واریز نشده، نسبت به وصول آن چه اقداماتی از طرف بانک بعمل آمده و نحوه اطمینان بخش وصول آن چیست؟

س ۶- آیا بانک صادرات ایران وام به منظور ایجاد شهرک و ساختمانهای

مسکونی می‌دهد. در صورت مثبت بودن آیا تضمین‌های اطمینان بخشی در قبال آن به عنوان ویژه در نظر گرفته می‌شود یا خیر؟ ضمناً تعیین داشته تاکنون ضرر و زیانی در مقابل این وامها برای آن بانک پیش آمده است یا خیر؟
مسئول تحقیق بازرسی شاهنشاهی - سرتیپ خسرو پورجم^۱

۱- خسرو پورجم فرزند عنایت‌الله در سال ۱۲۹۷ ش در ساری بدنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده افسری شد و پس از فارغ‌التحصیل و طی دوره دانشگاه جنگ تا درجه سرتیپی در یگان‌های مختلف نظامی رژیم پهلوی مشغول خدمت بوده و در سال ۱۳۵۶ در خواست خدمت در بازرسی شاهنشاهی را داشته که ریاست وقت آن (ارتشبد حسین فردوست) با در خواست نامبرده موافقت نموده است.
- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

به : تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۸
از : اداره دوم - ۳۳ د شماره: ۱۶۳۶/۱۲۶-۴۰۱-۴۳۰

برابر خبر واصله :

شخصی بنام دکتر جاوید که در دفتر هژبر یزدانی کار می‌کند از دستگیری
هژبر یزدانی بی‌نهایت بیمناک بوده و مدت ۳ سال که با نامبرده کار می‌کند
میلیونها تومان سوءاستفاده نموده است.

گفته شده در صورت
دستگیری دکتر جاوید
بسیاری از حقایق روشن
خواهد شد.
ارزیابی خبر : قابل بررسی
است

اداره چهارم

بخش ۳۴۱

۷/۱۵

۲۰۱
۷/۱۵

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

شماره: ۱۶۳۶/۱۲۶-۴۰۱-۴۳۰

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۸

موضوع: گزارش

برابر خبر واصله :

شخصی بنام دکتر جاوید که در دفتر هژبر یزدانی کار می‌کند از دستگیری هژبر یزدانی بی‌نهایت بیمناک بوده و مدت ۳ سال که با نامبرده کار می‌کند میلیونها تومان سوءاستفاده نموده است.

گفته شده در صورت دستگیری دکتر جاوید بسیاری از حقایق روشن خواهد شد.

ارزیابی خبر : قابل بررسی است.

اداره چهارم

بخش ۳۴۱

۷/۱۵

لایحه و صورت

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰م

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۸

جناب آقای محمد یگانه وزیر امور اقتصادی و دارائی

خواهشمند است کمیسیونی با شرکت وزیر صنایع و معادن و رئیس کل بانک مرکزی و مدیر کل بانک ملی ایران و رئیس اتاق صنایع و معادن تشکیل و درباره دارائی و بدهی های آقای هژبر یزدانی رسیدگی و ترتیبی اتخاذ فرمایید که کارخانه های نامبرده تحت مراقبت لازم قرار گیرند که تعطیل نشوند و در نتیجه

بدهی های وی به اشخاص

معوق نمایند.

نخست وزیر جعفر

شریف امامی

محرمانه

نخست وزیر

جناب آقای محمد یگانه
وزیر امور اقتصاد و دارائی

خواهشمند است کمیسیونی با شرکت وزیر صنایع و معادن و رئیس کل بانک ملی ایران و مدیر کل بانک ملی ایران و رئیس اتاق صنایع و معادن تشکیل و درباره دارائی و بدهی های آقای هژبر یزدانی رسیدگی و ترتیبی اتخاذ فرمایید که کارخانه های نامبرده تحت مراقبت لازم قرار گیرند که تعطیل نشوند و در نتیجه بدهی های وی به اشخاص معوق نمایند.

نخست وزیر
جعفر شریف امامی

۱۳۵۷/۷/۸

۲۳۰-۲-۷۱۴

شماره: ۷۱۴-۲-۲۴۰/م

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۹

جناب آقای محمد باهری وزیر دادگستری

با ایفاد عین معروضه مورخ دوم مهرماه جاری آقای هژبر یزدانی و رونوشت نامه شماره ۴۲۰۷/م مورخ ۱۳۵۷/۷/۴ وزارت کار و امور اجتماعی اشاره می شود.

بطوری که استحضار دارید از بدو امر قرار بود ترتیبی اتخاذ شود که مؤسسات

صنعتی و اقتصادی متعلق به مشارالیه کماکان به فعالیت های خود ادامه دهند تا از این رهگذر زیانی متوجه کشور نشود و موجبات رکود کار مؤسسات تولیدی و اقتصادی مزبور و بیکاری کارگران و کارمندان آنها فراهم نیاید.

اینک خواهشمند است دستور فرمایید موضوع را مورد بررسی کاملاً محرمانه قرار داده و ملاحظه فرمایند آیا با توجه به موازین قانونی می توان ترتیبی اتخاذ نمود

محرمانه

جناب آقای محمد باهری
وزیر دادگستری

بازگشت به سرصفحه مورخ دوم مهرماه جاری آقای هژبر یزدانی و رونوشت نامه شماره ۴۲۰۷/م مورخ ۱۳۵۷/۷/۴ وزارت کار و امور اجتماعی اشاره می شود.

بطوریکه استحضار دارید از بدو امر قرار بود ترتیبی اتخاذ شود که مؤسسات صنعتی و اقتصادی متعلق به مشارالیه کماکان به فعالیت های خود ادامه دهند تا از این رهگذر زیانی متوجه کشور نشود و موجبات رکود کار مؤسسات تولیدی و اقتصادی مزبور و بیکاری کارگران و کارمندان آنها فراهم نیاید.

اینک خواهشمند است دستور فرمایید موضوع را مورد بررسی کاملاً محرمانه قرار داده و ملاحظه فرمایید آیا با توجه به موازین قانونی می توان ترتیبی اتخاذ نمود که مؤسسات صنعتی و تولیدی مزبور را مورد حمایت و حمایت صنایع و کارگران و کارمندان آنها در این زمینه مساعدت لازم را بفرمایند.

مهر و امضاء: محمد باهری وزیر دادگستری

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۹

مهر و امضاء: محمد باهری وزیر دادگستری

که وصول به هدف فوق تأمین گردد و فی المثل نامبرده در مدت زندانی خود به مسائل مربوط به مؤسسات بالا رسیدگی کند یا خیر؟ و در صورت منفی آیا همانطور که وزارت کار و امور اجتماعی پیشنهاد نموده اند با استفاده از قسمت اخیر ماده ۴۶ قانون کار و ماده ۱۲ قانون حمایت صنعتی می توان لااقل اداره مؤسسات صنعتی و تولیدی نامبرده را به عهده هیئت حمایت صنایع واگذار کرد و در این صورت تکلیف بقیه مؤسساتی که مشمول عناوین مذکور در مواد ۴۶ و ۱۲ فوق الاشعار نمی شود چه خواهد بود.

در صورت لزوم مناسب خواهد بود پس از بررسیهای مقدماتی در آن وزارت کمیسیونی با حضور جنابان آقایان وزیر صنایع و معادن و کار و امور اجتماعی تشکیل داده و وجه حل مقتضی و مناسب تحصیل و نتیجه را گزارش فرمایند.

نخست وزیر جعفر شریف امامی

رونوشت در پاسخ نامه شماره ۴۲۷/م مورخ ۱۳۵۷/۷/۴ جهت استحضار جناب آقای ودیعی وزیر کار و امور اجتماعی ایفاد می شود.

نخست وزیر جعفر شریف امامی

ایران در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۰

در ساعت ۰۹۰۰ روز دوشنبه ۱۳۵۷/۷/۱۰ مسئولان تحقیق بازرسی شاهنشاهی در دفتر آقای اخوان مدیرعامل بانک صادرات ایران حاضر و مصاحبه زیر انجام گردید.

شایعانی که درباره وام ۵۰ میلیارد ریالی آقای هژبر یزدانی و سازمانها و شرکتهای وابسته به آن را برای هیئت تحقیق تشریح فرمایند.

آقای حبیب اخوان چنین اظهار داشتند.

تقریباً در حدود بهمن ماه سال ۱۳۵۶ به من پیشنهاد شد که در سمت مدیرعامل بانک صادرات مشغول انجام وظیفه شوم از آنجایی که مدتی به علت مأموریت‌های اقتصادی منطقه خلیج فارس و

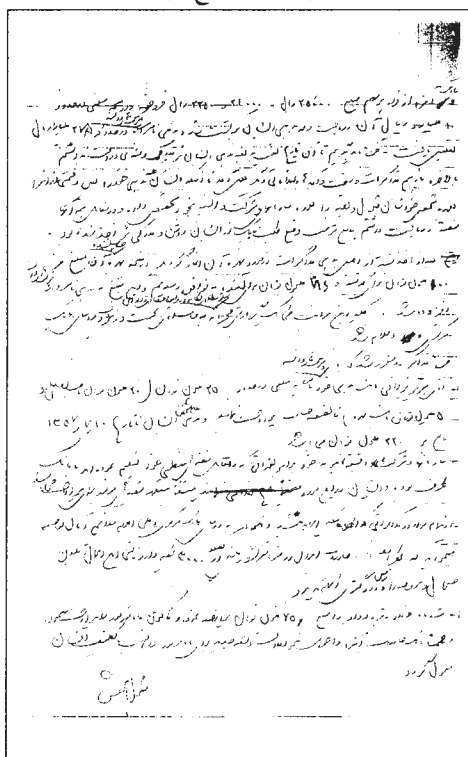
بیماری قلبم که مجبور عزیزم به خارج بودم از وضع و فعل و انفعالات داخلی بانک اطلاع صحیح در دست نداشتم و به علت بیماری و مأموریت‌های دیگر حاضر به قبول این مسئولیت نبودم ولی بنا به امر و اصرار رؤسای بانک‌های مرکزی و ملی قبول نمودم. بنا به مسئولیت کاری که به من واگذار شده در اولین معارفه که با حضور اعضای عالی‌رتبه بانک و رؤسای شعب تشکیل شده بود خط‌مشی بانک را بدین ترتیب ابلاغ نمودم که از این تاریخ به بعد بانک صادرات ایران بایستی کلیه امور بانکی خود را برابر مقررات بانکی و موازین قانونی انجام

دهد و معاملات چک روی چک که به عهده اشخاص یا بانکها وقتی انجام شود که چک‌های مزبور وصول شده باشد و وجهی یا حواله‌ای بابت این نوع چک‌ها داده نشود.

چند روز پس از معرفی من به عنوان مدیرعامل بانک گزارشی به من داده شد که آقای هژبر یزدانی مبلغی در حدود ۵ میلیارد ریال بدهکار است که من ناراحت شده و جریان را با رؤسای بانک مرکزی و ملی و مقامهای مسئول در میان گذاردم. درست دو روز بعد مجدداً به من گزارش شد که مبلغ مزبور اشتباه بوده و

مبلغ بدهی نامبرده بالغ بر حدود ۲۲/۵ میلیارد ریال می‌باشد که من بیشتر ناراحت شده دستور رسیدگی کامل و صحیح را صادر نمودم در نتیجه گزارش نهایی بدهی نامبرده و شرکت‌های وابسته به ایشان در حدود ۳۷/۵ میلیارد ریال برآورد نموده و بدتر از همه آنکه در مقابل این بدهی کوچکترین مدرک و سند نداشت.

چگونگی مجدد به رؤسای بانک و مقامات مسئول اعلام خواستار استعفای



خود از این مقام شدم. که پس از مذاکرات زیاد و اطمینان از پشتیبانی‌های لازم ناچاراً مسئولیت مدیرعاملی را قبول نموده و در صدد چاره کار و دریافت طلب بانک از ایشان شدم. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادن و هدایت لازم و دستورات لازم به ایشان که باید کلیه سهام خود و خانواده را فروخته و بدهی بانک صادرات را با مطالبات بانک پرداخت کند. روزی آقای هژبر یزدانی به خانم‌ام آمدند ضمن بررسی و بحث فراوان از ایشان خواستم که وضع بدهی خود را در مقابل بانک روشن نموده و نسبت به پرداخت آن اقدام نمائید و نتیجه بعد او

۱۰/۰۰۰ از سهام بانک صادرات ایران خود را از ... ۳۶۵/۰۰۰ سهمی که ایشان به نام خود و فرزندان خود [ناخوانا] بودند بابت حساب خود را در اختیار بانک مرکزی برای فروش بدون دادن قیمت گذاشته. پس از مذاکرات و بحث و رفت و آمدهای زیاد آقای هژبر یزدانی کلیه سهام خود را در حدود ۳۶۵/۰۰۰ سهم بابت این امر از قرار هر سهم به مبلغ ۲۵/۰۰۰ ریال - ۲۴/۰۰۰ - و ۲۳۵۰۰ ریال فروخته و در نتیجه مبلغی در حدود ۱۰ میلیارد ریال آن دریافت و از بدهی ایشان برگشت شد و بدهی نامبرده و شرکت‌های وابسته در حدود ۲۷/۵ میلیارد ریال تقلیل یافت - ضمناً باید بگویم تا آن تاریخ نسبت به بقیه بدهی ایشان نیز مدرک و سندی در دست نداشتم. بالاخره باز هم مذاکرات و رفت و آمدها و اقداماتی دیگر به عمل آمد تا اینکه ایشان کلیه بدهی خود را تعیین و قسمتی از آن را به عهده شخص خودشان قبول و بقیه را به عهده سازمانها و شرکت وابسته به خود تخصیص داده و در مقابل همه آنها سفته دریافت داشتیم بدین ترتیب وضع طلب بانک از ایشان روشن و مدارکی پرداخت شده بود.

بعد از اخذ سفته از اصل بدهی مذاکرات در مورد بهره آن آغاز گردید در نتیجه بهره حساب نشده آن مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان برای گذشته و ۳۸۶ میلیون تومان برای آینده به توافق رسیدیم و دیدم مبلغ بدهی نامبرده و شرکت‌ها به آن افزوده شد. کلیه این مراتب طی یک گزارش محرمانه توسط آقای یگانه وزیر امور اقتصادی و دارایی به جناب آقای نخست‌وزیر وقت و رؤسای بانک مرکزی اعلام شد. ضمناً مذاکره و مقرر شد که :

۱- آقای هژبر یزدانی بابت بدهی خود و شرکت‌های وابسته ماهیانه مبلغی در حدود ۲۵ میلیون تومان (۲۰ میلیون تومان بابت اصل و ۵ میلیون تومان بابت بهره) تا تصفیه حساب پرداخت نمایند و بدهی شخص ایشان تا تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۰ بالغ بر ۲۲۰ میلیون تومان می‌باشد.

- سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته نیز به خود برابر تعهداتی که در مقابل سفته‌های تنظیمی خود تسلیم نموده‌اند با بانک طرف بوده و ایشان در این مورد مستقیماً متعهد سفته‌های مزبور برای پرداخت می‌باشد.

۱- در تمام موارد و مذاکراتی که انجام می‌شد و نتیجه امر به رؤسای بانک مرکزی و ملی اعلام می‌دارد که تقریباً ایشان در شعبه بانک صادرات ایران در سرتاسر کشور چیزی در حدود سه هزار شعبه دارد [ناخوانا] این اعمال بدون جنجال و سرو صدا و توسل به دادگستری اتمام پذیرد.

۲- سه ماه خرداد - تیر و مرداد مبلغ ۷۵ میلیون تومان پرداخته نموده و تاکنون ماه شهریور پرداخت ننموده و ضمناً بانک صادرات آن را و خواست ننموده است و سفته تجدید برای ماه مزبور دریافت تا تکلیف ایشان معلوم گردد.

مشمول بخش

به: ۳۱۲

تاریخ: ۵۷/۷/۱۶

از: ۱۱/۲۰/۵۷

شماره: ۲۰/۹۵۹۸۰ هـ

موضوع: هژبر یزدانی

نامبرده بالا مبلغ بیست و هشت میلیون تومان (۲۸۰۰۰/۰۰۰) پول خود را از خارج به ایران برگرداند و وجه مزبور روز ۵۷/۷/۱۶ به حساب شماره ۱۰۰۰ بانک تهران شعبه شهپاز واریز گردیده.

نظریه شنبه: مراتب صحت دارد.

نظریه یکشنبه: منبع کارمند بانک تهران است و در مسیر خبر قرار دارد و به احتمال قوی صحت دارد.

نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه تایید می‌گردد.

گیرنده - رحمانیان

گوینده - طبیب حق

ساعت ۱۵۵۵

به استحضار ریاست بخش ۳۴۲

برسد

رئیس بخش ۳۱۲ - رهبری

۵۷/۷/۱۷

۵۷۰۸۰

۱۲۶۳۲
تاریخ
۷۷/۷/۱۶
شماره
۲۰/۹۵۹۸۰
موضوع
هژبر یزدانی

نظریه شنبه: مراتب صحت دارد.

نظریه یکشنبه: منبع کارمند بانک تهران است و در مسیر خبر قرار دارد و به احتمال قوی صحت دارد.

نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه تایید می‌گردد.

گیرنده - رحمانیان

گوینده - طبیب حق

ساعت ۱۵۵۵

به استحضار ریاست بخش ۳۴۲

برسد

رئیس بخش ۳۱۲ - رهبری

۵۷/۷/۱۷

۵۷۰۸۰

شماره: م/۲۲۶۶ تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۱۸

جناب آقای منوچهر آزمون وزیر مشاور در امور اجرائی

عطف به نامه شماره ۷۱۴-۲-۲۳۰ م مورخ ۱۳۵۷/۶/۲۱ با بررسی موضوع به استحضار می‌رساند:

درج مطلبی یا خودداری از آن در روزنامه‌ها مربوط به دولت نیست و روزنامه‌ها رأساً تصمیم می‌گیرند در زمینه‌ای مثلاً مسائل مربوط به آقای هژبر

۱۳۵۷/۶/۱۸
شماره: ۲۲۶۶
تاریخ: ۱۳۵۷/۶/۱۸

محرمانه

وزارت دادگستری
دفتر

جناب آقای منوچهر آزمون
وزیر مشاور در امور اجرائی

عطف به نامه شماره ۷۱۴-۲-۲۳۰ م مورخ ۱۳۵۷/۶/۲۱ با بررسی موضوع با استحضار می‌رساند:

در مطلبی با عود داری از آن در روزنامه‌ها مربوط به دولت نیست و روزنامه‌ها رأساً تصمیم می‌گیرند در زمینه‌ای مثلاً مسائل مربوط به آقای هژبر و مسائل بنویسند یا ننویسند. اما اتهامات به حکایت پرونده موجود عبارت است از:

- ۱- یک فقره معاونت در ایراد ضرب منتهی به نقص عضو.
- ۲- یک فقره ایراد ضرب منتهی به شکستن استخوان.
- ۳- سه فقره تجاوز به حقوق عمومی.
- ۴- دو فقره تخریب مال غیر.
- ۵- پنج فقره تعدی نسبت به محصول اشخاص.

که بر طبق قوانین موضوعه مملکتی نسبت بدانها رسیدگی می‌شود و نتیجه آن در اختیار مقامات قضائی است.

وزیر دادگستری
محمد باهنری

۷۱۴-۲-۲۳۰
۵۷/۷/۱۸

۵۷/۷/۱۹

یزدانی مطلبی بنویسند یا

ننویسند. اما اتهامات

مشارالیه به حکایت پرونده

موجود عبارت است از:

۱- یک فقره معاونت در ایراد

ضرب منتهی به نقص عضو.

۲- یک فقره ایراد ضرب

منتهی به شکستن استخوان.

۳- سه فقره تجاوز به حقوق

عمومی.

۴- دو فقره تخریب مال غیر.

۵- پنج فقره تعدی نسبت به

محصول اشخاص.

که بر طبق قوانین موضوعه

مملکتی نسبت بدانها

رسیدگی می‌شود و نتیجه آن

در اختیار مقامات قضائی است

وزیر دادگستری محمد باهری

در پاسخ به نامه وزارت امور خارجه ارسال گردد.

۵۷/۷/۱۹

۷۱۴-۲-۲۳۰ م/۲۳۰-۲-۷۱۴

شماره: ۲-۷۱۴-۲۳۰/م
جناب آقای امیر خسرو افشار وزیر امور خارجه

عطف به نامه شماره ۲۷۶۴/د ب مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۵ درباره مطالب
مندرج در روزنامه آبرور در مورد آقای هژیر یزدانی، رونوشت شماره ۲۲۶۶
مورخ ۱۳۵۷/۷/۱۸ وزارت دادگستری برای اطلاع به پیوست ایفاد می گردد.
وزیر مشاور در امور اجرائی منوچهر آزمون

تاریخ ۱۹، ۷، ۱۳۵۷
شماره ۷۱۴-۲-۲۳۰

حجرمانه

امخت وزیر

جناب آقای امیر خسرو افشار وزیر امور خارجه

عطف بنامه شماره ۲۷۶۴/د ب مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۵ درباره
مطالب مندرج در روزنامه آبرور در مورد آقای هژیر یزدانی،
رونوشت نامه شماره ۲۲۶۶ مورخ ۱۳۵۷/۷/۱۸ وزارت دادگستری
برای اطلاع به پیوست ایفاد میگردد.

وزیر مشاور در امور اجرائی
منوچهر آزمون

شماره: ۶۱۳۶

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۱۹

محرمانه

تیمسار سرتیپ خسرو پورجم

مسئول تحقیق بازرسی شاهنشاهی

عطف به یادداشت مورخ ۱۳۵۷/۷/۳ به استحضار می‌رساند:

۱- بانک رهنی ایران برای احداث شهرک تاکون وامی پرداخت ننموده و در

حال حاضر نیز وامی بدین منظور پرداخت نمی‌نماید. تنها مورد استثنائی پرداخت وام پانصد میلیون ریالی به شرکت توسعه لویزان است که بنابر مصوبه مورخ ۱۳۵۶/۲/۲۵ مجمع عمومی صاحبان سهام جهت تملک و اجرای پروژه آپارتمان‌سازی شرکت مذکور بانک نیز صاحب ۱۶ سهم از ۱۰۲ سهام آن شرکت می‌باشد، وام مصوبه متدرجاً در سال ۱۳۵۶ در برابر وثیقه غیرمنقول برای مدت دو سال پرداخت گردیده و سر

۱۳۵۷/۷/۱۹
۱۱۲۰
محرمانه

بابت رهنی ایران
خبریه: ۱۱۲۰

تیمسار سرتیپ خسرو پورجم
مسئول تحقیق بازرسی شاهنشاهی

طبق به یادداشت مورخ ۱۳۵۷/۷/۳ به استحضار می‌رساند:

۱- بانک رهنی ایران برای احداث شهرک تاکون وامی پرداخت ننموده و در حال حاضر نیز وامی بدین منظور پرداخت نمی‌نماید. تنها مورد استثنائی پرداخت وام پانصد میلیون ریالی به شرکت توسعه لویزان است که بنابر مصوبه مورخ ۱۳۵۶/۲/۲۵ مجمع عمومی صاحبان سهام جهت تملک و اجرای پروژه آپارتمان‌سازی شرکت مذکور بانک نیز صاحب ۱۶ سهم از ۱۰۲ سهام آن شرکت می‌باشد، وام مصوبه متدرجاً در سال ۱۳۵۶ در برابر وثیقه غیرمنقول برای مدت دو سال پرداخت گردیده و سر

۲- آئین‌نامه خاصی جهت اعطای وام به شهرک‌سازان تعیین نشده و لکن بانک تاکنون به اهدافی حلقه‌ای یا حقوقی که منجر به احداث مجتمع‌های مسکونی شود و قصد ادو خانه یا آپارتمان‌های احداث کرده و اندوخته‌های متقاضی در قالب عوارض همدان و غیره را از مسکن و آئین‌نامه پرداخت وام سازمان‌های مسکونی مجتمع اعطاء کرده و از این رهگذر متحمل ضرر و زیان شده است.

۳- شرکتها و تشاتی مسکن در تهران و شهرستانها بر اساس مقررات مدون در آئین‌نامه مسکن بهره و جدول مشخص بان وام پرداخت می‌شود. شرکت‌های مذکور به وامی مورد نیاز آئین‌نامه مشخصه‌های مشخصی مورد نظارت بر اساس ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه می‌نمایند و تعویضات آن به صورت رسامیه و پس از تأیید آئین‌نامه حقوقی و قضایی از هزینه طرح، وامی صادر می‌گردد. از هزینه اجرای طرح، ایشات، با بهره‌ن از به صاحب پذیرفته کارهای ساختمانی پرداخت می‌گردد.

۴- وام از نظر مشخص، محدودیتی ندارد و تاکنون رقمی از آن به تعداد اکثر عوام ۱۱ سال و از آن تاریخ به بعد در تهران ۲۰ سال و در شهرستانها ۲۰ سال تعیین می‌شود. وام به بانک پرداختی شرکتها و تشاتی مسکن مشمول گند بهره وام می‌باشد و باید به انقضاء بهره همه سده از نظر مدت و به تأیید راجعاً بانک قرار می‌گیرد.

۵- تاکنون بانک و تشاتی پرداختی شرکتها و تشاتی مسکن به صورت وام، شوجه بانک رهنی ایران نکرده به است.

رسید اقساط آن هنوز فرا نرسیده است.

۲- آئین‌نامه خاصی جهت اعطای وام به شهرک‌سازان تدوین نشده لکن بانک تاکنون به اشخاص حقیقی و یا حقوقی که مبادرت به احداث مجتمع‌های مسکونی نموده و تعدادی خانه یا آپارتمان احداث کرده‌اند و امهای متناسبی در قالب مقررات حسابهای پس‌انداز مسکن و آئین‌نامه پرداخت وام به سازندگان واحدهای مسکونی مجتمع اعطاء کرده و از این رهگذر متحمل ضرر و زیان نشده است.

۳- به شرکتهای تعاونی مسکن در تهران و شهرستانها براساس مقررات مندرج در آئین نامه کمک بهره و جدول منظم به آن وام پرداخت می شود، شرکت های مذکور بدو زمین مورد نیاز را تأمین و نقشه های ساختمانی مورد نظر را براساس ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب مقامات ذیربط رسانیده و پس از تأمین آب و برق و قسمتی از هزینه طرح وامی معادل حداکثر ۹۰٪ هزینه اجرای طرح از بانک با بهره نازل به تناسب پیشرفت کارهای ساختمان دریافت می دارند.

ایمن وام از نظر مبلغ، محدودیتی ندارد و تا قبل از خرداد ماه ۱۳۵۷ حداکثر مدت وام ۱۲ سال و از آن تاریخ به بعد در تهران ۲۰ سال و در شهرستانها ۲۵ سال تعیین می شود. وامهای پرداختی به شرکتهای تعاونی مسکن مشمول کمک بهره وام می باشد و مابه التفاوت بهره همه ساله از طرف دولت تأمین و در اختیار بانک قرار می گیرد.

۴- تاکنون بابت وامهای پرداختی به شرکتهای تعاونی مسکن ضرر و زیانی

متوجه بانک رهنی ایران نگردیده است.

۵- آقای هژبر یزدانی و وابستگان در شرکتهای پس انداز و وام مسکن مازندران، سمنان و اکباتان سهامدار می باشند و میزان سهام نامبردگان (با ارزش اسمی هر سهم ۱۰/۰۰۰ ریال) طبق دفاتر سهام شرکتهای بشرح زیر می باشد:

شرکت پس انداز و وام مسکن

مازندران	اکباتان	سمنان
خانم لیلی یزدانی ۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم

۲

آقای هژبر یزدانی وابستگان در شرکتهای پس انداز وام مسکن مازندران، سمنان و اکباتان
چهارده ارشاد شد و میزان سهام نامبردگان (با ارزش اسمی هر سهم ۱۰/۰۰۰ ریال) طبق
دفاتر سهام شرکتهای بشرح زیر می باشد:

شرکت پس انداز وام مسکن

مازندران	اکباتان	سمنان
خانم لیلی یزدانی ۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
آقای یار محمد اسحق ۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
خانم کیانوش یزدانی ۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
آقای کیومرث یزدانی ۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
خانم حسن یزدانی ۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
آقای هسرت الله یزدانی ۱۰۰۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
آقای کیانوش یزدانی ۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
خانم کیانوش یزدانی ۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
آقای گدازه یزدانی ۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم

مجموعاً هیجده و نیمی تا بهره داران این بانک پرداخت شده است.

مهر و امضاء

مازندران	اکباتان	سمنان	
آقای نادر یزدانی	۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
خانم کیاندخت	۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
آقای کیومرث یزدانی	۷۵۰ سهم	—	۱۰۰۰ سهم
خانم نسرین یزدانی	۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
آقای هزبراله یزدانی	۱۰۰۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
آقای کیانوش یزدانی	۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
آقای کاوه یزدانی	۷۵۰ سهم	۵۰۰ سهم	۱۰۰۰ سهم
۷۰۰۰ سهم	۴۰۰۰ سهم	۹۰۰۰ سهم	

ضمناً هیچگونه وامی به نامبرده از طرف این بانک پرداخت نشده است.

مسعود اهری^۱

۱- مسعود اهری فرزند قاسم در سال ۱۳۰۱ ش در تبریز بدینا آمد. تحصیلات خود را تا دکترای اقتصاد از دانشگاه نبراسکا در آمریکا ادامه داد و مشاغلی از جمله: مشاور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه، مشاور اقتصادی شورای عالی اقتصاد، عضو هیأت مدیره بانک رهنی ایران، استادیار دانشگاه تهران، معاون طرحها و بررسی وزارت آبادانی و مسکن و... را عهده دار بود. از وی چند اثر مکتوب در زمینه اقتصادی بر جای مانده است. وی از اعضای جمعیت فراماسونری لژ ژاندارک نیز بوده است.
- اسناد ساواک، پرونده های انفرادی

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۲۰

جناب آقای مهندس جعفر شریف امامی نخست وزیر محبوب ایران

احتراماً پیرو عریضه هفته نامه قبلی بعرض می‌رساند:

چون معلوم نیست تا چه مدت به اتهام واهی و بی‌اساس در بازداشت بسر برم
 بخصوص با علم و یقین بر بی‌گناهی خود، لذا مستدعی است با توجه به عریضه
 قبلی اینک با داشتن سی واحد کشاورزی و صنعتی و دامداری و ادامه بازداشت
 موجبات اختلال و اغتشاش امور شرکتهای مزبور گردیده بطوری که هر آن خطر

آن است که حدود شصت
 هزار کارمند و کارگر و زارع
 دست از کار کشیده با
 مراجعه نزد مقامات دولتی و
 قضائی موجب گرفتاری و
 درگیری بیشتر گردند در این
 حال زیانهای جبران‌ناپذیر
 پدید آید. اینک تقاضا دارد
 برای پیش‌گیری از هر نوع
 زیان مقرر فرمایید طبق
 آئین‌نامه زندان روزی دوسه
 ساعت به اینجانب اجازه
 دهند که با مأمورین مراقب
 از زندان خارج شده و تا
 رسیدگی قطعی پرونده
 نگذارم رشته امور مختل

۱۳۵۷/۷/۲۰

جناب آقای مهندس جعفر شریف امامی نخست وزیر محبوب ایران

احتراماً پیرو عریضه قبلی بعرض می‌رساند:

چون معلوم نیست تا چه مدت با اتهام واهی بی‌اساس در بازداشت بسر برم
 بخصوص با علم و یقین بر بی‌گناهی خود، لذا مستدعی است با توجه به عریضه قبلی
 اینک با داشتن سی واحد کشاورزی و صنعتی و دامداری و ادامه بازداشت موجب
 اختلال و اغتشاش امور شرکتهای مزبور گردیده بطوریکه هر آن خطر آراست
 که حدود شصت هزار کارمند و کارگر و زارع دست از کار کشیده با مراجعه نزد
 مقامات دولتی و قضائی موجب گرفتاری و درگیری بیشتر گردند در این حال
 زیانهای جبران‌ناپذیر پدید آید.

اینک تقاضا دارد برای پیش‌گیری از هر نوع زیان مقرر فرمایید طبق آئین‌نامه
 زندان روزی دوسه ساعت به اینجانب اجازه دهند که با مأمورین مراقب از زندان
 خارج شده و تا رسیدگی قطعی پرونده نگذارم رشته امور مختل نگردد.
 و اینکه به زود دادگستری دستور دهد رسیدگی به پرونده و اتهامات اینجانب را خارج
 از نوبت رسیدگی کرده تا با قرار قانونی و صدور وثیقه لازم و کفالت اینجانبان
 آزاد نسیم.

تا به این طریق از حبس و محال مال مردم و خسارت و تشنج بین کارگران و کارمندان کسبه
 مگر است در اوضاع آشفته مشکلی بر مشکلات موجود بهر حال به جلوگیری بعمل آید.

با تقدیم احترام از طرف هژبر یزدانی
 ۱۳۵۷/۷/۲۰

گردد. و با اینکه به وزیر دادگستری دستور دهید رسیدگی به پرونده و اتهامات
 اینجانب را خارج از نوبت رسیدگی کرده تا با قرار قانونی و سپردن وثیقه لازم و
 کافی از زندان آزاد شوم. تا بدین طریق از حیف و میل مال مردم و خود و تشنج
 بین کارگران و کارمندان که ممکن است در اوضاع آشفته مشکلی بر مشکلات
 موجود بیفزاید جلوگیری به عمل آورم.

با تقدیم احترام از طرف هژبر یزدانی

جناب آقای وزیر دادگستری دستور فرمایند رسیدگی کنند. ۵۷/۷/۲۰

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۲۳

شماره: ۱/۳۹۵۹م

سرور معظم جناب آقای شریف امامی نخست وزیر

۱- سید حسین نصر فرزند ولی الله نصر - کفیل اسبق وزارت فرهنگ و رئیس پیشین دانشکده ادبیات - در سال ۱۳۱۲ هـ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات را تا نیمه اول متوسطه در تهران بود و سپس به امریکا عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۳ موفق به اخذ لیسانس در رشته فیزیک و فلسفه علوم شد و در رشته ژئوفیزیک، فوق لیسانس گرفت و سپس به دانشگاه هاروارد رفت و در سال ۳۷ موفق به اخذ دکترای فلسفه تاریخ و علوم شد و در همین سال به ایران بازگشت و عهده دار مشاغل چون: دانشیاری، استادی و مدیریت در دانشگاه تهران، عضو شورای مرکزی آموزش کشور، رئیس دانشگاه صنعتی آریامهر، مدیر عامل انجمن شانهشاهی فلسفه ایران و بالاخره ریاست دفتر مخصوص فرح پهلوی، گردید و علاوه بر مشاغل فوق در چندین مؤسسه و مرکز و شورای داخلی و خارجی نیز عضو بود.

سید حسین نصر، در اوایل دهه ۱۳۴۰ به عنوان نویسنده ای مستقل مطرح بود که در اواخر همین دهه به دربار نزدیک شد. مشارالیه در سال ۱۳۵۱ از طرف دانشگاه تهران، جهت مکاتبه با یکی از اساتید دانشگاه اسرائیل (اورشلیم) که جهت مکاتبه در خصوص فلسفه و منطق اظهار تمایل کرده بود، معرفی شد.

او که با نصیری معدوم و ناصر مقدم دوستی و مراوده داشت و نشان های مختلف همایونی دریافت کرده بود همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی به

اخیراً نامه ای از طرف هژیر یزدانی جهت تقدیم به پیشگاه مبارک علیاحضرت شهبانو ارسال شده بود، معظم لها فرمودند این را من مطالعه نمی کنم برای هر نوع اقدام لازم به دولت ارسال شود. طبق اوامر معظم لها نامه به ضمیمه تقدیم می شود.

۱/۳۹۵۹
تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۲۳
پوست - ۱/۱

شهبانوی ایران

شهبانوی ایران

سرور معظم جناب آقای شریف امامی
نخست وزیر

اخیراً نامه ای از طرف هژیر یزدانی جهت تقدیم به پیشگاه مبارک علیاحضرت شهبانو ارسال شده است. معظم لها فرمودند اینرا من مطالعه نمی کنم برای هر نوع اقدام لازم به دولت ارسال شود. طبق اوامر معظم لها نامه به ضمیمه تقدیم می شود.

حسین نصر
رئیس دفتر مخصوص شهبانوی ایران

۷۱۴-۲-۲۴
۵۷/۷/۲۴

حسین نصر^۱ رئیس دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران قبلاً به وزارت دادگستری دستور لازم داده شده بایگانی شود.

پیوست گردید

فوری

به قرار اطلاع سابقه را از محرمانه

بیاورند

۷۱۴-۲-۲۳۰م/۲۴-۵۷/۷

۱۲۲۳۳

به: ۳۴۲

تاریخ: ۵۷/۷/۲۷

از: ۲۲۲

شماره: ۲۲۲/۲۰۵۰۸

موضوع: هژبر یزدانی

۱- مقامات وزارت دادگستری به مقامات وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام داشته‌اند پرونده‌ای که اکنون علیه هژبر یزدانی به اتهام ایراد ضرب و جرح تشکیل شده و با صدور قرار بازداشت در بازداشت بسر می‌برد به نحوی است که

نمی‌شود وی را بیش از حد مورد لزوم در بازداشتگاه نگاهداشت. علیهذا بهتر است با توجه به اینکه شنیده می‌شود هژبر یزدانی مبالغی به بانک صادرات بدهکار است و سفته‌های او وخواست شده ترتیبی داده شود که ورشکستگی او اعلام و با دادخواست بانک صادرات به بازداشت او به عنوان ورشکسته به تقصیر ادامه داده شود. مقامات وزارت امور اقتصادی و دارایی مراتب را با مقامات بانک صادرات مطرح و

شماره پرونده:	۲۲۲/۲۰۵۰۸
تاریخ:	۵۷/۷/۲۷
موضوع:	هژبر یزدانی

۱- مقامات وزارت دادگستری به مقامات وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام داشته‌اند پرونده‌ای که اکنون علیه هژبر یزدانی به اتهام ایراد ضرب و جرح تشکیل شده و با صدور قرار بازداشت در بازداشت بسر می‌برد به نحوی است که نمی‌شود وی را بیش از حد مورد لزوم در بازداشتگاه نگاهداشت. علیهذا بهتر است با توجه به اینکه شنیده می‌شود هژبر یزدانی مبالغی به بانک صادرات بدهکار است و سفته‌های او وخواست شده ترتیبی داده شود که ورشکستگی او اعلام و با دادخواست بانک صادرات به بازداشت او به عنوان ورشکسته به تقصیر ادامه داده شود. مقامات وزارت امور اقتصادی و دارایی مراتب را با مقامات بانک صادرات مطرح و

مقامات بانک صادرات پاسخ داده‌اند با توجه به اینکه هژبر یزدانی مجموعاً مبلغ سه هزار و هفتصد میلیون تومان در مقابل وثیقه و سفته و چک به بانک صادرات بدهکار است و این مبلغ را باید ظرف مدت پنج سال به بانک صادرات بپردازد (از این مبلغ چهارصد و هشتاد و شش میلیون تومان بهره پنج‌ساله وام دریافتی است) لذا چنانچه بانک صادرات علیه او اقامه دعوی نموده و ورشکستگی به تقصیر او را اعلام نماید با در نظر گرفتن اینکه این مبلغ بدهکاری تقریباً معادل سرمایه بانک صادرات است در حقیقت باید گفت که اعلام ورشکستگی بانک سرمایه بانک صادرات است در حقیقت باید گفت که اعلام ورشکستگی بانک

امریکا پناهنده شد.
وی در آمریکا با بنیاد کیهان و
فصلنامه ایران نامه که با
سرمایه‌گذاری اشرف پهلوی
تأسیس شده بود، به همکاری
پرداخت.

صادرات در اذهان عمومی مطرح می‌گردد و مشکلات مالی و اقتصادی فراوانی را در شرایط کنونی برای کشور بوجود می‌آورد که جبران‌ناپذیر خواهد بود. با توضیحاتی که مقامات بانک صادرات به مقامات وزارت امور اقتصادی و دارایی داده‌اند مقامات وزارت امور اقتصادی و دارایی قانع شده‌اند که اعلام ورشکستگی هژبر یزدانی با توجه به مصالح عمومی از نظر سیاسی و اقتصادی در شرایط کنونی به مصلحت کشور نبوده و به مقامات وزارت دادگستری پاسخ داده‌اند که اعلام ورشکستگی هژبر یزدانی برای وزارت امور اقتصادی و دارایی و

مقامات اقتصادی دولت میسر نمی‌باشد و گویا مقامات وزارت دادگستری از این امر بی‌نهایت ناراحت شده‌اند.

۲- قرار است در وزارت امور اقتصادی و دارایی کمیسیونی با حضور مقامات وزارت صنایع و وزارت کشاورزی و رئیس کل بانک مرکزی تشکیل تا ترتیبی داده شود که مؤسسات اقتصادی و صنعتی هژبر یزدانی را تحت نظر گرفته که این مؤسسات بتوانند به موقع وام‌های دریافتی وی را

تقدیمه و کلیات وزارت دادگستری از این امر، تنها به پارامتر هدایتند.

پس از ابراز است و وزارت امور اقتصادی و دارایی کمیسیونی با حضور نمایندگان وزارت صنایع و وزارت کشاورزی و رئیس کل بانک مرکزی تشکیل تا ترتیبی داده شود که مؤسسات اقتصادی و صنعتی هژبر یزدانی را تحت نظر گرفته که این مؤسسات بتوانند به موقع وام‌های دریافتی وی را از بانک صادرات پرداخت نمایند و از درهم پاشیده شدن مؤسسات ذکر که خبر به سقوط آنها منجر شود این گردد.

نظریه اداره کل دوم :

۱- انجام مذاکرات بالا بین مقامات بانک صادرات ایران و وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی صحت دارد.

۲- به می هژبر یزدانی به بانک صادرات ایران مدرج در پیوسته بالا صحیح است.

۳- باتوجه به بروز مشکلاتی که در حال حاضر در اثر اضمحلال شده در در سطح کشور بوجود آمده چنانچه در حال ورشکستگی به تصور هژبر یزدانی اعلام شود مشکلات فراوانی برای بانک صادرات ایران که دارای شعبات متعدد در سراسر سلطه و خارج از کشور است و چندین هزار کارمند دارد بوجود خواهد آمد و مسائل اقتصادی مختلفی برای کشور فراهم خواهد ساخت.

تیمار ریاست سابق بانک ذیل گزارشی که بشرح فوق از عرض معتمد نه گذشت به دست فرستاده :

(در صورت تأیید خبر در پیش اداره امور دوم درج شود)

پیامدها باتوجه به اینکه متن خبر صحت دارد و خواسته شده است دستور فرمایند در امرهای اواخر ماه به اقدام لازم معمول فرمایند.

مهر و امضاء :
ریاست :
تاریخ :
مهر و امضاء :
تاریخ :
مهر و امضاء :
تاریخ :

از بانک صادرات پرداخت نمایند و از درهم پاشیده شدن مؤسسات مذکور که منجر به سقوط آنها می‌شود خودداری گردد.

نظریه اداره کل دوم :

۱- انجام مذاکرات بالا بین مقامات بانک صادرات ایران و وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی صحت دارد.

۲- بدهی هژبر یزدانی به بانک صادرات ایران مندرج در خبر بالا صحیح است.

۳- با توجه به بروز مشکلاتی که در حال حاضر در اثر اعتصابات متعدد در سطح

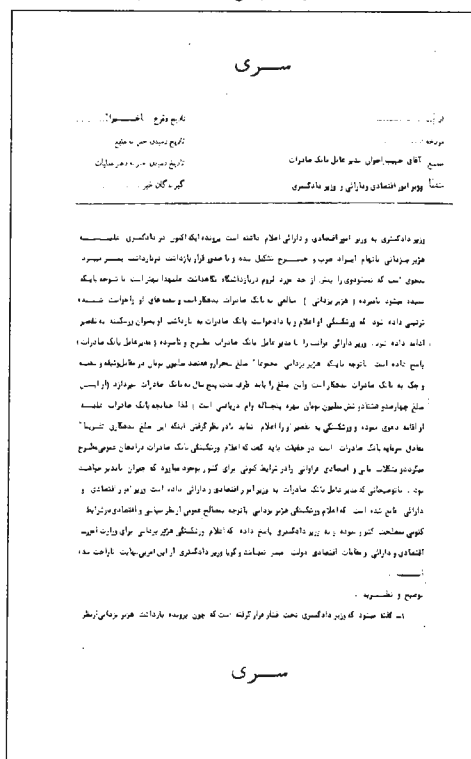
کشور بوجود آمده چنانچه عرض حال ورشکستگی به تقصیر هژبر یزدانی اعلام شود مشکلات فراوانی برای بانک صادرات ایران که دارای شعبات متعددی در سراسر مملکت و خارج از کشور است و چندین هزار کارمند دارد بوجود خواهد آمد و مسائل اقتصادی مختلفی برای کشور فراهم خواهد ساخت. تیمسار ریاست ساواک ذیل گزارشی که بشرح فوق از عرض معظم له گذشت پی نوشت فرمودند :

(در صورت تایید خبر در بولتن اداره سوم درج شود)

علیهذا با توجه به اینکه متن خبر صحت دارد، خواهشمند است دستور فرمایید در اجرای اوامر صادره اقدام لازم معمول فرمایند.

وزیر دادگستری به وزیر امور اقتصادی و دارائی اعلام داشته است پرونده‌ای که اکنون در دادگستری علیه هژبر یزدانی به اتهام ایراد ضرب و جرح تشکیل شده و با صدور قرار بازداشت بسر می‌برد به نحوی است که نمی‌شود وی را پیش از حد مورد لزوم در بازداشتگاه نگاهداشت علیهذا بهتر است با توجه به اینکه

شنیده می‌شود نامبرده (هژبر یزدانی) مبالغی به بانک صادرات بدهکار است و سفته‌های او وخواست شده ترتیبی داده شود که ورشکستگی او اعلام و با دادخواست بانک صادرات به بازداشت او به عنوان ورشکسته به تقصیر ادامه داده شود. وزیر دارائی مراتب را با مدیرعامل بانک صادرات مطرح و نامبرده (مدیرعامل بانک صادرات) پاسخ داده است با توجه به اینکه هژبر یزدانی مجموعاً مبلغ سه هزار و هفتصد



میلیون تومان در مقابل وثیقه و سفته و چک به بانک صادرات بدهکار است و این مبلغ را باید ظرف مدت پنج سال به بانک صادرات بپردازد (از این مبلغ چهار صد و هشتاد و شش میلیون تومان بهره پنج ساله وام دریافتی است) لذا چنانچه بانک صادرات علیه او اقامه دعوی نموده و ورشکستگی به تقصیر او را اعلام نماید با در نظر گرفتن اینکه این مبلغ بدهکاری تقریباً معادل سرمایه بانک صادرات است در حقیقت باید گفت که اعلام ورشکستگی بانک صادرات در اذهان عمومی مطرح می‌گردد و مشکلات مالی و اقتصادی فراوانی را در شرایط کنونی برای

کشور بوجود می آورد که جبران ناپذیر خواهد بود. با توضیحاتی که مدیرعامل بانک صادرات به وزیر امور اقتصادی و دارایی داده است وزیر امور اقتصادی و دارایی قانع شده است که اعلام ورشکستگی هژبر یزدانی با توجه به مصالح عمومی از نظر سیاسی و اقتصادی در شرایط کنونی به مصلحت کشور نبوده و به وزیر دادگستری پاسخ داده که اعلام ورشکستگی هژبر یزدانی برای وزارت امور اقتصادی و دارایی و مقامات اقتصادی دولت مبسر نمی باشد و گویا وزیر دادگستری از این امر بی نهایت ناراحت شده است.

توضیح و نظریه.

۱- گفته می شود که وزیر دادگستری تحت فشار قرار گرفته است که چون پرونده بازداشت هژبر یزدانی از نظر ایراد ضرب و جرح و تأمین قرار منطبق با موازین قانونی نیست از این روی باید با سپردن وجه الکفاله و یا وجه الضمان آزاد گردد و ایشان تمایل دارد برای اینکه گفته نشود که در زمان تصدی وی در مقام وزیر دادگستری هژبر یزدانی از زندان آزاد گردیده به طرق

۲

ایراد ضرب و جرح و تأمین قرار منطبق با موازین قانونی نیست. از این روی باید با سپردن وجه الکفاله و یا وجه الضمان آزاد گردد و ایشان تمایل دارد برای اینکه گفته نشود که در زمان تصدی وی در مقام وزیر دادگستری هژبر یزدانی از زندان آزاد گردیده به طرق دیگری نسبت به ادامه بازداشت نامبرده اقدام نماید. ۲- وزیر امور اقتصادی و دارایی دستور داده است کمیونی در دفتر ایشان با حضور وزیر صنایع و معادن و رئیس کل بانک مرکزی تشکیل تا ترتیبی داده شود که مؤسسات اقتصادی و صنعتی هژبر یزدانی را تحت نظر گرفته که این مؤسسات بتواند به موقع وامهای دریافتی وی را از بانک صادرات پرداخت نمایند و از درهم پانزده نصدن مؤسسات مذکور که سجر به سقوط آنها بینود خودداری گردد.

دیگری نسبت به ادامه بازداشت نامبرده اقدام نماید.

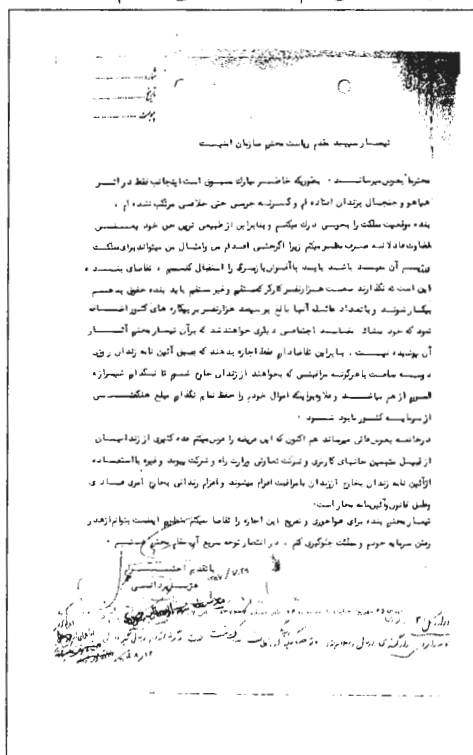
۲- وزیر امور اقتصادی و دارایی دستور داده است کمیسیونی در دفتر ایشان با حضور وزیر صنایع و وزیر کشاورزی و رئیس کل بانک مرکزی تشکیل تا ترتیبی داده شود که مؤسسات اقتصادی و صنعتی هژبر یزدانی را تحت نظر گرفته که این مؤسسات بتوانند به موقع وامهای دریافتی وی را از بانک صادرات پرداخت نمایند و از درهم پانزده شدن مؤسسات مذکور که منجر به سقوط آنها می شود خودداری گردد.

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۲۹

تیمسار سپهبد مقدم ریاست محترم سازمان امنیت

محترماً بعرض می‌رساند: بطوری که خاطر مبارک مسبوق است اینجانب فقط در اثر هیاهو و جنجال به زندان افتاده‌ام و گر نه جرمی حتی خلافی مرتکب نشده‌ام، بنده موقعیت مملکت را به خوبی درک می‌کنم و بنابراین از طبیعی‌ترین حق خود یعنی قضاوت عادلانه صرف‌نظر می‌کنم زیرا اگر حتی اعدام من و امثال

من می‌تواند برای مملکت و رژیم آن مفید باشد باید با آغوش باز مرگ را استقبال کنیم، تقاضای بنده این است که نگذارند شصت هزار نفر کارگر که مستقیم و غیرمستقیم باید بنده حقوق بدهم بیکار شوند و با تعداد عائله آنها بالغ بر سیصد هزار نفر بر بیکاره‌های کشور اضافه شود که خود منشأ مفاسد اجتماعی دیگری خواهند شد که بر آن تیمسار محترم آثار آن پوشیده نیست، بنابراین تقاضا دارم فقط اجازه بدهند که طبق



آئین‌نامه زندان روزی دو سه ساعت با هرگونه مراقبتی که بخواهند از زندان خارج شوم تا نگذارم شیرازه امور از هم بپاشد و علاوه بر اینکه اموال خودم را حفظ نمایم نگذارم مبلغ هنگفتی از سرمایه کشور نابود شود.

در خاتمه بعرض عالی می‌رساند هم‌اکنون که این عریضه را عرض می‌کنم عده کثیری از زندانیان از قبیل متهمین خانهای کارگری و شرکت تعاونی وزارت راه و شرکت پیوند و غیره با استفاده از آئین‌نامه زندان به خارج از زندان با مراقبت اعزام می‌شوند و اعزام زندانی به خارج امری عادی و طبق قانون و آئین‌نامه

مجاز است.

تیمسار محترم بنده برای هواخوری و تفریح این اجازه را تقاضا نمی‌کنم منظورم این است بتوانم از هدر رفتن سرمایه خودم و مملکت جلوگیری کنم. در انتظار توجه سریع آن مقام محترم هستم. با تقدیم احترام هژبر یزدانی

نوری

اداره کل ۳

نامه را برای دادگستری ارسال و اعلام شود با توجه به اینکه رسیدگی از وظائف ساواک نیست جهت هرگونه اقدام ارسال می‌گردد.

در اجرای امر اعلام شود

خیلی محرمانه

تاریخ: ۵۷/۷/۲۹

شماره: ۲۴۷۰/م

جناب آقای جعفر شریف امامی نخست وزیر

معطوفاً به مرقومه شماره ۷۱۴-۲-۲۴۰/م مورخ ۱۳۵۷/۷/۹ به استحضار عالی می‌رساند که موضوع در کمیسیونی با حضور جنابان آقایان وزرای امور اقتصادی و دارایی و صنایع و معادن و کار امور اجتماعی بررسی و این نتیجه

حاصل گردید که در مورد اداره مؤسسات صنعتی که اشکالاتی ایجاد شده یا بشود بر طبق ماده ۴۶ قانون کار و ماده ۱۲ قانون حمایت صنعتی اقدام شود و چون بطور کلی احتمال توقف آقای هژبر یزدانی می‌رود قرار شد جناب آقای وزیر دارایی وضع پرداخت و جریان امور مشارالیه را معلوم نمایند. هرگاه واقعاً متوقف باشد اقدام قانونی معمول گردد.

با تقدیم احترام وزیر دادگستری محمد باهری

تاریخ: ۵۷/۷/۲۹
شماره: ۲۴۷۰/م
پوست: ۵۷/۷/۲۹

وزارت دادگستری
خیلی محرمانه

محمد باهری
نخست وزیر

معطوفاً "مرقومه شماره ۷۱۴-۲-۲۴۰/م مورخ ۱۳۵۷/۷/۹ با استحضار عالی می‌رساند که موضوع در کمیسیونی با حضور جنابان آقایان وزرای امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، و کار امور اجتماعی بررسی و این نتیجه حاصل گردید که در مورد اداره مؤسسات صنعتی که اشکالاتی ایجاد شده یا بشود بر طبق ماده ۴۶ قانون کار و ماده ۱۲ قانون حمایت صنعتی اقدام شود و چون بطور کلی احتمال توقف آقای هژبر یزدانی می‌رود قرار شد جناب آقای وزیر دارایی وضع پرداخت و جریان امور مشارالیه را معلوم نمایند. هرگاه واقعاً متوقف باشد اقدام قانونی معمول گردد.

وزیر دادگستری
محمد باهری

فرمانروای شاهنشاهی
محمد مصدق

۵۷/۷/۲۹

برای استحضار جناب آقای نخست وزیر ۵۷/۷/۳۰

جناب آقای وزیر دادگستری با جناب آقای وزیر صنایع و معادن مذاکره فرمایند که مراقبت کنند واحدهای صنعتی مزبور به کار خود ادامه دهند و در این خصوص هر اقدامی که باید صورت گیرد

معلوم و انجام دهید. ۵۷/۸/۲

۷۱۴-۲-۲۳۰/م

۱۲۴۶۰

به: ۳۰۲

تاریخ: ۵۷/۷/۳۰

از: ۲۲۵۲۰

شماره: ۶۱۹۳۹

موضوع: سهام ارتشید نصیری در بانک صادرات

کلیه سهام ارتشید نصیری از سهام بانک صادرات بطور رایگان از جانب هژبر یزدانی به نامبرده واگذار گردیده است تا بتواند از جهات متفاوت مورد حمایت تیمسار ارتشید نصیری قرار گیرد و هنگامی که در آذر ماه ۱۳۵۶ یکی از کارمندان بانک صادرات بنام موسی پور به منظور فروش سهام خود به دفتر هژبر یزدانی

مراجعه می‌کند در سر میز ناهار هژبر یزدانی در مورد ازدیاد سرمایه بانک صادرات از ۱۵ به ۱۸ میلیارد ریال به صورت فروش سهام در مبلغ اسمی اظهار می‌دارد که در ازدیاد این سهام حق اولویت با والا حضرت رضا پهلوی ولایتعهد ایران و تیمسار ارتشید نصیری و تیمسار ایادی بوده و این ازدیاد سهام در سرمایه‌گذاری را به نامبردگان واگذار نمود.

نظریه شنبه: در ازدیاد سرمایه به صورت پذیره نویسی اصل بر این است که اگر با انتشار

خبرنامه

روزنامه

شماره ۱۹۵۹

تاریخ ۵۷/۷/۳۰

موضوع: سهام ارتشید نصیری در بانک صادرات

کلیه سهام ارتشید نصیری از سهام بانک صادرات بطور رایگان از جانب هژبر یزدانی به نامبرده واگذار گردیده است تا بتواند از جهات متفاوت مورد حمایت تیمسار ارتشید نصیری قرار گیرد و هنگامی که در آذر ماه ۱۳۵۶ یکی از کارمندان بانک صادرات بنام موسی پور به منظور فروش سهام خود به دفتر هژبر یزدانی مراجعه می‌کند در سر میز ناهار هژبر یزدانی در مورد ازدیاد این سهام حق اولویت با والا حضرت رضا پهلوی ولایتعهد ایران و تیمسار ارتشید نصیری و تیمسار ایادی بوده و این ازدیاد سهام در سرمایه‌گذاری را به نامبردگان واگذار نمود.

نظریه شنبه: در ازدیاد سرمایه به صورت پذیره نویسی اصل بر این است که اگر با انتشار

سهام به مبلغ اسمی و فروش آن به سهام‌داران و یا در بازار فروش اوراق بهادار میزان سرمایه را افزایش دهند و سهام بانک صادرات در سال گذشته از رونق خاصی برخوردار بوده بطوری که مبلغ اسمی آن ۱۵۰۰۰ ریال لکن دو برابر قیمت فوق در بازار و یا نزد سهام‌داران خرید و فروش می‌شده است.

نظریه یکشنبه: با توجه به اعتمادی که نسبت به شنبه وجود دارد احتمال دارد که موارد فوق از طرف هژبر یزدانی عنوان گردیده باشد. سهراب

نظریه چهارشنبه: منبع در گزارش خود بی‌غرض است. ماجد

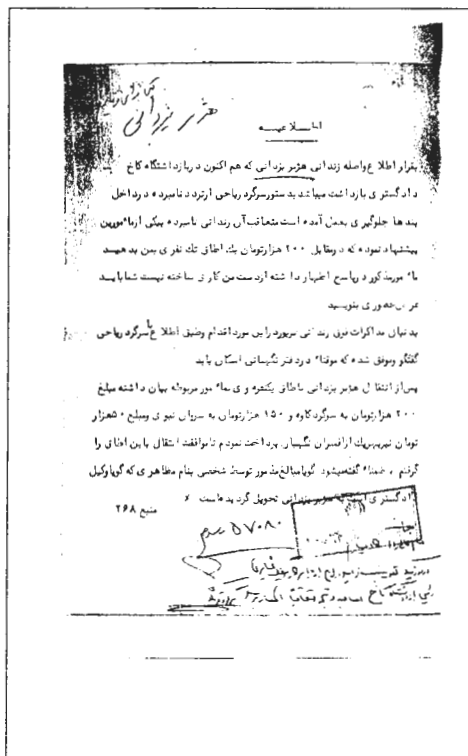
اطلاعیه

به قرار اطلاع واصله زندانی هژبر یزدانی که هم‌اکنون در بازداشتگاه کاخ دادگستری بازداشت می‌باشد به دستور سرگرد ریاحی از تردد نامبرده در داخل بندها جلوگیری بعمل آمده است متعاقب آن زندانی نامبرده به یکی از مأمورین پیشنهاد نموده که در مقابل ۲۰۰ هزار تومان یک اطاق تک نفری به من بدهید مأمور مذکور در پاسخ اظهار داشته از دست من کاری ساخته نیست شما باید

عرض حضوری بنویسید.

به دنبال مذاکرات فوق زندانی مزبور در این مورد اقدام و طبق اطلاع با سرگرد ریاحی گفتگو و موفق شده که موقتاً در دفتر نگهبانی اسکان یابد.

پس از انتقال هژبر یزدانی به اطاق یک نفره وی به مأمور مربوطه بیان داشته مبلغ ۲۰۰ هزار تومان به سرگرد کاوه و ۱۵۰ هزار تومانی به سروان نبوی و مبلغ ۵۰ هزار تومان به هر یک از افسران نگهبان پرداخت نمودم تا موافقت انتقال به این اطاق را



گرفتم، ضمناً گفته می‌شود گویا مبالغ مذکور توسط شخصی به نام مظاهری که گویا وکیل دادگستری است به هژبر یزدانی تحویل گردیده است.

منبع ۲۶۸

یکی کپی برای وقایع هژبر یزدانی

مقام عالی را آگاه می‌سازم: در صورتی که تصویب فرمایند در این باره با سرکار سرهنگ عشایری رئیس بازداشتگاه کاخ مصاحبه و نتیجه متعاقباً به استحضار برسد. سرگرد...

۵۷۰۸۰

به : مدیریت کل اداره سوم / ۳۴۳
 تاریخ : ۵۷/۸/۱
 از : سازمان اطلاعات و امنیت خراسان
 شماره : ۳۹/۱۱۷۰۵ ه
 درباره : کارخانه قند شیروان

کارخانه قند شیروان که چند سال قبل به مالکیت آقای هژبر یزدانی درآمد از کارخانجات بزرگ قند ایران است که ظرفیت آن روزانه حدود ۴۵۰۰ تن چغندر می باشد.

در سازمان اطلاعات و امنیت خراسان

شماره: ۳۹/۱۱۷۰۵
 تاریخ: ۵۷/۸/۱
 موضوع: کارخانه قند شیروان

موضوع: کارخانه قند شیروان

کارخانه قند شیروان که چند سال قبل به مالکیت آقای هژبر یزدانی درآمد از کارخانجات بزرگ قند ایران است که ظرفیت آن روزانه حدود ۴۵۰۰ تن چغندر می باشد.

با توجه به تعصبات مذهبی اهالی خراسان به ویژه روستائیان که طبقه کارگر کارخانه را تشکیل می دهد موضوع بهائی بودن آقای هژبر یزدانی یکی از علل مهم روگردانی کارگران از این واحد شد از طرفی عدم مدیریت صحیح و اعمال قدرت ناراحتی کارگران را دوچندان نمود و عوامل دیگری مانند عدم پرداخت به موقع دستمزدها، لغو اضافه کاری باعث بروز اعتصابات متعددی که اولین آن ۱۸ ماه قبل بود گردید.

این کارخانه به مدیر عاملی دکتر عاقلی (مدیر عامل تعاون شهر روستا که فعلاً بازداشت می باشد) و ریاست آقای پروین اداره می شود که متأسفانه رئیس کارخانه فاقد مدیریت بوده و اداره کارخانه را منوط به اعمال قدرت از قبیل جلوگیری از پرداخت اضافه کار - کتک کاری - فحاشی و جریمه های مالی دانسته که نتیجه ای جز ناراضی کارگران نداشته است تا جایی که کارگران تعویض رئیس را مقدم بر انجام خواسته های خود دانسته و از ادامه کار خودداری نموده اند. همچنین عدم پرداخت به موقع دستمزدها و عدم پرداخت سه ماه

۴۲۲۳۲۹

با توجه به تعصبات مذهبی اهالی خراسان به ویژه روستائیان که طبقه کارگر کارخانه را تشکیل می دهد موضوع بهائی بودن آقای هژبر یزدانی یکی از علل مهم روگردانی کارگران از این واحد شد از طرفی عدم مدیریت صحیح و اعمال قدرت ناراحتی کارگران را دوچندان نمود و عوامل دیگری مانند عدم پرداخت به موقع دستمزدها، لغو اضافه کاری باعث بروز اعتصابات متعددی که اولین آن ۱۸ ماه قبل بود گردید.

این کارخانه به مدیر عاملی دکتر عاقلی (مدیر عامل تعاون شهر روستا که فعلاً بازداشت می باشد) و ریاست آقای پروین اداره می شود که متأسفانه رئیس کارخانه فاقد مدیریت بوده و اداره کارخانه را منوط به اعمال قدرت از قبیل جلوگیری از پرداخت اضافه کار - کتک کاری - فحاشی و جریمه های مالی دانسته که نتیجه ای جز ناراضی کارگران نداشته است تا جایی که کارگران تعویض رئیس را مقدم بر انجام خواسته های خود دانسته و از ادامه کار خودداری نموده اند. همچنین عدم پرداخت به موقع دستمزدها و عدم پرداخت سه ماه

اضافه کاریها باعث اعتراض اخیر شده بود که با دخالت اداره کار در پایان شهریور ماه بدهی‌های معوقه اضافه کار و حقوق شهریور یکجا پرداخت شد ولی به علت عدم مدیریت مطالبات و حقوق مشروع کارگران به عهده تعویق افتاده است در نتیجه کم‌کاری و نارضایتی در واحد موصوف کاملاً مشهود است. لذا از طریق اداره کار شورای سازش تشکیل و هیئت حل اختلاف عدم مدیریت را تایید نموده است.

با توجه به مراتب فوق و نارضائیهای موجود به پیشنهاد اداره کل خراسان جلسه‌ای در ۵۷/۷/۳۰ با شرکت استاندار - مدیرکل کار - اینجانب و مدیرکل اداره صنایع و معادن و دبیر سندیکای کارگران در دفتر استاندار تشکیل که یک برگ صورتجلسه مربوطه به پیوست تقدیم می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید از نتیجه اقدامات این سازمان را مطلع نمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت خراسان - شیخان

قبلاً در بولتن درج شده بایگانی شود

۴۳۲۳۲۹

تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۱

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران گزارش

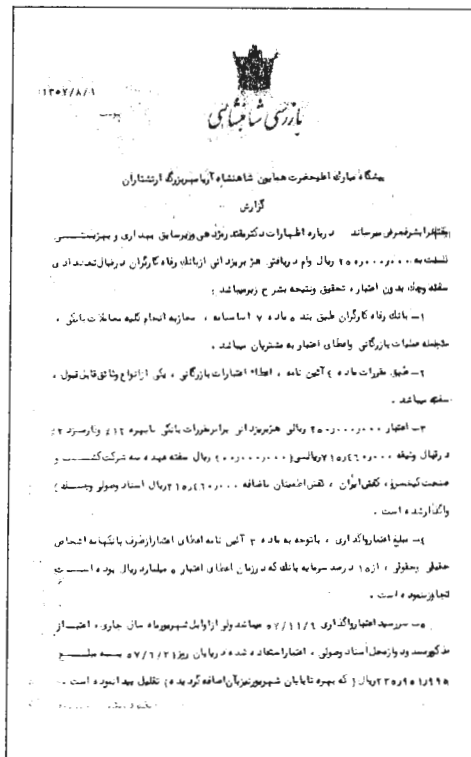
مفتخرأ به شرف عرض می‌رساند: درباره اظهارات دکتر مقتدر مژده‌ی^۱
وزیر سابق بهداری و بهزیستی نسبت به ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال وام دریافتی
هژبر یزدانی از بانک رفاه کارگران در قبال تعدادی سفته و چک بدون اعتبار،

تحقیق و نتیجه بشرح زیر
می‌باشد:

۱- بانک رفاه کارگران طبق
بند ۵ ماده ۷ اساسنامه، مجاز
به انجام کلیه معاملات
بانکی، منجمله عملیات
بازرگانی و اعطای اعتبار به
مشتریان می‌باشد.

۲- طبق مقررات ماده ۴
آئین‌نامه، اعطاء اعتبارات
بازرگانی، یکی از انواع
وثائق قابل قبول سفته
می‌باشد.

۳- اعتبار ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰
ریالی هژبر یزدانی برابر
مقررات بانکی با بهره ۱۲٪ و



۱- نصرالله مقتدر مژده‌ی فرزند
محمد در سال ۱۳۰۰ ش در
رشت بدنیا آمد. تحصیلات خود
را تا دکترای پزشکی از دانشگاه
تهران ادامه داد و مشاغل از
جمله: استاد بیماری‌های عفونی
دانشکده پزشکی دانشگاه
تهران، معاون آموزشی و
دانشجویی دانشگاه تهران،
رئیس دانشکده پزشکی، مشاور
وزارت بهداری، عضو شورای
اجرایی مرکز آزمون‌شناسی،
عضو کمیته امور علمی و
آموزشی نظام پزشکی، سناتور
مجلس سنا، وزیر بهداری و...
را عهده‌دار بود.

از حیث سیاسی طرفدار سیاست
غرب و رژیم پهلوی و حزب
رستاخیز بوده و به پاس خدمت
به این رژیم نشان درجه ۲
همایون و درجه ۳ تاج دریافت
نموده است. از وی چند اثر
علمی در زمینه پزشکی نیز بر
جای مانده است.
- اسناد ساواک، پرونده‌های
انفرادی

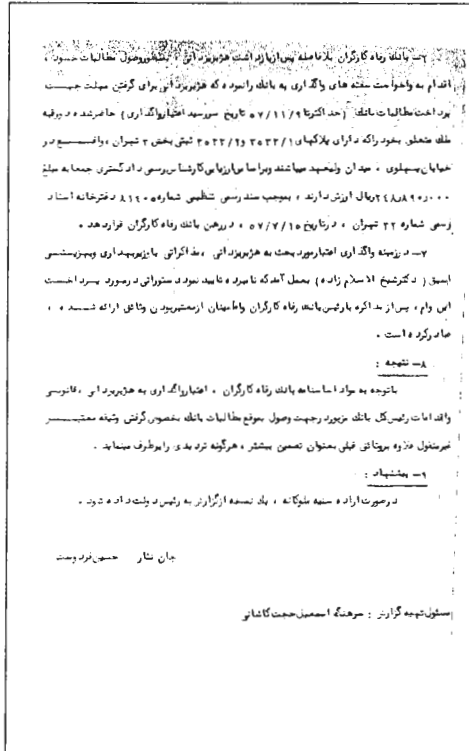
کارمزد ۲٪ در قبال وثیقه ۷۱۵/۴۶۰/۰۰۰ ریالی (۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال سفته
عهده سه شرکت کشت و صنعت کیخسرو، کفش ایران، کفش اطمینان به اضافه
۳۱۵/۴۶۰/۰۰۰ ریال اسناد وصولی و چک) واگذار شده است.

۴- مبلغ اعتبار واگذاری، با توجه به ماده ۳ آئین‌نامه اعطای اعتبار از طرف بانکها
به اشخاص حقیقی و حقوقی، از ۱۵ درصد سرمایه بانک که در زمان اعطای
اعتبار ۵ میلیارد ریال بوده است تجاوز ننموده است.

۵- سررسید اعتبار واگذاری ۵۷/۱۱/۹ می‌باشد ولی از اوایل شهریور ماه سال

جاری، اعتبار مذکور مسدود و از محل اسناد وصولی، اعتبار استفاده شده در پایان روز ۵۷/۶/۳۱ به مبلغ ۲۳۵/۹۵۱/۹۹۵ ریال (که بهره تا پایان شهریور نیز به آن اضافه گردیده) تقلیل پیدا نموده است.

۶- بانک رفاه کارگران بلافاصله پس از بازداشت هژبر یزدانی، به منظور وصول مطالبات خود، اقدام به واخواست سفته‌های واگذاری به بانک را نموده که هژبر یزدانی برای گرفتن مهلت جهت پرداخت مطالبات بانک (حداکثر تا ۵۷/۱۱/۹ تاریخ سررسید اعتبار واگذاری) حاضر شده دو رقبه ملک متعلق به خود را که دارای پلاکهای ۳۵۳۳/۲ و ۳۵۳۳/۱ طبق بخش ۳ تهران، واقع در خیابان پهلوی، میدان ولیعهد و براساس ارزیابی کارشناس رسمی دادگستری جمعاً به مبلغ ۲۴۸/۸۹۰/۰۰۰ ریال ارزش دارند، به موجب سند رسمی تنظیمی شماره ۵۷/۷/۱۵ در رهن بانک رفاه کارگران قرار دهد.



دارای پلاکهای ۳۵۳۳/۲/۳۵۳۳/۱ ثبتی بخش ۳ تهران، واقع در خیابان پهلوی، میدان ولیعهد می‌باشند و براساس ارزیابی کارشناس رسمی دادگستری جمعاً به مبلغ ۲۴۸/۸۹۰/۰۰۰ ریال ارزش دارند، به موجب سند رسمی تنظیمی شماره ۸۱۴۰۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۲ تهران، در تاریخ ۵۷/۷/۱۵، در رهن بانک رفاه کارگران قرار دهد.

۷- در زمینه واگذاری اعتبار

مورد بحث به هژبر یزدانی، مذاکراتی با وزیر بهداری و بهزیستی اسبق (دکتر شیخ الاسلامزاده)^۱ به عمل آمده که نامبرده تایید نمود دستوراتی در مورد پرداخت این وام، پس از مذاکره با رئیس بانک رفاه کارگران و اطمینان از معتبر بودن وثائق ارائه شده، صادر کرده است.

۸- نتیجه :

با توجه به مواد اساسنامه بانک رفاه کارگران، اعتبار واگذاری به هژبر یزدانی، قانونی و اقدامات رئیس کل بانک مزبور در جهت وصول به موقع مطالبات بانک

۱- شیخ الاسلامزاده فرزند سیدحسین، وکیل مبرز دادگستری و رئیس کانون وکلای آذربایجان، در سال ۱۳۱۰ در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به اتمام رسانید و وارد دانشکده پزشکی تهران شد و در ۱۳۲۶ دکترای خود را دریافت کرد و برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت نمود و در دانشگاههای پنسیلوانیا و اوهایو دوره تخصصی ارتوپدی را با درجه ممتاز گذراندید و چندی در بیمارستانهای آمریکا کارآموزی نمود و به ایران بازگشت و یکی از مؤسسين بیمارستان پارس بود. اولین شغل دولتی او بنیانگذاری و مدیریت عامل انجمن توانبخشی بود در سال ۱۳۵۳ امیرعباس هویدا در کابینه خود تغییرات تازه‌ای داد و سه وزارتخانه جدید تأسیس نمود. یکی از آن سه وزارتخانه. وزارت رفاه اجتماعی بود و شیخ الاسلامزاده را در رأس آن قرار داد. در بهمن ماه ۱۳۵۴، هویدا تغییر دیگری در کابینه داد و دو وزارت بهداری و رفاه اجتماعی در هم ادغام شدند و وزارت بهداری و بهزیستی نام گرفت و نامبرده در رأس همین وزارتخانه قرار گرفت. در دوره نخست‌وزیری جمشید آموزگار (مردادماه ۱۳۵۶) شیخ الاسلامزاده وزیر بهداری و بهزیستی بود. در شهریور ۱۳۵۷ شریف امامی نخست‌وزیر شد و دست به یک سلسله کارهای سطحی و عوام‌فریبانه زد از جمله دستور داد حکومت نظامی عده‌ای

بخصوص گرفتن وثیقه معتبر غیر منقول علاوه بر وثائق قبلی به عنوان تضمین از مریدان و دولتمردان و بازرگانان را توقیف کند و در نتیجه عده‌ای از جمله

۹- پیشنهاد:

در صورت اراده سینه ملوکانه، یک نسخه از گزارش به رئیس دولت داده شود.

جان نثار - حسین فردوست^۱

مسئول تهیه گزارش: سرهنگ اسمعیل حجت کاشانی

شیخ الاسلام زاده طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت شدند و به زندان کمیته مشترک انتقال یافت و تا ۱۵ آبان ۱۳۵۷ در آن زندان بسر می‌برد. در آن ایام عده دیگری از جمله امیرعباس هویدا، ارتشبد نصیری و عبدالعظیم ولیان بازداشت شدند و به زندان جمشیدآباد انتقال یافتند و زندانیان کمیته مشترک هم به آنها ملحق شدند از جمله شیخ الاسلام زاده بود. و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در زندانها باز شد و عده‌ای آزاد و برخی توسط مردم دستگیر شدند. شیخ الاسلام زاده نیز توسط مردم دستگیر و چندی زندانی بود و سپس محاکمه شد و پس از آن مورد عفو قرار گرفت.

- عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی معاصر ایران، نشر گفتار و علم، ص ۸۹۹ و ۹۰۰، جلد دوم.

۱- ارتشبد حسین فردوست از چهره‌های برجسته عصر پهلوی است که از دوران کودکی به عنوان دانش آموز دبستان نظام وارد کلاس مخصوصی شد که رضاخان برای ولیعهد خود محمدرضا پهلوی ترتیب داده بود. لذا فردوست، دوست صمیمی و نزدیکترین محرم اسرار وی گردید. با عزیمت محمدرضا به سوئیس فردوست نیز وی را همراهی کرد. با صعود محمدرضا به سلطنت از ابتدای دهه بیست فردوست جزء دوستان صمیمی و مشاوران شاه گردید. بدان حد که «گوش» و «چشم» شاه قلمداد می‌شد و

شماره: ۲۳۸۸/۳۵

تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۳

جناب آقای شریف امامی نخست وزیر

گزارش مورخ ۱۳۵۷/۸/۱ درباره اظهارات دکتر مقتدر مژده‌ی وزیر سابق بهداری و بهزیستی نسبت به ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال وام دریافتی هژبر یزدانی از بانک رفاه کارگران که فتوکپی آن به پیوست می باشد از شرف عرض مبارک ملوکانه گذشت، اوامر شاهانه در مقابل پیشنهاد شرف صدور یافت:

«اگر بخواهند بفرستید»

متمنی است مقرر فرمایند نتیجه اقدامات را اعلام دارند تا به شرف عرض مبارک شاهانه برسد.

رئیس بازرسی شاهنشاهی
ارتشبد حسین فردوست
عیناً جهت اطلاع به وزارت
دادگستری ارسال شود تا ضمن

سایر بدهی های هژبر یزدانی

منظور شود. ۵۷/۸/۷

۷۱۴-۲-۲۳/م

شماره: ۲۴۸۸/۳۵	تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۳	پیوست: دارد
 محرمانه بازرسی شاهنشاهی		
جناب آقای شریف امامی نخست وزیر گزارش مورخ ۱۳۵۷/۸/۱ درباره اظهارات دکتر مقتدر مژده‌ی وزیر سابق بهداری و بهزیستی نسبت به ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال وام دریافتی هژبر یزدانی از بانک رفاه کارگران که فتوکپی آن به پیوست می باشد از شرف عرض مبارک ملوکانه گذشت، اوامر شاهانه در مقابل پیشنهاد شرف صدور یافت: پیشنهاد شرف صدور یافت: * اگر بخواهند بفرستید * متمنی است مقرر فرمایند نتیجه اقدامات را اعلام دارند تا به شرف عرض مبارک شاهانه برسد.		
رئیس بازرسی شاهنشاهی ارتشبد حسین فردوست عیناً جهت اطلاع به وزارت دادگستری ارسال شود تا ضمن سایر بدهی های هژبر یزدانی منظور شود. ۵۷/۸/۷ ۷۱۴-۲-۲۳/م		

در راس مهمترین ارگان اطلاعاتی رژیم دفتر ویژه اطلاعات قرار گرفت. او بر ساواک نظارت داشت و رابط شخصی شاه با سیستم اطلاعاتی کشور حتی آژانس مرکزی اطلاعات امریکا (سیا) بود. بعضی از نویسندگان وی را مغز و حافظه شاه دانسته و تصمیمات محمدرضا را عصاره مشورت با فردوست دانسته اند. پس از سقوط شاه، فردوست دستگیر شد و پس از یک بازجویی مفصل بیش از ۱۵۰۰ صفحه خاطرات نگاشت و پرده از اسرار رژیم برداشت این خاطرات در بین سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ به صورت کتبی و شفاهی پخش گردید که بخش قابل توجهی از آن تحت عنوان «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» در دو جلد منتشر شد و امروز جزء منابع تاریخ عصر پهلوی است. وی در یک خانواده فقیر به دنیا آمده بود اما دست روزگار او را به دبستان نظام کشاند و دوست صمیمی محمدرضا کرد و زندگی وی را با خاندان پهلوی گره زد. وی پس از دستگیری، با دقت بخشی از حقایق ناگفته را منتشر کرد، که کتاب دوجلدی ظهور و سقوط سلطنت پهلوی که توسط مؤسسه انتشارات و مطالعات سیاسی به دست انتشار سپرده شده است، حاصل آن می باشد.

تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۳

جناب آقای محمد باہری وزیر دادگستری

دقیق و مورد نیاز در مورد
سوابق اعتباری و مالی آقای
بزدانی معمول داشته و
حسب ارجاع دولت در
تاریخ ۱۳۵۷/۶/۸
جلسه‌ای نیز با حضور
جنابان آقایان وزیر صنایع و
معادن - رئیس اطاق
بازرگانی و صنایع و معادن
ایران - رئیس کل بانک
مرکزی ایران و معاون کل
وزارت امور اقتصادی و
دارایی در دفتر اینجناب
تشکیل شد تا نسبت به وضع
شرکتهای وابسته آقای
بزدانی مطالعات و اقدامات

[illegible]

قانونی معمول گردد. در این جلسه از جناب آقای عطاء سلمانپور وکیل آقای یزدانی خواسته شد که اطلاعات مستندی ظرف دو هفته تهیه و ارسال دارند تا تصمیم لازم اتخاذ شود ولی تا به حال آقای سلمانپور با وجود یادآوری های مکرر اینجانب از ارسال اطلاعات مزبور طفره رفته اند و از قراری که اطلاع حاصل شده است در صدد فروش اموال و مخصوصاً سهام آقای یزدانی از بانک ایرانین بر آمده اند.

اینجانب پس از تحقیقاتی که از طریق بانک مرکزی در این مورد بعمل آمد، به

۲- با این حال اینجانب از طریق بانک مرکزی ایران - بانک ملی ایران و بانک صادرات ایران و سایر منابعی که ممکن بود اطلاعات صحیحی در این زمینه بتوانند فراهم نمایند موضوع را پیگیری کرده و اینک فتوایی مدارک و اطلاعات واصله را جهت بررسی جنابعالی نیز ایفاد می‌دارد. بطوری که ملاحظه می‌فرمایند

بایگانی اداره کل حفاظت محیط زیست
شماره ۲۴۵
-۲-

[illegible]

[در] ضمن فتوکی نامه مورخه ۵۷/۷/۱۸ بانک ملی ایران نیز شرح بدهی های آقای یزدانی و شرکتهای مربوط منعکس است که ملاحظه خواهند فرمود. در صورت تفصیلی دیگری که به وسیله بانک مرکزی تهیه شده و فتوکی آن ضمیمه می گردد، میزان کل مانده اعتبارات استفاده شده و ضمانت نامه های سر نرسیده بانکهای صادرات ایران - ایرانبان - ایران و ژابن - ملی ایران - ایرانشهر - عمران -

شهریار - سپه تهران - ایران و انگلیس - تعاونی توزیع - رفاه کارگران - پارس و بازرگانی آقای هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته (در پایان شهریور ماه ۵۷) منعکس است که توجه جنابعالی را به ملاحظه ارقام مختلف و مخصوصاً جمع کل اعتبارات بانکی که بالغ بر ۳۹/۳۵۳ میلیارد ریال بوده و ضمانتنامه های بانکی که به رقم ۳/۲۱۲ میلیارد ریال بالغ می شود و رقم کل بدهی نامبرده و شرکت های وابسته به سیستم بانکی در حدود ۴۲/۵۶۵ میلیارد ریال مشخص می کند، جلب می نماید نامبرده علاوه بر سیستم بانکی به سایر اشخاص و

مؤسسات نیز قاعده بدهی هایی دارد که در این گزارشات منعکس نیست (از جمله مطالبات صندوق عمران مراتع که بالغ بر ۲۴/۳ میلیون ریال است)

۳- در مقابل بدهی های مذکور براساس اطلاعاتی که بانک صادرات نسبت به دارایی های آقای یزدانی داده است، ارزش دارایی های مزبور بشرح زیر برآورد گردیده است:

الف - کالا - ۲۰۰ هزار گوسفند
۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ب- مطالبات ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ج مشارکت در شرکتها - ۹/۴۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۹/۹۶۱/۰۰۰/۰۰۰

د- اموال غیر منقول

با وجودی که ارزش دارایی های مذکور حسب اظهار خود آقای یزدانی تعیین شده و ممکن است به مراتب کمتر از ارزش واقعی آنها باشد، معذالک مقایسه این ارقام با مجموع تعهدات بانکی، کسری قابل ملاحظه ای را نشان می دهد.

۴- مراتب فوق حکایت از اختلال شدید در وضع مالی آقای یزدانی دارد که در

وزارت امور اقتصادی و دارایی
دائرة دارایی

محرران

۴- در مقابل بدهی های مذکور براساس اطلاعاتی که بانک صادرات نسبت به دارایی های آقای یزدانی داده است، ارزش دارایی های مزبور بشرح زیر برآورد گردیده است:

الف - کالا - ۲۰۰ هزار گوسفند - ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ب- مطالبات - ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ج - مشارکت در شرکتها - ۹/۴۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

د - اموال غیر منقول - ۹/۹۶۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

با وجودی که ارزش دارایی های مذکور براساس اطلاعاتی که بانک صادرات نسبت به دارایی های آقای یزدانی داده است، ارزش دارایی های مزبور بشرح زیر برآورد گردیده است:

الف - کالا - ۲۰۰ هزار گوسفند - ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ب- مطالبات - ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ج - مشارکت در شرکتها - ۹/۴۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

د - اموال غیر منقول - ۹/۹۶۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

محرران

مواردی موجب سلب قدرت پرداخت او گردیده است و رسیدگی‌های قضایی نسبت به عملیات مالی و اقدامات آقای هزیر یزدانی ممکن است منجر به صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا تقصیر نامبرده نیز بگردد. به این ترتیب به نظر می‌رسد که لازم است از طریق مراجع قضایی اقدامات لازم در جهت صدور حکم توقف نامبرده و شرکت‌های حال توقف او معمول گردد. بدیهی است مصالح اقتصادی ایجاب می‌نماید که اقدامات قضائی مانع جریان کار شرکت‌های تولیدی و واحدهای کشاورزی و صنعتی وابسته به نامبرده نگردد و به لحاظ

میزان استثنائی اعتباراتی که نامبرده از سیستم بانکی تحصیل کرده است، پی‌گیری وضع مشارالیه و شرکت‌های وابسته به او در شرایط فعلی خارج از توانائی اداره تصفیه ورشکستگی به نظر می‌رسد و موجب خسارات هنگفت به طلبکاران گردیده و احتمالاً باعث رکود یا تعطیل واحدهای تولیدی و بیکاری کارگران خواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد که همزمان با انجام اقدامات قانونی مذکور، مصلحت باشد که به موجب لایحه قانونی خاص اداره امر

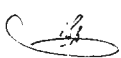
-۲-

وابسته به آقای یزدانی به هیئت‌حاشی با نشر وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارائی، ملاحظت و امکان انجام این برنامه را داشته باشد. معمول گردد.

وزیر امور اقتصادی و دارائی

رونوشت جهت استحضار جناب آقای جعفر شریف‌امامی نخست‌وزیر عطف به نامه شماره ۷۱۴-۲-۲۳۰ مورخ ۱۳۵۷/۷/۸ ایفاد میگردد.

وزیر امور اقتصادی و دارائی



تصفیه امور واحدهای تولیدی یا صنعتی و شرکت‌های وابسته به آقای یزدانی به هیئت خاصی با نظر وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارائی، صلاحیت و امکان انجام این برنامه را داشته باشد، محول گردد. وزیر امور اقتصادی و دارائی رونوشت جهت استحضار جناب آقای جعفر شریف‌امامی نخست‌وزیر عطف به نامه شماره ۷۱۴-۲-۲۳۰ مورخ ۱۳۵۷/۷/۸ ایفاد می‌گردد.

وزیر امور اقتصادی و دارائی به استحضار جناب آقای نخست‌وزیر می‌رساند ۵۷/۸/۴

محمد کیانی ۲۰-۲۳۰/م - ۱۳۵۷/۸/۱ - ۱۲۶۵۸

وضع نامطلوب کارخانه قند شیروان - استان خراسان

از مدتها قبل حقوق و سایر مزایای کارگران کارخانه مذکور به موقع پرداخت نمی شود و این امر موجبات ناراحتی کارگران و کشاورزان ذینفع را فراهم نموده است. ضمناً با بازداشت مالک کارخانه (هژبر یزدانی) وضع مالی کارخانه نامساعد گردیده بطوری که تعدادی از پیمانکاران چغندر قند حاضر به انعقاد پیمان با کارخانه موصوف نشده اند (مراتب قبلاً به استحضار رسیده است).

اطلاع واصله مجدد

حاکمیت:

عدم مدیریت رئیس کارخانه موصوف، موجبات نارضایتی شدید کارکنان ذیربط را فراهم نموده، بطوری که در نظر دارند تظاهرات خشونت آمیزی علیه وی ترتیب دهند.

ارزیابی خبر:

خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده:

مراتب به نخست وزیر منعکس گردیده است.

سری

-۵-

وضع نامطلوب کارخانه قند شیروان - استان خراسان

از مدتها قبل حقوق و سایر مزایای کارگران کارخانه مذکور به موقع پرداخت نمی شود و این امر موجبات ناراحتی کارگران و کشاورزان ذینفع را فراهم نموده است. ضمناً با بازداشت مالک کارخانه (هژبر یزدانی) وضع مالی کارخانه نامساعد گردیده بطوری که تعدادی از پیمانکاران چغندر قند حاضر به انعقاد پیمان با کارخانه موصوف نشده اند (مراتب قبلاً به استحضار رسیده است).

اطلاع واصله مجدد:

عدم مدیریت رئیس کارخانه موصوف، موجبات نارضایتی شدید کارکنان ذیربط را فراهم نموده، بطوری که در نظر دارند تظاهرات خشونت آمیزی علیه وی ترتیب دهند.

ارزیابی خبر:

خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده:

مراتب به نخست وزیر منعکس گردیده است.

سری

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰/م

تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۸

تیمسار ارتشبد فردوست رئیس بازرسی شاهنشاهی

در پاسخ نامه محرمانه شماره ۳۵/۲۳۸۸ مورخ ۱۳۵۷/۸/۳ اشعار می دارد که فهرست وام دوپست و پنجاه میلیون ریالی دریافتی هژیر یزدانی از بانک رفاه کارگران عیناً به وزارت دادگستری ارسال شد که ضمن بدهی های نامبرده منظور و اقدامات قانونی لازم درباره آن معمول گردد.

نخست وزیر جعفر شریف
امامی

رونوشت با رونوشت نامه
فوق و با عین فهرست
ارسالی از بازرسی
شاهنشاهی به وزارت
دادگستری ارسال می شود
که مبلغ مورد بحث را نیز
ضمن سایر بدهی های آقای
هژیر یزدانی منظور فرمایند.

نخست وزیر جعفر
شریف امامی
پیوست دارد


نخست وزیر

تیمسار ارتشبد فردوست رئیس بازرسی شاهنشاهی

در پاسخ نامه محرمانه شماره ۳۵/۲۳۸۸ مورخ ۱۳۵۷/۸/۳ اشعار
میدارد که فهرست وام دوپست و پنجاه میلیون ریالی دریافتی هژیر
یزدانی از بانک رفاه کارگران عیناً به وزارت دادگستری ارسال شد که ضمن
بدهی های نامبرده منظور و اقدامات قانونی لازم درباره آن معمول گردد.

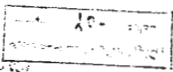
۲۳۰-۷۱۴-۲

رونوشت با رونوشت نامه فوق و با عین فهرست ارسالی از بازرسی
شاهنشاهی به وزارت دادگستری ارسال میشود که مبلغ مورد بحث را نیز ضمن
سایر بدهی های آقای هژیر یزدانی منظور فرمایند.

۱۳۵۷/۸/۸

پیوست

نخست وزیر
جعفر شریف امامی



به : وزارت دادگستری

تاریخ: ۵۷/۸/۱۴

از : ساواک

شماره: ۳۴۲/۲۱۴۳

درباره : هژبر یزدانی

با توجه به اینکه رسیدگی به این قبیل مسائل از وظایف ساواک نمی باشد
 علیهذا عین دادخواست نامبرده بالا جهت هرگونه اقدام مقتضی به پیوست ارسال
 می گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و

امنیت کشور سپهبد مقدم

از طرف ۷/۸/۱۴

نوری ۵۷/۸/۱۴

شماره: ۳۴۲/۲۱۴۳
 تاریخ: ۵۷/۸/۱۴
 پیوست: ۱
 به: وزارت دادگستری
 از: ساواک
 دربار: هژبر یزدانی
 با توجه به اینکه رسیدگی به این قبیل مسائل از وظایف امنی و امنی است علیهذا
 عین دادخواست نامبرده بالا جهت هرگونه اقدام مقتضی به پیوست ارسال
 میگردد.
 رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور سپهبد مقدم
 از طرف
 ۵۷/۸/۱۴
 بایگانی شود
 ۱۳
 ۱۱۵-۲۳

شماره: ۶۲۵۱/م

تاریخ: ۱۳۵۷/۹/۱

تیمسار ارتشبد از هاری^۱ نخست‌وزیری

اصل نامه عنوان جناب آقای شریف‌امامی نخست‌وزیر سابق در مورد گزارش کمیسیون مأمور رسیدگی به وضع کارخانجات و واحدهای تولیدی و کشاورزی که توسط آقای هژبر یزدانی اداره می‌شوند و زیر نظر جناب آقای یگانه وزیر امور اقتصادی و دارائی وقت تشکیل گردیده بود، جهت استحضار

پیوست ایفاد می‌گردد. خواهشمند است مقرر فرمایند در این مورد چه اقدام دیگری می‌باید توسط این وزارت صورت گیرد تا به همان ترتیب عمل شود.

وزیر امور اقتصادی و دارائی

بررسیها ادامه پیدا کند و گزارش

جامعی بدهد. ۵۷/۹/۲

۴/۶۳۰-۲-۷۱۴/م

شماره: ۵۱-۶۴۴
تاریخ: ۱۳۵۷/۹/۱
پست: ۵۱-۶۴۴

وزارت امور اقتصادی و دارائی
نخست‌وزیر

محرمانه

تیمسار ارتشبد از هاری
نخست‌وزیر

احمل نامه عنوان جناب آقای شریف‌امامی نخست‌وزیر سابق در مورد گزارش کمیسیون مأمور رسیدگی به وضع کارخانجات و واحدهای تولیدی و کشاورزی که توسط آقای هژبر یزدانی اداره می‌شوند و زیر نظر جناب آقای یگانه وزیر امور اقتصادی و دارائی وقت تشکیل گردیده بود، جهت استحضار پیوست ایفاد می‌گردد. خواهشمند است مقرر فرمایند در این مورد چه اقدام دیگری می‌باید توسط این وزارت صورت گیرد تا به همان ترتیب عمل شود.

وزیر امور اقتصادی و دارائی

بررسیها ادامه پیدا کند و گزارش جامعی بدهد.

۵۷/۹/۲

۴/۶۳۰-۲-۷۱۴/م

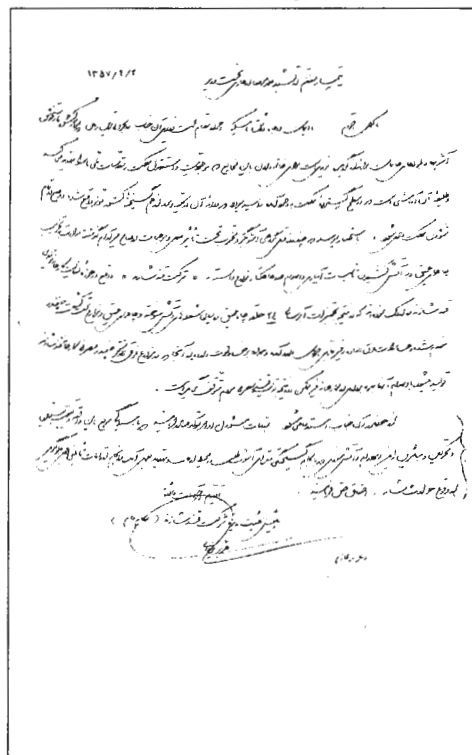
۱- ارتشبد غلامرضا از هاری در سال ۱۲۹۶ به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره‌های نظامی در ایران و آمریکا، در سال ۱۳۴۲ به درجه سپهبدی رسید. او مناصب مختلفی در ارتش شاهنشاهی داشت. در سال ۱۳۴۸ بازنشسته گردید، اما به دلیل اعتماد محمدرضا پهلوی به وی، از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ ریاست ستاد بزرگ ارتشگران به او سپرده شد. وی پس از سقوط دولت شریف‌امامی و اعلام حکومت نظامی در سراسر ایران به ریاست دولت برگزیده شد و از تاریخ ۱۵ آبان تا ۱۷ دی ۱۳۵۷ در این سمت باقی ماند. پس از سقوط کابینه نظامی‌اش، به بهانه بیماری از ایران متواری و به آمریکا رفت. از جمله حوادث دوران کوتاه دولت نظامی او، ابتکار مردم در بالارفتن بر بامها و فریاد الله اکبر بود. او این حضور را انکار می‌کرد و شعارهای شبانه مردم را پخش نوار می‌نامید. مردم نیز بر بالای بامها در جواب او این شعار را فریاد می‌زدند: از هاری بیچاره، ژنرال چند ستاره، باز هم بگو نواره، نوار که پا نداده، مشت به هوا نداده. رک: شهید صدوقی، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص ۴۵۷

تاریخ: ۱۳۵۷/۹/۲

تیمسار معظم ارتشبد غلامرضا ازهاری نخست‌وزیر

با کمال احترام با ایمان و رجاء واثق به اینکه احراز مقام نخست‌وزیری آن جناب در بحرانی‌ترین زمان سراسر کشور ما دستخوش آشوبها و بلواهای خانمان برانداز گردیده نویدی است برای خاتمه دادن به این فجایع که موجودیت و استقلال مملکت و مقدسات ملی ما را تهدید می‌کند و طلیعۀ آن آرامشی است

که در سطح گسترده مملکت به وجود آمده و امید می‌رود که ادامه آن در کلیه امور از هم گسیخته کشور مؤثر واقع شده و وضع در تمام شئون مملکت عادی شود، به استحضار می‌رسد که چند روز قبل گروهی آشوبگر و مخرب تحت تأثیر علل و موجبات اوضاع غیرآرام گذشته مبادرت به تخریب چاههای عمیق و به آتش کشیدن تأسیسات آبیاری و انهدام صدها هکتار مزارع وابسته به «شرکت قند شازند» واقع در حوزه



فعالیت کارخانه تولیدی قند شازند در اراک نموده‌اند که در نتیجه تجهیزات آبرسانی ۲۴ حلقه چاه عمیق در میان شعله‌های آتش سوخته و چاههای عمیق و مزارع تحت کشت چغندر منهدم شده و خسارات فوق‌العاده و غیرقابل جبران وارد آمده و علاوه بر خسارات وارده از آنجا که در مزارع فوق‌الذکر چغندر مصرفی کارخانه قند شازند تولید می‌شود با انهدام آنها بهره‌برداری از کارخانه غیرممکن و در نتیجه تولید قند مصرفی مردم متوقف گردیده است. از حضور آن جناب استدعا می‌شود به مقامات مسئول اوامر مؤکد صادر فرمایند

که با رسیدگی سریع به این واقعه و تعقیب مسببین و محرکین و مباشرین این انهدام و آتش سوزی که بالجام گسیختگی عده‌ای آشوب طلب در محیط ارباب و تهدید به عمل آمده و انجام اقدامات تأمینی برای جلوگیری از وقوع حوادث مشابه، احقاق حق فرمایند.

با تقدیم احترامات فائقه

رئیس هیئت مدیره شرکت قند سازند (سهام عام)

هژبر یزدانی

تاریخ: ۵۷/۹/۵

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰/م

جناب آقای حسنعلی مهران وزیر امور اقتصادی و دارائی

عطف به نامه شماره ۶۲۵۱/م مورخ ۱۳۵۷/۹/۱ موضوع رسیدگی به وضع کارخانجات و واحدهای تولیدی و کشاورزی که توسط آقای هژبر یزدانی اداره می شود برحسب دستور جناب آقای نخست وزیر، خواهشمند است دستور فرمایید این بررسی ها ادامه یابد و گزارش جامعی صرفاً با توجه به بند ۶ نامه و

قسمت های ذیل آن تهیه و ارسال شود تا به استحضار معظم له رسانیده شود.
وزیر مشاور در امور اجرائی
پایدار

تاریخ: ۵۷/۹/۵

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰

تاریخ: ۱۵/۹/۵۷



نخست وزیر

جناب آقای حسنعلی مهران وزیر امور اقتصادی و دارائی

مطلب بنامه شماره ۶۲۵۱/م مورخ ۱۳۵۷/۹/۱ موضوع رسیدگی موضوع کارخانجات و واحدهای تولیدی و کشاورزی که توسط آقای هژبر یزدانی اداره می شود برحسب دستور جناب آقای نخست وزیر، خواهشمند است دستور فرمایید بررسی ها ادامه یابد و گزارش جامعی صرفاً با توجه به بند ۶ نامه و قسمت های ذیل آن تهیه و ارسال شود تا به استحضار معظم له رسانیده شود.

وزیر مشاور در امور اجرائی

پایدار

حسنعلی مهران

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰/م

تاریخ: ۵۷/۹/۶

جناب آقای عبدالعلی دهستانی^۱ استاندار استان مرکزی (اراک)

۱- عبدالله دهستانی فرزند یحیی
در سال ۱۳۰۰ ش در تهران
پدیا آمد. تحصیلات خود را تا
مهندسی کشاورزی از دانشکده
کشاورزی کرج و دانشگاه
کالیفرنیا در آمریکا ادامه داد و
مشاغلی از جمله: بازرسی دولت
هیأت مدیره بنگاه عمران کشور،
رئیس اداره عمران و اصلاحات،
نماینده ادوار ۱۹ و ۲۰ مجلس
شورای ملی، بازرسی عالی
وزارت کشور، استاندار
سیستان و بلوچستان -
آذربایجان غربی و مرکزی و...
را عهده دار بود. وی همچنین
عضو جمعیت فراماسونری لژ
کوروش نیز بوده است. در ضمن
گزارش های متعددی از سوء
رفتار اخلاقی و مالی وی
موجود است. از جمله: اخذ حق
و حساب میلیونی از
مناقصه های مربوط به
استانداری آذربایجان غربی،
پرداخت ششصد هزار تومان
رشوه به فردی به نام مهندس
صبحی برای انجام کار بدون
مجوز.
- اسناد ساواک، پرونده های
انفرادی

۲- احمد علی محقق فرزند علی
محمد در سال ۱۳۰۰ ش در
کاشان به دنیا آمد. پس از طی
تحصیلات ابتدایی و متوسطه
وارد دانشکده افسری شد و پس
از فارغ التحصیل و طی دوره
دانشگاه جنگ تا درجه سپهبدی
در یگان های مختلف نظامی
رژیم پهلوی مشغول خدمت
بوده و در سال ۱۳۵۷ به ریاست
فرماندهی ژاندارمری کل کشور
رسیده است. گزارش های
خصوص سوء استفاده مالی
نامبرده در مورد عقد قرارداد
مسکن با یک شرکت ۵۵

با ارسال فتوکپی نامه مورخ ۱۳۵۷/۹/۱ آقای هژیر یزدانی و با توجه به
اینکه تأسیسات کشاورزی و صنعتی قطع نظر از هویت و خصوصیت های
شخصی مالک آنها اصولاً متعلق به کشور است و مایه اشتغال به کار گروه کثیری
کارگر و کشاورز و موجب تولید مقادیری محصولات کشاورزی است که کشور و

دولت خود اهلالی بدان
نیازمند هستند دستور
فرماید فوراً نسبت به
مندرجات آن رسیدگی و از
هرگونه خرابکاری به شدت
جلوگیری نموده و نتیجه را
اعلام دارند.

نخست وزیر - ارتشبد
غلامرضا ازهاری

رونوشت با فتوکپی نامه
فوق الاشعار جهت اطلاع
تیمسار سپهبد محقق^۲
فرمانده ژاندارمری کشور
شاهنشاهی ارسال می شود
که دستور اکید نسبت به

جلوگیری از خرابکاری در تأسیسات فوق صادر و نتیجه را اعلام فرمایند.
نخست وزیر - ارتشبد غلامرضا ازهاری



نخست وزیر

جناب آقای عبدالعلی دهستانی
استاندار استان مرکزی (اراک)

با ارسال فتوکپی نامه مورخ ۱۳۵۷/۹/۱ آقای هژیر یزدانی و با توجه به اینکه
تأسیسات کشاورزی و صنعتی قطع نظر از هویت و خصوصیت های شخصی مالک آنها
اصولاً متعلق به کشور است و مایه اشتغال به کار گروه کثیری کارگر و کشاورز و موجب
تولید مقادیری محصولات کشاورزی است که کشور و دولت و خود اهلالی بدان
نیازمند هستند دستور فرماید فوراً نسبت به مندرجات آن رسیدگی و از هرگونه
خرابکاری به شدت جلوگیری نموده و نتیجه را اعلام دارند.

۷۱۴-۲-۲۳۰/م
۵۷/۹/۶
نخست وزیر - ارتشبد غلامرضا ازهاری

رونوشت با فتوکپی نامه فوق الاشعار جهت اطلاع تیمسار سپهبد محقق فرمانده
ژاندارمری کشور شاهنشاهی ارسال میشود که دستور اکید نسبت به جلوگیری از
خرابکاری در تأسیسات فوق صادر و نتیجه را اعلام فرمایند.

نخست وزیر - ارتشبد غلامرضا ازهاری

شماره: ۵۳۲

تاریخ: ۵۷/۹/۲۲

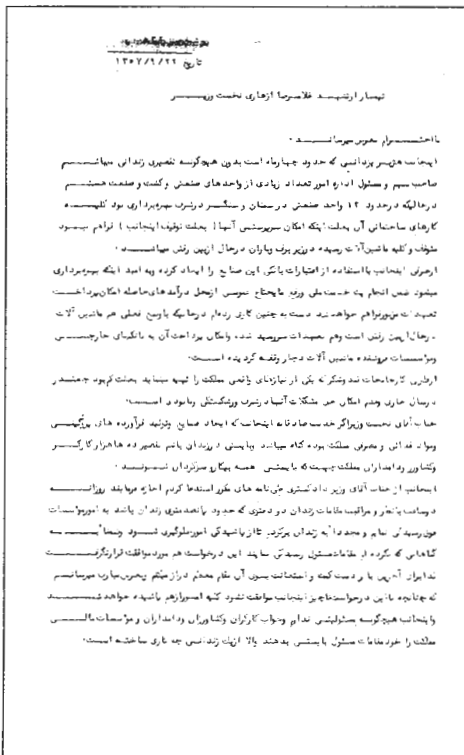
تیمسار ارتشبد غلامرضا ازهارای نخست وزیر

با احترام بعرض می‌رساند:

اینجانب هژبر یزدانی که حدود چهار ماه است بدون هیچ‌گونه تقصیری زندانی می‌باشم صاحب سهم و مسئول اداره امور تعداد زیادی از واحدهای صنعتی و کشت و صنعت هستم در حالی که در حدود ۱۳ واحد صنعتی در سمنان

و سنگسر در شرف بهره‌برداری بود کلیه کارهای ساختمانی آن به علت اینکه امکان سرپرستی آنها (به علت توقیف اینجانب) فراهم نبود متوقف و کلیه ماشین‌آلات رسیده در زیر برف و باران در حال از بین رفتن می‌باشد.

از طرفی اینجانب با استفاده از اعتبارات بانکی این صنایع را ایجاد کرده و به امید اینکه بهره‌برداری می‌شود ضمن انجام یک خدمت ملی و رفع مایحتاج عمومی از محل درآمدهای



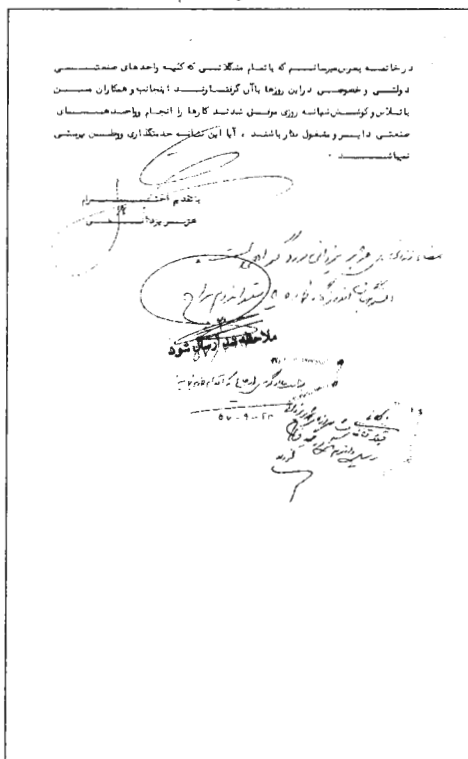
حاصله امکان پرداخت تعهدات مزبور فراهم خواهد شد دست به چنین کاری زده‌ام در حالی که با وضع فعلی هم ماشین‌آلات در حال از بین رفتن است و هم تعهدات سر رسیده و امکان پرداخت آن به بانکهای خارجی و مؤسسات فروشنده ماشین‌آلات دچار وقفه گردیده است.

از طرفی کارخانجات قندوشکر که یکی از نیازهای واقعی مملکت را تهیه می‌نماید به علت کم بود چغندر در سال جاری و عدم امکان حل مشکلات آنها در شرف ورشکستگی و نابودی است.

آمریکائی نیز در پرونده وجود دارد.
اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

جناب آقای نخست‌وزیر اگر خدمت صادقانه اینجانب که ایجاد صنایع و تولید فرآورده‌های پروتئینی و مواد غذایی و مصرفی مملکت بوده گناه می‌باشد و بایستی در زندان باشم تقصیر ده‌ها هزار کارگر و کشاورز و دامداران مملکت چیست که بایستی بیکار و سرگردان شوند.

اینجانب از جناب آقای وزیر دادگستری طی نامه‌های مکرر استدعا کردم اجازه فرمایند روزانه دو ساعت بانظر و مراقبت مقامات زندان در دفتری که حدود پانصد متری زندان باشد به امور مؤسسات فوق رسیدگی نمایم و مجدداً به زندان



برگردم تا از پاشیدگی امور جلوگیری شود و ضمناً به گناهانی که نکرده‌ام مقامات مسئول رسیدگی نمایند این درخواست هم مورد موافقت قرار نگیرد لذا برای آخرین بار دست کمک و استعانت به سوی آن مقام معظم دراز می‌کنم و بعرض مبارک می‌رسانم که چنانچه با این درخواست ناچیز اینجانب موافقت نشود کلیه امور از هم پاشیده خواهد شد و اینجانب هیچگونه مسئولیتی ندارم و جواب کارگران و کشاورزان و

دامداران و مؤسسات مالی مملکت را خود مقامات مسئول بایستی بدهند والا از یک زندانی چه کاری ساخته است.

در خاتمه به عرض می‌رسانم که با تمام مشکلاتی که کلیه واحدهای صنعتی دولتی و خصوصی در این روزها با آن گرفتارند اینجانب و همکاران من با تلاش و کوشش شبانه‌روزی موفق شدند کارها را انجام و واحدهای صنعتی دایر و مشغول بکار باشند، آیا این نشانه خدمتگذاری و وطن‌پرستی نمی‌باشد.

با تقدیم احترام هژبر یزدانی

امضاء زندانی آقای هژیر یزدانی مورد گواهی است افسر نگهبان اندرزگاه شماره ۸ ستواندوم سراج

ملاحظه شد ارسال شود

به وزارت دادگستری ارجاع که اقدام لازم بنمایند. ۵۷/۹/۲۳

بایگانی

قبلاً تقاضای مشابهی از آقای هژیر یزدانی رسیده و اقدام مذکور ضمیمه می گردد.

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰/م

تاریخ: ۵۷/۹/۲۶

آقای هژبر یزدانی

نامه شماره ۵۳۲ مورخ ۱۳۵۷/۹/۲۲ شما واصل و برای رسیدگی بیشتر به وزارت دادگستری ارجاع شد بدیهی است نتایج رسیدگی‌های معموله بعداً به شما ابلاغ خواهد گردید.

معاون نخست وزیر علی فرداد^۱

۷۱۴-۲-۲۳۰/م
۵۳۲-۲-۲۳۰/م
تاریخ: ۵۷/۹/۲۶
بست


نخست وزیر

آقای هژبر یزدانی

نامه شماره ۵۳۲ مورخ ۱۳۵۷/۹/۲۲ شما واصل و برای رسیدگی بیشتر وزارت دادگستری ارجاع شده بدیهی است نتایج رسیدگی‌های معموله بعداً به شما ابلاغ خواهد گردید.

معاون نخست وزیر
علی فرداد



۱- علی فرداد فرزند مرتضی در سال ۱۲۹۶ ش در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا لیسانس حقوق ادامه داد و مشاغلی از جمله: عضو هیأت مدیره شیلات جنوب، رئیس گمرک تهران، رئیس دفتر نخست وزیری، مدیر عامل فروشگاه فردوسی، مدیر کل گمرکات کشور، عضو شورای عالی بانک ملی، رئیس دفتر و معاون نخست وزیر و... را عهده‌دار بود. طبق گزارش ساواک نامبرده، سردبیر روزنامه رعد امروز بوده و با سید ضیاءالدین طباطبائی همکاری داشته است. در زمان تصدی گمرک کشور، اتهاماتی در خصوص سوء استفاده‌های مالی در مورد آزادسازی گمرک ارائه شده است.

- اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی

تاریخ: ۵۷/۹/۲۶

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰/م

جناب آقای حسین نجفی^۱ وزیر دادگستری

عطف به نامه شماره م/ ۲۴۷۰ مورخ ۱۳۵۷/۷/۲۹ آن وزارت به پیوست فتوکپی نامه شماره ۵۳۲ مورخ ۱۳۵۷/۹/۲۲ آقای هژبر یزدانی مبنی بر درخواست اجازه رسیدگی به امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی متعلق به نامبرده ارسال و علاوه می شود چون قطع نظر از هویت و خصوصیت های

شخصی مالک آنها کلیه این تأسیسات متعلق به کشور بوده و حسن یا سوء جریان اداره آنها تأثیر مستقیم در میزان تولیدات و گردش سرمایه و اشتغال به کار صدها و هزارها کارگر ایرانی دارد از این رو مقتضی است دستور فرمائید موضوع را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده نتیجه را اعلام دارند.

نخست وزیر

ارتشبد غلامرضا اژه‌اری

فرداد ۱/۲۵

۱۴
۲/۲۳۰-۲-۲۳۰
۱۳۵۷/۹/۲۶



نخست وزیر محترم

جناب آقای حسین نجفی
وزیر دادگستری

عطف بنامه شماره م/ ۲۴۷۰ مورخ ۱۳۵۷/۷/۲۹ آن وزارت به پیوست فتوکپی نامه شماره ۵۳۲ مورخ ۱۳۵۷/۹/۲۲ آقای هژبر یزدانی مبنی بر درخواست اجازه رسیدگی به امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی متعلق به نامبرده ارسال و علاوه می شود چون قطع نظر از هویت و خصوصیت های شخصی مالک آنها کلیه این تأسیسات متعلق به کشور بوده و حسن یا سوء جریان اداره آنها تأثیر مستقیم در میزان تولیدات و گردش سرمایه و اشتغال به کار صدها و هزارها کارگر ایرانی دارد از این رو مقتضی است دستور فرمائید موضوع را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده نتیجه را اعلام دارند.

۹۰۱۶۸
نخست وزیر - ارتشبد غلامرضا اژه‌اری

۸۱۱
۹۰۱۶۸
فرداد ۱/۲۵

۱- حسین نجفی در سال ۱۳۰۰ ش در اصفهان بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا لیسانس حقوق ادامه داد. و از سال ۱۳۲۵ وارد خدمت دولتی گردید و مشاغلی از جمله: دادرس علی البدل دادگستری اصفهان، ریاست دادگاه بخش اصفهان، ریاست دادگاه بخش یزد، دادیار دادرای تهران، ریاست شعبه هشتم و نهم دادگاه تهران، مستشار دادگاه استان مرکز، مستشار دیوانعالی کشور، مشاور عالی دفتر مخصوص فرح پهلوی، وزیر دادگستری و... را عهده دار بود. نجفی از اعضای جمعیت فراماسونری لژ آریا و دبیر لژ ژاندارک نیز بوده است.

استاد ساواک، پرونده های انفرادی

تاریخ: ۵۷/۹/۳۰

شماره: ۹۵۵۴۹/۲۰ هـ

از دستتان بر نمی آید هر کاری دلتان می خواهد بکنید، من از طریق شرکت تلفن نسبت به کنترل تلفن اقدام خواهم کرد. ضمناً خانم مزبور همسر آقای میرشمیرانی معاون کارخانه قند شیروان (کارخانه مذکور قبلاً متعلق به هژبر یزدانی بود) می باشد که بدنبال انتصاب نامبرده به سمت معاون کارخانه تعدادی از کارگران سنگسری که بهائی بوده اند از کارخانه اخراج و خانم مورد بحث تصور می نماید تلفن از ناحیه کارگران مذکور می باشد.

گوینده : صادقان

گیرنده : تقی زاده

ساعت: ۱۹۱۵

از نظر این جانب اقدامی ندارد بایگانی شود. ۵/۱۰/۵۷

۴۳۲۳۲۹

[illegible]

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۰/۴

جناب آقای وزیر مشاور در امور اجرائی

عاجز گردیده است.
با توجه به اهمیت موضوع
حلسه‌ای در تاریخ
۵۷/۹/۲۵ با حضور
مدیرکل کار و امور اجتماعی
و نمایندگان کارگران و
مدیرعامل آن کارخانه در
دفتر فرمانداری نظامی
شهرستان کرج تشکیل
گردید و پس از بررسی کلیه
جوانب به این نتیجه
رسیده‌اند که هرگاه هیئت
مدیره کارخانه در
پرداختهای مقرر قانونی
قصور ورزد کلیه اموال
کارخانه توقیف و اداره امور

[illegible]

آن به یکی از بانکهای مجاز کشور از جمله بانک توسعه صنعتی محول شود تا ضمن پیگیری و ادامه کارهای تولیدی نسبت به پرداخت مطالبات ضروری کشاورزان و کارگران اقدام نماید و سپس وسیله حسابرسان با صلاحیت چگونگی و علل ناتوانی مالی این واحد رسیدگی و اقدامات قانونی لازم در مورد مالکیت و ادامه حیات آن بعمل آورند.

بعلاوه طریق دیگری که برای حل این مشکل به نظر می‌رسد واگذاری این کارخانه به سازمان گسترش صنایع ایران است که عاجلاً در مورد کار آن اتخاذ

تصمیم نماید و از تلف شدن نتیجه فعالیت کشاورزان چغندر قند و بیکاری عده‌ای کارگر جلوگیری بعمل آورد.
مراتب بدینوسیله به استحضار می‌رسد تا با توجه به وضع ناپه‌نجامی که رفاه عده‌ای کارگر و کشاورز را تهدید می‌کند مقرر فرمایند اقدام مقتضی معمول گردد.
صدور دستور مبنی بر اعلام نتیجه اقدام موجب مزید و تشکر و امتنان خواهد شد.

با تقدیم ارادت

حمید زاهدی^۱

استاندار تهران

پیرو نامه شماره ۱۳۵۷/۹/۲۶-م/۲۳۰

اصل به دادگستری مرقوم و رونوشت برای استانداری تهران ارسال گردد.

۱۳۵۷/۱۰/۱۰-م/۲۳۰-۲-۷۱۴

۱- حمید زاهدی فرزند حسین
در سال ۱۳۰۹ در تهران بدینا
آمد. تحصیلات خود را تا
دکترای علوم اداری دانشگاه
کالیفرنیا ادامه داد. مشاغلی
منجمله، بازپرس کل وزارت
کشور، دانشیار دانشکده حقوق،
ریاست دانشگاه تبریز، رئیس
دانشکده حقوق دانشگاه تهران
و معاون وزارت علوم و
آموزش عالی و... را عهده‌دار
بود. زاهدی از عناصر به
اصطلاح فرهنگی تربیت یافته
غرب (امریکا) و رژیم پهلوی
بوده و به پاس ارایه خدمات و
وفاداری به شاه به اخذ نشان
درجه ۳ همایون مفتخر شده
است؛ نامبرده از عناصر مؤثر
جمعیت فراماسونری، لژهای
سعدی و شمس تبریزی نیز بوده
است. اسناد ساواک.
پرونده‌های انفرادی

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰/م

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۰/۱۳

وزارت دادگستری

پیرو نامه شماره ۷۱۴-۲-۲۳۰/م مورخ ۱۳۵۷/۹/۲۶ موضوع رسیدگی به امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی متعلق به آقای هژبر یزدانی، رونوشت شماره ۷۶/م مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۴ استانداری تهران درباره وضع کارخانه قند کرج به پیوست ارسال می شود خواهشمند است دستور فرمایید نتیجه بررسی آن وزارت و اعلام فرمایند.

تاریخ
شماره
پیوست

محرمانه



وزارت دادگستری

پیرو نامه شماره ۷۱۴-۲-۲۳۰/م مورخ ۱۳۵۷/۹/۲۶ موضوع رسیدگی به امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی متعلق به آقای هژبر یزدانی، رونوشت نامه شماره ۷۶/م مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۴ استانداری تهران درباره وضع کارخانه قند کرج به پیوست ارسال می شود خواهشمند است دستور فرمایید نتیجه بررسی آن وزارت را اعلام فرمایند.

علی فرداد - معاون نخست وزیر

۷۱۴-۲-۲۳۰/م مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۴ رونوشت عطف به نامه شماره ۷۶/م مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۴ برای اطلاع جناب آقای حمید زاهدی استاندار تهران ارسال می شود.

علی فرداد - معاون نخست وزیر

علی فرداد - معاون

نخست وزیر

رونوشت عطف به نامه

شماره ۷۶/م مورخ

۱۳۵۷/۱۰/۴ برای اطلاع

جناب آقای حمید زاهدی

استاندار تهران ارسال

می شود

علی فرداد - معاون

نخست وزیر

یوسف مجتهدی

۱۳۵۷/۱۰/۱۳

از: ستاد فرمانداری نظامی تهران و حومه

تاریخ: ۵۷/۱۱/۶

شماره: ۷۱۳/۰۶/۱۷۶

موضوع: شکوائیه آقای هژبر یزدانی

جناب آقای شاپور بختیار نخست وزیر ایران

۴ برگ فتوکپی شکوائیه مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۲ آقای هژبر یزدانی جهت

استحضار به پیوست تقدیم می گردد.

با تقدیم احترام فرماندار

نظامی تهران و حومه. سپهبد

مهدی رحیمی

۱۱/۶

۱۳۵۷/۱۱/۸-م-۲۳۰-۲-۱۷۴

شماره: ۷۱۳/۰۶/۱۷۶
تاریخ: ۵۷/۱۱/۶
پیوست: ۱ برگ

فرماندهی فرمانداری نظامی تهران و حومه
وزارت جنگ
فرمانداری نظامی تهران و حومه

تایید آقای رئیس ستاد فرماندهی تهران

ب برگ فتوکپی شکوائیه مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۲ آقای هژبر یزدانی
جهت استحضار به پیوست تقدیم می گردد.

فرماندار نظامی تهران و حومه: مهدی رحیمی

جناب آقای دکتر شاپور بختیار نخست وزیر محبوب ایران

با کمال احترام خاطر عالی را مستحضر می سازد:

بیش از پنج ماه است که به اتهامات واهی و بی اساس و فاقد هرگونه دلیل در زندان بسر می برم و آنچه که بر خود و همگان پوشیده نیست اینکه گناهان را می توان در سه جمله خلاصه نمود.

۱- نام هژبراله یزدانی ۲- اشتهاار مأخذ مسلکی ۳- مالکیت اغراق آمیز متمول

افسانه ای فی المثل
انگشترهای چند میلیون
تومانی.

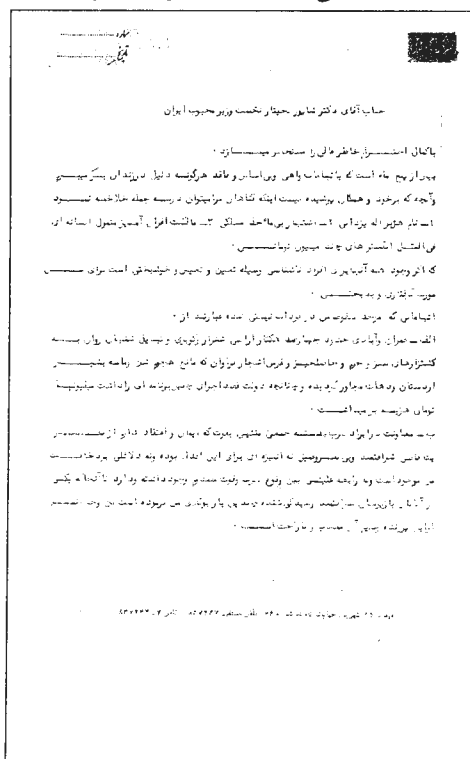
که اگر وجود همه آنها برای
افراد ناشناسی وسیله تعین و
تعیش خوشبختی است برای
من مورث گرفتاری و
بدبختی.

اتهاماتی که موجد سقوط من
در گرداب نیستی شده
عبارتند از:

الف - عمران و آبادی حدود
چهارصد هکتار اراضی
شنزار و کویری و تبدیل
شنهای روان به کشتزارهای
سبز و خرم و حاصلخیز و

غرس اشجار فراوان که مانع هجوم شن و ماسه به شهر اردستان و دهات مجاور
گردیده و چنانچه دولت قصد اجرای چنین برنامه ای را داشت میلیونها تومان
هزینه برمی داشت.

ب - معاونت در برابر ضرب به دسته جمعی منتهی به فوت که ایمان و اعتقاد دارم
از نظر یک قاضی شرافتمند و بی نظیر و عمیق که انگیزه ای برای این اقدام بوده و
نه دلایلی بر دخالت من موجود است و نه رابطه علیتی بین وقوع ضرب و فوت
مصدوم وجود داشته و دارد تا آنجا که یکی از آقایان بازپرسان شرافتمند

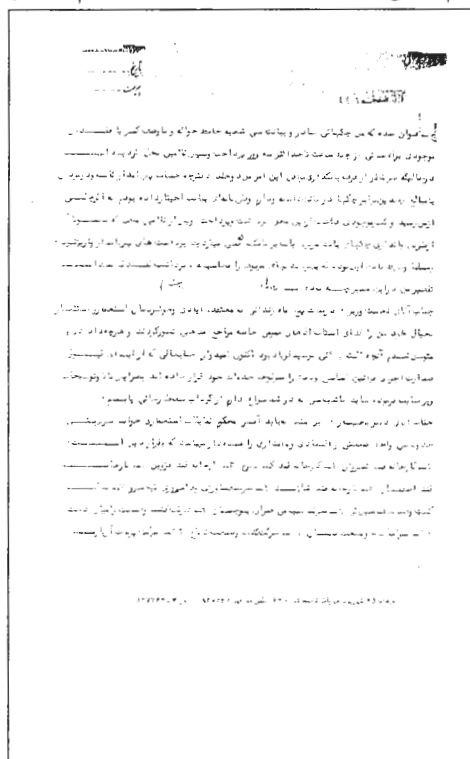


رسیدگی‌کننده چندین بار به وکلای من فرموده است من وجدانم از این پرونده و سیر آن معذب و ناراحت است.

ج- عنوان شده که من چک‌هایی صادر و به بانک ملی شعبه حافظ حواله و با وصف کسر یا فقدان موجودی برای مدتی از چند ساعت تا حداکثر سه روز پرداخت و سپس تأمین محل گردیده است در حالی که صرفنظر از عرف بانکداری موافق این امر من دو جلد دفترچه حساب پس‌انداز ثابت و در گردش با مبالغ چندین برابر چک‌ها در بانک داشته و دارم و طی نامه‌ای به بانک اختیار داده بودم که اگر

چکی از من رسید و کسر موجودی داشت از این محل برداشت و پرداخت و پس از تأمین محل که معمولاً از طریق واگذاری چک‌های بانک مرکزی یا سایر بانک‌ها که عملی می‌گردید برداشت‌های پس‌انداز واریز شود. و مسلماً وظیفه بانک این بوده که بهره‌مندی‌های مربوط را محاسبه و برداشت کند که نمی‌دانم تقصیر من در این مسیر چه بوده است.

جناب آقای نخست‌وزیر در مدت پنج ماه زندانی که معتقدم ایادی و خوش‌قصان



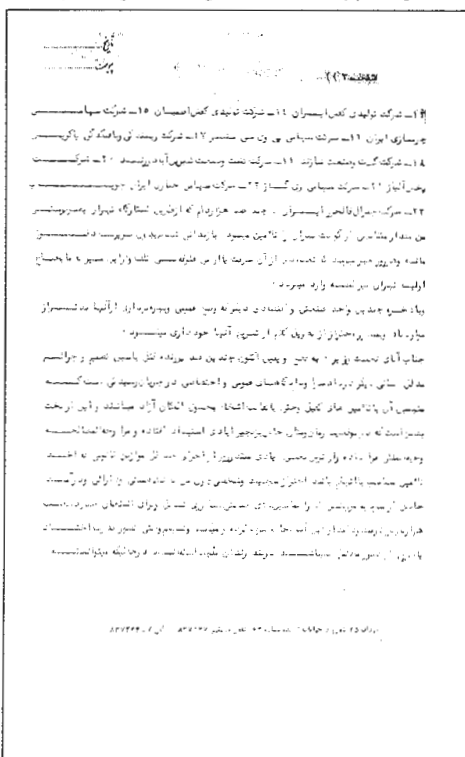
استعمار و استثمار به خیال خود من را فدای اسکات اذهان عمومی خاصه مراجع مذهبی تصور کردند و هر چه داد زدم و متوسل شدم آنچه البته به جایی نرسید فریاد بود اکنون امیدوارم جنابعالی که از ابتدای قبول صدارت اجرای قوانین اساسی و عادی را سرلوحه خدمات خود قرار داده‌اند به عرایض بالا و توضیحات زیر عنایت فرموده شاید با شهادتی که در شما سراغ دارم از گرداب سقوط رهائی یابم.

جناب آقای دکتر بختیار. این متهم که باید آن را محکوم تمایلات استعماری

خواند سرپرستی حدود سی واحد صنعتی و اقتصادی و دامداری را عهده‌دار می‌باشد که به قرار ذیل است.

- ۱- کارخانه قند شیروان ۲- کارخانه قند کرج ۳- کارخانه قند قزوین ۴- کارخانه قند اصفهان ۵- کارخانه قند شازند ۶- شرکت کشاورزی و دامپروری کیخسرو ۷- شرکت کشت و صنعت شاهین کی ۸- شرکت سهامی عمران بلوچستان ۹- شرکت کشت و صنعت رامیان دشت ۱۰- شرکت کشت و صنعت سمنان ۱۱- شرکت کشت و صنعت تالاج ۱۲- شرکت پوست آریا زمین ۱۳- شرکت تولیدی

کفش ایران ۱۴- شرکت تولیدی کفش اطمینان ۱۵- شرکت سهامی چرمسازی ایران ۱۶- شرکت سهامی پی وی سی سنگسر ۱۷- شرکت ریسندگی و بافندگی پاکریس ۱۸- شرکت کشت و صنعت شازند ۱۹- شرکت کشت و صنعت شیرین آباد زرند ۲۰- شرکت پخش آلیاژ ۲۱- شرکت سهامی ری گاز ۲۲- شرکت سهامی حفاری ایران جویاب ۲۳- شرکت جنرال فالجرز ایران، چند صد هزار دام که از طریق کشتارگاه تهران به

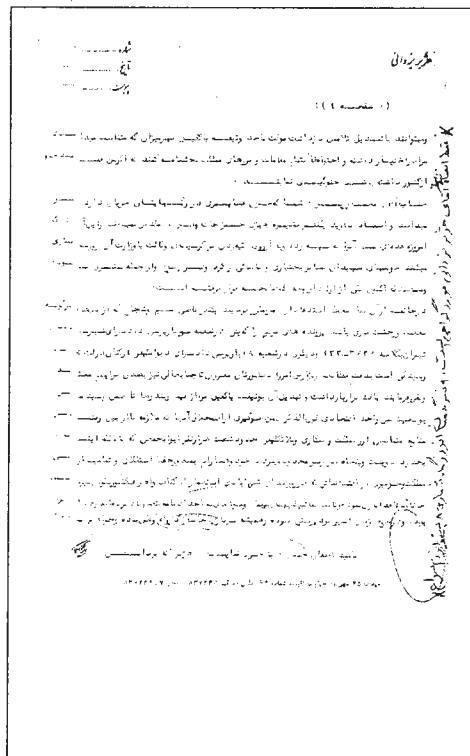


سرپرستی من مقدار متناهی از گوشت تهران را تأمین می‌نمود با زندانی شدن بدون سرپرست دلسوز مانده و هر روز خبر می‌رسد که تعدادی از آن سرت از بی‌علوفه‌گی تلف و از این مسیر به مایحتاج اولیه تهران نیز لطمه وارد می‌گردد. و بالاخره چندین واحد صنعتی و اقتصادی دیگر که وضع عمومی و بهره‌برداری از آنها بدتر از موارد بالا و به منظور احتراز از تطویل کلام از تشریح آنها خودداری می‌شود.

جناب آقای نخست‌وزیر، به قطع و یقین اکنون چندین صد پرونده قتل با سبق

تصمیم و جرائم مدلل جنایی دیگر در دادسرا و دادگاههای عمومی و اختصاصی در جریان رسیدگی است که متهمین آن با تأمین‌های کفیل و حتی با کفالت اشخاص مجهول‌المکان آزاد می‌باشند و این از بخت بد من است که در موقعیت زمان و مکان خاص به زنجیر ایادی استبداد افتاده و مرا وجه‌المصالحه وجیه‌الملکی قرار داده و از ترس بعضی ایادی مقتدر روز از اجرای حداقل موازین قانونی که اخذ تأمین متناسب با اتهام باشد احتراز می‌جویند و شخصی چون من که تمام هستی و دارائی و درآمد حاصل از سرمایه موروثی‌ام را به

ماشین‌های صنعتی کشاورزی تبدیل و برای اشتغال حدود شصت هزار کارگر و کارمند و دامدار این آب و خاک صرف کرده و می‌کنم و توهم و حتی تصور قدرت اختفاء یا خروج از کشور محتمل نمی‌باشد در بند زندان نگهداشته‌اند در حالی که می‌توانسته و می‌توانند با تبدیل تأمین بازداشت موقت به اخذ وثیقه یا کفیل به هر میزان که متناسب می‌دانند مرا در اختیار داشته و احتیاطاً به تمام مقامات و مرزهای



مملکت بخشنامه کنند که اگر من قصد خروج از کشور داشته باشم جلوگیری نمایند.

جناب آقای نخست‌وزیر. شما که خون‌عشاری در رگهایتان جریان دارد خوب می‌دانید و اعتقاد دارید یک نفر عشیره چیزی جز خاک وطن را مقدس نمی‌داند و این آزادی که امروزه عده‌ای سنگ آن را به سینه زده و به آرزوی تکیه زدن بر کرسیهای وکالت یا وزارت آن روزشماری می‌کنند خونهای شهیدان عشایر بختیاری و قشقائی و کرد و لر و بلوچ و از جمله سنگسری بوده و می‌باشد که

اکنون یکی از اولاد آن وجه‌المصالحه قرار گرفته است.

در خاتمه از آن مقام معظم استدعا دارم و مقرر فرمایند یک نفر قاضی شهیم و شجاع که از سیطره هرگونه تعصب و وحشت مبری باشد پرونده‌های مرقوم را که یکی در شعبه سوم بازپرسی دادسرای شهرستان تهران به کلاسه ۳/۳۷ - ۲۳۳ و دیگری در شعبه ۱۸ بازپرسی دادسرای دیوان کیفر کارکنان دولت در دست رسیدگی است به دقت مطالعه و گزارش امر را به حضورتان معروض تا جنابعالی نیز به صدق عرایض معتمد شده و مقرر فرمایند بافک قرار بازداشت و تبدیل آن به وثیقه یا کفیل مرا از قید و بند رها تا ضمن رسیدگی به وضعیت سی واحد اقتصادی فوق‌الذکر ضمن جلوگیری از اضمحلال آنها که ملازمه با از بین رفتن منابع متنابهی ارزش مملکت و بیکاری و بلا تکلیفی حدود شصت هزار نفر ابوابجمعی که با عائله ایشان به حدود دویست و پنجاه هزار نفر محدود می‌گردد خود و همکارانم به منظور حفظ استقلال و تمامیت ارضی مملکت و جلوگیری از اغتشاشاتی که هر روز صدای شوم ایادی استعمار از اکناف و اطراف کشور بگوش می‌رسد جاناً و مالاً فداکاری نموده و ثابت نماییم که به همان پیمان و سوگندی که اجداد ما معتقد و یاد کرده‌اند وفاداری و پا بر جا بوده و در هیچ زمان اسیر فردپرستی نبوده و همیشه سربازی جانباز در راه وطن بوده و خواهیم برد.

به امید احقاق حق. با احترام شایسته. هژبراله یزدانی

فقط امضاء زندانی آقای هژبر یزدانی مورد گواهی است. افسر نگهبان اندرزگاه شماره ۸ ستوان دوم سراج

شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰/م

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۱/۸

وزارت دادگستری

فتوکپی نامه شماره ۷۱۳/۰۶/۱۷۶ مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۶ فرمانداری نظامی تهران و حومه به انضمام چهار برگ ضمیمه آن موضوع شکوائیه آقای هژبر یزدانی جهت اطلاع و هرگونه اقدام به پیوست ارسال می‌گردد.

حسین فرشید

معاون وزیر مشاور در امور

بازرسی و حفاظت

۱۳۵۷/۱۱/۸

۵۷۰۸۰-سوم

۳۲/۷۷۸۴

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۱/۸
شماره: ۷۱۴-۲-۲۳۰
پیوست: سه

وزارت دادگستری

فتوکپی نامه شماره ۷۱۳/۰۶/۱۷۶ مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۶ فرمانداری نظامی تهران و حومه به انضمام چهار برگ ضمیمه آن موضوع شکوائیه آقای هژبر یزدانی جهت اطلاع و هرگونه اقدام به پیوست ارسال می‌گردد.

حسین فرشید
معاون وزیر مشاور در امور بازرسی و حفاظت

۱۳۵۷/۱۱/۸

۳۲/۷۷۸۴

فهرست اعلام

آ-الف

- آبادان / ۲۷۳
آبادیه / ۲۱۳
آذربایجان / ۴۰۰، ۳۲۳، ۲۴۵، ۱۷۵، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۲۴
آمریکای جنوبی / ۱۲۹
آذربایجان غربی / ۴۱۴، ۳۴۲، ۲۴۵
آزمون، منوچهر / ۳۸۱، ۳۸۰، ۳۴۷
آستان قدس رضوی / ۱۶۷
آسیا / ۲۵۷
آشتیانی، آقا میرزا مهدی / ۱۸۹
آصف، عطاءاله / ۳۶۹، ۳۶۴
آفریقا / ۲۵۷
آل احمد، جلال / ۱۸۳
آلمان / ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۴۸، ۲۷۳، ۲۳۶، ۱۱۸، ۸۳
آمریکا / ۱۲۲، ۱۲۰، ۱۱۸، ۱۰۵، ۸۲، ۵۹، ۳۸، ۳۳
۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۶۵، ۱۷۶، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۷۵
۲۷۷، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۶۶
۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۲۲
آمل / ۲۰۹
آموزگار، جمشید / ۳۴۵، ۳۴۲، ۳۲۲، ۲۷۴، ۲۶۲
۴۰۰، ۳۶۸، ۳۴۸
ابتهاج، ابراهیم / ۱۲۳
ابتهاج، ابوالحسن / ۱۲۹، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۱۷
اُپک / ۲۶۲
احمدآباد / ۱۷۵
احمدی، محمدحسین / ۳۴
اخوان، حبیب / ۳۵۳، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۷، ۱۷۹
- ۳۹۰، ۳۷۶
اراک / ۴۱۴، ۴۱۱، ۳۶۹، ۲۲۳، ۱۸۶
اراک، آیت الله آقای ضیاء / ۱۸۶
اراک، آیت الله محمدعلی / ۱۹۲
ارجمند، امیر / ۲۷۴
اردستان / ۴۲۵، ۱۰۳
اردلان شاهنده، احمد / ۱۹
ارسنجانی، حسن / ۱۸۳
ارم، هوشنگ / ۱۶۰، ۱۳۲، ۱۳۰، ۱۲۰، ۹۶، ۹۴، ۹۱
۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۷، ۱۹۳، ۳۱۶، ۳۵۰، ۳۶۴، ۳۶۹
اروپا / ۳۲۱، ۲۷۵، ۲۵۷، ۱۶۵
ازنا / ۲۲۵
ازهار، غلامرضا / ۴۱۵، ۴۱۴، ۴۱۱، ۴۱۰، ۱۱۹
۴۱۹
اسپانیا / ۱۲۴
استانبول / ۱۲۱
استرآبادی، غلامرضا / ۳۱۳
اسدی زاده، رضا / ۲۷۳
اسرائیل / ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۱۷، ۱۱۴، ۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۵
۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۵، ۳۲۳، ۳۸۶
اسفندیاری، حسن / ۲۰۹
اسکاتلند / ۲۸
اسکندری، ایرج / ۸۳، ۱۲
اسکندری، سلیمان محسن / ۱۱
اشرفی، اسماعیل / ۳۰
اشکوری، ضیاء / ۲۱
اصفهان / ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳

انصاری زاده، محمدرضا / ۲۲۵	۸۴، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۲، ۷۰، ۶۵، ۴۵، ۴۴، ۳۷، ۳۵
انصاری، هوشنگ / ۳۲۵	۸۷، ۹۲، ۱۱۹، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۷۴، ۱۷۶
انقلاب اسلامی ایران / ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۶۶	۲۰۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۴۴، ۲۷۴، ۳۲۵، ۳۴۲، ۳۵۸
۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۲، ۲۰۵	۴۱۹، ۴۲۷
۲۲۰، ۲۳۹، ۲۴۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۵، ۳۰۶، ۳۲۳، ۳۲۴	اصفهانی، آیت الله سید ابوالحسن / ۱۸۶
۴۰۱، ۳۸۶	اصفهانی، آیت الله محمد صادق / ۲۲۳
انقلاب سفید / ۱۸۷	اصفهانی، محمد جواد / ۱۷۳
انگلیس / ۲۸، ۸۲، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۶۵	اصفیاء صفی / ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۹
۱۷۴، ۱۷۵، ۱۹۹، ۲۵۹، ۲۷۳، ۳۳۱، ۳۴۴	اطریش / ۲۷۳
انهاری، جهانبخش / ۵۴، ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۷	اعرابی، محمد مهدی / ۱۶۳
۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۵	اعظم زنگنه، مهر دخت / ۳۳۰
۹۸، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷	افشار، امیر خسرو / ۳۳۹، ۳۸۱
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸	افغانستان / ۲۷۳
۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۷، ۳۴۵، ۳۴۶	افندی، عباس / ۸۳
۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۹	اقبال، مریم / ۳۳۰
انهاری، علی / ۱۲۲	اقبال، منوچهر / ۱۱۸، ۱۲۱، ۲۶۲
انهاری، مهناز / ۱۲۲	اکباتان / ۳۸۳
انهاری، نازی / ۱۱۸، ۱۱۲، ۱۲۲	اکبرزاده، اکبر / ۱۵
اولیائی، ناصر / ۳۰۵	اکرامی، علی / ۲۱۱
اویسی، غلامعلی / ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۷	الجزایر / ۱۲۵
اویسی، محمدرضا / ۱۲۷	الیگودرز / ۲۲۵
اهری، مسعود / ۳۸۴	امجدی، مصطفی / ۱۲
اهواز / ۲۷۴، ۲۷۳، ۹۱	امیر کلا / ۲۰۹
ایادی، عبدالکریم / ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰	امینی، حشمت اله / ۲۲۵
۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۳۲۱، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۹۵	امینی، علی / ۱۲۵، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۶۴
ایالت یوتا / ۲۷۴	اندرزگو، علی / ۹۶
ایتالیا / ۲۳۶	انصاری، احمد علی / ۱۶۶

بانک پارس / ۴۰۵، ۲۲۷، ۲۱۴، ۵۸	ایران / ۱، ۱۱، ۱۸، ۲۱، ۵۹، ۶۶، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۹۸
بانک تعاونی توزیع / ۴۰۵	۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲
بانک تهران / ۳۷۹، ۲۳۷، ۵۸	۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۳
بانک داریوش / ۵۸	۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۲
بانک رفاه کارگران / ۴۰۸، ۴۰۵، ۴۰۲، ۴۰۰، ۳۹۹	۱۹۷، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰
بانک روس و ایران / ۵۸	۲۶۲، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲
بانک رهنی / ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۸۲، ۱۲۴	۳۲۳، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۵۷، ۳۶۶، ۳۶۸
بانک سپه / ۴۰۴، ۲۳۷، ۲۲۷، ۲۱۴، ۴۶، ۶۸	۳۶۹، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۱۰، ۴۲۴، ۴۲۵
بانک شاهی / ۱۲۳	ایقانی، علی / ۱۳۸
بانک شهریار / ۴۰۴، ۲۵۴، ۱۸۹، ۵۸	اینتلیجنت سرویس / ۱۲۰
بانک صادرات ایران / ۷۶، ۷۵، ۷۳، ۶۸، ۶۵، ۶۴، ۵۸	
۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۶	
۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰	
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹	
۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹	
۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱	
۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵	
۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶	
۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱	
۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۵	
۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۸	
۳۵۱، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۷۰، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۷، ۳۸۸	
۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۵، ۴۰۴، ۴۰۵	
بانک صنایع / ۵۹، ۵۲، ۵۱	
بانک عمران / ۴۰۴	
بانک فلاحتی ایران / ۱۲۳	
بانک مرکزی ایران / ۸۲، ۷۲، ۵۲، ۴۶، ۴۰، ۳۸، ۳۳	
	بابلسر / ۲۰۹
	باشگاه ورزشی شاهنشاهی / ۱۷۹، ۳۵۳
	بانک اصناف ایران / ۱۱۵، ۹۲، ۶۵، ۵۱، ۳۸، ۳۳
	۱۲۸، ۲۲۷
	بانک اعتبارات / ۲۳۷
	بانک ایران شهر / ۲۰۶، ۱۹۴، ۱۸۹، ۶۵، ۵۱، ۳۸
	۴۰۴، ۲۲۷
	بانک ایران و آمریکا / ۱۸۶
	بانک ایران و انگلیس / ۴۰۵
	بانک ایران و ژاپن / ۴۰۴، ۲۳۷، ۵۸
	بانک ایرانیان / ۳۰۵، ۲۵۴، ۱۹۴، ۱۷۹، ۱۲۵، ۵۸
	۳۲۵، ۳۲۸، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۹، ۴۰۳، ۴۰۴
	بانک بازرگانی / ۴۰۵
	بانک بیمه ایران / ۵۹
	بانک بیمه بازرگانان / ۱۱۵، ۵۱

بوشهر / ۱۶۵، ۲۵۷	۸۹، ۹۲، ۱۱۵، ۲۲۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱
بولارد، سرریدر / ۱۶۵	۲۷۷، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۸، ۳۰۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۵۴، ۳۷۳
بهبودی، سلیمان / ۲، ۸۱	۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۸، ۳۹۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۲۶
بهبودی، ناصر / ۲	بانک ملی ایران / ۳۳، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۴۷
بهرامی، محمد / ۱۱	۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵
بیرجند / ۱۲۰، ۱۷۵، ۳۶۹	۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۶، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸
بیروت / ۸۳، ۱۲۳، ۱۷۶، ۲۷۴	۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۲۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۲۱۴
بیگدلی، امیر احمد علی / ۹۱	۲۱۹، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۸۲، ۲۹۱، ۲۹۶، ۳۰۲، ۳۰۳
بیمارستان آبان / ۱۲۲	۳۱۵، ۳۲۵، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۷
بیمارستان آمریکائیان / ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۶	۳۷۸، ۴۰۳، ۴۱۸، ۴۲۶
بیمارستان پارس / ۴۰۰	باهری محمد / ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۷۴، ۳۸۰، ۳۹۴، ۴۰۲
بیمارستان رازی / ۱۶۵، ۱۶۷	بجنورد / ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۲۸، ۳۱۳، ۳۱۴
بینا، مرتضی / ۳۰	بخارست / ۳۰۹
پ	بختیار، تیمور / ۲۸، ۸۴، ۲۶۲، ۳۲۱
پاریس / ۸۳، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۲۷۶	بختیار، سلطان مراد / ۲۷، ۲۸
۳۰۹، ۳۲۱، ۳۵۳	بختیار، شاپور / ۱۷۶، ۲۷۵، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶
پاکستان / ۳۸، ۹۵، ۲۷۳	بختیاری، فاتح / ۱۷۶
پرتغال / ۱۲۴	برتون وودز / ۱۲۴
پرنیان فر، قاسم / ۱۶۸	برلین شرقی / ۳۲۲
پرون، ارنست / ۸۱	بروکسل / ۲، ۸۳
پروین، امین الدوله / ۲۲۸	بریتانیا / ۱۲۰
پزشکپور، محسن / ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱	بلوچستان / ۱۲۰، ۱۵۱، ۲۷۴، ۴۲۷
۲۷۳، ۲۷۴، ۳۱۴، ۳۲۲	بنی احمد، احمد / ۳۲۲، ۳۲۳
پلور / ۳۵۲	بنیاد پهلوی / ۳۸
پورجم، خسرو / ۳۷۱، ۳۸۲	بنیاد فرهنگی رضا پهلوی / ۳۲۳
پورنیک، محمود / ۶۱، ۷۰	بنیاد کیهان / ۳۸۷
	بوداپست / ۳۲۲

ج

جامعه سوسیالیست های نهضت ملی / ۱۸۳
 جبهه ملی / ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،
 ۲۵۸، ۲۶۰، ۳۰۶، ۳۲۳، ۳۲۵
 جدلی، احمد / ۱
 جدلی، فاطمه / ۴
 جزینی، رحمت اله / ۱۲۲
 جزیره خارک / ۱۷۴
 جزیره قشم / ۱۷۴

جمعیت آزادی مردم ایران / ۱۷۲
 جمعیت فراماسونری / ۲۹، ۳۳، ۴۶، ۱۲۲، ۳۲۳،
 ۳۲۵، ۳۵۳، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۸۴، ۴۱۴، ۴۱۹، ۴۲۲
 جم، محمود / ۳۶۸
 جمهوری اسلامی ایران / ۱۲۶، ۱۸۷
 جنگ جهانی دوم / ۱۷۶، ۲۶۲، ۳۶۹
 جهانبانی، خسرو / ۲۷۵
 جهانشاهی، علی / ۲۹۰، ۲۹۵

چ

چالوس / ۲۰۹
 چاه بهار / ۱۹۲
 چراغی، یونس / ۱۹، ۲۰
 چهارمحال بختیاری / ۱۷۶

ح

حائری، آیت الله عبدالکریم / ۱۶۹، ۱۸۶، ۲۱۹، ۲۲۳
 حاج سید جوادی، علی اصغر / ۱۸۳

پهلوی، اشرف / ۳۸۷، ۳۳۰

پهلوی، رضا / ۳۹۵

پهلوی، شهناز / ۲۷۵، ۳۰۹

پهلوی، عبدالرضا / ۳۶۶

پهلوی، فرح / ۱۱۹، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۵۵، ۳۸۶، ۴۱۹

پهلوی، محمودرضا / ۳۳۰

پیشه وری، جعفر / ۱۱، ۱۶۵

ت

تالاج / ۱۳۹

تسبریز / ۱۶۶، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰

۳۲۳، ۳۲۴، ۳۸۴، ۴۰۰

تربت حیدریه / ۳۲۵

ترقی، ابراهیم / ۲۱۱

ترکیه / ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۷۳، ۱۸۷، ۱۹۱

تل آویو / ۱۲۷

تنکابنی، محمدرضا / ۱۸۹

تنکابنی، میرزا طاهر / ۱۸۹

تویسرکانی، آیت اله محمد علی / ۲۲۳

تویسرکانی، سعید / ۲۴۹

تهران / اکثر صفحات

تهرانی، مسعود / ۳۵۳

ث

ثابتی، پرویز / ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۳۷، ۱۶۷

۲۲۱، ۲۲۴، ۲۴۱، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۹۷، ۳۰۱، ۳۰۸

ثقة الاسلامی، مهدی / ۳۱۰

- حبیبی، سعید / ۱۹
 حجازی، سعید / ۳۱۲، ۳۰۹
 حجازی، سید عبدالرضا / ۲۶۴
 حزب اتحاد خلق ایران / ۳۴۸
 حزب ایران / ۱۷۶، ۱۷۲
 حزب ایران نوین / ۱۲۲، ۲۶۱، ۳۲۳
 حزب پان ایرانیست / ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱
 ۲۷۳
 حزب توده / ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۸۳، ۱۲۲، ۱۸۳، ۱۸۹
 ۲۲۷، ۲۵۷، ۲۶۰، ۳۰۹، ۳۴۷، ۳۶۷
 حزب رستاخیز / ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۹۶
 ۳۱۰، ۳۲۳، ۳۴۷، ۳۶۷، ۳۹۹
 حزب زحمتکشان / ۱۸۳
 حزب کمونیست ایران / ۳۶۸
 حزب مردم ایران / ۱۷۲، ۱۷۴، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۷۳
 ۳۲۳
 حسینی، سید صادق / ۱۶۹
 حق پرست نوایی، رضا / ۲۳۶
 حیدری زنگنه، محمدتقی / ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳
 ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۵، ۳۴۰، ۳۴۱
 خ
 خامه‌ای، انور / ۱۲۵
 خانعلی، ابوالحسن / ۱۱۸
 خبرگزاری آسوشیتدپرس / ۱۲۴
 خبرگزاری پارس / ۳۳۴، ۳۳۵
 خراسان / ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۲۰، ۲۲۱
 ۲۲۷، ۲۳۶، ۳۲۴، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۷
 خرمشهر / ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۲۳
 خرم، علی / ۲۵۹، ۲۶۰
 خسرو پناه، محمود / ۲
 خلعتبری، ارسلان / ۱۷۱
 خلیج فارس / ۱۷۹، ۳۷۶
 خلیلی، عباس / ۱۷۱
 خمسوری، غلامعلی / ۵۴
 خمینی، آیت‌الله سید روح‌الله / ۲۳، ۱۷۱، ۱۷۳
 ۱۷۴، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۶۲، ۳۲۴
 خمینی، آیت‌الله سید مصطفی / ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴
 ۱۹۱
 خواجه نوری، فروغ / ۷۲
 خوانسار / ۲۲۳
 خوانساری، آیت‌الله سید علی اکبر / ۲۲۳
 خوانساری، آیت‌الله محمدتقی / ۱۶۹
 خوانساری، آیت‌الله محمدحسن / ۲۲۳
 خوانساری، آیت‌اله سید احمد / ۲۲۳، ۲۶۴
 خوزستان / ۱۷۶، ۲۲۲، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۳
 خوشبخت، حسین / ۲۱۱
 خوش کیش، یوسف / ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۴
 ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱
 ۷۲، ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱
 ۹۲، ۹۳، ۱۰۲، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۶۰
 ۱۶۱، ۱۷۶، ۲۶۵، ۲۷۷، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹
 خوی / ۱۹۲
 خویی، آیت‌الله سید ابوالقاسم / ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۳۰

دانشگاه جنگ / ۹۱، ۱۲۶، ۱۳۴، ۳۰۵، ۳۷۱، ۴۱۴	۲۳۹
دانشگاه ژنو / ۳۳۹	
دانشگاه سوربن / ۱۸۳	د - ذ
دانشگاه شیراز / ۱۲۱	دادگستر، خسرو / ۳۰
دانشگاه صنعتی آریامهر / ۳۸۶	دامغانی، آیت الله کاظم / ۲۷۲
دانشگاه کلمبیا / ۳۳	دانشکده ادبیات / ۳۸۶، ۱۹۶
دانشگاه لایپزیک / ۳۴۸	دانشکده افسری / ۹۱، ۹۵، ۱۲۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۳۰۵
دانشگاه لندن / ۳۲۳	۴۱۴، ۳۷۱، ۳۶۶
دانشگاه میشیگان / ۳۳۰	دانشکده اقتصاد / ۳۴۲
دانشگاه نانسی / ۱۷۵	دانشکده الهیات / ۲۴۴
دانشگاه نیراسکا / ۳۸۴	دانشکده پزشکی پهلوی / ۳۴۲
دانشگاه هاروارد / ۳۸۶، ۳۶۶	دانشکده حقوق / ۳۳، ۱۰۴، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۵۸، ۳۴۷
دبستان جمشید جم / ۱۳	۴۲۲
دبستان زند / ۱۳	دانشکده فنی تهران / ۲، ۳۲۵
دبیرستان پهلوی / ۲۹۶	دانشکده کارل مارکس / ۳۴۸
دبیرستان رازی / ۳۰۹	دانشکده کشاورزی کرج / ۴۱۴
دبیرستان فیروز بهرام / ۱۳، ۱۰۴	دانشگاه آنکارا / ۲۴۴
دبیرستان مدرس / ۱۳	دانشگاه امام صادق (ع) / ۲۰۵
دبیرستان نظام / ۱۲۶، ۳۶۶	دانشگاه اورشلیم / ۳۸۶
درخشانی، بهمنه / ۸، ۶، ۱۰	دانشگاه اوهایو / ۴۰۰
درخشانی، عزیز / ۶، ۹، ۱۰	دانشگاه پاریس / ۴۶، ۱۷۵، ۳۴۷
دلد، اسکندر / ۸۲، ۱۰۵، ۲۷۵	دانشگاه پنسیلوانیا / ۴۰۰
دولت‌شاهی، عصمت‌الملوک / ۳۳۰، ۳۶۶	دانشگاه تبریز / ۴۲۲
دهستانی، عبدالعلی / ۴۱۴	دانشگاه توشاش / ۱۷۴
دیبا، اسفندیار / ۳۰۹	دانشگاه تهران / ۱۰۴، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۸۳
دیبا، سهراب / ۳۰۹	۳۴۷، ۳۴۵، ۳۴۲، ۳۲۵، ۳۰۵، ۲۵۸، ۲۴۴، ۱۹۶
ذبیح، سپهر / ۱۲۵	۴۲۲، ۳۹۹، ۳۸۶، ۳۸۴، ۳۶۴

- روزنامه تایمز / ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷
- رئیس، محمود / ۳۵۳
- روزنامه خاک و خون / ۲۵۸
- راسپوتین / ۸۱
- روزنامه داریا / ۱۸۳
- رباط کریم / ۳۵۲
- روزنامه رسالت / ۱۸۸
- رحمانیان، محمدحسین / ۱۰۴
- روزنامه رستاخیز / ۲۶۲، ۳۲۰
- رحیمی، مهدی / ۱۹۷، ۴۲۴
- روزنامه رعد امروز / ۴۱۸
- رزم آرا، حاجیعلی / ۱۲۰، ۱۷۴
- روزنامه عصر نوین / ۳۲۳
- رژیم پهلوی / ۲۸، ۴۶، ۸۲، ۱۰۵، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۲۷، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۷۳، ۲۹۶، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۳۹، ۳۵۳، ۳۷۱، ۳۹۹، ۴۱۴
- روزولت، کرمیت / ۲۷۴
- رومانی / ۳۰۹
- ریپورتر، شاپور / ۱۲۱
- ۴۲۲
- رسام، غلامحسین / ۱۶۹
- رشت / ۶۶، ۷۱، ۱۲۳، ۳۶۴، ۳۹۹
- رشتی، محمدعلی / ۱۲۳
- رشیدی مطلق، احمد / ۱۹۱
- رضائی، مجتبی / ۲۲۵
- رضائیه / ۲۴۵
- رضاشاه / ۲، ۸۱، ۱۲۳، ۱۸۹، ۳۳۰، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹
- ۴۰۱
- رضوی، حسن / ۳۵۱
- رضوی، سید حسین / ۲۴۹
- روحانی، منصور / ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۶۴، ۳۶۹
- روزنامه آبرور / ۳۸۱، ۳۴۷، ۳۳۸، ۳۵۰
- روزنامه آیندگان / ۳۲۰
- روزنامه اطلاعات / ۱۲۷، ۱۸۳، ۱۹۱، ۲۱۸، ۲۵۸
- ۲۷۸
- روزنامه پیام انقلاب / ۱۷۳
- زائرین، غلامرضا / ۲۲۷
- زابل / ۲۵۵، ۲۷۲
- زاهدان / ۱۳۸، ۱۵۱، ۲۳۴، ۲۵۵، ۲۷۲
- زاهدی، اردشیر / ۲۷۴، ۳۰۹
- زاهدی، اقدس / ۴۲۰
- زاهدی، حمید / ۴۲۲، ۴۲۳
- زاهدی، فضل اله / ۱۱۸، ۲۷۴، ۳۲۱
- زرنده / ۲، ۲۰۷، ۴۲۷
- زمانی، علی اصغر / ۱۵
- زنجان / ۳۳، ۳۶۴
- زند، افراسیاب / ۴۷، ۶۴، ۸۰، ۹۰
- زندان جمشیدآباد / ۴۰۱
- زندان قزل قلعه / ۱۷۳، ۱۹۰
- زندان قصر / ۱۷۶

- زندان کمیته مشترک / ۴۰۱
زندى، منوچهر / ۳۰
زندیه، عباس / ۲۲۸
زنگنه، محمود / ۲۷۵
زیارتی، احمد / ۱۶۹، ۱۷۰
- ژ
ژاندارمری / ۴۱۴
ژنو / ۳۶۸، ۳۲۲
ژوئن / ۲۵۸
- س
ساری / ۳۷۱
سازمان آب تهران / ۳۲۳
سازمان انتقال خون ایران / ۳۵۳
سازمان اوقاف / ۳۴۸
سازمان برنامه و بودجه / ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۱۸، ۳۳
۱۲۵، ۲۷۳، ۲۷۷، ۳۴۲، ۳۸۴
سازمان دامپروری / ۱۰۵
سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی / ۴۶
سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران / ۴۶، ۴۲۱
سازمان ملل متحد / ۳۳، ۱۲۳، ۳۲۳
ساسان نیا، پرویز / ۲۷۳
ساعده، محمد / ۱۲۰
سالمی، امیر / ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۷۳
سافرانسیسکو / ۱۰۵، ۱۲۵
ساواک / اکثر صفحات
- ساوه / ۲، ۱۰۳
سپتامبر / ۱۸۸، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۶
ستاد بزرگ ارتشتاران / ۳۰۵، ۴۱۰
سد سپید رود / ۱۲۲
سرافراز، عباس / ۴۲، ۴۶، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶
۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹
۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۷
۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۷
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۶۱
سقز / ۱۸
سلطانی، مجتبی / ۱۷۳
سلمان پور، عطاءاله / ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۶۲
۴۰۳، ۴۰۴
سلیمانی امیری، علی / ۲۰۹
سمنان / ۴، ۱۰، ۱۱، ۲۲، ۹۵، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۹
۱۴۰، ۱۵۱، ۱۶۹، ۱۷۱، ۲۰۵، ۲۲۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱
۳۸۳، ۴۱۵، ۴۲۷
سمیرم / ۱۶۵
سنبل، امیر / ۱۵
سنجابی، کریم / ۱۷۵، ۱۷۶
سنگسر / ۱، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۳، ۳۵، ۱۰۴
۱۰۹، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۶، ۲۴۶، ۳۰۰
۳۰۱، ۳۲۵، ۳۶۰، ۴۱۵، ۴۲۷
سن موریس / ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۹
سوئد / ۱۱۸
سوئیس / ۳۱، ۱۷۴، ۳۲۲، ۳۶۶، ۴۰۱
سوربن / ۱۷۶

سوریه / ۱۲۳	شوروی / ۱۲، ۱۱
سوسنگرد / ۱۱	شوکت‌الملک، محمد ابراهیم خان / ۱۲۰
سیا / ۴۰۲، ۲۷۵، ۱۲۳	شهر ری / ۱۹۲
سیرجان / ۹۵	شهریار / ۳۵۲
سیستان و بلوچستان / ۴۱۴، ۲۷۲	شهمیرزاد / ۳۱۰، ۳۰۹، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳، ۱۱
	شیبانی، احمد / ۱۱۹
ش	شیخ الاسلام‌زاده، شجاع‌الدین / ۴۰۱، ۴۰۰
شازند / ۴۲۷، ۴۱۲، ۴۱۱، ۳۵۸، ۲۲۵، ۱۸۶	شیخان، احمد / ۳۹۸، ۳۲۴، ۲۲۰، ۱۳۴
شاهین‌فر، حسن / ۲۶۳، ۲۵۳	شیراز / ۳۶۷، ۳۴۷، ۳۲۵، ۱۹۲، ۱۶۵، ۱۰۵، ۱۰۳، ۲۹
شرافت، حسین / ۵۲، ۵۱	شیرازی، آیت‌الله علی‌آقا / ۲۴۴
شرکت ارج / ۲۰۱	شیروان / ۲۲۷، ۱۶۶، ۱۵۳، ۱۴۱، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۳
شرکت اکباتان / ۳۵۱	۴۲۰، ۴۰۷، ۳۹۷، ۳۶۷، ۳۵۸، ۳۲۴، ۳۱۴، ۳۱۳، ۲۲۸
شرکت بیمه بین‌المللی ایران و آمریکا / ۱۲۵	۴۲۷
شرکت پیسی کولا / ۲۰۱	
شرکت توسعه لویزان / ۳۸۲	ص - ض
شرکت ساختمانی آکروپل / ۱۰۱، ۹۹، ۹۸، ۸۴	صالح، الهیار / ۱۷۶
شرکت ملی نفت ایران / ۲۷۷	صدر، حسن / ۱۷۱
شرکت نفت ایران و انگلیس / ۱۲۴	صمصام‌السلطنه / ۱۷۶
شرکت نون‌هالان / ۱۱۷	ضیائی، طاهر / ۳۲۷، ۳۲۵
شریعتمداری، آیت‌الله سید کاظم / ۲۰۴، ۱۷۴، ۱۶۶	ط - ظ
۲۰۶، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۹، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۶۴	طالع، هوشنگ / ۲۷۴، ۲۷۳
۳۲۳، ۲۷۲	طاهری، فرزانه / ۱۷۳
شریف امامی، جعفر / ۱۷۲، ۱۶۲، ۱۲۹، ۱۱۹، ۱۱۷	طباطبائی، سید ضیاء‌الدین / ۴۱۸، ۱۷۵
۱۸۸، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۳۸، ۳۴۷، ۳۵۷، ۳۶۷، ۳۷۱	طبری، احسان / ۳۰۹، ۱۱
۳۷۳، ۳۷۵، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۴، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۵	طیس / ۱۸۸
۴۱۰، ۴۰۸	طلوعی، محمود / ۳۶۹، ۳۱۰، ۲۷۵
شورای مقاومت ملی / ۱۸۳	

فردوست، حسین / ۳۱، ۸۲، ۱۱۹، ۱۶۶، ۱۶۸، ۳۰۵،

۳۰۶، ۳۷۱، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۸،

فرقه بهائیت / ۳۲۳

فروشگاه فردوسی / ۴۱۸

فروهر، داریوش / ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴،

فرهمند، محمدجواد / ۲۷۳

فریدونکنار / ۲۰۹

فلسطین / ۱۸۹

فلسفی، حجة الاسلام محمدتقی / ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲،

۲۴۸

فهامی، شیخ محمدتقی / ۲۰۱

فیروز، مظفر / ۱۶۵

ق

قائن / ۱۲۰

قاسمی، ابوالفضل / ۱۷۶

قاضی، ذبیح اله / ۲۲۵

قزوین / ۴۴، ۴۵، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۸۴، ۱۱۷، ۱۵۲، ۱۷۲،

۳۵۹، ۳۶۴، ۴۲۷

قریب، هرمز / ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۹

قزوینی، آیت اله سید ابوالحسن / ۱۷۳

قزوینی، میرزا یونس / ۱۸۹

قشقایی، خسرو / ۱۶۵

قشقایی، ناصر / ۱۶۵

قصر شیرین / ۱۷۵

قطبی، رضا / ۳۰۹

قسم / ۸۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳،

ظهیرالدینی، حسن / ۳۰

ع-غ

عاشوری، داریوش / ۲۵۸

عاملی، باقر / ۲۲۷، ۲۲۸، ۴۰۱

عاملی، محمدرضا / ۲۵۷

عباسقلی زاده، عباسقلی / ۲۷۳

عراق / ۱۲۷، ۱۷۶، ۱۹۱، ۱۹۲

عراقی، آیت الله آقا ضیاء / ۲۲۳

عربستان سعودی / ۸۳

عسکر طائف، محمد / ۹

عکا / ۱۹۵

علامه نوری، آیت اله یحیی / ۱۷۹، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴،

۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۳، ۳۰۷

علم، اسداله / ۲۷، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۶۶،

۱۹۰، ۲۷۵، ۳۲۱، ۳۴۷

علوی کیا، حسن / ۱۳۴

علوی، مصطفی / ۲۲۵

غروی، سید جعفر / ۱۷۱

ف

فارس / ۱۷۵، ۱۷۶، ۳۴۷، ۳۴۸

فاعلی، صفدر / ۱۴۰

فامیلی، محمدهادی / ۲۲۷

فرانسه / ۴۶، ۸۱، ۸۳، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۷۵،

۱۷۶، ۱۸۳، ۳۰۹، ۳۱۰

فرداد، علی / ۴۱۸، ۴۲۳

- کفاش، مهدی / ۲۰۵، ۲۱۱
 کفعمی، محمد / ۲۷۲
 کلوب روتاری / ۳۲۳
 کلوب عصر / ۱۷۹
 کمیته پیکار جهانی بابی سواد / ۱۲۲
 کندی، جان / ۳۲۱
 کودتای ۲۸ مرداد / ۱۲، ۹۵، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۶۵، ۱۷۶، ۱۸۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۷۵، ۳۲۱
 کیا، جهانگیر / ۱۳۸
 کیانپور، غلامرضا / ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۶۳، ۳۶۹
 کیانوری، نورالدین / ۱۲
 کیانی، محمد / ۴۰۶
- ک**
- کاتوزیان، ضیاءالدین / ۲۹۶
 کاتوزیان، محمدعلی همایون / ۱۷۳
 کاخ گلستان / ۳۰۹
 کارخانه فخر ایران / ۲۵۰
 کازرون / ۱۲۶
 کاشان / ۱۷۰، ۲۷۳، ۳۲۲، ۴۱۴
 کاشانی، آیت الله سید ابوالقاسم / ۱۷۵
 کاشانی، حجت / ۴۰۱
 کاشانی، شیخ محمدعلی / ۱۸۹
 کافی، حجة الاسلام حسن / ۲۴۸، ۲۴۹
 کانادا / ۲۶۲
 کانون نویسندگان / ۱۸۳
 کربلا / ۱۷۴
 کربلانی، منوچهر / ۲۲۷
 کرچ / ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۶۵، ۳۵۸، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۷
 کرمان / ۹۵
 کرمانشاه / ۱۷۵، ۲۳۴، ۲۶۰
 کرمانی، رضا / ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰
 کریمی، سعید / ۱۹
- گ**
- گچسر / ۳۵۲
 گرگان / ۲، ۱۶۵، ۱۶۸، ۲۵۶
 گری، آیت الله عبدالکریم / ۲۲۳
 گلپایگان / ۱۸۶
 گلپایگانی، آیت الله سید محمدرضا / ۱۸۶، ۱۸۷
 ۱۸۸، ۲۱۴، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۴۴
 گلپایگانی، حجة الاسلام سید مهدی / ۱۸۶، ۱۸۸
 گلی، مرتضی / ۲۲۵
 گنبد کاوس / ۱۵۱
 گورین، ژوزف / ۱۶۵
 گوگرد (روستا) / ۱۸۶
 گوگدی، آیت الله تقی / ۱۸۶
 گوهری، شمس اله / ۲۹۵، ۲۹۶

- گیلان / ۳۶۴ مختارپور، احمد / ۲۱۱
- مدرسه ژاندارک / ۳۰۹
- ل مدرسه طالبیه / ۱۶۶
- لايه / ۱۷۵ مدرسه عالی حقوق / ۱۷۵
- لبنان / ۱۷۶ مدرسه علوم سیاسی / ۳۶۸
- لرستان / ۲۴۱، ۲۲۶ مدرسه علوی / ۱۹۲
- لندن / ۵۸، ۲۷۵، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۸ مدرسه فیضیه / ۱۹۰، ۲۱۴
- ۳۳۹ مدرسه له روزه / ۳۶۶
- لورکوزن / ۲۳۶ مدرسه مروی / ۱۶۹
- م مدرس یزدی، آیت الله احمد / ۲۷۲
- مدنی، سید جلال الدین / ۲۲۰ مدنی قمی، ابراهیم / ۲۵۰
- مراغه / ۲۲۷
- مرزبان، محمد علی / ۱۱۷
- مرعشی نجفی، آیت الله سید شهاب الدین / ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۹
- مرو دشت / ۱۹۲
- مربوان / ۱۸
- مسجد ارک / ۱۷۴، ۱۸۹
- مسجد اعظم / ۲۱۴
- مسجد جلیلی / ۲۰۵، ۲۱۱
- مسجد سید عزیزاله / ۲۲۳
- مسجد گوهرشاد / ۱۸۹
- مشکوة، سالار / ۳۴۶، ۳۶۹
- مشکوة، شهاب / ۳۴۶، ۳۶۹
- مشهد / ۱۳۴، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۹۶، ۲۳۰، ۲۴۸، ۲۶۰
- ۳۱۴، ۲۷۲
- مازندران / ۲۹، ۲۵۶، ۳۳۰، ۳۶۶، ۳۸۳
- مانیان، محمود / ۱۷۱، ۱۷۴
- ماه شهر، ۲۲۲، ۲۷۳
- متین دفتری، احمد / ۳۶۸، ۳۶۹
- مجتهدی، یوسف / ۴۲۳
- مجلس سنا / ۱۱۸، ۳۹۹
- مجلس شورای ملی / ۲، ۲۸، ۱۲۴، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۹، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۷۳، ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۴۸
- ۴۱۴
- مجلس مؤسسان / ۱۱۹، ۱۷۵
- مجله خواندنیها / ۲۳۱
- مجله مکتب اسلام / ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۶۳
- محقق، احمد علی / ۴۱۴
- محمد حسین زاده عراقی، زهرا / ۱۱۴، ۱۲۸
- محمدرضا شاه / ۲۹، ۳۱، ۸۳، ۸۴، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۵
- ۱۶۶، ۱۷۵، ۲۷۵، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۱۰

- مصباح، محمد ابراهیم / ۲۰۹
مصدق، محمد / ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۵۷، ۳۲۱، ۳۶۹
مصر / ۱۷۶
مظاهری، شیخ مهدی / ۲۰۱
مظفرالدین شاه / ۱۱۸
معروفی، علی اکبر / ۱۷۰
معمارباشی، عزیز / ۲۹، ۳۰
معمارزاده، قاسم / ۲۹، ۳۰
معینان، نصرت اله / ۲۷، ۳۴۶
معینی، حسین / ۱۳۹
مقتدر مزدهی، نصراله / ۳۹۹، ۴۰۰
مقدم، ناصر / ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۲۳، ۳۸۶، ۳۹۲
۴۰۹
مکارم شیرازی، آیت الله ناصر / ۱۹۲
ملکی، احمد / ۱۷۱
ملکی، خلیل / ۱۸۳
ملکی نژاد، تقی / ۱۱
منصور، حسنعلی / ۲۷، ۸۳، ۱۲۳، ۲۶۲
موسوی بلادی، سید محمد حسین / ۲۳۹
موسوی، حجة الاسلام سید حجت الله / ۲۰۹
موسوی، حسین / ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۳۷
مهاباد / ۱۹۲
مهدوی کنی، آیت الله محمدرضا / ۲۰۵
مهدوی، محمد علی / ۱۵۳
مهدیشهر / ۱۶۹
مهران، حسنعلی / ۲۷۷، ۴۱۳
مهران، عبدالرضا / ۲۹۶
- میر، حسین / ۱۰۵
میر، علی محمد / ۳۴۲
میر، محمد علی / ۳۴۲
میلسپو / ۱۲۴
- ن
نائینی، آیت الله محمد حسین / ۲۱۹
ناصح نقشبندی، محمد / ۱۹
ناصرالدین شاه / ۱۱۸
نجف اشرف / ۲۳، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۶، ۱۹۲، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۷۲
نجفی، حسین / ۴۱۹
نجفی، ناصر / ۳۲۲
نراقی، احسان / ۳۲۱، ۳۲۲
نصراللهی، حسین / ۲۱۱
نصر، سید حسین / ۳۸۶
نصر، ولی الله / ۳۸۶
نصیری، نعمت اله / ۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۲۷، ۲۲۷، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۶۸، ۳۸۶، ۳۹۵، ۴۰۱
نظام الاسلام، محمد حسین / ۱۱۸
نوری، محمد علی / ۲۷۵
نوفل لوشاتو / ۱۷۵
نیشابور / ۳۱۳
نیکزاد، اکبر / ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۲
نیویورک / ۵۸
- و

وارن، ویلیام / ۲۷۴	وزارت علوم و آموزش عالی / ۴۲۲
واشنگتن / ۲۷۵	وزارت فرهنگ / ۳۸۶، ۲۷۴، ۱۷۵
واعظ، محمدتقی / ۲۴۸	وزارت کار / ۳۷۴، ۳۶۴، ۳۲۷، ۱۷۶، ۱۲۰، ۱۰۳، ۲۹
والانژاد، محمود / ۳۵۳، ۳۵۱	وزارت کشاورزی / ۲۷۴، ۲۶۲، ۱۰۵، ۱۰۳، ۲۹
ودیعی، کاظم / ۳۷۵، ۳۶۷	۳۸۸
ورقا، علی محمد / ۱۱۷	وزارت کشور / ۴۲۲، ۳۵۱، ۲۰۵
وزارت اصلاحات ارضی / ۱۶۷	وزارت مسکن و شهرسازی / ۳۸۴، ۳۸۳
وزارت اطلاعات و جهانگردی / ۳۴۸، ۳۴۲	وزارت نیرو / ۳۰۹
وزارت امور خارجه / ۱۲۱، ۱۷۶، ۳۳۹، ۳۴۷، ۳۵۰	ولیان، عبدالعظیم / ۱۶۷، ۲۲۰، ۲۲۱، ۴۰۱
۳۶۸	
وزارت بازرگانی / ۳۱۸	ه
وزارت بهداری / ۴۰۰، ۳۹۹	هاشمی پور، محمود / ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷
وزارت بهداری و بهزیستی / ۴۰۰	هفتگل / ۳۶۷
وزارت پست و تلگراف / ۱۲۳	همدانیان، حسین / ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۶، ۲۳
وزارت تعاون / ۳۲۴، ۱۰۵	هویدا، امیرعباس / ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۲۰
وزارت تولیدات / ۳۹۲، ۱۷، ۱۶	۱۲۲، ۱۶۱، ۲۶۲، ۲۷۵، ۳۲۱، ۳۴۸، ۴۰۰، ۴۰۱
وزارت دادگستری / ۳۸۱، ۳۶۸، ۳۴۷، ۳۲۱، ۱۷۵	ی
۴۱۸، ۴۱۷، ۴۰۹، ۴۰۸، ۴۰۶، ۴۰۲، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۸۶	یزد / ۴۱۹، ۲۰۷، ۲۰۱، ۵۱، ۴۶
۴۳۰، ۴۲۳	یزدانپناه، محمدعلی / ۲۱۱
وزارت دارایی / ۳۰۴، ۲۸۸، ۲۷۷، ۱۷۵، ۱۲۳، ۳۳	یزدانی، اکبر / ۱۸
۴۰۶، ۴۰۳، ۳۹۱، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۵۴، ۳۲۵، ۳۲۱	یزدانی، حسن / ۱۳۴
وزارت دربار / ۱۲۲	یزدانی، رضاقلی / ۱
وزارت دفاع منی / ۱۷۵	یزدانی، کاوه / ۳۸۴، ۲۶۷
وزارت راه / ۳۹۲، ۱۱۸، ۲	یزدانی، کتایون / ۲۶۸
وزارت رفاه اجتماعی / ۴۰۰	یزدانی، کیاندخت / ۳۸۴، ۲۶۶
وزارت صنایع و معادن / ۳۸۸، ۳۲۵	یزدانی، کیانوش / ۳۸۴، ۲۶۷
وزارت عدلیه / ۳۶۸	

یزدانی کیومرث / ۲۴، ۱۳۹، ۱۴۵، ۲۲۷، ۲۶۷، ۲۷۰،	یزدی، مرتضی / ۱۱
۳۸۴	یگانه، محمد / ۳۳، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۹،
یزدانی، لیلی / ۲۶۷، ۲۷۰، ۳۸۳	۷۳، ۸۳، ۸۹، ۹۲، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۵۵، ۱۶۲، ۲۷۶،
یزدانی، نادر / ۲۶۷، ۲۷۰، ۳۸۴	۳۷۸، ۳۷۳
یزدانی، نسرین / ۲۶۸، ۳۸۴	یونسکو / ۳۲۲، ۳۲۳
یزدانی، ولی / ۳۵۲	
یزدانی، هژبر / اکثر صفحات	

ضمائم



خبرنامه : ۱۰ خاور و کاسه میوه
 شماره : ۱۰۰۰
 تاریخ : ۱۰۰۰
 محل : تهران

۱. در صورتیکه در هر یک از این دو مورد یکی از این دو شرط برقرار نباشد:

۲. متناظر که فردی را که چون دانسته و او که آردن معجزات بطور مشروح روشن و کر کنید.

(شهر - حیدر - کوچا - بلوک)

۱- **تاریخ**
 ۲- **بازرسی**
 ۳- **تعمیرات**
 ۴- **تعمیرات**
 ۵- **تعمیرات**
 ۶- **تعمیرات**
 ۷- **تعمیرات**
 ۸- **تعمیرات**
 ۹- **تعمیرات**
 ۱۰- **تعمیرات**
 ۱۱- **تعمیرات**
 ۱۲- **تعمیرات**
 ۱۳- **تعمیرات**
 ۱۴- **تعمیرات**
 ۱۵- **تعمیرات**
 ۱۶- **تعمیرات**
 ۱۷- **تعمیرات**
 ۱۸- **تعمیرات**
 ۱۹- **تعمیرات**
 ۲۰- **تعمیرات**
 ۲۱- **تعمیرات**
 ۲۲- **تعمیرات**
 ۲۳- **تعمیرات**
 ۲۴- **تعمیرات**
 ۲۵- **تعمیرات**
 ۲۶- **تعمیرات**
 ۲۷- **تعمیرات**
 ۲۸- **تعمیرات**
 ۲۹- **تعمیرات**
 ۳۰- **تعمیرات**
 ۳۱- **تعمیرات**
 ۳۲- **تعمیرات**
 ۳۳- **تعمیرات**
 ۳۴- **تعمیرات**
 ۳۵- **تعمیرات**
 ۳۶- **تعمیرات**
 ۳۷- **تعمیرات**
 ۳۸- **تعمیرات**
 ۳۹- **تعمیرات**
 ۴۰- **تعمیرات**
 ۴۱- **تعمیرات**
 ۴۲- **تعمیرات**
 ۴۳- **تعمیرات**
 ۴۴- **تعمیرات**
 ۴۵- **تعمیرات**
 ۴۶- **تعمیرات**
 ۴۷- **تعمیرات**
 ۴۸- **تعمیرات**
 ۴۹- **تعمیرات**
 ۵۰- **تعمیرات**
 ۵۱- **تعمیرات**
 ۵۲- **تعمیرات**
 ۵۳- **تعمیرات**
 ۵۴- **تعمیرات**
 ۵۵- **تعمیرات**
 ۵۶- **تعمیرات**
 ۵۷- **تعمیرات**
 ۵۸- **تعمیرات**
 ۵۹- **تعمیرات**
 ۶۰- **تعمیرات**
 ۶۱- **تعمیرات**
 ۶۲- **تعمیرات**
 ۶۳- **تعمیرات**
 ۶۴- **تعمیرات**
 ۶۵- **تعمیرات**
 ۶۶- **تعمیرات**
 ۶۷- **تعمیرات**
 ۶۸- **تعمیرات**
 ۶۹- **تعمیرات**
 ۷۰- **تعمیرات**
 ۷۱- **تعمیرات**
 ۷۲- **تعمیرات**
 ۷۳- **تعمیرات**
 ۷۴- **تعمیرات**
 ۷۵- **تعمیرات**
 ۷۶- **تعمیرات**
 ۷۷- **تعمیرات**
 ۷۸- **تعمیرات**
 ۷۹- **تعمیرات**
 ۸۰- **تعمیرات**
 ۸۱- **تعمیرات**
 ۸۲- **تعمیرات**
 ۸۳- **تعمیرات**
 ۸۴- **تعمیرات**
 ۸۵- **تعمیرات**
 ۸۶- **تعمیرات**
 ۸۷- **تعمیرات**
 ۸۸- **تعمیرات**
 ۸۹- **تعمیرات**
 ۹۰- **تعمیرات**
 ۹۱- **تعمیرات**
 ۹۲- **تعمیرات**
 ۹۳- **تعمیرات**
 ۹۴- **تعمیرات**
 ۹۵- **تعمیرات**
 ۹۶- **تعمیرات**
 ۹۷- **تعمیرات**
 ۹۸- **تعمیرات**
 ۹۹- **تعمیرات**
 ۱۰۰- **تعمیرات**

[illegible]

Handwritten signature and stamp at the bottom of the page.

میزبان تحلیلات پانز کی نام و آدرس و مدارک و تفصیلاً :

[illegible]

۱- چنانچه در حربه - جمیع - انعامه - سیدیکه - گائول - گلوی - بلنگه - هیئت ۲ حربه و سوار سپاس دهنده
 عباس تصویر داشته ۲ در بد موضوع را با ذکر صحت ۳ حسب اول بطور وضوح ذکر نمایند.

در غرب برق غیر حضری داریم

۷- آیا تاکنون بحث تطبیق سیاسی از جزائی واقع شده و معنای دولت دارید به طور واضح طرح رجید

۸. اما نه گون ابرق مر ارجع اتظام و فضائل و کثرت و لشکر و شرفان احضار و عرس و مجال آراستہ و با
با شامہ بھان آمدہ بطور وضوح ذکر نمایند

Composite Error of 1.13% ... PARAGRAPHS 190

تاریخ: ۱۴، ۱۱، ۲۵ء نام و نام خانوادگی: شہر عالم محمد علی

(1)

تجميع لكافة محتويات... ٢٠١٠-٢٠١١... ٢٠١٢-٢٠١٣... ٢٠١٤-٢٠١٥... ٢٠١٦-٢٠١٧... ٢٠١٨-٢٠١٩... ٢٠٢٠-٢٠٢١... ٢٠٢٢-٢٠٢٣... ٢٠٢٤-٢٠٢٥... ٢٠٢٦-٢٠٢٧... ٢٠٢٨-٢٠٢٩... ٢٠٣٠-٢٠٣١... ٢٠٣٢-٢٠٣٣... ٢٠٣٤-٢٠٣٥... ٢٠٣٦-٢٠٣٧... ٢٠٣٨-٢٠٣٩... ٢٠٤٠-٢٠٤١... ٢٠٤٢-٢٠٤٣... ٢٠٤٤-٢٠٤٥... ٢٠٤٦-٢٠٤٧... ٢٠٤٨-٢٠٤٩... ٢٠٥٠-٢٠٥١... ٢٠٥٢-٢٠٥٣... ٢٠٥٤-٢٠٥٥... ٢٠٥٦-٢٠٥٧... ٢٠٥٨-٢٠٥٩... ٢٠٦٠-٢٠٦١... ٢٠٦٢-٢٠٦٣... ٢٠٦٤-٢٠٦٥... ٢٠٦٦-٢٠٦٧... ٢٠٦٨-٢٠٦٩... ٢٠٧٠-٢٠٧١... ٢٠٧٢-٢٠٧٣... ٢٠٧٤-٢٠٧٥... ٢٠٧٦-٢٠٧٧... ٢٠٧٨-٢٠٧٩... ٢٠٨٠-٢٠٨١... ٢٠٨٢-٢٠٨٣... ٢٠٨٤-٢٠٨٥... ٢٠٨٦-٢٠٨٧... ٢٠٨٨-٢٠٨٩... ٢٠٩٠-٢٠٩١... ٢٠٩٢-٢٠٩٣... ٢٠٩٤-٢٠٩٥... ٢٠٩٦-٢٠٩٧... ٢٠٩٨-٢٠٩٩... ٢١٠٠-٢١٠١... ٢١٠٢-٢١٠٣... ٢١٠٤-٢١٠٥... ٢١٠٦-٢١٠٧... ٢١٠٨-٢١٠٩... ٢١١٠-٢١١١... ٢١١٢-٢١١٣... ٢١١٤-٢١١٥... ٢١١٦-٢١١٧... ٢١١٨-٢١١٩... ٢١٢٠-٢١٢١... ٢١٢٢-٢١٢٣... ٢١٢٤-٢١٢٥... ٢١٢٦-٢١٢٧... ٢١٢٨-٢١٢٩... ٢١٣٠-٢١٣١... ٢١٣٢-٢١٣٣... ٢١٣٤-٢١٣٥... ٢١٣٦-٢١٣٧... ٢١٣٨-٢١٣٩... ٢١٤٠-٢١٤١... ٢١٤٢-٢١٤٣... ٢١٤٤-٢١٤٥... ٢١٤٦-٢١٤٧... ٢١٤٨-٢١٤٩... ٢١٥٠-٢١٥١... ٢١٥٢-٢١٥٣... ٢١٥٤-٢١٥٥... ٢١٥٦-٢١٥٧... ٢١٥٨-٢١٥٩... ٢١٦٠-٢١٦١... ٢١٦٢-٢١٦٣... ٢١٦٤-٢١٦٥... ٢١٦٦-٢١٦٧... ٢١٦٨-٢١٦٩... ٢١٧٠-٢١٧١... ٢١٧٢-٢١٧٣... ٢١٧٤-٢١٧٥... ٢١٧٦-٢١٧٧... ٢١٧٨-٢١٧٩... ٢١٨٠-٢١٨١... ٢١٨٢-٢١٨٣... ٢١٨٤-٢١٨٥... ٢١٨٦-٢١٨٧... ٢١٨٨-٢١٨٩... ٢١٩٠-٢١٩١... ٢١٩٢-٢١٩٣... ٢١٩٤-٢١٩٥... ٢١٩٦-٢١٩٧... ٢١٩٨-٢١٩٩... ٢٢٠٠-٢٢٠١... ٢٢٠٢-٢٢٠٣... ٢٢٠٤-٢٢٠٥... ٢٢٠٦-٢٢٠٧... ٢٢٠٨-٢٢٠٩... ٢٢١٠-٢٢١١... ٢٢١٢-٢٢١٣... ٢٢١٤-٢٢١٥... ٢٢١٦-٢٢١٧... ٢٢١٨-٢٢١٩... ٢٢٢٠-٢٢٢١... ٢٢٢٢-٢٢٢٣... ٢٢٢٤-٢٢٢٥... ٢٢٢٦-٢٢٢٧... ٢٢٢٨-٢٢٢٩... ٢٢٣٠-٢٢٣١... ٢٢٣٢-٢٢٣٣... ٢٢٣٤-٢٢٣٥... ٢٢٣٦-٢٢٣٧... ٢٢٣٨-٢٢٣٩... ٢٢٤٠-٢٢٤١... ٢٢٤٢-٢٢٤٣... ٢٢٤٤-٢٢٤٥... ٢٢٤٦-٢٢٤٧... ٢٢٤٨-٢٢٤٩... ٢٢٥٠-٢٢٥١... ٢٢٥٢-٢٢٥٣... ٢٢٥٤-٢٢٥٥... ٢٢٥٦-٢٢٥٧... ٢٢٥٨-٢٢٥٩... ٢٢٦٠-٢٢٦١... ٢٢٦٢-٢٢٦٣... ٢٢٦٤-٢٢٦٥... ٢٢٦٦-٢٢٦٧... ٢٢٦٨-٢٢٦٩... ٢٢٧٠-٢٢٧١... ٢٢٧٢-٢٢٧٣... ٢٢٧٤-٢٢٧٥... ٢٢٧٦-٢٢٧٧... ٢٢٧٨-٢٢٧٩... ٢٢٨٠-٢٢٨١... ٢٢٨٢-٢٢٨٣... ٢٢٨٤-٢٢٨٥... ٢٢٨٦-٢٢٨٧... ٢٢٨٨-٢٢٨٩... ٢٢٩٠-٢٢٩١... ٢٢٩٢-٢٢٩٣... ٢٢٩٤-٢٢٩٥... ٢٢٩٦-٢٢٩٧... ٢٢٩٨-٢٢٩٩... ٢٣٠٠-٢٣٠١... ٢٣٠٢-٢٣٠٣... ٢٣٠٤-٢٣٠٥... ٢٣٠٦-٢٣٠٧... ٢٣٠٨-٢٣٠٩... ٢٣١٠-٢٣١١... ٢٣١٢-٢٣١٣... ٢٣١٤-٢٣١٥... ٢٣١٦-٢٣١٧... ٢٣١٨-٢٣١٩... ٢٣٢٠-٢٣٢١... ٢٣٢٢-٢٣٢٣... ٢٣٢٤-٢٣٢٥... ٢٣٢٦-٢٣٢٧... ٢٣٢٨-٢٣٢٩... ٢٣٣٠-٢٣٣١... ٢٣٣٢-٢٣٣٣... ٢٣٣٤-٢٣٣٥... ٢٣٣٦-٢٣٣٧... ٢٣٣٨-٢٣٣٩... ٢٣٤٠-٢٣٤١... ٢٣٤٢-٢٣٤٣... ٢٣٤٤-٢٣٤٥... ٢٣٤٦-٢٣٤٧... ٢٣٤٨-٢٣٤٩... ٢٣٥٠-٢٣٥١... ٢٣٥٢-٢٣٥٣... ٢٣٥٤-٢٣٥٥... ٢٣٥٦-٢٣٥٧... ٢٣٥٨-٢٣٥٩... ٢٣٦٠-٢٣٦١... ٢٣٦٢-٢٣٦٣... ٢٣٦٤-٢٣٦٥... ٢٣٦٦-٢٣٦٧... ٢٣٦٨-٢٣٦٩... ٢٣٧٠-٢٣٧١... ٢٣٧٢-٢٣٧٣... ٢٣٧٤-٢٣٧٥... ٢٣٧٦-٢٣٧٧... ٢٣٧٨-٢٣٧٩... ٢٣٨٠-٢٣٨١... ٢٣٨٢-٢٣٨٣... ٢٣٨٤-٢٣٨٥... ٢٣٨٦-٢٣٨٧... ٢٣٨٨-٢٣٨٩... ٢٣٩٠-٢٣٩١... ٢٣٩٢-٢٣٩٣... ٢٣٩٤-٢٣٩٥... ٢٣٩٦-٢٣٩٧... ٢٣٩٨-٢٣٩٩... ٢٤٠٠-٢٤٠١... ٢٤٠٢-٢٤٠٣... ٢٤٠٤-٢٤٠٥... ٢٤٠٦-٢٤٠٧... ٢٤٠٨-٢٤٠٩... ٢٤١٠-٢٤١١... ٢٤١٢-٢٤١٣... ٢٤١٤-٢٤١٥... ٢٤١٦-٢٤١٧... ٢٤١٨-٢٤١٩... ٢٤٢٠-٢٤٢١... ٢٤٢٢-٢٤٢٣... ٢٤٢٤-٢٤٢٥... ٢٤٢٦-٢٤٢٧... ٢٤٢٨-٢٤٢٩... ٢٤٣٠-٢٤٣١... ٢٤٣٢-٢٤٣٣... ٢٤٣٤-٢٤٣٥... ٢٤٣٦-٢٤٣٧... ٢٤٣٨-٢٤٣٩...

الحمد لله رب العالمين :

[illegible][illegible][illegible]

110	جستارهای علمی	110	جستارهای علمی
111	ادبیات و هنر	111	ادبیات و هنر
112	تاریخ و جغرافیا	112	تاریخ و جغرافیا
113	فلسفه و منطق	113	فلسفه و منطق
114	ریاضیات و فیزیک	114	ریاضیات و فیزیک
115	علوم اجتماعی	115	علوم اجتماعی
116	علوم طبیعی	116	علوم طبیعی
117	علوم پزشکی	117	علوم پزشکی
118	علوم انسانی	118	علوم انسانی
119	علوم ورزشی	119	علوم ورزشی
120	علوم فناوری	120	علوم فناوری

چکائی بر افش بلبل در شعب
خجسته و شش شاه عباس

۱۳۹۱۰

۱۶۶ گفت و صنعت سنان ۱۸۰۰۰

11/1/44 11/1/44

۱۲ قدسین ۱۱۹۰۰ ۱۱۹۰۰

1970

١١٧

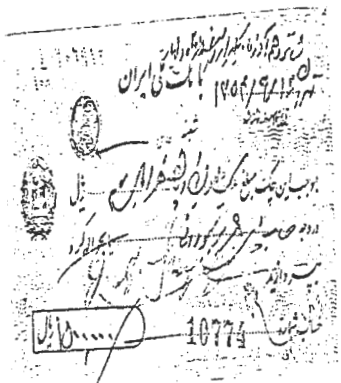
17-18-19-20-21-22-23-24-25-26-27-28-29-30-31-32-33-34-35-36-37-38-39-40-41-42-43-44-45-46-47-48-49-50-51-52-53-54-55-56-57-58-59-60-61-62-63-64-65-66-67-68-69-70-71-72-73-74-75-76-77-78-79-80-81-82-83-84-85-86-87-88-89-90-91-92-93-94-95-96-97-98-99-100-101-102-103-104-105-106-107-108-109-110-111-112-113-114-115-116-117-118-119-120-121-122-123-124-125-126-127-128-129-130-131-132-133-134-135-136-137-138-139-140-141-142-143-144-145-146-147-148-149-150-151-152-153-154-155-156-157-158-159-160-161-162-163-164-165-166-167-168-169-170-171-172-173-174-175-176-177-178-179-180-181-182-183-184-185-186-187-188-189-190-191-192-193-194-195-196-197-198-199-200-201-202-203-204-205-206-207-208-209-210-211-212-213-214-215-216-217-218-219-220-221-222-223-224-225-226-227-228-229-230-231-232-233-234-235-236-237-238-239-240-241-242-243-244-245-246-247-248-249-250-251-252-253-254-255-256-257-258-259-260-261-262-263-264-265-266-267-268-269-270-271-272-273-274-275-276-277-278-279-280-281-282-283-284-285-286-287-288-289-290-291-292-293-294-295-296-297-298-299-300-301-302-303-304-305-306-307-308-309-310-311-312-313-314-315-316-317-318-319-320-321-322-323-324-325-326-327-328-329-330-331-332-333-334-335-336-337-338-339-340-341-342-343-344-345-346-347-348-349-350-351-352-353-354-355-356-357-358-359-360-361-362-363-364-365-366-367-368-369-370-371-372-373-374-375-376-377-378-379-380-381-382-383-384-385-386-387-388-389-390-391-392-393-394-395-396-397-398-399-400-401-402-403-404-405-406-407-408-409-410-411-412-413-414-415-416-417-418-419-420-421-422-423-424-425-426-427-428-429-430-431-432-433-434-435-436-437-438-439-440-441-442-443-444-445-446-447-448-449-450-451-452-453-454-455-456-457-458-459-460-461-462-463-464-465-466-467-468-469-470-471-472-473-474-475-476-477-478-479-480-481-482-483-484-485-486-487-488-489-490-491-492-493-494-495-496-497-498-499-500-501-502-503-504-505-506-507-508-509-510-511-512-513-514-515-516-517-518-519-520-521-522-523-524-525-526-527-528-529-530-531-532-533-534-535-536-537-538-539-540-541-542-543-544-545-546-547-548-549-550-551-552-553-554-555-556-557-558-559-560-561-562-563-564-565-566-567-568-569-570-571-572-573-574-575-576-577-578-579-580-581-582-583-584-585-586-587-588-589-590-591-592-593-594-595-596-597-598-599-600-601-602-603-604-605-606-607-608-609-610-611-612-613-614-615-616-617-618-619-620-621-622-623-624-625-626-627-628-629-630-631-632-633-634-635-636-637-638-639-640-641-642-643-644-645-646-647-648-649-650-651-652-653-654-655-656-657-658-659-660-661-662-663-664-665-666-667-668-669-670-671-672-673-674-675-676-677-678-679-680-681-682-683-684-685-686-687-688-689-690-691-692-693-694-695-696-697-698-699-700-701-702-703-704-705-706-707-708-709-710-711-712-713-714-715-716-717-718-719-720-721-722-723-724-725-726-727-728-729-730-731-732-733-734-735-736-737-738-739-740-741-742-743-744-745-746-747-748-749-750-751-752-753-754-755-756-757-758-759-760-761-762-763-764-765-766-767-768-769-770-771-772-773-774-775-776-777-778-779-780-781-782-783-784-785-786-787-788-789-790-791-792-793-794-795-796-797-798-799-800-801-802-803-804-805-806-807-808-809-810-811-812-813-814-815-816-817-818-819-820-821-822-823-824-825-826-827-828-829-830-831-832-833-834-835-836-837-838-839-840-841-842-843-844-845-846-847-848-849-850-851-852-853-854-855-856-857-858-859-860-861-862-863-864-865-866-867-868-869-870-871-872-873-874-875-876-877-878-879-880-881-882-883-884-885-886-887-888-889-890-891-892-893-894-895-896-897-898-899-900-901-902-903-904-905-906-907-908-909-910-911-912-913-914-915-916-917-918-919-920-921-922-923-924-925-926-927-928-929-930-931-932-933-934-935-936-937-938-939-940-941-942-943-944-945-946-947-948-949-950-951-952-953-954-955-956-957-958-959-960-961-962-963-964-965-966-967-968-969-970-971-972-973-974-975-976-977-978-979-980-981-982-983-984-985-986-987-988-989-990-991-992-993-994-995-996-997-998-999-1000-1001-1002-1003-1004-1005-1006-1007-1008-1009-1010-1011-1012-1013-1014-1015-1016-1017-1018-1019-1020-1021-1022-1023-1024-1025-1026-1027-1028-1029-1030-1031-1032-1033-1034-1035-1036-1037-1038-1039-1040-1041-1042-1043-1044-1045-1046-1047-1048-

1811 1811 1811

...and the fact that the *in vitro* and *in vivo* results are in good agreement.

[illegible]

1712... 1713... 1714... 1715... 1716...



مکاتیب و مکاتبات که در این مورد
در این وزارتخانه در دسترس است
در این وزارتخانه در دسترس است

موضوع: جهت اطلاع و اقدام وزارتخانه
در خصوص: ...

شماره	نام و نام خانوادگی	تاریخ تولد	تاریخ فوت	تاریخ دفن	تاریخ انتقال
1-1111	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
1-1112	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
1-1113	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
1-1114	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
1-1115	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
1-1116	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
1-1117	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
1-1118	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
1-1119	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
1-1120	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ تولد	تاریخ فوت	تاریخ دفن	تاریخ انتقال
1	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
2	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
3	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
4	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
5	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
6	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
7	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
8	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
9	محمد علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11
10	علی	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11	1311/11/11

"IS NOT A DISSIDENT ... ON A JER ... A POLITICIAN A FILM DIRECTOR ...
HE HAS NO FASHIONABLE FRIENDS AND IT IS DOUBTFUL IF DR ...
DAVID ... HAS EVER HEARD OF HIM FURTHERMORE HE IS NOT IN ...
A SOVIET JAIL SO NOBODY'S ATHLETICS FOOT BALL ...
PONS OR WHAT HAVE YOU IS LIKELY TO BE CANCELLED ...
NEVER HE HAS BEEN IMPRISONED IN VIOLATION OF IRAN'S ...
CONSTITUTION IN ORDER TO PLEASE VIOLENT RELIGIOUS FANATICS ...
AND HE IS IN DANGER SINCE NO IRANIAN NEWSPAPER IS ALLOWED ...
TO PRINT THE FACTS WE HAVE TO DO THIS IN A FOREIGN NEWSPAPER ...
HOJABE YAZDANI ...
SO MARRIED WITH SIX CHILDREN HAS BEEN IMPRISONED FOR THE ...
PAST 3 WEEKS ON A CHARGE OF BUILDING ON LAND WITHOUT PERMISSION ...
THIS IS FALSE AND HE HAS OFFICIAL LETTERS FROM THE MINISTRY ...
APPROVING THE WORK. EVEN IF FOUND GUILTY IT IS DOUBTFUL ...
IF THIS WOULD MERIT A PRISON SENTENCE YET HE HAS BEEN DENIED ...
JAIL AND SUBJECTED TO A BARRAGE OF CONSTANT PERSECUTION BY ...
THE OFFICIAL PRESS AND WE HAVE REASON TO BELIEVE THAT HE IS ...
IN GREAT PERSONAL DANGER ...
AS WE ARE DENIED THE OPPORTUNITY TO ASK QUESTIONS IN THE ...
IRANIAN PRESS WE ARE OBLIGED TO DO THIS IN A FOREIGN NEWSPAPER ...
WE WOULD LIKE TO ASK THE PRIME MINISTER OF IRAN THE FOLLOWING ...
QUESTIONS ...
1. WHY IS MR YAZDANI BEING HELD AT ALL?
2. WHAT DOES YOUR GOVERNMENT INTEND TO DO WITH ...
HIM?
3. WHAT DO YOU HOPE TO GAIN FROM ARREST APPRAISING ...
OF THE MOST REACTIONARY AND VICIOUS RELIGIOUS FANATICS IN ...
IRAN?

FRIENDS OF HOJABE YAZDANI

بانک ملی

مرکزی ۱۰ - تاریخ ۱۳۵۴/۱/۱۲

آقای عباس مراقب

حساب جاری شماره ۵۸۳۵۴

بابت وجه چک شماره ۲۳۳۳۳۲ عهده شعب

۸۰۱۰۰ که بدون پرداخت برگشت داده شد

بدرج

جمع مبلغ برون: بیست میلیون ریال

بانک ملی ایران

مرکزی ۱۰ - تاریخ ۱۳۵۴/۱/۱۲

شماره

شماره حساب جاری

شماره چک

بابت وجه چک شماره ۲۳۳۳۳۲ عهده شعب

۸۰۱۰۰ که بدون پرداخت برگشت داده شد

بدرج

جمع مبلغ برون: بیست میلیون ریال

بازرسی و امضاء

تاریخ

مهر

ردیف	شرح	تاریخ	مبلغ	بدهکار	بگیر
۱	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۳	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۴	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۵	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۶	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۷	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۸	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۹	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۰	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۱	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۲	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۳	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۴	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۵	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۶	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۷	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۸	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۱۹	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۰	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۱	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۲	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۳	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۴	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۵	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۶	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۷	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۸	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۲۹	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		
۳۰	انتقال به حساب جاری	۱۳۵۴/۱/۱۲	۸۰۱۰۰		

برگه حساب جاری برای عملیات انتقالی

شماره برگه ۱۳۵۴/۱/۱۲

تاریخ ۱۳۵۴/۱/۱۲

بابت وجه چک شماره ۲۳۳۳۳۲ عهده شعب

۸۰۱۰۰ که بدون پرداخت برگشت داده شد

بدرج

جمع مبلغ برون: بیست میلیون ریال

بازرسی و امضاء

تاریخ

مهر



تخت نیری

هزینه دکتر هالنج در فرانسه	۲۰۰۰۰۰ ریال
هزینه دکتر هالنج اسرائیلی	۵۵۰۰۰۰
مسافرت بیمار اسرائیلی و اقارب	۴۰۰۰۰۰۰
هزینه بیمارستان امریکائی	۱۲۰۰۰۰۰
هزینه مسافرت به طبیبین و هزینه دکتر	۱۰۰۰۰۰۰
خرید و مائل طبی جهت نگهداری بیمار در منزل و عیادت	
دکترهای مختلف	۱۵۰۰۰۰۰
پوششی هزینه یکسال بنده	۲۰۰۰۰۰۰۰
هزینه تحصیل فرزندان برای دیومال	۲۰۰۰۰۰۰۰
بابت حقوق دیومال با سرودن آفای هر برادر دانی	۲۰۰۰۰۰۰۰
بابت حقوق ایام بیماری مدت ۲۰ ماه	۴۰۰۰۰۰۰۰
بابت سهام واگذاری شرکتها	۵۰۰۰۰۰۰۰

محمد حسن کمالی که روزنامه نگار و نویسنده ایران

نام مجری سرکار زیدانی فرزند رحمانی

ام ماه شهراندر سنه ۱۳۱۳ شمسی

دارنده شناسنامه شماره ۱۱۳ از شهر

کوشش کمالی که از ۲۳

۵۷۰۸۰

۲۶/۱/۱۳۱۳

محمد حسن کمالی

۱	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱	۱۳۰۰۰۰۰۰
۲	۱۳۰۰۰۰۰۰	۲	۱۳۰۰۰۰۰۰
۳	۱۳۰۰۰۰۰۰	۳	۱۳۰۰۰۰۰۰
۴	۱۳۰۰۰۰۰۰	۴	۱۳۰۰۰۰۰۰
۵	۱۳۰۰۰۰۰۰	۵	۱۳۰۰۰۰۰۰
۶	۱۳۰۰۰۰۰۰	۶	۱۳۰۰۰۰۰۰
۷	۱۳۰۰۰۰۰۰	۷	۱۳۰۰۰۰۰۰
۸	۱۳۰۰۰۰۰۰	۸	۱۳۰۰۰۰۰۰
۹	۱۳۰۰۰۰۰۰	۹	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۰	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۰	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۱	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۱	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۲	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۲	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۳	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۳	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۴	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۴	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۵	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۵	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۶	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۶	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۷	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۷	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۸	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۸	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۹	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۹	۱۳۰۰۰۰۰۰
۲۰	۱۳۰۰۰۰۰۰	۲۰	۱۳۰۰۰۰۰۰

۱	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱	۱۳۰۰۰۰۰۰
۲	۱۳۰۰۰۰۰۰	۲	۱۳۰۰۰۰۰۰
۳	۱۳۰۰۰۰۰۰	۳	۱۳۰۰۰۰۰۰
۴	۱۳۰۰۰۰۰۰	۴	۱۳۰۰۰۰۰۰
۵	۱۳۰۰۰۰۰۰	۵	۱۳۰۰۰۰۰۰
۶	۱۳۰۰۰۰۰۰	۶	۱۳۰۰۰۰۰۰
۷	۱۳۰۰۰۰۰۰	۷	۱۳۰۰۰۰۰۰
۸	۱۳۰۰۰۰۰۰	۸	۱۳۰۰۰۰۰۰
۹	۱۳۰۰۰۰۰۰	۹	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۰	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۰	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۱	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۱	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۲	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۲	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۳	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۳	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۴	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۴	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۵	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۵	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۶	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۶	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۷	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۷	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۸	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۸	۱۳۰۰۰۰۰۰
۱۹	۱۳۰۰۰۰۰۰	۱۹	۱۳۰۰۰۰۰۰
۲۰	۱۳۰۰۰۰۰۰	۲۰	۱۳۰۰۰۰۰۰

۱. نام و نام خانوادگی: ...	
۲. تاریخ تولد: ...	
۳. محل تولد: ...	
۴. وضعیت تحصیلی: ...	
۵. وضعیت شغلی: ...	
۶. وضعیت خانوادگی: ...	
۷. وضعیت مالی: ...	
۸. وضعیت اجتماعی: ...	
۹. وضعیت فرهنگی: ...	
۱۰. وضعیت سیاسی: ...	
۱۱. وضعیت مذهبی: ...	
۱۲. وضعیت سایر: ...	

۱. نام و نام خانوادگی: ...	۲. تاریخ تولد: ...	۳. محل تولد: ...	۴. وضعیت تحصیلی: ...	۵. وضعیت شغلی: ...	۶. وضعیت خانوادگی: ...	۷. وضعیت مالی: ...	۸. وضعیت اجتماعی: ...	۹. وضعیت فرهنگی: ...	۱۰. وضعیت سیاسی: ...	۱۱. وضعیت مذهبی: ...	۱۲. وضعیت سایر: ...
----------------------------	--------------------	------------------	----------------------	--------------------	------------------------	--------------------	-----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	---------------------

۱. نام و نام خانوادگی: ...	۲. تاریخ تولد: ...	۳. محل تولد: ...	۴. وضعیت تحصیلی: ...	۵. وضعیت شغلی: ...	۶. وضعیت خانوادگی: ...	۷. وضعیت مالی: ...	۸. وضعیت اجتماعی: ...	۹. وضعیت فرهنگی: ...	۱۰. وضعیت سیاسی: ...	۱۱. وضعیت مذهبی: ...	۱۲. وضعیت سایر: ...
----------------------------	--------------------	------------------	----------------------	--------------------	------------------------	--------------------	-----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	---------------------

۱. نام و نام خانوادگی: ...	۲. تاریخ تولد: ...	۳. محل تولد: ...	۴. وضعیت تحصیلی: ...	۵. وضعیت شغلی: ...	۶. وضعیت خانوادگی: ...	۷. وضعیت مالی: ...	۸. وضعیت اجتماعی: ...	۹. وضعیت فرهنگی: ...	۱۰. وضعیت سیاسی: ...	۱۱. وضعیت مذهبی: ...	۱۲. وضعیت سایر: ...
----------------------------	--------------------	------------------	----------------------	--------------------	------------------------	--------------------	-----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	---------------------

چهرہ ما و خبرها

نوشابه آمیزی



تکثیرهایی که پراکنش، مهاجرت و مرز حدود ۱۰ میلیون تومان قیمت دارد

[illegible]

الیات بر جمع درآمد هر یزدانی بالغ بر
 یون ریال و مالیات درآمدهای دیگر یون
 یون نپرداخته است ، بالغ بر میلیونها تومان
 بود.

سکونت هزاره یسزدانی دارند. همچنین علاوه بر دریافت برنج در آمد یی دیگری نسبت به درآمدهای قبلی دارند. کارشناسان وزارت کار اقتصادی و دارایی اعلام کرد با وصول عوارض داشت از چنانچه ۱۵۰ میلیارد تومان به بخش تعینات حقوق مالیاتی در استفاقی حقوق عوارض دولت

ناهمبرده صادر گردد. در حالی
حاضر با برسرپانه‌ای که ۳۰۰
آمده حدود ۲۰۰ میلیون دلار
برای هژور جهانی مالیات بر
درآمد تقسیم دهمسیون
مالیاتی که وی از درآمد
دیگر خود باید بدولت
نیز از میوه‌ها تسوآن
خواهد کرد.

[illegible]

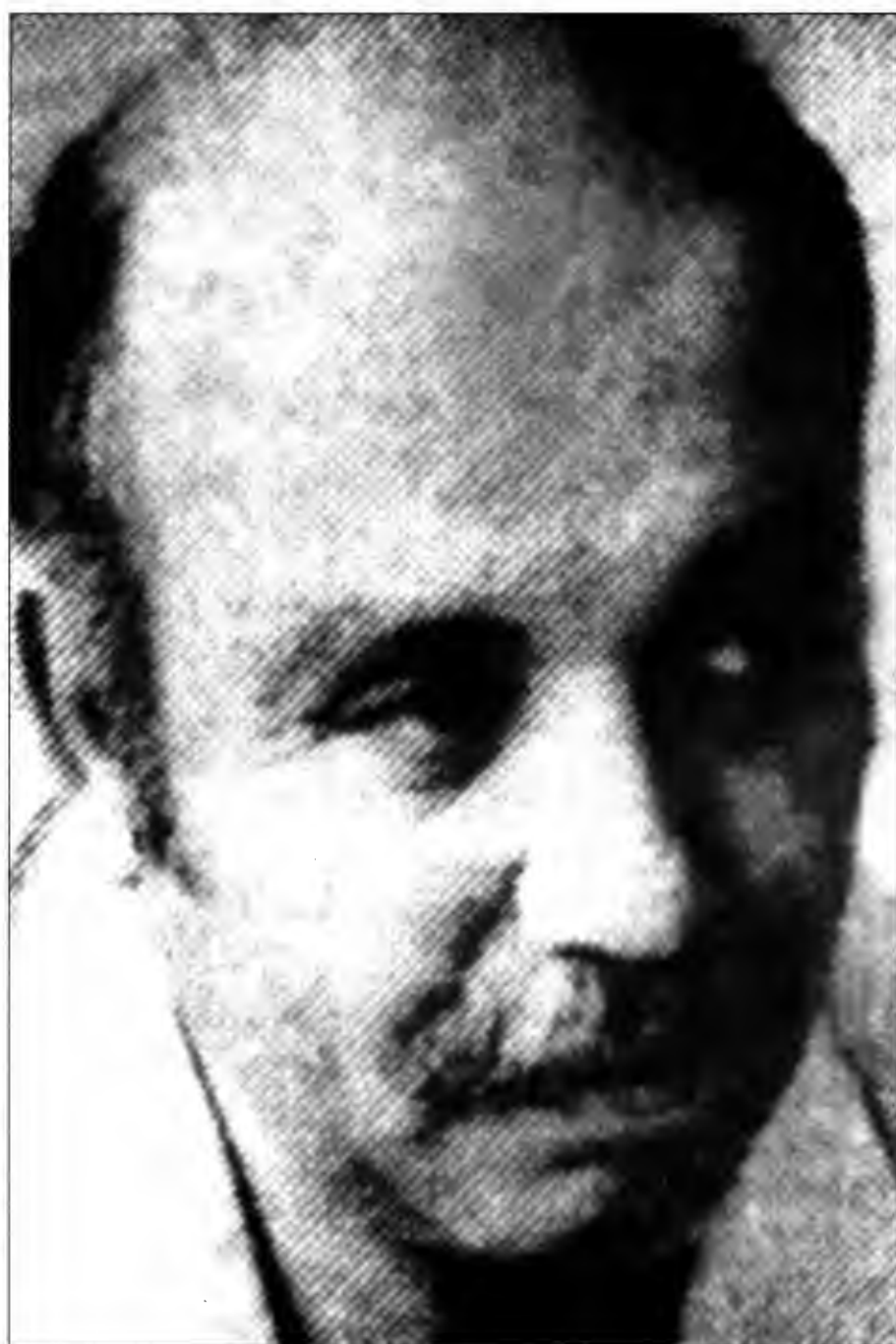
عکس‌ها







هژبر یزدانی در کنار هوشنگ نهاوندی





هژیر در دادگستری تهران



هژبر در یک مراسم مهمانی



هژیر یزدانی به همراه همسرش



هژیر یزدانی به همراه میهمانان در هتل شیرایتون

هژبر یزدانی در حال سخنرانی





ہوٹو یزدانی و مریم اقبال



هژبر یزدانی در حال سخنرانی



همزیر یزدانی و طرخ رویارسی

هزبر یزدانی و فرخ رویارسانی





هزبر يزداڼی و هوښگ نهاوندی



هزبر پردانی و منوچهر اقبال

کتابخانه شخصی
آیت الله العظمی
امام خمینی



هژبر یزدانی و منوچهر اقبال



هزبر يزداڼی و منوچهر اقبال



مؤید یزدانی - نفر دوم از سمت راست



مؤیر یزدانی به همراه میهمانان خارجی

محمد زکریا

کمیٹی کی تجویز پر
تفصیلی رپورٹ



ہزبر بزنامی و منوچہر اقبال و دخترش (مریم اقبال)